



دوشنبه ۱ فروردین تا چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۱ برابر چهارشنبه ۲۰ مارس و آوریل ۲۰۲۲

شماره ۱

امیر جواهری لنگرودی

haftegi_kargari@yahoo.com

info@karegari.com

یادداشت :

اینان هراس شان زیگانگی ماست، باید یکی شویم!

از فروردین ماه گذشتیم و به ماه اردیبهشت ۱۴۰۱ وارد شدیم. برای من که به طور روزمره فعل و انفعالات خبری جنبش مزد و حقوق بگیران ایران را دنبال می‌کنم، دور از ذهن نبود که در مقابل انباشت مطالبات بی پاسخ مانده گروه‌بندی‌های مطالبه‌گر جامعه طی سال گذشته، اعتراضات گسترده معیشتی به این شکل، از ابتدای سال ۱۴۰۱ شاهد باشیم و می‌رود که از اردیبهشت ماه وسیع تر و گسترده تر تمامیت جغرافیای ایران را پوشش دهد. همین جا با صدای بلند اعلان می‌دارم: این درد مشترک، هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود/ دشوار زندگی، هرگز برای ما، بی رزم مشترک، آسان نمی‌شود!

اخبار فروردین امسال همچون خبرهای روز شمار سال گذشته نشان می‌دهد، صف مستقل کارگران و فرهنگیان و هرنیروی مطالبه‌گر که برای دست یافتن به خواسته خود، دست به اقدام می‌زند - علیرغم داشتن خواسته‌های مشترک مثلاً: (پیرامون آزادی هم طبقه‌ای‌های زندانی بعبارتی آزادی و لغو احکام صادره برای فعالین مطالبه‌گر - آزادی بی قید و شرط تشکل یابی مستقل - دشواری امنیت شغلی، مسئله همسان سازی - بازگشت برسرکار و جلوگیری از اخراج‌ها - مبارزه با کالایی سازی و واگذاری همه ضمایم نیروی کار به دست بخش خصوصی و سپردن حوزه کنترل آنها به دست مافیای پیمانکاران رانت خوار - رودررویی در برابر تورم نقطه به نقطه و مبارزه برای مزد برابر در مقابل کاربرابر - یا دستمزد شایسته - فرصت‌های شغلی برابر فارغ از جنسیت - برخورداری از سلامت و بهداشت رایگان - بیمه همگانی و رایگان و بیمه

بیکاری مکی و تامین بیمه دوران بیکاری و سایر امور مشترک...) همواره جداگانه در سطح شهرها و استان و کشور دست به اقدام می‌زنند و با توجه به فرازهای یاد شده، همچنان زیرچکمه سرمایه‌داری حاکم، سرکوب شده، عملاً پاسخ نمی‌گیرند. بی هیچ تردیدی هر یک آنان نمی‌توانند بدون همبستگی و جای نگرافتن در پیکره سراسری و واحد و همبستگی فزاینده به نتایج دلخواه خود دست یابند.

چه چیزی می‌تواند این مجموعه تحرکات پراکنده را به نتیجه قانونمند مبارزه مشترک و هدفمند برساند؟ برای من تیترا انتخابی بیش از هر چیزی این مضمون عمومی جنبش عظیم طبقاتی را با خود دارد - یکی شویم - ملازمه این یکی شدن در بطن تعریف معنایی - کارگر متشکل همه چیز و کارگر متفرق هیچ چیز - همواره و بیش از اقدامی، پاسخ لازم را به این پرسش اساسی می‌دهد: «این درد مشترک، هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود. دشوار زندگی، هرگز برای ما، بی رزم مشترک، آسان نمی‌شود».

باید برای کارکرد عملی آن دست به اقدام زد و با تقویت همگرایی‌های گسترده دست به کار شد. مبارزات جاری در پیگرد تحرکات میدانی و خیابانی، زمینه مناسبی برای تحقق سازمانیابی لازم و ضروری است. واقعیت این است که توده عظیم مزد و حقوق بیگران در شرایط کنونی با مشکل پراکندگی مواجه اند و این مسئله خود هشدار است که علی‌رغم ادامه کاری و از خودگذشتگی و مبارزه مستمر و روزانه و علی‌رغم اعلام همبستگی و همدلی آشکار و واقعی میان فعالان جنبش‌های اجتماعی، بدون یک همکاری جدی و سازمان‌یافته و سراسری در میان تمامی کارگران و زحمت‌کشان، قادر به مقابله با سیاست‌های ضدکارگری حاکمیت سرمایه داری و تغییر شرایط موجود نخواهیم بود. باید تنها با برجسته کردن توقف نیروهای سرکوب، احضارها - بازداشت و زندان کشاندن‌ها و اخراج‌ها و بیکارسازی و حتی تبعید، همه موانع را در این جبهه دید یا گفت و گیرهای دیگری نیز در این موانع تراشی عمل می‌کنند؛ جای دارد که همه این موانع بدون کمترین چشم پوشی به عینه در سطح جنبش بازتاب یابد تا الزامی برای تقویت همگرایی‌ها در سطح جنبش مطالباتی سال پیشروی در اول ماه مه امسال ۱۴۰۱ بیش از پیش تجلی پرشکوه خود را به نمایش گذارد.

چه نیک گفته است، ابوالقاسم لاهوتی:

بهر آزاد شدن، در همه روی زمین

از چنین ظلم و شقا

چاره رنجبران، وحدت و تشکیلات است.

روزشمار کارگری فروردین ۱۴۰۱

***- شادباش نوروزی کانون نویسندگان ایران:**

اکنون که در واپسین ساعت های سال ۱۴۰۰ خورشیدی ایستاده‌ایم، در پایان سالی که با اندکی شادمانی و انبوهی رنج بر ما گذشت، قرنی را نیز پشت سر می‌گذاریم که با شور و شوق آزادی و تجدد آغاز شد و با استبداد و تحجر به پایان رسید. با این همه، نومید نیستیم، زیرا به قول شاعر بزرگ ما احمد شاملو "نومید مردم را، معادی مقدر نیست". اکنون که به فریاد می‌نگریم، در قرنی که پشت سر نهادیم، از بارها زمین خوردن و دست بر زانو نهادن

و برخاستن، تجربه‌ها اندوختیم. مردم ما اگر میدان سیاست را باختند، در میدان دانایی و فرهنگ کم‌بهره نبودند. هنر و ادبیات نوین ما، بازتاب میل و اراده‌ی مردمی است که خود را شایسته‌ی زندگی در کشوری آزاد و پیشرو، با فرهنگی بالنده و روزآمد می‌دانستند و می‌دانند؛ مردمی که در سال‌های اخیر در صفوفی فشرده‌تر، با اتکا به نهادها و تشکلهای صنفی مستقل خود، نه تنها برای تامین منافع صنفی، بلکه برای رهایی کشور از استبداد مبارزه کردند .

در سالی که گذشت، فقر و فلاکت، تورم و بیکاری، و تبعیض و بی‌عدالتی، چهره‌ی کریه خود را بیش از پیش به اکثریت عظیمی از مردم نشان داد. خانواده‌هایی را از هم پاشاند، کودکانی را از تحصیل باز داشت، بیمارانی را به علت ناتوانی از تأمین هزینه‌های دارو و درمان به کام مرگ فرستاد و جوانان فرهیخته‌ی بسیاری را برای دستیابی به آینده‌ای روشن، ناگزیر به ترک یار و دیار کرد.

در سالی که گذشت، سانسور و سرکوب آزادی بیان همچنان ادامه داشت و گاه حتی رکوردهای تازه‌ای از خود بر جا گذاشت، تا جایی که صدای اعتراض برخی از تن‌دادگان به سانسور را بلند کرد .

سالی که گذشت یکی از اندوه‌بارترین سال‌ها برای کانون نویسندگان ایران بود. چندین تن از اعضای کانون، همه‌ی سال، یا بخشی از آن را در زندان گذراندند و یکی از آنان، بکناش آبتین، بر اثر بی توجهی عامدانه‌ی زندانبانان جان جوان و گرمی‌اش را از دست داد .

در سالی که گذشت، آتش خانمان‌سوز جنگ در نقاطی از خاورمیانه همچنان شعله‌ور بود و رویای صلح جهانی با فاجعه‌ی جنگ روسیه و اوکراین بیش از پیش به مخاطره افتاد .

باری، اکنون اما در آستانه‌ی بهار و نوروز، شرح درد و رنج از این بیش زیبنده نیست. باشد که نوروز و نسیم بهاری بر جان‌های ما همان گونه وزیدن گیرد که بر زمین سرمازده و طبیعت بی‌جان؛ تا باردیگر همچون سبزه از خاک سر برآریم و، همچون درخت بشکوفیم و، همچون پرندگان خوش‌آواز، سرود شادمانی و آزادی سر دهیم.

کانون نویسندگان ایران، نوروز را به مردم ایران و همه‌ی کسانی که در هر جای دنیا نوروز را جشن می‌گیرند، شادباش می‌گوید و برای آن‌ها سالی سرشار از رفاه، تندرستی، شادمانی، صلح و آزادی آرزو می‌کند .

کانون نویسندگان ایران، نوروز ۱۴۰۱

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به نوشته کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، در تاریخ روز دوشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید کیانوش سنجری، خبرنگار سابق صدای امریکا بعد از ۵ سال زندان، توانست مجوز خروج از کشور را به دست آورد و ایران را ترک کند.

یادداشت کارگری هفته

بِأَمْرِ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ !

امیرجواهری لنگرودی



سالی نو باز آمد، و «حضرت آقا» بخت و اقبال و رخت نو به تن جامعه نکرد که هیچ، از نو «اشتغال آفرینی» از جنس «تولید» - و لابد تولید وطنی آفتابه و لگن - از قبیله «دانش بنیان» - و لابد دانشی که در انحصار سپاهیان انقلاب اسلامی است - را بر زمین زد تا در تمام سال ۱۴۰۱ «اشتغال» آفرینان، از کار باز نمانند و هی تولید و تولید کنند و ما مجبور نباشیم، بیل و گریز، جا نماز، مُهر، چادرمشکی، انواع پارچه، لوازم التحریر، کیف و کفش، سوزن، میل بافندگی، انواع گوشی موبایل، انواع قطعات و لوازم جانبی موبایل و کامپیوتر، انواع قطعات ساختمانی و لوازم خانگی، لوازم جانبی اتومبیل، انواع وسایل روشنایی و لامپ، لباس مردانه و زنانه، کاغذ دیواری و موارد مشابه و بیشمار اقلام وارداتی را در پی انعقاد قرارداد ۲۵ ساله از چین - علیرغم اینکه تاکنون ابعاد این میثاق ۲۵ ساله برای افکار عمومی جامعه روشن نشده است - و ماچین به سه روش هوایی، دریایی و زمینی، از گمرک‌های مهم زیر، به عنوان کالاهای حلال وارد کشور اسلامی‌مان کنیم.

۱- بندر امام خمینی ۲- منطقه آزاد تجاری چابهار ۳- منطقه ویژه بوشهر ۴- غرب تهران ۵- گمرک منطقه ویژه شهید رجایی ۶- فرودگاه امام خمینی ۷- منطقه ویژه اقتصادی بم و دهها منطقه آزاد و ویژه که علاوه بر صدها اسکله غیر مجاز و نامشخص سپاه مشغول واردات کالا هستند؛ می‌گویند: امروز چین ۴۵٪ کشتی‌های جهان، ۵۰٪ ذغال‌سنگ، ۶۰٪ سیمان، ۷۰٪ تلفن همراه، ۸۰٪ دستگاه تهویه مطبوع و ۸۰٪ لامپ کم‌مصرف و... را می‌سازد و صادر می‌کند و دولت ما - به عنوان بزرگترین کارفرما - و کارفرمایان و تجار بخش خصوصی هم در این میان از همان‌ها به کشور وارد می‌کنند. باید گفت: خامنه‌ای همواره تلاش دارد که لاطائلاتی را به نام پیام نوروزی با نامگذاری میز و بی معنی، تحویل مردم دهد و دیگر هیچ! خامنه‌ای در پیام آغاز سال ۱۴۰۱ سال جدید را سال «**تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین**» نام گذاری کرد. (۱)

خامنه‌ای در صحبت‌های آغاز امسال همه مسائل اقتصادی را حل کرد. اگر اقتصاد بر پایه تولید دانش بنیان قرار گیرد، همه مشکلات کشاورزان، از قبیل بی‌آبی و بهره‌وری کم، حل خواهد شد. کشاورزی دانش بنیان یعنی کشاورزی مکانیزه در مقیاس بزرگ و ربطی به کشاورزان کوچک ندارد. کشاورزان با افزایش کشاورزی مکانیزه، فقیرتر و بدبخت‌تر خواهند شد. یک مشت دزد در رأس شرکت‌های بزرگ مکانیزه قرار می‌گیرند و با کمک سپاه و بسیج و مأموران اطلاعات، با تکیه بر شعار رهبر الدنگ که تولید را باید افزایش دهیم، کارگران را سرکوب می‌کنند. همانطور که یکشنبه‌های اعتراضی کشاورزان اصفهانی را در سال گذشته با ساچمه‌ها و سرب داغ پاسخ دادند.

مثل همه دیکتاتورها به جای «من» می‌گوید: «ما!» «ما این سال را به سال دانش بنیان مزین می‌کنیم.» (از صحبت‌های خامنه‌ای به مناسبت روز اول سال). این سال، سال فشار مضاعف بر طبقه کارگر و بدبخت‌تر شدن کشاورزان فقیر خواهد بود. افزایش تولید و استفاده از اقتصاد دانش بنیان زمانی برای کارگران مفید خواهد بود که با نظارت خود آنها و قطع دست

انگل‌های واسطه و کارفرما همراه باشد. خامنه‌ای در سخنرانی خود هیچ اشاره‌ای به این همه فساد و دزدی در دستگاه‌های مختلف کشور که ذاتی نظام اسلامی است بر زبان نرانده است.

چه نیک گفته‌اند: "سالی که نکوست از بهارش پیداست." این نامگذاری‌های متواتر سالیانه خامنه‌ای هیچ دردی از تخریب تولید داخل کشور طی این سال‌ها دوا نکرده، در اساس نه تنها مشکلی را حل نکرده بلکه ابزاری است برای دکانداران دینی که از فردا با راه انداختن همایش‌ها و داد و بیداد در نمازهای جمعه، از این رسانه به آن رسانه، چند صباحی میدان‌داری کنند و در هر دکان دو نبشی در منقبت «تولید»، «اشتغال آفرینی» و «دانش بنیانی»، از چرخه ورشکسته تولید کشور، سخن برانند.

خامنه‌ای با نامگذاری نروزی هر سال، خط فعالیت و اهداف آن سال را، به زعم خود، برای کارگزاران دولت و بخش خصوصی و مافیای سرمایه‌داران نظام مشخص می‌کند؛ به عنوان مثال سال ۱۳۹۶ با شعار: «اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال» و سال ۱۳۹۷ را با عنوان «حمایت از کالای ایرانی» خواند. سال ۱۳۹۸ را نیز سال «رونق اقتصادی» نامید و سال ۱۳۹۹ را «جهش تولید» نام نهاد!

در سال «جهش تولید» سال ۹۹ جامعه ما از دو سو، به بهانه تحریم ایالات متحده آمریکا و پایان طلسم برجام توسط ترامپ از یک سو، و از سوی دیگر با شیوع کرونا و گسترش کووید ۱۹ برتمامیت جامعه، با تعطیلی کارگاه‌های تولیدی و ورشکستگی صنایع تولیدی، محدودیت خرید و فروش درون متروها، پهن نشدن بساط دست فروشان و دعوت آنان به خانه نشینی، بدون در نظر گرفتن کمترین پرداختی برای گذران زندگی آنان توسط دولت، با افزایش بیکاری و بازماندن چرخه تولید مواجه بود که پیشروی سیاست «جهش تولید» را ناکام گذاشت و تمام سال با سطوح درهم تنیده فقر، تورم نقطه به نقطه، گسترش اختلاس، قاچاق و ناکامی در بهبود وضعیت پرستاران و همچنین بهیاران، چه در مقطع کرونا و چه در دوران فروکش کردن کرونا با گسترش بیکاری پرستاران و بلا تکلیفی وضعیت امنیت شغلی آنان - که از استخدام محروم ماندند و به خواسته‌هایشان پاسخ داده نشد، مواجه شدیم - برخی از آنان مجبور به مهاجرت شدند. عدم توجه به خواسته‌های معلمان شاغل و آموزشیاران نهضت سواد آموزی، معلمان قراردادی و غیررسمی و غیر استخدامی، مریبان پیش دبستانی، نیروهای رسمی معلمان، نیروهای موظف و غیرموظف، معلمان حق‌التدریسی، معلمان خرید خدمت، معلمان شاغل حق‌التدریس، سرباز معلمان، مدرسین طرح امین، مدرسین قرآن، معلمان بازنشسته‌ی حق‌التدریسی، پاره وقت از یک سو و بی توجهی به مطالبات کارگران فولاد، هپکو، آذرب، هفت تپه، شرکت واحد، معادن، پتروشیمی و گاز و نفت و بلا تکلیفی وضعیت بازنشستگان، بی پایگی چرخه سیاست خصوصی‌سازی که منتهی به اعتراضات وسیع و گسترده کارگران نیشکر هفت تپه و دیگر صنایع شد... سویه دیگر این فشار بود که پیمانکاران با رانت خواری فزاینده ماه‌ها و ماه‌ها وای بسا در تمام طول سال با نادیده گرفتن تعهدات خود در قبال کارگران مانند پرداخت نکردن حقوق معوقه رفتگران و کارگران بخش خدمات شهرداری که به دروغ به آن‌ها «پاک بان» می‌گویند، و نادیده گرفتن تضمین امنیت شغلی آنان در شرایط دشوار کرونایی، اعتراضات کارگران صنایع پتروشیمی و نفت و گاز در برابر همین مهره چینی سرداران بازنشسته سپاهی و آفازاده‌ها که درهیکل وجودی پیمانکاران ظاهرمی‌شوند؛ همه آنان مضحکه شعار «جهش تولید» را به هیچ گرفتند و تمام سال ۹۹ امر گسترش جهش به فرموده حضرت آقا، افزایش تولید، مالید و سوخت و دود شد و دست عوامل سرکوب نیروهای امنیتی برای رودرویی با زنان سرپرست خانواده، پرستاران و بهیاران، کارگران، معلمان، بازنشستگان، کولبران و سوختبران باز گذاشته شد که در روزشمار جنبش کارگری سال ۹۹ همه ابعاد آن آمده است!

بعد که به سال ۱۴۰۰ ورود کردیم، با همه نامگذاری بی بو و خاصیت و تلخ کامی‌های سال‌های پیش، خامنه‌ای باز هم سال جدید را با شعار «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع زدایی‌ها» نامگذاری کرد.

همه این نامگذاری‌ها جهش در تاریکی است تا از قافله عقب نمانند و دم از پشتیبانی از تولید و مانع زدایی از آن بزنند، لابد بازهم در جهت تعالی اقتصاد مقاومتی که تحمیل سیاست‌های ریاضت اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است، همچنان به عنوان یک شعار برای سال جدید نیز تحت تعقیب حضرتش قرار گیرد.

به طوری که خامنه‌ای در همین پیام امسال باز یادآور شد: «ما در سال‌های گذشته هر سال یک عنوانی را با نام شعار سال مطرح کردیم برای اینکه مسئولین، عمدتاً قوه مجریه و درحاشیه آن، قوه مقننه و قوه قضائیه و همچنین احاد مردم – آن جایی که به مردم ارتباط مستقیم پیدا می‌کند – در این جهت حرکت نکنند. در بعضی از سال‌ها توفیقات خوبی هم در این زمینه به دست آمده. بعضی جاها هم البته در بعضی سالها کم‌کاری‌هایی وجود داشته که در سال ۱۴۰۰ ما مسئله‌ی تولید، مانع‌زدایی‌ها و پشتیبانی‌ها را مطرح کردیم. کارهای خوبی هم نسبتاً انجام گرفته که بازهم ادامه دارد و بایستی ادامه پیدا کند. بنابراین امسال ما شعارمان باز تأکید روی تولید است... البته من درخواست مؤکد دارم، سال گذشته هم این را گفتم که اکتفا نکنند دوستان به اینکه حالا روی کاغذهای سربرگ‌های دستگاه‌های گوناگون بنویسند این عبارت را یا مثلاً فرض کنید که یک تابلو درست کنند در خیابان مثلاً بزنند؛ اینها کار نیست.» (منبع پیشین)

خوب ببینیم که سال ۱۴۰۰ در پهنه عمومی جامعه چه اتفاق افتاد؟ سال پشت سر گذاشته، سال بن بست تمام عیار نظام بود. حاکمیت تلاش کرد کل آپارات نظام (دولت-مجلس-قوه قضائیه) را یکدست کند. علیرغم اینکه مردم انتخابات را تحریم گسترده کردند، ابراهیم رئیسی - قاضی مرگ و از سرجنابانان کشتار دهه شصت و تابستان خونین ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت – را با کمترین آرای مأخوذه منصوب کردند و الان با بازگرداندن دگرباره برجام دارند دست و پا می‌زنند. پیکره هدایت گری مجلس اسلامی را به دست باقرقالیباف - قاتل فرزندان مردم در کوی دانشگاه و از سران دزدان و زمین خواران شهرداری کلان شهرتهران – سپردند و دستگاه قضایی را به قصابی با مشخصه محسنی ازهای واگذار کردند و اقتصاد کشوری که تورم انفجاری طی چند سال متوالی به مرز پنجاه درصد (۵۰٪) می‌رسد، قدرت خرید مردم را به صفر کاهش داده وبی خانمانی و بی مسکنی را بر مردم تحمیل کردند و حاشیه نشینی را وسعت دادند. میزان حاشیه نشینی در کشور به ۴۵ درصد رسیده است. اگر این ۴۵ درصد را نسبت به جمعیت ۸۵ میلیون نفری ایران حساب کنیم، امروز بیش از ۲۸ میلیون نفر حاشیه نشین و بدمسکن هستند که نشان می‌دهد میزان حاشیه نشینی در کشور به دلیل سیاستهای غلط و مشکلات اقتصادی افزایش معناداری داشته است، در همین رابطه حاشیه شهر تهران بیش از پنج میلیون نفر زندگی می‌کنند. ۴۰ درصد جمعیت مشهد و نیمی از جمعیت بندرعباس نیز حاشیه‌نشین به شمار می‌روند. این همه نارضایتی را در سطح عمومی جامعه تشدید کرده و در همه ابعاد جامعه با ضریب انفجاری روبرو هستیم، بیش از پیش به آتش به اختیاران سپاه سپردند تا غارت را تشدید کند.

خامنه‌ای در پیام امسال، در مقابل رشد فزاینده آنچه در پهنه جامعه ما دیده می‌شود، که مردم از هر سو، کل نظام را نشانه گرفته‌اند، پیش‌دستی می‌کند و می‌گویند: «تلخی‌هایی هم داشتیم، که از بین همه‌ی تلخی‌ها، آنی را که از همه به نظر من سخت‌تر و مهمتر است عرض می‌کنم و آن تنگی معیشت مردم، مسئله‌ی گرانیها و تورم و این چیزها بود که خب باید حتماً علاج بشود.» [اینها] چیزهای علاج‌پذیری است، مشکلات اقتصادی است که ما امسال امیدواریم بخشی از اینها برطرف بشود، چون همه‌ی اینها دفعتاً برطرف نمی‌شود، به تدریج برطرف خواهد شد. این که آدم عجله کند، بگوید نه‌خیر، به همین زودی، واقع‌بینانه نیست. لکن ان‌شاءالله امیدواریم بعضی از اینها در طول ۱۴۰۱ که سال اول قرن هم هست – قرن پانزدهم هجری شمسی – ان‌شاءالله برطرف بشود» (ماخذ پیشین).

از زبان مادران سیه پوش دادخواه باز و بارها این شعر شاملو را می‌آورم:

... باش تا نفرین دوزخ از تو چه سازد،

که مادران سیاهپوش - داغداران زیباترین فرزندان آفتاب و باد - هنوز از سجاده‌ها

سر بر نگرفته‌اند!

مادران داغدار و دادخواه که در پی هرنماز، ترجیع بند **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**، آقا را سر می دهند و مردم زحمتکش در مصاف نابرابر شهری با شعار: «مرگ برخامنه‌ای» نابودی‌اش را مطالبه دارند. یعنی اینکه مردم منتظرند حلوی آقا را بپزند. حضرت آقا در خلوت بست نشینی خویش، رفع «بعضی از تلخی‌های سال» را به قرن جدید حواله می‌دهد!

اگر واقع بینانه نظر افکنیم، شعار «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع زدایی‌ها» در جوهره سال ۱۴۰۰ را می‌توان بدون کمترین اغماض به عنوان سال مرگ - چه از قبل کرونا و ممنوعیت فرمان خامنه‌ای برای ورود به موقع واکسن‌ها و پس از آن - سال اعدام‌های پی درپی، قتل‌های بی حساب، احضارها، بازداشت‌ها، زندان و تبعید، فقر، بیکاری فراگیر، بیماری و کمبود دارو، افزایش تورم و گرانی، برچیدن و تهاجم به کسب و کار زنان فروشنده در متروها و حمله به بساط دستفروشان، فساد فراگیر حاکمیت، دروغ و نیرنگ حاکمان، دخالتگری در جنگ‌های نیابتی، مشارکت با تروریست‌های منطقه و هرچه از بدی و زشتی و ناسپاسی علیه مردم جامعه ما که می‌توان تصور کرد، در خاطره تلخ سیاهه تباه نظام در تمامیت یکسال گذشته دید؛ قطار زندگی مردم لنگ لنگان به سال ۱۴۰۱ ورود می‌کند!

اما از حق نباید گذشت. در کناره‌ها پلشتی‌های بی پایان حکومت در سال ۱۴۰۰ همچنان شعله زیبایی‌ها نیز در گوشه و کنار جامعه ما زبانه می‌کشید و رقص شعله‌ور مبارزه و پیکار و کار دم به دم زحمتکشان در شعار: «تنها کف خیابون، به دست میاد حقمون» تجلی بخش بود. بی هیچ اغراقی، روزی نبود که شاهد حرکت اعتراضی اردوی رنج و کار جامعه در خیابان‌ها، برابر مجلس اسلامی، ریاست جمهوری، سازمان برنامه، وزارت کار، آموزش و پرورش، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و شهرداری‌ها در پیکره جنبش مطالباتی زحمتکشان در چهار گوشه جغرافیای ایران نباشیم. زیبایی اتحاد عمل معلمان، بازنشستگان و کارگران. جانفشانی کادر بهداشت و درمان برای نجات مردم از بیماری مهلک کرونا، گسترش دوستی‌ها و همدلی‌ها برای حل مشکلات روزمره مردم در کشاکش مرگ نابهنگام شجریان و تجلی اراده مردم در برابر حاکمیت آزادی ستیز که به عمد بکتاش آبتین را در دی ماه در زندان به قتل رساند و اعتصاب گسترده زندانیان سیاسی، در اعتراض به قتل بکتاش آبتین، شاعر، فیلمساز و عضو کانون نویسندگان ایران، نشانه‌های بایسته همبستگی جنبش آزادیخواهی مردم را در کنار آزادی معلمان زندانی و آزادی زنان زندانی زینب جلالیان و سپیده قلیان به نمایش گذاشته شد.

در این میان، بی سیاستی و بی برنامه‌گی حکومت در امر تولید و کار آفرینی، وابستگی ما به واردات را بیشتر ساخت. کارگران ایرانی را تنها فدای سیاست‌هایی می‌سازند که به طور مستقیم و غیر مستقیم در حال حمایت از کارگران چینی و رونق اقتصادی این کشور است و گویا گوش شنوایی برای شنیدن دردهای کارگران ایرانی و جویندگان کار و خانواده میلیونی این افراد توسط حاکمیت وجود ندارد و برای کارگران راهی جز استمرار مبارزه برای وصول مطالبات خود و گره خوردن به هم و تقویت تسمه ارتباطات و همگرایی‌های بیشتر و وسیع‌تر باقی نمی‌ماند.

امروز و در دل مبارزات جاری، همه نیروهای مطالبه‌گر در پیکارهای اجتماعی و تعمیق مبارزه مطالباتی خویش دریافته‌اند که هیچ نیرویی به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی نیازها و نیازمندی‌های خود در صحنه پیکار اجتماعی در برابر نیروی سرمایه داخلی و متحدان جهانی سرمایه داری در ایران تلقی گردد.

اتحاد مبارزاتی بخش‌های گوناگون کارگران در سطوح درهم تنیده بخش‌ها ولایه‌های گوناگون زنان و مردان کارگر، بخش‌های (خدمات، واحد‌های تولیدی، صنایع بزرگ) در تجمعات اعتراضی

چهارماهه پایان سال معلمان شاغل و بازنشستگان فرهنگیان سراسر کشور - با دامنه اعتراضات میدانی در بیش از سیصد منطقه شهری و روستایی - نشان داد که احضار و دستگیری و تهدیدات نتوانسته است تاثیر تعیین کننده‌ای در کثرت مشارکت عموم فرهنگیان ایجاد کند. تجمع اسفندماه، نظیر آنچه در لرستان و خوزستان، یا در شمال (شهرستان رودسر) و... دیده شد، سندی از پیشروی معلمان و ناکامی دستگاه‌های سرکوبگر اطلاعاتی و امنیتی در «جمع کردن» اعتراضات است و نشان می‌دهد که به شرط وجود سازماندهی مستقل، پیگیر و متکی به بدنه اعتراضی و همچنین حرکت بر بستر همگرایی وسیع‌تر، کار سرکوبگران برای سرکوب جنبش مطالباتی، دشوارتر و ناممکن می‌شود. حضور چشمگیر بازنشستگان زن و مرد در گروه‌بندی‌های تامين اجتماعی و بازنشستگان کشوری و لشکری و...، پرستاران، بهیاران و دانشجویان، کارگران کشاورزی و فعالان محیط زیست و توده بی شکل دستفروشان، همه لایه‌های زحمتکشان و همسرنوشتان آنان - نیروی میلیونی بیکاران امروز با شعار «بازگشت به کار» می‌توانند در همصدایی و گسترش همگرایی، همبستگی و هم‌پوشانی گسترده، یک بلوک مستقل کارگری برآمده از اکثریت عظیم مردم برای اکثریت عظیم مردم و در خدمت آن را شکل داده تا با هجوم گسترده سرمایه‌داری حاکم به حق حیات فرودستان و زحمتکشان برابر دخالت‌های امپریالیستی در جمیع جهات مقابله کند. این همه را چشمه فزاینده اول ماه مه، روز جهانی کارگر ۱۴۰۱ که در پیش است، نویدبخش است تا شاهد گسترده‌ترین همگرایی‌ها باشیم، چنین باد.

(۱) خبرگزاری کارایران - ایلنا - پیام نوروزی خامنه‌ای - ۱۴۰۰/۱۲/۲۹

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1210624>

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: خانواده‌ی بکناش آبتین مراسم تحویل سال جدید را در این روز در کنار مزار او برگزار کرد.

***- پیام سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه :**

فرارسیدن بهاری دیگر و نوروز را به کارگران و عموم مردم شادباش می‌گویم و امید دارد در سال جدید همبستگی و اتحاد جنبش‌های مطالباتی کارگران، بازنشستگان، معلمان و سایر جنبش‌های مطالباتی جامعه تحقق یابد و با پیروزی منجر به رفاه عمومی برای همگان شود تا به شرایطی برسیم که فاصله طبقاتی وجود نداشته باشد.

برای تغییر وضعیت اسفبار و سخت معیشتی، راهی جز اتحاد و همبستگی سراسری تمامی مزد بگیران، اعم از کارگران و معلمان و بازنشستگان و پرستاران و فرودستان نیست .

سالی که گذشت متأسفانه شاهد فشار، تهدید و زندان برای معلمان و کارگران و بازنشستگان و دگر اندیشان بوده ایم . همچنان دهها معلم، کارگر، بازنشسته ، دانشجو، روزنامه نگار، نویسنده و دگر اندیش با احکام ناعادلانه و ظالمانه همچنان در زندان هستند و در شرایط سخت همراه با خطرات جانی ناشی از ابتلا به کرونا را میگذرانند.

سندیکا امید دارد در سال آتی پنج کارگر اخراجی‌اش رضا شهابی، حسن سعیدی، ناصر محرمزاده، حسین کریمی سبزواری و فرحناز شیرازی بازگشت بکار شوند و پایانی برای سال‌ها شرایط سخت معیشتی این افراد باشد.

پیش بسوی همبستگی سراسری

t.me/vahedsyndica

pvsyndica@

*- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری:

شادباش به مناسبت آغاز سال نو

سالی که گذشت، برای کارگران و زحمتکشان سالی مملو از تنگناهای اقتصادی و معیشتی، تورم و گرانی، فقر و بی عدالتی، اخراج و بیکاری، تهدید و احضار و بازداشت و زندان بود. سالی که فعالین بسیاری از جنبش های اجتماعی، صرفا برای پیگیری حقوق و مطالباتشان به جمع زندانیان سیاسی و عقیدتی اضافه شدند و در ساعات و لحظات پایانی سال و آغاز سال نو، از حضور در کنار خانواده، دوستان و عزیزانشان محروم ماندند.

سال گذشته در عین حال، سال گسترش اعتراضات و تجمعات کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان و اقشار مختلف جامعه و فعالین آگاه این جنبش ها نیز بود. اعتراضاتی که نشان از تجربه، آگاهی و همبستگی بیشتر میان اقشار و طبقات محروم و تحت ستم جامعه داشت که در ادامه می تواند نویدبخش جهانی عاری از ظلم و ستم طبقاتی و نفی استثمار و نابرابری باشد.

پیام بهار و روئیدن جوانه ها نه تنها مژده غلبه نو بر کهنه و زندگی بر مرگ و نیستی می دهد، بلکه به نوبه خود حکایت از آن دارد که همه ی جریان های کهنه و پوسیده سرانجام محکوم به فنا و نابودی هستند و آنچه نو، زنده و پویاست، سرانجام پیروز خواهد شد.

به امید پیروزی نو بر کهنه و جهانی فارغ از ستم نابرابری و استثمار.

نوروزتان پیروز.

<https://t.me/khamahangy>

*- مطالبات کارگران از دیوان عدالت در سال جدید؛ «امنیت شغلی» و «پاداش پایان خدمت» را به کارگران برگردانید

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1210341>



به گزارش نسرين هزاره مقدم خبرنگار ايلنا، در تاريخ اول فروردین ۱۴۰۱ آمده است: سال ۱۴۰۰ افت و خیزهای بسیاری برای کارگران کشور به همراه داشت؛ از مشکلات همیشگی تولید و نبودن فرصت‌های شغلی مطمئن که بگذریم، می‌توان گفت هنوز بسیاری از حقوق قانونی کارگران، در میانه‌ی راه اجرا معطل مانده است و به موانع اجرایی و سدهای محکم بخشنامه‌ای برخورد کرده است.

قانون‌زدایی از طریق صدور بخشنامه‌هایی که در ظاهر وجاهت قانونی دارند، اتفاقی است که از میانه‌ی دهه ۷۰ شمسی به بهانه‌ی حمایت از تولید و سازندگی در دستور کار قرار گرفت و این قانون‌زدایی تا جایی پیش رفت که نه امنیت شغلی برای کارگران باقی ماند و نه حقوق مزدی کارگران به رسمیت شناخته شد.

از خروج کارگاه‌های بسیار و مناطق وسیع از شمول قانون کار می‌گذریم، هرچند ابطال مقررات ویژه اشتغال در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های هزاران کارگر متخصص در این مناطق است و این کارگران علاوه بر دغدغه‌هایی که بابت نفوذ وسیع پیمانکاران و واسطه‌ها در این مناطق زرخیز دارند، بدون تردید خواستار از میان برداشته شدن این متن تعدیلی هستند. دو مساله حیاتی دیگر، یکی احیای امنیت شغلی از دست رفته است و دیگری احیای حقوق مزدی به رسمیت شناخته نشده.

خواسته‌های کارگران از دیوان عدالت: دیوان عدالت اداری به عنوان عالی‌ترین مرجع دادخواهی توده‌های مردم، می‌تواند در زمینه بازگشت این حقوق به کارگران یاری رساند؛ در روزهای میانه‌ی اسفندماه، دیوان عدالت با صدور رای مثبت در ارتباط با عیدی کارگران شاغل در دستگاه‌های اجرایی کشور، یک گام مثبت به نفع هزاران کارگر نهادهایی مانند شهرداری‌ها برداشت؛ این رای قانونی، سند دادخواهی این کارگران برای گرفتن دو ماه کامل عیدی کارگری است؛ هرچند در شهرداری‌های بسیاری در کشور حتی حقوق ساده کارگران علی‌رغم خاتمه‌ی سال پرداخت نشده، اما دادنامه دیوان عدالت در ارتباط با «عیدی کارگری» حق مطالبه‌ی مزدی این کارگران را به رسمیت شناسانده و راهی باز کرده است برای احقاق حقوق از دست رفته؛ همین اتفاق می‌تواند در ارتباط با امنیت شغلی کارگران و زنده کردن ماده ۷ قانون کار و همچنین حق دریافت پاداش پایان خدمت یا همان سنوات پایان کار کارگران، مصداق داشته باشد.

بنابراین در سال جدید، دو خواسته‌ی اصلی، فوری و ضروری کارگران از بالاترین مرجع دادخواهی یا همان دیوان عدالت، یکی بازگرداندن امنیت شغلی از دست رفته و دیگری زنده کردن حق دریافت پاداش پایان خدمت است.

حق کارگران بر «امنیت شغلی»: در ابتدای دهه ۷۰ شمسی بود که راهی برای به یغما رفتن حق کارگران بر امنیت شغلی و عقد قراردادهای دائم کار، باز شد؛ بخشنامه‌ای توسط وزارت کار در سالهای ابتدای دهه ۷۰ صادر شد که در این بخشنامه، عقد قرارداد کار موقت در کارهایی با ماهیت مستمر، مجاز دانسته شد. شکایت‌هایی در همان زمان انجام شد ولی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با صدور دادنامه ۱۷۹ در سال ۱۳۷۵، نه تنها بخشنامه وزارت کار را باطل نکرد بلکه این بخشنامه صادره را قانونی دانست. بنابر اظهارات کارشناسان بازار کار، دیوان عدالت اداری در دادنامه ۱۷۹ حقوق کارگران را تضييع کرده است. دیوان با استناد به مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار، عقد قراردادکار موقت در کارهایی با ماهیت مستمر را مجاز می‌داند. تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار، اصالت و ارجحیت را به قراردادهای دائم کار می‌دهد و می‌گوید در کارهای با ماهیت مستمر، اگر مدت زمان در قرارداد نباشد، قرارداد «دائم» تلقی می‌شود اما دیوان عدالت با استناد به مفهوم مخالف این شرط، رای صادر نمود که در صورت قرارداد زمان در قرارداد (آنهم یکطرفه و فقط با رای و نظر کارفرما و بدون موافقت کارگر)، قرارداد می‌تواند موقت باشد. همین دادنامه راه را برای کارفرمایان حتی در کارگاه‌های بزرگ و بسیار سودآور کشور مثل پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و خودروسازی‌ها باز کرد تا با کارگران جدید خود که از سال‌های انتهایی دهه ۷۰ به بعد، آغاز به همکاری می‌کنند، قرارداد موقت یکساله یا پنج‌ساله منعقد کنند.

طول مدت قراردادهای، در گذر زمان آب رفت و به قراردادهای سه ماهه، یکماهه و یا حتی بدون تاریخ رسید؛ کم کمک کارگر قرارداد موقتی که دیگر هیچ ابزاری برای چانه زنی و ایجاد تشکلهای صنفی مستقل ندارد، از حالت قراردادی به حالت پیمانکاری یا ارکان ثالث، تغییر ماهیت داد و در قعر جدول قدرت تاثیرگذاری در عرصه‌ی روابط کار، سقوط کرد.

حسین حبیبی (عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور) معتقد است؛ تنها راه بازگشت به حقوق قانونی قانون کار، «ابطال دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت اداری» است؛ انتظار داریم در سال جدید، دیوان عدالت این دادنامه ناعادلانه و ظالمانه را باطل کند تا حق حاکمیت کارگر در عقد قرارداد کار به رسمیت شناخته شود و امنیت شغلی به محاق رفته، بعد از دهه‌ها قانون گریزی به ظاهر قانونی، بازگردانده شود. تا زمانیکه این دادنامه باطل نشود، کارگران نه قدرت چانه زنی دارند و نه می‌توانند تشکلهای کارگری داشته باشند.

اعاده‌ی امنیت شغلی، مهم‌ترین خواسته‌ی کارگران از دیوان عدالت است؛ اما در کنار آن، دیوان عدالت می‌تواند به بهبود معیشت کارگران شاغل و افزایش سطح رفاهی آن‌ها، از طریق اصلاح عادلانه‌ی دادنامه ۳۳۲۸ کمک کند.

حق کارگران بر «پاداش پایان خدمت»: در حالیکه کارمندان دولت در زمان بازنشستگی، مبالغ نسبتاً خوبی به عنوان پاداش پایان خدمت دریافت می‌کنند (مثلاً سقف این پاداش برای سال ۱۴۰۱ مبلغ ۴۷۲ میلیون تومان است)، دادنامه‌های مکرر و اصلاحیه‌های پیاپی دیوان عدالت، سنوات پایان خدمت کارگران را به پایین‌ترین حد ممکن تنزل داده است؛ چهاردهم شهریورماه یعنی دقیقاً دوازده روز بعد از صدور دادنامه ۱۴۱۴ که دادنامه نسبتاً مطلوبی بود و سنوات کارگران را به میزان قابل توجهی افزایش می‌داد، هیات عمومی دیوان عدالت، دادنامه ۳۳۲۸ را دوباره اصلاح کرد. در این متن اصلاحی که به امضای معاونت قضایی دیوان رسیده، یک جمله از دادنامه ۳۳۲۸ اصلاح شده؛ در واقع جمله‌ی «همه موارد مواد ۳۴ و ۳۵ مبنای سنوات قرار می‌گیرد» اصلاح و حذف و جرح شد. با این حساب، «حق السعی» از مبنای محاسبه‌ی سنوات پایان خدمت کنار گذاشته شد و محاسبه سنوات پایان کار به مزد پایه محدود شد. بعد از این اصلاحیه، کارگری که مثلاً قبل از بازنشستگی یا قبل از خاتمه‌ی همکاری، ده سال در یک کارگاه کار کرده، فقط ده تا حقوق پایه به عنوان سنوات دریافت می‌کند که عموماً مبلغی بین ۴۰ تا ۵۰ یا حداکثر ۶۰ میلیون تومان می‌شود.

از این بگذریم که بسیاری از کارفرمایان برای جلوگیری از انباشت مطالبات کارگران و فرار از پرداخت مبلغ قابل توجه در زمان خاتمه همکاری، معمولاً سنوات را هر سال تسویه می‌کنند و پایان سال را پایان قرارداد اعلام نموده و از کارگر اثر انگشت می‌گیرند که هیچ مطالبه‌ای ندارد! از این نیز بگذریم که به دلیل استیلاي قراردادهای موقت کار، یک کارگر معمولاً در طول سی سال بیمه پردازی، ۵ یا ۶ بار یا حتی بیشتر کارگاه محل اشتغال را به اجبار عوض می‌کند و لاجرم در زمان بازنشستگی، سابقه‌ی چندانی در کارگاه آخر ندارد که سنوات چندانی نصیبش شود. با همه‌ی این محدودیت‌ها، اصلاحیه‌ی شهریورماه دیوان عدالت، بازهم مبلغ پاداش پایان خدمت کارگران را تقلیل داده است و اگر این اصلاحیه باطل شود و مبنای محاسبه‌ی سنوات، به حق السعی کامل تغییر یابد، بازهم کمک درخوری به کارگرانی است که بعد سال‌ها کار کردن، هیچ دستمیه و پس اندازی برای ایام بازنشستگی ندارند.

احسان سهرابی (دبیر کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان خراسان رضوی) در این رابطه اولویت را به احیای امنیت شغلی و ابطال آن دادنامه ناعادلانه می‌دهد و می‌گوید: دیوان عدالت باید ابتدا حق کارگران بر امنیت شغلی را به رسمیت بشناسد و اجازه‌ی عقد قرارداد موقت در کارهای مستمر را از کارفرما سلب کند؛ در مرحله‌ی بعد، بایستی در جهت اجرای عدالت گام دیگری بردارد؛ پاداش پایان خدمت کارگران را به حق السعی مربوط کند و بدیهی است زمانیکه کارگران، قرارداد دائم باشند و سی سال تمام فقط در یک کارگاه کار کنند و سنوات پایان کار بر مبنای حق السعی کامل محاسبه شود، مبلغ خوبی زمان بازنشستگی خواهند گرفت. این دو مطالبه اصلی، خواسته‌های کارگران از عالی‌ترین مرجع دادخواهی در کشور است؛ کارگرانی که قرارداد سه ماهه دارند و هیچ امیدی به آینده ندارند، تنها با زنده شدن ماده ۷ قانون کار و با تکلیف به کارفرمایان برای عقد قرارداد دائم، می‌توانند از سایر حقوق قانونی خود از جمله حق تشکل بهره‌مند شوند؛ بدون هیچ تردیدی، امروز «بی ثبات کاری» همه دغدغه‌ها را به دغدغه‌ی کار داشتن یا نداشتن، تقلیل داده است، کار داشتن یا نداشتن، فقط مساله این است...!

*- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید مأموران امنیتی از برگزاری مراسم نوروز و سال جدید در پیرانشهر ممانعت کرده‌اند.

*- یکسال از بازداشت #اسماعیل_گرامی، کارگر بازنشسته گذشت:

برپایه خبر کانال تلگرامی سندکای کارگران نیشکر هفت تپه آمده است: ژاله روح زاد - معلم و فعال صنفی بازنشسته یک سال از بازداشت و زندانی شدن کارگر بازنشسته آقای #اسماعیل_گرامی گذشت! بازنشسته ای که مطالبه گر حق و حقوق خود بود همراه دیگر بازنشستگان .
در این یک سال نه تنها صدای اعتراض #بازنشستگان خاموش نشده، بلکه یکشنبه های اعتراضی همواره برگزار می گردد.
مسئولان به جای پاسخ به مطالبات آنان و آزاد کردن آقای گرامی هنوز هم در جهت احضار و اخطار بازنشستگان می باشند. تداوم بازداشت آقای گرامی نه تنها مانع از اعتراض بازنشستگان نشده و نخواهد شد، بلکه تا رسیدن به مطالبات و آزادی ایشان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

<> فقط کف خیابون / به دست میاد حق مون<>

#اسماعیل_گرامی_آزاد_باید_گردد

https://t.me/syndica_7tape

***- اعتراض کارگردان فضای سبز شهرداری چابهار نسبت به تبعیضات علیه خود توسط مسئولین:**

برپایه خبرمنتشره آمده است: کارگران فضای سبز و خدمات شهری شهرداری شهرستان چابهار نسبت به تبعیضات علیه خود توسط مسئولین ذیربط اعتراض دارند.

گفته می شود شهرداری شهرستان چابهار با پارتی حقوق شماری از نیروها را که از نزدیکان مسئولین هستند افزایش داده و دیگر نیروهای شهرداری همچنان با کمترین دستمزد و عدم دریافت مطالبات مزدی به موقع در وضعیت بدی قرار دارند.

براساس این گزارش، کارگران شهرداری چابهار با وضعیت بد معیشتی و اقتصادی و کمترین حقوق در شرایط بسیار سختی بسر می برند و از افزایش حقوق و دیگر مزایای اداره کار محروم هستند.

یکی از کارگران شهرداری چابهار گفت: "ما با کمترین امکانات و دستمزد مشغول به کار هستیم و با وجود این از مزایای اداره کار، عیدی و سنوات و پرداخت حقوق به موقع محروم هستیم."

***- غلامرضا علیزاده کارشناس تامین اجتماعی مطرح کرد: مشکل ورشکستگی صندوق های بازنشستگی بدون کاهش تعهدات قابل حل است :**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1209116>

به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ اول فروردین ۱۴۰۱ آمده است: طی روزهای اخیر منتهی به سال جدید بحث درباره وضعیت صندوق های تامین اجتماعی و از همه مهمتر صندوق های بازنشستگان بیش از گذشته مورد توجه مسئولان قرار گرفته است. این درحالی است که اخیرا محسن رضایی (معاون اقتصادی دولت سیزدهم) در سخنانی تلویحا صندوق های بازنشستگی را ورشکسته دانسته و رقم کسری صندوق های بازنشستگی را بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان در طول ۴ سال ارزیابی کرد .

انتقادات از شیوه مدیریت صندوق های تامین اجتماعی و بازنشستگی و سایر صندوق ها در ایران بسیار است، اما در ارتباط با آسیب شناسی ساختاری و ایده ها و راه حل ها اختلاف نظرهای بیشتری وجود دارد .

غلامرضا علیزاده (کارشناس تامین اجتماعی) در این رابطه با اشاره به وضعیت صندوق‌های کشور بیان کرد: صندوق تامین اجتماعی متعلق به کارگران و کارفرمایان است. اصولاً تامین اجتماعی طبق قانون مجلس عمومی و غیر دولتی است. با این حال دولت مثل سایر موارد با دخالت در این حوزه ایجاد مشکل کرده است. سازمانی که ۲۳ درصد منابع آن را کارفرما و ۷ درصد آن را کارگر می‌دهد، در شرایطی قرار دارد که دولت سال‌هاست آن ۳ درصد از سهم خود را در این صندوق پرداخت نکرده و اتفاقاً از این صندوق‌ها برداشت نیز کرده است. این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه «از سال ۱۳۰۹ وزارت طرق و جوارح تشکیل شد و مبلغ اندکی به کارگران از کار افتاده می‌دادند و این صندوق بسیار دیرپاست» گفت: دولت به نوعی مصادره انجام داده و امروز صندوق‌ها به مرحله‌ای رسیده‌اند که مبالغ ورودی‌شان، مبالغ خروجی‌شان را پاسخ نمی‌دهد و دخل و هزینه صندوق‌ها از کنترل خارج شده است.

وی با اشاره به اینکه «میزان واریزها به صندوق بازنشستگی به دلیل بیکاری و موارد دیگر مثل کاهش جمعیت فعال و کاهش مشاغل رسمی با کاهش مواجه شدند» تشریح کرد: در بسیاری از شرکت‌ها تعداد مدیران میانی با کارمندان برابر است که حقوق‌های بالایی می‌گیرند و کارشان چندان در عرصه عمل موثر نیست و بار اضافی به صندوق‌ها تحمیل می‌کنند.

علیزاده با تأکید بر اینکه «ما در تامین اجتماعی باید رابطه مدیران را با جمعیت صفی و ستادی مشخص کنیم» اضافه کرد: در بسیاری مواقع از صندوق سوءاستفاده شده و حتی در برخی موارد از پول صندوق‌های بازنشستگی وام داده شده یا تیم فوتبال از صندوق‌های تامین اجتماعی درست شده که همه غیر شرعی و غیرقانونی است، زیرا این یک صندوق بین نسلی است.

او ضمن بیان این نکته که «ما در ایران این همه سرمایه‌گذاری کردیم و شرکت شستا را به‌عنوان پشتیبان مالی صندوق که با پول آن کار می‌کند گمارده‌ایم، اما موفق نبودیم و اکنون با انبوه شرکت‌های ناکارآمد برای صندوق مواجهیم» گفت: شرکت‌های شستا اغلب سودده هستند، ولی برخی از آن‌ها نیز به دلیل مشکلات مدیریتی بازدهی ندارند. در حقیقت مشکل اصلی نشتی‌های فراوان پول و منابع مالی در صندوق و شرکت‌های اقماری پشتیبان مانند شستا است. این درحالی است که حقوق‌های نجومی در صندوق و شرکت‌های اقماری وجود دارند و بسیاری از شرکت‌ها کارایی گذشته را ندارند. مدیرعاملی که حقوق ۲۰۰ میلیون تومانی برای خود رد می‌کند، قطعاً صندوق را دچار مشکلات فراوانی می‌سازد و ادامه این روند در مدیریت صندوق‌ها صحیح نیست؛ زیرا کارگر با حداقل حقوق نمی‌تواند زندگی کند ولی تحمل می‌کند تا زمانی تامین اجتماعی و بازنشستگی داشته باشد اما ما با این شیوه مدیریت صندوق‌های بازنشستگی و تامین اجتماعی حق الناس را دچار تضییع می‌کنیم.

این کارشناس و پژوهشگر حوزه تامین اجتماعی با تأکید بر اینکه «شرکت‌های اقماری صندوق دچار تله خانوادگی شده و منبع تراشیدن محل ارتزاق جدید برای اعضای خانواده‌ها برخی گروه‌ها شده است» افزود: ما کار بنیادی در ساختارها باید انجام دهیم و راهکار اصلی نجات صندوق‌ها این است که نمایندگان کارگری و کارفرمایی به شکل شفاف بر صندوق‌ها نظارت داشته باشند. با این شیوه، هم کنترل هزینه‌ها را می‌توانیم داشته باشیم تا نشتی هزینه‌ها جبران شود و هم پالایش گسترده نیروی انسانی داشته باشیم تا تله رفاقت و تله خانوادگی‌گرایی امکان ایجاد فساد را انبوه‌تر نسازد. دولت اساساً به دلیل مشکلات کسری بودجه خود نمی‌تواند امانت‌دار کاملی باشند و دولت تنها باید ناظر صندوق باشد و نه تصمیم‌گیر!

علیزاده با اذعان به این نکته که «مشکل ورشکستگی صندوق بدون کاهش تعهدات و پرداخت‌ها به اعضاء قابل ترمیم است و می‌توان از منابع آن حراست کرد و از ورشکستگی‌ها جبران کرد» تصریح کرد: دولت نباید پرسنل نهادهای شکست خورده و جواب پس داده خود را به حوزه مدیریت تامین اجتماعی و بازنشستگی هدایت کند و تبدیل به صندوق‌ها را نیمکت ذخیره مسئولان ناکارآمد کند.

این کارشناس تامین اجتماعی مشکل اصلی صندوق‌های تامین اجتماعی را پس از مدیریت، ساختار غیرتولیدمحور و غیرکارگر محور اقتصاد ایران معرفی کرده و اظهار کرد: دولت‌های ما تاکنون واردات محور بودند. هدایت منابع به سمت تولید اما صدها مشکل دارد که ناشی از شریک تراشی برای تولیدکنندگان از طرف دولت است. لذا این جهت‌گیری غیرتولیدی بی‌ثباتی ایجاد می‌کند که خود بی‌ثباتی در امر تولید باعث کمبود نیروی کار ثابت و رشد قراردادهای موقت بدون بیمه می‌شود. ما نیازمند کارگران بیمه‌پرداز و کارفرمایان بیمه‌پرداز هستیم و این درحالی است که پول‌ها و نقدینگی کشور به سمت مشاغل موقت و سرمایه‌گذاری‌های گذرا و در نهایت به سمت خارج صندوق بازنشستگی و تامین اجتماعی هدایت می‌شوند.

وی با انتقاد از افزایش قراردادهای موقت کارگران و وجود کارگران فصلی و موقت و آسیب آن به صندوق‌ها بیان کرد: کارگران فصلی و موقت و سرمایه‌گذاری‌های موقت خارج از فرآیند رسمی کار هیچ ورودی مالی خاصی برای صندوق‌های بازنشستگی و تامین ایجاد نمی‌کنند و در عین حال شاهد افزایش تعهدات صندوق‌ها هستیم. اگر تولید شرایط مناسبی داشت و دولت روی امنیت شغلی و امنیت تولید حساسیت داشت، امکان برخورداری از بیمه برای عموم جامعه و بیمه‌پرداز کردن همگان نیز وجود داشت.

این کارشناس تامین اجتماعی در ادامه افزود: کاری که ما باید بکنیم این است که در قوانین حمایت از تولید بازنگری کنیم. ولی در شرایطی که هنوز ساختارها بیشتر حامی دلالتی و تجارت هستند، نمی‌توانید شاهد عدم خروج سرمایه از کشور باشید. آمریکا و اروپا به‌طور متوسط به ترتیب به ازای هر ۱۰۰۰ نفر یک نفر و به ازای هر ۷۰۰ تا ۶۰۰ نفر یک دلال دارند اما در ایران به ازای هر ۳۴ نفر یک دلال داریم که این باعث می‌شود اساساً چیزی به نام رابطه ثبات شغلی و تولید که به امنیت صندوق‌های تامین اجتماعی و بازنشستگی می‌انجامد، وجود ندارد. این تغییر نیازمند مدیران جدید و با انگیزه در این حوزه‌های اقتصادی کشور است و نیاز به خون جدیدی در این بدنه هستیم.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید نیروهای امنیتی در سنندج ده‌ها تن از شرکت‌کنندگان در مراسم نوروز این شهر را احضار و بازداشت کرده‌اند و پنج تن از شرکت‌کنندگان به نام‌های سهراب جلالی شصت ساله، خالو جمال شصت و پنج ساله، دایه بتول هفتاد و پنج ساله، فواد عنایتی سی و پنج ساله و آریانا سلیمی چهارده ساله نیز همان روز و پس از شرکت در مراسم نوروزی پارک کودک شهر سنندج، بازداشت شده‌اند.

***- نماینده کلاه زردها مطرح کرد؛ راهی به سمت عدالت / «کارگران دولت» در انتظار عیدی کارگری / تورم را کنترل کنند تا «افزایش ۵۷,۴ درصدی مزد» موثر باشد:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1210592>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ اول فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در آخرین روزهای سال و در بازبینی پایانی لایحه بودجه، ناگهان ورق به نفع هزاران کارگر دولت برگشت. ابتدا شورای نگهبان بند ۴-۱ تبصره ۱۲ لایحه بودجه ۱۴۰۱ را برای بازبینی بیشتر به کمیسیون تلفیق بازگرداند و در گام دوم، نمایندگان مجلس تصمیم گرفتند این بند را که افزایش حقوق کارگران دولت را فقط ۱۰ درصد در نظر گرفته بود، حذف کنند.

هزاران کارگر شاغل در نهادهایی مانند وزارت نیرو، مخابرات و ارتباطات، دغدغهی حذف افزایش ده درصدی مزد سال جدید را داشتند و حالا با حذف این بند، به گفتهی فرهاد فرهنگیان (عضو شورای هماهنگی اپرانورهای پست‌های فشار قوی برق)، راهی به سمت عدالت باز شده است.

تبعیض مزدی در نهادهای دولتی بسیار است؛ میان دریافتی کارمندان تحت پوشش قانون مدیریت خدمات کشوری و کارگران تحت پوشش قانون کار، فاصله زیاد است؛ کارمندان از حقوق بالاتر برخوردارند؛ مزایای قانون مدیریت خدمات کشوری از جمله رفاهیات و پاداش شغلی می‌گیرند و در زمان بازنشستگی، مبلغ خوبی به عنوان پاداش پایان خدمت دریافت می‌کنند؛ چند صد میلیون تومان پاداش پایان خدمت کارمندان، دستمایه‌ای است برای دوران بازنشستگی آنها؛ اما کارگران دولت از تمام این مزایا محرومند؛ در حالیکه هیچ یک از مولفه‌های شغلی آنها تابع قانون مدیریت خدمات کشوری نیست و از امتیازات مشمولان این قانون محرومند، فرهنگیان می‌گویند: دلخوشی ما کارگران دولت به همین افزایش دستمزد مصوب شورایعالی کار است؛ قرار باشد کف افزایش حقوق کارمندان در شرایطی که مزایای کارمندی نمی‌گیریم به ما تعلق بگیرد، تبعیض مزدی بیشتر می‌شود.

عیدی را «کارگری» بپردازید: او به عنوان نماینده کلاه زردها که هزاران نفر هستند و در استان‌های مختلف کشور، کار سخت نگهداری از پست‌های فشار قوی برق را انجام می‌دهند، از تمام افراد، نهادها و تشکلهای رسانه‌هایی که کارگران دولت را در پیگیری حقوق قانونی خود یاری کردند، تشکر می‌کند و در ادامه یادآوری می‌کند که «هنوز راه درازی تا برقراری حقوق قانونی کارگران دولت داریم».

منظور این فعال صنفی، ابطال بخشنامه‌ای است که در سال ۷۴ برای تعیین عیدی کارگران دولت صادر شد و از آن زمان، عیدی هزاران کارگر شاغل در نهادهای دولتی برابر با تصمیم هیات دولت برای میزان عیدی زیرمجموعه‌های خود، پرداخت شده است. فرهنگیان با بیان اینکه «کارگران بدون در نظر گرفتن کارگاه محل اشتغال، کارگر و تابع قانون هستند» می‌گویند: انتظار داریم در سال جدید بخشنامه‌ی عیدی کارگران دولت ابطال شده و عیدی این کارگران برابر با عیدی سایر کارگران کشور پرداخت شود؛ عادلانه نیست تمام سال کارگر باشی و محروم از مزایا، امکانات و رفاهیات کارمندان اما شب عید و زمان واریز عیدی پایان سال، کارمند بشوی و فقط یک میلیون و ششصد هزار تومان عیدی بگیری!

او ادامه می‌دهد: اگر عیدی ما را کارمندی در نظر می‌گیرند پس پاداش پایان خدمت ما را نیز کارمندی حساب کنند و زمان بازنشستگی مثل کارمندان چند صد میلیون تومان به عنوان پاداش به ما پرداخت کنند. اصلاً بیایند ما را از شمول قانون کار خارج کنند و مثل کارمندان، مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری کنند تا ما هم زیرمجموعه صندوق کشوری بشویم و کارمند به حساب بیاییم؛ یک بام و دو هوا درست نیست. امیدواریم سال جدید، سال رفع تبعیض باشند و همانطور که بند افزایش ده درصدی مزد ما را ابطال کردند، عیدی کارمندی را ابطال کنند و به کارگران دولت عیدی کارگری بدهند.

افزایش ۵۷,۴ درصدی مزد کافی نیست: نماینده کلاه زردها، کارگرانی که در حذف بند ناعادلانه‌ی لایحه بودجه، بیشترین مطالبه‌گری را صورت دادند و بارها از استان‌های مختلف به تهران آمدند تا پیگیر حقوق مزدی خود از مجلس و شورای نگهبان شوند؛ در ارتباط با افزایش ۵۷,۴ درصدی حداقل مزد کارگران برای سال ۱۴۰۱ می‌گویند: با حذف بند ۱-۴ تبصره ۱۲ بودجه، افزایش دستمزد ما کارگران دولت از ابتدای سال جدید یعنی از فروردین ماه، تابع تصمیمات مزدی شورایعالی کار می‌شود، این اتفاق مثبتی است و شب عید خیال ما را راحت کرد. اما در ارتباط با افزایش ۵۷,۴ درصدی مزد، باید بگویم بدیهی است که این رقم کافی نیست و نمی‌تواند از پس افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی بربیاید؛ انتظار داشتیم حداقل دستمزد کارگران به اندازه‌ی سبب معیشت افزایش یابد و حالا هم از دولت انتظار داریم با کنترل تورم و تثبیت قیمت‌ها، کاری کند که اثر افزایش ۵۷,۴ درصدی دستمزد کارگران همان ابتدای سال زایل نشود.

این فعال صنفی معتقد است؛ همه چیز به کنترل تورم بستگی دارد، قیمت‌ها را کنترل نکنند، این رقم افزایش هیچ فایده‌ای نخواهد داشت، کماینکه با در نظر گرفتن قیمت‌های اسفندماه نیز این افزایش مزدی کفایت نمی‌کند و جوابگوی هزینه‌های زندگی نیست؛ «بیایند تورم سبب معیشت را در همین یکی دومه پایانی سال ۱۴۰۰ حساب کنند تا دریابند همین الان چقدر تورم مازاد به سفره‌های

خالی کارگران کشور تحمیل شده است؛ سفره‌هایی که اگر نورم کنترل نشود، ماه به ماه و حتی هفته به هفته، خالی‌تر می‌شود و بیشتر از رونق می‌افتد.»

امیدواری برای برقراری «عدالت مزدی»: فرهنگیان در پایان ضمن تشکر مجدد از اعضای کارگری شورایی عالی کار، خانه کارگر و رسانه‌ها و افرادی که کارگران مطالبه‌گر دولت را در گشودن راهی به سمت عدالت مزدی همکاری کردند؛ می‌گوید: امیدواریم روزی بیاید که تمام اشکال و جلوه‌های تبعیض، کامل از میان برداشته شود؛ بدترین چیز برای نیروی انسانی «تبعیض» است؛ وقتی کار کنی اما بینی ثمره‌ی کارت ناچیز است و افرادی که کارهای ساده‌تر دارند و کمتر زحمت می‌کشند، بیشتر می‌برند، بی‌انگیزه می‌شوی و تاب و توان برایت باقی نمی‌ماند؛ تا وقتی که تبعیض باشد، رضایت و بهره‌وری نیست و امیدوارم حذف بند ناعادلانه‌ی بودجه، راهی باشد که به یک سرانجام بسیار خوش برسد، «عدالت مزدی» کامل برقرار شود.

* آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید کیانوش سنجر، خبرنگار سابق صدای آمریکا بعد از ۵ سال زندان، توانست مجوز خروج از کشور را به دست آورد و ایران را ترک کند.

*** در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد؛ از امسال ماده ۴۱ قانون کار در تصویب حداقل دستمزد اجرا می‌شود/ در صورت تعدیل نیرو باید به کارگران دارای قرارداد بیمه بیکاری پرداخت شود:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1210705>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ اول فروردین ۱۴۰۱ آمده است: یکی از مسائلی که با افزایش ۵۷ درصدی دستمزد در سال جاری مطرح شد، ادعای برخی نمایندگان کارفرمایی در رسانه‌ها مبنی بر احتمال افزایش تعدیل نیرو در واحدها و بنگاه‌های اقتصادی به دلیل عدم توان پرداخت مزد بود. این مسئله از جنبه‌های حقوقی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

عظیم مظفری (وکیل و مشاوره حقوقی در امور کار و تامین اجتماعی) (در رابطه با بحث نسبت دستمزد و احتمال بیکاری اظهار کرد: با توجه به ماده ۴۱ قانون کار و بحث تناسب تورم و سبب معیشت کارگران با حداقل دستمزد، به نظر می‌رسد که تنها در سال جاری تا حدی متناسب با این ماده قانونی عمل شد. هرچند ممکن است در بخش اصناف و همچنین در واحدهای بسیار کوچک پرداخت این میزان مزد دشوارتر باشد و توان پرداخت کمتر به کاهش نیروی انسانی منتهی شود.

وی در پاسخ به سوالی در این رابطه که «تعدیل نیرو در اثر مشکلات اقتصادی چه تبعاتی برای کارفرما دارد؟» گفت: کار توسط کارگر انجام می‌شود و تعدیل و اخراج نیروی کار ابتدا خود واحد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. البته بحث ما در ارتباط با کارگران دارای قرارداد است یا کارگرانی که از قرارداد موقت‌شان باقی مانده باشد. اما به هر حال گفته می‌شود که اگر اخراج

منتهی به طرح دعوی در مراجع قانونی حل اختلاف و ادارات کار شود، باید فرآیند حقوقی طی شده و در صورت وجود مطالبات باقی مانده کلیه حقوق از کارفرما اخذ می‌گردد .

مظفری با بیان اینکه «بیمه بیکاری نیز فرآیند خاص خود را دارد» اضافه کرد: اگر کسی در چهارچوب قرارداد فعالیت کرده و یکسال سابقه کار داشته باشد، در صورت اخراج از طرف کارفرما می‌تواند از مزایای بیمه بیکاری استفاده کند. البته بیمه بیکاری مصداق مجازات و جریمه کارفرما نیست اما به هر ترتیب این جزء حقوقی است که در صورت اخراج و تعدیل نیرو متعلق به کارگر است .

این مشاور حقوقی حوزه تامین اجتماعی با اشاره به حقوق بیمه بیکاری برای کارگران گفت: بیمه بیکاری برای کارگران دارای شرایط در صورت تجرد ۳۶ ماه و در صورت تاهل ۵۰ ماه است. این حق قانونی هر کارگر است و می‌تواند از آن استفاده کند و پرداخت آن مانع از ایجاد تبعات بعدی برای کارفرما خواهد شد و این جدا از بحث عیدی و سنوات و حقوق است که در صورت عدم پرداخت، جریمه‌هایی نیز بر گردن کارفرما می‌گذارد و ربطی به بحث جریمه ندارد. این بیمه بیکاری به کارگری تعلق می‌گیرد که اخراج و تعدیلش خارج میل و اراده و عملش باشد و نه خود آن را خواسته و نه به صورت اثباتی اقدامی از او از نظر انضباطی سر زده باشد .

این وکیل کارگری ضمن تاکید بر اینکه «علت اخراج و تعدیل نیرو و برخورداری از حقوق درباره یک کارگر به تشخیص کارشناسان شوراهای حل اختلاف و اداره کار است» تصریح کرد: در صورت داشتن شرایط دریافت بیمه بیکاری، بخش عمده‌ای این دریافتی از سوی تامین اجتماعی است ولی معمولاً احتمال اینکه در کنار بیمه بیکاری کارگران مطالبات معوق و مزایای پرداخت نشده داشته باشند، در اغلب موارد زیاد است و بهتر است کارفرما خود را وارد این پروسه حقوقی و قانونی نکند؛ زیرا این شامل کلیه سنوات، مرخصی‌ها و معوقات و فوق العاده‌ها و ضرایب حقوقی می‌شود و تنها محدود به بیمه بیکاری که کارفرما در آن نقش پرداختی خاصی ندارد، نخواهد بود.

***- کارگران شرکت میخ سازی پارس امنیت شغلی ندارند؛ امید عربی فعال کارگری شرکت میخ سازی پارس اظهار میکند:**



برپایه خبرمنتشره آمده است : قرارداد کارگران این شرکت سه ماه است و کارفرما هر روزی که اراده کند کارگر را اخراج میکند حتی در این کارگاه کارگر ۱۷ و ۱۹ ساله را به بهانه های مختلف اخراج کردند.

برخی از کارگرانی که در سال های گذشته اخراج شدند که ما با مصیبت و درخواست زیاد از کارفرما، آنها را به کارگاه برگرداندیم تا معیشت این کارگران به خطر نیوفتد، امروز متأسفانه قراردادهای موقت یکی از بزرگترین مشکلاتی است که کارگران با آن دست و پنجه نرم میکنند.

در شرکتها کارگران که بعد از مدتی کار میکنند باید قرارداد آنها به دائم تبدیل شود اما تا به امروز هیچ کسی چنین اقدامی در این شرکت انجام نداده است. با توجه به حقوق و دستمزدی در چند روز گذشته برای کارگران توسط شورایی کار تعیین شد برای پرداخت آن مشکلی نداریم ولی تورمی که امروز در جامعه حاکم است دستمزد ما را بی ارزش میکند و

اگر ۷۰ تا ۸۰٪ هم افزایش حقوق داشته باشیم باز هم در سال آینده تورم ها دستمزد را بی اثر میکند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه‌شنبه ۲ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: آریانا سلیمی چهارده ساله و دایه بتول عظیمی هفتاد و پنج ساله مادر بزرگ آریانا سلیمی از بازداشت‌شدگان نروز سنندج پس از تعهد کتبی در این روز آزاد شدند. اما آرمان سلیمی که دختر و مادرش در این روز آزاد شده بودند، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد .

***- یاد یاران / دیدار نروزی جمعی از معلّمان شهرستان جلفا با آقای لطیف روزیخواه معلم زندانی:**



دوم فروردین ماه ۱۴۰۱

رسیده موسم نروز و هر کس در گلستانی

جهان در چشم من زندان، چه ایام بهارست این؟

امیرخسرو دهلوی

نروز زمان نیست بشکند قفل زندان‌ها.

معلمان زندانی در بندند چون خواهان عدالت و آزادی هستند. معلمان شجاعی که برای تحقق آزادی و برابری رنج زندان را به جان می‌خرند.

جای معلم زندان نیست!

آنها قاصدان بهار هستند و زندان نمی‌تواند صدای آنان را خاموش کند.

ما زندگی خواهیم کرد ما بر جا خواهیم ماند" ولو "در چهار دیوار زندان، شاهد خواهیم بود، رمه‌ها و دسته‌هایی که فراز و فرودشان به جزر و مد ماه باز بسته است"

یاد معلمان زندانی را گرامی می‌داریم

برگرفته از کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه‌شنبه ۲ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید امید شیخی به دلیل شرکت در مراسم نروز روز ۱ فروردین در پارک

کودک سنندج، از طریق تماس تلفنی به سازمان اطلاعات سپاه سنندج احضار و پس از مراجعه به آنجا بازداشت شده است.

***- بهاران خجسته باد ! شادباش نوروز به معلمان و مخاطبان عزیز !**

سال ۱۴۰۰ ، سال اوج گیری جنبش معلمان ایران بود سالی که با تمام سرکوب‌ها و تهدیدها معلمان بازنشسته و شاغل برگ زرینی در تاریخ مطالبه‌گری رقم زدند .

اما با تمام تلاش‌ها و کوشش‌ها همچنان مطالبات محقق نشده، حاکمیت کمترین توجهی به مطالبه‌گری ما نداشته‌است. با این وجود ما باید افق پیش روی خود را ترسیم کنیم.

ضمن تبریک سال نو به تمام فرهنگیان و دانش‌آموزان عزیز و آرزوی پیروزی و سرافرازی برای مردم ایران، توقف سرکوب و ارباب فعالان صنفی و به امید آزادی معلمان دربند، از شما می‌پرسیم:

۱. مهمترین مطالبه بازنشستگان که باید در سال ۱۴۰۱ پیگیری شود چیست؟ راه تحقق این مطالبات کدام است؟

۲. آیا با مصوبه مجلس در مورد رتبه‌بندی رضایت شما جلب شده‌است؟ اصلی‌ترین مطالبه شاغلان در سال جدید چیست؟ برای تحقق آن چه باید کرد؟

۳. با توجه به اوج‌گیری سرکوب معلمان و احکام قضایی و احضار و پرونده‌سازی‌ها برای آزادی معلمان دربند و مختومه کردن پرونده‌ها چه باید کرد؟

۴. چگونه آموزش رایگان و عادلانه و با کیفیت را به یک مطالبه عمومی و اجتماعی تبدیل کنیم و اصل سی قانون اساسی را احیا کنیم؟ راه‌های نرفته ما کدام است؟

لطفا نظرات خود را در قالب کامنت برای ما ارسال نمایید .

با سپاس

کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه‌شنبه ۲ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: حسین روئین‌تن، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی ساکن دشتستان در این روز در دادگاه انقلاب این شهر به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی کشور» به تحمل ۱۰ سال حبس، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۱ سال حبس، به اتهام «توهین به مقدسات و ائمه اطهار، اهل بیت، حضرت سکینه و زینب» به ۵ سال حبس، به اتهام «توهین به بنیانگذار و توهین به رهبر» به ۲ سال حبس و به اتهام «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی» به ۲ سال حبس و پرداخت ۱۵ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شد. ایجاد کمپین اینترنتی و دعوت به تجمع غیرقانونی از مصادیق اتهامات او عنوان شده است.

***- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه فرارسیدن بهاری دیگر و نوروز را به کارگران و عموم مردم شادباش می‌گوید و امید دارد در سال جدید همبستگی و اتحاد جنبش‌های مطالباتی کارگران، بازنشستگان، معلمان و سایر جنبش‌های مطالباتی جامعه تحقق یابد و با پیروزی منجر به رفاه عمومی برای همگان شود تا به شرایطی برسیم که فاصله طبقاتی وجود نداشته باشد .**

برای تغییر وضعیت اسفبار و سخت معیشتی، راهی جز اتحاد و همبستگی سراسری تمامی مزد بگیران، اعم از کارگران و معلمان و بازنشستگان و پرستاران و فرودستان نیست.

سالی که گذشت متأسفانه شاهد فشار، تهدید و زندان برای معلمان و کارگران و بازنشستگان و دگر اندیشان بوده ایم. همچنان دهها معلم، کارگر، بازنشسته، دانشجو، روزنامه نگار، نویسنده و دگر اندیش با احکام ناعادلانه و ظالمانه همچنان در زندان هستند و در شرایط سخت همراه با خطرات جانی ناشی از ابتلا به کرونا را میگذرانند.

سندیکا امید دارد در سال آتی پنج کارگر اخراجی‌اش رضا شهابی، حسن سعیدی، ناصر محرمزاده، حسین کریمی سبزواری و فرحناز شیری بازگشت بکار شوند و پایانی برای سال‌ها شرایط سخت معیشتی این افراد باشد.

پیش بسوی همبستگی سراسری

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه‌شنبه ۲ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید خسرو صادقی بروجنی، نویسنده و روزنامه‌نگار محبوس در زندان اوین به بهانه‌ی مشارکت در برنامه‌ی بزرگداشت نوروز در زندان و ایراد سخنانی از برقراری تماس تلفنی محروم شده است.

***- پیام شاد باش محبوبه فرحزادی به مناسبت نوروز ۱۴۰۱**

درو

سال نو را به همه عزیزانم شادباش می گویم

سالی که گذشت؛ سال تجربه‌ها در حرکت‌های اجتماعی و جنبش‌های: کارگران، معلمان و بازنشستگان، مالباختگان و همه کسانی که معیشتشان از طرف مسئولان نشانه گرفته شده و هر روز بیشتر از دیروز به فلاکت اقتصادی نزدیک تر می شوند بود.

سالی که گذشت؛ سال صف آرایی جنبش‌های عظیم اجتماعی در به دست آوردن حقوق از دست رفته بود، معلمان و بازنشستگان و زنان در راس این جنبش‌ها عدالت اجتماعی را فریاد زدند و ثبت تاریخی شدند.

علی‌رغم فشارها؛ احضار و بازداشت‌ها؛ ضرب و شتم خیابانی درخشیدند و فصل نوینی از جنبش‌های محرومان را در تاریخ ایران قلم زدند عزیزان سال نو را با پرچم اتحاد آغاز می کنیم این قرن قرن اتحاد است.

زنده باد اتحاد جنبش‌های اجتماعی

برافراشته باد پرچم حق خواهی معلمان و بازنشستگان

محبوبه فرح زادی

***- پیام نوروزی خسرو صادقی بروجنی از زندان اوین :**

« پس از ۵۵۵ روز حبس در زندان نوروز باز آمد. اما روز نو برای من و بسیاری از همبندان و هم‌دردان زمانی است که آفتاب برآید، چشم باز کنیم و محبوبان آزادی را در کنار خود ببینیم. این هدف اما نظم‌ی طبیعی نیست که به مانند تغییر فصول، بی هیچ اراده انسانی، خود بیاید تا به انتظارش بنشینیم و تا آن روز اوقات به بطالت سر کنیم. با تکرار شعارگونه «سال خوبی داشته باشید» نیز محقق نمی‌شود. نوروز فرصتی است دوباره برای نوسازی فکر و ذهن و اندیشه تا همراه با اراده و عمل اجتماعیمان، دست در دست، دوشادوش و همگام و همنفس قطبنمای گفتار و کردارمان را با دنیای نوینی به دور از استثمار، اختناق، تحقیر، تبعیض و تسلیم تنظیم کنیم. اینگونه است که آرزو به عمل و سالی خوب منتهی میشود.»

خسرو صادقی بروجنی، نویسنده و روزنامه‌نگار از مردادماه سال ۹۹، دوران محکومیت پنج ساله خود را در زندان اوین سپری می‌کند.

***- کارگرداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان کهگیلویه و بویراحمد حین کار بر اثر تصادف، جان باخت:**

برپایه خبرمنتشره ظهر روز سه شنبه ۲ فروردین، آمده است: یک کارگرداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان کهگیلویه و بویراحمد بنام غریب خدادادی زاده حین کار پاکسازی محوربر اثر برخورد یک خودرو با وی جان خودرازدست داد.

***- تاریخ دادگاه خانم ژاله روحزاد، معلم و فعال صنفی فرهنگیان و همسر آقای اسماعیل گرامی، فعال کارگری زندانی در زندان تهران بزرگ:**

برپایه خبر منتشره آمده است: تاریخ احضار ۲۲ دی ۱۴۰۰ بازپرسی شعبه ۲ دادرای مقدس اوین

تاریخ رسیدگی در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران ۱۶ فروردین ۱۴۰۱

اتهامات:

۱. اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور

۲. تبلیغ علیه نظام

برگرفته از کانال شورهای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

***- 5 کارگر سازمان تبلیغات اسلامی استان ایلام احراج شدند:**

برپایه خبرمنتشره آمده است: در اواخر سال ۱۴۰۰، تعدادی از کارگران شرکتی که مدت ها در سازمان تبلیغات اسلامی استان ایلام مشغول به کاربودند، اخراج شدند.

بدنبال اعتراضات و پیگیری های این کارگران شرکتی، با تمديد قرارداد تعدادی از آنان موافقت شد اما پنج نفر همچنان بلاتکلیف و اخراج هستند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به نوشته کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، در تاریخ چهارشنبه ۳ فروردین

۱۴۰۱ آمده است: بهرام بهرامی فرد و طاهره شمشکی، از بازداشت شدگان در مراسم

نوروز پارک کودک سنندج، با اخذ تعهد آزاد شدند.

***- تاریخ برگزاری دادگاه مهتاب قلی‌زاده، روزنامه‌نگار:**

برپایه خبر منتشره کانال روزنامه‌نگاران مستقل ایران آمده است: دادگاه یک روزنامه‌نگار ۱۶ فروردین برگزار می‌شود

مهتاب قلی‌زاده، روزنامه‌نگار برای برگزاری دادگاه به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب احضار شد. دادگاه این روزنامه‌نگار روز شانزده فروردین و با شکایت سازمان اطلاعات سپاه، برای رسیدگی به سه اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و تشویق به فساد برگزار می‌شود.

مصاحبه با رسانه‌های خارج از ایران، اطلاع‌رسانی درباره اعتراضات خوزستان، فعالیت‌های توپیتور و اینستاگرامی، گفتن نه به حجاب اجباری و تلاش برای ورود به ورزشگاه را از مصادیق اتهام‌های او است.

در مرداد ماه سال ۱۴۰۰ پنج تن از نیروهای سازمان اطلاعات سپاه با توسل به زور وارد منزل این روزنامه‌نگار شدند و وسایل شخصی او از جمله پاسپورت، لپ‌تاپ، گوشی تلفن همراه و برخی دیگر از وسایل شخصی او را ضبط کردند و پس از آن بارها تحت فشار سپاه بازجویی شد. وی در آذرماه با قرار وثیقه یک میلیارد تومانی، به طور موقت آزاد شده و پس از آن او ممنوع‌الخروج شد.

*- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، چهارشنبه ۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: کاظم هوت، فعال محیط زیست و مستندساز دشتیاری که شنبه ۷ اسفند در چابهار بازداشت و به بازداشتگاه اطلاعات سپاه منتقل شده بود، در این روز آزاد شد.

وضعیت خودروساز پس از آزادسازی واردات؛ خطر اصلی واردات برای امنیت شغلی کارگران قطعه‌ساز است / به جای واردات تولید داخل رقابتی شود:
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1208218>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ سوم فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در روزهای منتهی به سال ۱۴۰۱ برخی از مقامات از جمله وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت سیزدهم با تاکید بر منافع مصرف‌کنندگان نسبت به آزادسازی واردات خودروی خارجی به کشور ابراز امیدواری کرده و از آن خبر داده بودند. این سخنان در حالی بود که پیش از سال از سال ۱۳۹۹ نیز مجلس یازدهم در این زمینه طرح‌هایی را رسانه‌ای کرده بود که در کشاکش بررسی‌های حقوقی و ایرادات فنی شورای نگهبان و دولت به‌دست فراموشی سپرده شده بود. مختاری با بیان اینکه «دولت باید یک بار ریسک و اقدام جدی کند» تاکید کرد: انحصارطلبی را کنار باید بگذاریم. در شرایطی که دولت اغلب شرکت‌های زیان‌ده دولتی را بی‌ضابطه خصوصی‌سازی می‌کند، چرا اول به سراغ صنایع پر سود مانند خودرو نمی‌رود؟

با همه این احوال پیش‌برد این طرح که به قصد شکستن قیمت‌ها و عبور از سد انحصار خودروسازان داخلی مطرح شده، برخی واکنش‌ها را نیز در میان کارشناسان مطرح کرده است. گروه‌های کارگری و کارفرمایی هر یک به سهم خود با نگاه‌های متفاوت این اقدام را ارزیابی می‌کنند. اقدامی که از نگاه آنها می‌تواند حتی روی وضعیت اشتغال و استخدام نیروی کار در صنعت خود را تحت تاثیر قرار دهد.

عبدالله مختاری (عضو هیات مدیره کانون شوراها اسلامی کار تهران) در واکنش به سیاست آزادسازی واردات خودرو ضمن بیان اینکه «آیا معیشت و آرامش اجتماعی برای عده‌ای مشکل ایجاد می‌کند که اجازه بهره‌مندی از همین میزان افزایش دستمزد را با تهدید به تعدیل نیرو در واحدهای اقتصادی مختلف به کارگران نمی‌دهند؟» بیان کرد: اگر کیفیت تولید را در صنعت خودرو می‌خواهیم باید از کارگر ایرانی حمایت کنیم و واردات خودرو به این هدف آسیب می‌زند. کارفرمایان ما باید به این نقطه نظر برسند که اقتصاد دو بال دارد. اما امروز می‌بینیم دوستان از ابتدا فقط روی بال سرمایه تاکید کردند و نه روی بال کار. در شرایطی که بخش زیادی از کارفرمایان از تورم سود بردند، حالا دارند دوباره آثار همان تورم را به اسم خطر تعدیل نیرو برسر دستمزد و امنیت شغلی کارگر می‌کوبند.

مختاری با بیان اینکه «متأسفانه از حربه‌هایی مثل آزادسازی واردات یا تبلیغات سوءاستفاده می‌شود تا عده‌ای در صنایع مختلف از جمله قطعه سازان و خودروسازان به‌جای رقابتی کردن تولید خودرو، نیروی کار را اخراج کنند» افزود: در صحنه تولید خودرو در کشور ما جامعه کارگری معتقدیم که باید در همین داخل کشور لغو انحصار شده و رقابت شود.

وی با بیان اینکه «سید خانوار و حداقل معیشت آن زمانی اعلام شد که اکثر شرکت‌ها دولتی هستند» افزود: دولت اجازه دهد خودروسازی خصوصی بیشتر از پیش فعال شود و سپس از آن بدون آزادسازی واردات حمایت کند. برای مثال در کره و جنوب شرق آسیا سال‌ها دولت از تولید داخل شرکت‌های غیرانحصاری حمایت کرد تا نهایتاً صنعت خودروی این کشورها به راه افتاد. ایران هم باید این کار را بکند».

مختاری با بیان اینکه «دولت باید یک بار ریسک و اقدام جدی کند» تأکید کرد: انحصارطلبی را کنار باید کنار بگذاریم. در شرایطی که دولت اغلب شرکت‌های زیان‌ده دولتی را بی‌ضابطه خصوصی‌سازی می‌کند، چرا اول به سراغ صنایع پر سود مانند خودرو نمی‌رود؟ این درحالی است که برخی شرکت‌ها مانند کرمان موتور و بهمن موتور نسبت به منابع‌شان (با اینکه دولتی هستند) از برخی شرکت‌های انحصاری بهتر عمل می‌کنند. حال می‌بینیم که بسیاری از قطعات شرکت‌های داخلی خودرو مونتاژی و سرهم‌سازی قطعات وارداتی است. در حقیقت واردات هم مافیایی ایجاد کرده که اجازه نمی‌دهد برخی قطعات در داخل تولید شود. لذا می‌بینیم که این سلسله مسائل باعث افزایش قیمت خودروی داخلی شده است. در این شرایط باید پرسید چرا دولت برای تولید کننده جدید خودرو مجوز نمی‌دهد؟

واردات تأثیری بر رقابت و بهبود کیفیت داخلی ندارد، اشتغال کارگران قطعه ساز داخلی تهدید نشود

ابوذر ندیمی (اقتصاددان و کارشناس سابق وزارت صنعت) نیز با بیان اینکه «واردات به طور عام و واردات خودرو به طور خاص نکات و پیچیدگی‌های زیادی دارد» اظهار کرد: واردات مشکل کیفیت صنعت داخلی را حل نمی‌کند. میزان واردات در حدی نمی‌تواند باشد که صنعت داخلی پوشش دهد و چندان در بازار موثر نیست لذا اگر بجای واردات خودرو فناوری و خودروساز وارد کنیم بهتر است.

نماینده ادوار پیشین مجلس با اشاره به اینکه «واردات حتی در تیراژ ۱۰۰ هزار خودرو هم تأثیری در بازار داخل و رقابت و کیفیت داخلی ندارد» افزود: این تکرار تصمیمات غلط گذشته است. باید کیفیت و ایمنی خودرو را بالا ببرند. واردات خودرو مربوط به طبقه متوسط به بالاست و اثری روی مصرف کننده کارگر و غیره ندارد. ما هم قطعه ساز و هم خودروساز داریم. باید سیاست به شکلی باشد که منجر به اخراج نیروی کار نشود. ما در قطعه‌سازی خودروها چند برابر خودروسازان نیروی کار داریم و اغلب باید برای دفاع از نیروی کار از قطعه‌سازان دفاع کنیم. بعضی از قطعه‌سازان کارگران زیاد دارند که باید از آنها حمایت شود.

وی با بیان اینکه «بیشترین گرایش به واردات مربوط به سود گمرکی در عرصه خودرو است. دولت هم سود گمرکی می‌خواهد و هم مالیات و این منافع دولت را تأمین می‌کند» افزود: «با ابهامی که در برجام و تنش‌های خارجی جهانی موجود، دولت روی نفت حساب نمی‌کند و سعی می‌کند روی واردات و عوارض گمرکی برای ایجاد درآمد تمرکز کند. در مجموع چون تیراژ واردات بالا می‌رود و همچنین ارزش پول هم پایین می‌آید و فروش ارز نیز بیشتر می‌شود لذا کسب دولت از ناحیه فروش ارز نیز با این سیاست افزایش می‌یابد و این عامل اصلی در شکل گیری این تصمیم دولت بوده است».

***- پدر بکتاش آبتین درگذشت:**



پدر بکتاش آبتین درگذشت



برپایه خبر منتشره در کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران آمده است: روز گذشته، ۳ فروردین ۱۴۰۱، اسداله کاظمی، پدر بکتاش آبتین، شاعر، فیلم‌ساز و عضو کانون نویسندگان ایران درگذشت. او مبتلا به سرطان بود و قتل جانگداز فرزندش بر وخامت حال او افزود و روند پیشرفت بیماری‌اش را تسریع کرد.

کانون نویسندگان ایران درگذشت اسداله کاظمی را به خانواده‌ی بکتاش آبتین، به ویژه آرمان کاظمی، برادر، و مریم یآوری، همسر آبتین، و نیز به همه‌ی دوستان و دوستان آن زنده‌یاد تسلیت می‌گوید.

***- کارگران خباز سال ۱۴۰۰ را چگونه گذراندند؟ / دستمزد تعیین شده در شورای عالی کار به خبازها تعلق نگرفت:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1207178>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ سوم فروردین ۱۴۰۱ آمده است: عبدالله بلواسی (فعال صنفی کارگران خباز) در پاسخ به این سوال که سال ۱۴۰۰ برای کارگران، خاصه کارگران خباز چه سالی بود، گفت: سال ۱۴۰۰ یکی از سخت‌ترین سال‌ها از نظر معیشت و درآمد برای کارگران در ایران بود. تورم و گرانی بی‌سابقه زندگی را بر اکثر مردم ایران و به ویژه کارگران تنگ کرد و هیچ تصمیمی هم برای عبور از این وضعیت گرفته نشد و هیچ مسئولی پاسخگوی بحران پیش آمده نبود.

وی افزود: افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها، سقوط هر چه بیشتر ارزش ریال و در نهایت بیکاری، سه عامل تاثیرگذار بر وضعیت بد کارگران بود. در چنین وضعیتی متأسفانه دولتمردان ادعای کنترل تورم و افزایش اشتغال داشتند.

بلواسی با بیان اینکه چشم‌انداز روشنی از بهبود وضعیت کارگران در سال ۱۴۰۱ نمی‌بینم، گفت: متأسفانه هیچگاه آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار ایران گویای حقیقت واقعی تورم بر سفره کارگران نبوده و هیچگاه دستمزدها طبق آمارهای واقعی تعیین نشده است.

بلواسی تاکید کرد: بنا به تجربه چندین‌ساله و با توجه به نبود کنترل دولت بر بازار و افزایش روزانه و گاهی لحظه‌ای قیمت اجناس و مایحتاج مردم، تعیین دستمزد برای یکسال کارگران غلط است.

فعال صنفی کارگران خباز در خصوص وضعیت کارگران خباز گفت: این کارگران متأسفانه همیشه قربانی سیاستهای ریاضتی یا همان اقتصاد مقاومتی بوده و هستند. دستمزد تعیین شده شورای عالی کار و ماده ۴۱ قانون کار، هیچگاه به کارگران خباز پرداخت نشده است. حق الزحمه این زحمتکشانی بی بضاعت را به ناحق منوط به افزایش قیمت نان کرده‌اند که گاهی دو سال یکبار هم افزایش نمی‌یابد.

بلواسی تشریح کرد: برای نمونه دستمزد ۱۴۰۰ کارگران خباز استان کردستان در اسفند افزایش یافت؛ یعنی این کارگران دوازده ماه گذشته‌ی سال ۱۴۰۰ را با دستمزد ۱۳۹۹ کار کردند! البته این افزایش دستمزد برای نانوائی‌هایی است که ۴ نفر کارگر و روزانه ۷ کیسه پخت داشته‌اند.

وی ادامه داد: برای هر کارگر روزانه نزدیک به ۱۴۰ هزار تومان تعیین شده است. یعنی در ماه کارگر ۲۶ روز کار می‌کند و باید حقوق دو روز را برای سهم حق بیمه‌ی خود به سازمان تأمین اجتماعی بدهد. دریافتی این کارگران نزدیک به ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان است. یعنی تقریباً ۶۰۰ هزار تومان کمتر از حداقل دستمزد ۹۹ و باید بگوییم دستمزد این کارگر نه زیر خط فقر، بلکه زیر خط مرگ است! متأسفانه به نظر می‌رسد این روند در ۱۴۰۱ هم ادامه داشته باشد.

این فعال صنفی کارگران خباز کردستان گفت: یعنی دستمزدی که شورای عالی کار برای کارگران تعیین کرده - که البته این دستمزد نه مطابق سبد معیشت و نه نرخ تورم است - به کارگران خباز نمی‌رسد و آن‌ها همچنان ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان دریافت خواهند کرد.

بلواسی در پایان با اشاره به سیاستهای حذف ارز ترجیحی گفت: با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی تورم و طوفان گرانی که از همین حالا چهره نمایان کرده است، در این وضعیت مسئولین بگویند یک کارگر خباز متاهل و اجاره‌نشین چگونه روزگارش را سپری کند؟! چه کسی جوابگوی این همه درد و رنج و تبعیض خواهد بود؟

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، چهارشنبه ۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در پی احضار تلفنی سامان میرکی به سازمان اطلاعات سپاه سنندج، به دلیل شرکت در مراسم نوروزی ۱ فروردین در پارک کودک سنندج، او در این روز بازداشت شد.

***- تعدادی از کارگران حق طلب گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، ممنون الورد شدند:**

خبرهای منتشره در شبکه‌های اجتماعی در اولین روزهای سال نو، حاکی از ممنوع الورد شدن تعدادی از کارگران حق طلب گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، می‌باشد.

***- بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در اعتراض به افزایش فشارهای امنیتی و قضایی بر ژاله روحزاد، رسول بداقی و حمید قندی:**

«ما با اطمینان همکارانمان را بیگناه می‌دانیم، شما اگر بر مدعای خود اطمینان دارید، اجازه برگزاری دادگاه‌های علنی فعالان صنفی را صادر کنید.»

روزشنبه ۶ فروردین، کانون صنفی معلمان ایران (تهران) بیانیه‌ای بشرح زیر برای اعتراض به افزایش فشارهای امنیتی و قضایی بر ژاله روحزاد، رسول بداقی و حمید قندی، منتشر کرد:

سال ۱۴۰۰ بی شک سال درخشش جنبش‌های مطالبه‌گری در ایران و بویژه جنبش معلمان بود.

در طول یک سال گذشته جنبش معلمان با هدایت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، خیابان را به عرصه مطالبه‌گری مسالمت‌آمیز در کشور تبدیل کرده و از این رهگذر به الگوی مطالبه‌گری جنبش‌های اجتماعی در ایران تبدیل شده‌اند.

بر مبنای چنین اثر گذاری، در طول یک سال گذشته فشار های امنیتی بر جنبش معلمان و فعالان صنفی افزایش یافته و در طول سال گذشته شاهد احضار و پرونده سازی برای دهها فعال صنفی در سراسر کشور بوده ایم.

در همین راستا و در فروردین ماه سال جدید و در پایان تعطیلات باید شاهد برگزاری دادگاه سه نفر دیگر از فعالین صنفی در دادگاه انقلاب تهران باشیم.

خانم ژاله روحزاد معلم بازنشسته و فعال صنفی و آقایان رسول بدایق و حمید قندی از اعضای کانون صنفی معلمان اسلامشهر در روز های پانزدهم و شانزدهم فرودین در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران بخاطر فعالیت های صنفی شان؛ با اتهامات واهی محاکمه خواهند شد.

اگر چه در طول یکسال گذشته با وجود فشارهای امنیتی و احکام قضایی، جریان مطالبه گری جنبش معلمان متوقف نشد، با این حال به نظر می آید؛ فرادستان حکومتی همچنان به جای پاسخگویی، تلاش در جهت کنترل و سرکوب جنبش را در دستور کار قرار داده اند.

ما به عنوان کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن محکومیت افزایش فشار های امنیتی بر فعالین صنفی، مجدداً به همه نهادهای امنیتی و قضایی و فرادستان حاکمیتی اعلام می کنیم که چنین روندهایی تاثیری بر مطالبه گری معلمان نخواهد داشت، همانطور که در گذشته نیز نداشته است.

تاکید ما بر بی گناهی همکارانمان تا بدانجا است که مسئولان قوه قضاییه را به یک هم آوردی مدنی دعوت می کنیم.

شما مطابق قانون اساسی، دادگاه های فعالان صنفی ژاله روحزاد، رسول بدایق و حمید قندی را به صورت علنی برگزار کنید و اجازه دهید همکارانمان از سراسر کشور امکان حضور داشته باشند، تا حقانیت هر کدام از طرفین ثابت شود!

مگر نه اینکه شما همواره فعالین صنفی را به فعالیت های امنیتی متهم می کنید، اجازه دهید دادگاه به صورت علنی برگزار شود.

ما با اطمینان همکارانمان را بیگناه می دانیم، شما اگر بر مدعای خود اطمینان دارید، اجازه برگزاری دادگاه های علنی فعالان صنفی را صادر کنید .

***- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، پنجشنبه ۴ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید امید اسدی به دلیل شرکت در مراسم نوروز در پارک کودک سنندج به اطلاعات سپاه احضار و مورد بازجویی قرار گرفته است.

***- سایه شوم بیکاری بالای سر صدها کارگر کارخانه الکترونیک مادیران هشتگرد:**

بر پایخ خبرهای منتشره آمده است : در روزهای اول سال نو، حاکی از سایه شوم بیکاری بالای سر صدها کارگر کارخانه الکترونیک مادیران هشتگرد می باشد.

در همین رابطه، مدیر روابط کار اداره کل کار، تعاون و رفاه اجتماعی استان البرزیه خبرنگار رسانه ای گفت: موضوع از مدیران این مجموعه پیگیری شد و اعلام شد این تصمیم قطعی نیست.

وی درباره دلایل عدم تمدید قرارداد کارگران، گفت: با توجه به اینکه شرکت مورد نظر در چندماه اخیر در حال زیان مالی است و تولیدات کاهش یافته و مشکلات اقتصادی افزایش یافته، تعدادی از پرسنل و کارگرانی که قرارداد آنها تمام شده از تمدید قرارداد خودداری می شود اما هنوز این تصمیم اعلام رسمی نشده است.

***- قتل یک کاسبکاری جوان سقزی در نزدیکی خرم آباد توسط نیروی انتظامی :**

برپایه خبر مندرج در تاریخ چهارشنبه چهارم فروردین ماه، آمده است: روز دوشنبه دوم فروردین، نیروی انتظامی بسوی اتومبیل یک کاسبکار جوان #سقزی در نزدیکی #خرم_آباد #تیراندازی می کند و وی را به #قتل می رسانند. هویت این جوان سقزی « #محمد_صادقی» اعلام شده است. قتل و #کشتر #کولبران و #کاسبکاران در #کردستان و محورهای منتهی به سایر شهرهای #ایران توسط سپاه و نیروی انتظامی به امری عادی و روزانه تبدیل شده است.

***- در گفت و گو با ایلنا مطرح شد؛ سال ۱۴۰۰ شاهد فقیرتر شدن کارگران بودیم / دولت و مجلس با حذف ارز ۲۲۰۰ تومانی وضعیت کارگران را بدتر نکنند:**
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1209097>

به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ چهارم فروردین ۱۴۰۱ آمده است: سال ۱۴۰۰ برای کارگران چه سالی بود؟ **اکبر شوکت (رئیس کانون سراسری انجمن های کارگران ساختمانی)** در پاسخ به این سوال گفت: نه فقط در سال ۱۴۰۰ بلکه طی سه سال گذشته همه ی اقشار ضعیف جامعه به خصوص کارگران آسیب بسیاری دیدند .

وی ادامه داد: نرخ بالای تورم و افزایش چند برابری قیمت ها روز به روز وضعیت کارگران را بدتر کرد تا جایی که حداقل دستمزد تعیین شده برای سال ۱۴۰۰ عملاً ارزش خود را بعد از مدتی از دست داد و دستمزد تنها چند روز از ماه کفاف هزینه های زندگی را داد .

رئیس کانون سراسری انجمن های کارگران ساختمانی با اشاره به تورم ۵۰۰ تا ۷۰۰ درصدی طی سه سال گذشته گفت: در بخش ساختمان در سه سال گذشته حدود ۷۰۰ درصد تورم داشتیم. قیمت ساخت یک بنا در سال ۹۷ متری یک میلیون تومان بود اما در سال ۱۴۰۰ به متری ۷ تا ۸ میلیون تومان رسید. در مورد کالاهای دیگر نیز همین افزایش قیمت چند صد درصدی را داشتیم؛ به طور مثال گوشت کیلویی ۲۵ - ۳۰ هزار تومان ابتدای سال ۹۷ به کیلویی ۱۶۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۰ رسید. این درحالیست که این نرخ تورم در دستمزد کارگران لحاظ نشد .

شوکت بیان کرد: نرخ تورم ۵۰۰ تا ۷۰۰ درصدی و افزایش قیمت ۵ تا ۱۰ برابری طی سه سال گذشته فشار بسیاری بر کارگران وارد کرد و آنها را در تنگنا قرار داد .

این فعال کارگری بیان کرد: در شرایط تورم افرادی که ملک و دارایی دارند روز به روز پولدارتر و در مقابل اقشار متوسط و ضعیف جامعه فقیرتر می شوند. همانطور که آقای محبوب بارها گفته اند، تورم جشن اغنیا و عزای فقرا است و اگر بگوییم این سه سال عزای فقرا بوده اغراق نکرده ایم .

وی تاکید کرد: در این سالها با زیاد شدن فاصله ی طبقاتی در جامعه رفته رفته قشر متوسط به سمت حذف شدن رفت و با یک فضای دو قطبی مواجه شدیم. طی این سالها افراد بسیاری سعی کردند با رفتن به سمت کارهای دلالتی خود را بالا بکشند اما واقعیت این است که تعداد بسیاری از افراد، حقوق بگیر هستند و این شرایط تورمی آنها را به خط فقر رسانده است .

شوکت با بیان اینکه بخشی از مشکل به تحریم و بخشی دیگر به بی لیاقتی مدیران برمی گردد، گفت: فقر آسیبهای اجتماعی را افزایش می دهد و با این وضعیت نمی توان به تغییرات بنیادین امیدوار بود .

رئیس کانون سراسری انجمن های کارگران ساختمانی با اشاره به تصمیم دولت و مجلس برای حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی گفت: حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی سبب افزایش قیمت ها خواهد شد و با این روند نمی توان نسبت به بهبود وضعیت کارگران در سال آینده امیدوار بود .

وی گفت: اگرچه ما به نحوه ی تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی همواره اعتراض داشتیم اما به هیچ وجه موافق حذف این ارز نیستیم. دولت و مجلس اگر نگران رانت حاصل از این ارز هستند

می‌توانند نحوه‌ی تخصیص ارز را تغییر دهند نه اینکه با حذف کامل آن زندگی اقشار ضعیف جامعه را دشوارتر از این کنند .

این فعال کارگری تاکید کرد: در سال ۱۴۰۰ شاهد فقیرتر شدن مردم و به خصوص کارگران شدیم و امیدواریم دولت و مجلس با تصمیمات اشتباه وضعیت را در سال آینده بدتر نکنند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، پنجشنبه ۴ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: جمعی از فعالان سیاسی، مدنی و فرهنگی کردستان با انتشار بیانیه‌ای در این روز خواستار آزادی بازداشت‌شدگان اخیر در جریان مراسم نوروز در سنندج شدند.

***- نسبت به احداث ابرپروژه پتروشیمی در حریم میان‌کاله و مراتع ملی روستای حسین آباد زاغمرز، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه خبرمنتشره درروز پنج شنبه 4 فروردین1401، آمده است : جمعی از اهالی شرق استان مازندران منجمله حامیان محیط زیست و جمعی از اهالیو دامداران حریم میان‌کاله برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به احداث ابرپروژه پتروشیمی در حریم میان‌کاله و مراتع ملی روستای حسین آباد زاغمرزدست به تجمع وگردهمایی در مرتع حسین‌آباد برای اعتراض وتبادل نظرزدند.

بنابه گزارش خبری شده بتاريخ 5 فروردین،شنيده‌ها حاکی از این است که اخیرا کلنگ پتروشیمی شمال ایران در این منطقه به زمین خورده و فنس‌کشی احداث این پتروشیمی هم با وعده اشتغال آغاز شده است. ظاهرا اداره کل منابع طبیعی نیز این مرتع ملی را به این ابرپروژه اختصاص داده است. از آنجایی که صنعت پتروشیمی بسیار آب بر و آلاینده است و تمام فعالیت‌های کشاورزی، شیلاتی، دامداری و باغداری را به خطر می‌اندازد، این اقدامات باعث استرس و نگرانی اهالی منطقه شده است.

چند ابرپروژه دیگر هم مثل نیروگاه سلیمی نکا، بندر امیرآباد که خود حدود دو هزار و پنجاه هکتار از این اراضی را بلعیده است، در ساحل دریای مازندران در منطقه زاغمرز وجود دارد.

این در حالی است که اهالی منطقه نه تنها از این ابرپروژه‌ها بهره‌ای از اشتغال نبردند بلکه از انواع بیماری‌ها و آلودگی‌هایی که این صنایع به دنبال خود آوردند، آسیب دیده‌اند.

با توجه به اینکه شمال کشور قدرت هضم آلاینده‌گی‌ها را ندارد و چرخه کوتاه هیدرولوژی آب در فاصله نزدیک بین رشته‌کوه‌های البرز و دریای مازندران نمی‌تواند این آلودگی‌ها از بین ببرد، احداث این پتروشیمی مناطق بکر، کشاورزی، دامداری، شیلات، صیادی و پرورش ماهیان مختلفی که توسط مردم منطقه انجام می‌شد را در این منطقه تهدید می‌کند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، پنجشنبه ۴ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: عادل نادری، از هنرمندان اهل سنندج در این روز به اطلاعات سپاه احضار و به مدت چند ساعت بازداشت و بازجویی شد. ضمن تهدید از وی تعهد کتبی اخذ کرده‌اند که نباید

در هیچ کدام از مراسم‌های مردمی ویژه نوروز شرکت کند و تنها می‌تواند در مراسم حکومتی که زیر نظر سپاه پاسداران برگزار می‌شود شرکت داشته باشد.

در جریان برگزاری مراسم ویژه‌ی نوروز در کردستان تاکنون بیش از سی شهروند بازداشت و صدها فعال دیگر توسط نهادهای امنیتی احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته‌اند.

* - آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، جمعه ۵ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: رضا براهنی، شاعر، نویسنده و منتقد و از اعضای هیئت مؤسس کانون نویسندگان ایران در این روز در سن هشتاد و شش سالگی در تورنتوی کانادا درگذشت. آثار براهنی همواره در ایران با سانسور روبرو شده بود.

* - جانباختن یک #کولبر اهل #سلماس بر اثر #سرمزدگی:

برپایه خبر مندرج در تاریخ پنجشنبه 5 فروردین ماه، آمده است: بنا بر خبر رسیده روز گذشته کولبری با هویت «فهم مامدی قزل کند» بر اثر گم کردن راه و سرمزدگی در کوهستانهای منطقه #سلماس جان خود را از دست داد. #کولبران اگر بر اثر حوادث طبیعی جان خود را از دست ندهند، با #شلیک_مستقیم نیروهای رژیم جان خود را از دست می‌دهند.

* - نگاهی به دغدغه‌های «دلواپسان تولید» / آیا دستمزد ۱۴۰۱ واقعاً افزایش یافته است؟

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1211419>



به گزارش نسرين هزاره مقدم خبرنگار ایلنا، در تاریخ روز ۵ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: بیش از دو یا سه روز از تصویب افزایش ۵۷,۴ درصدی حداقل مزد کارگران برای سال ۱۴۰۱ نگذشته بود که محمدرضا تاجیک، یکی از نمایندگان کارگری دستمزد گفت: ما اصلاً افزایش دستمزد نداشته‌ایم؛ اتفاقی که افتاده است، در بهترین حالت، فقط «حفظ قدرت خرید» است.

«افزایش دستمزد واقعی» به معنای پیشی گرفتن دستمزد از تورم جمعیتی یا سرجمع هزینه‌های زندگی است؛ وقتی می‌توانیم با جرئت بگوییم دستمزد واقعی کارگران کشور افزایش یافته است که تورم واقعی، رقمی ثابت و در یک محدوده‌ی خاص پایین باشد و تورم ماهانه‌ی به پیش جهنده نداشته باشیم و در عین حال، مزد کارگران افزایش یابد به گونه‌ای که از نرخ واقعی تورم جلوتر برود. در چنین شرایطی است که کارفرمایان یا افرادی که می‌توان آن‌ها را «دلواپسان تولید و اقتصاد» نامید، حق دارند و اوایل سر بدهند که این افزایش تورم زاست و پول زیادی در جامعه به گردش می‌اندازد یا اثر بازدارنده دارد و اشتغال را از بین می‌برد.

نشانه‌های رکود در بازار کالاها و خدمات: در شرایطی که هم اقتصاد و هم عرصه‌ی «عرضه و تقاضا» در رکود کامل به سر می‌برد و نرخ تورم واقعی روی کالاهای اساسی هر ماه و هر هفته افزایش می‌یابد، چطور می‌توان از افزایش ۵۷,۴ درصدی مزد کارگران به عنوان یک

عامل تخریبی یا بازدارنده انتقاد کرد؟ برای پی بردن به عمق این رکود مزمّن و دامنه دار، نیازی نیست راه دوری برویم.

محمد، فروشنده‌ی لوازم خانگی در مرکز تهران است؛ او در ارتباط با میزان فروش شب عید خود می‌گوید: امسال از پارسال هم بدتر بود؛ مردم توان خرید ندارند و اغراق نیست اگر بگویم فروش شب عید ما نصف سال‌های گذشته بوده است.

او می‌گوید: قیمت‌ها بالاست و مردم توان ندارند؛ یک کارگر اگر دو ماه یا سه ماه حقوق خود را بگذارد، بازهم نمی‌تواند یک وسیله‌ی خانه مثل یخچال یا ماشین لباسشویی بخرد؛ آن زمان گذشت که مردم شب سال نو بعضی وسایل قدیمی و کهنه‌ی منزل خود را نو می‌کردند؛ حالا حتی هزینه تعمیرات ندارند.

در بازار کالاهای سرمایه‌ای مانند مسکن نیز رکود به تمامی جریان دارد؛ علی که یک بنگاه ملکی در شمال غرب تهران و در منطقه‌ای نسبتاً برخوردار دارد؛ می‌گوید: آن چنان میزان معاملات خرید و حتی اجاره‌ی ما کم شده که اجاره ماهانه بنگاه را نمی‌توانیم بپردازیم. ما چند نیرو داشتیم که مجبور شدیم به جز دو نفر، عذر بقیه را بخواهیم؛ نه توان پرداخت حقوق ثابت داشتیم نه خودشان حاضر بودند پورسانتی کار کنند چون معامله‌ی چندانی صورت نمی‌گیرد که پورسانت و سود چندانی در کار باشد!

در چنین شرایطی اگر تضمینی برای تثبیت قیمت‌ها و تورم وجود داشت، می‌شد از افزایش ۵۷,۴ درصدی مزد به عنوان عاملی برای افزایش قدرت خرید کارگران (تقریباً نیمی از جمعیت فعال کشور) صحبت کرد؛ در آن صورت می‌شد انتظار داشت که این افزایش قدرت خرید، بازار کالاهای داخلی و دارایی‌های سرمایه‌ای را از رکود خارج سازد. اما با در نظر گرفتن هزینه‌های افزایشی زندگی، نمی‌توان از افزایش دستمزد واقعی یا بالا رفتن قدرت خرید صحبت کرد.

رکود در بازار اشتغال: دستمزدهای پایین، نه تنها خاصیت اشتغال‌زایی ندارند بلکه «رکود اشتغالی» و بحران نیروی کار متخصص به وجود می‌آورند؛ در ابتدای زمستان سال ۱۴۰۰، آیت اسدی، رئیس کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان قزوین که یکی از صنعتی‌ترین استان‌های کشور است، نسبت به بحران فزاینده‌ی نیروی کار متخصص در شهرک‌های صنعتی این استان هشدار داد و گفت: **کارفرمایان در بیدار دنیال کارگر متخصص می‌گردند و کارگران حاضر نیستند با دستمزدی که نیمی از هزینه‌های زندگی را تامین کند، کار کنند.**

با این تفصیل، آن‌هایی که ظاهراً دلواپس تولید و اقتصاد هستند، چگونه به افزایش ۵۷,۴ درصدی حداقل مزد حمله می‌کنند آنهم در شرایطی که این افزایش، وعده بخش بهبود واقعی معیشت کارگران نیست و در عالم واقع، نتوانسته موجی از رضایت و خوشحالی میان کارگران شاغل به وجود بیاورد.

فرامرز توفیقی (از نمایندگان کارگری دستمزد و رئیس کمیته مزد کانون عالی شوراهای) در ارتباط با این تزه‌های دست راستی که بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی کشور طرح می‌شود، می‌گوید: بسیاری از مکاتب اقتصادی از جمله مکتب کلاسیک، بازار کار را رقابتی در نظر می‌گیرند و حداقل دستمزد در مدل ساده عرضه و تقاضای نیروی کار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به این ترتیب که اگر حداقل دستمزد بالاتر از میزان تعادلی بازار باشد عرضه نیروی کار جیره‌بندی شده و عده‌ای نمی‌توانند وارد بازار کار شوند. بنابراین میزان اشتغال کاهش می‌یابد. می‌توان حدس زد که اقشاری از کارگران که در این سطح حداقلی دستمزد و کمتر از آن مشغول به کار هستند ممکن است کار خود را از دست بدهند. شواهد تجربی نیز حاکی از آن است که تاثیر منفی حداقل دستمزد بر اشتغال نوجوانان، جوانان و گروه‌های غیر ماهر بیشتر است. به عنوان یک مثال، طبق پژوهش‌های موجود، افزایش حداقل دستمزد واقعی بر اشتغال زنان و مردان در گروه‌های سنی ۱۰ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۱۹ تاثیر منفی دارد. در پژوهشی دیگر در کشور نشان داده شد که افزایش حداقل دستمزد واقعی بر کل اشتغال جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله تاثیر منفی داشته است اما تاثیر معنی‌داری بر اشتغال افراد

۲۵ ساله و بالاتر نداشته است. در این مدل‌های اقتصادی، افزایش دستمزد واقعی مورد نظر است و افزایش تورم از حداقل دستمزد حذف شده است.

او تاکید می‌کند: البته طبق واقعیات اقتصادی کشور در بسیاری از دوره‌ها، خصوصا سال‌های اخیر به دلیل عقب ماندن افزایش حداقل دستمزد از نرخ تورم، تغییر حداقلی در دستمزد واقعی را داشته‌ایم یا به عبارت بهتر، «دستمزد واقعی» دچار افزایش نشده است، بنابراین وقتی افزایش دستمزد واقعی نداریم، تئوری‌های این مکاتب اقتصادی به کارمان نمی‌آیند چون با واقعیت‌های موجود در بازار کار ما همخوانی ندارند.

نتیجه چند پژوهش:

افزایش دستمزد واقعی موجب عرضه بیشتر نیروی کار می‌شود: توفیقی اضافه

می‌کند که در اقتصاد ایران، افزایش دستمزد واقعی، نه تنها موجب کاهش نرخ اشتغال نمی‌شود بلکه باعث می‌شود عرضه نیروی کار ماهر به بازار بیشتر شده و بازار اشتغال از رکود مزممن فعلی خارج شود.

او به چند پژوهش در این زمینه اشاره می‌کند: «پژویان» و «امینی» در مطالعه تاثیر حداقل دستمزد واقعی بر اشتغال گروه‌های خاص به این نتیجه می‌رسند که افزایش حداقل دستمزد واقعی بر اشتغال زنان ۱۰-۱۴ و ۱۵-۱۹ ساله، تاثیر منفی معنی‌داری دارد (پژویان ۱۳۸۰). فلیحی و ازوجی در مطالعه تاثیر حداقل دستمزد بر اشتغال جوانان در اقتصاد ایران به این نتیجه می‌رسند که افزایش حداقل دستمزد واقعی، تاثیر منفی بر کل اشتغال جوانان (۱۵-۲۴ ساله) داشته ولی تاثیر معنی‌داری بر اشتغال افراد ۲۵ ساله و بیشتر ندارد ضمن آنکه منجر به افزایش عرضه نیروی کار نیز می‌شود.

این کارشناس مزد نتیجه می‌گیرد: بنابراین اگر مراد ما از حمایت از تولید، حمایت از صنایع مادر و سودده‌ای است که می‌توانند نرخ رشد ملی را بالا ببرند، باید از افزایش عرضه نیروی کار ماهر به عنوان یک تالی منطقی افزایش دستمزد واقعی دفاع کنیم اما اگر نه برعکس، فقط به دنبال حمایت از منافع سودجویان و افرادی هستیم که طبقه کارگر غیرماهر و مستاصل را استثمار می‌کنند، مدام علیه افزایش دستمزد موضع بگیریم و اوایل سر دهیم که اقتصاد را با افزایش دستمزد تخریب کرده اند!

خروج بازار اشتغال صنعتی از رکود و خروج بازار کالاها و خدمات از رکود، تنها با افزایش دستمزد واقعی کارگران میسر می‌شود یعنی در حالتی که نرخ افزایش دستمزد از نرخ تورم واقعی و جهش هزینه‌های ماهانه پیشی بگیرد؛ به گفته‌ی محمدرضا تاجیک «وقتی تفاضل دو سید معیشت پیاپی یا میزان افزایش هزینه‌های زندگی در یکسال، ۲ میلیون و ۸۰ هزار تومان است و افزایش دریافتی کارگران در بهترین حالت با احتساب تمام مزایای مزدی، ۲ میلیون و صد و خرده‌ای، در واقع، دستمزد واقعی به هیچ وجه افزایش نیافته و تنها قدرت خرید حفظ شده است». و اما یک نکته مهم تر، این حفظ قدرت خرید نیز تنها در اولین ماه از سال ۱۴۰۱ معنا می‌دهد چراکه در ماه‌های بعدی معلوم نیست چه اتفاقی برای هزینه‌های زندگی بیفتد و چقدر تورم تجمیعی مازاد به سفره‌های خالی کارگران کشور تحمیل شود!

***- برپایه خبرمنتشره آمده است :**

با دستور کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، سایت پایگاه خبری و تحلیلی امتداد در این روز از دسترس خارج شد.

***- داغدار شدن خانواده 3 کارگردر ایام نوروزیدنبال جان باختن عزیزانشان بر اثر حوادث کاری:**

***- بیانیه‌ی کانون نویسندگان ایران به مناسبت درگذشت رضا براهنی:**



رضا براهنی در تبعید درگذشت.

#رضابراهنی (۱۴۰۱ - ۱۳۱۴) شاعر، رمان‌نویس، منتقد، نظریه‌پرداز ادبی و از اعضای هیئت مؤسس #کانون‌نویسندگان_ایران روز جمعه پنجم فروردین ۱۴۰۱ دور از زادگاه خویش، در تورنتوی کانادا درگذشت. او یکی از آخرین بازماندگان نسل دوران‌ساز ادبیات معاصر ایران بود که در دهه‌ی چهل خورشیدی بالیدند و آثار گران‌قدری از خود به یادگار گذاشتند. اغراق نیست اگر بگوییم که او آغازگر شیوه‌ی نوین نقدنویسی در ادبیات ایران بود. نقدهای او درباره‌ی شعر مطرح‌ترین شاعران نسل بعد از نیما که ابتدا در نشریات ادبی و فرهنگی منتشر می‌شد و سپس در کتاب «طلا در مس» به چاپ رسید، تأثیر انکار نشدنی در بالندگی شعر نو فارسی داشت. ده‌ها اثر ارزشمند او در حوزه‌ی شعر، نقد ادبی، رمان و آموزش قصه‌نویسی هم‌اکنون بخشی مهم از گنجینه‌ی ادبیات فارسی است .

رضا براهنی نویسنده‌ای مستقل و آزادی‌خواه بود که انتشار آثارش در هر دو رژیم گذشته و اکنون با مانع دستگاه سانسور رو به رو شد و خود نیز از زندان و شکنجه و اخراج از دانشگاه و تبعید بی‌نصیب نماند. در تأسیس کانون نویسندگان ایران در سال ۱۳۴۷ حضور فعال داشت. در شروع دوباره‌ی فعالیت کانون پس از سرکوب‌های دهه‌ی شصت، در تدوین منشور و اساسنامه‌ی کانون و در تنظیم متن ۱۳۴ نویسنده و جمع‌آوری امضا و انتشار آن در سطح بین‌المللی نقشی تعیین کننده داشت و سرانجام در پی فشارهای نیروهای امنیتی که جان شماری از اعضای سرشناس کانون را تهدید می‌کرد و به فاجعه‌ی قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای انجامید، ناچار به ترک وطن شد و در غربت جان سپرد. کانون نویسندگان ایران درگذشت این نویسنده‌ی آزادی‌خواه را به خانواده‌ی او، به دوستان و دوست‌دارانش و به جامعه‌ی ادبی و فرهنگی مستقل ایران تسلیت می‌گوید و به سهم خود می‌کوشد میراث ادبی او را که الهام بخش خلاقیت، نوگرایی و جدال بی‌امان با هرگونه سانسور است، پاس دارد .

کانون نویسندگان ایران

۶ فروردین ۱۴۰۱

* - یک کارگردن چاه آب دزفول بر اثر برق گرفتگی، جان باخت:

بر پایه خبر منتشره در روز شنبه ۶ فروردین، آمده است: یک کارگر 35 ساله تبعه افغانستان حین کار در عمق 24 متری چاه در یک باغ ویلای شخصی واقع در شهرک چغاسرخ دزفول به علت اتصالی در سیستم برق بالابردچار برق گرفتگی شد و جان خود را از دست داد.

* - آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، شنبه ۶ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید مجسمه یک زن در گرگان به بهانه‌ی بلند نبودن شلوار و مشخص بودن ساق پای این مجسمه، برداشته و اعلام شده بعد از پاره‌ای اصلاحات دوباره نصب خواهد شد.

*- کارگر اسکله رجایی بر اثر برخورد ماشین‌آلات کشنده باربا وی، جان باخت:

بر پایه خبر منتشره در روز شنبه ۶ فروردین، آمده است: یک کارگر اسکله منطقه ویژه اقتصادی بندر رجایی در 23 کیلومتری غرب بندرعباس در شمال جزیره قشم و تنگه هرمز بر اثر برخورد ماشین‌آلات کشنده باربا وی جان خود را از دست داد.

*- ایلنا گزارش می‌دهد؛ نبرد کارفرمایان با توهم «اسب تروا» و ایجاد بحران/ «کارگران» باید از چه مواردی اطلاع داشته باشند؟

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1211713>



به گزارش پیام عابدی خبرنگار ایلنا، در تاریخ ۶ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: گرچه آمارهای امسال برای تولیدکنندگان کالاها و خدمات از لحاظ «فشار هزینه‌ای» ناشی از تامین مایحتاج تولید، نوید دهنده‌ی سال خوبی نبود اما در پایان سال، مرکز آمار ایران، از کاهش تورم تولیدکنندگان خبر داد؛ یعنی تورمی که در ابتدای سال ۱۴۰۰ به حدود ۷۰ درصد رسیده بود، در انتهای پاییز به حدود ۶۱ درصد رسید. کاهش این نرخ باید به معنای کاهش قیمت اقلام کالاها و خدمات (سه‌م مصرف‌کننده از تورم) باشد؛ چه اینکه شاخص کل که برآیند سرجمع تورم اعلامی است، در بخش تولیدکننده از ۵۸ درصد به ۴۸ درصد رسیده است. به طبع شاخص کل در بخش مصرف‌کنندگان هم کاهش یافته است.

بنابر اعلام مرکز آمار ایران کاهش قیمت‌ها در ادامه به زمستان تسری یافته است. بر این اساس تورم ۴۳ درصدی آبان ماه (تورم سالانه) به ۴۰ درصد در اسفند ماه رسیده است. شاید یکی از دلایل کاهش تورم تولیدکننده و تسری آن به مصرف‌کننده، ماهیت شکلی آن باشد؛ یعنی از لحاظ فشار هزینه‌ای، تولیدکننده بهای کمتری را می‌پردازد اما فشار تورمی آن به مصرف‌کننده منتقل شده است. در واقع، بدون اینکه بهای واقعی آن کالا (سود تولیدکننده، مالیات، قیمت نهایی تولید، تورم نهاده‌های تولید و...) در جایی خارج از حیطه‌ی اعمال کارفرما محاسبه شده باشد، به سبب الزام به درج قیمت «درب کارخانه» و ارائه قیمت بالاتر به پخش‌کننده و فروشنده، قیمت نهایی محصولی که به دست خریدار می‌رسد، بسیار بالاتر از قیمتی است که کارخانه و تولیدکننده روانه شبکه‌ی توزیع و فروش می‌کند.

به همین دلیل، نرخ اسمی تورم پایین می‌آید؛ بی‌آنکه در قسمت افزایش قدرت خرید، تاثیر به‌سزایی داشته باشد؛ ضمن اینکه به هیچ وجه امکان کشف قیمت اجناس و خدمات در فضایی مستقل از اختیارهای «صاحب‌کار» وجود ندارد؛ به این دلیل که بازرسان وزارت صنعت، معدن و تجارت و سایر دستگاه‌ها باید با یک ماشین حساب در کلیه‌ی فرایندهای خط تولید حاضر باشند و حساب و کتاب‌های کارفرمایان را به دست گیرند و بعد با در نظر گرفتن یک میزان سود، قیمت نهایی را تعیین کنند.

اگر فرض بگیریم که ادعای «رصد هوشمند» شبکه توزیع و فروش کاملاً صحیح باشد و شبکه نظارتی تمام منافذ آنچه «گران‌فروشی» می‌نامندش را بسته باشد، به دلیل اینکه امکان نظارت شبانه‌روزی بر محیط تولید وجود ندارد، در نتیجه امکان مدیریت انتقال فشار هزینه‌ای از بخش تولید به مصرف‌کننده، صنایع پایین‌دستی و... وجود ندارد؛ حتی دولت‌ها هم با نرخ مطلوب خود کالاهای عمومی را روانه‌ی شبکه‌های خصوصی توزیع می‌کنند.

تحمل فشار تورم از بالا به پایین: بنابراین بیره نیست که با وجود کاهش تورم تولیدکننده، به واسطه گردش کالا در چند دست و نبود امکان محاسبه قیمت محصول در درب کارخانه، مصرفکننده و صنایع پاییندستی فشار هزینه‌ای آن را پرداخت کنند. در واقع، تورم از بالا به پایین منتقل می‌شود. از آنجا که مصرفکننده، تعیین‌کننده سود بنگاه و درآمدهای مالیاتی دولت نیست، اما تولیدکننده پاییندستی می‌تواند تورم و هزینه‌های اجتماعی مانند مالیات و دستمزد کارگر را در نظام قیمت‌گذاری خود جبران کند، بازنده نهایی مصرفکننده است.

تنها گلایه‌ی جدی تولیدکنندگان، به بی‌ثباتی قیمت کالاهای واسطه‌ای برمی‌گردد؛ چرا که میزان مالیات و دستمزد مشخص است و آنها می‌توانند هزینه‌های دستمزد را متناسب با افزایش مالیات یا بی‌ثباتی قیمت مواد اولیه و نرخ ارز، تعدیل کنند. در این شرایط کارگر باید بار انتقال هزینه‌های تولید و بار بیکاری یا کاهش میزان دستمزدش را بر دوش بکشد.

این کارگر در مقام «آسیب‌پذیری» با هزار و یک مشکل مواجه می‌شود که تنها یکی از آنها اخراج است؛ چراکه با خطر حذف اضافه کار، افزایش ساعات‌های کار اضافه، حذف حق مسئولیت سرپرستان کارگاه‌ها یا کاهش آنها، کاهش فوق‌العاده‌های انگیزشی یا حذف آنها و پرداخت نشدن مزایای مزدی مندرج در قانون کار و بروز نشدن ضرایب طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگاه مواجه می‌شود؛ اتفاق‌هایی که هر کدام می‌تواند به تثبیت نرخ دستمزد در سطح حداقل‌ها یا پایین‌تر از آنها بی‌انجامد.

بر روی همین اساس، می‌توان گفت که حمایت‌های قانونی از کارگران سلب می‌شود و مازاد افزایش دستمزد که به واسطه طبقه‌بندی مشاغل در برخی کارگاه‌ها پرداخت می‌شد، حذف می‌شود. به این سبب تورمی که از بالا نازل شده و بر سر سفره‌ها غلطیده و مشکلات کلان در اقتصاد، رها شده، یقه‌ی کارگر وابسته به دستمزد را هم می‌گیرد و بی‌نواپی بیشتر را به او تحمیل می‌کند.

در این شرایط، افزایش دستمزد، صرفاً ابزاری برای یک نمایش ساده‌ی خیابانی، مقابل تورم و تحمل افزایش قیمت‌ها از ناحیه صنایع بالادستی و متعاقب آن پاییندستی است؛ کاسه‌ای که از بالا افتاده و در مسیر سقوط صد تکه شده، با رسیدن به کارگر و مصرفکننده به عنوان آخرین حلقه، هزار تکه می‌شود.

معاوضه درآمد با تورم: طنز ماجرا اینجاست که سبب مصرف‌کنندگان که مصرف نیروی کار هم در آن قرار می‌گیرد، سرآخر با همان تورم معاوضه می‌شود و پس از هر چرخه‌ی تولید به مصرف، مجدد در قالب سود و اصل سرمایه‌ی تخصیص یافته برای تولید کالا، به نزد بنگاه بازمی‌گردد یا اینکه در شبکه‌ی بانکی در قالب سپرده قرار می‌گیرد اما آن مصرفکننده باید سبب بعدی خود را با نرخ‌های بالاتری از تورم، معاوضه کند. در اینجا «حمایت از مصرف‌کنندگان» به یک نام تبدیل می‌شود و در ازای آزاد گذاشتن دست تولیدکنندگان در برابر تورم، رها می‌شود.

« این سیاست به ویژه در سال‌هایی که تورم به نرخ‌های دو رقمی رسیده، تشدید شده است تا صاحب بنگاه بتواند فشار تورمی روی دوش خود را تعدیل کند. در این میان، کارگران سال به سال، بیشتر و بیشتر، قدرت خرید خود را در برابر تورم از دست می‌دهند و در ضمن به دلیل اینکه صاحبان بنگاه‌ها مایل به تحمل تورم نیستند، این کارگران هستند که شغل، دستمزد قانونی و مزایای عرفی خود را از دست می‌دهند.»

با افزایش به طور متوسط ۵۴ درصدی دستمزد کارگران حداقلی‌بگیر، کارفرمایان برخی کسب‌وکارها به مخالفت با افزایش دستمزد کارگران پرداختند و در ترجیح افزایش‌های پایین‌تر، این میزان افزایش را «عامل تورم» خواندند؛ اینکه برخی کارفرمایان نه به مثابه موضوعی اجتماعی به دستمزد نگاه می‌کنند و آن را «اسب تروای» اقتصاد در درون بنگاه می‌خوانند در شرایطی که مجموع هزینه‌های سربار تولید را به سفره مصرف‌کنندگان هدایت می‌کنند و «سر و ته» دستمزد کارگر را قیچی می‌کنند، نشان می‌دهد که در ارزیابی شرایط یا تعمداً اغراق می‌کنند یا اینکه تحت تاثیر افکاری که مزد را حامل موج تورم می‌خوانند دچار خطای راهبردی شده‌اند.

ممنوعیت اعمال خلاف قانون برای کارفرمایان: به این واسطه چند برابر افزایش هزینه‌های ناشی از دستمزد را با ایجاد امواج تورمی از جیب مصرفکننده برمی‌دارند را جبران

می‌کنند اما سهم دستمزد از هزینه‌های تولید را هم با روش‌های مختلف پایین نگه می‌دارند؛ روش‌هایی که به تعدادی از آنها اشاره شد. در این باره یک کارشناس حقوق کار به ایلنا گفت که کارفرما هزار و یک راه حل برای کاهش هزینه‌های کارگاهش پیدا می‌کند. «گشواد منشی‌زاده» افزود: «البته برخی کارفرمایان از روی ناچاری بخشی از هزینه‌های خود را کاهش می‌دهند که این در نهایت یا به نارضایتی مشتریان می‌انجامد یا متوجه کارگران می‌شود یا متوجه هر دو».

وی با بیان اینکه کارفرمایان برای کاهش هزینه‌های خود نمی‌توانند دست به اعمال خلاف قانون بزنند و یا حقوقی کمتر از آنچه در قانون در مورد شرایط اضطراری ذکر شده را برای کارگران خود در نظر بگیرند، گفت: «قانون کار از کارگران در برابر اعمال خلاف قانون دفاع می‌کند و به هر صورت کارفرما پس از رسیدگی ادارت کار، ناچار به اعاده‌ی حقوق کارگران هستند؛ مثلاً اگر تعطیل‌کاری یا شب‌کاری را به کارگر اجبار کنند و آن را جزء ساعت موظفی به شمار آورند و شیفت‌های کاری را به صورت نوبتی در ساعات مختلف شبانه روز توزیع کنند، باید مزد آن را به کارگر پرداخت کنند مشروط به اینکه جمع ساعت کار متوالی از ۱۷۶ ساعت در ۴ هفته بیشتر نشود.»

این کارشناس حقوق کار، با بیان اینکه کارفرما نمی‌تواند بر اساس سلابق خود مزد تفاوت ۴۴ ساعت کار در هفته و ۱۷۶ ساعت کار در ماه را برخلاف قانون کار پردازد، گفت: «کارگری که در طول ماه به طور نوبتی کار می‌کند و نوبت‌های کار وی در صبح و عصر واقع می‌شود ۱۰ درصد و چنانچه نوبت‌های در صبح و عصر و شب قرار گیرد، ۱۵ درصد و در صورتی که نوبت‌ها به صبح و شب و یا عصر و شب بیفتد، ۲۲٫۵ درصد علاوه بر مزد به عنوان فوق‌العاده نوبت کاری دریافت خواهد کرد. علاوه بر این به ازای هر ساعت کار اضافه در شب کارگران غیرنوبتی، باید ۲۵ درصد اضافه مزد پرداخت شود.»

منشی‌زاده با اشاره به ملزم بودن کارفرمایان به جلب رضایت کارگران برای انجام کار اضافه، گفت: «بنابراین، علاوه بر الزام به جلب رضایت کارگر باید پرداخت ۴۰ درصد اضافه بر مزد در هر ساعت کاری که اضافه می‌شود، صورت گیرد. با توجه به اینکه قانونگذار تنها ۴ ساعت کار اضافه در روز را به رسمیت می‌شناسد و افزودن بر آن را یعنی در سقف ۸ ساعت، به توافق کارگر و کارفرما (در شرایط خاص) و نه در «همه‌ی شرایط» پذیرفته است، بنابر این چارچوب کار اضافه مشخص است و در هر حالت، اضافه کار ۸ ساعت در روز نمی‌تواند از جلوگیری از حوادث قابل پیش‌بینی، ترمیم خسارت و بازگشت فعالیت کارگاه به حالت عادی پس از سیل، زلزله و... بیشتر باشد.»

وی افزود: «کارفرما پس از سپردن حداکثر کار اضافه بر اساس ۸ ساعت در روز به کارگر، موظف به اصلاح آن به اداره کار است و در این زمینه تنها ۲۸ ساعت فرصت دارد. اداره کار باید ضرورتی که کارفرما با آن کار اضافه را توجیه کرده، با قانون انطباق دهد. بنابراین کارفرما مجاز به اعمال تشخیص خود نیست. حال، در صورتی که اداره کار اضافه کار را فاقد ضرورت تشخیص دهد کارفرما مکلف به پرداخت خسارت و غرامت آن به کارگر است؛ در ضمن ارجاع کار اضافه بنابر ماده ۶۱ قانون کار به کارگرانی که کار شبانه انجام می‌دهند و یا در مشاغل خطرناک و سخت و زیان آور شاغل هستند، ممنوع است.»

منشی‌زاده با بیان اینکه کارفرمایان در مورد نیروی انسانی خود به هیچ عنوان نمی‌توانند در قلمروی قانون کار راهکار کاهش هزینه‌ها را پیدا کنند، گفت: «چنانچه کارفرما قراردادی (قرارداد کار متعارف) امضا می‌کند تا انقضای قرارداد مکلف به اجرای بندهای آن است؛ البته هر قراردادی نافذ نیست و باید چارچوبی شامل نوع کار، حقوق و مزد و مزایا، ساعات کار و تعطیلات و مرخصی‌ها محل انجام کار، تاریخ قرارداد در مورد قراردادهای موقت، موارد عرفی داخل کارگاه و نحوه فسخ قرارداد در آن روشن باشد. در مشاغل موقت، کارفرما تا پایان قرارداد حق تغییر محل شغل کارگر را ندارد و در مورد سایر حقوق قانونی که به شکل مزد یا حقوق در شورای عالی کار مصوب می‌شوند باید طبق مصوبه سالیانه (حداقل‌بگیران و سایر سطوح مزدی) پرداخت شوند.»

این کارشناس حقوق کار با اشاره به لزوم اجرای مزایای عرفی در کارگاه گفت: «در ماده ۲۶ قانون کار، قید شده که هر نوع تغییر عمده در شرایط کار که برخلاف عرف معمول کارگاه و یا محل کار باشد، پس از اعلام موافقت کتبی اداره کار و امور اجتماعی محل، قابل اجرا است؛ البته در صورتی که اختلاف پابرجا بماند و کارفرما بر حذف یا کاهش سطح مزایای عرفی مصر باشد، رای مراجع

رسیدگی به دعاوی نافذ خواهد بود اما تا جایی که در قرارداد کار و بر اساس شرایط ماده ۱۰ قانون کار مقرر شده، کارفرما نمی‌تواند در طول مدت قرارداد خود مزایای عرفی کارگاه مانند پرداخت حق شغل، حق سرپرستی و مسئولیت، جیره‌ی غذایی، مزایای بدی آب و هوا و... را به صورت یکجانبه قطع کند؛ البته اگر در قرارداد کار بعدی این مزایا حذف شود و کارفرما هم بدون کسب اجازه از اداره کار آن را انجام داده باشد، هیات‌های تشخیص و حل اختلاف به آن رسیدگی می‌کنند.»

کارگران باید چوب گرانی‌ها را بخورند! اینگونه که منشی زاده تشریح کرد، می‌توان نتیجه گرفت که کارگران به استناد تغییر شرایط اقتصادی، تغییر شرایط جوی، بیماری کارفرما، تغییر محل کارگاه، وجود تورم دو رقمی یا جنگ و بحران از حقوق قانونی خود محروم نمی‌شوند؛ حتی در شرایط تعطیلی کارگاه هم حقوق کارگران تا آخرین روز کاری آنها محفوظ است و با استناد اینکه در ۱۰۰ روز آخر فعالیت کارگاه، دستگاه‌ها کار نمی‌کردند و صرفاً کارگران در محل کار حاضر می‌شدند، نمی‌توان حقوق آنها را نادیده گرفت. با این حال، جبهه‌گیری‌های چند هفته اخیر در برابر افزایش دستمزد ۱۴۰۱ کارگران و ایجاد دلهره در میان خانواده‌های کارگران در مورد بیکاری آنها پس از اعمال افزایش، این برداشت را به وجود آورد که کارگران هم باید چوب گرانی‌ها را بخورند و هم اینکه حق کاهش و از دست دادن مزایای عرفی، بی‌قرارداد شدن و در نهایت اخراج خود را از جانب کارفرمایان محفوظ بدانند. با این حساب، کارگران می‌توانند حقوق خود را درخواست کنند و متوجه باشند که قربانیان اول و آخر تورم یا هر کژ کارکردی اقتصادی و غیراقتصادی دیگری خودشان هستند.

*- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، شنبه ۶ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: آزاد محمودیان، نوجوانی که در پی برگزاری مراسم نوروزی در پارک سنندج بازداشت شده بود، در این روز پس از یک هفته بازداشت با وثیقه و پس از اخذ تعهد کتبی از زندان مرکزی سنندج آزاد شد.

*- یک کارگر 18 ساله کارگاهی دراصفهان بر اثر گاز گرفتگی، جان باخت:

برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز صبح روز شنبه 6 فروردین آمده است: یک کارگر 18 ساله کارگاهی دراصفهان بر اثرخفگی با گاز شهری جان باخت.

*- انتظار کارگران آرد یاسوج برای راه‌اندازی کامل کارخانه :

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1212073>



به گزارش خبرنگار ایلنا، درتاریخ 6 فروردین 1401 آمده است: تعدادی از کارگران کارخانه «آرد کلوکز و نشاسته یاسوج» به نمایندگی از اهالی شهر و روستاهای همجوار این واحد تولیدی، خواستار تسریع در حل مشکلات و رفع موانع راه‌اندازی کامل این واحد تولیدی برای اشتغال جوانان بیکار منطقه شدند.

یکی از کارگران کارخانه آرد یاسوج در تشریح مشکلات این واحد تولیدی گفت: کارخانه آرد یاسوج که در استان کهگیلویه و بویراحمد واقع شده با حداقل ظرفیت فعالیت می‌کند و بخش‌های نشاسته، گلوکز، دکتوز و خوراک دام بطور کامل تعطیل است.

او گفت: بخش آرد کارخانه با ۳۰ درصد ظرفیت کار می‌کند. در عین حال دستگاه‌ها مستهلک شده‌اند ولی در صورت نوسازی و افزایش سهمیه با تمام توان به فعالیت ادامه می‌دهیم. ماشین آلات تولید نشاسته بعد از ۳۰ سال بلاتکلیفی از رده خارج شده‌اند.

طبق اظهارات وی؛ زمانی آرد این کارخانه جزو برند برتر و شناخته شده در کشور بوده و کارخانجات معتبر و بزرگ کشوری نیز مشتریان گلوکز این کارخانه بودند، اما حال با رکود این کارخانه، شرکت‌های دیگری در کشور جای آن را گرفته‌اند.

این کارگر درباره پیشینه کارخانه آرد یاسوج گفت: کارخانه آرد، نشاسته و گلوکز یاسوج در دهه ۷۰ به منظور رونق بخشیدن به صنعت کشاورزان استان کهگیلویه و بویراحمد از سوی سازمان اقتصادی کوثر راه‌اندازی شد. در سال‌های اول راه‌اندازی، این کارخانه توانست آرد مورد نیاز استان و استان‌های همجوار را تامین کند. حتی بخشی از کارخانه را برای تولید شیرینی‌جات اختصاص دادند و کار تا جایی پیش رفت که محصولاتش صادر می‌شد.

به گفته وی؛ روال کار به خوبی پیش می‌رفت تا اینکه در سال ۸۴ به خاطر شرایط اقتصادی و رکود، خط تولید متوقف و کارخانه تعطیل شد. بعد از مدتی تعطیلی، کارخانه با کمک مسئولین استانی و سازمان اقتصادی کوثر با ظرفیت محدود شروع به کار کرد و البته با این شرایط، حقوق و مزایای کارگران به سختی پرداخت می‌شد.

او در ادامه افزود: بعدها عدم رعایت مسائل بهداشتی، آلودگی‌های میکروبی باعث تعطیلی کارخانه شد و سوءمدیریت تا آنجا پیش رفت که ۳۳۰ کارگر سال ۸۶ به حدود ۴۰ کارگر در سال ۹۸ رسید و کارگران هر روز شاهد فرسوگی و مستهلک شدن ماشین‌آلات کارخانه بودند.

وی با ابراز تأسف از بی‌توجهی مسئولان وقت در حمایت از این کارخانه، افزود: متأسفانه پیگیری‌ها بی‌نتیجه باقی مانده و از آن موقع تاکنون ما کارگران در انتظار اقدام جدی دولت برای بازگشایی کامل کارخانه هستیم.

این کارگر با بیان اینکه این واحد تولیدی به عنوان یکی از مراکز مهم صنعتی استان به ویژه در حوزه تولید شناخته شده که در حال حاضر نیازمند حمایت مسئولان است، گفت: با توجه به شرایط بد اشتغال در شهرستان یاسوج و اینکه شرکت آرد در صورت راه‌اندازی کامل می‌تواند یکی از منابع درآمدی و اشتغال دست‌کم ۳۰۰ کارگر به صورت مستقیم باشد، از مسئولان درخواست داریم برای تکمیل فعالیت این کارخانه، هرچه سریع‌تر اقدام کنند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، شنبه ۶ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید دایه خدیجه سیف‌پناهی و فرزندش خالد سیف‌پناهی پس از بازداشتی که به دلیل برگزاری مراسم نوزی در پارک سنندج بوده، در حبس خانگی به سر می‌برند.

***- دلایل اساسی ضعف جنبش کارگری:**

دوشنبه بیست و یکم آبان 1386

مقاله ای از زنده یاد فرزاد کمانگر

با توجه به بحث‌هایی که در خصوص ویژگی‌های حقوق کار وجود دارد، در تعریف حقوق کار حقوق‌دانان کشورهای صنعتی این رشته از حقوق را آشکارا عرصه‌ی دخالت و تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، دینی، ایدئولوژیک و اجتماعی و ... می‌دانند. در تحلیل جامعه شناختی آن، حقوق کار را جزو حقوق روستایی، حقوق تأمین اجتماعی، حقوق اقتصادی و حمایت از مصرف‌کننده دانسته‌اند. اما با سیری آگاهانه و رجوع به تاریخ طبقاتی تا امروز در می‌یابیم که این طبقه‌بندی‌ها در واقع گونه‌ای از آنتاگونیسم و تخاصم طبقاتی حاکمه با طبقه

کارگران یا نیروهای مولد جامعه است که تضادهایی را که در سطوح پنهان اقتصادی و اجتماعی همواره وجود داشته و هر 2 گروه را به ارجاع به مبارزات طبقاتی کشانده است .

بورژوازی خود را مالك ابزار تولید دانسته و کارگران را همچون ماشین کاری خواهد دید که نیروی کارشان را در ازای دستمزد خواهند فروخت و رفاه و امنیت را حق مسلم خود دانسته و در برابر هر اعتراضی با توجه به فرهنگ موجود در جامعه نوع عقاید و ایدئولوژی‌های مختلف جامعه و ... تفاسیر مختلفی را برای این نوع از زندگی تعریف و آن را کنش طبیعت و اقتضای اقتصاد موجود برای بقای نسل‌ها و پویایی اقتصاد می‌دانند و حاکمیت ابدی را حق مسلم خود می‌دانند و در مقابل طبقه‌ی کارگر زمانی که انواع نابرابری‌ها و استثمار حاکم بر خود را درک و آن‌را به خودآگاهی سیاسی بکشانند، این‌جاست که این طبقه با ارجاع به مبارزه طبقاتی به خود موجودیت می‌بخشد.

در این مقاله سعی بر آن است، تا آن جا که می‌توانیم تحلیلی از نقاط ضعف اساسی کارگران را ارائه کرده و آنچه که موتور محرک جنبش حق خواهانه‌ی کارگران را به کُندی به تحرك وا دارد مورد نقد قرار دهیم.

طبقه‌ی کارگر در ایران با همان معضلاتی روبروست که دیگر کارگران در سراسر دنیا با آن دست به گریبانند، اما این مشکلات به علت تعریف نشدن نوع نظام سرمایه‌داری در ایران بسیار عمیق‌تر و بحرانی‌تر است. یورش همه جانبه‌ی سرمایه این بار در ایران و به صورت وسیعی به سفره‌های خالی کارگران انجام می‌گیرد. از دوران دولت سازندگی 1368 به این طرف دولت با اعمال سیاست‌هایی همچون تعدیل نیروی کار، پتانسیل و ماشین خفته‌ی سرمایه و قوانینش را در کشور به جریان انداخت. از این به بعد بخش‌هایی نه چندان کم از کارگران (فکری و بدنی) از کارخانه‌ها اخراج و به نیروی ذخیره خفته کار در کشور پیوستند. اما قضیه به این‌جا ختم نشد، بلکه از این‌جا تازه آغاز گشت (بی‌کار سازی و اخراج صاحبان نیروی کار چنان گام به جلو نهاد که در پایان سال 1384 و آغاز سال 1385 قریب به 5/3 میلیون نفر و آمارهای غیر رسمی میزان بی‌کاری را 7 میلیون نفر اعلام کردند، هفته‌نامه‌ی "کرفتو" چهارشنبه 1385/9/1) سیاست خصوصی سازی در ایران بُعد وسیع‌تر نظام سرمایه‌داری در کشور بود، به عنوان مثال دو مجلس پنجم و ششم قوانینی را تصویب کردند که صاحبان سرمایه با آغوش باز از آن استقبال کردند .

طبق قانون 1378/12/8 مجلس، کارگاه‌ها و مکان‌هایی که تعداد کارگرانش کمتر از 5 نفر بود را از لیست کارگاه‌های مشمول قوانین اداره‌ی کار همچون مرخصی، ساعات کار، بیمه و ... خارج ساخت. این قانون باز هم بر طیف یاغی‌گری جریان سرمایه‌داری ناموزون در کشور افزود. سرمایه‌دارانی که تعداد کارگران آن‌ها 10 نفر بود تا بدان‌جا تحريك شدند که بین کارگاه خود دیوار بکشند و آن‌را به 2 کارگاه جداگانه تقسیم کنند. اما همان‌طور که در بالا در تعریف کارگر اشاره شد، بسیاری از کارگران با تصویب این قوانین، کارگرانی همچون شاگردان خیاطی‌ها، مکانیک‌ها، صاف‌کاری‌ها و ... را از حقوق طبیعی خود محروم ساخت و بدون پشتوانه بودن آن‌ها مجبورشان می‌ساخت با کارفرما توافق کنند. که حاصل این توافق باز به نفع صاحبان سرمایه تمام می‌شد. بسیاری از کارگران کارگاه‌های ما آرزوی يك روز تعطیل و استراحت و تفریح و در آغوش خانواده‌شان بودن را فقط با خود یدک می‌کشند و این‌ها همه دست به دست هم می‌دهند تا صاحبان سرمایه معضلاتی را از قبیل کاهش دستمزد (در برابر تورم بالا) بی‌کار سازی و بیش تر شدن پتانسیل بی‌کار جامعه، و رشد مسائلی از قبیل اعتیاد و فحشا و ... در جامعه به طور مستقیم و یا غیر مستقیم را افزایش دهند.

از دلایل دیگر که می‌توان در استثمار این طبقه از جامعه نام برد عدم وجود تشکل‌ها و سندیکا‌های کارگری یا کم‌بودن آن‌هاست. نبود تشکل‌ها و سندیکا‌های آزاد کارگری به عنوان ابزار و کانالی برای رفع موانع و مشکلات موجود در مسیر بهبود زندگی کارگران، یکی از مشکلات اساسی کارگران جامعه‌ی ماست. همان‌گونه که اشاره خواهد گردید چنین

تشکل‌هایی در قانون کار ایران و الحاقیه‌های آن دارای تعریف و قالبی مشخص بوده که انحصار مدیریت آن نیز همواره در اختیار افراد و نمایندگان به اصطلاح خودی بوده و توانایی‌های این تشکل‌ها در محدوده‌ی خواست‌های حاکمیت محدود مانده است. در کنار این مسئله سندیکاها و تشکل‌های آزاد و مستقل کارگری نیز اگر وجود داشته باشد همواره سرکوب گشته و با فعالین کارگری نیز به شیوه‌ای ناعادلانه و غیرقانونی برخورد می‌گردد (همانند برخورد با کارگران معترض شرکت واحد تهران و یا فعالین کارگری دست‌گیر شده در سقز). طبق تبصره‌ی 4 ماده‌ی 131 فصل ششم قانون کار، کارگران حق دارند که از 3 مورد تعیین‌شده در قانون کار؛ شورای اسلامی کار، انجمن صنفی، نماینده‌ی کارگران؛ استفاده کرده و این قانون هیچ تشکل دیگری را به رسمیت نمی‌شناسد، این در حالی است که ایران با امضاء، دو سند نامه‌ی 87 و 97 (تشکیل‌های سندیکاها، کارگری، حق تحصن و اعتصاب و ...) سازمان جهانی کار را به رسمیت شناخته و این دو مورد در تضاد با هم دیگرند.

طبقه‌ی کارگر از درون نیز دچار يك سری مشکلات و نارسایی‌هاست که از آن جمله می‌توان نفرت درونی این طبقه از هم دیگر به جای هم‌بستگی با هم را اشاره کرد. بسیاری از کارگران با واژه‌ی زیر آب زنی، بد و بی‌راه گفتن نزد کارفرما و ... آشنایند که این‌ها هم از سیستم، به داخل فرهنگ کاری کارگر رسوخ کرده است. یا معضلاتی از قبیل ناسیونالیست‌ها، در تشدید این نفرت در يك سری مشاغل که در آن تعدد قومیتی (مانند کارهای ساختمانی) را داریم می‌توان نام برد.

از عوامل دیگر که مانع بهبود وضعیت معیشتی کارگران و از نقاط ضعف اساسی جنبش کارگری‌ست، شکل نگرفتن فرهنگ اعتراض همگانی به وضعیت نامطلوب جامعه است. جامعه ایرانی ویژگی‌های خاص خود را دارد، در جامعه ما فرهنگ حاکم همان فرهنگ دینی است، در این فرهنگ گاه حق اعتراض برای فرد و جامعه به رسمیت شناخته شده و گاه هیچ جای-گاهی برای اعتراض فرد و اجتماع قایل نمی‌گردد .

ساختارهای قدرت در جامعه ما همان ساختارهای دولتی و مذهبی می‌باشد که در این نوع ساختار، مذهب به شکل ایدئولوژی و زبان رسمی حاکمیت است که مورد مقبول خانواده‌ها و توده‌ی جامعه است. آنچه که مسلم است حاکمیت مروج و مدافع این فرهنگ بوده چرا که می‌تواند با این فرهنگ قدرت خود را به حوزه‌های مختلف کشانیده، بدون آن‌که قدرت و یا عامل بازدارنده‌ای در مقابل آن قرار داشته و در عین حال از پشتیبانی فرهنگ حاکم که همان ایدئولوژی مورد بحث بود نیز برخوردار است. اعتراض نکردن و تابعیت از آنچه که حاکمیت انجام می‌دهد از آنجایی که از پشتوانه‌ی عاملی به نام مذهب برخوردار بوده است و نهادینه‌شدن مذهب و آنچه که پیرامون است را به عنوان امری مقدس و فارغ از خطا دانسته و این فرهنگ را به وسیله‌ی امتیازهای حاکمیت از قبیل رسانه‌ها، آموزش و پرورش، دانشگاه و ... در اجتماع نهادینه می‌کند. خانواده نیز به عنوان یکی از زیرساخت‌های قدرت این جامعه که در آن قدرت در دست پدر تجلی می‌یابد و به ترویج و تقویت این نوع فرهنگ می‌پردازد و کارکرد این حالت تسلسل میان ساختارهای مختلف اجتماع (حاکمیت، مذهب و ...) و تقویت و نهادینه گشتن هر چه بیش‌تر فرهنگ سکوت و خاموشی در برابر نابرابری‌هایی که کارگر و افراد جامعه آنرا سرنوشت و قضا و قدر خود دانسته، می‌انجامد. نتیجه آن‌چنان می‌شود که افراد جامعه و بالطبع کارگران و طبقه‌ی زیردست در قبال نقص کوچک‌ترین و اساسی‌ترین موارد نیز زبان به سکوت برگزیده و به وضعیت موجود تن در می‌دهند.

یکی از عوامل دیگر را که می‌توان آنرا یکی از دلایل عدم تحرك کارگران در خواست حقوق مدنی آن‌ها دانست، نداشتن اراده‌ی جمعی و تصمیم‌تجمعی و تلاش برای راه‌اندازی مجامع عمومی کارگری و اتحادیه‌های کارگری در صحن کارخانه‌ها و محل کارشان بود. مجامع و اتحادیه‌های عمومی کارگری، متمرکز کردن قدرت انفرادی کارگران، يك پارچه کردن خواست‌های مدنی کارگران، تلاش برای به کرسی نشاندن خواست‌های اتحادیه و ابلاغ خواست‌ها به کارفرما و طبقات حاکم می‌باشد. موضوع مطالعه و بحث این تشکل‌ها به عنوان

يك تشکل کارگری مدافع حقوق کارگران در برابر بهره‌کشی سرمایه‌داران و تجمع ثروت مجازی به طور روزافزون در يك قطب از جامعه و افزایش فقر در سوی دیگر این جامعه می‌باشد. نتیجتاً باید بیان کنیم که تشکل‌های کارگری يك رکن اساسی و درست‌ترین روش درخواست خواست‌های جمعی می‌باشد و پیش‌روی و دست‌یافتن در این تخاصم بدون پیدایش و تقویت این تشکل‌ها و اتحاد وسیع توده‌های طبقه‌ی کارگر مقدور نیست. این طبقه همواره از تشکل‌های توده‌ای و علنی که حق مسلم و طبیعی هر کارگری می‌باشد، محروم بوده و فقدان این تشکل‌ها هم امروز يك ضعف اساسی این جنبش علیه طبقه‌ی استثمارگر است. پس می‌توان این‌طور بیان کرد که شرط اساسی برای پیش‌روی و دست‌یافتن به خواست‌های کارگران برپایی تشکل‌های مستقل کارگری و اتحاد همه جانبه این تشکل‌ها و تلاش برای سازمان‌دهی بیش‌تر و بسیج توده‌ای این طبقه از جامعه می‌باشد. پس این تشکل باید شعاع و سیاست عمومی و اصلی‌اش را در سازمان‌دهی توده‌ای، تبلیغ و شناساندن شورای کارگری و در مسیر درست هدایت کردن جنبش کارگری و برای منظم کردن شوراها یا مجمع عمومی مستمراً فعالیت و مجامع عمومی را به عنوان تریبون واقعی کارگران در جامعه به کارفرما بشناساند.

***- ابراز نگرانی سازمان عفو بین الملل در باره سلامتی زینب جلالیان:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ شنبه 7 فروردین ماه، آمده است: سازمان عفو بین الملل با صدور بیانیه‌ای در باره سلامتی #زینب_جلالیان_زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد ابراز نگرانی کرده است.

زینب جلالیان که در حال حاضر دوران حبس خود را در زندان «#خوی» می‌گذراند در #اعتراض به #مخالفت مقامات #زندان با #معالجات پزشکی اش از فروردین ماه گذشته از پذیرش و دریافت هرگونه دارویی خودداری می‌کند. #عفو_بین_الملل خواستار دسترسی فوری زینب جلالیان به معالجات پزشکی است و خواهان #جراحی_چشم او در خارج از زندان شده و مخالفت با مداوای او را مصداق #شکنجه دانسته است. به گزارش عفو بین‌الملل زینب جلالیان به بیماری «#ناخونک» چشم و بیماری‌های قلبی و کلیوی مبتلا است.

***- درخواست پرداخت به موقع حقوق و بیمه کارگران ابنیه فنی از مدیریت راه آهن:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1211839>



به گزارش خبرنگار ایلنا، درتاریخ روز ۷ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: کارگران واحد نگهداری ابنیه فنی راه آهن با توجه به اینکه از آغاز سال نو چندروزی روز گذشته است و هنوز برخی کارگران پیمانکاری واحد نگهداری یک تا دو ماه از مطالبات سال گذشته (۱۴۰۰) خود را از کارفرمایان دریافت نکرده‌اند، از مدیریت راه آهن درخواست کردند پیگیر پرداخت به موقع حقوق، بیمه و سایر مطالبات صنفی آنان در سال جدید باشد.

از قرار معلوم، کارگران شاغل در واحد نگهداری ابنیه فنی راه آهن که به صورت پیمانکاری مشغول کارند، طی چند سال گذشته حقوق و بیمه خود را به موقع دریافت نکرده‌اند و این موضوع مشکلات زیادی را برای آن‌ها در زمینه معیشت، درمان و مسکن ایجاد کرده است.

براساس ادعای یکی از کارگران ابنیه فنی راه آهن؛ مسئولیت بیش از ۷ تا ۱۰ هزار کارگر واحد نگهداری ابنیه فنی راه آهن برعهده چندشرکت پیمانکاری است.

این کارگر با بیان اینکه بهانه شرکت‌های پیمانکار برای پرداخت به موقع حقوق و سایر مطالبات صنفی کمبود منابع مالی در راه آهن است، بر لزوم پرداخت به موقه حقوق و بیمه کارگران پیمانکاری راه آهن تاکید کرد و گفت: راه آهن در حد توان پرداخت حقوق و بیمه کارگران پیمانکاری را به موقع انجام دهد تا کارگران بتوانند از این طریق مشکلات معیشتی، درمان و مسکن خود را حل و فصل کنند.

او با بیان اینکه پرداخت حق و حقوق کارگران، دیده نشدن زحمات آنها و مشکلات پیش‌رویشان همیشه جای بحث و بررسی داشته و حال با افزایش قیمت‌ها، کرایه خانه، هزینه‌های درمان و مشکلات متعدد برای تأمین هزینه‌های معیشت دارند، گفت: کارگران راه آهن قشری هستند که از سوی مدیران بالا دستی دیده نشده‌اند و همیشه درمضيقه بوده‌اند.

وی افزود: بسیاری از شرکت‌ها پرداختی‌ها را دیر انجام می‌دهند؛ با وجود این همه تورم و گرانی، روز به روز ارزش پولمان کمتر می‌شود و با تعویق‌های چند ماهه، عملاً حقوق‌مان دردی از ما دوا نمی‌کند.

طبق اظهارات وی؛ بارها برای حل مشکلات کارگران بویژه مسکن کارگران ابنیه درخواست داده‌ایم اما فکری به حال مسکن کارگران نمی‌شود و بالای ۶۰ درصد از حقوق کارگران برای کرایه خانه پرداخت می‌شود، این در حالی است که با پرداخت دیر هنگام حقوق‌ها، برای پرداخت اجاره بها هم دچار مشکل هستیم.

***- تجمع اعتراضی کارگران بخش دفع آفات کشاورزی شرکت نیشکر هفت تپه:**

برپایه خبر منتشره آمده است: شنبه هفتم فروردین ماه، #کارگران #دفع_آفات_کشاورزی #شرکت_نیشکر #هفت_تپه در مقابل درب اصلی شرکت تحصن کردند. خواسته‌های کارگران این بخش دریافت لباس کار، سهمیه #شکر، نحوه قراردادها و تغییر در ساعات کاری است. این کارگران همچنین به #اخراج تعدادی از همکارانشان اعتراض دارند. همزمان با این تجمع نیز شمار دیگری از کارگران در اعتراض به اخراج هشت نفر از همکاران خود و کاهش زمان قراردادها به تجمع پیوستند و اعتراضشان را نسبت به اخراج همکارانشان ابراز داشتند. این اولین #تجمع_اعتراضی_کارگران_نیشکر #هفت_تپه در سال جدید است.

***- یک کارگرس از 2 ماه دست و پنجه نرم کردن با مرگ در بیمارستان بدنبال سقوط در چاه حین کار، جان باختند:**

روز یکشنبه 7 فروردین، یک کارگر 45 ساله اهل روستای "هه‌لوان" از توابع "ژاورود" شهرستان سنندج پس از 2 ماه دست و پنجه نرم کردن با مرگ در بیمارستانی واقع در تهران بدنبال سقوط در چاه حین کار، جان خود را از دست داد.

براساس گزارشات منتشره در شبکه‌های اجتماعی این کارگر پدر دو فرزند بود که حدود 2 ماه پیش حین کار حفر چاه و به علت نبود ایمنی کار دچار حادثه شده و به داخل چاه سقوط کرد و دچار قطع نخاع شد.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه 8 فروردین 1401 آمده است: در این روز عابد خورشیدی، کیوان زندکریمی و فردین پیمانکار، از بازداشت‌شدگان مراسم نوروز پارک کودک سنندج با تودیع قرار وثیقه از زندان این شهر آزاد شدند.

***- امنیت شغلی؛ مهم‌ترین خواسته کارگران پیمانکاری نفت آبادان در سال پیش رو است :**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1211776>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 8 فروردین 1401 آمده است : کارگران پیمانکاری ارکان ثالث شاغل در نفت آبادان گفتند: خواسته اصلی همه آنها از دولت در سال جدید خروج همه شرکت‌های پیمانکاری و همه دلالتان از صنعت نفت است تا امنیت شغلی آنها تضمین گردد.

به گفته این کارگران، با شرایطی که در حال حاضر برخی پیمانکاران در صنعت نفت و به ویژه در پالایشگاه‌ها ایجاد کرده‌اند جدا از نارضایتی کارگران از شرایط نامناسب شغلی، ادامه کار آنها در صنعت نفت و پتروشیمی به زیان سرمایه ملی است.

آنها با بیان اینکه به عنوان نمونه در پالایشگاه آبادان همه نیازهای پیمانکاران اعم از متریال، تجهیزات، ماشین آلات، لباس کار کارگران و حتی تامین نیروی کار را خود پالایشگاه تامین می‌کند، گفتند: با این حال چرا پیمانکارانی که هیچ خدماتی و سرمایه‌ای از خود ندارد باید بدون هیچ زحمتی به سودهای کلان دست پیدا کنند. بنابراین مطالبه اول ما در سال ۱۴۰۱ حذف پیمانکاران از تمام شرکت‌های نفتی است تا قانون کار یکسان، مزد یکسان در تمام پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و صنایع نفت و گاز اجرایی شود.

کارگران ارکان ثالث نفت آبادان در ادامه با بیان اینکه سال‌هاست طرح امنیت شغلی کارگران در دستور کار مجلس است اما تاکنون کاری برای آن انجام نشده است، افزودند: قراردادهای موقت کار، امکان برنامه‌ریزی و بهره‌مندی از یک زندگی شرافتمدانه و بدون اضطراب را از کارگران سلب کرده و بنیان اشتغال را از بین برده است.

کارگران و کارکنان ارکان ثالث نفت آبادان با درخواست از دولت گفتند: آیا عقل سلیم حکم نمی‌کند که به دلیل افزایش هزینه چندین برابری و عدم کارایی و عملاً واسطه بودن این شرکت‌ها و همچنین ثابت بودن نیروهای ارکان ثالث، این شرکت‌های واسطه حذف شوند و قرارداد مستقیم با مجتمع نفت و گاز برقرار شود؟

به گفته آنها؛ تعداد کل کارگران ارکان ثالث شاغل در پالایشگاه آبادان که قرارداد آنها مستمر است حدود ۴۵۰۰ نفر است و در سطح کل وزارتخانه نفت ۱۱۰ هزار نفر شاغل هستند که همگی منتظر راهکار دولت برای خروج از بحران امنیت شغلی با حذف شرکت‌های پیمانکاری هستند.

***- دستگیری و بازداشت یک عضو دیگر شورای شهر سقز :**

بر پایه خبرمنتشره در روز شنبه 7 فروردین ماه، آمده است : #کلان_دزدان دستگاه‌های امنیتی و سپاه یکی دیگر از اعضای #دزد #شورای_شهر_سقز را دستگیر و بازداشت کردند. تاکنون شمار افرادی که در ارتباط با دزدی در شورای #شهر #سقز بازداشت شده اند به حدود 20 نفر رسیده است که تعدادی به قید وثیقه و به‌طور موقت آزاد و تعدادی کماکان در بازداشت به سر می‌برند. همین دستگاه‌های امنیتی مدتی دیگر در بوق می‌دمند که مردم برای شرکت در نمایش انتخاب دزدان جدید به پای صندوق های رای بروید!!!

*- ضرب و شتم سهیلا حجاب در زندان زنان :



ضرب و شتم و اعتصاب غذای
سهیلا حجاب در زندان کرمانشاه

برپایه خبرمنتشره در شبکه مجازی آمده است : سهیلا حجاب، زندانی سیاسی محبوس در بند زنان کانون اصلاح و تربیت کرمانشاه، طی نامه‌ای از اعتصاب غذای خود خبر داد. این زندانی سیاسی همچنین روز دوشنبه ۸ فروردین‌ماه، توسط زندانبانان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و از ملاقات او با خانواده‌اش جلوگیری شد. این نخستین بار نیست که این زندانی سیاسی مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد. اعتصاب غذا آخرین راهکار یک زندانی برای اعتراض کردن است.

*- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۸ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز یوسف سلحشور، فعال مدنی ترک آذربایجانی در دادگاه انقلاب تبریز به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۱ سال حبس، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و ۲ سال ممنوعیت از فعالیت در فضای مجازی محکوم شد.

*- انفجار در کارخانه «آجر پزی» ۵ کارگر را مصدوم کرد : <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1212410>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 8 فروردین 1401 آمده است : روز گذشته (یکشنبه ۷ فروردین ماه) پنج کارگر شاغل در یک واحد آجرپزی واقع در منطقه صنعتی دولت آباد اصفهان بر اثر حادثه انفجار زخمی شدند.

بر اساس گزارش روابط عمومی شهرداری دولت آباد؛ حادثه یادشده حوالی ساعت ۸ صبح در اتاق کارگران برای پنج نفر از کارگران کوره آجر پزی ایزدی واقع در خیابان حبیب آباد، جاده شالباف در منطقه صنعتی دولت آباد اصفهان رخ داده و هنوز اطلاعاتی از علت قطعی این آتش‌سوزی که منجر به انفجار شد در دست نیست. به گفته وی؛ زخمی‌های این حادثه با رده سنی ۱۶ تا ۴۵ سال با آمبولانس به بیمارستان امام موسی کاظم (ع) منتقل شدند.

*- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۸ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در پی انتشار کلیپی در فضای مجازی از اجرای جامپینگ فیتنس زنان ماهشهری در یکی از سواحل جنوبی ایران، در این روز کارت مربیگری آسیه دنیاری و آمنه کعبی، مربیان جامپینگ فیتنس در ماهشهر به دستور مدیرکل ورزش و جوانان استان خوزستان تعلیق شد.

***- نگرانی کارگران «پارس پامچال» از آینده شغلی شان:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1211864>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 8 فروردین 1401 آمده است: برخی کارگران پارس پامچال در تماس با خبرنگار ایلنا گفتند: فعالیت روزمره شرکت رنگ‌سازی پارس پامچال، در حالی از حدود دوسال پیش به کندی ادامه دارد که کارگران به‌رغم دریافت نکردن پنج ماه حقوق و ۸ ماه بیمه پرداخت نشده، از امنیت شغلی خود رضایت ندارند.

آن‌ها با بیان اینکه در کارخانه پارس پامچال نزدیک به ۳۵ کارگر مشغول کارند که به دلیل مشکلات مالی محل کارشان شرایط شغلی مناسبی ندارند، افزودند: بارها مسئولان کارخانه با همراهی کارگران از مسئولان درخواست کمک کردند تا به کارخانه و مشکلات مالی آن توجه کنند که متأسفانه ترتیب اثر داده نشده است.

کارگران این واحد رنگ‌سازی واقع در شهرک صنعتی البرز در قزوین با بیان اینکه کارخانه پارس پامچال از تولید و بازار فروش خوبی برخوردار است، گفتند: از یک الی دو سال پیش فعالیت تولیدی در کارخانه پارس پامچال به دلیل مشکلات این کارخانه با برخی سازمانها و ادارات دولتی به کندی انجام می‌شود و به همین دلیل از مسئولان درخواست داریم با پادرمیانی مشکلات را مرتفع کرده تا با افزایش تولید، امنیت شغلی کارگران تضمین شود.

به ادعای کارگران این کارخانه؛ معوقات کارگران کارخانه پارس پامچال درحالی ۵ ماه به تاخیر افتاده که مدیریت این مجموعه؛ عمده‌ترین مشکل این واحد تولیدی که یکی از واحدهای بورسی با ۲۸۰۰ سهامدار است را جدا از طلب کارگران و سایر بدهی‌ها، مشکلاتی می‌داند که از یکسال پیش برخی نهادها برای این واحد بوجود آورده‌اند و فعالیت کارخانه را در زمینه صادرات مسدود کرده‌اند.

این کارگران با اشاره به اینکه برای پرداخت حقوق بارها با مسئولان کارخانه صحبت کرده‌ایم، در ادامه افزودند: هر چند مسئولان این کارخانه تمام تلاش خود را برای تامین منابع مالی افزایش تولید و پرداخت حقوق انجام می‌دهند اما موانع بوجود آمده از سوی برخی ارگانها توانایی مالی این کارخانه را کاهش داده است.

بنا بر ادعای این کارگران؛ فعالیت کارخانه پارس پامچال از حدود ۵۰ سال پیش برای تولید محصولات رنگ و رزین آغاز شده و هم‌اکنون بازار خوبی هم در داخل و هم در دیگر کشورها دارد.

آن‌ها ضمن بیان اینکه از مسئولان در استان و شهرستان گله‌مندیم که علاوه بر اطلاع از مشکلات این کارخانه؛ سکوت اختیار کرده‌اند، در ادامه تاکید کردند: حل مشکلات این واحد تولیدی و کارگزارانش نیازمند حمایت مسئولان استانی در سال تولید، دانش بنیان و اشتغال آفرین است که به فرموده مقام معظم رهبری باید عملی شود.

*- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۸ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: سهیلا حجاب، زندانی سیاسی محبوس در بند زنان کانون اصلاح و تربیت کرمانشاه، در این روز توسط زندانبانان مورد ضرب و شتم قرار گرفت و از ملاقات او با خانواده‌اش جلوگیری شد. او طی نامه‌ای که در این روز منتشر شد از اعتصاب غذای خود خبر داد.

*- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۸ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: سازمان دیدبان حقوق بشر ضمن خبر دادن از پایان اعتصاب غذای مراد طاهباز، فعال محیط زیست سه‌تابعیتی زندانی در این روز، خواستار آزادی فوری او و دیگر زندانیان محیط زیستی شد.

*- بلاتکلیفی در تغییر کاربری فارسیت درود / ۷ سال است منتظر آغاز به‌کار کارخانه هستیم!

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1212145>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ ۹ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: یک منبع کارگری در استان لرستان در گفتگو با خبرنگار ایلنا، گفت: با توقف فعالیت تولیدی کارخانه فارسیت درود از سال ۹۳ تاکنون (به دلیل مصوبه دولت برای ممنوعیت استفاده از آزبست در تمام صنایع و تولیدات داخلی) حدود ۳۵۰ کارگر به مرور بیکار شدند و در عین حال مدیران وقت این کارخانه که باید برای نجات این کارخانه و کارگران به فکر استفاده از مواد جایگزین در تولیدات خود می‌بودند، اقدامی نکردند.

به گفته وی، وضعیت پیش آمده در حالی ادامه دارد که در آن زمان بعد از مصوبه ممنوعیت استفاده از ماده آزبست کارخانه فارسیت درود با استفاده از تکنولوژی جدید و به کار بردن ماده «رزین» به جای آزبست این کارخانه برای چند سال مجدداً فعالیت خود را از سر گرفت اما از آن سال به بعد با توجه به نبود بازار مناسب برای عرضه محصولات جدید، کم توجهی به مقوله بازاریابی و مهم‌تر از آن عدم حمایت مدیران وقت کارخانه و بی‌توجهی آنها در به روزرسانی و نوسازی تجهیزات و ماشین‌آلات مستهلک شده، کارخانه برای همیشه تعطیل شد.

او در رابطه با وضعیت کارگران این کارخانه، بیان کرد: کارگرانی که مشمول شرایط بازنشستگی و بازریدی بودند، بازنشسته و بازریدی شدند و عده‌ای هم در سایر شرکت‌ها مشغول به کار شدند؛ و فقط تعداد کمی کارگر باقی مانده‌اند که مسئولیت حفاظت از کارخانه و نگهداری از ماشین‌آلات آن را برعهده گرفتند.

وی با اشاره به اینکه ضرورت دارد با تغییر کاربری مجدداً این واحد تولیدی فعالیت خود را از سر بگیرد، عنوان کرد: چون کارخانه فارسیت در محیط شهری قرار دارد باید تولیدی داشته باشد که مشکلات زیست محیطی برای مردم ایجاد نکند بنابراین مالک کارخانه باید نسبت به تغییر کاربری خود اقدام کند.

به گفته وی؛ این کارخانه در زمانی که تعطیل شد هیچ مشکلی از نظر سرمایه و منابع مالی نداشت و صرفاً به دلیل آلودگی‌هایی که ایجاد می‌کرد با مخالفت سازمان محیط زیست روبرو شد. ضمن اینکه به واسطه استفاده از مواد سمی و خطرناک آزیست، دیگر مشتری برای تولیدات آن وجود نداشت.

طبق اظهارات وی؛ به دلیل توقف طولانی مدت تولیدات این کارخانه و اینکه مدیران کارخانه فارسیت با گذشت حدود شش سال هنوز هیچ طرح و برنامه جایگزینی برای راه‌اندازی مجدد آن ندارند، اگر قرار باشد مسئولان دست روی دست بگذارند هرگز این کارخانه تعیین تکلیف نمی‌شود.

وی همچنین گفت: استفاده از ماده‌ی خطرناک آزیست در تولید ورق و لوله باعث مشکلات عدیده‌ای برای این کارخانه و کارگران آن داشت؛ بنابراین هیچ راهکاری برای نجات این کارخانه جزء تغییر کاربری وجود ندارد که متأسفانه عزمی برای آن وجود ندارد اما اگر اقدامی انجام نشود به مرور شاهد از بین رفتن ساختمان و ماشین آلات این کارخانه قدیمی خواهیم بود.

کارخانه فارسیت دورود یکی از کارخانه‌های قدیمی در استان لرستان است که در سال ۱۳۴۸ راه‌اندازی و عمده محصولات آن را ورق ایرانیت و لوله با ابعاد مختلف تشکیل می‌داد.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۹ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: سازمان عفو بین‌الملل در گزارش سالانه‌ی خود که در این روز منتشر شد، اعلام کرد در سال ۲۰۲۱ سرکوب دگراندیشان، زنان، دگرباشان، معترضان و مخالفان سیاسی و همچنین شکنجه و اقدام علیه رسانه‌ها، خبرنگاران و آزادی بیان در ایران ادامه یافته است.

***- نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور / جنگ اکرانین، جنگ بلوک های سرمایه داری است :**

برپایه اطلاعیه نهاد های همبستگی ...آمده است : با گذشت یک ماه از حمله نظامی دولت سرمایه داری روسیه به اکرانین، سیر رویدادهای جاری نشان داده است که این جنگ ،نه جنگ کارگران روسیه وکارگران اکرانین بلکه جنگ بلوک بندی های سرمایه داری برسرسهم قدرت دراستراتژی جهانی سرمایه است. تنش های سیاسی دراکرانین از سال ها قبل و مشخصن از سال 2014 اوج گرفت و اینک بصورت نظامی خود را به نمایش گذاشته است. روند این جنگ، صرف نظر از این که چگونه آغازشد و چه نتایجی برای طرفین درگیردارد، برای طبقه کارگرو توده های ستمدیده،چیزی جز کشتارو آواره گی،افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی برآنها و در یک کلام ازبین رفتن جان و مال کارگران نیست و نخواهد بود.

طی ده سال گذشته درجهان شاهدچندین جنگ نیابتی بوده ایم . مشخصه جنگ جاری در اکرانین، درگیری نظامی آشکار بلوک بندی های سرمایه داری، روسیه از یک طرف و ناتو،مشخصن امریکا و اروپا، از طرف دیگراست . طی همین مدت دو طرف درگیر در جنگ تمامی ابزارها و امکانات عمومی جامعه را بخدمت گرفته اند تا در استراتژی جهانی موقعیت خود را مستحکم کنند.هزینه های بسیاربالای جانی و مالی این جنگ به دوش کارگران و توده های ستمدیده افتاده است.در کنارکشتارانسانی،میلیونها نفر آواره شده اند. دولت ها هزینه های هنگفت و غیر قابل شمارش را به نظامی گری و آرایش جدید سیاسی اختصاص داده اند . رسانه های عمومی را دربست در اختیارخود گرفته اند وبه ابزاری جنگی تبدیل کرده اند.

جنگ دراکرانین باید فورامتوقف شود. اختصاص منابع عمومی به جنگ و نظامی گری باید لغو شود. تمامی منابع مالی به رفاه و بهداشت وآموزش جامعه تعلق دارد.استفاده از رسانه های عمومی برای جنگ و تبلیغات سیاسی حول آن می بایست متوقف شود.

این خواست کارگران وتوده های ستمدید در سراسر جهان است. تحقق این خواست ها تنها با دخالت عملی طبقه کارگر و از طریق اعتراضات و اعتصابات وگردهمایی ها وتظاهرات میسر می گردد تا با جنبشی اجتماعی قدرتمند بتوان سرمایه داری و سیاست های جنگ افروزانه و دستگاههای تسلیحاتی اش را به عقب راند.

مارس 2022

nhkommittehamahangi@gmail.com

<https://t.me/nahadhayehambastegi>



*- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۹ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: سهراب جلالی و جمال اسدی، از بازداشت‌شدگان مراسم نوروز در سنندج، با تودیع قرار وثیقه در این روز از زندان این شهر آزاد شدند.

*- خواسته‌های کارگران بازنشسته صنعت نفت در سال 1401 :

برپایه خبر منتشره در روز سه شنبه 9 فروردین، آمده است: کارگران بازنشسته صنعت نفت خواسته هایشان در سال 1401 را در 22 بند بقرارزیر رسانه ای کردند:

۱. تثبیت همسان سازی در قانون مدیریت خدمات کشوری

۲. تبدیل وضعیت کانونها از حزبی به صنفی

۳. ارائه خدمات رفاهی در شان بازنشستگان محترم و ارتقاء کارآیی کارت منزلت و ابلاغ به دستگاهها در جهت همکاری با بازنشستگان

۴. استخدام فرزندان بازنشسته در شرکتها و ادارات تحت پوشش صندوق بازنشستگی و یا ادارات محل اشتغال پدر ومادر

۵. ارتقاء سطح طرح های یاری خرید از فروشگاههای افق کوروش و رفاه

۶. نظارت نمایندگان بازنشستگان در امور صندوق بازنشستگی

۷. لغو صدور کارت بانکی عکس دار

۸. تسریع در پرداخت هزینه های بیمه ی تکمیلی

۹. تبدیل صندوق بازنشستگی به سازمان بازنشستگی

۱۰. افزایش مبلغ وام ضروری و افزایش تعداد مبلغ و تعداد گیرندگان وام ازدواج فرزندان

۱۱. پرداخت مطالبات بازنشستگان بر اساس بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری در ارتباط با فوق العاده شغل

۱۲. شفاف سازی فیش های حقوقی

۱۳. اختصاص بیمه ی تکمیلی مطابق شاغلین برای بازنشستگان دستگاهها

۱۴. واگذاری بخشی از خدمات نمایندگی صندوقها در استانها به کانونهای بازنشستگی و افزایش اختیارات کانونها

۱۵. ابطال اساسنامه فعلی

۱۶. حذف فرانشیز درمان

۱۷. همسان سازی باشاغلین

۱۸. احقاق حقوق بازنشسته کد ۲۳

۱۹. افزایش حداکثر ۱۰۰ درصد معیشت، ورزشی، گردشگری، سرانه باشگاهی هرساله باتوجه به تورم

۲۰. اشتغال فرزندان بیکار بازنشستگان و بازماندگان

۲۱. تعلق حداکثری وامهای مصوب از طریق صندوق های بازنشستگی و نه بانک های عامل زیراتوان پرداخت سودبانکی بازنشسته نداشته و ندارد

۲۲. ترمیم مستمری طبق روال سال های قبل

*** - آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، چهارشنبه ۱۰ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید کنسرت حمید آرمزاده در اردکان یزد یک ساعت قبل از اجرا و در حالی که مردم در سالن بودند، با دستور اماکن به دلیل حضور نوازندگان زن لغو شده است.

*** - #اعتصاب و #اعتراض_کارگران_#نیشکر_هفت_تپه وارد چهارمین روز خود شد:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ سه شنبه 10 فروردین آمده است: کارگران بخش دفع آفات شرکت #هفت_تپه برای چهارمین روز متوالی دست از کار کشیده و در مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند.

اعتراض این کارگران به کاهش زمان قراردادهای از یک سال به 6 ماه و از 6 ماه به 3 ماه و همچنین عدم انعقاد قرارداد جدید و اخراج تعدادی از کارگران است. کارگران سایر بخشهای شرکت نیز در دفاع از همکاران خود به این اعتراض پیوسته اند و می گویند تا رسیدن به کلیه خواسته هایشان دست از اعتراض و تجمع بر نخواهند داشت. گفتنی است به دنبال تداوم این اعتصاب رئیس اداره حراست شرکت نیشکر هفت تپه ضمن تهدید کارگران به اخراج اعلام کرد "در صورتی که اعتراض و اعتصاب کارگران ادامه پیدا کند، وی با کمک نیروهای انتظامی و یگان ویژه به این اعتصاب پایان خواهد داد" اما کارگران به این تهدیدات اعتنایی نکرده و به حرکت اعتراضی خود ادامه دادند.

*** - کیلومترها صف برای دریافت یک عدد مرغ در تهران:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز سه شنبه 10 فروردین آمده است: در کشوری که سرمایه هایش به #موشک تبدیل و در رقابت های منطقه ائی #تروریست ها بکار برده می شود، مردمش این چنین در صف دریافت یک عدد #مرغ ساعتها به انتظار می ایستند. این وضعیت در #فقیرترین #کشور #جهان هم مشاهده نشده است. دولتی که اولویتش تامین نیازهای اولیه #زندگی #مردم نباشد، #سرنگونی اش اولویت است.

*** نگرانی نیروهای شرکتی مخابرات گیلان از به تعلیق درآمد خدمات درمانی برای آنها/ فرصت یک ماهه تامین اجتماعی به شسکام:
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1212581>**



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 10 فروردین 1401 آمده است: جمعی از نیروهای شرکتی مخابرات گیلان در تماس با خبرنگار ایلنا، از بدهی شرکت شسکام به سازمان تامین اجتماعی و به تعلیق درآمد خدمات درمانی برای خود و خانواده‌هایشان ابراز نگرانی کردند.

به گفته‌ی این نیروها؛ از تاریخ اول فروردین ۱۴۰۱ به دلیل عدم پرداخت ۳ ماه متوالی حق بیمه توسط شرکت شسکام به سازمان تامین اجتماعی، نیروها از حمایت و پوشش درمانی خارج شدند اما بعد از جلسه‌ای که بین رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی کارگری مخابرات گیلان، نماینده شرکت شسکام و مدیر کل سازمان تامین اجتماعی استان گیلان برگزار شد، سازمان تامین اجتماعی با پرداخت ده درصد بدهی شرکت به تامین اجتماعی موافقت کرد و مشکل نیروها به طور موقت تا اردیبهشت ماه حل شد.

به گفته‌ی آنها؛ روی هم رفته این نیروهای شرکتی ۸ ماه معوقه‌ی بیمه دارند اما اینبار به دلیل عدم پرداخت حق بیمه در سه ماه متوالی نیروهای از پوشش بیمه خارج شدند.

آنها با ابراز نگرانی از وضعیت پیش آمده، می‌گویند: مشکل نیروها به صورت موقت حل شده است اما ما نگرانیم شرکت شسکام بدهی خود را تا اردیبهشت با سازمان تسویه نکند و آنها بازهم از پوشش درمانی خارج شوند.

به گفته‌ی این نیروها؛ سازمان تامین اجتماعی به شرکت شسکام فرصت یک ماهه داده است و دیگر هیچ عذری را قبول نمی‌کند.

***- دور تازه تجمعات اعتراضی علیه قرار داد همکاری 25 ساله مابین جمهوری اسلامی و دولت چین:**

برپایه خبر منتشره در تاریخ روز سه شنبه 10 فروردین آمده است: امروز نیز همانند روز گذشته مردم در #تهران و #کرج در #اعتراض به #قرارداد_25_ساله مابین جمهوری اسلامی و #دولت #چین به خیابان آمدند و تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

#معترضین شعار می دهند:

آهای ظریف الدوله، ایران کامبوج همیشه

می جنگیم، می میریم، ایران را پس می گیریم

در این تجمعات حضور #زنان چشم گیر است.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، پنج‌شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید با وجود وخامت حال زندانی سیاسی مریم اکبری منفرد که از

بیماری کبد رنج می‌برد، به دستور وزارت اطلاعات، به وی مجوز مراجعه به پزشک خارج از زندان داده نمی‌شود.

***- تعرفه آب و برق از اول اردیبهشت ماه 7 درصد گرانتر می شود:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز چهارشنبه 11 فروردین آمده است: #رضا_اردکانیان #وزیر_نیروی #رژیم در این رابطه می گوید: «از ابتدای اردیبهشت سال جاری #تعرفه_آب_و_برق #مصرف_کنندگان 7 درصد افزایش خواهد یافت.» منتظر افزایش قیمت سایر کالاها باشید.

***- جمعی از اهالی جنوب کرمان نسبت به انتقال آب هلیل رود مقابل ورودی کارگاه تونل انتقال آب در بردسیر، تجمع اعتراضی نمودند :**



برپایه خبرمنتشره در روز پنجشنبه 11 فروردین، آمده است: جلوگیری اهالی خشمگین جنوب کرمان از ادامه حفاری با ورود به کارگاه و بیرون کردن کارکنان و نصب چادر جلو درب ورودی کارگاه. جمعی از اهالی جنوب کرمان برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به انتقال آب هلیل رود به شهرستان کرمان دست به تجمع مقابل ورودی کارگاه تونل انتقال آب در بردسیر زدند و وارد محوطه کارگاهی شدند و همه کارکنان به جز نگهبانان را از منطقه خارج کردند و با نصب چادر جلو درب ورودی کارگاه از ورود و ادامه کار در روزهای بعد جلوگیری خواهند کرد خبردادند.

روزجمعه 12 فروردین، یک فعال محیط زیست در این باره به خبرنگار رسانه ای گفت: پس از اطلاع مردم از آغاز به کار حفاری تونل انتقال آب سرشاخه های هلیل رود به کرمان از سمت گلزار بردسیر در شب ها و تعطیلات نروزی، تعدادی از نمایندگان مردم روز گذشته جلو ورودی کارگاه تونل انتقال آب تجمع کردند و خواستار تعطیلی حفاری شدند.

وی افزود: مامورین انتظامی و امنیتی نیز به مردم وعده دادند که به صورت مسالمت آمیز به تجمع خود پایان دهند تا کارگران حفاری از منطقه کارگاهی خارج شوند و به عملیات حفاری غیرقانونی و بدون مجوز از سازمان محیط زیست پایان دهند.

این فعال محیط زیست ادامه داد: اما تعدادی از کارکنان اداری با خاموش کردن ریل نقاله سنگ های بریده شده، وانمود کردند کار حفاری تعطیل شده است. این در حالی بود که کارگران حفاری در تونل انتقال آب هنوز مشغول به حفاری بودند. مردم نیز که از فریبکاری پرسنل و کارکنان آگاه شدند، وارد محوطه کارگاهی شدند و همه پرسنل به جز نگهبانان را از منطقه خارج کردند و با نصب چادر جلو درب ورودی کارگاه از ورود و ادامه کار در روزهای بعد که جلوگیری خواهند کرد خبردادند.

وی عنوان کرد: حفاری تونل انتقال آب سرشاخه های هلیل رود به کرمان اگر چه به بهانه تامین آب آشامیدنی شهر کرمان دارد انجام می شود ولی در واقع برای تامین آب صنایع و گردشگری در شهر کویری کرمان است. با انتقال آب هلیل رود مسیر آب های زیر زمینی را منحرف، و موجب خشک شدن باغ های گردوهای چند صدساله روستاهای اطراف تونل شده اند.

***- تیرآهن بجای پل بر روی رودخانه در ثلاث و باباجانی - کرمانشاه:**

برپایه خبرمندرج در تاریخ چهارشنبه ۱۱ فروردین ماه ۱۴۰۰ آمده است: مردم #6 # روستای منطقه «#دولی_دره» در منطقه #ثلاث_و_باباجانی - #کرمانشاه به علت عدم توجه مسئولان حکومتی نسبت به #خدمات_رسانی به آنها و نداشتن «#پل_ارتباطی» از سرناچاری دوشاخه «#تیرآهن» را به عنوان «#پل» بر #رودخانه نصب کرده اند. این راهکار، با مخاطرات زیادی همراه بوده بارها اتفاق افتاده #زنان و #دختران این روستاها از ارتفاع این تیرآهن ها به داخل رودخانه سقوط کرده و جان شان به خطر افتاده است. شایان ذکر است مردم این روستاها فاقد #آب_آشامیدنی #سالم هستند و اهالی از #آب_جاری «#رودخانه_زِمکان» استفاده می کنند که #ناسالم و #غیر_بهداشتی است. مدتی دیگر عده ای #لاشخور و #دزد تحت عنوان شرکت اهالی این روستاها در #مضحکه ای بنام «#انتخابات_ریاست_جمهوری و #شوراها_دزد» به سراغ این #مردم_محرور می روند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، جمعه ۱۲ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه‌ای در این روز ضمن حمایت از مطالبات معلمان و فرهنگیان بازنشسته، بر حق اعتراض و اعتصاب تأکید کرد و خواستار آزادی تمامی معلمان دربند شد.

***- بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در نقد بخشنامه غیر کارشناسانه بازگشایی کامل مدارس :**

برپایه خبر منتشره در روز جمعه 12 فروردین، آمده است : کانون صنفی معلمان ایران (تهران) بیانیه ای بشرح زیر در نقد بخشنامه غیر کارشناسانه بازگشایی کامل مدارس، منتشر کرد:

در حالی که بیش از دو سال از شیوع ویروس کرونا در کشور می گذرد و در این فاصله جان بسیاری از هموطنانمان قربانی عملکردهای غلط و سو مدیریت مسئولان شده است، همچنان شاهد تداوم این سیاست ها بویژه در ساختار آموزش عمومی کشور هستیم.

در حالی با بخشنامه ها و پیام های متعدد از سمت وزارتخانه، اداره و مدیران مدارس، برای تأکید و در حقیقت تهدید معلمان و دانش آموزان در ۱۴ فروردین برای بازگشایی کاملاً حضوری هستیم که بر هیچکس پوشیده نیست که بعد از تعطیلات نوروز و سفرهای نوروزی و شنیده ها از سویه جدید کرونا و موارد مشابه ما احتمالاً شاهد گسترش و اپیدمی مجدد این بیماری و همچنین اینبار تلفات جبران ناپذیر در کودکان خواهیم بود.

اما همچنان وزارتخانه بر نظرات غیر کارشناسانه و بدون تأیید متخصصان بهداشت و درمان کشور اصرار دارد.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن نقد این عملکردهای غیر کارشناسانه موارد زیر را به سمع و نظر همکاران و هموطنان عزیز می رساند:

۱. در بخشنامه بازگشایی مدارس، در حالی بر عدم الزام به رعایت فاصله گذاری های فیزیکی تأکید شده است، که در مدارس شهر های بزرگ بویژه مدارس استان تهران با تمرکز جمعیتی بالای دانش آموزان مواجه هستیم. در بسیاری از این مدارس حضور بیش از ۴۰ دانش آموز در یک کلاس ضمن ایجاد مشکلات آموزشی، در شرایط کرونایی کنونی می تواند عواقب جبران ناپذیری بدنبال داشته باشد. این در حالی است که بسیاری از این مدارس فاقد امکانات اولیه تهویه و فاقد فضای آموزشی کافی و مناسب برای رعایت پروتکل های بهداشتی است.

۲. در حالی در بخشنامه صادره بر مراقبت دانش آموزان توسط مراقبین سلامت تأکید شده است که عملاً بسیاری از مدارس کشور فاقد چنین نیروهایی است. در واقع تأکید بر چنین

مواردی در بخشنامه وزارتی، بیشتر جنبه تبلیغاتی و رسانه ای داشته و خود مسئولان وزارتخانه هم می دانند، مدارس کشور سالهاست که با کمبود نیروی آموزشی و مشاور مواجه است، و مقوله ای همچون مراقب سلامت، بیش از هرچیز تخیل فرادستان آموزشی است .

۳. در این بخشنامه بر الزام مدیران مدارس در راه اندازی سرویس مدارس تاکید شده است. این در حالی است که در همین مدت آموزش ترکیبی که معلمان الزام بر حضور در مدارس داشتند، بسیاری از همکاران از عدم دسترسی به سرویس مدارس در مناطق دور افتاده گله مند بوده اند. در نتیجه قابل پیش بینی است که در نتیجه اقدام عجولانه کنونی، بدون در نظر گرفتن زیر ساخت های لازم، شاهد هرج و مرج گسترده در وضعیت عبور و مرور شهرهای بزرگ خواهیم بود.

۴. در بیش از دو سال گذشته وزارت آموزش و پرورش عملاً هیچ گونه مسئولیتی در قبال تامین وسایل آموزشی برای معلمان در شرایط آموزش مجازی بر عهده نگرفته و معلمان با استفاده از وسایل شخصی هزینه آموزش مجازی را از جیب خود پرداخت کرده اند. علاوه بر آن نزدیک به سه میلیون دانش آموز بدلیل عدم برخورداری از امکانات اولیه آموزشی و عدم دسترسی به اینترنت، از چرخه آموزش کشور خارج شده اند.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) لازم می داند بار دیگر به فرادستان آموزشی در کشور هشدار دهد که تصمیمات غیر کارشناسی در بازگشایی مدارس در گذشته پیامدهای هولناکی برای دانش آموزان و معلمان بدنبال داشت. این بار نیز با توجه به شرایط مدارس ایران و کمبود امکانات بهداشتی، به نظر می آید، تکرار چنین پیامدهایی دور از ذهن نیست. لذا لازم است که هر گونه تصمیم گیری در مورد بازگشایی کامل مدارس کاملاً کارشناسانه و بر مبنای نظرات متخصصان، پزشکان و صاحب نظران مستقل انجام شود.

بی شک هرگونه مسئولیت عواقب چنین تصمیم گیری هایی با شخص وزیر آموزش و پرورش کشور می باشد.

***- تجمع مطالباتی کارگران شهرداری #کوت_عبدالله مقابل #استانداری #خوزستان :**

برپایه خبرمندرج در تاریخ روز پنجشنبه 12 فروردین ماه ، شماری از #کارگران #شهرداری _کوت_عبدالله در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایای 4 ماهه و #عیدی سال گذشته خود روز گذشته مقابل #استانداری_خوزستان #تجمع کردند. آنها خواهان پرداخت حقوق معوقه و عیدی پرداخت نشده خود هستند.

***- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:احضار، تهدید، زندان و فشار بر فعالین کانونهای صنفی معلمان را شدیداً محکوم می کنیم :**

به گزارش کانال تلگرامی سندیکای کارگران ... آمده است : درسالی که گذشت، شاهد اعتراضات مستمر و سراسری معلمان و فرهنگیان بازنشسته در بیش از دویست شهر کشور در اعتراض به عدم اجرای رتبه بندی و همسان سازی حقوق بوده ایم که متأسفانه عوامل امنیتی و نیروهای انتظامی با توسل به خشونت و پرونده سازی قضایی فشار بر معلمان و بازنشستگان فرهنگی را افزایش داده اند.

مسئولان قضایی - امنیتی با بازداشتها و احضارهای فله ای معلمان و فرهنگیان بازنشسته اقدام به پرونده سازی برای این فعالین و تعیین تاریخ دادگاه بلافاصله بعد از تعطیلات نوروز برای خانم ژاله روحزاد از معلمان و فعال بازنشسته و آقایان رسول بداقی و حمید قندی از اعضای کانون صنفی معلمان (اسلامشهر) در روزهای پانزدهم و شانزدهم فروردین ماه کرده اند.هم اکنون دهها تن از فعالین معلمان به دلیل فعالیت های صنفی با احکام سنگین ، همچنان در زندان، دوران محکومیتشان را سپری میکنند.

سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با تاکید بر حق اعتراض و اعتصاب، از تمامی مطالبات معلمان و فرهنگیان بازنشسته حمایت می‌کند و خواستار آزادی تمامی معلمان دربند میباشد و هرگونه پرونده‌سازی، احضار، فشار و تهدید آنان را قویا محکوم می‌کند و تاکید دارد که با فشار و تهدید و زندان نمی‌توان صدای بحق مزدبگیران و فرودستان که در سخت‌ترین شرایط معیشتی قرار دارند را خاموش کرد.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، جمعه ۱۲ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری مترقی ترکیه (دیسک) با انتشار اطلاعیه‌ای در این روز خواستار آزادی فوری هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی، دو تن از فعالان کارگری و از اعضای کانون نویسندگان ایران شد.

***- ادامه اعتراضات نسبت به احداث ابرپروژه پتروشیمی در حریم میانکاله و مرآت ملی روستای حسین آباد زاغمرز:**

برپایه خبر منتشره آمده است: دوستاناران محیطزیست و تالاب بین‌المللی میانکاله در اعتراض به آغاز عملیات تغییر کاربری زمین‌های مرتعی منطقه حسین‌آباد در نزدیکی این تالاب برای ساخت مجتمع پتروشیمی، کارزاری اینترنتی راه انداختند که طی کمتر از 48 ساعت بیش از 8300 نفر آن را امضا کرده‌اند.

بنابه گزارش رسانه ای شده، اعلام خبر ساخت یک مجتمع پتروشیمی در نزدیکی تالاب بین‌المللی میانکاله هرچند که چندان جدید نیست و مدت‌ها از مطرح شدن آن می‌گذرد، اما به زمین زده شدن کلنگ این واحد در سفر هیئت دولت به مازندران و با حضور وزیر کشور ابعاد خبری و البته دامنه اعتراضات نسبت به اجرای این پروژه را بیشتر از گذشته کرد.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، شنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید مریم اکبری منفرد، زندانی سیاسی تبعیدی در زندان سمنان که از دیماه ۸۸ دوران محکومیت ۱۵ ساله خود را بدون حتی یک روز مرخصی در زندان سپری می‌کند، علیرغم شرایط نامناسب جسمی از رسیدگی پزشکی و اعزام به مراکز درمانی محروم مانده است.

***- آینده از آن بی کفن خفتگان است**

از سری نامه های منتشر نشده فرزاد کمانگر با صدای وی

خبرگزاری هرانا - در حالی که چهل روز از اعدام غیرقانونی و غیرانسانی ۵ زندانی عقیدتی (فرزاد کمانگر، فرهاد وکیلی، علی حیدریان، شیرین علم‌هولی و مهدی اسلامیان) در زندان اوین می‌گذرد، دست‌گاه امنیتی هم‌چنان از پس دادن پیکرهای آنان خودداری می‌کند و البته استان‌داری کردستان مدعی دفن پیکرها به صورت گم‌نام شده است، در چلهم این جان باختگان و به مناسبت "بی کفن خفتگی" این افراد، نامه ای منتشر نشده از معلم جان‌باخته فرزاد کمانگر از سوی خبرگزاری هرانا انتخاب و منتشر می‌شود. لازم به توضیح است، فرزاد کمانگر این نامه را با تأسی از سرگذشت یکی از زندانیان دهه شصت نگاشته است، زندانی مورد اشاره که از ضعف بینایی شدیدی برخوردار بوده، به دلیل شکنجه و ضرب و شتم، عینکش می‌شکند و مجبور می‌شود به جای شیشه، تکه ای مقوا بر عینک خود بگذارد و این آخرین تصویری است که مادر زندانی از او دیده است، زندانی سیاسی مورد اشاره کمی بعد زیر شکنجه به قتل می‌رسد و در گوری گم‌نام و بی نشان دفن می‌شود، این نامه را فرزاد کمانگر به مادر این زندانی سیاسی تقدیم کرده بود.

زندان داستان تن است و تازیانه، مشت و دندان، طناب و گردن، آتش و پوست،
سرب و قلب

زندان سرودی است برای زنده نگه داشتن امید، زندان دریچه ای است به آینده ای
روشن،

تصویر اول : سانتیاگو، شیلی :

شکنجه‌گری در حال خرد کردن دستان زندانی اش می باشد تا گیتار نزنند و ترانه و لالایی
برای کودکان شیلی نسراید، اما او بی وقفه می خواند

بیا بیا بیا!

بیا، جاده پهناور را در می نوردیم،

آینده دیگری در کار تکوین است.

سال ها بعد : تیترو روزنامه های شیلی : " آسوده بخواهید دیکتاتور مرد!"

و نوازنده گیتار زینت بخش دیوان شاعری می شود و مردم به شاه بیت دیوان شاعرشان می-
نازند .

تصویر دوم : زندان های شوروی سابق - استالین:

"بریا" قساوت می کند، می کشد، قطعه قطعه می نماید و تبعید می کند هر کس را دگر گونه
بیاندیشد.

چند دهه بعد!

جوانکی سر کلاس با خواندن تاریخ معاصر کشورش و شنیدن نام "بریا"، آب دهان به زمین می
اندازد و جوان دیگری صفحات کتابش را با عصبانیت پاره می کند.

تصویر سوم : دهه 80 میلادی، عراق

کاروانی از زن و دختر و کودک و پیر و جوان به سوی بیابان های "نگره سلمان" حرکت داده
می شوند تا انفال شوند، کودکی عروسکش را به سینه می چسباند و با چشمانی باز ستاره
ها را می شمرد و زیر خروار ها خاک مدفون می شود، دختری قبل از این که عصمتش زیر
چشم های دریده علی حسن مجید هتک شود خود را می کشد.

در هزاره سوم : خواهرکان من بی رخت عروسی، پاک و پاکیزه با خورشیدی که بر تابوتشان
نقش بسته است به زادگاهشان بر می گردند.

کودکی در حلبچه بی پروا بر روی عکس و مجسمه صدام می شاشد.

جوانی شیعه هنگام اعدام دیکتاتور، فریاد می زند برو به جهنم.

و گردی به کاخ های بغداد قدم می گذارد و به ریش صدام می خندد.

تصویر چهارم : زندان دیار بکر ترکیه، دهه 80 میلادی

ژنرال برای شکستن مقاومت زندانی‌اش به خانواده او تجاوز می‌کند و زندانی برای زنده نگه داشتن نوروز، خود را با آتش نوروز جاودانه می‌کند.

نوروز ۲۰۰۹، کودکان دیاربکر بر سر هر کوی و برزن بی‌مهابا سرود ژنرال بزدل را سر می‌دهند و جمعیتی میلیونی به دور آتش نوروز جمع شده‌اند، آتشی که ژنرال بزدل می‌پنداشت فرو نشانده است.

تصویر آخر : دهه 60 زندان اوین - تهران

زندانی با عینکی شکسته برای آخرین بار به دیدار مادر می‌رود تا آخرین تصویر او را با خود به قلب زمین ببرد، چند هفته بعد لباس و عینک شکسته اش را به مادر می‌دهند.

سال‌ها بعد : زندانی دیگری از زندان اوین برای نامزدش نامه می‌نویسد و دختر، نامه را برای مادر بزرگش که عینک شکسته در دست دارد این‌گونه می‌خواند:

بگذار در هر جای دنیا بی سنگ و صلیب با گوری شکسته گم نام بمانند،

بگذار با خاک یکی شوند، بگذار نشان‌شان سروی آزاده باشد که ریشه در قلب آن‌ها دارد و سر به آسمان می‌ساید.

بگذار بی نشان بمانند،

"آینده از آن بی کفن خفتگان است".

فرزاد کمانگر

زندان اوین

اردی بهشت ماه ۱۳۸۹

این نامه را با صدای فرزاد در آدرس زیر بشنوید:

<http://www.youtube.com/watch?v=L92bW3DINJw>

*- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: کانون نویسندگان ایران در این روز خبر داد دادیاری زندان اوین با ارسال ابلاغیه از وثیقه‌گذار رضا خندان (مهابادی)، نویسنده، پژوهشگر و عضو کانون نویسندگان ایران، خواسته است که او را به زندان معرفی کند.

*- مصائب کارگران روزمزد پتروشیمی چوار / نه عیدی داریم نه سنوات:

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1213857>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ روز 14 فروردین 1401 آمده است: کارگران روزمزد پتروشیمی چوار ایلام در تماس با خبرنگار ایلنا گفتند: ما جمعی از کارگران روزمزد پتروشیمی چوار هستیم با چندین سال سابقه‌ی کاری در همین پتروشیمی؛ نزدیک به یکسال و نیم هست که به عنوان ۱۵ روز کار و ۱۵ روز تعطیلی، مشغول به فعالیت هستیم البته بدون عیدی، سنوات و پاداش.

این کارگران افزودند: برای عیدی و سنوات چندین بار اعتراض کردیم که چرا به ما عیدی و سنوات تعلق نمی‌گیرد؛ قول‌هایی به ما دادند؛ قرار بود از طرف شرکت یه مبلغی به عنوان پاداش برای تمام کارگران روزمزد در نظر بگیرند و به آنها پرداخت بشود اما سال تمام شد و خبری از پرداخت نشد. باقی کارکنان شرکت، عیدی و سنوات خود را به موقع گرفته‌اند؛ سوال ما این است که مگر ما پرسنل پتروشیمی نیستیم، چرا از تمام مزایا محرومیم؟

به گفته کارگران، مقامات پتروشیمی پاسخ روشنی نمی‌دهند؛ می‌گویند هنوز دستور پرداخت صادر نشده؛ یکی از کارگران می‌پرسد: آیا زمان پرداخت عیدی پایان سال نیست؛ چرا سال جدید شروع شده و هنوز دستوری برای پرداخت صادر نکرده‌اند.

این کارگران خواستار بهره‌مندی از تمام مزایای مزدی قانون کار هستند و می‌گویند: امیدواریم در سال جدید از امکانات و مزایای قانون کار از جمله سنوات و عیدی بهره‌مند شویم.

***- جامعه در آستانه یک انفجار است:**

برپایه خبرمنتشره رد تاریخ روز شنبه 14 فروردین آمده است: ، #مصطفی_اقلیما، جامعه‌شناس در مطلبی در روزنامه آرمان 14 فروردین نوشت: « هر چه بیشتر به مردم وعده بدهیم و حل کردن مشکلات بنیادین را به تأخیر بیاندازیم به همان اندازه شدت انفجار اجتماعی را بالاتر می‌بریم.»

اقلیما افزود: « مردم برای شکم خود به خیابان‌ها می‌آیند هنگامی که فشار اقتصادی به مردم بیش از توانایی آنها می‌شود به‌صورت طبیعی این فشارها به اعتراضات خیابانی منجر خواهد شد.»

اقلیما به خشم خروشان جامعه و لشکر گرسنگان اشاره کرد و ادامه می‌دهد: « گرانی‌ها جامعه را عصبی کرده و جامعه در آستانه یک انفجار است. این اتفاق اگر امروز رخ ندهد بدون شک در آینده نزدیک رخ خواهد داد.»

این تنها پیش بینی این جامعه شناس نیست که شرایط پیش رو را انفجاری ترسیم می‌کند. اقتصاددانان و فعالین سیاسی هم چنین شرایطی را پیش بینی می‌کنند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید ژاله روحزاد، معلم بازنشسته و همسر اسماعیل گرامی که از یک سال

پیش در زندان تهران بزرگ محبوس است، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به دادگاه انقلاب احضار شده است.

***- ادامه مبارزات جمعی از کارگران مجتمع پتروشیمی ایلام برای احقاق حقوق برحقشان :**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ 14 فروردین 1401 آمده است: جمعی از کارگران پتروشیمی ایلام واقع در شهرستان چواردرستان ایلام از ادامه کنش هایشان برای احقاق حقوق برحقشان، خبر دادند.

کارگران به خبرنگار گفتند: ما جمعی از کارگران روزمزد پتروشیمی چوار هستیم با چندین سال سابقه‌ی کاری در همین پتروشیمی؛ نزدیک به یکسال و نیم هست که به عنوان 15 روز کار و 15 روز تعطیلی، مشغول به فعالیت هستیم البته بدون عیدی، سنوات و پاداش.

آنها افزودند: برای عیدی و سنوات چندین بار اعتراض کردیم که چرا به ما عیدی و سنوات تعلق نمی‌گیرد؛ قول‌هایی به ما دادند؛ قرار بود از طرف شرکت یه مبلغی به عنوان پاداش برای تمام کارگران روزمزد در نظر بگیرند و به آنها پرداخت بشود اما سال تمام شد و خبری از پرداخت نشد. باقی کارکنان شرکت، عیدی و سنوات خود را به موقع گرفته‌اند؛ سوال ما این است که مگر ما پرسنل پتروشیمی نیستیم، چرا از تمام مزایا محرومیم؟ آنها ادامه دادند: مقامات پتروشیمی پاسخ روشنی نمی‌دهند؛ می‌گویند هنوز دستور پرداخت صادر نشده؛ این کارگران معترض در خاتمه گفتند: امیدواریم در سال جدید از امکانات و مزایای قانون کار از جمله سنوات و عیدی بهره‌مند شویم. یکی از کارگران نیز گفت: آیا زمان پرداخت عیدی پایان سال نیست؟ چرا سال جدید شروع شده و هنوز دستوری برای پرداخت صادر نکرده‌اند؟

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: شهاب سلطانیان، زندانی سیاسی که به اتهاماتی از جمله «توهین به مقدسات»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق تولید و انتشار پیام‌های ضد دین و ضد نظام»، «حمایت از خاندان پهلوی» و «توهین به رهبر» به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شده بود، با پایان ایام مرخصی در این روز به زندان تهران بزرگ بازگشت.

***- نگاهی به نقش زنان در توسعه یافتگی؛ «افزایش ۵۷,۴ درصدی دستمزد» و نگرانی زنان شاغل در کارگاه‌های زیرپله‌ای / از گرفتن چک و سفته تا برش دوخت زدن برای روزی سی هزار تومان مزد! :**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1213504>



به گزارش نسرین هزاره مقدم خبرنگار ایلنا، در تاریخ 14 فروردین 1401 آمده است: «اشتغال زنان» مقوله‌ای به مراتب نگران کننده‌تر از اشتغال مردان است؛ وقتی پای زنان کم تخصص، بدون سابقه و در معرض آسیب‌ها وسط می‌آید، این نگرانی بیشتر می‌شود. بیشتر کارگران مورد استعمار در کارگاه‌های زیرپله‌ای و خارج از نظارت بازرسان کار را زنان تشکیل می‌دهند. در کارگاه‌های خیریه که پرداخت دستمزد کار دستی به صورت «کارمزدی» صورت می‌گیرد، اکثریت کارگران را زنان تشکیل می‌دهند و حالا مساله این است که آیا افزایش ۵۷,۴ درصدی

دستمزد در سال جدید، شامل حال زنان کارگر می‌شود؛ آیا کارفرمایان راضی می‌شوند زنان در معرض خطر را که به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی شایسته تن به استثمار ناخواسته می‌دهند، از تمام مزایای مزدی بهره‌مند و برخوردار سازند؟

بیش از دو میلیون نفر در معرض خطر: ما آمار مدون و رسمی در ارتباط با تعداد زنان کارگر شاغل در کارگاه‌های کوچک و زیرپله‌ای نداریم اما براساس برآورد وزیر کار وقت در سال ۹۶، حدود ۲۵ درصد اشتغال غیررسمی کشور را زنان تشکیل می‌دهند؛ و این یعنی جمعیتی بیش از ۲ میلیون نفر. این اشتغال غیررسمی و محروم از تمام مزایای قانونی از جمله دستمزد مصوب و بیمه تامین اجتماعی، جغرافیای بسیار پراکنده‌ای دارد؛ از حاشیه‌ی شهرهای بزرگ مثل تهران و اصفهان گرفته تا شهرستان‌های دورافتاده و محروم که ذاتاً فرصت‌های شغلی کیمیاست، در همه‌ی این مناطق، زنان کم تخصص و بدون مدرک دانشگاهی و سابقه‌ی کار تخصصی، به صورت غیررسمی و محروم از حقوق قانونی، مشغول به کار هستند. فقدان قراردادهای مدون، عدم آگاهی از حقوق صنفی و نبودن قدرت چانه زنی و حق انتخاب، راه شکایت این زنان را مسدود کرده است؛ معادله‌ی روابط کار و پرداخت مزد برای این زنان، معادله‌ای بر مبنای مروت و کرم کارفرماست، اگر خواست دستمزد قانونی یا نزدیک به آن را پرداخت می‌کند و اما اگر نخواست، راهی برای استیفای حقوق نیست. در سراسر کشور صدها و هزاران کارگاه زیرپله‌ای مشغول به فعالیت هستند که هرگز هیچ برخورد ایجابی یا قهری با کارفرمایان خاطی آن‌ها صورت نگرفته است. اصل را بر «رضایت کارگر شاغل» گذاشته‌اند، رضایتی که در شرایط فقدان حق انتخاب و تصمیم‌گیری، اصولاً رضایت نیست و فقط جبر است، جبری برآمده از مختصات دشوار زیستن.

نقش اشتغال زنان در توسعه یافتگی و تحقق شعار سال: سیمین یعقوبیان (فعال کارگری) در ارتباط با دشواری‌های اشتغال این زنان در سال جدید به شعار سال اشاره می‌کند و به این‌ها می‌گوید: زنان در سال‌های اخیر ثابت نمودند که یکی از ارکان بنیادی توسعه اجتماعی، اقتصادی، عدالت اجتماعی و تولید و اشتغال هستند و اگر می‌خواهیم شعار سال -تولید، دانش بنیان و اشتغال آفرین- را محقق سازیم باید از ظرفیت‌های مغفول مانده‌ی زنان به خوبی و عادلانه استفاده کنیم؛ مهمترین معیار رشد، سهم زنان در توسعه انسانی است. در کشورهای توسعه یافته معمولاً بیش از ۷۰ درصد از زنان در توسعه انسانی سهم هستند که در کشورهای غیرتوسعه یافته میزان مشارکت زنان، قابل مقایسه نبوده و در این میان، اختلاف فاحشی وجود دارد. عوامل مختلفی در این محرومیت و عدم توسعه یافتگی نقش دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، عدم آگاهی زنان نسبت به حقوق شهروندی خود است و البته مشکلات اقتصادی، خود عامل مهم دیگری است که سهم زنان در اقتصاد رسمی و اشتغال شایسته را ناخواسته کاهش می‌دهد، به این معنا که زنان اگر بخواهند هم «فرصت» ندارند.

به گفته وی، اگر نظارتی نباشد، در سال جدید اشتغال زنان با مشکلات جدی مواجه می‌شود: «با توجه به نتایجی که شورای عالی کار در مقوله‌ی میزان افزایش دستمزد سال ۱۴۰۱ داشته است، بایستی نظارت دقیق وزارت کار بر کنترل اجرای مصوبه وجود داشته باشد که اگر غیر از این باشد، نتیجه فقط افزایش اخراج کارکنان زن و افزایش تبعیض دستمزدی در جامعه خواهد بود.»

مشکلات زنان در کارگاه‌های رسمی و غیررسمی: یعقوبیان اضافه می‌کند: بیشترین خطر از ناحیه‌ی کارگاه‌های زیر پله‌ای و شرکت‌های خصوصی است که در خانه‌های مسکونی بدون تابلو فعالیت می‌کنند. عدم شناسایی این کارگاه‌ها و انطباق نداشتن نوع اقامتگاه با نوع فعالیت، مشکلات بسیاری را به وجود می‌آورد از فرار بیمه‌ای گرفته تا ظلم آشکار در حق کارکنان به خصوص کارکنان زن؛ کارفرمایان این کارگاه‌های مخفی، نه تنها حقوق قانونی کارگران را نمی‌پردازند بلکه با اخذ سفته و تهدید و ارباب در خصوص شکایت و یا مراجعه به دستگاه‌های مرتبط، دست و پای آن‌ها را می‌بندند. بارها شاهد بوده‌ایم از زنان سرپرست خانوار و مستاصل که فرصتی برای اشتغال شایسته و قانونی ندارند، سفته و چک سفید امضا گرفته‌اند تا جرئت شکایت و دادخواهی را سلب کنند و «اطاعت اجباری» را در محیط کارگاه حاکم سازند.

وی با بیان اینکه «اگر به دنبال تحقق شعار سال هستیم باید اصول ۲۰ و ۲۸ قانون اساسی را اجرا کنیم و تبعیض جنسیتی در محیط کار و در پرداخت دستمزد از میان برداشته شود» ادامه می‌دهد؛ و دولت محترم در زمینه ایجاد اشتغال و تامین فرصت‌های شغلی، بایستی شرایط مساوی برای زن و مرد مهیا کند. بدون تردید فقط زمانی که بانوان از لحاظ رفاهیات به حد مطلوبی برسند، جمعیت رشد خواهد کرد؛ فقط وقتی ترس از بیکاری و بی پولی نباشد و دولت حمایت کند، زنان به فرزندآوری می‌اندیشند.

به گفته یعقوبیان، مشکل فقط از ناحیه کارگاه‌های غیررسمی نیست؛ در کارگاه‌های رسمی و بیمه شده نیز به علت استیلاي قراردادهای موقت، پرداخت حقوق قانونی زنان کارگر با نقصان های بسیار مواجه است: «بیمه شدگان زن مبلغ حق بیمه را به روز و مرتب پرداخت می‌کنند ولی در هنگام مرخصی زایمان (استعلاجی) و غرامت ایام بارداری با مشکل مواجه می‌شوند؛ کارفرمایان بسیاری از موهبت قراردادهای موقت کار به خوبی بهره‌مند هستند و لاجرم زنان باردار را به بهانه‌ی ختم قرارداد، اخراج می‌کنند تا از زیر بار پرداخت حقوق قانونی فرار کنند. ازدواج و مادر شدن یکی از بحرانها و چالش‌های زنان کارگر کشور است؛ برخی از کارفرمایان معتقدند که ازدواج و بچه دار شدن باعث کاهش بهره‌وری در محیط کار می‌شود و علیرغم تخصص و مهارتی که زنان در محیط کار دارند، به دلیل بارداری یا حتی تشکیل خانواده، به راحتی کنار گذاشته می‌شوند.»

راه حل چیست؟

یکی از راه حل‌ها از نظر یعقوبیان، افزایش نرخ مشارکت زنان در تشکلهای کارگری است؛ «زنان اگر در تشکلهای عضویت پیدا کنند و به لایه‌های بالای مدیریتی آن برسند، صدای رسایی خواهند داشت و می‌توانند از حقوق قانونی خود دفاع کنند؛ «تشکل» بهترین ابزار برای دادخواهی جمعی است، تنها یک جمعیت متشکل است که قدرت ایستادگی دارد.»

اما بالا رفتن نرخ مشارکت زنان در تشکلهای نیز نیازمند همت دولتی‌ها و نظارت دقیق بر اقتصاد غیررسمی در جهت از میان برداشتن این بخش آسیب‌زای اقتصاد است؛ زنی که به ناچار سرپرست خانوار شده، پول و پارتی ندارد، سابقه کار و تخصص آنچنانی هم ندارد و برای روزی بیست یا سی هزار تومان ناقابل، ساعت‌های متوالی برش دوخت می‌زند یا درزهای لباس بچه را چرخ می‌کند، چطور می‌تواند عضو تشکلهای کارگری باشد؟!

* بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در حمایت از حق تحصیل دختران افغانستان و محکومیت حمله به دختران و زنان در مشهد:

به نوشته کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران آمده است: ماه‌ها می‌گذرد که طالبان با فرش قرمز قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای با خشونت بر سر کار آمدند. بی‌گمان محروم کردن دختران افغانستانی از حق تحصیل تنها یکی از هزاران ستمی است، که به دنبال چشم پوشی جهانیان به روی جنایات و ارتجاع طالبان رخ داد.

اگر چه حق تحصیل بنا بر میثاق نامه‌های جهانی از جمله کنوانسیون حقوق کودکان، یک حق طبیعی و جهان‌شمول است، اما محروم کردن دختران از تحصیل ریشه در رویکرد و تصمیمات زن‌ستیزانه‌ی طالبان و رهبری امارت اسلامی دارد.

محروم کردن دختران از ادامه تحصیل بعد از پایه‌ی ششم یک عمل ضدانسانی است که یکی از پیامدهای آن بیکار شدن تعداد زیادی از معلمان بویژه معلمان زن خواهد شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن دفاع از حق تحصیل دختران در افغانستان هر نوع ممنوعیت و محدودیت کاری معلمان به ویژه زنان معلم را محکوم می‌کند.

همانگونه که در طی سال گذشته ما شاهد حمایت‌های گسترده جهانی از مطالبات معلمان ایران بودیم اینک وظیفه خود می‌دانیم نسبت به وضعیت آموزشی در افغانستان و تهدیدات

علیه معلمان سکوت نکنیم و با جامعه ی فرهنگی افغانستان به ویژه معلمان آن کشور اعلام همبستگی نماییم.

آنگونه که همه می دانیم سرکوب زنان و دختران محدود به افغانستان نیست و این یک معضل جهانی است و در دنیای امروز زنان حقوق برابر با مردان ندارند و به شیوه های گوناگون ، این نابرابری بازتولید می شود. در ایران نیز طی چهار دهه ی گذشته زنان به پیوسته و گسترده سرکوب شده اند .

در آخرین اقدام ضد زن، به شیوه ی طالبان، دیدیم در مشهد زنانی که قصد ورود به ورزشگاه داشتند با حمله وحشیانه ی ماموران و اسپری فلفل روبرو شدند. بی گمان این شیوه ی سرکوب در ادامه اسیدپاشی به چهره ی زنان قابل تحلیل است و باید ریشه های آن را در روزگاری جست که عده ای با شعار « یا روسری یا توسری » زمینه های قوانین ضدزن را فراهم کردند .

قوانینی که تمام جناح های درون حاکمیت از اصلاح طلب تا اصولگرا و اعتدالی در تصویب و اجرای آن نقش داشتند .

کسانی که امروز فاجعه ی مشهد را به شرایط حاکم در خراسان رضوی تقلیل دهند، یا از شرایط تاریخی بی اطلاع هستند یا می خواهند جامعه نقش آنان در سرکوب زنان را فراموش کند .

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران همانگونه که با کودک همسری مخالف است و خواهان برخورداری دختران در مناطق محروم از حمایت های آموزشی و اجتماعی است.

همانگونه که با اختناق در مدارس دخترانه مخالف است و خواهان حق انتخاب پوشش برای زنان است. همانگونه که با نابرابری دستمزد بین زن و مرد مخالف است و خواهان حق اشتغال برای زنان است . از حضور در اجتماع و آزادی های اجتماعی زنان حمایت می کند . جلوگیری از حضور زنان در استادیوم برای تماشای بازی، از اخلاق ورزشکاری به + بوده و رفتاری غیر قانونی و غیر انسانی است .

شورای هماهنگی ضمن حمایت از زنان معترض و فعالان زن از ورزشکاران مردمی و باشرافت و تمام مردان برابری خواه می خواهد که در برابر این هجمه علیه زنان سکوت نکنند. متأسفانه همانگونه که جامعه ی جهانی در برابر طالبان در افغانستان ممانعت می کند تا آنان زنان را قربانی کنند .

فیفا نیز خواسته زنان ایران را قربانی منافع خود می کند. پس همانگونه که مردم افغانستان برای تغییر باید متکی به خود باشند مردم ایران نیز شایسته است، با اتحاد و قدرت جمعی قوانین ضد زن را پس بزنند.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از حق تحصیل برای تمام کودکان جهان از جمله حق تحصیل دختران در افغانستان، خواهان واکنش موثر نهادهای بین المللی به ویژه یونسکو و آموزش بین الملل است .

همچنین تعرض به زنان ایران در مشهد را به شدت محکوم می کند و با هرگونه سیاست ضدزن در هر جای جهان بویژه در افغانستان و ایران مخالف است و از نهادهای مردمی می خواهد، برای دفاع از حقوق زنان متحد شوند.

۱۳ فروردین ۱۴۰۱

***- برگزاری دادگاه رسول بدای و حمید قندی روز دوشنبه 15 فروردین در شعبه ی 26 دادگاه انقلاب :**

به نوشته کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران آمده است: به گفته رامین صفرنیا وکیل دادگستری نخستین جلسه ی دادگاه رسیدگی به اتهامات موکلین رسول بدایق و حمیدقندی روز دوشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ در شعبه ی ۲۶ دادگاه انقلاب (خیابان شریعتی، خیابان معلم) ساعت ۹ برگزار خواهد شد. آقای رامین صفر نیا در روز و ساعت مقرر همراه موکلین خود در این جلسه حضور خواهد داشت .

***- گلایه کارگران ساختمانی از هزینه‌های درمان/ پزشکان بیماران را به مطب‌های خصوصی می‌کشانند:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1213905>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در سال‌های گذشته، بیمارانی که به بیمارستان‌های دولتی و بیمارستان‌های متعلق به نهادهای عمومی غیردولتی مراجعه می‌کردند، از اینکه پزشکان این بیمارستان‌ها پای آن‌ها را به مطب‌های خود باز می‌کنند، گلایه داشتند. حال گروهی از کارگران ساختمانی هم از اینکه مجبور شده‌اند پس از مراجعه به بیمارستان‌های تامین اجتماعی، به مطب‌های پزشکان مراجعه کنند، گلایه می‌کنند .

در چرایی ایجاد این قدرت برای پزشکان باید به حاکم شدن «پزشک سالاری» بر نظام درمان کشور اشاره کرد. کارگران و بیمه‌شدگان تامین اجتماعی هم در سال‌های گذشته از وجود پزشک سالاری گلایه کرده بودند. در نتیجه روند پزشک سالاری، بیماران دارای خدمات از سازمان تامین اجتماعی که کم درآمدترین اقشار جامعه هستند هم باید هزینه‌های ویزیت به پزشکان پرداخت کنند .

در این میان، کارگران ساختمانی اعلام کردند که گلایه‌های خود را از طریق سامانه ۱۴۲۰ به اطلاع سازمان تامین اجتماعی رسانده‌اند اما با این حال «طبق روال گذشت» این مبالغ غیر متعارف از بیماران دریافت می‌شود.

***- کارگران منطقه یک آبفا اهواز نسبت به عدم تبدیل وضعیت مقابل استانداری خوزستان، تجمع اعتراضی نمودند:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: تهدید کارگران حق طلب به اخراج از کار بجای پاسخگویی به مطالباتشان. جمعی از کارگران فصلی منطقه یک آبفا اهواز برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به عدم تبدیل وضعیت دست به تجمع مقابل استانداری خوزستان زدند. تجمع کنندگان به خبرنگار گفتند: از سال ۹۵ تحت عنوان نیروی فصلی به صورت تمام وقت مشغول به کار هستیم و از سال ۹۹ نیز چند نیروی دیگر به ما اضافه شد. آنها افزودند: حقوق ماهیانه ما حداقلی بوده و هیچ‌گونه مزایا شامل اضافه کاری، حق شیفت، تعطیل کاری و نظایر آن را نداریم. این کارگران اضافه کردند: عیدی و سنوات سال‌ها ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ پرداخت نشده و به جای آن تهدید به اخراج می‌کنند.

***- کانون نویسندگان ایران: ابلاغیه برای وثیقه‌گذار رضا خندان (مهبادی):**



برپایه خبرمنتشره در کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران آمده است: در روزهای اخیر دادیاری زندان اوین با ارسال ابلاغیه از وثیقه‌گذار رضا خندان (مهابادی) خواسته است که او را به زندان معرفی کند.

رضا خندان (مهابادی)، نویسنده، پژوهشگر و عضو کانون نویسندگان ایران اواخر آذرماه ۱۴۰۰ در زندان اوین به کرونا مبتلا شد. ماموران زندان که پیش‌تر با تاخیر عامدانه و عدم درمان موثر، بکتاش آبتین را نیمه‌جان به بیمارستان اعزام کرده بودند، با تکرار همین رویه جان رضا خندان (مهابادی) را هم به خطر انداختند و سرانجام با اعتراض همبندی‌ها ناچار به اعزام او به بیمارستان طالقانی شدند. پس از چند روز وکلا و خانواده‌ی خندان موفق شدند برای او با وثیقه‌ی ۴۰۰ میلیون تومانی مرخصی استعلاجی بگیرند و او را برای ادامه‌ی درمان در بیمارستانی خصوصی بستری کنند. در تمام این مدت، از اعزام او به بیمارستان طالقانی تا کنون، رضا خندان (مهابادی) مشغول مداوای بیماری کرونا و عوارض آن بوده و همین اواخر نیز ناچار تن به عمل جراحی سپرده است.

دادیار ویژه‌ی زندانیان سیاسی بی‌توجه به وضعیت خندان، اواخر اسفند ۱۴۰۰ او را به زندان احضار کرد اما او در وضعیتی نبود که بتواند به زندان برگردد. چند روز بعد ابلاغیه‌ای به دست وثیقه‌گذار رسید که از او خواسته شده بود خندان را به زندان معرفی کند، در غیر این صورت وثیقه به نفع دولت ضبط می‌شود. مطلع شدیم با توجه به تمام این فشارها و آزارها، خندان در دو سه روز آینده به زندان باز می‌گردد .

بی‌شک مسئولیت هر گزندی به رضا خندان (مهابادی) بر عهده‌ی حکومت است و بازگرداندن او به زندان تهدیدی برای سلامت و جان اوست.

***- هفت تپه با مدیریت دولتی از آرامش برخوردار است / منتظر عملی شدن وعده‌ها هستیم:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1214500>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در روز 15 فروردین 1401 آمده است: کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه با بیان اینکه ماه‌هاست مجتمع هفت تپه به دولت بازگشته و از آرامش نسبی برخوردار است، اظهار داشتند: هرچند کارگران مشغول کار هستند اما آنها منتظر عملی شدن خواسته‌های خود و قول‌هایی هستند که مسئولان و کارفرمای بخش دولتی به آنها در زمان واگذاری داده‌اند.

به گفته آنان، هرچند برخی از مطالبات صنفی کارگران همانند بروز شدن مطالبات و برطرف شدن مشکلات بیمه‌ای کارگران حل شده اما مهمترین خواسته کارگران هنوز برآورده نشده است. آنها گفتند: ما کارگران می‌خواهیم بدانیم با شرایط جدید تغییر شرکت تپه از خصوصی به دولتی که به صورت قانونی انجام شده، تکلیف وعده‌های داده شده مسئولان و خواسته‌های کارگران چه می‌شود؟ هم اکنون وضعیت شغلی برخی کارگران مانند هفت ماه پیش است.

آنها با بیان اینکه در حال حاضر نگرانی ما نامشخص بودن وضعیت قرارداد کارگران فصلی است که وعده تبدیل وضعیت شغلی به آنها داده می‌شود، افزودند: سالهاست این موضوع را پیگیری کرده‌ایم اما هنوز مسئولان تصمیمی برای تغییر نوع قرارداد کارگران فصلی نگرفته‌اند.

کارگران درباره سایر مطالبات صنفی خود تصریح کردند: اجرای کامل طرح جمع و طبقه‌بندی مشاغل، همسان‌سازی دستمزدها و ایجاد قوانین یکسان در پرداخت حقوق و عقد قراردادها، بازگشت به کار نمایندگان تعدیلی و پرداخت دوباره برخی مزایای قانونی و عرفی، بخش دیگری از مطالبات کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه است که هنوز عملیاتی نشده و این مسئله امروز باعث ایجاد گرفتاری‌هایی برای کارگران شده است.

کارگران با تاکید بر اینکه فعالیت در هفت تپه جریان دارد و کارگران از شرایط فعلی به نسبت قبل رضایت دارند، در خاتمه گفتند: هرچند شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه بعد از سالها با شائبه‌ها و ابهامات زیادی از بخش خصوصی به دولت واگذار شد و مشکلات عدیده‌ای در این راه به وجود آمد اما هم اکنون شاهد هفت تپه‌ای هستیم که کارگران آن از آرامش نسبی برخوردار هستند.

***- یکی از کارگران مصدوم حادثه آتش سوزی شرکت پتروپالایش کاوشگران ماهشهر، جان باخت:**



شنبه شب (13 فروردین)، یکی از کارگران مصدوم حادثه آتش سوزی 11 فروردین شرکت پتروپالایش کاوشگران ماهشهر واقع در سایت یک منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام بنام محمود قنواتی به دلیل شدت جراحات وارده در بیمارستان سوانح سوختگی طالقانی اهوازجان خود را از دست داد.

***- یک کارگر سیمان شرکت توزیع برق کرمانشاه بر اثر برق گرفتگی جان باخت:**

یک کارگر سیمان شرکت توزیع برق کرمانشاه بنام تورج حیدری حین انجام عملیات و رفع مشکل برق‌رسانی بر اثر برق گرفتگی از ارتفاع تیرک، جان باخت.

***- 2 کارگر معنی در پاکدشت بر اثر ریزش چاه ، جان باختند:**

یکشنبه شب (14 فروردین)، 2 کارگر معنی تبعه افغانستان حین کار حفر چاه در مجاورت یک چاه قدیمی، بر اثر ریزش انباری چاه مجاور جان خود را از دست دادند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: دادگاه رسیدگی به اتهامات رسول بداقی و حمید قندی، دو تن از اعضای کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر، در این روز در دادگاه انقلاب تهران برگزار شد.

***- اعتراض رانندگان خودروهای سبک و سنگین به وضعیت بیمه / طرح درخواست مداخله مدیرعامل بیمه مرکزی:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1214393>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در روز ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: رانندگان خودروهای سبک و سنگین که زیر پوشش بیمه مشاغل آزاد و اختیاری سازمان تامین اجتماعی قرار دارند، از افزایش حق بیمه‌های خود با توجه به ثابت نبودن درآمدهایشان گلایه کردند.

آنها از سلیمانی، مدیرعامل بیمه مرکزی خواستند که برای تنظیم حق بیمه‌های آنها مداخله کند.

گرچه سازمان تامین اجتماعی به عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی تابع بیمه مرکزی نیست و رئیس هیات امنای آن شخص وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی است اما طبق ماده ۷ مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران، وزیر کار از اعضای مجمع عمومی شرکت سهامی بیمه مرکزی است.

به همین دلیل، رانندگان انتظار دارند که حق بیمه‌های آنها با مداخله بیمه مرکزی تعدیل شود.

رانندگانی که با بیمه‌های آزاد و اختیاری کار می‌کنند، کارفرما ندارند، گرچه بخشی از سهم حق بیمه‌های آنها باید از محل بودجه عمومی تامین شود.

با این حال، با توجه به اینکه هر ساله به نسبت افزایش دستمزد کارگران حق بیمه‌های مشاغل بیمه‌های اجباری، آزاد، اختیاری و... افزایش می‌یابد، بیمه‌شدگان فاقد کارفرما باید سهم بیشتری را از بابت حق بیمه‌های خود پرداخت کنند.

این رانندگان همچنین با تنظیم کارزاری یادآور شده‌اند که شغل آنها فاقد مزیت بازنشستگی زودتر از موعد مشاغل سخت و زیان‌آور است و حتی بیمه‌های درمانی و تکمیلی شایسته‌ای را دربرنمی‌گیرد.

آنها می‌پرسند که چرا با وجود اینکه مشمول سخت و زیان‌آوری نمی‌شوند، سال به سال باید حق بیمه‌های بیشتری را پرداخت کنند؟

رانندگان خودروهای سبک و سنگین یادآور شدند: این حق رانندگان زحمتکش نیست که با این وضعیت معیشتی و سختی کار و دوری از خانه و خانواده، بخواهد برای تامین بیمه خود و خانواده‌اش این چنین در عذاب باشد.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در پی برخورد خشونت‌آمیز با زنانی که قصد ورود به استادیوم فوتبال در مشهد را داشتند، شماری از ورزشکاران، خانواده‌های دادخواه، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، شاعران و

هنرمندان با انتشار بیانیه‌ای در این روز ضمن محکومیت ضرب و شتم زنان، از بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران خواستند در اعتراض به تباهی حاکم، در کنار زنان ایران بایستند.

***- اعتراضات کارگران فضای سبز منطقه یک شهرداری نسبت به واگذاری به پیمانکار، از سر گرفته شد:**

برپایه خبرمنتشره در روز دوشنبه 15 فروردین، آمده است: کارگران فضای سبز منطقه یک شهرداری اعتراضشان را نسبت به تصمیم دوباره شهرداری برای واگذاری بخش فضای سبز این منطقه از شهر به پیمانکار از سر گرفتند. ابزار نگرانی کردند.

روز دوشنبه 15 فروردین، کارگران فضای سبز منطقه یک شهرداری زنجان در انتقاد به واگذاری مسئولیت این منطقه از شهر به پیمانکار، به خبرنگار رسانه ای گفتند: روز گذشته در جلسه شورای شهر با شهردار زنجان تصمیم نهایی برای برون سپاری بخش فضای سبز منطقه یک گرفته شده، در نتیجه ما کارگران نگران امنیت شغلی خود هستیم.

آن‌ها با بیان اینکه در حال حاضر نگرانی ما نامشخص بودن وضعیت حدود 100 کارگر شاغل در فضای سبز منطقه یک است که سالهاست طرف قرارداد با شهرداری هستند، افزودند: شنیده‌ایم بعد از واگذاری بخش فضای سبز به پیمانکار؛ اعضای شورای شهر و شهردار برای جلوگیری از نارضایتی کارگران و اعتراضات احتمالی اعلام کرده‌اند کارگران شاغل در این بخش از شهر به سایر مناطق تحت مسئولیت شهرداری انتقال داده می‌شوند که صحت و سقم آن هنوز مشخص نیست.

آنها ادامه دادند: اولین موضوع مورد بحث کارگران این است که چرا مدیران شهری کارگران و یا نمایندگان آن‌ها را در جریان تصمیم‌هایی که به امنیت شغلی و به نوعی آینده شغلی کارگران مربوط است، قرار نمی‌دهند. دوم اینکه این تصمیم دوسال پیش هم از سوی مدیران شهری وقت گرفته شد که با مخالفت کارگران کنار گذاشته شد.

آن‌ها با بیان اینکه ما خواستار حذف همه پیمانکاران در مجموعه شهرداری زنجان هستیم، اضافه کردند: ریشه اصلی مشکلات ما کارگران حضور پیمانکاران مختلف در برخی مناطق شهری است. شهرداری زنجان به جای حذف همه شرکتهای پیمانکاری مجدداً می‌خواهد پای عده‌ای دیگر را به مجموعه شهرداری باز کند و بدین ترتیب به فرض انتقال کارگران قرارداد مستقیم به سایر مناطق شهری، با جذب نیروی کار قرارداد موقت و حجمی مجدداً باید شاهد نارضایتی عده‌ای کارگر جدید و اعتراضات آن‌ها در مجموعه شهری باشیم.

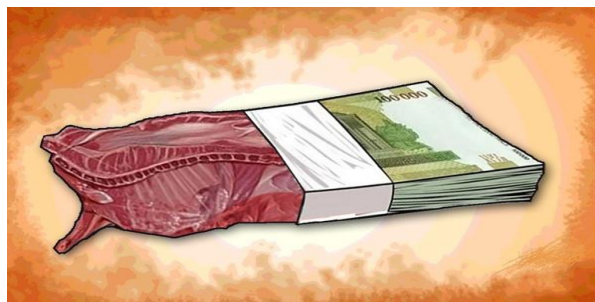
این کارگران با بیان اینکه مدیران شهرداری و اعضای شورای شهر زنجان قبل از هر تصمیمی باید به وضعیت شغلی ما کارگران توجه کنند، افزودند: باز شدن پای پیمانکاران، وضعیت امنیت شغلی و معیشتی ما کارگران را بطور جدی آسیب‌پذیر خواهد کرد. به همین دلیل خواسته ما از مسئولان شهری برچیده شدن طرح برون‌سپاری است و توقع داریم شهرداری، انجام امور شهری و فضای سبز را راساً برعهده بگیرد و خود با کارگران به صورت مستقیم کار کند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید چهار فعال حقوق زنان، ناهید شقاقی، اکرم نصیریان، مریم محمدی و اسرین درکاله که در پرونده‌ی موسوم به ندای زنان ایران به دو سال و سه ماه حبس محکوم شده بودند، توسط واحد اجرای احکام زندان اوین جهت تحمل حبس خود احضار شده‌اند.

***- ایلنا گزارش می‌دهد؛ یارانه گوشتی چه دردی از کارگران و فرودستان دوا می‌کند؟**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1214623>



به گزارش رضا اسد آبادی خبرنگار ایلنا، در تاریخ روز 15 فروردین 1401 آمده است: بحث اعطای یارانه مخصوص تهیه گوشت و مرغ برای دهک‌های اول تا ششم جامعه در روزهای اخیر از سوی تعدادی از نمایندگان مجلس و اعضای کمیسیون تلفیق مطرح شد. در حالی که یکی از نمایندگان اتاق کشاورزی در اتاق بازرگانی ایران درباره پرداخت رقم حدود ۳۰۰ هزار تومانی این یارانه به هر خانوار گمانه‌زنی کرده بود، برخی کارشناسان درباره ابعاد این طرح و آثار پرداخت نقدی مستقیم به کارت بانکی سرپرست خانوار نظرات مختلفی را مطرح کردند که پرداخت به آن‌ها خالی از لطف نیست.

یارانه نقدی مستقیم تنها اثر تورمی دارد: علی اصغر نجاری (معاون اجرایی خانه

کارگر استان زنجان) در واکنش به این تصمیم احتمالی دولت که از سوی مجلس مطرح شده است، گفت: به نظر می‌رسد یک ناهماهنگی در بین مجلس و دولت در زمینه اجرای طرح بعد از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی وجود دارد و مشخص نیست که این اقدام براساس چه میزان کارشناسی و با چه حجم و براساس چه معیاری قرار است انجام شود. نه تعداد دهک‌ها و نه حجم پرداختی دولت در این زمینه مشخص و تعیین شده است. این فعال صنفی در ادامه با تاکید بر اخبار ضد و نقیض مسئولان و اثر روانی این بهم ریختگی بر جامعه اظهار کرد: اگر اصل بر حمایت اقشار فرودست و آسیب‌پذیر است، اگر کارشناسی روی موضوع انجام شده باشد دولت می‌توانست بر بازار سوار شود و دلالت و مافیای توزیع گوشت را مدیریت کند، این اقدام می‌توانست با پرداخت نوعی کوپن موثر باشد. اما وقتی دولت بطور مستقیم پول را به سرپرست خانوار می‌دهد و کارت جداگانه‌ای صادر نمی‌کند، این اقدام دقیقا بدون نظارت بر بازار تورمزاست. در شرایطی که یکی از معاونان رییس جمهور رسماً افزایش قیمت‌ها را به دلیل افزایش ۵۷ درصدی دستمزد کارگران قابل توجه خوانده است، این هیچ معنایی جز آماده‌سازی جامعه توسط دولت برای تحمل یک تورم کمرشکن ندارد.

نجاری با بیان اینکه «ما در شرایطی هستیم که بسیاری از کارگران در شرکت‌ها به دلیل افزایش مزد از همین فروردین‌ماه با این پیام مدیران مواجه شدند که کلیه ساعات اضافه‌کارشان حذف شده است» اضافه کرد: محاسبه تورم تجمیعی برای سبد مصرفی کارگران هرگز از سوی دولت انجام نشده و این سیاست‌های دولت بدون دریافت نظر اقتصاددانان منتقد و انجام این محاسبات راه به جایی نخواهد برد.

معاون اجرایی خانه کارگر استان زنجان در واکنش به بحث رقم مطرح شده از سوی اعضای اتاق بازرگانی و احتمال پرداخت رقم ۲۵۰ الی ۳۰۰ هزار تومانی تصریح کرد: دولت با وجود تورم و قیمت گوشت در سال جاری احتمالاً با این رقم‌ها می‌خواهد ماهیانه حدود یک کیلو گوشت را به دست خانوارها برساند. صرف‌نظر از اینکه این میزان چقدر کم است، به نظر می‌رسد که دولتی‌ها نمی‌دانند کارگران اغلب این مبلغ را نمی‌توانند وارد بازار خرید گوشت کنند و ممکن است برای تهیه نان و تخم مرغ و حتی مصرف در حوزه حمل و نقل از این پول استفاده کنند. با این حساب دولت گویا از آثار تورمی این اقدام برای اقتصاد و وضعیت مالی خود نیز بی‌خبر است.

وی با تاکید بر اینکه «پرداخت این مبالغ برای تهیه گوشت مانند پرداخت رقم زیر ۷۰۰ هزار تومان به‌عنوان حق مسکن یک اقدام صوری و نمایشی برای رفع تکلیف است» گفت: سیاست پرداخت نقدی از آنجا که همواره مشمول تورم است و به‌گفته خود رییس جمهور

۴۵ هزار تومان زمان آقای احمدی نژاد اکنون ارزش ۷ هزار تومان دوره ایشان را دارد، در نهایت مشمول زمان شده و رقم‌هایی مثل ۳۰۰ یا حتی ۵۰۰ هزار تومان در آینده نه چندان دور ارزش خاصی نخواهند داشت .

نجاری در پایان اظهار کرد: ما از هر دولتی که قصد داشته باشد به گروه‌های فرودست جامعه و کارگران کمک کند، حمایت می‌کنیم و در این بحث هیچ گرایش سیاسی را دخیل نمی‌کنیم، اما این به شرطی است که اقدامات نمایشی نباشد .

دولت به جای پرداخت یارانه به مردم به تولیدکنندگان دام یارانه بدهد: در ادامه آلبرت

بُغزبان (استاد اقتصاد دانشگاه تهران و پژوهشگر اقتصادی) با بیان اینکه «اصل در اقتصاد ایران این است که قیمت‌ها کنترل شود» به این اقدام پیشنهادی مجلس واکنش داد: در شرایطی که می‌توان با مدیریت و کنترل بازار گوشت و سایر اقلام غذایی و جلوگیری از جولان مافیاهای و دلالان در این حوزه قیمت‌ها را کنترل کرد، این اقدام از سوی دولت چندان موثر نخواهد بود .

این کارشناس اقتصاد با بیان اینکه «افزایش قیمت تمام شده برای دامداری‌ها و طیوردارها افزایش یافته و این روی قیمت‌ها تاثیر گذاشته است» افزود: دولت باید تلاش کند تا بازار را رها نکند و با اقداماتی مثل پرداخت یارانه خود دوباره اقدامی تورمزا انجام ندهد .

بغزبان با تاکید بر این نکته که «این اقدام تاثیری بر معاش اقشار آسیب‌پذیر نخواهد گذاشت» افزود: باتوجه به اظهارات اخیر خود ریاست جمهوری درباره یارانه‌های دولت احمدی نژاد باید خود دولت به این برسد که این اقدام تنها تحمیل یک بار مالی جدید و بی‌حاصل بر روی دوش دولت است .

وی در پایان ابراز امیدواری کرد: ما امیدواریم دولت از این اقدام منصرف شده و یارانه را به خود تولیدکنندگان دام بدهد. معمولا در دنیا برای کنترل بازار و بهبود وضعیت معاش در شرایط دشوار یارانه را برای کاهش قیمت تمام شده به خود تولیدکننده می‌دهند و این اقدام را با نظارت‌های همه جانبه به تولیدکنندگان به منظور مصرف صحیح انجام می‌دهند، اما در ایران این سیاست پرداخت مستقیم نقدی آن هم خارج از فرآیند توزیع کالا برگ‌های الکترونیکی همواره آثار تورمی داشته که در نهایت به ضد خودش بدل شده است. ما از مشاورین دولت تعجب می‌کنیم که مسائل بدیهی را چرا به مقامات یادآور نمی‌شوند و باید در این زمینه به صورت جدی‌تر اندیشید.

حجم بار مالی دولت از اجرای سیاست یارانه گوشتی: در شرایطی که شهریورماه سال

گذشته وزیر کار دولت عملاً سیاست یارانه نقدی را در گفتگو با یکی از خبرگزاری‌ها رد کرده و آن را بی‌ارزش خوانده بود، پرداختن به مسئله یارانه نقدی بسیار حائز اهمیت است. وی در این گفتگو با طرح انتقاد از سیاست پرداخت نقدی یارانه نتیجه گرفته بود: «این چرخه معیوب باعث می‌شود مدام شاهد کسری بودجه در دولت و صندوق‌های تامین اجتماعی و در نهایت دنبال خلق پول از هیچ باید باشیم و با این چرخه همواره باید به دنبال تورم بدویم!» وی با اذعان در این رابطه که پرداخت نقدی یارانه اثر رفاهی ندارد، تاکید کرده بود که افراد متمول نباید از این یارانه‌ها بهره‌مند باشند. حال در شرایطی که دولت هفت دهک از میان دریافت کنندگان یارانه را مخاطب اجرای این طرح قرار داده است، باید سنجید که بار مالی این طرح به چه میزان خواهد بود؟

اگر در بهترین و حداقلی‌ترین حالت برای دولت، جمعیت تنها شش دهک دریافت کننده حدود ۶۰ میلیون نفر باشد (که در واقع بسیار بیشتر از این رقم است) پرداخت ماهانه ۳۰۰ هزار تومان به سرپرست خانوار در حداقلی‌ترین حالت پرداختی با یک ضرب و تقسیم ساده بیش از ۱۸ هزار میلیارد تومان در ماه بوده و در سال رقمی حدود ۲۲۰ هزار میلیارد تومان را شامل می‌شود.

این درحالی است که خود مجلس به دولت برای جبران کل کسری جیب مردم به دلیل حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، امر کرده است که رقمی حدود ۲۵۰ هزار میلیارد تومان را اختصاص دهد. حال با احتساب رقم ۲۲۰ هزار تومانی یارانه گوشت، تنها ۳۰ هزار میلیارد تومان از این رقم مطرح

شده از سوی مجلس برای سایر اقلام ضروری مانند دارو و غلات باقی می ماند تا بین مردم توزیع شود. در حقیقت برای اجرای مصوبه مجلس مبنی بر «حفظ قیمت های کالاهای اساسی در حدود قیمت های شهریور سال ۱۴۰۰، دولت سالانه تنها ۳۰ هزار میلیارد تومان در جیب دارد تا از دو حوزه تامین غلات و دارو با پرداخت های انتقالی حمایت کند!

با این حال باید دید تزریق مستقیم همین میزان یارانه انبوه به طور مستقیم در جامعه چه آثاری دارد؛ رقمی که خود چند برابر یارانه ۴۵ هزار تومانی است که خود آن آثار تورمی قابل ملاحظه ای در زمان خود بر اقتصاد داشت.

***- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز امین و آرمان انصاری فر، پدر و برادر فرزاد انصاری فر، جانباخته ی اعتراضات آبان ۹۸ توسط دادگاه انقلاب بندر ماهشهر هرکدام از بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به ۳ ماه حبس و ۵ سال محرومیت خروج از کشور محکوم شدند.

***- احضار رسول بداقی و حمید قندی به دادگاه تهران:**



رسول بداقی و حمید قندی دو تن از اعضای هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر در دو ابلاغیه جداگانه به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران احضار شدند.

در این ابلاغیه ها که بطور جداگانه به دست آنان رسیده ، مقرر شده است در روز ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ برای محاکمه و دفاع از اتهامات انتسابی، خود را به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب معرفی کنند.

***- گزارش برگزاری دادگاه رسول بداقی و حمید قندی و تجمع معلمان از شهرهای کرج، اسلام آباد ، هرسین و تهران در پشت درهای بسته ی دادگاه:**



برپایه خبرمنتشره در روز دوشنبه 15 فروردین، در کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، آمده است: دادگاه رسیدگی به پرونده ی رسول بداقی و حمید قندی دو معلم اسلامشهری ، در روز دوشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ ساعت ۱۱:۳۰ در شعبه ی ۲۶ به ریاست شخصی معمم به نام افشار با حضور وکیل محترم رامین صفرنیا بر گزار شد .

در طول رسیدگی اثری از نماینده ی دادستان و شکات پرونده نبود. کیفرخواست بوسیله قاضی پرونده خوانده شد، که این امر مورد اعتراض متهم (رسول بدایعی) قرار گرفت وی گفت: جناب قاضی شما در نقش قاضی نمی توانید کیفرخواست را بخوانید، و باید کیفرخواست بوسیله ی نماینده ی دادستان که شاکی پرونده است خوانده شود. شما در اینجا در نقش شاکی و قاضی ظاهر می شوید و این خلاف قانون است. قاضی پرونده این اشکال را در روند رسیدگی وارد ندانست. ابراز داشت که در پرونده های سنگین بالای ۱۰ سال است که کیفرخواست بوسیله ی نماینده ی دادستان باید قرائت شود.

دادگاه با قرابت کیفرخواست بوسیله ی قاضی پرونده ادامه یافت:

۱. اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور

۲. تبلیغ علیه نظام

۳. برهم زدن نظم عمومی

قاضی پرونده مصادیق جرم را فعالیت در فضای مجازی و گفتگو با رسانه های خارج از کشور یاد آوری کرد.

متهم پس از رد همه ی اتهامات، ابراز داشت:

ما در هیچ رسانه ی داخلی اجازه ی فعالیت نداریم، روزنامه، رادیو و تلویزیونی حرف ما را بازتاب نمی دهد. به ناچار برای بیان مشکلات آپ بایستی با شبکه های خارج از کشور حرف خود را در میان بگذاریم. مشکلات فرهنگی و دانش آموزان ایران پولی شدن مدارس برخلاف اصل ۳۰ قانون اساسی، وضعیت ناگوار معیشت شاغلان و بازنشستگان، همچنین کیفیت پایین آموزش، فرسوده بودن بافت مدارس، نبود امکانات استانداری، تراکم بالای ۴۰ دانش آموز در کلاس و... است. روند رسیدگی با دفاعیات متهم و براهین وکیل محترم پرونده (رامین صفرنیا) پایان یافت و قاضی پرونده در پایان دادگاه احتمال ۴۲ ماه زندان را دور از ذهن ندانست. درباره ی پرونده ی مهندس حمید قندی مدیر دفتر شعبه ی ۲۶ احضار وی را یک اشتباه اداری یادآوری نموده و صدور ابلاغ وی را اشتباهی از سوی همکاران خود توصیف نمود. همچنین در طول برگزاری دادگاه معلمانی از شهرهای کرج، اسلام آباد، هرسین و تهران در پشت درهای بسته ی دادگاه تجمع کرده و چشم به راه بازگشت متهمان و وکیل محترم بودند. همچنین مسعود فرهیخته به خاطر دفاع از متهمین در همان دقایق آغاز کار اداری تا پایان دادگاه در بازداشت حفاظت اطلاعات دادگاه انقلاب بود.

***- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید محمد شریفی مقدم، مصطفی عبدی و عباس دهقان، درویش گنابادی محبوس در زندان تهران بزرگ، ممنوع الملاقات شده اند. محمد شریفی مقدم همچنین از رفتن به کتابخانه ی زندان نیز محروم شده است. از دلایل محرومیت این سه درویش گنابادی، مجادله با معاون زندان تهران بزرگ عنوان شده است.

***- سایه ی سنگین قراردادهای موقت بر روابط کار/ کارفرمایان صدای اعتراض را با اخراج کارگران با سابقه خاموش می کنند:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1214197>



به گزارش زهرا معرفت خبرنگار ایلنا، در تاریخ روز 15 فروردین 1401 آمده است: کارگران بسیاری با ما تماس می‌گیرند تا از وضعیت خود در کارگاه‌ها بگویند؛ از معوقات مزدی، دستمزدهای ناچیز، حق بیمه‌های پرداخت نشده، شرایط نامناسب کار، بی‌عدالتی در پرداختی‌ها، اضافه‌کاری‌های اجباری، تغییر عناوین شغلی و... مسائل آنها با هم متفاوت است اما همه‌ی آنها یک ترس مشترک دارند؛ ترس از اخراج.

چندی پیش کارگر یکی از شرکت‌های تولیدی به دلیل خبری که از وضعیت بد کارگاه به ما داده بود، از کار خود اخراج شد. او بعد از سال‌ها کار و در شرایطی که چیزی به دوران بازنشستگی‌اش نمانده بود، تنها به این دلیل که با ما تماس گرفت تا از احتمال وقوع حادثه برای کارگرها و عدم رعایت اصول ایمنی خبر بدهد، از کار اخراج شد. نه ما نامی از او در خبرهایمان آورده بودیم و نه او نشانی از خود داده بود اما پیدا کردن نشانی کارگر برای کارفرما به قدری مهم بود که از سرنخ‌های موجود، او را یافت و حکم اخراجش را در کسری از ثانیه امضا کرد.

موقعیت کارگران در ایران همین اندازه متزلزل است. آنها به راحتی اخراج می‌شوند و هیچ چیز حتی سابقه‌ی کاری‌شان هم نمی‌تواند خطر اخراج را از آنها دور کند. از این دست اخراج‌ها البته بسیار است؛ چندی پیش نماینده‌ی یک گروه از کارگران در اصفهان به دلیل پیگیری مطالبات کارگران بعد از بیش از یک دهه کار و با مدرک کارشناسی، حکم تنزل پست خود را دریافت کرد و برای مدتی از کار معلق شد.

مسیر اخراج کارگران برای کارفرمایان به قدری هموار است که آنها بعد از شنیدن صدای اعتراض کارگران، راه حل خاتمه دادن به اعتراضات را اخراج کارگران معترض - نه رسیدگی به مشکلات آنها - می‌دانند!

با وجود چنین موقعیت متزلزلی کارگران چگونه می‌توانند از حقوق خود دفاع کنند؟ وقتی نتیجه‌ی پیگیری مطالبات و رسیدن به حداقل حقوق، اخراج و بیکاری است چگونه می‌توان به اجرای اصول حمایتی قانون کار به نفع کارگران امیدوار بود؟

واقعیت این است که آسان بودن مسیر اخراج کارگران عملاً امکان مطالبه‌گری جدی را به روی آنها بسته است و کمتر کارگری حاضر می‌شود برای پیگیری مطالبات به حق خود یا پیش بگذارد، که این همه نتیجه‌ی رواج قراردادهای موقت است. وقتی دادنامه‌ی ۱۷۹ دیوان عدالت اداری به قراردادهای موقت مشروعیت بخشیده است، کارفرما به راحتی می‌تواند به این بهانه که قرارداد کارگر تمام شده او را از کار اخراج کند.

آیا کارگری که به دلیل پیگیری حداقل حقوق قانونی خود اخراج می‌شود، مورد حمایت مراجع قانونی برای بازگشت به کار قرار می‌گیرد؟ آیا اداره کار می‌تواند از کارگر قرارداد موقت با سابقه‌ی ۲۰ ساله که از کار اخراج شده، حمایت و حکم بازگشت به کار او را صادر

کند؟ **محسن باقری (عضو هیأت مدیره کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران)** در پاسخ به این سوال به ایلنا می‌گوید: اداره کار فعلاً چنین حمایتی از کارگر اخراج شده انجام نمی‌دهد. البته برای یکی - دو نفر از اعضای شورای اسلامی کار چنین مشکلی پیش آمد و نمایندگان کارگری توانستند با مقاومت خود جلوی اخراج کارگر را بگیرند و قرارداد او را تمدید کنند. این موارد البته استثنا است و به طور معمول چنین اتفاقی نمی‌افتد و کارفرما می‌تواند با اتمام قرارداد کار، کارگر را با هر سابقه‌ای که دارد اخراج کند.

به گفته‌ی باقری؛ قراردادهای موقت در کارهای مستمر اخراج کارگران را برای کارفرمایان آسان کرده و آن‌ها به راحتی بعد از اتمام قرارداد، قطع همکاری را اعلام می‌کنند .

عضو هیأت مدیره کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار با اشاره به تصویب آیین‌نامه تبصره یک ماده هفت قانون کار گفت: اگر چه این آیین‌نامه در سال ۹۸ برای ارتقای امنیت شغلی کارگران به تصویب رسید و حداکثر زمان قراردادهای موقت در کارهای موقت به مدت ۲ سال تعیین شد اما این آیین‌نامه تاکنون اجرایی نشده است و مشکل قراردادهای موقت در کارهای مستمر نیز همچنان پابرجاست .

به گفته‌ی این فعال کارگری تا مشکل قراردادهای موقت حل نشود، نمی‌توان انتظار اجرای قانون کار را داشت .

باقری گفت: وقتی دادنامه‌ی ۱۷۹ دیوان عدالت اداری قراردادهای موقت در کارهای مستمر را قانونی اعلام کرده است، چگونه می‌توان امیدوار بود که با اقداماتی چون افزایش بازرسان کار، قوانین ضمانت اجرایی پیدا کنند؟

وی افزود: با وجود قراردادهای موقت عملکرد بازرسان کار خیلی نمی‌تواند امیدوارکننده باشد. تا زمانی که ساختار این چنین به ضرر کارگران است حتی بازرسی‌ها هم قابل دفاع نیستند. گاهی اوقات بازرسان کار به جای بازدید از کارگاه و سنجیدن شرایط و روابط کار حاکم بر کارگاه به دفتر معاون اداری می‌روند و گزارش خود را طبق صحبت‌های او تنظیم می‌کنند و در نتیجه همه‌چیز به نفع کارفرما تمام می‌شود. بنابراین نه کارگران توان دفاع از خود را دارند و نه بازرسان کار می‌توانند ضامن خوبی برای اجرای قوانین باشند .

با این اوصاف هیچ راهی برای ایستادن مقابل کارفرمایان متخلف وجود ندارد و مراجع قانونی نمی‌توانند در مقابل کارفرمایانی که کارگران قرارداد موقت خود را اخراج می‌کنند بایستند، بازرسی کار نمی‌تواند ضمانت خوبی برای اجرای مفاد حمایتی قانون کار باشد و تشکلهای قانونی نیز از قدرت کافی برخوردار نیستند و علت اصلی تمام اینها رواج قراردادهای موقت در کارهای مستمر است. تا زمانی که مشکل قراردادهای موقت به صورت اساسی حل نشود، موقعیت کارگران هم تغییری اساسی پیدا نخواهد کرد .

***- والدین دانش آموزان شیرازنسبت به کلاس های حضوری مقابل تعدادی از مدارس، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه خبرمنتشره در روز دوشنبه 15 فروردین، آمده است: جمعی از والدین دانش آموزان شیرازبرای اعتراض به کلاس های حضوری مقابل تعدادی از مدارس تجمع کردند و خواهان ادامه کلاس‌ها به صورت مجازی شدند. یکی از والدین حاضر در تجمع به خبرنگار گفت: ما و سایر والدین فرزندانمان را به دلیل شرایط ناپایدار فعلی و احتمال مبتلا شدن به کرونا به مدرسه نفرستاده ایم و امروز هم در مدرسه حاضر شدیم و با نوشتن و امضای طومار مراتب اعتراض مان را به حضوری شدن مدارس اعلام کردیم. وی افزود: والدین دانش آموزان کلاس اول در این تجمع اعلام کردند به منظور حفظ سلامتی فرزندان شان به هیچ عنوان حاضر به برگزاری کلاس حضوری نبوده، خواستار ادامه کلاس‌ها به صورت مجازی هستند و موکدا اعلام کردند در صورت برگزاری کلاس حضوری، فرزندانمان شرکت نخواهند داشت. او ادامه داد: الان 2 روز است که فرزندان ما از تحصیل محروم هستند و درخواست داریم هر چه سریعتر آموزش مجازی از سر گرفته شود تا دانش آموزان دچار مشکلات بعدی نشوند. بنا به گزارش منتشر

شده، بیشتر والدین در برخی مدارس فرزندان خود را به مدرسه نفرستاده اند و برخی کلاس ها با یک یا دو سه نفر برگزار شده اند.

***- ایلنا گزارش می‌دهد؛ بال‌های چیده‌ی «هما» برای بازنشستگان / چرای ادغام دو صندوق بازنشستگی وابسته به دولت!**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1210179>



به گزارش بیان عابدی خبرنگار ایلنا، در تاریخ روز 15 فروردین 1401 آمده است: با روی کار آمدن دولت سیزدهم طرح اصلاحات مربوط به حقوق و دستمزد و سن بازنشستگی که پیش‌تر زمزمه‌هایی از آن به گوش می‌رسید از سوی برخی نمایندگان مجلس به بحث گذاشته شد. این قبیل طرح‌ها اغلب در قالب «اصلاح ساختار بودجه» رو آمده و در طرح مذکور؛ سیاست‌هایی مانند افزایش سن بازنشستگی و کاهش مصارف مربوط به حقوق و دستمزد کارکنان و بازنشستگان شرکت‌های دولتی و دستگاه‌ها هدف‌گذاری شده است.

برای نمونه، افزایش ۲ سال به سن بازنشستگی، در قالب قانون یک‌ساله بودجه ۱۴۰۱ درآمد و افزایش حقوق و دستمزد هم در سطح ۱۰ درصد نگه داشته شد؛ اولی با هدف پایداری منابع و مصارف صندوق‌ها و دومی با هدف کاهش تقاضا و متعاقب آن کاهش تورم. با این حال، کارگران، بازنشستگان کارگری و کارمندی و کارکنان دولت به این موارد اعتراض کردند و خواستار خارج شدن این موارد از لایحه بودجه ۱۴۰۱ شدند.

مورد اول محقق شد و مورد دوم هم برای کارکنان و بازنشستگان دولت در مجلس تصویب شد البته شورای نگهبان بر سر افزایش ۱۰ درصدی دستمزد کارگران شرکت‌هایی دولتی ایراد وارد کرد. با همه این احوال از سوی منتقدان، به این موارد اعتراضاتی شد و برخی از فراهم کردن زمینه‌ی تصویب قوانین دائمی در احکام مربوط به قوانین یک‌ساله گلایه کردند؛ در واقع ریلی که در قالب اصلاح ساختار بودجه چیده شد، در قالب قانون بودجه نمود پیدا کرد تا آرام آرام زمینه تسری آن به سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی ۲ سال آینده فراهم شود.

در کل اصلاحات مربوط به حقوق و دستمزد و سن بازنشستگی جزئی از منظومه اصلاحات اقتصادی بلندمدت هستند. به گفته‌ی «علی بهادری جهرمی» سخنگوی دولت سیزدهم، دولت تصمیم به اصلاح نظام بیمه‌ای کشور دارد؛ البته در کنار آن رئیس‌جمهور به دولت دستور داده که راهکاری خود را حوزه استخدامی و صندوق‌های بازنشستگی ارائه کند چراکه در کنار موضوع استخدام‌ها، صندوق‌های بازنشستگی برای دولت اهمیت خاصی دارد.

محسن رضایی (معاون اقتصادی رئیس‌جمهور) این موضوع را به قدری جدی دانسته که از کسری ۸۰۰ هزار میلیارد تومانی در تعهدات صندوق‌های بازنشستگی تا پایان عمر ۴ ساله‌ی دولت سیزدهم خبر داده است. این موضوع به منزله هشدار معاون رئیس‌جمهور در رسانه‌ها منتشر شد. با این حال به نظر نمی‌رسد که در حال حاضر استراتژی مشخصی در صندوق‌های بازنشستگی وجود داشته باشد.

نقشه راه دولت برای هما: در این میان؛ در متن لایحه بودجه ۱۴۰۱ که با توجه به سیاست اصلاح ساختار تنظیم شده، ادغام صندوق بازنشستگی کارکنان هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) در صندوق بازنشستگی کشوری، پیش کشیده شد؛ موضوعی که با توجه به کسری تعهدات صندوق بازنشستگی هما و بیان این جمله از سوی سخنگوی دولت

که «۹۰ درصد بار مالی صندوق بازنشستگی کشوری را دولت تأمین می‌کند و این صندوق توانایی پرداخت دیون امروز خود را هم ندارد»؛ توجیه نشدنی به نظر می‌رسد .
البته سخنگوی دولت این جمله را برای بیان ضرورت «نهیه نقشه راه» در حوزه صندوق‌های بازنشستگی بیان کرده است؛ در واقع منظور وی این نبوده که ادغام صندوق‌ها در صندوق بازنشستگی کشوری به سبب وضعیتی که دارد، اشتباه است اما در این شرایط ممکن است که خیلی‌ها بپرسند که چرا دو صندوقی که توان پرداخت تعهدات خود را ندارند و محتاج دولت هستند را با یکدیگر ادغام می‌کنند؟!

تجربه طرح ادغام فولاد و تامین اجتماعی : باید به یاد آورد که در دولت دهم بحث ادغام صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد با صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی پیش آمد که به دلیل حقوق‌های بالاتر بازنشستگان فولاد با مخالفت بازنشستگان این صندوق مواجه شد؛ با این حال، این صندوق بر اساس مصوبه مجلس از زیرمجموعه وزارت صمت خارج و به زیرمجموعه وزارت رفاه منتقل شد تا «هیات امنای سازمان تامین اجتماعی و صندوق‌های تابعه» برای آن سیاست‌گذاری کند .

موضوع این ادغام تا روی کار آمدن دولت یازدهم مسکوت نماند و در نهایت هیات امنای به دلیل ناپایداری وضعیت صندوق و اکچوئریال متفاوت صندوق فولاد، با ادغام آن در سازمان تامین اجتماعی مخالفت کرد. قاعدتا اگر این ادغام صورت می‌گرفت ضرر و زیان فولاد به تامین اجتماعی منتقل می‌شد اما از آنجا که تامین اجتماعی مخارجش را از دولت دریافت نمی‌کرد و صندوق فولاد هم از وزارت صمت طلبکار بود، این انتقال کفه‌ی تعهدات تامین اجتماعی را با توجه به ضرر و زیان‌های فولاد، سنگین می‌کرد .

در آن زمان، از آن اتفاق جلوگیری شد، اما امروز هما و کشوری هم در چنین وضعیتی قرار دارند؛ گرچه صندوق کشوری از لحاظ اقتصادی توانمندتر است اما به نسبت جمعیت تحت پوشش خود فاقد توانمندی ایفای تعهدات است. در مقابل سازمان تامین اجتماعی محلی است که به دلیل داشتن توانمندی ایفای تعهدات، شاهد سرریز شدن تعهدات بیمه‌ای دولت است؛ تعهداتی بدون پشتوانه که برای سازمان تکالیف خارج از اکچوئریال ایجاد می‌کند .

به نظر می‌رسد که آنچه دولت را واداشته که هما را ضمیمه صندوق دیگری کند؛ بی‌آنکه جنس این صندوق‌ها و ظرف تعهداتشان به نسبت جمعیت تحت پوشش همتراز باشد، زیان انباشته‌ی ۲۰ هزار میلیارد تومانی هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران است. این رقم را علیرضا برخوردار (مدیرعامل وقت هما) در اسفند ماه سال ۹۹ اعلام کرده بود. وی ضمن یادآوری اینکه هما توان پرداخت حقوق بازنشستگان خود را که نزدیک به ۱۳ هزار نفر هستند ندارد، اعلام کرد که هما به این تعداد بازنشسته و ۲۳ هزار نیروی شاغل خود ماهانه ۱۶۳ میلیارد تومان حقوق پرداخت می‌کرد.

ادغام بودجه هما و کشوری: با توجه به اینکه هما چندان ورودی جدیدی به عنوان شاعل بیمه‌پرداز ندارد و بیشتر امور خود را از طریق سپردن پیمان به بخش خصوصی اجرایی می‌کند، تعداد بازنشستگان هما افزایش و تعداد بیمه‌پردازان مستقیم آن کاهش می‌یابد. در نتیجه این صندوق، در سال‌های نه چندان دور تنها بازنشسته خواهد داشت؛ بازنشستگانی که تعداد آن‌ها به بیش از ۱۵ هزار نفر می‌رسد. با توجه به اینکه، ضریب پشتیبانی صندوق‌های هما و کشوری به کمتر از ۱ رسیده است؛ نمی‌توان شرایطی را تصور کرد که صندوق کشوری بتواند مصارف صندوق هما را پرداخت کند. بنابراین باید بودجه‌ی اختصاصی هما به دل بودجه کشوری برود !

به هر صورت دولت باید مخارج هما را تامین کند اما این بار در بدنه صندوق کشوری و در اختیار این صندوق. اینکه این ادغام تا چه اندازه به ثبات در آینده‌ی بازنشستگان هما می‌انجامد، پرسشی است که پاسخ آن برای هیچ شخص حقیقی و حقوقی از جمله صندوق کشوری متکی به دولت، روشن نیست اما از آنجا که اموال و تعهدات هما یکجا منتقل می‌شوند، این برداشت به وجود آمده که صندوق کشوری معامله‌ی خوبی را با دولت داشته است !

قدرت هما کمتر از نصف کشوری : با همه این احوال، موفقیت این ادغام برای بازنشستگان هما جای تردید دارد. آن‌ها در این مورد به ایلنا گفتند: «ضریب پشتیبانی صندوق کشوری به کمتر از ۰,۹ رسیده و ضریب پشتیبانی هما هم کمتر از ۰,۴ است؛ این یعنی هما حتی به اندازه‌ی نصف کشوری درهم شکسته، قدرت ایفای تعهدات خود را ندارد. قاعدتا اگر

دارایی‌های هما، با سطح استعدادهای امروز اقتصاد کشور، قابل بهره‌برداری بودند، امروز کار ما بازنشستگان به اینجا نمی‌کشید!»
این بازنشستگان افزودند: «قاعدتا برای رشد استعدادهای هما، نیاز به سرمایه‌گذاری داریم. زمانی که کمبود ناوگان وجود دارد و سرمایه‌گذاری موثری در آن صورت نمی‌گیرد و مشکلاتی مانند تحریم هم وجود دارد، صنعت هواپیمایی ورشکسته می‌شود؛ در نتیجه نمی‌دانیم از این صندوق به آن صندوق شدن هما فایده‌ای هم دارد یا اینکه صرفاً می‌خواهند بدهی، دارایی، تعهدات و... هما را واگذار کنند اما در این میان، مسئله‌ای دارای ابهام وجود دارد.»

آن‌ها در مورد این ابهام، افزودند: «صندوق بازنشستگی و وظیفه هما از سال ۱۳۸۰ در قالب یک صندوق غیردولتی و غیرتجاری بازسازی شد؛ در حالی که سال ۱۳۵۹ در ماده ۳۴ «آیین‌نامه استخدامی مستخدمین هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران» مصوب شورای انقلاب، مقرر شده بود که ۷ درصد از حقوق و فوق‌العاده شغل و ۱۴ درصد هم از بابت سهم شرکت هواپیمایی ملی ایران (هما) به این صندوق واریز شود تا تعهدات آن شکل بگیرد.»

به گفته همایی‌ها، «با این حال، تشکیل صندوق غیردولتی و خارج شدن هما از لیست واگذاری‌های مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی، موجب نشد که نوسازی و اصلاح ساختار اقتصادی شرکت از طریق راه اندازی زیرمجموعه‌های اقتصادی و سپردن امور به پیمانکاران، پیاده شود. با همه اقدام‌هایی که پیش گرفته شد به دلیل اینکه صنعت هواپیمایی ایران به دلیل بروز نشدن اقتصاد آن ورشکسته شد.»

بازنشستگان هما افزودند: «در واقع سوء مدیریت که از پس از شکل‌گیری یک هواپیمایی ملی در سال‌های پس از انقلاب به وجود آمد، موجب شد که اقتصاد این صنعت لنگ بماند و صندوق کارکنان و بازنشستگان به جای پویایی، به این وضعیت دچار شود؛ آنچنان که امروز از ناتوانی کامل آن سخن بگویند. به هر حال در این ۴۱ سال، مدیرانی بر راس کار آمدند که انتخابشان بر اساس مصلحت دولت‌ها بود و تخصصی در این صنعت نداشتند.»

زمین‌گیر شدن صنعت هوایی ایران: در کنار بکارگیری مدیران متخصص، هواپیمایی، صنعتی است که با تجارت بین‌المللی، گردشگری، زنجیره‌ی جهانی تولید قطعات، ساخت فرودگاه‌های مدرن و تبدیل شدن کشور به «هاب» ترانزیتی گره خورده است؛ در نتیجه امکان نگرستن به اقتصاد آن از یک بعد وجود ندارد. به گفته برخی؛ به دلیل اینکه اقتصاد کشور بسته به ظرفیت‌های ژئواستراتژیک خود نتوانسته به پل‌ی برای اتصال اقتصاد منطقه به ایران و ایران به اروپا و آسیا شود، صنعت هوایی ایران هم مانند هواپیماهای بروز نشده‌اش در آسیانه مانده و زمین‌گیر شده است.

در این شرایط، بازنشستگان می‌گویند که دولت باید تعهدات هما را بر اساس تبصره ۲ ماده ۳۴ آیین‌نامه استخدامی مستخدمین هواپیمایی به عهده بگیرد. در نهایت دولت ناچار به قبول این وضعیت است؛ چنانچه در صورت ادغام آن با صندوق کشوری هم باید بودجه‌ای را برای آن اختصاص دهد. با این حال آنچه روشن نیست، حساب و کتاب‌های این ادغام، صورت کسری و زیان‌های صندوق بازنشستگان هما، میزان حقوق بازنشستگان و سطح مزایای رفاهی آن‌هاست.

در همین حال، وضعیت شاغلان پیمانکاری هواپیمایی جمهوری هم روشن نیست؛ چرا که انحلال یا فروش برخی از شرکت‌های زیرمجموعه‌ی صندوق هما، که امور آن‌ها در قالب پیمان‌سپاری واگذار شده‌اند به بیکاری این عده که تعداد آن‌ها هزاران نفر است، می‌انجامد. در افسانه‌های ایرانی هما پرنده‌ای است، که بر سر هر که سایه بی‌اندازد، بخت را به او هدیه داده است. این روزها که بال‌های خوش‌خط و خال هما چیده شده و توان پریدنش نیست، بخت ذی‌نفعان صندوقش هم تار شده است.

***- اخراج کارگرحق طلب شهرداری یاسوج توسط شهردار:**

برپایه خبرمنتشره آمده است: روز دوشنبه ۲ اسفند، کارگران شهرداری یاسوج برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و عدم تبدیل وضعیت دست به تجمع مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد زدند.

همچنین در تاریخ ۱۱ فروردین ماه چند کارگر حق طلب توسط نستهن مقدم شهردار یاسوج از کار اخراج شدند. بنا به گفته کارگران حق طلب، گفتگوی آنها با خبرنگاریک رسانه محلی دلیل

اخراج آنها بوده است. البته بعد از مدتی چند نفر از آنها به کار برگشته‌اند. اما هنوز یکی از این کارگران مشمول حکم اخراج شهردار یاسوج مانده است.

به گزارش 15 فروردین یک منبع خبری محلی، این کارگر حق طلب اخراجی شهرداری یاسوج با انتشار نامه ای سرگشاده از اخراج خود خبر داد. بخشی از این نامه بقراری است:

در تاریخ 1400/12/2 پرسنل شرکتی شهرداری حوزه تقلیه و تأسیسات برای 5 ماه حقوق معوق خود جلوی استانداری تجمع کردیم و پیرامون مشکلات و شرایط سخت معیشتی این پرسنل رایزنی‌هایی با مدیرکل امور شهری و حراست استانداری انجام دادیم. متأسفانه در همان زمان با تهدیدهای شفاهی مسئولان شهرداری روبرو شدیم و حال که 11 روز از سال جدید می‌گذرد جناب مقدم دستور اخراج چند تن از پرسنل را صادر کردند. خوشبختانه دوستان با رایزنی‌هایی دوباره به محل کار خود برگشتند. اما بنده چون پارتی ندارم، همچنان اخراج می‌باشم و از ورود بنده به محل کارم ممانعت به عمل می‌آورند.

***- کشاورزان شرق اصفهان نسبت به عدم تداوم جریان آب زاینده‌رود مقابل دادگستری، تجمع اعتراضی نمودند:**

برپایه خبرمنتشره در روز دوشنبه 15 فروردین، آمده است: جمعی از کشاورزان شرق اصفهان برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به عدم تداوم جریان آب زاینده‌رود دست به تجمع مقابل دادگستری زدند و خواستار ادامه جریان آب در زاینده‌رود حداقل تا نیمه خرداد ماه شدند.

برپایه گزارش رسانه ای شده، طبق وعده استانداری در 10 روز اول فروردین آب در زاینده‌رود جاری بود تا به اراضی شرق اصفهان برسد، اما یکی از کشاورزان اصفهان گفت: آب حداقل تا نیمه خرداد باید جریان داشته باشد تا نیاز کشاورزان، به ویژه گندم کاران برطرف شود.

وی افزود: در حال حاضر 30 درصد اراضی شرق اصفهان زیر کشت غله و گلرنگ رفته و اگر جریان آب زاینده‌رود بسته شود، کشت کشاورزان آسیب زیادی می‌بیند و عملاً باز کردن آب در همین چند روز هم بی‌فایده خواهد بود.

***- مخالفت کارگران فضای سبز منطقه یک شهرداری زنجان با اجرای طرح برون‌سپاری:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1214379>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ روز 15 فروردین 1401 آمده است: کارگران پیمانکاری فضای سبز منطقه یک شهرداری زنجان در انتقاد به واگذاری مسئولیت این منطقه از شهر به پیمانکار تصریح کردند: روز گذشته در جلسه شورای شهر با شهردار زنجان تصمیم نهایی برای برون‌سپاری بخش فضای سبز منطقه یک گرفته شده، در نتیجه ما کارگران نگران امنیت شغلی خود هستیم.

آن‌ها با بیان اینکه در حال حاضر نگرانی ما نامشخص بودن وضعیت حدود ۱۰۰ کارگر شاغل در فضای سبز منطقه یک است که سالهاست طرف قرارداد با شهرداری هستند، افزود:

شنیده‌ایم بعد از واگذاری بخش فضای سبز به پیمانکار؛ اعضای شورای شهر و شهردار برای جلوگیری از نارضایتی کارگران و اعتراضات احتمالی اعلام کرده‌اند کارگران شاغل در این بخش از شهر به سایر مناطق تحت مسئولیت شهرداری انتقال داده می‌شوند که صحت و سقم آن هنوز مشخص نیست.

به گفته کارگران، اولین موضوع مورد بحث کارگران این است که چرا مدیران شهری کارگران و یا نمایندگان آن‌ها را در جریان تصمیم‌هایی که به امنیت شغلی و به نوعی آینده شغلی کارگران مربوط است، قرار نمی‌دهند. دوم اینکه این تصمیم دوسال پیش هم از سوی مدیران شهری وقت گرفته شد که با مخالفت کارگران کنار گذاشته شد.

آن‌ها با بیان اینکه ما خواستار حذف همه پیمانکاران در مجموعه شهرداری زنجان هستیم، افزودند: ریشه اصلی مشکلات ما کارگران حضور پیمانکاران مختلف در برخی مناطق شهری است. شهرداری زنجان به جای حذف همه شرکت‌های پیمانکاری مجدداً می‌خواهد پای عده‌ای دیگر را به مجموعه شهرداری باز کند و بدین ترتیب به فرض انتقال کارگران قرارداد مستقیم به سایر مناطق شهری، با جذب نیروی کار قرارداد موقت و حجمی مجدداً باید شاهد نارضایتی عده‌ای کارگر جدید و اعتراضات آن‌ها در مجموعه شهری باشیم.

این کارگران با بیان اینکه مدیران شهرداری و اعضای شورای شهر زنجان قبل از هر تصمیمی باید به وضعیت شغلی ما کارگران توجه کنند، افزودند: باز شدن پای پیمانکاران، وضعیت امنیت شغلی و معیشتی ما کارگران را بطور جدی آسیب‌پذیر خواهد کرد. به همین دلیل خواسته ما از مسئولان شهری برچیده شدن طرح برون‌سپاری است و توقع داریم شهرداری، انجام امور شهری و فضای سبز را راساً برعهده بگیرد و خود با کارگران به صورت مستقیم کار کند.

***- اهالی روستای ام الخرجین خرمشهر نسبت به بلاتکلیفی معیشتی و بیکاری در پی ممنوعیت کشت مقابل دفتر بهارستان نشین، تجمع اعتراضی نمودند:**

برپایه خبرمنتشره در روز دوشنبه 15 فروردین، آمده است: اهالی روستای ام الخرجین از روستاهای حومه غرب کارون خرمشهر برای اعتراض به بلاتکلیفی معیشتی و بیکاری در پی ممنوعیت کشت تابستانه مقابل دفتر بهارستان نشین خرمشهر تجمع کردند.

تجمع کنندگان به خبرنگاران گفتند: بخاطر ممنوعیت کشت تابستانه با وجود همجواری با رودخانه کارون، مجوز برداشت آب برای کشت محصول را ندارند.

آن‌ها با اشاره به میادین نفتی نفت و گاز اروندان در نزدیکی روستایشان، خواستار استخدام خود و فرزندانشان شدند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه‌شنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: رضا خندان (مهابادی)، نویسنده، پژوهشگر و عضو کانون نویسندگان ایران، با وجود مشکلاتی که سلامتیش را تهدید می‌کرد، در این روز برای گذراندن ادامه‌ی حبس به زندان اوین بازگردانده شد.

***- کارگران کشت و صنعت لرستان نسبت به قراردادهای جدید و بخطر افتادن امنیت شغلی و معیشتیشان، تجمع اعتراضی نمودند:**

به گزارش منتشره در روز سه‌شنبه 16 فروردین، آمده است: کارگران کشت و صنعت لرستان برای اعتراض به قراردادهای جدید و بخطر افتادن امنیت شغلی و معیشتیشان دست به تجمع در محل کارشان زدند.

کارگران معترض به خبرنگار رسانه ای گفتند: بر خلاف مصوبات اخیر شورای عالی کار مبنی بر افزایش حداقل دستمزد کارگران در سال 1401، دست اندرکاران کشت و صنعت لرستان در قراردادهایی متفاوت با قوانین بالادستی تمديد قراردادهای کارگران را مشروط به موافقت با

شرایط جدیدی از جمله کار حجمی، برون سپاری به پیمانکاری و ... کرده و به کارگران اطلاع داده اند که در صورت مخالفت با شروط جدید می توانند تسویه حساب کنند.

***- کارگران شهرداری رشت نسبت به کاهش حقوق وعدم تبدیل وضعیت مقابل استانداری گیلان، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه خبرمنتشره در روز سه شنبه 16 فروردین، آمده است : جمعی از کارگران شهرداری رشت برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به کاهش حقوق وعدم تبدیل وضعیت مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

تجمع کنندگان به خبرنگار گفتند: با شکایت یک شاکی خصوصی مبنی بر غیرقانونی بودن پرداخت مبالغی با عنوان حق وصول و حق تلاش به کارکنان شهرداری های کشور و بر اساس حکم صادره از سوی دیوان عدالت اداری کشور به تاریخ 5 اسفند 1400 ، این مبالغ از حقوق آن ها حذف و میزان عیدی آن ها هم کاهش یافت . آنها افزودند: حدود 3 میلیون تومان از حقوقشان کم شده است.

***- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در پی ابلاغیهی دادگاه انقلاب، دادگاه ژاله روحزاد معلم بازنشسته و فعال صنفی فرهنگیان و کارگران در این روز برگزار شد.

***- پرستاران دانشگاه یاسوج نسبت به بلاتکلیفی شغلی در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، تجمع اعتراضی نمودند:**

برپایه خبرمنتشره در روز سه شنبه 16 فروردین، آمده است : جمعی از پرستاران دانشگاه یاسوج بدنبال ابلاغ نامه معاونت توسعه دانشگاه مبنی بر عدم تمدید طرح، جذب نیروی شرکتی و... در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج تجمع کردند.

***- اعتصاب کامیونداران کشور برای اعتراض به نرخ کرایه:**

برپایه خبرمنتشره در روز سه شنبه 16 فروردین، آمده است : یک کارگرنظافت شهری شهرداری کرج بر اثر برخورد یک خودرو با وی در منطقه حصارک کرج جان باخت.

گزارشاتی درباره آغاز اعتصاب کامیونداران کشور از روزیکشنبه 14 فروردین ماه برای اعتراض به نرخ کرایه، رسانه ای شد.

یکی از غرفه داران بازار روز غفاری بیرجند با اشاره به کمبود میوه و صیفی جات به خبرنگاریک رسانه محلی گفت: سیب زمینی و میوه های موجود از چند روز گذشته است و به علت اعتصاب کامیون داران، میوه تازه و با کیفیت به استان نیامده است.

اوا افزود: در حال حاضر نیز مشکلات بارگیری و اعتراضات کامیونداران، کمبود و افزایش قیمت برخی اقلام مانند هندوانه، پیاز و... را تحت تاثیر قرار داده است.

یکی از مغازه داران سطح شهر بیرجند با اشاره به اعتصاب کامیون داران، اضافه کرد: این اعتصاب باعث کمبود و پایین بودن کیفیت محصول شده است.

رئیس اتحادیه صنف میوه و سبزی فروش شهرستان اصفهان با اشاره به افزایش قیمت خرما در ماه رمضان، گفت: به دلیل اعتصاب کامیون داران قیمت گوجه در سطح عرضه به 18 هزار تومان افزایش یافته است.

وی با بیان اینکه افزایش قیمت گوجه به دلیل اعتصاب کامیون داران از کرایه هایشان بوده است، افزود: در حالیکه پیش از این اتفاق، قیمت گوجه در بازار بین 6 تا 9 هزار تومان بود.

***- انتقاد کارگران شهرداری سی سخت از عدم دریافت عیدی / ۱۲ ماه حقوق طلبکاریم:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1214905>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 16 فروردین 1401 آمده است: کارگران شهرداری سی سخت در استان کهگیلویه و بویراحمد در تماس با خبرنگار ایلنا، از واریز نشدن عیدی پایان سال بعد از گذشت ۱۷ روز از سال جدید انتقاد کردند. به گفته این کارگران، پرداخت تنها دو ماه حقوق دو تا چهار میلیون تومانی مربوط به دی و بهمن ماه سال ۹۹ در آخرین روزهای اسفند سال گذشته به حساب کارگرانی که ماه‌ها برای دریافت حقوق معوقه و عیدی لحظه شماری می‌کردند، عادلانه نیست.

این کارگران، خواستار دریافت عیدی پایان سال ۱۴۰۰ خود شدند و اعلام کردند: شهردار وعده کرده بود عیدی حدوداً ۸۰ کارگر شاغل در مجموعه شهرداری سی سخت را بعد از تعطیلات رسمی نوروز با یک ماه حقوق معوقه دیگر بپردازد بنابراین انتظار داریم شهردار به وعده‌های خود پایبند باشد.

در عین حال، این کارگران از تعلل شهرداری برای پرداخت ۱۲ ماه حقوق معوقه خود انتقاد کردند؛ در این زمینه یکی از کارگران خدماتی شهرداری سی سخت گفت: شهرداری تقریباً هرچند ماه یکبار، یک ماه حقوق که آنهم مربوط به حقوق و دستمزد حداقلی سال ۹۹ می‌شود را به صورت علی‌الحساب بدون پرداخت اضافه کاری به حساب کارگران واریز می‌کند؛ این در حالیست که انتظار داریم شهرداری با کنار گذاشتن مطالبات قدیمی (که به یک ماه حقوق اسفند سال ۹۹ و ۱۲ ماه حقوق سال جاری ۱۴۰۰ مربوط می‌شود) پرداخت مطالبات مزدی کارگران شهرداری بر اساس مصوبه مزدی سال ۱۴۰۱ باشد. بدین ترتیب وضعیت معیشتی کارگران این مجموعه تا حدودی بهبود پیدا می‌کند.

در عین حال یکی دیگر از کارگران شهرداری سی سخت به ایلنا گفت: دستمزد کارگر جزو «دیون ممتاز» است؛ به این معنا که حتی اگر کارفرمایی ورشکسته شود، اولویت وی باید پرداخت حقوق کارگران و بعد تامین سایر هزینه‌ها باشد. هر نوع تاخیر از نظر قانونی، شرعی و انسانی، مشکل‌دار است و مشمول مسئولیت کیفری خواهند بود.

به گفته وی؛ شهرداری سی سخت نه تنها آخر هر ماه حقوق کارگر را نمی‌پردازد، بلکه آخر سال نیز تن به تسویه حساب با کارگر نمی‌دهد و مزد امسال را به یک تا دو سال بعد می‌اندازد.

طبق اظهارات وی؛ در واقع رنج‌ها و آوارگی‌های ما کارگران شهر زلزله زده سی سخت تمامی ندارد ما کارگران حقوق نمی‌گیریم اما از روی ناچاری شبانه روز در حال کار کردن در کوچه خیابانهای شهر هستیم. برای وصول مطالباتمان به هرکجا که فکرش را بکنید، از سازمان دهداری‌ها و شهرداری‌ها گرفته تا سازمان مدیریت بحران کشور در عین حال نهادهای استانی و شهرستانی همانند استانداری و فرمانداری سر زده‌ایم و طومار مشکلاتمان را برایشان نوشته و گفته‌ایم اما هنوز اعتنایی به ما نشده است!

***- یک کارگرنظافت شهری شهرداری کرج بر اثر تصادف، جان باخت:**



برپایه خبرمنتشره در روز سه شنبه 16 فروردین، آمده است: یک کارگرنظافت شهری شهرداری کرج بر اثر برخورد یک خودرو با وی در منطقه حصارک کرج جان باخت.

یکی از پرستاران حاضر در تجمع به خبرنگاریک رسانه محلی گفت: در زمان اوج همه گیری کرونا ما پرستاران و کادر درمان به صورت جهادی به بیماران رسیدگی کردیم و هم اکنون که تعداد مبتلایان کاهش یافته می‌گویند به شما نیازی نیست.

یکی دیگر از کارکنان علوم پزشکی که از سوی رئیس بیمارستان به او گفته شده بود به خدمات شما نیازی نیست، نیز گفت: در اتاق‌های آی سی یو که شاید برخی پرستاران شهامت ورود را هم نداشتند ما با جرات به درمان بیماران کرونایی مشغول بودیم.

او گفت: قرار دادی که با ما بسته شده بود کمتر از 3 ماه بود و این قرارداد را پیش از موعد تمدید می‌کردند و به ما این امیدواری را می‌دادند که شاید استخدام شویم.

یکی دیگر از کادر درمان بیمارستان جلیل یاسوج گفت: من همزمان با اوج همه گیری کرونا داوطلبانه به این بیمارستان آمدم و مادرم را به این بیماری مبتلا کردم و شرایط سختی را گذردام ولی بازهم با علاقه خدمت رسانی کردم.

یکی از کارکنان یکی از بیمارستان های کهگیلویه هم گفت: مسئولان شرایطی ایجاد کنند که ما نیز استخدام شویم و در صورت نیاز آماده آزمون نیز هستیم.

***- نامه سرگشاده اولیای دانش آموزان کلان شهر شیراز در اعتراض به کلاس های حضوری:**

برپایه خبر منتشره در تاریخ روز سه شنبه 16 فروردین، آمده است: جمعی از اولیای دانش آموزان کلان شهر شیراز برای اعتراض به کلاس های حضوری نامه ای سرگشاده خطاب به مدیرکل آموزش و پرورش فارس منتشر کردند.

متن نامه:

احتراما ما جمعی از اولیای دانش آموزان مدارس نسبت به خطر افتادن سلامتی فرزندان خود در آموزش حضوری اعتراض داریم، لذا از آن مقام محترم تقاضا داریم در مدت باقی مانده از سال تحصیلی همچون گذشته به صورت مجازی کلاسها برگزار شود .

در صورتیکه به این خواسته ی ما تا چهارشنبه ۱۷ فروردین رسیدگی نشود ما اولیای دانش آموزان در روز پنجشنبه راس ساعت ۱۰ صبح جلوی اداره کل آموزش و پرورش فارس تجمع خواهیم کرد.

با تشکر

اولیای دانش آموزان کلان شهر شیراز

***-اعتراض کارگران پایانه‌های نفتی خارک، عسلویه و ماهشهر/ تفاوت قائل شدن میان پیمانکاری‌ها با نیروهای غیرکارگری :**
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1215083>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 16 فروردین 1401 آمده است : کارگران پیمانکاری پایانه‌های نفتی خارک عسلویه و ماهشهر نسبت به دریافت نکردن و دیده نشدن برخی از حقوق قانونی خود گلایه کردند .

بر این اساس، کارگران پایانه‌های نفتی عسلویه خارک ماهشهر نسبت به تامین نشدن البسه استراحت خود شامل پتو، ملحفه و بالشت اعتراض دارند .

همچنین کارگران پایانه‌های نفتی خارک به سبب قرار گرفتن این منطقه در شمول مناطق جنگی باید از حق مناطق جنگی استفاده کنند، اما در ۲ سال اخیر حق خود را دریافت نکرده‌اند. این در حالی است که نیروهای رسمی، پیمانی و قراردادی مابه‌تفاوت این رقم را در قالب «بکپی» دریافت کرده‌اند .

نیروهای پیمانکاری یادآور شدند که این موضوع را پیگیری کردند اما تاکنون علی‌رغم وعده‌هایی که به آنها داده شده، محقق نشده و پاسخ قانع کننده‌ای را دریافت نکرده‌اند .

این کارگران گفتند که وزارت نفت نباید میان کارگران و کارکنان قراردادی، رسمی و پیمانی خود تبعیض قائل شود .

در همین حال کارگران هر سه منطقه‌ی یاد شده به روشن نبودن زمان تمدید بیمه تکمیلی خود اعتراض دارند .

تاریخ اتمام بیمه تکمیلی این کارگران ۱ بهمن ۱۴۰۰ بود. در ضمن به گفته‌ی کارگران در قرارداد قبلی بیمه تکمیلی خیلی از فاکتورهای که هزینه‌های پرداختی را اثبات می‌کنند، تسویه نشده‌اند و از این محل مطالبات زیادی به وجود آمده است .

پرداخت نشدن بکپی مالیات موضوع حقوق و دستمزد، دیگر موردی است که موجب ایجاد تفاوت میان کارگران رسمی، پیمانی و قراردادی با پیمانکاری‌ها شده است .

بر اساس بخشنامه دولت، برخی آیتم‌های حقوق و دستمزد از مالیات معاف هستند که با این حال، بکپی آنها تنها به نیروهای غیرکارگری پرداخت شده است.

***- دادگاه ژاله روح زاد برگزار شد : .**

دادگاه ژاله روحزاد معلم بازنشسته و فعال صنفی فرهنگیان و کارگران در پی ابلاغیه ی شعبه ی ۲۶ دادگاه انقلاب برگزار شد.

امروز، سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۶ جلسه رسیدگی به پرونده سرکار خانم ژاله روحزاد در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی افشاری برگزار شد.

حسین تاج وکیل خانم روحزاد ضمن اشاره به روند مثبت جلسه که با ارائه دفاعیات و رد اتهام‌ها خاتمه یافت، به صدور رأی شایسته و قانونی ابراز امیدواری کرد.

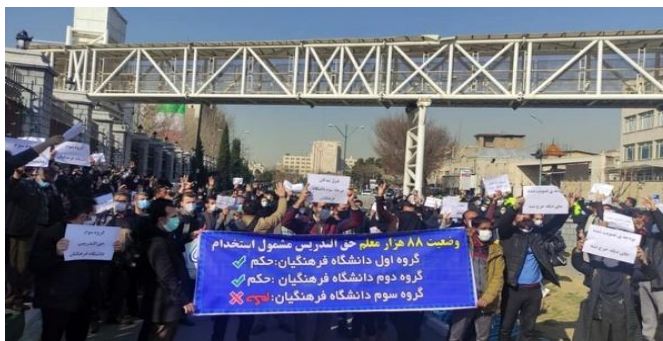
اسماعیل گرامی همسر ژاله روحزاد از بازنشستگان تامین اجتماعی مدت یکسال است که به خاطر فعالیتهای کارگری در زندان تهران بزرگ به سر می برد.

***- جمعی از والدین دانش آموزان رشت نسبت به کلاس های حضوری مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان، تجمع اعتراضی کردند:**

برپایه خبر منتشره در تاریخ روز دو شنبه 15 فروردین، آمده است: جمعی از اولیای دانش‌آموزان رشت برای اعتراض به کلاس های حضوری و رعایت نشدن فاصله‌گذاری در کلاس‌های درس دست به تجمع مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان زدند.

***- تعلل برخی از استان‌ها در ارسال گزینش معلمان حق‌التدریسی برای صدور حکم:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1214952>



به گزارش خبرنگاری ایلنا آمده است: یکی از نمایندگان معلمان حق‌التدریسی مرحله سوم در تماس با خبرنگار ایلنا، از مشکلی که برای ارسال حکم برخی از معلمان پیش آمده خبر داد.

به گفته‌ی وی؛ جواب گزینش برخی از معلمان لرستان هنوز نیامده و گفته می‌شود اسم حدود ۱۵ نفر از این معلمان در گزینش از قلم افتاده است.

این معلم می‌گوید: اسم این نیروها به وزارت آموزش و پرورش ارسال شده اما وزارت آموزش و پرورش هنوز تأیید نکرده و آنها مجبورند برای حل مشکل مجدد حضوری به تهران مراجعه کنند.

نماینده معلمان حق‌التدریسی با اشاره به اینکه مشکل بیشتر معلمان حق‌التدریسی حل شده و وزارت آموزش و پرورش در سامانه، حکم پیمانی برای آنها رد کرده است، گفت: متأسفانه برخی از استان‌ها مثل لرستان و آذربایجان شرقی و تا حدودی کرمان در انجام کار تعلل می‌کنند.

گفتنی است؛ طبق طرحی با عنوان «تعیین تکلیف استخدام معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی» معلمان حق‌التدریسی باید بعد از گذراندن یک دوره آموزشی در دانشگاه فرهنگیان به استخدام آموزش و پرورش در می‌آیند که این موضوع سال‌ها به طول انجامید. در نهایت این معلمان در سه مرحله وارد دانشگاه فرهنگیان شدند که حکم معلمان مرحله اول و دوم صادر اما حکم معلمان مرحله سوم مدت‌ها به طول انجامید که

در نهایت آموزش و پرورش در اسفند سال ۱۴۰۰ و در پی اعتراض این معلمان در بهمن و اسفند همان سال، حکم این معلمان را نیز صادر کرد.

***- بستری ۶۹ بیمار کرونایی در شبانه روز گذشته در بیمارستان‌های گیلان:**



سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی گیلان گفت: ۲۲۰ بیمار مبتلا به کرونا در بیمارستان‌های گیلان بستری هستند.

***- دادگاه مهتاب قلی زاده، روزنامه‌نگار ۱۶ فروردین برگزار می‌شود:**



به گزارش کانال تلگرامی روزنامه‌نگاران مستقل ایران آمده است: مهتاب قلی‌زاده، روزنامه‌نگار برای برگزاری دادگاه به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب احضار شد. دادگاه این روزنامه‌نگار روز شانزده فروردین و با شکایت سازمان اطلاعات سپاه، برای رسیدگی به سه اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و تشویق به فساد برگزار می‌شود. مصاحبه با رسانه‌های خارج از ایران، اطلاع‌رسانی درباره اعتراضات خوزستان، فعالیت‌های توئیتر و اینستاگرامی، گفتن نه به حجاب اجباری و تلاش برای ورود به ورزشگاه را از مصادیق اتهام‌های او است.

در مرداد ماه سال ۱۴۰۰ پنج تن از نیروهای سازمان اطلاعات سپاه با توسل به زور وارد منزل این روزنامه‌نگار شدند و وسایل شخصی او از جمله پاسپورت، لپ‌تاپ، گوشی تلفن همراه و برخی دیگر از وسایل شخصی او را ضبط کردند و پس از آن بارها تحت فشار سپاه بازجویی شد. وی در آذرماه با قرار وثیقه یک میلیارد تومانی، به طور موقت آزاد شده و پس از آن او ممنوع‌الخروج شد.

***- برگزاری دادگاه رادا مردانی و احضارش به هیئت تخلفات آموزش و پرورش صبح روز 22 فروردین:**

به گزارش کانال تلگرامی کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران آمده است: در حالی که قرار است روح الله مردانی در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ به اتهام تبلیغ علیه نظام در دادگاه نورآباد لرستان راس ساعت ۹:۳۰ محاکمه شود، ابلاغیه دیگری از سوی هیئت تخلفات آموزش و پرورش صادر شده که به موجب آن آقای مردانی باید در همین روز ساعت ۹:۴۵ در هیئت بدوی تخلفات آموزش و پرورش حضور پیدا کند. اینک چگونه می‌توان در یک روز و با یک ربع اختلاف ساعت در دو استان مختلف حضور پیدا کرد را باید از ارگان‌هایی پرسید که

برای این احضارها حتی فرصت هماهنگی و بررسی پرونده افراد را برای عدم ایجاد این تداخل پیدا نمی کنند. شایان ذکر است پرونده تبلیغ علیه نظام روح الله مردانی با همین محتوا اخیراً در کرج منع تعقیب گرفته است که تصویرش را اکنون مشاهده می کنید.

***- احضار ۹ تن از فرهنگیان شهرستان لردگان به شعبه ی سوم دادیاری دادگاه انقلاب:**



برپایه خبرمندرج در کانال شورای صنفی فرهنگیان ایران آمده است: دادستانی لردگان « نادر شریفی، کوروش قنبری، زادعلی محمودی، محمد سعیدی ابواسحاقی، کوروش شریفی، حمیداسحاقی، محمد امیری، غلامحسین موسوی و علی بابامیر» را برای پاره ای از توضیحات مبنی بر انتشار مطالب در فضای مجازی علیه نظام جمهوری اسلامی در راستای تشویش اذهان علیه اقدامات سلبی دستگاه های امنیتی و قضایی به دادگاه فراخوانده است.

***- تجمع سراسری بازنشستگان شرکت مخابرات ایران:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1214944>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 16 فروردین 1401 آمده است: تعدادی از بازنشستگان مخابرات منطقه زنجان در تماس با خبرنگار ایلنا، از تجمع سراسری نیروهای بازنشسته مخابرات در استانهای مختلف خبر دادند .

این نیروها در ادامه تجمعات خود در سال ۱۴۰۰، امروز (۱۶ فروردین ۱۴۰۱) در اعتراض به تاخیر در پرداخت مطالبات خود مقابل ساختمان مخابرات در مناطق مختلف جمع شدند و شعار «اصلاح آیین نامه، حق مسلم ماست»، «هزینه های درمان پرداخت باید گردد» و... سر دادند .

عملیاتی نشدن آیین نامه ی سال ۸۹، تاخیر در پرداخت هزینه های درمانی توسط بیمه ی طرف قرارداد مخابرات و تاخیر در پرداخت جیره ی غیرنقدی از مهم ترین موارد مورد اعتراض این بازنشستگان است .

تجمع کنندگان از مقامات و دستگاه های مسئول از جمله وزارت ارتباطات و قوه قضائیه و دیگر ارگانها، خواستار رسیدگی به مسئولیت گریزی مدیران مخابرات ایران شدند .

گفتنی است؛ بازنشستگان مخابرات ایران در استانهای مختلف از سال گذشته به طور سراسری برای رسیدن به مطالبات خود تجمعاتی برگزار کردند.

*- بازگشت رضا خندان (مهبادی) به زندان اوین:



به گزارش کانال تلگرمی کانون نویسندگان ایران آمده است: ظهر امروز، ۱۶ فروردین ۱۴۰۱، رضا خندان (مهبادی)، نویسنده، پژوهشگر و عضو کانون نویسندگان ایران، برای گذراندن ادامه‌ی حبس به زندان اوین بازگردانده شد.

فشار به وثیقه‌گذار خندان باعث شد او با وجود مشکلاتی که سلامتیش را تهدید می‌کرد، به زندان بازگردد. جمعی از دبیران و اعضای کانون نویسندگان ایران، دوستان، خانواده و وکیل رضا خندان، او را تا آستانه‌ی زندان اوین بدرقه کردند.

اواخر اسفند ۱۴۰۰، خندان در حالی از سوی دادیار ویژه‌ی زندانیان سیاسی به زندان احضار شد که دوران نقاهت خود را پس از عمل جراحی می‌گذراند. چندی بعد ابلاغیه‌ای برای وثیقه‌گذار خندان ارسال و به او اعلام شد که در صورت عدم تحویل خندان به زندان وثیقه به نفع دولت ضبط خواهد شد. در نتیجه‌ی این آزارها خندان به ناچار به زندان بازگشت .

خندان از ۵ مهر ۱۳۹۹ محکومیت ۵ ساله‌ی خود را در زندان اوین می‌گذراند. او که ۳۰ آذر ۱۴۰۰ در اثر ابتلا به کرونا و وخامت حالش به بیمارستان طالقانی منتقل شده بود، چندی پس از آن با تلاش وکیل و خانواده توانست مرخصی استعلاجی بگیرد.

بازگرداندن رضا خندان (مهبادی) به زندان در شرایطی که هنوز با عوارض بیماری و جراحی اخیرش درگیر است، چیزی جز به خطر انداختن جان این عضو کانون نویسندگان ایران نیست و مسئولیت هر گزندی به سلامت او متوجه حکومت و قوه‌ی قضائیه‌ی آن است.

*- ژاله روحزاد معلم و فعال صنفی فرهنگیان :



به گزارش کانال تلگرامی شورای صنفی فرهنگیان ایران، آمده است : همسر آقای اسماعیل گرامی فعال کارگری زندانی در زندان تهران بزرگ تاریخ احضار 22 دیماه 1400 بازپرسی شعبه ی 2 دادرسی مقدس اوین تاریخ رسیدگی در شعبه ی 26 دادگاه انقلاب تهران 16 فروردین 1400

اتهامات :

1. اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور

2. تبلیغ علیه نظام

kashowra@

***- کاهش ۲۱ درصدی قدرت خرید پوشاک و کفش در ۱۰ سال اخیر:**

برپایه خبر مندرج در شبکه های مجازی آمده است: به گزارش مرکز آمار، طی ۱۰ سال اخیر با کاهش شدید قدرت خرید ایرانی‌ها، خرید کفش و پوشاک از سوی مردم به شدت کاهش یافته است.

در سال ۹۰ ایرانی‌ها به‌طورمیانگین ۴,۲ درصد از هزینه‌های سبد معیشت خود را به خرید کفش و پوشاک اختصاص می‌دادند اما در آخرین گزارش هزینه-درآمد مرکز آمار ایران این میزان به ۲,۳ درصد رسیده است. به عبارتی طی ۱۰ سال اخیر هزینه‌کرد خانوار برای کفش و پوشاک کاهش بیش از ۲۱ درصدی داشته است.

گزارش نشان می‌دهد در دهک‌های کم‌درآمد سهم کفش و پوشاک از سبد معیشت از ۴ درصد در دهک یک، ۴,۲ درصد در دهک دوم، از ۴,۵ درصد در دهک سوم و ۴,۷ درصد در دهک چهارم طی سال ۱۳۹۰ به ترتیب به ۳,۱ درصد، ۳ درصد و ۳,۳ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است. در دهک‌های پنجم، ششم و هفتم نیز این میزان از ۴,۴، ۴,۶ و ۴,۴ درصد به ۳,۱، ۳,۲ و ۳,۲ درصد تقلیل دارد.

***- تداوم خواسته کارگران آبغای اهواز/ در انتظار تصویب طرح ساماندهی نیروهای شرکتی از سوی مجلس هستیم:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1214605>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 16 فروردین 1401 آمده است: منابع کارگری در شرکت آب و فاضلاب اهواز گفتند: کارگرانی که در شبکه آبرسانی و انشعابات آب و فاضلاب اهواز زیر نظر پیمانکار تامین نیرو مشغول کارند، بدنبال تبدیل وضعیت شغلی خود هستند.

این گروه از کارگران می‌گویند: چندین ماه است موضوع طرح تبدیل وضعیت نیروهای قراردادی، شرکتی و حجمی در صحن علنی مجلس در حال بررسی است؛ به همین دلیل ما کارگران شرکتی آب و فاضلاب انتظار داریم نمایندگان در سال جاری با تصویب این طرح، امنیت شغلی را به همه کارکنان قراردادی و شرکتی شاغل در تمام بخش‌های دولتی، عمومی و نیمه دولتی کشور بازگردانند.

به گفته یکی از کارگران آبغای شبکه آبرسانی آب و فاضلاب اهواز، هدف اصلی این طرح، حذف شرکت‌های پیمانکاری واسطه و برقراری عدالت مزدی است. بنابراین سالهاست که کارکنان نهادهای مختلف از جمله آب و فاضلاب اهواز از تعدد قراردادهای شغلی و تغییر دستمزدها در یک محیط ثابت انتقاد دارند.

او مدعی شد؛ پیمانکاران تامین نیرو در مقام کارفرما به هیچ‌یک از تعهدات مزدی خود در قبال کارگران آب و فاضلاب عمل نکرده و آنها از حداقل‌های مزدی و امنیت شغلی محرومند.

این کارگر آب و فاضلاب اهواز در ادامه یادآور شد: سالهاست پیگیر خروج پیمانکاران تامین نیرو از شرکت آب و فاضلاب شهری اهواز هستیم اما تاکنون مسئولان هیچ تصمیم جدی برای حذف پیمانکار و نوع قرارداد کارگران نگرفته‌اند و این موضوع هر روز نگرانی کارگران را بیشتر می‌کند.

وی با یادآوری این نکته که کارگران شرکتی آبفای اهواز در واحد آبرسانی و انشعابات برخلاف نیروی کار رسمی و قرارداد مستقیم مجموعه آب و فاضلاب دچار مشکلاتی همانند شیفت‌های اجباری هستند و از مزایایی همانند اضافه‌کاری، پاداش و کارانه و سایر خدمات عرفی محروم هستند، افزود: با وجود اینکه مطالبات کارکنان رسمی و قرارداد مستقیم تقریباً به‌روز است اما در مورد کارگران پیمانی اینطور نیست و آن‌ها حداقل‌های مزدی خود را با تاخیر دریافت می‌کنند.

این کارگر پیمانی آبفای اهواز در پایان گفت: طرح تبدیل وضعیت شغلی که با آینده شغلی هزاران و شاید میلیون‌ها کارگر سر و کار دارد نباید به بهانه‌های مختلف نادیده گرفته شود بنابراین خواستار تصویب این طرح مهم از سوی نمایندگان مجلس در سال جاری هستیم.

***- نهاد های همبستگی ...؛ جنگ اکرانین، جنگ بلوک های سرمایه داری است ! :**

با گذشت یک ماه از حمله نظامی دولت سرمایه داری روسیه به اکرانین، سیر رویدادهای جاری نشان داده است که این جنگ، نه جنگ کارگران روسیه و کارگران اکرانین بلکه جنگ بلوک بندی های سرمایه داری بر سر سهم قدرت در استراتژی جهانی سرمایه است. تنش های سیاسی در اکرانین از سال ها قبل و مشخصن از سال 2014 اوج گرفت و اینک بصورت نظامی خود را به نمایش گذاشته است. روند این جنگ، صرف نظر از این که چگونه آغاز شد و چه نتایجی برای طرفین درگیر دارد، برای طبقه کارگرو توده های ستمدیده، چیزی جز کشتار و آواره گی، افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی بر آنها و در یک کلام از بین رفتن جان و مال کارگران نیست و نخواهد بود.

طی ده سال گذشته در جهان شاهد چندین جنگ نیابتی بوده ایم . مشخصه جنگ جاری در اکرانین، درگیری نظامی آشکار بلوک بندی های سرمایه داری، روسیه از یک طرف و ناتو، مشخصن امریکا و اروپا، از طرف دیگر است . طی همین مدت دو طرف درگیر در جنگ تمامی ابزارها و امکانات عمومی جامعه را بخدمت گرفته اند تا در استراتژی جهانی موقعیت خود را مستحکم کنند. هزینه های بسیار بالای جانی و مالی این جنگ به دوش کارگران و توده های ستمدیده افتاده است. در کنار کشتار انسانی، میلیونها نفر آواره شده اند. دولت ها هزینه های هنگفت و غیر قابل شمارش را به نظامی گری و آرایش جدید سیاسی اختصاص داده اند رسانه های عمومی را در بست در اختیار خود گرفته اند و به ابزاری جنگی تبدیل کرده اند.

جنگ در اکرانین باید فوراً متوقف شود. اختصاص منابع عمومی به جنگ و نظامی گری باید لغو شود. تمامی منابع مالی به رفاه و بهداشت و آموزش جامعه تعلق دارد. استفاده از رسانه های عمومی برای جنگ و تبلیغات سیاسی حول آن می بایست متوقف شود.

این خواست کارگران و توده های ستمدید در سراسر جهان است. تحقق این خواست ها تنها با دخالت عملی طبقه کارگرو از طریق اعتراضات و اعتصابات و گردهمایی ها و تظاهرات میسر می گردد تا با جنبشی اجتماعی قدرتمند بتوان سرمایه داری و سیاست های جنگ افروزان و دستگاههای تسلیحاتی اش را به عقب راند.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور / مارس 2022

***- افزایش بستری‌های کرونا در ۱۲ استان کشور:**

معاون بهداشت وزارت بهداشت اعلام کرد: در هفته ۱۱۱ همه گیری کرونا مصادف با هفته دوم فروردین ماه در ۱۳ استان تهران، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویر احمد، کرمان، لرستان، همدان، مرکزی، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، گلستان، زنجان و سیستان و بلوچستان افزایش بارز بستری داشته‌اند.

پ.ن: پی توجهی دولت و مسدولان آموزش و پرورش به هشدارهای معلمان دلسوز و اولیا در زود هنگام بودن بازگشایی مدارس قطعا در افزایش بستری های کرونایی موثر است

***- ایلنا بررسی می‌کند؛ دستِ پُر «جهش نفتی» برای جیب خالی کارگران؟ / کاهش ۶۰ درصدی قدرت خرید سال ۱۴۰۱ با تورم : <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1214>**



به گزارش پیام عابدی خبرنگار ایلنا؛ در تاریخ 16 فروردین 1401 آمده است : گرچه هشدار معاون سرمایه انسانی سازمان اداری و استخدامی در مورد میزان افزایش دستمزدهای نیروهای کارگری دولت، خیلی در فضای ابلاغ افزایش ۵۷,۴ درصدی حداقل دستمزد جلوه‌گر نشد و برخی آن را به نگرانی دولت از کسری بودجه ۱۴۰۱ مرتبط دانستند، اما از این جهت که دولت چراغ نشان‌گرهای وضعیت بودجه را به صدا درآورده تا پیامی را خطاب به نمایندگان مجلس، مخبره کند، جای تدقیق دارد. به نظر می‌رسد که دولت ضمن استقبال از افزایش ۵۷ درصدی دستمزد کارگران شاغل در بخش دولتی، از افزایش به همین میزان، برای کارگران پیمانکارانش ناراضی است.

در این میان نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق بودجه مجلس و سایر نمایندگان که ابتدا با افزایش ۱۰ درصدی دستمزدها در سال ۱۴۰۱ موافقت کرده بودند، پس از چند نوبت تجمع و اعتراض مقابل مجلس و شورای نگهبان و ایراد شورای نگهبان بر روی این میزان افزایش، به جهت عدم تطبیق آن با ماده ۴۱ قانون کار و مصوبه افزایش ۵۷ درصدی دستمزد، مصوبه خود را که پیشنهاد دولت در لایحه بود را اصلاح کردند. به هر صورت، پیش‌بینی افزایش ۱۰ درصدی دستمزد کارگران شرکت‌های دولتی در بودجه و مذاکره برای افزایش بیشتر در شورای عالی کار، گواه صدق این ادعاست؛ ضمن اینکه دولت به دنبال اعمال یک رقم ثابت بر روی تمامی حقوق و دستمزدها بود تا به ادعای سازمان اداری و استخدامی عدالت در پرداخت‌ها را محقق کند. عرب اسدی، معاون سرمایه انسانی سازمان اداری و استخدامی همین موضوع را متذکر شد: «قانون بودجه ۱۴۰۱، حداقل مزد کارگران مشمول دستگاه‌های اجرایی را ۵۷,۴ درصد افزایش داده و شکل افزایش حقوق نه تنها عدالت‌محور نیست، بلکه بی‌عدالتی را بیشتر می‌کند».

رفع نگرانی دولت از کسری بودجه؟ گرچه به نظر می‌رسد که دولت نگران تشدید کسری بودجه خود است اما به جهت اینکه سیداحسان خاندوزی، وزیر امور اقتصاد و دارایی مدعی پرداخت یکجای ۵۴ هزار میلیارد تومان بدهی دولت گذشته به بانک مرکزی به عنوان «تمامی بدهی» دولت گذشته به بانک مرکزی شده است و از آنجا که وزیر نفت از افزایش فروش نفت به ۲,۸ میلیون بشکه در روز و پیش‌بینی افزایش آن به ۵,۲ میلیون بشکه در روز سخن گفته، این موضوع به ذهن متبادر می‌شود، که دولت که تا پیش از حمله روسیه به اوکراین، پیش‌بینی فروش نفت را ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز به قیمت ۶۰ دلار در هر بشکه در

لایحه بودجه ۱۴۰۱ گنجانده بود، دیگر نگران کسری بودجه خود نباشد. همچنین از آنجا که وزارت نفت دولت سیزدهم اعلام کرده که شیوه فروش نفت را فاش نمی‌کند، برداشت تثبیت افزایش درآمدهای نفتی و عدم نگرانی از بازگشت آن به سطح پیش از جنگ، جدی‌تر و نزدیک‌تر افکار عمومی تمام شده تلقی می‌شود؛ حتی کار به جایی رسیده که عده‌ای با مقایسه افزایش قیمت جهانی نفت در دولت‌های نهم و دهم با دولت سیزدهم، به طنز بگویند که دولت‌های منتسب به طیف سیاسی «اصولگرا» همواره از شانس افزایش قیمت جهانی نفت برخوردار می‌شوند.

با همه‌ی این احوال، به نظر می‌رسد که کسری بودجه با افزایش فروش نفت و افزایش ۲,۵ تا ۴ برابری فروش گاز، تا حدی تا حد زیادی پوشش داده شود. به این واسطه، دولت می‌تواند افزایش حقوق و دستمزد را توجیه کند و حتی در انتخابات ۱۴۰۴ روی آن مانور دهد. در حال حاضر قیمت نفت به بالای ۱۰۰ دلار در هر بشکه رسیده است و دولت می‌تواند درآمد مناسبی از فروش نفت خود داشته باشد اما باید به این واقعیت هم توجه داشت که کل درآمد نفتی کشور صرف حقوق و دستمزد کارکنان شاغل و بازنشسته نمی‌شود.

طبق اعلام محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در داخل کشور روزانه ۵ میلیون بشکه نفت، گاز و بنزین مصرف می‌شود. این گفته به این معنا نیست که دولت این میزان نفت را به فروش می‌رساند و صرف مصرف داخلی می‌کند، بلکه به این معناست که مصرف داخلی بنزین و گاز در صورت تبدیل به دلار، رقمی معادل ۵ میلیون بشکه نفت را شامل می‌شود؛ البته مصرف داخلی تا ۲,۵ میلیون بشکه نفت ارزیابی شده است که دولت ضمن تامین نیاز داخل درآمدی هم از محل فروش فراورده‌ها دارد که باید با فرض کسر یارانه پنهان محاسبه شود. با توجه به اینکه هیچ ارزیابی مشخصی از میزان یارانه‌های پنهان و همچنین درآمدهای دولت از محل فروش فراورده‌ها وجود ندارد، نمی‌توان میزان کسری واقعی درآمدهای کشور را ارزیابی کرد.

با این حال، با توجه به افزایش درآمدهای نفتی و تفاوت قیمت نفت در دوران تنظیم لایحه بودجه ۱۴۰۱ با زمان حاضر، سرجمع می‌توان به این نتیجه رسید که دولت در حجم ۳ برابر بیشتر و در قیمت ۱,۷ برابر بیشتر، نفت می‌فروشد و وضعیتش در مقایسه با دولت گذشته که درآمدهایش پس از خروج آمریکا از برجام از ۱۰۰ میلیارد دلار به ۸ میلیارد دلار در سال کاهش یافته بود و نفت را به بشکه‌ای در حول و حوش ۴۰ دلار و در سطح کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه نفت به فروش می‌رساند، بهتر است.

پرداخت بدهی‌های به جا مانده با پول نفت: قاعدتا در این شرایط کارگران انتظار دارند که دولت مانند دوران خروج آمریکا از برجام به تحلیل آثار کاهش درآمدهای نفتی نپردازد؛ در این زمینه، گرچه علیرضا حیدری، کارشناس اقتصاد اعتقاد دارد که دولت در قبال گروه‌های کم درآمد جامعه که درآمد و هزینه‌هایشان متأثر از مزد است، باید با ادبیات مختص به این حوزه مواجه شود اما می‌گوید که به جهت اینکه دولت‌ها در دوران رکود و کاهش درآمدهای ارزی استقراض می‌کنند و در دوران‌های وفور درآمدهای ارزی، بدهی که ایجاد کرده‌اند را پرداخت می‌کنند، احتمالاً درآمدهای ارزی جدید صرف پرداخت بدهی‌های گذشته شوند .

وی با بیان اینکه کسری بودجه معانی جدیدی پیدا کرده است، به ایلنا گفت: «برابر اطلاعاتی که دارم، از اواخر دهه ۹۰، نرخ استهلاک دارایی از نرخ انباشت سرمایه پیشی گرفته است. معنی این سبقت گرفتن، این است که اقتصاد از سرمایه می‌خورد که این خبر خوشی نیست. بودجه هم از همین اتفاق شوم، متأثر می‌شود؛ چراکه بر روی منابع و مصارف تأثیر می‌گذارد. به هر حال دولت‌ها به پیشی گرفتن استهلاک سرمایه از انباشت سرمایه توجه نکردند. این اتفاق موجب کج نهادن «خشت اول» در بودجه نویسی ایران شده به نحوی که ابتدا هزینه‌هایی که «چاه ویل» آنها کنده شده را می‌نویسند و بعد برای آنها درآمد پیش‌بینی می‌کنند! این خلاف روند بودجه‌نویسی است. این روند تنها به نفع کسانی است که قدرت خود را از بودجه دریافت می‌کنند و متناسب با همین قدرت سهم می‌گیرند.»

این کارشناس اقتصادی افزود: «در این شرایط، اقتصاد خلاف روند طبیعی خود حرکت می‌کند؛ به نحوی که آثار جدی بر روی کسری بودجه می‌گذارد. از طرفی دولت‌هایی که از ابزارهای مالی و پولی برای ایجاد تعهدات برای خود استفاده می‌کنند، به تورمی که در جامعه هست دامن می‌زنند که آثار هزینه و درآمد آن را باید لایه‌های پایین جامعه تحمل کنند. بنابر این با واقعیت‌هایی مواجه هستیم که سوی درناک آنها متوجه اقشار کم درآمد و مزدگیران است. زمانی که دولت‌ها می‌خواهند وضعیتی را که متاثر از تورم خود ساخته ایجاد کرده‌اند، توضیح دهند، باید با ادبیات خاص آن مواجهه خود را تعریف کنند.»

حیدری با بیان اینکه در واقع دولت باید از نگاه‌های سیاسی خارج شود و واقعیت‌های اقتصادی را بپذیرد، گفت: «قاعدتا حاصل این اتفاق‌ها در اقتصاد فشار بر طبقات مصرف کننده است؛ بیش از همه دهک‌های پایین جامعه که نرخ‌های تورمی را متحمل می‌شوند، در تله‌ی فقر قرار می‌گیرند. حالا در این میان، این پرسش به وجود می‌آید: چرا دهک‌های کم درآمد و فقرای مزدبگیر باید هزینه‌های این اتفاق‌ها را پرداخت کنند؟ کم درآمدها از خود می‌پرسند که چرا هزینه‌های این جامعه را من باید پرداخت کنم؟ به نظر می‌رسد که دولت آقای رئیسی دقیقا باید به همین پرسش پاسخ دهد. اساسا چرا نباید مرفهان جامعه این هزینه‌ها را پرداخت کنند؟»

حیدری با اشاره به تورم محقق شده در اقتصاد ایران و تورم انتظاری ۱۴۰۱، افزود: «مرکز آمار تورم قطعی شده را ۴۰ درصد اعلام کرده است اما تورم خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها بالای ۵۵ درصد است؛ در حالی که انتظار دولت افزایش ۱۰ درصدی دستمزد است! جدا از این میزان پیش‌بینی دولت که محقق نشد، قدرت خرید ۱۴۰۱ کارگران ۳۰ درصد عقب‌تر از انتهای سال ۱۴۰۰ است. اگر تورم ۱۴۰۱ را هم طبق پیش‌بینی بانک جهانی بالای ۴۰ درصد است به آن اضافه کنید، با جامعه‌ای مواجه می‌شوید که در سال ۱۴۰۱، ۶۰ درصد قدرت خریدش را نسبت به ابتدای ۱۴۰۰ از دست می‌دهد.»

موکول کردن تورم به آینده با استقراض: وی افزود: «جامعه‌ای که کل هزینه‌هایش را به مصرف خوراکی‌ها، مسکن و آشامیدنی‌ها می‌رساند و طبق هزینه‌های سبب معیشت که در انتهای ۱۴۰۰، ۹ میلیون تومان ارزیابی شد، و تفاوت آن با سطح دستمزدها در انتهای سال ۷۰ درصد اعضایش زیر خط فقر به سر می‌برند، نمی‌تواند جامعه‌ای دارای قدرت بازسازی اقتصادی باشد. دولت در جلسات شورای عالی کار پذیرفت که بالای ۷۰ درصد جامعه زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بر همین اساس هم پای توافق شورای عالی کار را امضا زد. واقعیتی که باید با آن توجه داشته باشیم این است که دولت‌ها در دورانی که درآمدهایشان افزایش پیدا می‌کند، مازاد درآمد خود را صرف پرداخت بدهی‌هایی می‌کنند که از طریق ابزارهای مالی ایجاد کرده‌اند و تورم آن را به آینده موکول کرده‌اند.»

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه این درآمدها کسری بودجه را در ارتباط با سهم نفت از بدهی‌هایی که انباشته شده‌اند جبران می‌کنند، گفت: «دولت ابتدا بودجه را با ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت بست اما امروز به دلیل اتفاق‌هایی که در اقتصاد جهان پس از حمله روسیه به اوکراین اتفاق رخ داده‌اند و جریان جهانی تامین انرژی از آنها متاثر شده و قیمت نفت افزایش پیدا کرده است، دولت توانسته به منابعی دسترسی پیدا کند. همین حالا صادرات نفت عراق به «سطح بی‌سابقه‌ای» رسیده است. با این حال مشکل کسری بودجه ایران مزمن است. معتقدم اگر دولت خیلی هنر کند بتواند با مازاد درآمدهای نفتی، بدهی‌هایی که به واسطه انتشار اوراق سررسید آنها رسیده را تسویه کند.»

حیدری تصریح کرد: «ابتکار دولت‌ها این است؛ اوارقی که سررسید آنها فرارسیده را با انتشار اوراق جدید، تهاثر کنند؛ یعنی بدهی را با بدهی برگرداند. تازه اگر دولت بتواند بدون ایجاد بدهی جدید بدهی گذشته‌اش را پرداخت کند، خیلی بیشتر از این هنر کرده است. معمولا در توزیع و انتشار اوراق، فرض بر این است که دولت در شرایطی که با رکود مواجه می‌شود، از طریق اوراق سقف هزینه‌های خود را حفظ می‌کند و در سال‌هایی که مازاد درآمد پیدا می‌کند، اوراق را تهاثر می‌کند. بیشتر کمک و هدفی که دولت محقق می‌کند، تهاثر اوراق با درآمدهای ناشی از مازاد درآمد نفتی

است. بنابراین خیلی نمی‌توان امید داشت که درآمدهای نفتی جدید هزینه‌های بودجه را پوشش بدهد.»

وی در پاسخ به این پرسش که ادعای برگرداندن بدهی دولت گذشته به بانک مرکزی تا چه اندازه به اتکا به درآمدهای نفتی صورت گرفت، گفت: «عرف این است که بدهی دولت به بانک مرکزی از طرق حساب‌های بین‌المللی تهاثر شود. بانک مرکزی یک ترازنامه دارد. یک طرف این ترازنامه ریالی و طرف دیگرش ارزی است. اینکه آقای خاندوزی، وزیر امور اقتصاد و دارایی گفته که بدهی دولت گذشته به بانک مرکزی به طور کامل پرداخت شده، ناشی از پرداخت با درآمدهای نفتی است. خود این درآمد هم هیچ ارتباطی با عملکرد دولت ندارند و به خاطر ارزشی که برای بازار انرژی پس از جنگ اوکراین به وجود آمد، ایجاد شده است. در حال حاضر هم چون اراده‌ی کشورهای درگیر با روسیه و به طور مشخص آمریکا، بر تامین انرژی از سایر کشورها می‌چرخد، قیمت نفت بالا می‌ماند.»

این کارشناس اقتصادی افزود: «در این شرایط، دولت‌ها با نرخ‌های جدید تسعیر، بدهی خود را پرداخت می‌کنند. با توجه به اینکه دولت تنها می‌تواند از سه محل انحصار دولتی، درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفت و مشتقات، درآمدهای خود را تامین کند و با توجه به اینکه درآمدهای مالیاتی کفاف نمی‌دهد و انحصارات دولتی هم بازده مطلوبی را ندارند، تنها محلی که دولت می‌تواند بدهی‌اش را بپردازد، درآمدهای نفتی است. در پیوند درآمدهای نفتی با پوشش کسری‌های بودجه باید توجه داشته باشیم که کسری که وجود دارد و ارقام مختلفی مانند ۳۰۰ هزار میلیارد تومان برای آن عنوان شده، صرفاً بر اساس پیش‌بینی تخمین زده می‌شود؛ چراکه منابع بودجه تا زمانی که تحقق پیدا نکنند، قطعی نیستند.»

حیدری تصریح کرد: «در نتیجه در مورد رقم کسری قطعینی وجود ندارد و صرفاً پیش‌بینی آن انجام می‌شود؛ البته با توجه به اینکه درآمدهای نفتی در بودجه با بشکه‌ای ۶۰ دلار و با روزی ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه پیش‌بینی شده و در حال حاضر ارقام جدیدی را برای این درآمدها شاهد هستیم، پس امکان کاهش کسری بودجه وجود دارد اما باید هزینه‌های سرمایه‌گذاری و نرخ اسفندک‌داری که به وضعیتی کمرشکنی برای کشور رسیده را هم در نظر داشته باشیم.»

معیشت در اولویت؟! : شرایطی که این کارشناس اقتصادی ترسیم کرد و پیش‌بینی‌هایی که از رفتار بازیگران اقتصاد ایران ارائه شده‌اند، ثابت می‌کنند که گروه‌های فاقد قدرت که باید در ساختار اقتصاد مشارکت کنند، به دلیل عدم دسترسی به ظرفیت‌های رشد و عقب ماندگی شاخص توسعه انسانی، در یک اقتصاد «معیشت پایه» گرفتار شده‌اند؛ اقتصادی که به انگیزه‌های ایجاد رفاه توجه نمی‌کند و صرفاً بر تامین حداقل‌های زیستی تاکید می‌کند. در چنین وضعیتی، رفاه نیروی کار در زیرین‌ترین لایه‌های اقتصاد قرار دارد؛ به طوری که «معیشت در اولویت» را صرفاً به یک هشتگ در فضای مجازی تبدیل می‌کند .

***- تعداد ۵ کارگر یک کارگاه آجرسازی در اصفهان بر اثر آتش‌سوزی مجروح شدند:**



برپایه گزارش منتشره در شبکه مجازی از قول کمیته هماهنگی ... آمده است : آتش‌سوزی در یک کارگاه آجرسازی در جاده «حبیب آباد» اصفهان موجب سوختگی ۵ کارگر مرد شد. حداقل یکی از کارگران کودک کار است. عباس عابدی، سخنگوی مرکز اورژانس اصفهان بدون اینکه هویت کارگران آسیب دیده را فاش کند، گفت که «۵ مرد ۱۶ تا ۴۵ ساله در این حادثه انفجار دچار مصدومیت شده‌اند». به گفته او تمامی کارگران مجروح شده به بیمارستان منتقل

شدند. در کارگاه‌های آجرسازی معمولاً کارگران بدون قرارداد و بیمه مشغول به کار هستند. ایران از حادثه‌خیزترین نقاط جهان برای کارگران به شمار می‌رود و سالانه نزدیک به هزار کارگر در اثر حوادث کار جانشان را از دست می‌دهند.

#ایمنی_محیط_کار

#جان_کارگران_ارزش_دارد

#نابود_باد_استثمار_و_کار_مزدی

<https://t.me/khamahangy>

***- مافیای گوشت اجازه کاهش قیمت را نمی‌دهد:**

احمد مقدسی رئیس هیات مدیره انجمن صنفی گاوداران به خبرگزاری مهر گفته مافیای گوشت در کشور اجازه کاهش قیمت گوشت را نمی‌دهد و تمام اتفاقاتی که در حوزه ممنوعیت صادرات و واردات گوشت به ایران اتفاق افتاده، به دنبال توطئه همین افراد بوده است. مقدسی گفته است مافیای گوشت دولت را روی یک انگشت می‌چرخاند و زور هیچکس به آنها نمی‌رسد.

گزارش‌های میدانی از تداوم گرانی کالاهای اساسی حکایت دارد که گزارش‌های رسمی هم این روند را تأیید می‌کنند؛ از جمله اقلامی که به غیر از گوشت طی ماه‌های اخیر شاهد افزایش چشمگیر قیمت بوده برنج بوده است.

***- تقویت آلترناتیو کارگری در ایران و نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج از کشور:**

تا قبل از دی ماه نود و شش گفتمان سیاسی حاکم بر جامعه حول تغییر رژیم از درون و اصلاح طلبی بود. خیزش توده‌های ستمدیده در دی ماه 96 با شعار "اصلاح طلب اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا" چنین گفتمانی را کنار زد. آنچه در طی دو دهه و با اعتراضات بی نظیر کارگری حول خواستها و مطالبات اجتماعی و نیز مبارزه برای ایجاد تشکل‌های مستقل و برگزاری مراسم مستقل روز کارگر جنبش کارگری را گامها به جلو برد، در خیزش دی ماه نود و شش بازتابش را در مبارزه مستقل و اتکا به نیروی اجتماعی برای تغییر رژیم اسلامی در ایران نشان داد. بعد از خیزش دی ماه نود و شش، سرنگونی رژیم اسلامی، که پیش از آن شامل بخشی از جامعه بود، با عمیق تر شدن شکاف بین کارگران و توده‌های ستمدیده با رژیم به ضرورتی عینی تبدیل شد. از آن زمان مسئله سرنگونی رژیم و آلترناتیو جایگزینی آن به ضرورتی سیاسی در جامعه تبدیل شد.

طی چهار سال گذشته دو خیزش سراسری دی ماه و شش و آبان نود و هشت و خیزش علیه کشتار سوختبران در بلوچستان و خیزش بی آبی در خوزستان و نیز خیزش‌های اعتراضی به سیاست‌های مرگ آفرینی کرونا ی رژیم اسلامی بموازات جنبش اعتراضی کارگران هفت تپه و واحد، فولاد و هیپکو و آذراپ، معادن، راه آهن و شهرداری‌ها، کارگران پیمانی نفت و گاز و پتروشیمی هر چه بیشتر، ضرورت اتحاد سراسری بر مبنای منافع مشترک در مقابل رفع بحران فراگیر اجتماعی را گوشزد کرد. ناتوانی رژیم در برابر بحران اقتصادی و سیاسی سرمایه داری با اجرای سیاست‌های نئولیبرالی تنیده در رانت خواری و اختلاس، بحران منطقه ای و تنش‌های بین المللی در ایران به حاکم شدن فئودالیسم بر زنده گی کارگران و توده‌های ستمدیده منجر شده است.

مسئله محوری آلترناتیو برون رفت از بحران حاضر و رژیم اسلامی را می توان عموماً به دو دسته تقسیم کرد . ضمن این که اکنون رژیم اسلامی در رابطه با رفع بحران و نگه داشتن نظام سیاسی اش نیز ناچار از تجدید آرایش شده که به آن نیز اشاره می شود.

دسته اول فعالیت در شکل بخشیدن به آلترناتیو بورژوازی در مقابل رژیم اسلامی است که اتکای آن به دولت ها و رسانه ها و چهره ها و اشکالی سیاسی در جهت انتقال قدرت است. "شورای مدیریت دوران گذار"، "شورای تغییر قانون اساسی" و "کمپین نه به جمهوری اسلامی" در این زمره اند که با گفتمان عام دموکراسی مردمی بدنبال انتقال مسالمت آمیز قدرت از بالا هستند. آلترناتیو بورژوازی درصدد آن است که از آنجا که بحران سیاسی اقتصادی در ایران با وجود نا کارآمدی رژیم اسلامی ، در صورت سازمانیابی کارگران و توده های ستمدیده و ایجاد شرایط انقلابی ، نظام سرمایه داری در ایران هر چه بیشتر آسیب پذیر تر خواهد شد ، با هدف حفظ اقتصاد سرمایه داری از تحقق چنین شرایطی ممانعت کند.

دسته دوم آلترناتیو کارگری است که کارگران و توده های ستمدیده را نمایندگی می کند و بر تشکلهای مستقل که از درون مبارزه طبقاتی پا می گیرند متکی است. لذا لازمه شکل گیری و گسترش این آلترناتیو ایجاد تشکل های اجتماعی در محیط کار و زنده گی است که با خود ضرورت همکاری تشکل ها و هماهنگی شورایی درون آنها برای سراسری شدن جنبش طبقاتی را به همراه خواهد داشت. بیانیه پانزده تشکل در روز کارگر 1400 با چنین رویکردی به جمع بندی مبارزات گسترده تاکنونی پرداخت . از اتحاد جنبش ها بر مبنای منافع مشترک تا گسترش تشکل های مستقل و ایجاد شورای هماهنگی بین آنها.

به جز دو گرایش سیاسی طبقاتی متضاد که در شرایط حاضر برای شکل بخشیدن به آلترناتیو جایگزینی رژیم اسلامی در ایران مبارزه می کنند از درون رژیم اسلامی نیز با درک از بحران فراگیر موجود برای حفظ حکومت اسلامی و رفع بحران ، به تجدید آرایش و یکدست شدن ، از طرفی برای ایجاد شکاف در مبارزات اجتماعی موجود و در هم شکستن سازماندهی آن و از طرف دیگر رشد توازن قدرت در منطقه و در سطح بین المللی بر آمده اند. انتصاب دولت رئیسی در شرایط بحران عمیق سیاسی ، اقتصادی سرمایه داری از طرف نظام حاکم در ایران و با هدف ایجاد ثبات در نظام سیاسی و رفع موانع سرمایه گذاری در انطباق با استراتژی سرمایه داری و افزایش قدرت سرمایه داری ایران با اتکا به نظام حاکم در منطقه و سطح بین المللی ضروری شده است که لازمه آن در درجه اول چالش جدی با گسترش و سازمانیابی جنبشهای اجتماعی است . منجمله گسیل دانشجویان بسیجی عدالتخواه و یا محور مقاومتی ها برای ایجاد شکاف در میان طبقه کارگر و دیگر جنبش های اجتماعی و درهم شکستن نیروی سازماندهی مبارزت طبقه کارگر بر این استوار است.

با توجه به چنین رویکردی عینی از مبارزه طبقاتی در ایران ضروری است که نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج از کشور فعالیت های آتی خود را سازمان دهند. ما که در طی پانزده سال گذشته فعالیت خود را بصورت سراسری در اتکا به رشد و گسترش مبارزات کارگری و تشکل های مستقل کارگری در ایران و انعکاس آن در خارج از کشور و جلب همبستگی بین المللی از آن به پیش برده ایم از همان ابتدا گسترش تشکل ها و همکاری مابین آنها در خارج از کشور نیز بخش مهمی از فعالیت های ما را بخود اختصاص داده است . اکنون با توجه به گسترش مبارزات و فعالیت حول سازمانیابی آن در ایران و با توجه به گسترش تشکل ها در خارج از کشور ، شرایط برای همکاری و اتحاد بر سر منافع جنبش اجتماعی هر چه بیشتر تسهیل شده است.

بر این باوریم که روند اتحاد جنبش ها ، گسترش تشکل ها در محیط کار و زندگی ، ایجاد شورای همکاری در میان آنها و سازمانیابی سراسری مبارزات ، پایه های عینی شکل بخشیدن به آلترناتیو کارگری در ایران خواهد بود. برای تسریع و تقویت چنین روندی ضروری است ما نیز در خارج از کشور حول آن فعالیت های آتی خود را سازمان دهیم. در چنین شرایطی ضروری است تمامی سوسیالیست ها ، فارغ از نوع تشکل ها و نظرات سیاسی ، و

تنها بر مبنای منافع طبقه کارگر، جنبش آلترناتیو کارگری را در مقابل انواع آلترناتیو های بورژوازی تقویت کنند. این وظیفه تاریخی است که در مقابل ما قرار دارد.

بیانیه مصوبه نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

یازده سپتامبر



***- انتظار کارگران شهرداری رودبار برای دریافت معوقات در سال جدید:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1214771>



به گزارش خبرنگار ایلنا؛ در تاریخ 16 فروردین 1401 آمده است: تعدادی از کارگران شاغل در مجموعه شهرداری رودبار در استان گیلان به خبرنگار ایلنا گفتند: چند وقت است که منتظر پرداخت برخی مطالبات عقب افتاده از سوی شهرداری هستیم تا مطالباتمان به روز و تسویه شود.

این کارگران که مدعی اند برخی مطالبات معوقه قدیمی خود را هنوز دریافت نکرده اند و مشکلاتی نیز در زمینه دریافت حق سنوات و بیمه اجتماعی خود دارند، درباره مطالبات مزدی خود گفتند: خوشبختانه در زمینه دریافت حقوق ماهانه جاری (از بدو ورود شهردار جدید) هیچ مشکلی وجود ندارد و به موقع پرداخت می شود اما معوقات ما مربوط به چهار ماه حقوق ماه های فروردین تا مرداد ماه سال گذشته (در زمان مسئولیت شهردار سابق) می شود. همچنین حق مرخصی و اضافه کاری سالهای ۹۲ تا مرداد ماه سال گذشته (۱۴۰۰) را طلبکاریم.

آنها همچنین درباره طلب سنواتی و حق بیمه کارگران شهرداری رودبار اضافه کردند: حق سنوات ما کارگران از سال ۹۸ به بعد پرداخت نشده و حق بیمه همکاران قراردادی شهرداری نیز با مشکل روبرو است.

این کارگران که تعداد آنها نزدیک به ۷۰ نفر است، در ادامه درباره پیگیری مطالبات خود گفتند: در پیگیری مطالباتمان سال گذشته چند تجمع اعتراضی برگزار کردیم که مدیران شهری وقت وعده پیگیری و پرداخت مطالباتمان را تا پایان سال گذشته دادند.

این کارگران در ادامه تصریح کردند: در سال جاری نیز به طبع افزایش چند برابری قیمت برخی کالاهای مصرفی و غیرمصرفی زندگی برای ما کارگرای حداقل بگیر سخت تر خواهد شد بنابراین در خواست ما برای سال جاری وصول مطالبات قدیمی همراه با پرداخت به موقع حقوق ماهانه است هر چند که ارزش ریالی مطالبات قدیمی به مرور کاهش یافته و در صورت عدم پرداخت، دیگر ارزش پیگیری نخواهند داشت. آنها افزودند: امیدواریم تا پایان فصل جاری مطالباتمان به روز شود.

***- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید دادستانی لرندگان ۹ تن از فرهنگیان به نامهای نادر شریفی، کوروش قنبری، زادعلی محمودی، محمد سعیدی ابواسحاقی، کوروش شریفی، حمیداسحاقی، محمد امیری، غلامحسین موسوی و علی بابامیر را برای «پاره‌ای توضیحات» درباره‌ی «انتشار مطالب در فضای مجازی علیه نظام جمهوری اسلامی در راستای تشویش اذهان علیه اقدامات سلبی دستگاه‌های امنیتی و قضایی» به دادگاه فراخوانده است.

***- پرستاران کرمانشاه در خیاباند :**



برپایه خبر منتشره آمده است : نیروهای پرستاری بدون سهمیه کرمانشاه در اعتراض به تعدیل نیروها و عدم تحقق وعده‌های مسئولین در برابر ساختمان استانداری تجمع کردند

***- بازگشت بکار کارگران حق طلب مخابرات اصفهان بدنال کنش های دامنه دارشان وادامه اعتراضاتشان نسبت به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل:**

به گزارش منتشره در تاریخ روز چهارشنبه 17 فروردین، آمده است : کارگران حق طلب مخابرات اصفهان از بازگشت بکارشان بدنال کنش های دامنه دارشان وادامه اعتراضاتشان نسبت به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، خبر دادند.

برپایه گزارش رسانه ای شده، نیروهای شرکتی مخابرات اصفهان که از ابتدای دی ماه سال گذشته به دلیل شکایت به وضعیت خود و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، اثر انگشت آنها حذف شده بود، به کار برگشتند.

آنها گفتند: اواخر سال گذشته جلسه‌ای در فرمانداری تشکیل و پیرو این جلسه نیروها به کار خود برگشتند .

آنها افزودند: قرار بود بعد از بازگشت به کار بین نیروها و شرکت شسکام جلسه‌ای برای به جریان انداختن اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت معوقات حاصل از اجرای این طرح تشکیل شود اما تاکنون این اتفاق نیفتاده است .

آنها ادامه دادند: از ابتدا ما پیگیر اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بودیم که به دلیل این پیگیری، شرکت شسکام اثر انگشت نیروها را حذف و آنها را برای مدتی از کار اخراج کرد. همین موضوع باعث شد اولویت ما بازگشت به کار باشد اما موضوعی که از ابتدا به دنبال آن بودیم را همچنان با قاطعیت پیگیری می‌کنیم و اگر تا آخر این ماه اتفاقی در خصوص اجرای طرح طبقه بندی مشاغل نیفتد شکایت خود را در اداره کار ثبت خواهیم کرد.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: مصطفی نیلی وکیل مدافع، در این روز خبر داد علی یونسی و امیرحسین مرادی دو

دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف، پس از گذشت دو سال، همچنان در بازداشت موقت به سر می‌برند.

***- تجمع فرهنگیان استان فارس مقابل دادگستری قدوسی شیراز برای همبستگی معلم کنشگر غلامی کنذازی :**



به نوشته جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته استان فارس در تاریخ چهارشنبه 17 فروردین آمده است : اعلام همبستگی معلمان فارس با جناب آقای غلامی کنذازی مقابل دادگستری قدوسی شیراز با همراهی همکاران از شیراز، صدا، فراشبند، فیروزآباد، رستم و ممسنی ... به اطلاع معلمان شریف استان فارس می‌رسانیم، ما جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته این استان تصمیم گرفته ایم تا در روز چهارشنبه ۱۷ فروردین ماه، راس ساعت ۱۱:۳۰ جناب آقای غلامی کنذازی از فعالین صنفی فارس را تا درب دادگاه کیفری شیراز واقع در میدان گل سرخ همراهی کنیم. حضور شما همکار گرامی در این کنش مسالمت آمیز باعث دلگرمی و اتحاد بیشتر بین مطالبه گران صنفی خواهد بود و بار دیگر نشان از اتحاد میان معلمان می باشد.

***- تجمع رزیدنت های دندانپزشکی اصفهان:**



برپایه خبرمنتشره آمده است : تجمع اعتراضی رزیدنت های دانشکده دندانپزشکی اصفهان در اعتراض به عدم دریافت کمک هزینه تحصیلی برابر با رزیدنت های پزشکی

***- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید واحد صوفی، جمال علوی، آکو احمدی، رحیم احمدی، ناصر روزخون، لقمان شنگه، ویسی قادری، امیر سلطانی و متین خوله، ۹ شهروند اهل شهرستان مهاباد به اداره اطلاعات و اطلاعات سپاه این شهرستان احضار و به دلیل شرکت در مراسم نوروز مورد بازجویی قرار گرفته‌اند.

***- خانواده هابه حضور اجباری دانش آموزان در مدارس بهبهان، تجمع اعتراضی نمودند:**

برپایه خبرمنتشره در روز چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۱، آمده است: در پی اعلام حضور اجباری دانش آموزان در شرایط کروناویروس و همچنین عدم امکانات سرمایه‌اشی و تهویه هوا در بیشتر کلاس های مدارس بهبهان خانواده های بهبهانی مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع اعتراضی برگزار نمودند.

پیوند مطالبات معلمان با اکثریت جامعه که همان دانش‌آموزان و والدینشان هستند هم شامل آموزش استاندارد در شرایط کرونایی است و هم شامل اصل سی قانون اساسی و تاکید بر آموزش رایگان، کیفی و عادلانه است. مردم و معلمان با پولی‌سازی آموزش به اشکال مختلف مخالفند و معلمان صدها بار این موضوع را در فراخوان‌ها و بیانیه‌های خود مطرح کرده‌اند.

***- جمعی از کارگران مجتمع پتروشیمی ایلام برای احقاق حقوق برحقشان، دست به اعتراض زدند:**

برپایه خبرمنتشره آمده است: جمعی از کارگران پتروشیمی ایلام واقع در شهرستان چواردرستان ایلام از ادامه کنش هایشان برای احقاق حقوق برحقشان، خبردادند. آنها به خبرنگار گفتند: ما جمعی از کارگران روزمزد پتروشیمی چوار هستیم با چندین سال سابقه‌ی کاری در همین پتروشیمی؛ نزدیک به یکسال و نیم هست که به عنوان ۱۵ روز کار و ۱۵ روز تعطیلی، مشغول به فعالیت هستیم البته بدون عیدی، سنوات و پاداش. آنها افزودند: برای عیدی و سنوات چندین بار اعتراض کردیم که چرا به ما عیدی و سنوات تعلق نمی‌گیرد؛ قول‌هایی به ما دادند؛ قرار بود از طرف شرکت یه مبلغی به عنوان پاداش برای تمام کارگران روزمزد در نظر بگیرند و به آنها پرداخت بشود اما سال تمام شد و خبری از پرداخت نشد. باقی کارکنان شرکت، عیدی و سنوات خود را به موقع گرفته‌اند؛ سوال ما این است که مگر ما پرسنل پتروشیمی نیستیم، چرا از تمام مزایا محرومیم؟ آنها ادامه دادند: مقامات پتروشیمی پاسخ روشنی نمی‌دهند؛ می‌گویند هنوز دستور پرداخت صادر نشده؛ این کارگران معترض در خاتمه گفتند: امیدواریم در سال جدید از امکانات و مزایای قانون کار از جمله سنوات و عیدی بهره‌مند شویم. یکی از کارگران نیز گفت: آیا زمان پرداخت عیدی پایان سال نیست؟ چرا سال جدید شروع شده و هنوز دستوری برای پرداخت صادر نکرده‌اند؟

***- شاخص فلاکت در ایران رکورد زد:**

نرخ تورم از ۲۱،۵ درصد در پایان سال ۹۰ به ۴۰،۲ درصد در پایان سال ۱۴۰۰ رسیده و در همین مدت نرخ بیکاری از ۱۲،۳ درصد به ۹،۴ درصد کاهش یافته است.

با این حال شاخص فلاکت بعنوان مجموع نرخ تورم و نرخ بیکاری از ۳۳،۸ درصد در پایان سال ۹۰ به رقم ۴۹،۶ درصد در پایان سال ۱۴۰۰ رسیده که بالاترین شاخص فلاکت در طول ۱۱ سال گذشته است.

***- کارگران کشت و صنعت لرستان نسبت به لغو قرارداد مستقیم مقابل شرکت، دومین روز تجمع اعتراض خود را سازمان دادند:**



برپایه خبرمنتشره در روز چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۱، آمده است: برای دومین روز متوالی، کارگران کشت و صنعت لرستان با برپایی تجمع مقابل شرکت اعتراضشان را نسبت به لغو قرارداد مستقیم و بخطر افکندن امنیت شغلی و معیشتیشان را بنمایش گذاشتند.

تجمع کنندگان که تاکنون به صورت قرارداد مستقیم با شرکت کشت و صنعت مشغول به کار بوده‌اند نسبت به پایان کار با شرکت و تبدیل وضعیت و عقد قرارداد با پیمانکار جدید اعتراض دارند و نوک پیکان این اعتراضات را ادامه قرارداد همکاری در چارچوب قرارداد با پیمانکاران هدف قرار داده است.

این کارگران که بار اصلی کار نیز بر دوش آنان است، به خبرنگاریک رسانه محلی گفتند: با ورود پیمانکاران چیزی به نام امنیت شغلی وجود نخواهد داشت و از قرارداد دائم کار محروم خواهند شد و از سوی دیگر با تبعیض مزدی روبه‌رو خواهند شد.

***- کارگران پسماند شهرداری بجنورد نسبت به نداشتن امنیت شغلی مقابل فرمانداری ، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه خبرمنتشره در روز چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۱، آمده است: کارگران پسماند شهرداری بجنورد برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به نداشتن امنیت شغلی مقابل فرمانداری مرکز استان خراسان شمالی تجمع کردند و خواهان عقد قرارداد مستقیم شدند.

***- اعتراض کارگران «پتروشیمی چوار ایلام» / چرا کارگر ساده با حداقل دستمزد؟**
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1215406>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 17 فروردین 1401 آمده است: امروز (هفدهم فروردین) نیروهای روزمزد پتروشیمی چوار ایلام مقابل استانداری این استان تجمع کردند.

این نیروها که پانزده روز کار و پانزده روز مرخصی دارند؛ در ارتباط با دلایل اعتراض خود گفتند: ما حدود ششصد نفر هستیم که با شرایط خیلی سخت کار می‌کنیم در واقع با شرایط سه شیفت اما با قرارداد کارگر ساده! خواسته‌ی ما این است که تکلیف‌مان را روشن کنند و جزو چارت سازمانی پتروشیمی باشیم و حقوق و مزایای کامل بگیریم؛ در حال حاضر ما با حداقل حقوق و به سختی روزگار می‌گذرانیم؛ حتی عیدی و پاداش و سنوات نداریم.

یکی از این نیروها می‌گوید: قرار بود حدود سیصد نفر از نفراتی که سال ۹۹ بیمه داشتند و تا آخر پروژه و تا مرحله راه‌اندازی در شرکت بودند، جذب شوند اما بعد از مرحله راه‌اندازی این وعده را فراموش کردند. حالا مدیران پتروشیمی می‌گویند تکلیف نیروها را روشن می‌کنیم و نیروهای باسابقه را جذب می‌کنیم اما استانداری مخالف است؛ امروز به استانداری مراجعه و با مسئولان آن صحبت کردیم گفتند ما هیچ مشکلی نداریم. هیچ کدام جواب روشنی به ما نمی‌دهند و نمی‌دانیم چرا.

او ادامه می‌دهد: چرا کارگر متخصص مکانیک باید به عنوان کارگر ساده قرارداد امضا کند و از مزایای مزدی محروم باشد؛ ما درخواست داریم تکلیف ما را روشن کنند اگر به ما نیاز دارند در اسرع وقت نسبت به جذب سازمانی ما اقدام نمایند.

***- جمعی از خانواده و اولیای دانش آموزان بندربعاس نسبت به رعایت پروتکل‌های بهداشتی در مدارس مقابل اداره آموزش و پرورش ناحیه دو، تمع اعتراضی نمودند:**

روز چهارشنبه 17 فروردی، برپایه خبرمنتشره در روز چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۱، آمده است: جمعی از خانواده و اولیای دانش آموزان بندربعاس مقابل اداره آموزش و پرورش ناحیه دو بندربعاس تجمع کرده و خواستار رعایت پروتکل‌های بهداشتی در مدارس شدند.

تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: گرمای هوا و نبود سیستم سرمایش مناسب و کافی در مدارس باعث شیوع بیماری در فرزندان‌شان می‌شود و جان آنها را به خطر می‌اندازد چرا که اکنون دمای هوا در بندربعاس بالای 35 درجه و با رطوبت بالاست و دانش آموزان نمی‌توانند پنجره کلاس‌ها را برای تهویه مناسب باز بگذارند.

***- احضار ۹ تن از فرهنگیان شهرستان لردگان به شعبه ی سوم دادیاری دادگاه انقلاب:**

دادستانی لردگان « نادر شریفی، کوروش قنبری، زادعلی محمودی، محمد سعیدی ابواسحاقی، کوروش شریفی، حمید اسحاقی، محمد امیری، غلامحسین موسوی و علی بابامیر» را برای پاره ای از توضیحات مبنی بر انتشار مطالب در فضای مجازی علیه نظام جمهوری اسلامی در راستای تشویش اذهان علیه اقدامات سلبی دستگاه های امنیتی و قضایی به دادگاه فراخوانده است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از فعالان صنفی لردگانی این خط سرکوب را محکوم نموده و خواهان مختومه شدن پرونده این عزیزان است.

برگرفته از کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

***- سومین روز اعتراضات کارگران کشت و صنعت لرستان نسبت به لغو قرارداد مستقیم با برپایی تجمع مقابل استانداری:**



برپایه خبرمنتشره در روز پنج شنبه 17 فروردین، آمده است: کارگران کشت و صنعت لرستان نسبت واقع در 15 کیلومتری محور خرم‌آباد اندیمشک در سومین روز اعتراضشان نسبت به لغو قرارداد مستقیم و بخطر افتادن امنیت شغلی و معیشتیشان دست به تجمع مقابل استانداری لرستان زدند.

***- محکومیت کیامرز حیدری به 2 سال زندان به اتهام توهین به خامنه‌ای:**

برپایه خبر منتشره آمده است: حیدری در روز ۲۲ اسفند ۱۴۰۰ به اتهام توهین به رهبر بوسیله ی رییس شعبه ۲ دادگاه انقلاب دزفول «محمد مخمل زاده» به دو سال زندان محکوم شد

کیامرز حیدری مینی بوس دار ، که به مدت هشت سال در شرکت «دکل‌های حفاری کشور» (که جای ثابتی ندارند) مشغول به کار بود .

وی در سال ۱۳۹۸ به خاطر اینکه مدل ماشین ایشان پایین بود از کار اخراج شد.

***- ادامه احضار و سرکوب معلمان:**

به گزارش کانال خبری کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران آمده است : بنابر اطلاع پرونده آقای یحیی قربانزاده به شعبه 3 انقلاب-اهواز ارجاع شده است. آقای قربانزاده معلم در باغملک استان خوزستان است .

احضار فعالان صنفی در اسفندماه در استان‌های مختلف به ویژه خوزستان افزایش یافته است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از این معلم، بارها اعلام نموده که این احضارها غیرقانونی و بی‌پایه است و خواهان توقف این پرونده‌سازی‌ها است و به این خط سرکوب پاسخ مناسب خواهد داد.

***- رضا خندان (مهابادی): من باز می‌گردم!**



من باز می‌گردم
یادداشتی از رضا خندان (مهابادی)

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران آمده است: آنچه می‌خوانید یادداشتی است از رضا خندان (مهابادی)، نویسنده، پژوهشگر و عضو زندانی کانون نویسندگان ایران

باز می‌گردم

این یادداشت زمانی منتشر می‌شود که من در زندان هستم. حبسی دو پاره شده با اتفاقاتی چند. حکم ناعادلانه ما در مهر ۱۳۹۹ به اجرایی ناعادلانه درآمد و ما راهی زندان اوین شدیم. بکتاش آبتین بود و کیوان باژن بود و من. وقتی پا به حیاط زندان گذاشتیم، داشتیم سعی می‌کردیم با شوخی‌های دوستانه غربت و رعب ذاتی زندان را که بر جان زندانی می‌خزد و در آن نفوذ می‌کند، پس بزنیم؛ پس زدیم. مدتی بعد، از آن سه تن، بکتاش متأسفانه در پی بی‌توجهی زندانبانان به بیماری‌اش که رسم معمول آن دستگاه به‌ویژه نسبت به جان و سلامت زندانیان سیاسی است، مقتول شد و کیوان، خوشبختانه، چندی پیش به‌طور مشروط آزاد. حالا من پس از صد روز که بیرون از زندان به کار درمان گذراندم بار دیگر به زندان بازگردانده می‌شوم تا باقیمانده حبس پنج ساله را، به زبان زندانیان، «یک‌شتم». این بار اما تنها هستم. در کنار من نه از آن دوستان اثری هست و نه از شوخی‌های دوستانه خبری.

داخل زندان آرش گنجی هست. عضوی دیگر از کانون نویسندگان ایران که با پرونده‌سازی دستگاه امنیتی به ۱۱ سال حبس محکوم شده که پنج سال آن اجرایی است.

در سه ماهی که به درمان بیماری کرونا و عوارض آن مشغول بودم بسیاری، آشنا و ناشناس از داخل و خارج، با حمایت‌ها و مهربانی‌هایشان مرا مورد لطف قرار دادند. از آنها، اعم از افراد و تشکل‌ها سپاسگزارم. به ویژه از کانون نویسندگان ایران.

این توجه شوق‌انگیز نشان می‌دهد که جنبش آزادی بیان و مخالفت با سانسور، با وجود سرکوب شدید حکومت، از همبستگی اجتماعی نسبتاً خوبی برخوردار است. همین همبستگی بود که از یاد بکتاش پرچم ساخت و نگذاشت مانند بسیار موارد دیگر در خاموشی به سوی فراموشی رانده شود. انعکاس همین همبستگی در اقبال مختلف مردم است که خود را به صورت همدلی با زندانی سیاسی نشان می‌دهد و من آن را در مدتی که مشغول مداوا بودم به‌عینه دیدم.

این جنبش در کل قرن بیستم، و تا اکنون قرن بیست‌ویکم در جامعه حضوری پرفرازونشیب داشته است. در تمام این سال‌ها زیر دست سرکوب‌گر دولت‌های رنگارنگ مستبد بارها به خاک‌وخون کشیده شده، هزاران سال زندان و تبعید را متحمل شده، تا مرز نابودی رفته و باز برپا ایستاده است. و این پایداری و پیگیری را از نیاز جامعه به هدف اصلی خود، یعنی آزادی بیان گرفته است.

به‌همین سبب با وجود سرکوب خشن، با وجود زندان و تبعید و بایکوت و دیگر فشارها و محرومیت‌ها که دستیابی به آزادی بیان را برای آزادی‌خواهان دشوار و با رنج و درد بسیار همراه می‌کند، جنبش آزادی بیان و مخالفت با سانسور همچنان حضور دارد. این شعله

خاموش‌شدنی نیست که اگر بود، در بیش از یک قرن استیلای حکومت‌ها و دولت‌های مستبد مخالف آزادی بیان در تاریخ معاصر این سرزمین، اثری از آن بر جای نمی‌ماند. اما نه فقط مانده و پایداری کرده، که بر عمق و دامنه خود افزوده است. به‌ویژه در چهل سال اخیر که مقابله صاحبان قدرت با آن شدتی تام و تمام داشته است. از این زاویه صدور حکم‌های ناعادلانه و ضد حقوق انسانی و دربند و بر بند کردن انسان‌هایی که حق آزادی بیان خود را عملی کرده و می‌کنند، گرچه در راه رسیدن به مقصود مانع و دشوار ایجاد می‌کند، راه را یکسر بی‌رهرو نتواند کرد. آزادی بیان نیاز جامعه است، نیازی که در گذر زمان بر میزان آن افزوده شده و اکنون به خواست اساسی، میرم و روزمره مردم تبدیل شده است. و این نقطه قوت جنبش است که در برابرش کار چندانی از تیغ و زندان و زنجیر بر نمی‌آید.

در پی احضار دادیاری زندان، من باید ۲۶ اسفند سال گذشته به زندان برمی‌گشتم اما تازه از زیر تیغ جراحی بیرون آمده بودم و بیم از عواقب شرایط زیست و بهداشت زندان موجب شد از معرفی خودداری کنم. چند روز بعد دادیاری ابلاغیه‌ای برای وثیقه‌گذار فرستاد با این مضمون که چنانچه مرا تحویل زندان ندهد وثیقه ضبط می‌شود. اکنون می‌روم که بقیه حکم ناعادلانه و غیر انسانی پنج سال حبس را بگذرانم. گرچه این ستمکاری‌ها سرما را در رگ‌هایم جاری می‌کند، دلم گرم است به جنبش آزادی بیان که زیر آسمان این سرزمین جریان دارد.

از همه کسانی که در این مدت به شیوه‌های مختلف از من حمایت کردند، از دوستان نویسندگان و غیر نویسندگان تا فعالان تشکل‌های گوناگون، از کانون نویسندگان ایران تا پزشکان و پرستارانی که با آنها سروکار داشتم، و نیز از خانواده‌ام سپاسگزارم.

من باز می‌گردم!

***- درخواست کارگران اپراتور آبغای اهواز برای دریافت مطالبات عقب افتاده:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1215521>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: تعدادی از کارگران سپتیک و اپراتور آبغای اهواز در تماس با خبرنگار ایلنا گفتند: بابت یک ماه مطالبات مزدی اسفند ماه سال ۱۴۰۰ طلبکاریم و باتوجه به افزایش گرانی‌ها از شرکت آب و فاضلاب می‌خواهیم بدهی معوقه خود را به همراه مابقی عیدی هر چه سریعتر پرداخت کند.

به گفته آنها؛ هم اکنون حدود ۳۰۰ کارگر به عنوان سپتیک و اپراتور در شرکت آب و فاضلاب اهواز به صورت پیمانکاری مشغول کارند. کارگران همواره با توجه به افزایش روزافزون قیمت مواد مصرفی و غیرمصرفی نگران تامین معیشت خانواده‌های خود هستند.

براساس گفته‌های کارگران؛ در روزهای پایانی سال گذشته کارفرما حدود دو سوم عیدی کارگران را به صورت علی‌الحساب پرداخت کرد و مابقی آن هنوز باقی مانده است. جدا از اینکه یک ماه حقوق اسفند ماه را طلبکاریم، در عین حال مطالبات قدیمی نیز از سال ۹۸ تا ۹۹ داریم که هنوز پرداخت نشده است.

این کارگران با بیان اینکه تاخیر در پرداخت حقوق و سایر مطالبات کارگران به یک روال تبدیل شده است، در ادامه گفت: متأسفانه شرکت‌های پیمانکاری برای پرداخت به موقع حقوق و

عیدی و سایر مطالبات معوقه کارگران تحت مسئولیت خود، مرتبا کمبود منابع مالی را بهانه می‌کنند بنابراین با این استدلال پرداخت مطالبات کارگران را به ماه‌ها و سال‌های بعد موکول می‌کنند و در برخی موارد حتی حاضر به پرداخت آن نمی‌شوند.

او در پایان افزود: ما کارگران اپراتور آب و فاضلاب اهواز برای رفع مشکلات معیشتی خانوادگی خود با توجه به گرانی‌های افسارگسیخته خواستار وصول طلب‌های عقب‌افتاده خود هستیم.

ویژه هشت مارس ۲۰۲۲

ضمن تبریک روز جهانی زن به تمام حضار تم برنامه اتاق، زنان و آنلاین‌تویو در مقابل ستم و تبعیض جنسیتی و طبقاتی است!

با دروهای فراوان به همه رفقای حاضر در کلاب هاوس به مناسبت 8 مارس روز جهانی مبارزه زنان خوش آمدید!

این برنامه با همکاری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران، کارزار پشتیبانی از کارگران ایران، شورای همراهی با آنلاین‌تویو کارگری در ایران، زن و برابری و سازمان راوا برگزار میشود.



ستم مضاعف زنان سابقه تاریخی در زندگی انسانها داشته است و از قدیمی ترین ستمهایی است که با پیدایش طبقات، تقسیم کار اجتماعی و تشکیل خانواده بوجود آمد. سرمایه داری ضمن مقدس کردن خانواده و کارخانگی بدون مزد زنان، آنها را با خرید ارزان نیروی کارشان به محل کارکشاند. به عبارت دیگر ستم بر زنان را بنا به نیازش در اشکال دیگری بازتولید کرد. چنان شرایطی ملزومات مبارزه زنان کارگر برعلیه سرمایه داری و نیز رفع تبعیض را فراهم کرد و روز هشت مارس را در تاریخ رقم زد. به هر درجه که مبارزه طبقه کارگر که زنان نیمی از جمعیت آن را تشکیل می دهند اجتماعی می شود، مبارزه برعلیه رفع انواع ستم و بویژه رفع ستم مضاعف نیز گسترش می یابد. درصد سال گذشته، با گسترش مبارزات اجتماعی طبقه کارگر، شرایط عینی برای رفع تبعیض مضاعف نیز فراهم شد و زنان توانستند عموماً به دستاوردهایی دست یابند و موقعیت اجتماعی خود را ارتقاء دهند. دستیابی به آزادی های فردی و اجتماعی و بهره مندی از خدمات اجتماعی نتیجه مبارزه زنان و پی گیری فعالین زن آگاه طبقه کارگر در چنین شرایطی بوده است.

سیاست های اقتصادی نئولیبرالیستی، با یورش خود به نهادهای اجتماعی و درهم شکستن ساختار درونی آنها که با هدف جلوگیری از کاهش سود و افزایش بارآوری نیروی کار صورت گرفت، هویت های فردی را در مقابل توانایی های اجتماعی برجسته کرد. چنین یورش با سیاست جهانی کردن اقتصاد در نقاطی از جهان نتایج فاجعه باری برای گروههای اجتماعی منجمله زنان را به همراه داشته است. در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و حتی آمریکای لاتین، سرمایه با اتکاء به مذهب و ارتجاع برای زنان شرایطی فراهم کرد که در معرض آسیب های جدی قرار گرفتند. بازار آزاد نئولیبرالیستی و تعدیل نیروی کار و قراردادهای

موقت و حذف خدمات اجتماعی دست سرمایه داری را برای شدت استثمار بویژه در میان زنان کارگر بازتر کرد. سیل عظیم مهاجرت و آوارگی ناشی از جنگ و عدم امنیت جانی موقعیت شکننده زنان را تشدید کرد. شکل دادن حاکمیت اسلامی در ایران و افغانستان نتیجه مستقیم استراتژی سرمایه جهانی بود و اولین قربانی های آن زنان بودند.

با تشکیل حکومت اسلامی در ایران، زنان اولین گروه اجتماعی بودند که با شعار "ما انقلاب نکردیم، تا به عقب برگردیم" به میدان آمدند و خاطر نشان ساختند که با پوشش حجاب اجباری نمی توانند، آنان را از مبارزات و احقاق حقوقشان باز دارند. در طول حاکمیت سرمایه داری ارتجاع اسلامی، با وجود سرکوب به اشکال مختلف، موفق نشدند زنان را به سکوت وادارند. در دو دهه گذشته با گسترش مبارزات کارگری، بخش های مختلف جامعه، بویژه زنان، در اعتراضات و مبارزات روزمره شرکت وسیع داشته و دارند.

شرکت فعال زنان در اعتراضات جاری، معلمین، بازنشستگان، پرستاران را امروز شاهدیم. آلترناتیو کارگری که آلترناتیو زنان و مردان کارگر است، شکل گیری جنبش سازمان یافته زنان را ضروری میسازد.



زندانهای رژیم سرمایه داری اسلامی در ایران مملو از زندانیان سیاسی است و دهها زن مبارز کماکان در زندانها با شرایط سخت مبارزه میکنند، زینب جلالیان سالها است در زندان بسر میبرد و بیش از 600 روز است که از ارتباط با خانواده و وکیلش محروم است.

سپیده قلیان در محل تبعیدش زندان بوشهر به کرونای شدید مبتلا شده است و به جای انتقال به بیمارستان او را به قرنطینه منتقل کرده اند و جان او در خطر است و نباید اجازه داد که سپیده را مانند آبتین بکشند.



با کمال تاسف و اندوه فراوان پانته آ بهرامی زنی روشنفکر و ژورنالیستی فعال، نویسنده و کارگردان فیلمهای مستند پس از سالها مبارزه با بیماری ترکمان کرد. زندگی و کار خستگی ناپذیر پانته آ همواره در جهت آگاهی زنان و مبارزه برای آزادی و برابری تداوم یافت. یادش را گرمی میداریم و راهش را ادامه میدهیم.

در برنامه امشب تعدادی از فعالین زنان پرایمان سخن میگویند و در طول برنامه چند شعر قرائت میشود و سپس وارد بخش بحث آزاد میشویم. در پایان به رفقای زن مهمان جلسه فرصت میدهیم که صحبت های آخر خود را ارائه دهند.

باردیگر از حضورتان در جلسه امشب به مناسبت روز جهانی مبارزه و همبستگی زنان تشکر میکنیم و امیدواریم که با کمک همدیگر جلسه مفیدی برای پیشروی هرچه بیشتر جنبش مستقل زنان داشته باشیم.



زنان کارگر، دستمزدها و 8 مارس

سحر صبا

در آستانه تعیین دستمزدها هستیم، این فرصت را یافتیم در این روز خجسته در مورد این موضوع مهم زنان کارگر، دستمزدها بحث را ارائه دهیم.

8 مارس در راه است گروهها و گرایشها متفاوت بورژوازی بخصوص چپ سرمایه خود را برای گرامیداشت این روز، تحت عنوان جشن روز جهانی زن آماده می کنند. هشت مارس همانند روز جهانی کارگر از محتوای طبقاتی خود تهی شده است. این روز آن چنان در نهاد های سرمایه ادغام شده است که در سال 1977 (سازمان ملل متحد) روز جهانی زن را به رسمیت شناخت و طی قطعنامه ای از کشورهای عضو خود دعوت کرد که این روز را به جشن "حقوق زنان و صلح جهانی" اختصاص دهند.

اما از دیدگاه طبقه کارگر و سوسیالیستها روز جهانی زن ریشه در جنبش طبقاتی کارگران و مبارزه خونین آنها دارد. روز 8 مارس 1857 در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و شرایط مشقت بار کاری، زنان کارگر کارخانجات نساجی آمریکا دست به تظاهرات زدند. پلیس بشکل وحشیانه ای تظاهرات زنان کارگر را سرکوب کرد که منجر به زخمی و دستگیر شدن عده ای شد. سالها بعد، 8 مارس 1907 کارگران زن صنایع نساجی آمریکا با خواست 10 ساعت کار روزانه دست به تظاهرات زدند که مجددا با سرکوب وحشیانه پلیس بورژوازی مواجه شد. سال بعد از آن کارگران با خواست های «حق رای زنان» و ممنوعیت کار کودکان به تظاهرات پرداختند. بتدریج این روز، به روز نبرد طبقه کارگر با بورژوازی برای کسب شرایط بهتر کاری و حقوق اجتماعی تبدیل شد. در واقع "روز زن" حلقه ای از زنجیره نیرومند جنبش کارگری زنان است.

لازم است توضیح مختصری داده شود به این موضوع که از کجا نابرابری بین زن و مرد شکل گرفت. که به دو شکل نابرابری جنسیتی و طبقاتی خودش را در نظامهای مختلف تا به امروز نشان داده است. فقط از نظر تاریخی در یکدوره که آن هم دوره کمون بود که زنها با مردان کاملا برابر بودند. اما بعد از آن در نظامهای مختلف طبقاتی که مالکیت خصوصی دست بالا را پیدا کرد و خانواده تک همسری شکل گرفت که زن در خانواده در موقعیتی قرار گرفت که به خانه رانده شد و در کنار کارهای خانگی وظیفه مادری و همسری او برجسته شد. وظیفه زن این بود که ضمن زاد و ولد وارثانی را برای انتقال ارث خانواده تربیت نماید. در کنار وظائف همسری و مادری بخشی از تولیدات خانگی هم از طریق زنان انجام میگرفت که کمک خرجی برای خانواده محسوب میشد. بهمین دلیل کار زنان از ابتدا در سطح پائین تری از کار مردان قرار گرفت. مزد مرد از ابتدا بر این حساب شده بود که بتواند تمام نیازمندیهای کل خانواده را تامین کند، اما مزد زن فقط برای برآوردن نیازمندیهای یک نفر در نظر گرفته شد، توانائی کاری زنان کمتر از مردان ارزیابی شد و در نتیجه مزد کمتری برای آنها در نظر گرفته شد. بمرور کارگران متاهل باید ضرورتا روی مزد زنان حساب میکردند. بنابراین، نقش زن در عرصه تولید برجسته شد درست نیروی کار او مانند یک کارگر مرد ارزش پیدا نمود، از وابستگی اقتصادی به مرد رهائی پیدا نمود. مردها فکر می کردند که فقط آنان می بایست فشار مبارزه علیه سرمایه را بر روی شانه های خود تحمل کنند، که فقط آنان می بایست با "دنیا کهنه" بجنگند، بدون کمک زنان هم طبقه ایشان. اما، از زمانی که زنان وارد بازار کار شدند طبقه کارگر به صف مبارزه انسان هایی که نیروی کارشان را می فروشند، کارگران مرد به این واقعیت دست یافتند که تنها گذاشتن زنان و رها کردن آنها بعنوان هم طبقه ایهای خود در عمل به هدف های مبارزاتی آنها لطمه زده و مانعی در متحقق شدن اهدافشان می باشد

زن شاغل صنعتی که جایگاهش در خانواده به عنوان زائده اقتصادی دیگر غیر ممکن می نمود بدین امر راضی شد که خود نیرویی اقتصادی است و از نظر اقتصادی دیگر به مرد وابسته نیست. اکنون که او از نظر اقتصادی به مرد وابسته نبود اما این خود زن نبود که این عدم وابستگی اقتصادی را بوجود آورده بود بلکه سرمایه داران و نظام سرما یه داری بود. زن رهائی یافته از سلطه اقتصادی مرد به نیروی اقتصادی سرمایه داری وابسته شد و از بردگی مرد، به بردگی کارفرما در آمد. او تنها آقا و اربابش عوض شده بود. در اینجا از نظر کاری زن همسان مرد بود. اما سرمایه دار تنها به این راضی نبود که از نیروی کار زنان بهره کشی کند بلکه با استفاده از وجود زنان نیروی کار مردان را نیز به بدترین شکل استثمار نمود. مزد زنان پائین تر و ارزان تر از مردان در نظر گرفته شد، با این منطقی که اصولاً زنان نیازهای کمتری از مردان دارند. چیزی که کاملاً نیروی کار زنان را برای سرمایه داری پرسود و با منفعت می سازد. تنها ارزان بودن آنها نبود بلکه فرمانبری بیشتر زنان نیز بود. سرمایه داران از دوجهت سود بردند، نخست



مزد زنان را تا حد امکان ارزان پایه گذاری کردند و دوم اینکه از طریق رقابت، مزد مردان را هم کاهش دادند، بهمین شکل کار کودکان را ایجاد نمودند که در مقابل آن مزد زنان را کاهش دادند و امروز شاهد هستیم کار ماشین به نوعی نیروی کار انسانی را کاهش داده است.

واقعیت این است که بازار کار در همه جای جهان با تقسیمات جنسی همراه است. علاوه بر تبعیض جنسیتی، بازار

کار سرمایه داری مبنای انباشت سرمایه بیشتر را با استثمار زنان کارگر در مزد نابرابر در ازای کار برابر با مردان کارگر بنیان نهاده است. این نابرابری مزدی شامل مشاغلی میشود که به مهارت کمتری نیاز دارند و دستمزدشان کمتر و بی ثباتترند. این تقسیم جنسی کار، منشاء آن هر چه باشد، در همه جای دنیا مثل هم عمل می کند. زنان کارگر به علت جایگاه طبقاتیشان جزء اولین قربانیان بحران های سرمایه داری ناشی از اجرای سیاست های اقتصادی نئولیبرالی هستند. آنها به علت عدم امنیت شغلی در بسیاری از موارد مجبوراند که به خواسته های غیرانسانی کارفرما مثل دستمزد پائین تر، قراردادهای موقت کار یا قراردادهای سفید، مجرد بودن و نداشتن فرزند و... تن دهند. در بخش هایی که بی ثباتی شغلی بطور روتین موجود است امروزه می توان از افزایش این بی ثباتی صحبت کرد و نتیجه این است که موقعیت ناامن شاغلین زن را بازهم ناامن تر کرده و رقابت میان آن ها را افزایش و دستمزدهای واقعی شان را کاهش داده است؛ و زنان کارگر هم که عمدتاً در این بخش ها اشتغال به کار دارند و درصد قابل توجهی را شامل میشوند. از سوی دیگر به علت کاسته شدن خدمات عمومی بیش از همه زنان را که بار عمده کار خانگی و نگهداری از فرزندان را بر دوش دارند تحت فشار قرار می گیرند. روند کاهش یافتن هزینه های عمومی از قبیل بیمه ها و خدمات درمانی و اجتماعی تا به امروز به شکل چشمگیری ادامه داشته است.

زن کارگر وقتی شاغل است به شدیدترین نحو استثمار می شود، به حکم زن بودنش در بازار کار در پائین ترین موقعیت قرار دارد، او کارگری است که در کارهای شاق و یکنواخت و ناامن و حاشیه ای اشتغال دارد، و اگر به قطعه کاری در خانه و فعالیت در بخش غیررسمی مشغول نباشد بیشترین سهم از قراردادهای سفید و موقت بدون امضاء را دارا میباشد. عمدتاً در کارگاههای کوچک زیر ده نفر و خارج از شمول قانون کار مشغول است و دستمزدش در سطح پائین ترین مزدهای زیر خط فقر است. در کارگاههای قالبیافی و کوره پزخانه ها که کار با اعمال شاق و از ساعت کار طولانی برخوردار است زنان تقریباً یک پنجم همین حقوقهای چندین برابر زیر خط فقر را دریافت می کنند در واقع استثمار فوق العاده در برابر کار رایگان که توأم با بردگی است.

موجودیت زنان در کل به عنوان یک انسان در حکومت ارتجاعی و مذهبی جمهوری اسلامی نادیده گرفته شده و با وجود اینکه نصفی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند اما از هر نوع حقوق اجتماعی - اقتصادی و سیاسی محرومند. وضعیت فاجعه بار اقتصادی ای که در ایران موجود است، فقر و گرانی افسارگسیخته، زندگی و هستی میلیونها نفر از کارگران و زحمتکشان را در معرض نابودی و خطر جدی قرار داده است. اما در این میان وضعیت زنان کارگر که اغلب نیز سرپرست خانواده هستند در شرایط بحرانی موجود، به علت مشکلات اقتصادی که پیش رو دارند بمراتب از هم طبقه ایهای مرد کارگیشان نیز بیشتر و اسفبارتر است. در اثر این بحرانها بیشترین درصد اخراجیها را شامل میشوند، هر ساله به اجبار شمار زیادی از زنان کارگر شاغل در کارخانه های بزرگ به کارگاههای کوچک خارج از شمول قانون کار رانده شده و یا جذب بازارهای غیر رسمی کار و کارهای کاذب میشوند و ناگزیراند به ساعات طولانی کار و دستمزدی بسیار پائین تر از دستمزد اعلام شده، بدون بیمه و بازنشستگی و سایر مزایای رسمی تن دهند، درصد بیکاری زنان دو الی سه برابر مردان است



زنان کارگر از نظر سطح حقوق و مزایای شغلی هنوز با مردان فاصله ی زیادی دارند و در بهترین حالت، برغم کار مساوی و نرخ استثمار برابر با مردان، میزان حقوقشان ۶۰٪ حقوق مردان است. علاوه بر اختلاف دستمزد، زنان در محل کار با انواع خشونتها و نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و جنسی و... غیره هم مواجه هستند، از

تفاوتهایی اساسی موجود بین کار زنان و مردان کارگر، بخصوص در شرایط امروز جامعه ایران این است که بخش عظیمی از زنان یا بیکار هستند یا به کارهای انعطاف پذیر و پاره وقت مشغولند و مجبورند برای زنده ماندن و امرار معاش خود و خانواده هایشان به این چنین استثمار وحشیانه ایی تن دهند، و از هیچ حق و حقوق قانونی برخوردار نیستند، به علت نداشتن مهارت و تخصص در بسیاری از کارها مزد آنها کمتر از مردان کارگر میباشد و به علت وجود یک " لشکر ذخیره نیروی کار" مزد زنان کارگر دائماً پایین نگه داشته میشود. در شرایط فعلی در حدود بیش از یک میلیون از زنان که بشدترین شکل استثمار میشوند و سودهای نجومی میسازند نامشان در هیچ ارقام و آماری ثبت نشده است. آنها مشمول قانون کار و بیمه های اجتماعی نیستند.

تاثیر بحران بر زنان کارگر در ایران در شرایط فعلی که آنها را با مشاغل بی ثبات و یا اشتغال در واحدهای کوچک روبرو نموده، آنها را در معرض بیکاری و نا امنی شغلی قرار می دهد. به علاوه این که با دشوار تر شدن شرایط کاری و زیستی و تحت فشار های اقتصادی خشونت های خانگی هم بالا می گیرد و زنان از این سو هم باید تاوان بحران مسائل خانوادگی را در خانه هایشان را هم بپردازند. شرایط اپیدمی کرونا در دو سال اخیر تاثیرات بسیار مخرب بر سطح معیشت خانواده های کارگری گذاشته، در مجموع با تنگ تر شدن فشارهای ناشی از بحران اجتماعی پیامدهای مخاطرات اجتماعی رو به افزون بوده و خانواده های کارگری را بیشتر تهدید می نماید و نتیجه آن با فاجعه افزایش کودکان خیابانی و دختران فراری و تن فروشی همراه و ختم شده است.

چگونه می توان از تحقق واقعی برابری حقوقی زن در خانواده صحبت کرد وقتی که تنها زنانی می توانند از حق طلاق و حضانت برخوردار شوند که توانایی مالی شان، اجازه تامین زندگی خود و سرپرستی از فرزندانشان را به آنها نمی دهد، در حالی که اکثریت زنان که امکانات مناسب برای یک زندگی مستقل و شرافتمندانه را ندارند از دایره حقوق خانوادگی بیرون گذاشته می شوند. چگونه می توان دم از حضور برابر زن در بازار کار زد وقتی او امکان ارتقای مهارت حرفه ای ندارد، زمانی که خدمات خانوادگی و نگهداری از فرزندان و بعضاً مراقبت از

سالخوردگان بر دوش زن است و ساختار اجتماعی برای بر عهده گرفتن این وظایف وجود ندارد و یا ناکافی است. حق برابری در تحصیل و همسرگزینی برای شمار عظیمی از دختران جامعه ایران بی معناست تا زمانی که خانواده در اضطراب نان شب از خیر تحصیل فرزند دختر می گذرد و در اولین فرصت ممکن او را به خانه شوهر تحمیلی می فرستند و ... اینها معضلات جدی است که زنان طبقه ما با آن روبرو هستند.

نظام سرمایه داری تا کنون باعث شده است که روند کار زنان نتایج عکس داشته باشد، بدین شکل که بجای تقلیل ساعات کار آنها، ساعات کار طولانی تر شده است، از طرف دیگر همزمان با ازدیاد ثروت جامعه، صرف رفاه افراد جامعه نشده، بلکه در جهت ازدیاد سود سرمایه داران و همزمان سبب فقر وسیع توده ای کارگران و زحمتکشان شده است. این نتایج فاجعه آمیز کار زنان که بسیار دردناک به نظر می رسد فقط با محو مالکیت خصوصی و کار مزدی سیستم تولید سرمایه داری از میان خواهد رفت.

ما سوسیالیستها موظفیم در جنبش زنان بمثابه یک جنبش اجتماعی-سیاسی دخالتگر بوده و حمایت کنیم و با پیگیری استراتژیکی در آن و در اتحاد با سایر جنبشها خواهان تغییر بنیادی در مناسبات اجتماعی-سیاسی - اقتصادی و فرهنگی به پیشروی آن یاری رسانیم. من نظرم بر این است که به علت اختلاف طبقاتی شدید و گسترده بین طبقات دارا و ندارا و فقر و فلاکتی که در جامعه ایران حاکم است بیشترین درصد زنان ما از نظر منافع طبقاتی جزء جنبش زنان کارگر هستند. زنان کارگر از نظر کمی و جنبش زنان کارگر نه فقط جنبش اجتماعی - سیاسی قابل توجه است بلکه در مرکز ثقل جنبشها قرار دارد. اگر به جنبش زنان بر گردیم متحقق شدن خواستها و مطالبات جنبش زنان فقط در اتحاد با جنبش زنان کارگر و سایر جنبشهای اجتماعی با محوریت جنبش کارگری تحقق خواهد یافت.

همه این هاست که زن کارگر در ایران را از یک سو با همه مصائب اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روبرو نموده، و از سوی دیگر او را در موقعیتی قرار داده که به جنبش های کارگری و زنان بپیوندد یا زنان در جنبشهای اجتماعی دیگر همچون معلمان، پرستاران و بازنشسته گان ضمن مبارزه هر روزه اشان خود را بخشی از جنبش زنان بدانند. در این میان یک نکته روشن است که هیچ اصلاح و رفرم نظام سرمایه داری پاسخگوی مشکلات و معضلات معیشتی زنان کارگر و زحمتکش در ایران نیست و نخواهد بود، هر جنبشی به جز دست بردن به بنیان های نظام سرمایه داری و چالش کلیت آن نخواهد توانست منافع اکثریت زنان کارگر و زحمتکش را نمایندگی کند.

اما زمانی زنان می توانند موفق از ادامه مبارزات خود بیرون بیایند، که نیروی خود را در یک جنبش قوی زنان با اتکاء به نیروی طبقاتی طبقه کارگر و جنبش کارگری برای لغو مالکیت خصوصی که اساس و بنیان تمام این ستمها و نابرابریها است متشکل و متحد نموده و هدف نهایی خود را برانداختن مناسبات سرمایه داری و جایگزینی سوسیالیسم قرار دهند.

امروز مبارزه برای رفع تبعض طبقاتی و جنسیتی، مزد نابرابر زنان کارگر در ازای کار برابر و یکسان مردان که بنظر من عامل اصلی نابرابری بین زن و مرد است و از سوی دیگر، عدم بی ثباتی مشاغل زنان و بیکارسازیهای وسیع و عدم امنیت شغلی تمام گره خورده به امر تشکیلیاتی طبقه کارگر. عدم تبعیض و مبارزه برای رفع هر نوع ستم جنسیتی و طبقاتی، مبارزه برای دستمزدهای نابرابر مردان و زنان کارگر در ازای کار برابر و تحمیل آن به سرمایه داران و کمک به متشکل شدن زنان کارگر امر طبقه کارگر است که باید در دستور کار قرار گیرد، نه تنها به تقویت جنبش زنان کارگر کمک خواهد کرد، بلکه در نهایت استراتژی نابودی سلطه سرمایه و اساس کارمزدی را هم تسریع خواهد بخشید.



زنان افغانستان، شرایط و مبارزات

شکوفه

با درود به رفقا گرامی!

هشتم مارچ را به تمام زنان در هرکجای دنیا که برضد ستم های این جهان نابرابر مبارزه می کنند ، تبریک می گویم. شاید تبریک گفتن این روز از نظر بعضی دوستان درست نباشد زیرا زنان هر روز بیشتر زیر ستم و نابرابری جان می دهند، اما به نظر ما این روز جای تبریکی دارد زیرا همبستگی و مبارزه زنان را در این روز بیاد می آوریم. همین قدر که ستم بر زنان بیشتر شده مبارزه زنان نیز قوی تر شده و در هر گوشه دنیا بخصوص زنان منطقه با صدای رساتر امروز علیه جنایات دولت های ضد زن صدا بلند می کند.

آنگونه که سرمایه داری و ارتجاع تلاش دارند روز زن را از مضمون مترقی و مبارزاتی تهی و در حد گلدسته پیش کردن به زنان تقلیل دهند تا چهره ضدزن خود را بیوشانند، ما وظیفه داریم که اینگونه تجلیل های مسخره را افشاء و محکوم نموده در پی اتحاد و همبستگی واقعی تشکیل ها و عناصر انقلابی و مترقی در سطح جهان گردیم.

قبل از اینکه بخواهم بر وضعیت امروز زنان زیر حاکمیت نیرو جنایت و وحشت بروم، می خواهم کوتاه اشاره به گذشته داشته باشم.

مردم افغانستان چهل سال است که در دوزخ اشغال، بیداد، تجاوز، بربریت، جنایت، توهین و تحقیر می سوزند و در این میان از همه فاجعه بارتر، وضعیت زنان بی دفاع ماست که نه تنها در دوره خرمستی جنایتکاران تنظیمی و وحشیان طالبی بلکه در دوره پوشالی کرسی، غنی و عبدالله هم که شعارهای کرکننده «حقوق زن»، «حقوق بشر» شان عالم را گرفته بود، نه تنها تغییری نیامده بود بلکه هولناکتر از قبل زیر ستم و خیانت و بی حقوقی جان می دادند.

در جریان حضور امپریالیزم امریکا در افغانستان زنان زیادی زمینه رشد و تحصیل را نداشتند. تعدادی محدودی زنان توانستند با رنج و مشکلات فراوان درس بخوانند. اما تعدادی زنان بودند که بدون اندک ترین مشقت به بورسیه های فولبرایت دست یافتند، توسط امریکا مغزشوپی شدند بعد مستقیم به چوکی های وزارت و ریاست گماشته شدند. این گروه از زنان گدی گگ های امپریالیزم بوده و همیشه حضور نظامی امریکا در افغانستان را توجیه کردند. وضعیت زنان افغانستان را به جهانیان گل و گلزار نشان می دادند. این زنان که زندگی مرفه و بی درد سر داشتند بیشتر از افغانستان در سفر های بیرون مشغول سفیده مالی ناتو به مردم جهان بودند. همین زنان در مذاکرات صلح با طالبان به سخنگویان غیر مستقیم اینان بدل گشته خائنه ترین نقش را در قبال زنان افغانستان ادا کردند. اگر مشخص نام ببریم. فوزیه کوفی، ناهید فرید، سیما ثمر، حبیبه سرابی، شینکی کروخیل، ماری اکرمی، فرخنده زهرا نادری، شهرزاد اکبر، فاطمه گیلانی و امثال اینان، زنان ضد زن مرتجع و در خدمت امپریالیزم و نوکران شان بودند که امروز نیز منحنی لشکر تبلیغاتی امریکا در رسانه های غربی برجسته شده و حتی جوایزی برایشان داده می شود تا برای ماموریت جدیدی در خدمت طالبان آماده گردند. ظریفه غفاری یکی از همین زنان سرکاری است که جایزه «زن شجاع سال» را نیز از سوی کاخ سفید به دست آورده، بعد از حاکمیت طالبان با هلهله زیاد افغانستان را ترک گفته، در مقابل رسانه های خارجی از تهدید طالبان در مقابل خودش سخن می گفت اما امروز همان

زن به طالبان چشمک زده لبخند زنان به کابل برگشته اظهار نمود که می‌خواهد «با در نظرداشت ارزش‌ها و قواعد اسلامی به فعالیت‌های غیر سیاسی» پردازد. زنی دیگر لندن نشین به نام دیوه پتنگ از ورای بنگاه تبلیغاتی بی.بی.سی لب به تمجید از طالبان گشود که مورد تنفر جمعی افغانها در شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. اینان به تضمین بادران خارجی شان به افغانستان برمیگردند تا زندگی زیر سایه این وحشیان طالبی را عادی جلوه دهند. وقتی ما صحبت از زنان می‌کنیم باید تفکیک واضح قایل شویم بین زنان که مورد ستم قرار می‌گیرد و زنان که ستمگر هستند و اسباب ستم بر زنان را فراهم می‌کنند. و همیشه به این نکته توجه داشته تاکید نموده است که جنبش زنان عدالتخواهانه پرخروش و بُرنده نمیتواند باشد اگر بین زنان مبارز و زنان معامله‌گر ضدزن خط درشت نکشد. ما به خاطر این موضعگیری خود اکثراً تحت انتقاد قرار گرفته‌ایم اما به حقانیت آن حال بیش از هر زمانی پی‌برده ایم.

امروز زنان سرزمین مان نه تنها که از سربریدن‌ها انتحاری‌ها و سنگسار دختران شان تمام وجود شان را نفرت و درد گرفته در کنار آن بخاطر زادگاه در خون تپیده و زخمی شان رنج می‌برند. آیا ممکن است صدها مادر درد از دست دادن دل‌بندان شان در اثر حملات انتحاری طالبان را فراموش کنند؟ آیا صحنه‌های اعدام زرمینه و شلاق خوردن زنان از ذهن ما محو می‌گردد؟ آیا می‌توان به وعده‌های فریبکارانه امروز اینان اعتماد کرد؟

زنان سرزمین مان انواع خشونت را تجربه می‌کنند. آنان در خانه‌های شان محبوس شدند و به جز دیوارهای خانه تکیه گاهی ندارند. تعدادی زیادی زنان اینجا تنها حبس خانگی را تجربه نمی‌کنند بلکه در زندان‌های طالبان خون آشام مورد شکنجه و تهدید قرار می‌گیرند. به تازگی تعدادی از زنان با فرزندان شان یکجا دستگیر شده و مجبور به اعتراف اجباری شدند.

بله در سرزمین ما زنان زیادی سیاسی نیستند آنان زنان ساده و تحصیل کرده شجاع هستند که از وضعیت به تنگ آمده فریاد شان را بلند کردند امروز همان زنان با تهدید مجبور می‌شوند هر آنچه که به آنان تحمیل می‌شود به زبان بیاورند آنان هیچ آموزش سیاسی ندیدند و تعدادی آنان مادران هستند که به خاطر فرزندان شان مجبور می‌شوند تن به اعتراف اجباری بدهد با این حال می‌دانیم که در شرایط سخت امروز ادامه مبارزه و بلند نمودن صدای اعتراض به شدت پرخطر و دشوار است ولی زنان افغان طی چند ماه گذشته تحت اختناق و فشار طالبان پی‌پای دست به اعتراض زده نشان دادند که دیگر هیچ نیرویی قادر نیست آنان را در زنجیرهای جهل و بربریت اسیر سازد. بی‌مورد نیست که طالبان نیز بشدت از آکسیون‌های ولو کوچک زنان هراس داشته به هر نحوی برای خاموش ساختن آن تلاش می‌ورزند.

بعد از حاکمیت سپاه طالبانی در میهن به خون نشسته مان زنان زیادی شغل شان را از دست داده خانه نشین شدند. خشونت خانوادگی بیشتر از قبل شده. حجاب تقریباً اجباری است و طالبان سعی دارند با وضع محدودیت‌های مشخص زنان را خانه نشین بسازند و با اذیت و آزار که می‌کنند زنان مجبور شوند بین در خانه ماندن و بیرون رفتن، در خانه ماندن را ترجیح دهند. به تازگی قانونی را وضع کردند که زنان حق سفر به بیرون از افغانستان بدون محرم را ندارند. در پارک‌ها روزهای جداگانه ساختند تا زنان با فامیل‌های شان به تفریحگاه‌ها نروند. در داخل موترهای مسافر بری محدودیت وضع کردند که ساعت‌ها حتماً اگر منتظر بمانی خبری از موتر نیست و بسیاری رانندگان از ترس طالبان زنان بدون محرم و بدون حجاب را سوار موتر نمی‌کنند. در غور یک زن شلاق می‌خورد. در بدخشان سنگسار می‌شود. در مزار بارها جسد بیجان زنان را مردم محل در گوشه کنار یافتند که به طور ددمنشانه به قتل رسیده بودند. زنی به نام عیدما با دو دخترش در یکی از نقاط کابل به قتل رسیدند. تلاشی خانه به خانه خصوصاً بی‌حرمتی به حریم خصوصی زنان، گلوله باران زینب عبدالهی در ایست بازرسی... زنان واکسیناتور را کشتند تا دیگر زنان جرات نکنند که در فعالیت‌های اقتصادی سهم بگیرند. در ادارات دولتی حتماً مراجعین زن بدون محرم را نپذیرد. ممنوعیت خروج زنان بدون محارم شرعی از کشور.

طالبان افغانستان را به زندان بزرگ زنان تبدیل کرده‌اند. زنان حق کار، حق پوشش، حق مشارکت در قدرت سیاسی، حق فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، حق هنرنمایی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق قضاوت، حق ورزش، حق چکرگشتن، و غیره را از دست داده‌اند.

در طول شش ماه گذشته طالبان دختران را از حق آموزش هم محروم کرده‌اند. در اثر اعتراضات زنان افغانستان و فشار نهادهای بین‌المللی، طالبان مراکز تحصیلی را بر روی محصلان دختر باز کرده‌اند، اما محدودیت‌های شدیدی بر دختران وضع کرده‌اند. دختران و کارمندان و استادان زن حق پوشش دلخواه خود را نداشته و باید حجاب کامل داشته باشند. پوشش شان باید سیاه، ساده، گشاد و چند لایه باشد که تمام بدن را بپوشاند. آرایش زنان و دختران ممنوع شده است. صنف‌های دختران و پسران را جدا کرده‌اند، دانش‌جویان دختر را فقط استادان زن تدریس می‌کنند. در صورت کمبود استادان زن، استادان مرد به طور موقت برای تدریس دختران استفاده می‌شوند.

اینجا در افغانستان تحت حاکمیت طالبان خونخوار زنان هیچ ارزشی ندارد به یک شی بی‌اهمیت می‌ماند که هر طور بخواهند با او رفتار کنند.

تنها در افغانستان نیست که زنان در جهنم سوزان امپریالیزم و بنیادگرایی میسوزند، اما تسلیم نشده با شجاعت علیه نظام‌های مرد سالار به مبارزه برخاستند.

مادران و خواهران شجاع مان در ایران و کوبانی علیه بنیادگرایی مبارزه می‌کنند. در ایران مادران با در دست داشتن عکس‌های فرزندان شان در تجمعات اعتراضی دستگیر می‌شوند مادران ستار بهشتی، پژمان قلی پور، فرزاد کمانگر و نوید افکاری و مادر بزرگوار شهناز اکملی که همیشه مورد بازخواست قرار می‌گیرند. اما همچنان مقاومت می‌کنند. و همچنان زنان شجاع چون سپیده قلیان، نرگس محمدی، زینب جلالیان، سهیلا حجاب سر بلند می‌کند. در افغانستان نیز بدون شک زنان زنجیرهای شان را شکسته روزی بی‌هراس از شکنجه و زندان از میان خاکستر بلند خواهند شد. مبارزه دوام دار، زنان افغانستان را نیز آبدیده خواهد کرد. نباید فراموش کنیم که دولتهای مرتجع ایران و پاکستان نقش به شدت خائنه در تقویت و حمایت از جنایتکاران و تروریست‌های افغان داشته‌اند و هر دو کشور همین اکنون تلاش دارند که حاکمیت لِرزان طالبی را در کشور ما مستحکم سازند.



در کشور ما که زنان تحت فاشیستی‌ترین ستم‌ها قرار دارند، نیاز است که زنان پیشتاز و مترقی با قبول ریسک و با تابوشکنی مقابل قید و بندهای بنیادگرایی اسلامی و جامعه نیمه فیودالی برخیزند و با وجود همه موانع و فشار و اختناق صدا بلند کنند و مرعوب بند و زندان نگردند.

رهایی زن نمی‌تواند جدا از رهایی زحمتکشانش باشد، پس باید تشکل یابی و مبارزه برای تغییرات ریشه‌ای در جامعه را در دستور کار قرار داده در آگاه ساختن و بسیج و سازماندهی ستمدیده‌ترین لایه‌های جامعه کوشید. باید در کار تبلیغی و ترویجی مردم را به این آگاهی رسانید که بنیادگرایی و امپریالیزم دو روی یک سکه و دشمنان قسم‌خورده جوامع ما و بخصوص زنان اند پس باید مبارزه علیه این دو در هر زمینه‌ای را در اولویت قرار داد. ما به تجربه دریافتیم که کار زنان در چهارچوب نهادهای به اصطلاح «جامعه مدنی» و انجیوها هیچگونه موثریتی نداشته بنا بر این باید بر محور یک تشکیلات سیاسی با خواست‌ها و آیین‌نامه روشن سیاسی و مترقی متحد شده مبارزه کنند که هم موثر است و هم ادامه‌کاری در آن تضمین می‌گردد.

رفقا گرامی!

بنیادگرایان می‌کوشند زنان را به کنج خانه محصور نموده از دانش و علم و از مشارکتشان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی ممانعت کنند، آنان پاسدار عقب مانده‌ترین رسوم مردسالانه فئودالی و ضدزن در جامعه اند. باید با استفاده از هر روزنه و امکاناتی به زنان آگاهی داد، در رشد زنان در زمینه‌های مختلف کار و فعالیت نمود. زنان وقتی در اقتصاد جامعه دخیل باشند، نهایتاً می‌توانند نقش رهبری‌کننده در جامعه ایفا کنند در غیر آن همیشه برده جامعه مردسالار و ضدزن خواهند بود. در مبارزه برای احقاق حقوق زنان باید برخورد طبقاتی داشت، این تنها مردان طبقات حاکم نیستند که بر زنان ستم روا می‌دارند بلکه زنان طبقه حاکم نیز دشمنان زن اند و باید پیکان مبارزه را متوجه آنان نیز ساخت که من در بالا چند نمونه را معرفی کردم. این فکر غلط را باید منسوخ ساخت که هر زنی حتما مدافع زنان ستمکش است. ما در کشور خود طی بخصوص بیست سال گذشته زنانی را دیدیم که بدتر از مردان در کشاندن زنان به بردگی نقش خائنه ادا کردند و منحیت زینت‌المجلس حاکمیت مردسالار در اعمال ستم بر زنان تیره‌روز حربه امپریالیزم و بنیادگرایان گشتند. ما باید از امکانات و منابع خود در هر زمینه‌ای به کمک همدیگر استفاده اعظمی کنیم، باید تجارب مبارزاتی خود را با همدیگر تبادل نموده از آن سود ببریم، وقتی جنایتی علیه زنان و یا حرکت‌های آزادیخواهانه و پیشرو زنان در یکی از کشورها راه انداخته می‌شود، برای پوشش و بلند کردن صدای آن با همدیگر همکاری کنیم. وقتی زنان در یک کشور مورد تهاجم دولتها و یا نیروهای ارتجاعی و ضدزن قرار می‌گیرند فوری بصورت مشترک به دفاع از زنان و علیه جانباں کارزار راه بیاندازیم. از وضعیت و نیروهای فعال جوامع همدیگر آگاهی حاصل کرده محتاط باشیم آن زنان مرتجع را که با شیادی خود را نماینده زنان کشور خود جا می‌زنند شناسایی و اجازه ندهیم امکانات ما را در اختیار گیرند. در معرفی چهره‌های مبارز و انقلابی و الگو قرار دادن آنان میان زنان خود تلاش بخرج دهیم.

در هشت مارچ امسال بار دیگر تجدید پیمان کنیم با زنان مبارز که در راه استقلال، عدالت، آزادی و رفاه و آسایش مردم و رهایی زنان از جور و ظلم و ستم‌های چندلایه، جان نثار کردند.



قتل‌های ناموسی

سارا افراسیابی

امروز در آستانه هشتم مارس روز جهانی زنان من تصمیم دارم که در زمینه قتل‌های ناموسی صحبت کنم.

می‌خواهم یادی از مونا حیدری کنم، قربانی کودک همسری که ماه گذشته به طرز فجیعی توسط همسرش کشته و سلاخی شد و قلب تک تک ما را به درد آورد.

قتل‌های ناموسی موضوع تازه‌ای نیستند و مونا اولین قربانی قتل‌های ناموسی نبود و متأسفانه آخرین هم نخواهد بود.

طی گزارشی به استناد از ایسنا که در آذرماه 1398 منتشر شد، سالانه بین 375 تا 450 مورد قتل‌های ناموسی در ایران اتفاق می‌افتد که این آمار به هیچ وجه آمار دقیقی نیست و آمار دقیق خیلی بیشتر از اینها است. به مدد فضای مجازی در سال اخیر نزدیک به 30 مورد از این قتل‌ها رسانه‌ای شد.

بسیاری از این قتل‌ها خودکشی یا خودسوزی جلوه داده می‌شوند یا خودکشی‌هایی هستند که تحت فشار و اجبار خانواده، با زور و تهدید اتفاق می‌افتند.

در واقع تسلط فرهنگ مردسالارانه بر جامعه ایران و حمایت جمهوری اسلامی ایران دو دلیل عمده وجود قتل‌های ناموسی هستند.

از دیگر دلایل قتل‌های ناموسی می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد:

_ طلاق گرفتن

_ مقاومت در برابر ازدواج اجباری

_ مورد تجاوز قرار گرفتن

_ دوستی یا برقراری رابطه با جنس مخالف

در واقع در نظام مردسالارانه مردان مالک زنان هستند و زنها به عنوان یک انسان آزاد و دارای حق تصمیم‌گیری دیده نمی‌شوند و با زنها به عنوان دارایی مردان خانواده برخورد می‌شود. در واقع زنان ناموس مردان هستند و وظیفه حفاظت از ناموس بر عهده مردان

است و در صورت انجام

خدشه وارد کردن به آبرو

شود، مجوز قتل خود را

از ویژگی‌های مهم قتل-

تفاوت آن با سایر قتل‌ها

خشونت‌های علیه زنان

به صورت سازماندهی

هماهنگی و رضایت

انجام می‌شود. به دلیل

از زنان، پدران و همسران زنان بدون ترس از مجازات دست به این جنایت‌ها می‌زنند

مانند پدر رومینا اشرفی که قبل از ارتکاب جرم در زمینه مجازات قتل فرزند به واسطه

پدر از یک وکیل اطلاعات گرفته بود جمهوری اسلامی ایران یک حکومت استبدادی

ست که برای سرکوب زنان با تمام قوا تلاش میکند تا فرهنگ مردسالارانه را ترویج دهد

و در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی از واژه ناموس برای زنان استفاده می‌کند وظیفه

مردان و حتی پسر بچه‌های کوچک را حفاظت از ناموس می‌دانند.



است و در صورت انجام

خدشه وارد کردن به آبرو

شود، مجوز قتل خود را

از ویژگی‌های مهم قتل-

تفاوت آن با سایر قتل‌ها

خشونت‌های علیه زنان

به صورت سازماندهی

هماهنگی و رضایت

انجام می‌شود. به دلیل

از زنان، پدران و همسران زنان بدون ترس از مجازات دست به این جنایت‌ها می‌زنند

مانند پدر رومینا اشرفی که قبل از ارتکاب جرم در زمینه مجازات قتل فرزند به واسطه

پدر از یک وکیل اطلاعات گرفته بود جمهوری اسلامی ایران یک حکومت استبدادی

ست که برای سرکوب زنان با تمام قوا تلاش میکند تا فرهنگ مردسالارانه را ترویج دهد

و در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی از واژه ناموس برای زنان استفاده می‌کند وظیفه

مردان و حتی پسر بچه‌های کوچک را حفاظت از ناموس می‌دانند.

در فضاهای آموزشی ایران هیچ آموزشی درباره حقوق بشر و به خصوص حقوق کودکان و زنان وجود ندارد و خود زنان هم از حقوق اولیه خود آگاهی ندارند. در کتاب‌های درسی یا حتی کتاب‌های داستانی از واژه‌هایی مانند غیرت و ناموس‌پرستی استفاده می‌شود و این خصیصه‌ها را به عنوان نشانه‌های مردانگی به پسران آموزش می‌دهند. اکثر افرادی که در سال‌های اخیر مرتکب قتل ناموسی شده‌اند در همین نظام آموزشی ایران تحصیل کرده‌اند و حتی بعد از انقلاب به دنیا آمده‌اند، همین نکته تاثیر آموزش‌های جمهوری اسلامی ایران را در رواج فرهنگ مردسالارانه نشان می‌دهد.

از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران با وضع قوانین زن ستیز و عدم تصویب قوانین حمایتی از زنان از خشونت علیه زنان و قتل‌های ناموسی دفاع می‌کند. قوانینی مثل قانون 220 مجازات اسلامی که پدر در جایگاه ولی دم در قتل فرزند قصاص نمی‌شود و قصاص تبدیل به دیه و تعزیر می‌شود و این نکته که حق ولایت بر پدر و جد پدری است و مادر ولی فرزند محسوب نمی‌شود یا قانون 630 مجازات اسلامی که اگر مردی ادعا کند زنش را در حین خیانت دیده و بعد کشته است از مجازات و پرداخت دیه معاف است.

مساله مهم دیگر واکنش جمهوری اسلامی به پخش خبرهای قتل‌های ناموسی است. در واقع محدودیت‌های شدید و سخت‌گیرانه‌ای برای روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و فعالان حقوق بشر که در حوزه اجتماعی با تمرکز بر موضوع خشونت علیه زنان فعالیت می‌کنند، وجود دارد. در آذرماه 1400 سینا قلندری، خبرنگاری که خبر قتل مبینا سوری 14 ساله که به دست همسر روحانیش به قتل رسید را منتشر کرد، به یازده ماه و شانزده روز زندان و 2 سال ممنوعیت از خبرنگاری محکوم شد. با توجه به مواردی که اشاره شد، وظیفه ما به عنوان فعالین حوزه زنان به خصوص آن افرادی که خارج از ایران هستند، این است که صدای قربانیان خشونت‌های ناموسی باشیم و حساسیت رسانه‌ها را به پوشش خبرهای قتل‌های ناموسی افزایش دهیم. هرچقدر که صدای قربانیان بیشتر شنیده شود و هرچقدر که در زمینه مصادیق خشونت علیه زنان محتوا مفید تولید کنیم، می‌توانیم بیشتر امیدوار باشیم که بر نگرش افراد جامعه تاثیر مثبت بگذاریم. وظیفه ما زنان این است که هرچه بلند تر فریاد بزنیم که زن ناموس هیچکس نیست.

یک چهارم خشکی جهان کافی نیست

شعری از النا کروز شاعری کوبائی

می خواهم گریه کنم، اما
همین یک چهارم خشکی جهان کافی نیست
بغض هزار هزار ضربه تازیانه
بغض هزار هزار مرتبه تنهایی و ترس و تحقیر
بغض هزار هزار ساله خواهرانم
در گلوی من است
آه خواهران من
خواهران بردگی، بی کسی، فقر
خواهران حرمسرا، حسرت، رنج
خواهران دردهای بزرگ تاریخی
بر کدامتان بگویم؟
دختران خسته بی هیچ دل خوشی... خواهران شهری ام
دختران گمشده در دود و دروغ

دختران لبخندها و عشق های مصنوعی
بر کدامتان بگویم؟
دختران شرم و بلوغ و اشکهای پنهانی
دختران ترس
در کوچه های خلوت زندگی
در معابر شلوغ
خواهران روسپی ام
هنگام که در مرداب یاس و پشیمانی و حقارت
دست و پا می زنید
بر کدامتان بگویم
دختران نجیب عاشق که دوست می داشتید
که دوست می دارید
که دوست خواهید داشت
که از بیم ملامت
عشق را در نه توی دلتان پنهان کرده اید
که در اشتیاق و انتظار
قطره قطره ذوب می شوید
من امتداد فریادهای زخمی شمایم
مرا با همه شما نسبتی هست
آه حوا.....
مادر من و همه خواهرانم
سه چهارم جهان گریه های توست
اشکهایی که بخاطر همه دخترانت ریخته ایی
اما مرا
یک چهارم خشکی جهان کافی نیست
بعض هزار هزار ساله خواهرانم
در گلوی من است

مبارزات زنان در صد سال گذشته

فریده گرمان

به همه رفقای عزیز و دوستان گرامی سلام می کنم

ما اکنون به پیشواز هشت مارس میرویم و هشت مارس، روز همبستگی زنان جهان را گرامی میداریم.

امشب رفقای زن به خوبی از مشکلات زنان صحبت کردند . از درد ها و رنج های زنان افغان گفتند - از دردها و رنج هایی که دل انسان را بدرد میآورد. رفقای زن اشعار قشنگ شان را بگوش رفقای حاضر در این نشست رساندند.

من امشب می خواهم بیشتر در مورد مبارزات زنان در این صد سال گذشته صحبت کنم، مبارزاتی که از صدسال گذشته آغاز شده و تا امروز با خطی سرخ و ممتد ادامه یافته است.

در پایان صحبت می خواهم در مورد زنان کارگر و تشکلهای کارگری صحبت کنم و بگویم تا چه اندازه مبارزات زنان کارگر در تشکل یابی دارای اهمیت است .

صحبت در مورد مبارزات زنان زیاد است و فرصت کم است. حکومت ها در این چهار دوره با همه ادعا هایشان نتوانستند مشکل زنان را حل کنند .

در دوره مشروطه دو نوع انجمن وجود داشت - انجمن های علنی و انجمن های مخفی. انجمن های علنی، از حقوق زنان در مورد ازدواج، طلاق، حضانت فرزند و غیره دفاع می کردند. انجمن های مخفی که آنها نیز بسیار قابل توجه اند، در نبردهای خیابانی که بین موافقان مشروطه و مخالفان جریان داشت با لباس مبدل به طرفداری از مشروطه شرکت می کردند. در تبریز جنازه 20 زن پس از درگیری خیابانی در میان کشته شدگان دیده شد. شما می دانید که روس ها به کمک انگلیسی ها وارد تبریز شدند در چنین شرایطی خط تهران مطرح می شود، ستارخان و باقرخان به سمت تهران حرکت می کنند.

درسال 1290 در تهران شایع شده بود که بعضی از نمایندگان مجلس به خواست روس ها تن در داده اند. در این هنگام 300 زن یا تپانچه و با لباس مبدل وارد مجلس شدند. خواست آنها حراست از تمامیت ارضی ایران بود. آنها موفق شدند خواستشان را به وکلای مجلس بقبولانند.

خوبست به حادثه دیگری از نبرد زنان اشاره ای داشته باشم: در نبردی سربازی زخمی می شود، او را روانه بیمارستان می کنند. سرباز اجازه نمی دهد او را مداوا کنند. ستارخان که در این هنگام در کنار او بود می گوید: "پسرم تو نباید بمیری، بگذار مداوایت کنند". سرباز در گوش ستارخان می گوید: "آخر من زن هستم".

منبع این اطلاعات از خانم صدیقه دولت آبادی است. خانم صدیقه دولت آبادی در سال 1261 بدنیا آمد و درسال 1340 چشم از جهان فرو بست. او از فعالین جنبش مشروطیت و مدافع حقوق زنان بود. یادش بخیر و راهش پر رهرو باد.

اکنون به دوره رضاخان اشاره می کنم. در دوره رضاشاه قوانین در مورد زنان تغییر نکرد. رضا شاه همین که به قدرت رسید باصطلاح از مدرنیسم صحبت کرد، اما مدرنیسم او جز عوامفریبی چیز دیگری نبود.

مدرنیسم رضاشاه در این حد بود که بزور چادرها را از سرزنان بردارد و به این شکل حق آزادی زنان در انتخاب لباس را از آنها سلب کند. آیا اسم این مدرنیسم است؟ در حالی که در این دوره در قوانین مربوط به زنان مانند ازدواج، طلاق، حضانت فرزند و غیره... هیچ تغییری بوجود نیامد و زنان همچنان در رده مهجوران و خلفاکاران قرار داده شدند - زمانی که رضاشاه به حکومت رسید عده ای از زنان، مدرنیسم او را باور کردند و انجمن های مختلف زنان را بوجود آوردند، اما رضاخان همه آنها را غیر قانونی اعلام کرد، حتی انجمن هایی را که از او طرفداری کرده بودند. یکی از انجمن های علنی بنام "حریت زن" فعالیتش را بصورت مخفی ادامه داد، جلساتی در باغ های اطراف تهران می گذاشتند تا اینکه یک روحانی از محل جلسه آنها مطلع می شود و تعدادی از مذهبی ها به همراه تعدادی ارازل و اوپاش برای برهم زدن جلسه براه میافتند، ماموران و امنیه ها از این اغتشاش جلوگیری نمی کنند. در این هنگام کسی به زنان در جلسه، این وضعیت خطرناک را اطلاع می دهد و آنها بموقع محل جلسه را ترک می کنند.

اکنون باختصار و با توجه به کمی وقت به دوره محمد رضاشاه می پردازم. دراین دوره نیزهیچ تغییری در قوانین مربوط به زنان حاصل نگشت. تنها بعضی از زنان بطور فردی یکی دومدرسه و مرکز آموزشی که برای حکومت دردسری ایجاد نمی کرد بوجود آوردند، اما هیچ انجمنی برای دفاع از حقوق زنان بوجود نیامد. قبل از سال 1332 "سازمان زنان" بوجود آمد که در آن زنان روشنفکر، زنان کارگر و زنانیکه از فشر متوسط جامعه بودند در آن شرکت داشتند. این سازمان محلی داشت و نشریه ای به عنوان "جهان زنان" را انتشار میداد. این سازمان بعد از کودتای 28 مرداد غیر قانونی اعلام شد.

سال 1332 نیکسون معاون رئیس جمهور وقت آمریکا بنا به دعوت حکومت به ایران آمد. دانشجویان در اعتراض به آمدن نیکسون به ایران علیه او شبانه اعلامیه پخش کردند، بروی دیوار ها شعار نویسی کردند و بنرهایی که روی آن نوشته شده بود "نیکسون گمشو و به خانه ات برگرد" را شبانه در شهر هر جا که ممکن بود آویزان کردند. فردای آن روز، پلیس دانشجویان زیادی را در دانشگاه تهران دستگیرکرد. مادران برای آزاد کردن فرزندانشان به کاخ دادگستری رفتند و چهار شبانه روز در آنجا بست نشستند. دست آخر آنها موفق شدند

حکومت را به عقب نشینی وادارند و دوباره فرزندان عزیزشان را در آغوش بگیرند. قبل از کودتای 28 مرداد مبارزات سیاسی تشکل های سیاسی جریان داشت دستگیری و زندانی شدن ها نیز ادامه داشت، اما بعد از 28 مرداد دستگیری ها برشدتس افزوده شد، شکنجه اعدام برای سالها ادامه داشت. مادران و خواهران زیادی پشت در زندان در هوای سرد زمستان و در گرمای طاقت فرسای تابستان ساعت ها می ایستادند تا شاید خبری از فرزندان و برادران دربندشان بدست آورند. اینان زنانی شجاع و مبارز بودند که همچنان گمنام باقی ماندند.

در زمستان 1357 من خود شاهد مبارزات عظیم مردم از هر قشر و طبقه ای بودم. همه تشکل های سیاسی در این مبارزه شرکت داشتند. اگرچه حاصل سال ها تلاش و مبارزه سازمان های سیاسی و مردم مبارزما بدست یک گروه ربهوده شد، اما چون انقلاب متعلق به همه سازمان های سیاسی بوده است من اسم آنها انقلاب مینامم. در زمستان 57 من خود شاهد تظاهراتی عظیم بودم. زنی را دیدم که دست بچه هفت ساله اش را در دست گرفته بود. بچه ترسیده بود و گریه می کرد. مادر آمرانه به او گفت: "چرا گریه می کنی، از چه می ترسی. اگر قرار بود بررسی نباید در این تظاهرات شرکت می کردی، مگر خون ما از خون دیگران رنگین تر است. گفته این مادر بسیار پرمعنی است. این زن یک مادر بود، نه تنها مادر فرزند خود، بلکه او مادر همه بود.

پس از 22 بهمن به هر ترفند و خدعه ای که بود حکومت اسلامی قدرت را در دست گرفت و انقلابی که متعلق به مردم ما و گروه های سیاسی بود متاسفانه به پیروزی نرسید.

در اسفندماه 57 زنان اولین کسانی بودند که به عنوان اعتراض علیه حجاب اجباری جلوی دادگستری رفتند و آقای خمینی را به عقب نشینی وا داشتند. اما چندی نگذشت که ارازل و اوباش در گروه های چند نفره در خیابان ها راه افتادند و شعار "یا روسری یا توسری" را سرمی دادند و بعد هم حجاب اجباری را بصورت قانونی درآوردند. اما زنان هیچگاه کوتاه نیامدند واز آن پس به صورت های مختلف علیه حجاب اجباری مبارزه کردند. دختران با جرات تمام در نقطه ای بر بلندی ایستادند روسری خود را بر سر چوب آویزان کردند. حکومت جمهوری اسلامی آنها را دستگیر کرد، اما بی فایده بود و هرروز تعداد این مبارزان جوان بیشتر شد. در این دوره زن های زیادی در سازمان ها و گروه های مختلف علیه حکومت جمهوری اسلامی مبارزه کردند و دستگیر شدند، شکنجه شدند و اعدام شدند. مادری در زندان بود که از نظر جسمی شرایط خوبی نداشت، هربار او را زیر تعزیر می بردند و کف پایش شلاق می زدند تا بگوید دخترش کجاست، اما او هربار می گفت: "نمیدانم" تا اینکه پایش جراحت برداشت و عفونت کرده بود. پسر این مادر هم در بند مردان زندانی بود، روزی برای مادرش پیام می فرستد و می گوید: "مادر، تو بهترین مادر دنیا هستی". این زن شجاع نیز جزو زنان مبارز گمنام است، مقاومت او در زندان، مانند مادران خاوران وجودشان به مردم به ما نیرو می بخشند، همینطور زنان شجاعی که امروز در زندان های جمهوری به حبس های طویل المدت زندانی شده اند، دست از مبارزه بر نمیدارند و پیام هایشان حاکی ایستادگی و مقاومت است.

و اما با توجه به اینکه این نشست برای بزرگداشت هشت مارس، روزی که زنان کارگر کارخانه پارچه بافی در نیویورک اعتصاب کردند و رفقای عزیز امشب در مورد آن سخن گفتند. بنا براین لازم می دانم در مورد نقش زنان در تشکل یابی جنبش های کارگری ایران سخنی گفته باشم.

زنان به علت ستم مضاعفی که بر آنان وارد می شود، هنگامی که به حقوق از دست رفته خود آگاه شوند تا آخر و مصمم به مبارزه ادامه می دهند، چرا که هر گاه ستم باشد مبارزه است و هرچه ستم بیشتر باشد ایستادگی و مقاومت در مبارزه بیشتر است. از اینکه مردان توانایی هاشان در مواردی بیشتر از زنان است، اما نباید فراموش کرد که زنان منضبط و مدیرانند. زنان و مردان در مبارزه مکمل یکدیگرند. مردان بدون زنان و زنان بدون مردان در مبارزه موفق نخواهند شد.

زنان طبقه کارگر و فمینیستهای لیبرال

مریم حکمت

با سلام و درود به رفقا و دوستان روز 8 مارس روز جهانی مبارزات زنان گرامی باد!

قبل از هر چیز می خواهم تشکر کنم از رفقای دست اندر کار که این برنامه را تدارک دیدند. خیلی ممنون از سخنرانان قبلی که بسیار آموختم ، و از اینکه به من فرصت دادید که صحبت کنم .

موضوعی که امروز من می خواهم راجع به آن صحبت کنم **زنان طبقه کارگر و فمینیستهای لیبرال** است:

البته چند نفر از رفقای سخنران بطور مختصر به آن اشاره نمودند، اما من می خواهم مفصل تر راجع به آن توضیح دهم. اول از اینکه در مورد نقش فمینیست لیبرال بطور عام صحبت می کنم و بعد به نقش آن در ایران می پردازم.

همانطوریکه می دانیم در فمینیست تنوع افکار و گرایشات گوناگون وجود دارد، مانند فمینیست مارکسیستی ، فمینیست رادیکال، فمینیست سوسیالیستی، فمینیست لیبرال، اکو فمینیست و فمینیست آنارشیست و غیره...در کل دو تا وجه مشترک بین این فمینیستها هست. تقریباً تمام نحله های فمینیستی و آن دو چیز اینند، اولاً اینکه زنان تحت ستم و تبعیض قرار گرفته اند و این ستم و تبعیض ریشه در جنیست آنها دارد و دوماً اینکه این ستم و تبعیض باید از بین برود. فمینیست لیبرال این مشکل را نمی خواهد ریشه ایی از بین ببرند. یعنی در خدمت حفظ سیستم سرمایه داری است و فقط ظاهر آن را بزک و عوض میکند. فمینیست انقلابی باید نگاه طبقاتی به مسئله زن داشته باشد. سرنگونی قدرت سرمایه هدفش باشد، نه اینکه مثل فمینیست لیبرالها فقط به آن چهره زنانه داده شود. و برای سهمیه زنان در ردیف های بالای حرفه ایی و مدیریتی تلاش کند. ما فمینیستی لازم داریم که انعکاس صدای زنان طبقه کارگر و زنان در معرض تبعیض نژادی را مرکز توجه خود قرار دهد. فمینیستم لیبرال عاجز از آنند که برای اکثریت زنان مفید باشد، بجای اینکه بیابند سلسله مراتب اجتماعی را از بین ببرند در صدد این هستند که زنانه اش بکنند و صرفاً تضمین میکنند که زنان در صدر این سلسله مراتب می توانند برابری با مردان طبقه خودشان را که طبقه متوسط و بالا است دست یابند. زنان نسبتاً ممتاز ، زنانی که تحصیلات عالی دارند و آن زنانی که سفید هستند، زنانی که در تلاش هستند در دنیای داد و ستد یا جهان نظامی و رسانه ایی دست بالا را داشته باشند. پروژه آنها این است که در سلسله مراتب شرکتی این زنان صعود کنند تا بهمان شیوه ایی با آنها رفتار شود که با مردان هم طبقه ایهایشان، با همان دستمزد و همان قدر و منزلت برخورد شود.

با این تعریف نفع برندگان این نوع فمینیست زنانی خواهند بود که از پیش از مزایای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی قابل توجهی برخوردارند، نه زنان کارگر .

فمینیسم لیبرالی که با افزایش نابرابری ثروت و درآمد مخالفتی ندارد نمی تواند یک فمینیسم مساوات طلب و برابری خواه باشد. این فمینیستی نیست که برای اکثریت زنان چیزی برای ارائه داشته باشد. یعنی برای زنانی که فقیراند و از طبقه کارگراند که فاقد این امتیازات هستند. زنان مهاجر و پناهنده، زنان سیاهپوست ، زنان ترانس و غیره.....برای آنها چیزی برای ارائه ندارند.



نانسی فریزر یک فمینیست سرشناس و نظریه پرداز فیلسوف آمریکائی است که در این سه دهه اخیر با نفوذترین ایده های فمینیسم چپ را در سه دهه اخیر را ارائه داده است، در یکی از کتابهایش به نام „چگونه فمینیست خدمتکار سرمایه داری شد و چگونه باید آن را باز پس

بگیریم" می نویسد که آمال جنبش فمینیستی مترقی چگونه در مقطعی در خدمت سرمایه داری نئولیبرال قرار گرفت. اون معتقد است که فمینیست لیبرال واقعا اسم فمینیسم را لکه دار کرده است. آنها خودشان بخشی از مشکل زنان هستند و همینطور می نویسد فمینیسم لیبرال مسائل ما را با نخبه گرایی، فرد گرایی و زندگی شرکتی ربط داده است. و ما را به نئولیبرالیسم گرایی، مالیه گرایی، جهانی سازی، و با سیاستهای ضد کارگری پیوند میزند. فمینیستی که به نقد کاپیتالیسم توجه نمی کند ناچارا از همین راه می افتد که مدام فرد گرایی را باز تولید میکند. از حرکتهاى جمعی می پرهیزد.

حالا به نقش فمینیسم لیبرال در ایران میپردازم.

زنان اصلاح طلب در ایران قصد داشتند یا هنوز دارند دقیقا همین فمینیست لیبرال را در ایران پیاده بکنند. زنان را با ترفندهای مختلف به پای صندوق رای کشاندند. برای تقویت رژیم و سر پا نگه داشتن آن، نه برای حل مشکلات زنان، برای نمونه یک کمپین راه انداخته بودند به نام "تغییر چهره مردانه مجلس" که در دهمین دوره انتخابات مجلس بود فکر می کنم. آنها می خواستند که تعداد کرسیهای زنان در پارلمان را بیشتر کنند. آنموقع حدودا 8 زن در مجلس بودند و اینها گفتند ما با این کمپین می خواهیم تعداد زنان را در مجلس به 50 نفر برسانیم یعنی چهره مجلس را زنانه کنند. همه ما می دانیم که حتی اگر تمام مجلس را زنان تشکیل بدهند باز هم قوانین جمهوری اسلامی زن ستیز است و ضد برابری است. این کمپین آنها همدستی با جنایتکاران در مجلس جمهوری اسلامی است. برای تصویب قوانین زن ستیز است و با این ترفند تعداد زیادی از زنان را آنموقع متاسفانه به پای صندوقهای رای کشاندند. کمپین دیگری راه انداختند به نام کمپین یک میلیون امضاء برای تغییر قوانین تبعیض آمیز یعنی همان قوانین جمهوری اسلامی که زن ستیز و نابرابر است، آن را اصلاح کنند یا اینکه زنی در آمریکا نشسته و زنان را تشویق به فردگرایی و تک گرایی میکند. بدون تشکل کارکردن یک حرکتهایی راه بیاندازند مثل چهارشنبه های سفید که حتی ما اگر دقت بکنیم حرکت دختران خیابان انقلاب را نگاه بکنیم همین ویژگیها را داشته است با اینکه کارشان بسیار با شهامت بود یا خیلی ها آن را تائید کردند ولی نگاه می کنیم می بینیم حرکت آنها هم تک گرا بود و مختص مرکز نشینها بوده و طبقه متوسط و بالا. در تمام این حرکتها زنان کارگر دست فروش کنار خیابان، زنان کورد و بلوچ و زنان عرب یا زنان دیگر مناطق حاشیه نشین و محروم و فقیر نگه داشته شده، که بدنیاال ابتدائی ترین حقوق انسانی خود هستند، که حتی پزشک زنان هم ندارند و نه آب آشامیدنی سالم و نه حتی شناسنامه و بیمه، کجای این جنبشها قرار داشته اند و قرار می گرفتند؟ آنها در این جنبشها جایی ندارند.

البته باید این را گفت که اعتراضات به نابرابریهای جنیستی و مبارزه علیه آن فرا طبقاتی است یعنی پوشش انتخابی، حق رفتن به استادمیها، اعتراض علیه حجاب اجباری اینها حقوق انسانی است و باید اعتراض کرد و از اعتراضات آنها پشتیبانی کرد اما بدون سازماندهی و بدون تشکل یابی یک حرکت تبدیل میشود به حرکت تک گرایی، فرد گرایی. اینکه زنان کارگر و زحمتکش، زنانی که به حاشیه رانده شده اند، زنان دستفروش کنار پیاده روها، زنان سرپرست خانواده که ستم چندگانه و قوانین مضاعفی دارند. علاوه بر ستم جنسیتی - ستم چند گانه دارند در این جنبشها هیچ جایی ندارند. من البته یکی از صحبتهايم را باید تصیح کنم و تذکر بدهم که گفتم زنان گرد هم در این حرکت جایی ندارند من باید اضافه کنم که زنان گرد خودشان پیشرو هستند. مبارزات آنها باید سر مشق بقیه باشد فمینیستهای لیبرال مبارزات رژاوا را بخصوص در کوبانی که دنیا را تکان داد مخصوصا زنان دنیا را تکان داد سعی در نفی یا کوبیدن و خراب کردن آن نمودند. چرا؟ می ترسیدند که مبادا زنان ایرانی از زنان مبارز گرد یاد بگیرند و پایه های رژیم محبوبشان را بلرزه در بیاید که آمدند مقاله هایی نوشتند، زن چه به مبارزه، زن و چه به اسلحه، زن مهربان و زن صلح طلب است....

فمینیستهای لیبرال چه در ایران و چه در جاهای دیگر بیشتر به دنبال آزادیهای فردی و حرکتهاى هستند که بیشتر فردی است نه جمعی. آنها زنان را به تک گرایی و فرد گرایی

تشویق می کنند و زنانی که در آن شرکت دارند از پیش امتیاز دار هستند. زنان طبقه متوسط و بالا، زنان تحصیلکرده، زنان مرکز نشین.

حالا من راجع به دو جنبشی که جهانی شد و تفاوت‌های آنها صحبت می کنم. اول جنبش می تو یا (من هم) که سال 2017 علیه تجاوز و آزار جنسی در محل کار اتفاق افتاد. این حرکت بر علیه کارگردان معروف هالیوودی، **هاروی ویستین** که مرتکب چند فرقه تجاوز و آزار جنسی قرار گرفته بود شکل گرفت. در اعتراض به این مسئله افرادی که علل العموم مورد تجاوز قرار گرفته بودند هشتک‌هایی زیادی در فضای مجازی زدند و متجاوزین را در این هشتک‌ها افشاء نمودند. این جنبش "**من هم**" به ایران هم رسید. در سایتهای اینترنتی با هشتک "من هم" زنهای سراسر جهان اقدام نمودند. حالا ما میدانیم که زنان کارگر هم مورد آزار جنسی زیاد قرار می گیرند مخصوصا از طرف صاحب کارشان. برای اینکه قراردادی بگیرند برای اینکه قرارداد کارشان تمدید بشود... برای خیلی کارها دیگر زنان کارگرمورد آزار جنسی قرار می گیرند. چه کسی صدای زنان کارگر را می شنود؟ آیا امکان خرید موبایل یا کامپیوتر برایشان فراهم است که توی این جنبشها شرکت کنند؟ آیا به اینترنت وصل هستند یا این امتیاز را دارند که دانش موبایل و کامپیوتر را یاد گرفته باشند تا بدین طریق بتوانند اعتراض کنند؟ البته من در مورد زنان کارگر در ایران صحبت می کنم که حتی نان شبشان را هم ندارند. چه کودکان کارگری بودند که توی همین دوران کرونایی که مدارس به صورت آن لاین در آمده بود به علت نداشتن موبایل و عدم شرکت در کلاسهای آن لاینی خودکشی کردند. این حرکتها هم طبقاتی است و زنان و حداقل زنان کارگر در ایران و کشورهای منطقه نمی توانند از امکانات اینترنتی برخوردار شوند. البته ناگفته نماند که احتمالا کارگران اروپایی که من در آلمان هستم از این امکانات بهره مند میباشند. اینجا با ایران فرق می کند ما در مورد ایران صحبت می کنیم.

جنبش بعدی که من می خواستم در مقایسه با این جنبش پردازم، **جنبش حتی یک زن کمتر هم نه** است. این جنبش هم دقیقا مانند جنبش "**من هم**" علیه تجاوز بود. معترضین بر علیه این تجاوزات اعتراضات خود را در خیابانها راه انداختند. این اعتراضات از آرژانتین شروع شد و به شیلی رفت و از شیلی به خیلی از کشورهای دیگر جهان رفت و تا رسید به منطقه ما و ترکیه و افغانستان و بعدش هم اروپا و آلمان و ایتالیا ... خیلی از کشورها. در این حرکت خیابانی جمعیت زیادی از زنان به خیابان آمدند. که زنان طبقه کارگر هم در این حرکت زیاد دیده میشد، مخصوصا در شیلی و آرژانتین و دیگر کشورهای آمریکای لاتین. اینها در محکومیت تجاوز به خیابان آمده بودند، این هنر اجرائی ایشان یک متنی داشت که اینها می خواندند، در این متن کاملا دست به ریشه برده بودند. فقط اون شخص متجاوز را افشاء نمودند بلکه سیستم را هدف قرار دادند. به کل سیستم، رئیس جمهور، قانون گذار، پلیس و ارتش همه اینها را در آن متنشان خطاب قرار داده و متجاوز می دانند. حرکت دیگری که مادرانی که به دخترانشان تجاوز شده بود و به قتل رسیده بودند، فکر می کنم این در آرژانتین اتفاق افتاده بود. این مادران دائم به دادگاه شکایت می بردند و به شکایت آنها رسیدگی نمیشد. در مواردی حتی آشکار بود که به پرونده متجاوز رسیدگی نمی شود. معترضین ساختمان دادگستری را اشغال نمودند تا جائیکه چندین روز کار آنها مختل شد. آنها هم با این حرکت به ریشه دست برده و سیستم را هدف قرار دادند، بجای اینکه بیایند فقط شخص متجاوز را افشاء نمایند، البته ان هم به سهم خود موثر بود. اما راه حل اصلی نیست. مثلا اگر ما بیائیم در رابطه با قتل‌های ناموسی فقط به فرد مرتکب شده نگاه کنیم به عنوان مثال بینیم شوهر مونا حیدری چرا سر مونا را بریده یا پدر رومینا سر دخترش را بریده با این دید فقط به قاتلین نگاه کنیم، بدون اینکه به این نکته توجه کنیم دادگاه، قانون ارتجاعی جمهوری اسلامی تماما پشت این قاتلین و متجاوزین است و حمایتشان میکند، شناختن قاتل و افشای او دردی از درد زنان درمان نمیکند. سیستم زن ستیزی که حامی این جنایتهاست باید سرنگون شود.

فمینیست اصلاح طلب در ایران سعی دارد قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی را اصلاح کند و نادیده میگیرد که ساختار و ماهیت رژیم زن ستیز است و با تغییر قانون یا با زنانه کردن مجلس جمهوری اسلامی چیزی برای زنان عوض نمیشود و آنها با اصل حکومت اسلامی کاری ندارند. طرفدار این رژیم هستند. چنانچه هر بار هم در رای دادنها شرکت کردند، برایش تبلیغ کردند در

پی ریشه ایی حل کردن مشکل زنان نیستند. آنها فقط در پی این هستند که چهره جمهوری اسلامی را زنانه کنند. اما خوشبختانه فمینیسم لیبرال در ایران شکست خورد، یعنی اون شعاری که مردم دادند "اصلاح طلب ، اصولگرا دیگه تمامه ماجرا" شعار زنان هم بود. یعنی دیگر عملکرد آنچنانی در ایران ندارد در واقع زنان فمینیست لیبرال آن قدرت را ندارند.

الان ما زنانی داریم که در اعتراضات کارگری همبسته با کارگران هستند و تعدادی هم به دلیل همین حمایت و همراهی با حکمهای سنگینی در زندان هستند، اما حتی در زندان هم دست از مبارزه و اعتراض بر نمی دارند و نامه های حمایتی بیرون میدهند. زنانی داریم که فریاد میزنند ما فرزندان کارگرانیم ، کنارشان میمانیم به خیابان می آیند. زنانی داریم که با جنبشهای دیگر در ایران همراهی میکنند، در دفاع از محیط زیست، در دفاع از بازنشستگان و معلمان به خیابان می آیند، در مبارزات کارگری هفت تپه زنان دوش به دوش مردان در خیابانها در اعتراضات و اعتصابات حضور داشتند. این نشان میدهد که فمینیست لیبرال، فمینیست اصلاح طلب دیگر توان سابق را ندارد چون زنان روز بروز بیشتر متوجه میشوند اینها در کنار زنان نیستند، بلکه در کنار رژیم هستند.

مشکل اصلی زنان سیستم موجود است. سیستم پدرسالار و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و در آخر می خواهیم بگویم مسائل زنان مسئله سیاسی است راه حل آنهم ناگزیر نتیجه سیاسی دارد. تا زمانیکه تبعیضهای موجود را به شکل زنجیرهای جدا جدا از هم میدانیم، از این مشکل نمی توانیم بیرون بیایم. فمینیست می بایست همبسته با دیگر جنبشهای ضد سرمایه داری باشد. ضد نژاد پرستی باشد، علیه استعمار و امپریالیست، مدافع حقوق محیط زیست باشد مدافع طبقه کارگر و پناهجویان علیه تبعیض باشد. وبا دیگر جنبشهایی که با همین مشخصات هستند همبسته و همراه باشد. فمینیسم باید نگاه طبقاتی داشته باشد.



راه حلش این است که باید متشکل شویم. با تک گرایی و حرکتهای فردی به جایی نمی رسیم.

حق تشکل یابی یک ضرورت تاریخی و حیاتی است که حکومتهای مستبد مانع آن میشوند چرا؟ چون هر شکلی از سازماندهی و تشکل یابی منافع مهمی از این حاکمان را بخطر می اندازد. پس منع تشکل یابی و سازماندهی و درستی و واقعی بودن این مطالبات را هم ثابت می کند. هر جامعه ایی که خواهان تغییری است باید خواهان سازماندهی و تشکل باشد. تنها راه حل سازمانیابی و متشکل شدن برای سرنگونی رژیم زن ستیز و سرمایه داری جمهوری اسلامی است.

در اینجا من می خواهم یادی از زینب جلالیان بکنم که توفان توتیتتری امشب برایش راه افتاده است. هر کس امکانش را دارد در این توفان توتیتتری شرکت کند. زینب ششصد روز است که هیچ خبری از او نیست و قبل از اینهم به کرونا مبتلا شده بود . بسیار نگران حالش هستیم. همینطور سبیده قلیان که در حرکتهای کارگری بسیار فعال بوده، مبتلا به کرونا شده و بسیار نگران حالش هستیم که سرنوشتی همچون سرنوشت آبتین پیدا نکند. همچنین دیگر زندانیان سیاسی.

به امید آزادی همه زندانیان سیاسی و همه زنان .

ممنون که این وقت را به من دادید.

من یک زنم پروانه قاسمی

من زن صد ساله ام

صدها هزار ساله ام

زنی که تمامی رنجها را از هزاران سال پیش کشیده است
در قرون وسطا، مرا چون جادوگری به آتش کشیدند
گاهی بخاطر زن بودنم، در کودکی زنده بگورم کردند
در جای جای این کره خاکی، گاهی بخاطر عشق آتشم زدند، سنگسارم کردند

برای رشادتهایم

برای مبارزاتم

برای آزادی

بخاطر اینکه کارگرم

دهقانم

برای مادر بودنم

برای خواهر بودنم

بخاطر زن بودنم

بدارم کشیدن و تیربارانم کردند

حتا وقتی جلادان میخواستن مرا به دار بکشند، شکنجه ام کردند، تجاوزم کردند وبعد بدارم کشیدند

من زنم، زنی که به اندازه این کره خاکی عمر دارم و رنجها کشیده ام

فریادهایم قرنهاست دل همگان را به درد می آورد

من سفیدم، سیاهم، قرمز و زردم

به هر رنگی که باشم یک زنم، زنی که دیگر نمی خواهد به سان گذشته زندگی کند

زنی که میخواهد دگرگون کند، زنی که دیگر پایبند قوانین شما نیست

زنی که می خواهد آزاد و رها باشد و دیگران را نیز رها سازد

به مناسبت ۸ مارس، سمینار در کلاب هاوس گلاویز رستمی

با گرمترین درودها خدمت همه شما دوستان و رفقای عزیز وگرامی
و با سپاس از سخنرانان قبلی و بحثهای مفیدشان
پیشاپیش ۸ مارس روز جهانی زن، روز پیکار و همبستگی بین المللی زنان کارگر و ستمدیده بر
شما، همه کارگران، آزادیخواهان و برابری طلبان مبارک باد.

امسال در شرایطی ۸ مارس روز جهانی زن و روز نبرد برای رهایی زن را گرامی می‌داریم که جنگی خانمان سوز با یورش سنگین نیروهای ارتش روسیه به کشور اوکراین زبانه کشیده است. جنگی که تاکنون خسارات فراوان انسانی و مادی به بار آورده و میلیون‌ها انسان از توده‌های مردم خانه و کاشانه‌اشان را رها کرده و آواره گشته‌اند. در طول تاریخ زنان و کودکان همیشه جزو نخستین قربانیان جنگ بوده و همواره بیشتر از مردان در معرض مصائب و زیانهای وحشتناک آن قرار داشته‌اند، با وجود این زنان مبارز و پیشرو همواره از پیشگامان اعتراض به جنگ، نوید دهنده‌گان صلح و آشتی و پیام‌آوران آزادی و امنیت در جهان و در روزهای سخت بوده‌اند. در تمام جنگهای جهان جنبش انقلابی زنان، بویژه در روسیه، آمریکا و اروپا طلایه‌دار نبرد علیه جنگ و مبارزه برای کسب حقوق برابر با مردان بوده‌اند.

ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بعنوان نمود بارز حکومتی دینی مدافع نظام طبقاتی سرمایه‌داری، از همان ابتدا یکی از پایه‌های اقتدار خود را بر سلب حقوق انسانی زنان قرار داد. این رژیم بعنوان نماینده بربریت نظام سرمایه‌داری دو بازوی مذهب و مردسالاری را با تمام قوا علیه زنان به کار گرفت. بیرحمانه‌ترین اشکال خشونت و تحقیر علیه زنان در رژیم اسلامی قانونی شدند.

کودک همسری، ترویج تن فروشی تحت عنوان صیغه، گذشت قانونی نسبت به قتل زنان به بهانه‌های ناموسی، محروم کردن زنان از حق طلاق و سرپرستی فرزندان، حجاب اجباری، سلب حق قضاوت از زنان، سلب حق مسافرت بدون اجازه مردان، قانونی شدن حقوق دو زن برابر یک مرد، تنها بخشی از قوانین ارتجاعی، قرون وسطایی و ضد زن در رژیم اسلامی هستند.

اما زنان نه تنها هرگز مرعوب نشدند، بلکه به وسعت ابعاد توحش و سرکوبگری جمهوری اسلامی علیه زنان، مقاومت و نبرد آنان در جامعه، محیط کار و خانواده، یکی از صفحات درخشان مبارزه انقلابی ۴ دهه اخیر زنان ایران بوده است. کم نیستند زنان تسلیم‌ناپذیری که در زندانهای اسلامی رزمیدند، تسلیم نشدند و جان عزیزشان را در راه آرمانهای والایشان فدا نمودند. کم نیستند زنان رزمنده‌ای که در مقاومت و نبرد مسلحانه و سربلند کردستان در برابر هجوم لشکریان حکومت اسلامی قهرمانانه جنگیدند، جانباختند و به اسطوره‌های هزاران زن و دختر انقلابی تبدیل شدند و نامشان نسل‌ها باقی خواهد ماند. کم نیستند زنان و دختران یاغی از ستم و استبداد که چادر و حجاب اجباری اسلامی، این سمبل توحش و بربریت مردسالاری دینی را در میادین و چهارراهها به دور و به دار آویختند و ندای برابری و انسانیت را سر دادند. کم نیستند زنان و دخترانی که در اعتراضات و مبارزات حق طلبانه دیمه ۹۶ و آبان ۹۸ و اعتصابات و اعتراضات کارگران، دانشجویان و جنبش متحد و سراسری معلمان، بازنشستگان و مالباخته‌گان به خیابانها آمدند و خواست آزادی و برابری سر دادند، زنان در کنار هم زنجیران خود در مبارزه ایی آشتی‌ناپذیر و پیگیر در مقابل فشار دولت و کارفرمایان ثابت کردند که توانایی این را دارند که خواسته‌ها و مطالبات خود و طبقه کارگر را فریاد زنند، و با اتحاد و همبستگی طبقاتی توازن قوا را بیشتر به نفع خود تغییر دهند.

هر سال در ۸ مارس روز جهانی زن، خیابانها و میادین شهرها در جهان رنگ و بوی دیگری به خود می‌گیرند. بوی گندیده مردسالاری و زن ستیزی از هر زمان کمتر می‌شود. در این روز ارتش میلیونی زنان و مردان کارگر، انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها با حضور و حرکت در صفوف به هم پیوسته، صدای اعتراض و نارضایتی خود علیه نظام تبعیض آمیز سرمایه‌داری را فریاد می‌زنند و جهان به دور از ستم و سرکوب، جهان سوسیالیسم را که رهایی زن در آن به طور کامل تحقق خواهد یافت، نوید می‌دهند. امسال در ۸ مارس روز جهانی زن مخالفت با جنگ ارتجاعی موجود در اوکراین و خواست صلح و محکوم کردن قدرتهای امپریالیستی بانوی این جنگ، لازم و ضروری است و جا دارد که در راس مطالبات اعتراضی همه آزادیخواهان و برابری طلبان در این روز تاریخی باشد.

در ایران تحت سلطه و سرکوب جمهوری اسلامی، روز ۸ مارس روز جهانی زن، رسمیت قانونی ندارد. ضدیت جمهوری اسلامی با این روز از ضدیت این حکومت با زنان و هرگونه جنبش برابری طلبی از جمله جنبش طبقه کارگر ناشی می‌شود. ۸ مارس امسال می‌تواند روز فریاد خشم و انزجار توده‌های میلیونی علیه حکومت زن ستیز و افسارگسیخته اسلامی

ایران، و همچنین روز طرح خواست ها و مطالبات زنان از جمله: دستمزد برابر با مردان، کم کردن ساعت کار، بیمه بیکاری، نگهداری کودکان از طرف دولت، روز فریاد برابری زن و مرد، روز اعتراض علیه خشونت و قتل زنان در جامعه متحول و در حال تغییر ایران باشد. مطالبات و خواست های زنان، خواست و مطالبات طبقه کارگر و بخش آگاه، مترقی و برابری طلب جامعه است.

ما زنان سوسیالیست ضمن شاد باش و گرامیداشت روز جهانی زن، همه زنان و مردان آگاه و برابری طلب را برای برگزاری تجمعات اعتراضی علیه تبعیض، ستم و سرکوب بر زنان و سیاست های ضدانسانی جمهوری اسلامی در این روز فرا می خوانیم.
گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن
زنده باد آزادی، برابری حکومت کارگری

ضرورت ایجاد تشکلهای مستقل زنان کارگر

بدون شک تاریخ جنبشهای زنان کارگر و درباره این که در حوزه سازماندهی زنان پرولتر در کشورهای دیگر چطور و چگونه عمل شده بسیار حائز اهمیت است. تاریخ به ما می گوید در آن کشورهای که زنان توانسته اند به بازار کار راه یابند و از لحاظ اقتصادی مستقل باشند، نه تنها توانسته اند که بسیاری از قوانین زن ستیز، فرهنگ و سنتهای مردسالارانه را عقب برانند، بلکه راحت تر توانسته اند که انجمنها و تشکلهای مستقل خود را نیز ایجاد کنند. بدین ترتیب جنبشهای زنان کارگر در بسیاری از کشورها توانسته اند در تمام حوزه های زندگی صنعتی، خانواده های کهن و کار بردگی خانه که از نظر عموم ثابت و تغییرناپذیر به نظر می رسیدند، بسیار سریع توانستند رشد و گسترش یابند و ثابت کردند که اگر متشکل شوند می توانند بسیاری از خواستها و مطالب خود را به دولتهای حاکم تحمیل کنند.
به حکم اینکه ستم و تبعیض جنسیتی ریشه در جامعه طبقاتی و مالکیت خصوصی دارد، اگرچه ستم جنسیتی فرا طبقاتی است اما مبارزه در جهت رهایی کامل زنان از ستم و بردگی کاملاً طبقاتی است. فراموش نکنیم آنجا که کاوش بر مسائلی که زنان کارگر را فقط به عنوان زن تحت تاثیر قرار می دهد، و دفاع از منافع شان فقط تحت عنوان مادران و زنان خانه دار مطرح می شود، و بدون هیچ مبارزه ای جهت تغییر در وضعیت اسفبار و ناعادلانه موجود این جنبشها فقط در دستان فمینیستهای اردوگاه بورژوازی باقی مانده و خواهد ماند. بنابراین هرگز رهایی نهایی زن از مسیر فمینیسم نمی گذرد.

حائز اهمیت است به یاد آوریم دورانی که احزاب سوسیالیست در روسیه، فرانسه، آلمان، انگلستان، آمریکا و بسیاری از دیگر کشورهای غربی هر گاه می خواستند که زنان کارگر را به مبارزه طبقاتی بکشانند، مجبور بودند که بر علیه شیوه های زندگی و سنت های عقب افتاده و مردسالار نیز بجنگند. در طی مبارزه متحد و متشکل زنان کارگر و احزاب سوسیالیستی در بسیاری از کشورها، مخصوصاً در جریان پیروزی انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ توانستند برای اولین بار در تاریخ کار خانگی را محو و نگهداری و آموزش کودکان را به دولت واگذار کنند. بدین ترتیب رهایی زنان از کار خانگی و استقلال اقتصادی زنان بستری شد برای ایجاد تشکل و سازمانهای مستقل زنان کارگر به شکل انجمن، اتحادیه های زنان کارگر، کلوبها و مانند آن، در کنار احزاب سوسیالیستی کلیه کارگران توانستند با ایجاد تشکلهای خود به شیوه ای متحد و مقتدر ظاهر شوند.

بنابر این پرداختن به مسائل و مشکلات زنان در تمام شئون زندگی، اقتصادی، سیاسی، مبارزاتی، اجتماعی و فرهنگی بطور روزمره جزو وظایف تعطیل ناپذیر فعالین جنبشهای اجتماعی و فعالین سوسیالیست است. مسئله زنان نه تنها امر زنان نیست، بلکه یک امر طبقاتی است. چون بدون شرکت فعال زنان هیچ جنبشی به پیروزی نخواهد رسید، به عبارت دیگر رهایی زن معیار رهایی همگان است.

مبارزه طبقاتی و مبارزه زنان دو روی یک سکه و مکمل یکدیگر هستند. به همین جهت، اگر رابطه دیالکتیکی بین ستم طبقاتی و ستم جنسیتی مد نظر قرار نگیرد و یکی به دیگری تقلیل یابد نه تنها بازتابی بسیار منفی بر وحدت، تشکل و سازمانیابی زنان یک جامعه و تعمیق مبارزات آنها می گذارد، بلکه برای کل جنبش طبقاتی نیز زیانبار و ضررمند خواهد بود.

زنان کارگر و خانواده های کارگران و دیگر جنبشهای اجتماعی بمتابه یک بخش مهم این حرکت در صف مقدم دوش به دوش با کارگران مرد و معلمین قرار گرفته اند، این زنان آگاهانه منفعت طبقاتی خود را تشخیص داده، در کسب خواست ها و مطالبات شان در مبارزه مشترک با همسران خود و مردان کارگر به مبارزه برخاسته اند، آنها به این ضرورت رسیده اند که فقط با اتکاء به نیروی طبقاتی خود و هم طبقه ای هایشان خواهند توانست که در مقابل توطئه های بورژوازی و کارفرمایان مقاومت نمود و یا آن را خنثی نمایند.

سازماندهی زنان، چالشها و فرصتها

علیرغم اینکه در سطح ایران و جهان، زنان کارگر و زحمتکش، در دوره های بحران اقتصادی-اجتماعی در بسیاری موارد پیشتازتر و جسورانه تر از مردان در میدان مبارزه ظاهر شده و می شوند. یکی از بارزترین دستاوردهای این حرکت به میدان آمدن زنان کارگر و خانواده های کارگری است، که نمونه مشخص آن در مبارزات زنان کارگر نیشکر هفت تپه، سندیکای شرکت واحد، فولاد اهواز، هپکو و کارگران معدن خاتون آباد و شرکت چشمگیر زنان در اعتصاب و اعتراضات سراسری معلمان در چند ماه گذشته شاهد آن بودیم.

اما با وجود این تاکنون درک و یا تصویری شفاف و مشخص از جنبش سوسیالیستی و کارگری زنان وجود ندارد. و این می تواند خشم بسیاری از جریانات حتی چپهای سنتی را نیز برانگیزد. اغلب از جریاناتی که مسئله تشکل مستقل زنان را انکار می کنند تعجب ها و پرسشهایی را می شنویم: نظیر اینکه، جنبش کارگران زن چیست؟ چه وظایف و اهدافی دارند؟ چرا نمی تواند با کل جنبش طبقه کارگر ادغام شود؟ چرا نمی تواند در کل جنبش حل شود؟ آیا این بقای فمینیسم بورژوازی نیست؟ و دهها سوال دیگر...

چنین پرسشهایی نه تنها در ایران و خاورمیانه، بلکه در همه کشورها و به تمامی زبانها تکرار می شود. اما عجیب تر از همه این است این بینش در کشورهایی از جمله ایران و افغانستان که جنبش کارگران زن بنا به دلایل مختلف گسترش چندانی ندارند و زنان کارگر کمترین تعداد را در احزاب و اتحادیهها را دارند، می توان بیشترین مخالفتها را در انکار ضرورت کار مجزا و ایجاد تشکلهای مستقل در میان زنان کارگر و زحمتکش را شنید. این بدین معناست که این بینش گره در هم پیچیده مسائل زنان، ستم طبقاتی و جنسیتی، قوانین مذهبی و آپارتاید جنسی، فرهنگ مردسالاری و بطور کلی ستم مضاعف بر زنانرا نادیده می گیرد.

امروز، دشوار ممکن است بتوان سوسیالیستی را یافت که با ضرورت سازماندهی گسترده ی زنان پرولتاریا مخالف باشد. اما از همین سوسیالیستها بپرسیم که چگونه می توان زنان کارگر را متشکل و سازماندهی کرد، اغلب جوابی را می شنویم که جنبش زنان باید متحد جنبش طبقه کارگر باشد. بدون اینکه ویژگیهای آن کشور را در نظر بگیرند. مثلا چه حکومتی سر کار است، قوانین آن کشور کدامند؟ آیا زنان نه تنها در ایران، بلکه در تمام کشورهای اسلامی از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود مانند انتخاب شغل، حق تحصیل، ازدواج، طلاق، حضانت، و... برخوردارند؟ آیا ایجاد سندیکاهها و دیگر تشکلهای مستقل کارگری و اجتماعی آزاد و قانونی است؟ آیا کارگران و زنان می توانند برای خواستها و مطالبات بر حق خود آزادانه اعتراض و یا اعتصاب کنند بدون آنکه پرونده امنیتی برایشان بسازند و حکم زندان و شلاق را برایشان صادر کنند؟ و آیا درصد زنان مشاغل بالاست؟ آیا فرهنگ جامعه و خانواده بگونه ای هست که زن بتواند بمتابه یک انسان و برابر با مردان برای خود تصمیم بگیرد؟ بدون شک جواب همه این پرسشها منفی است و ضرورت ایجاد تشکلهای مستقل زنان نیز از همین جا ناشی می شود. بنابراین باید همین الان به فکر راهکارها و چه بایدکردها بود و نباید فرصتها را از دست داد. مهمترین همه باید این فاصله ای که مابین جریانات سوسیالیست و فعالین جنبشهای کارگری و اجتماعی وجود دارد از میان برداشته شود. و بدین منظور سازماندهی و تشکل یابی زنان کارگر اعم از شاغل و بیکار، زنان خانه دار و سرپرست خانواده، حاشیه نشینان از یک ضرورت تاریخی و حیاتی برخوردار است، چون همین قشر از زنان پرولتر هستند که می توانند متحدین واقعی و طبقاتی کارگران باشند.

واضح است که تنها اتحاد و تشکل و سازماندهیمی تواند ضامن پیروزی طبقه کارگر و جنبش طبقاتی زنان برای رسیدن به خواستهای و مطالبات برحقشان باشد. تاریخ به ما آموخته است که ستم جنسیتی زائیده نظام طبقاتی است و جنبش زنان کارگر نیز از بطن واقعیت سرمایه داری و مالکیت خصوصی رشد کرده است. اما نباید فراموش کرد که با

توجه به ویژگیهای هر کشوری جنبش زنان کارگر نیز اشکال متفاوت و گوناگونی دارد. این اشکال از کشوری نسبت به کشور دیگر تغییر می کند و با شرایط مکانی خاص و با ویژگی جنبش زنان منطبق می شود. مثلا در کشورهایمانند اروپا که دمکراسی اجتماعی قدرتمندی دارند، دستگاه حزبی معینی نیز برای خدمت به جنبش سوسیالیستی زنان برخاسته است. اما آیا در ایران و کل خاورمیانه چنین است؟ قطعاً جواب منفی است. به گواه تاریخ مبارزاتی جنبش کارگری در سطح ایران و جهان، زنان کارگر، در دوره های بحران اقتصادی- اجتماعی در بسیاری موارد پیشتازتر و جسورانه تر از مردان در میدان مبارزه ظاهر شده و می شوند. ما این جسارت را به طور عینی در زنان مبارز معدن کرمان و نیشکر هفت تپه دیدیم، یکی از زنان معدن کرمان فریاد زد و توده های مردم را به این صف مبارزاتی با این عبارت فرا خواند: "مردم نباید این کارگران جان به لب رسیده را تنها بگذارند. باید همه معترضان از هر صنفی از فرصت استفاده کنند و به تجمعات این چینی بپیوندند. این یک درد مشترک است."

یکی از بارزترین دستاوردهای این حرکت به میدان آمدن زنان کارگر و خانواده های کارگری است، که نمونه مشخص آن در مبارزات زنان کارگر نیشکر هفت تپه، سندیکای شرکت واحد، فولاد اهواز، هپکو و کارگران معدن خاتون آباد... که ما در گذشته ما شاهد آن بودیم. زنان کارگر و خانواده های کارگران معدن کرمان بمثابه یک بخش مهم این حرکت در صف مقدم دوش به دوش با کارگران مرد معدن قرار گرفتند، این زنان آگاهانه منفعت طبقاتی خود را تشخیص دادند، در کسب خواست ها و مطالبات شان به سان پرولتر و در مبارزه مشترک با همسران خود و مردان کارگر به سان هم زنجیران و همزمان طبقاتی به مبارزه برخاستند، آنها به این ضرورت مهم رسیدند که فقط با اتکاء به نیروی طبقاتی خود و هم طبقه ای هایشان نه تنها خواهند توانست که در مقابل توطئه های بورژوازی و کارفرمایان مقاومت نموده و آن را خنثی نمایند، بلکه می توانند که بسیاری از مطالبات و خواسته های برحق خود را نیز بدست بیاورند. زمانی که طبقه کارگر یکپارچه، متحد و متشکل با درک درست از منافع مشترک طبقاتی از لحاظ سیاسی و اقتصادی رودروی سرمایه قرار می گیرد، در واقع این کل پرولتاریاست که در این مبارزه طبقاتی درگیر می شود. خانواده های کارگری نه فقط به عنوان همسران و خواهران کارگران مرد، بلکه بعنوان آن نیمه دیگر طبقه کارگر می توانند نقش مهمی در مبارزات روزمره کارگران ایفاء نمایند. چون خانواده های کارگری و زنان کارگر زنانی هستند یا خود کارگران و مستقیم استثمار می شوند یا در روابط و مناسبات استثمارگرانه ایی که بر همسرانشان روا می شود سهیم اند. زنان همچنین بعنوان همسر و مادر، در کار خانگی بدون مزد مشغول کار هستند، و در جامعه مورد ستم جنسیتی و طبقاتی قوانین سرمایه داری قرار می گیرند و استثمار می شوند. تجربه شرکت زنان کارگر و خانواده های کارگری معدن کرمان، نیشکر هفت تپه، هپکو، فولاد اهواز و سندیکای شرکت واحد در اعتصابات و اعتراضات آنان مصداق این حقیقت است که حضور آنها در فشرده شدن صف مبارزاتی کارگران و متحقق شدن خواست ها و مطالبات می تواند سهم بسزائی داشته باشد. این درد مشترک است و هرگز جدا جدا درمان نمی شود، بنابراین رزم مشترک می طلبد و پیروزی طبقه کارگر گره خورده به اتحاد و تشکل او با آن نیمه دیگر که زنان می باشند. تاریخا نیز این به اثبات رسیده است که هیچ جنبشی بدون شرکت فعال زنان به پیروزی نخواهد رسید.

حائز اهمیت است دریابیم که تشکل یابی و سازماندهی زنان کارگر اعم از شاغل و بیکار، خانه دار و تک سرپرست، روستایی و حاشیه نشینان شهرها و بعلاوه گسترش یابی کارزار زنان سوسیالیست در برابر فمینیسم بورژوازی باید همواره نگرش و دغدغه ی طبقاتی زنان آگاه و کل مدافعین جنبش کارگری و سوسیالیستی باشد. اما نباید فراموش کرد که رهائی کامل دنیای زنان پرولتر تنها در جامعه سوسیالیستی امکان پذیر است. تنها در چنین جامعه ای، با محو سلطه اقتصادی و روابط مالکیت موجود، کلیه تضادهای اجتماعی بین دارا و ندار، بین مرد و زن و بین کار فکری ویدی... محو خواهد شد. انقراض کاپیتالیسم نه تنها تضاد کار و سرمایه، بلکه همچنین، تضاد بین کار زنان و کار مردان را نیز، محو خواهد کرد. بنابراین نبرد نهائی جنبش زنان برای نیل به انسانیت کامل، نه در عرصه فمینیسم، بلکه باید در مبارزه طبقاتی و در مقابله با سلطه سرمایه، و لغو کامل مالکیت خصوصی صورت پذیرد. زنده باد سوسیالیسم



مبارزات زنان و ضرورت توده‌ای کردن آن

فراست صالحی

پیشاپیش ۸ مارس روز جهانی زن را به شما و تمامی زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب به خصوص زنان کارگر و زحمتکش درسراسر جهان تبریک می‌گوییم.

امسال در شرایطی به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن می‌رویم که بحران‌های سیاسی-اقتصادی و اجتماعی، پاندمی کرونا، جنگ‌های خانمان سوز و بسیاری از ناهنجاریهای دیگر جامعه سرمایه‌داری بیشتر از گذشته گسترش یافته است. فقر، بیکاری وسیع، گرانی و بالا رفتن سراسر آور هزینه‌های کمر شکن زندگی، کاهش خدمات اجتماعی، بهداشتی و درمانی توسط دولت‌ها، شکاف طبقاتی را عمیق و عمیق‌تر کرده است. مردم تهیدست و کارگران و مزدبگیران در وضعیت فلاکت باری بسر می‌برند. در این شرایط اسفبار، وضعیت زنان چند برابر دشوارتر و در زیر فشار تبعیض مضاعف بیشتری به سر می‌برند. زنان امروز سوا از شرایط سخت اقتصادی در وضعیت بسیار ناامن در خانواده و جامعه مورد خشونت‌های بسیاری قرار گرفته و می‌گیرند.

باید گفت سلطه سرمایه‌داری جهانی با اجرای طرح‌های نئولیبرالی خشونت را بر تمامی انسان‌ها و طبیعت، بویژه زنان اعمال نموده است.

خشونت علیه زنان امروزه بشکلی عریان صورت می‌گیرد. مردسالاری که زائده نظام طبقاتی در طول تاریخ بوده و امروز با اتکاء به نظام سرمایه‌داری، زیر پوشش نظم و قانون حکومت‌های مذهبی از جمله در ایران و دیگر کشورهای اسلام زده، بدون ترس از پیگرد قانونی و مجازات و اتفاقاً با اتکا با قوانین زن ستیز و مردسالار زندگی زنان را بیشتر از جاهای دیگر به مخاطره انداخته است.

خشونت علیه زنان بخشی از کارکرد سیستم اقتصادی-سیاسی جامعه طبقاتی است که ستم بر زن و زن ستیزی را به اشکال متعدد تولید و باز تولید میکند. در جامعه سرمایه‌داری زنان از تولید در محیط کار تا کار بی‌اجر و مزد خانگی نقش تعیین‌کننده‌ای در فروش نیروی کار خود بمثابة بردگی و نیروی کار به مثابه یک کالا دارند. زن همچون ابزار تولید روابط تولیدی مشخصی را شکل می‌دهد، به شکلی که زمانی که در بیرون از خانه کار میکند همچون کارگر مرد نیروی کار خود را بفروش میرساند و زمانی که در خانه حضور می‌یابد از طریق کار خانگی، تولید مثل، بچه داری و دادن سرویس به کارگر مرد (همسرش، پدر، برادر) استثمار میشوند. از قبل این این دو رویکرد، زن کارگر سودآوری کلانی را برای سرمایه می‌آفریند.

نقشی که زنان در تولید و باز تولید نیروی کار دارند یکی از محوری‌ترین بنیانهای ستم و خشونت بر زنان نیز می‌باشد و از پایه‌ای‌ترین رکن‌های انباشت سرمایه از طریق تولید ارزش اضافه است که توسط فروش نیروی کار صورت می‌گیرد. خانواده که مرکزی است برای تولید و باز تولید نیروی کار، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین این عرصه‌ها است. به همین دلیل

است که حفظ و نگهداری خانواده هنوز هم به شکل های مختلف از خواسته های سرمایه داری است و در این زمینه با حمایت از نظام، مذهب، مردسالاری به تبلیغ و ترویج خانواده پرداخته و زنان را به حفظ و نگهداری خانواده تشویق و گاهی آنها را به تبعیت از وضع قوانین جدید می نمایند و عملاً با تحکیم نمودن مردسالاری در خانواده مرد را به عامل اجرای قانون بر زن تبدیل نموده اند.

در ایران بیش از چهار دهه است که رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی بنا به قانون و شرع اسلامی مردسالار، تبعیض جنسیتی، تحقیر و خشونت را بر زنان نهادینه کرده و موقعیتی برده وار را به زنان ایران تحمیل نموده است. با گماردن مردان به عنوان پاسدار و مالک زن در خانواده و جامعه زنان را از ابتدائی ترین حقوق اجتماعی محروم نموده اند.

هرروز در هر کوی و برزنی در جامعه، خانواده و محل کار، شاهد خشونت های سیستماتیک علیه زنان هستیم. از همه وحشتناکتر خشونت عریان قتل های ناموسی در رابطه با زنان است که بدست نزدیکان زن بدون ترس از مجازات و تحت پیگرد قانونی انجام میگیرد. در واقع مجرمین قتل های ناموسی در ایران با اتکاء به دو ماده قانونی ۲۲۰ و ۶۳۰ قانون ارتجاعی اسلامی بدون نگرانی از مجازات، اقدام به قتل زنان و جنایات سازمان یافته می کنند.

ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی می گوید " پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد، قصاص نمیشود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد." این بند از قانون عملاً تشویق مرد به قتل زن با اتکاء به مذهب اسلام است.

قاتل یا قاتلین تمامی دختران و زنانی که به دست پدر یا سایر بستگان خود به قتل رسیده اند با استناد و اطلاع از این ماده قانونی خود را مبری از مجازات می دانند و با خاطری آسوده اقدام به قتل زنان میکنند. این امر امروزه در کشورهای اسلام زده به معضل فعالین زنان تبدیل شده است. متأسفانه و علیرغم تلاش و مبارزات بسیاری از طرف زنان، بخصوص در یکی دو دهه اخیر شاهد گسترش خشونت و قتل های ناموسی علیه زنان در ابعاد جدید هستیم. باید گفت جهانی شدن سرمایه، تحرک وحشیانه گروه های اسلامی بنیادگرا و سلفی، شوونیسم، ناسیونالیسم و تبعیض جنسیتی و نژادپرستی که جهان را به خاک و خون کشانده اند مقابله با این وضعیت و شرایط را پیچیده تر و بغرنج تر کرده است.

تنها راه نجات از این وضعیت مبارزه ای آگاهانه، متحدانه، سازمان یافته و پیگیرانه زنان با حمایت مردان آزادیخواه و برابری طلب با افقی سوسیالیستی علیه هرگونه ستم درجوامع بشری از جمله ستم بر زنان میباشد. این جهان باید تغییر کند و برای جهانی عاری از هرگونه تبعیض و ستم و استثمار انسان از انسان پیگیر و خستگی ناپذیر باید پیکار کرد. امروزه حضور پر رنگ زنان در تمامی عرصه های پیکار علیه ستمگران در اقصی نقاط جهان گسترده و چشمگیر است که مورد توجه واقع شده و افکار عمومی را به خود جلب کرده است. در ایران مبارزات زنان هر سال به نسبت سال قبل رادیکالتر و وسیعتر از سالهای گذشته به پیش می رود. بخصوص در چند سال اخیر مبارزه زنان، علیرغم محدودیتهای پاندمی کرونا که بار سنگین آن از هر لحاظ بر دوش زنان بوده، علیه مناسبات پوسیده مردسالاری به پیش میرود تا به جنبشی اجتماعی عظیم که قادر به براندازی مناسبات سرمایه داری جمهوری اسلامی باشد تبدیل شود. جنبشی که نطفه اش از همان روزهای اول سرکار آمدن جمهوری اسلامی و در اولین مراسم ۱۷ اسفند در سال ۱۳۵۷ علیه حجاب اجباری و قانون زن ستیز اسلامی شکل گرفت. در این روز زنان مترقی و آزادیخواه که جمعیت وسیع تظاهر کنندگان را شامل میشدند همراه با مردان برابری طلب، چپ و سکولار در شهرهای مختلف و بویژه در تهران به خیابانها ریختند و به حجاب اجباری این نماد بردگی و بندگی زن در نظام تازه به قدرت رسیده اسلامی نه گفتند و با سردادن شعارهای انقلابی، نفرت خود را از همان روزهای اول از به قدرت رسیدن این رژیم ضد زن با صدای رسا اعلام کردند. (ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم و...) تظاهرات زنان آزاده با یورش پاسداران و حزب الهی ها روبرو شد و زنان را مورد تحقیر، اذیت و آزار و سرکوب قرار دادند.

باید گفت این حرکت اعتراضی در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ نقطه عطفی بود در مبارزات زنان ایران و اولین ۸ مارس با شکوه و اعتراضی در جنبش زنان ایران بود که در صف چند صد هزار نفری توده‌ایی در شهرهای بزرگ ایران از جمله در تهران برگزار شد. از آن پس مبارزات زنان از طریق سازمانهای چپ و اپوزیسیون برانداز و انقلابی رژیم به پیش رفت و زنان پیشرو و فعال در آگاه سازی زنان و معرفی جامعه مرد سالار و ضد زن فعالیت خود را علیه قانون و عملکرد رژیم تا کنون به پیش برده‌اند. وجود و فعالیت سازمانهای سیاسی و پیشرو نقش بسزایی در آگاهی زنان و شناخت از فرهنگ پوسیده مردسالار اسلامی داشته است.

سازمانهای سیاسی، بخصوص نیروهای چپ و کمونیست، افزون بر نشریات سازمانی خود، کتابهای بسیاری نیز در باره مسایل خاص زنان و مسائل تئوریک مبنی بر نظرات مارکس، انگلس، لنین، روزالوکزامبورگ، کلارازتکین و دیگر رهبران مارکسیستی در جهان، در مورد مبارزه و رهایی زنان و تجربیات انقلابی مبارزه زنان در کشورهای مختلف و جنبش های انقلابی و همچنین مسایل زنان در خانواده، ازدواج، تبعیض در قوانین و غیره منتشر و در سطح قابل توجهی بصورت غیرعلنی و بعضاً علنی پخش می کردند که تأثیر ویژه‌ای در آگاهی و مبارزه زنان برای آزادی و رهایی زن داشته است. بدین شیوه آگاهی در میان زنان و جوانان گسترش یافت و مبارزات زنان آزادیخواه و فعالین احزاب سیاسی چه به شیوه علنی و غیر علنی ادامه داشت. توجه به مسئله زنان که تا چند سال قبل از قیام سال ۱۳۵۷ خورشیدی زیاد چشمگیر نبود، در سطح وسیعی گسترش یافت، کتابها و مقالاتی در باره محدودیتها و بی حقوقیهای زنان در سطح گسترده‌تری منتشر شد.

در قتل عامهای زندانیان سیاسی در سالهای ۶۰ و ۶۷ خورشیدی از طرف رژیم جنایتکار اسلامی شمار زیادی از زنان مبارز از سازمانهای سیاسی و فعالین عرصه زنان دستگیر و اعدام شدند. شماری نیز برای نجات جان خود مجبور به ترک کشور گردیدند که خلاء چشمگیری در جنبش زنان از کادرهای توانا ایجاد کرد.

اگرچه مبارزات زنان روز به روز بیشتر زیر فشار و منگنه حکومت و اوباشان مردسالار حزب اللهی بود و مبارزه زنان اشکال گوناگون، بی بخود گرفت، اما هرگز تسلیم نشد. نبرد زنان در شکلهای متفاوت علیه قانون زن ستیز جمهوری اسلامی و حجاب اجباری ادامه یافت و در حالت های فردی و گروه های مختلف در کوی و برزن، محل کار، محیط خانواده، مدارس و دانشگاهها به عنوان بخشی از جنبش فراگیر زنان با پشتیبانی مردان برابری طلب و زنان مبارز در خارج از کشور همراه و هم سو شد.

گرایشهای مختلف در درون جنبش جاری زنان واقعیتی به وسعت جامعه و نبرد میان اقشار و طبقات اجتماعی بوده وهست. در این دوران می‌توان به مبارزات مادران پارک لاله، مادران خاوران، جنبش دادخواهی، مادران جانباختگان کردستان، دختران خیابان انقلاب و غیره اشاره کرد. هر چند این بخش از مبارزات زنان تبعیض جنسیتی و مسایل حقوقی زنان را برجسته نمی کرد و کمتر به آن می پرداخت، اما افزایش حضور زنان در عرصه‌های مبارزاتی، تغییر توازن جنسیتی را به نفع کل جنبش زنان تا حدودی تغییر داد.

دربرسی از جنبش زنان باید گفت تنوع دیدگاهها، مواضع و منافع طبقاتی و گروهی، دوری و نزدیکی به قدرت حاکمه و آگاهی جنسیتی و طبقاتی موجب شکل گرفتن گرایشهای متفاوتی در درون این جنبش شده است که بر گرفته از واقعیات جامعه و مناسبات اجتماعی، سیاسی و طبقاتی درون آن است. از این رو است که جنبش زنان را جنبشی اجتماعی برای کسب حقوق زنان میتوان نام برد. به همین منظور جنبش زنان جنبشی جاری و غیر متمرکز می‌باشد و شکل آن قابل مقایسه با جنبشهای کلاسیک گذشته نمی باشد. همین جاری بودن آن موجب پرنگ شدن عنصر دمکراتیک و برابری طلبی در روابط درون گروهی و ائتلاف و همکاریهای آن نیز شده است.

فصل نوین جنبش زنان از خیزش دی ماه ۹۶ که بعد از حدود چهل سال حاکمیت جمهوری اسلامی که بزرگترین حرکت فراگیر فرودستان جامعه بود که علیه بی عدالتی، تبعیض، فقر،

فساد و گرسنگی شکل گرفت، شکل تازه‌ای یافت و در فرم رادیکال در همسویی با دیگر جنبشها از جمله جنبش کارگری و معلمان حرکت کرد. جنبشهای اعتراضی این دوره تا آبان ۹۸ کل حاکمیت و جناحهای آنرا هدف گرفت و شعار سرنگونی کلیت نظام را در دستور قرار خود داد. زنان در ادامه این اعتراضات و در اعتراضات آبان ۹۸ نیز حضور پر شوری داشتند. جنبش زنان سیر تحولی و گسترده و رادیکالی بخود گرفت، بطوری که امروز جنبش زنان خود را با جنبش سرنگونی تداعی میکند.

هرجا نشانی از اعتراض بوده باشد، زنان حضور داشته و با شهامت و جسارتی قابل تحسین در مقابل نیروهای سرکوبگر سینه سپر کرده و آنان را به عقب واداشته‌اند. هرروز میبینیم زنان و دختران آزادیخواه، در متروها، میادین شهرها و ملاء عام یا در حین رفتن بشکل گروههای کوهنوردی و ورزشی با خواندن سرودهای انقلابی مردم را به مبارز فرامیخوانند و خواسته‌های اقتصادی، اجتماعی و مدنی خود را بیان می‌کنند و باکی از دستگیری و زندان ندارند.

زنان در مقایسه با ۴ دهه پیش توانسته‌اند تا اندازه‌ای حضور اجتماعی و جنسیتی پر رنگ خود را به رژیم تحمیل کنند. در زمینه‌هایی چون تحصیلات دانشگاهی و سرپیچی از اوامر و ممانعت‌هایی که رژیم برای زنان ایجاد کرده سر باز زده و پیشرویهایی غیر قابل انکاری کسب کرده‌اند. مبارزات زنان در یکی دوسال اخیر همسو با سایر اعتراضات کارگری، اعتصابات کارگران هفت تپه، اعتراضات معلمان و بازنشستگان، اعتراضات مقابل زندانها و اعتراض و اعتصاب غذای زنان زندانی در درون زندانها، همه نشانگر به چالش کشاندن رژیم اسلامی میباشد. زنان با مبارزات خود در جهت تغییر وضع تحمیلی نامطلوب و ضد زن هزینه‌های زیادی را متحمل شده‌اند، دستگیری و زندان و حکم‌های سنگینی را گرفته‌اند. اکنون شمار زیادی از فعالین زنان در زندان‌های رژیم بسر میبرند. زینب جلالیان زندانی سیاسی اهل کردستان به ابد محکوم شده است. در حالیکه به مریضی کرونا مبتلا شده اجازه ملاقات ندارد و به مکان نامعلومی منتقل شده است. سپیده قلیان دوباره به زندان برگردانده شده و از مریضی در زندان رنج میبرد. شمار زیاد دیگری از فعالین زنان که هنوز حکم شان معلوم نشده است در زندان اسیر حاکمان مذهبی زن ستیز هستند.

باید گفت نقطه ضعف جنبش زنان تا کنون عدم سازماندهی و تشکل در درون این جنبش می‌باشد. جنبش زنان برای به انجام رساندن وظایف انقلابی خود لازم است از پراکنده‌گی بیرون آید و به یک جنبش توده‌ای رزمنده تبدیل شود. زنان در محیط‌های کار، تولید و ادارات لازم است در نهاد و تشکل‌های موجود با مردان هم‌نوع خود، در سازمانهای غیردولتی و ضد سرمایه‌داری متحد و متشکل گردند و در جاهایی که ممکن است تشکل و نهادهای خودساخته خود را ایجاد کنند.

برای توده‌ای شدن جنبش زنان لازم است در سطح نظری و عملی برنامه داشت و در جهت عملی کردن مطالبات زنان اقدامات وحدت بخش و تغییردهنده وضع نامطلوب کنونی را به شرایط مناسب در دستور کار خود قرار داد.

متأسفانه جنبش زنان امروز پراکنده و بدون حضور و دخالت زنان زحمتکش شهر و روستا زنان فعال در مراکز دولتی، زنان حاشیه‌نشین شهرها، زنان کارگر در کارهای غیررسمی از جمله کشاورزی، باغداری، دستفروشی و خانه‌داری می‌باشد. همین امر موجب عدم تشکل و سازمانیابی آنان شده است. ضروریست پیشروان و فعالین جنبش زنان در بسیج و سازماندهی توده‌ای گسترده زنان کارگر و زحمتکش دست بکار شده و به میان آنان رفته و تبلیغ و ترویج آگاهی سیاسی و طبقاتی در صفوف آنان و شناخت از حقوق خود و چگونه‌گی مبارزه برای کسب خواست و مطالبات آنان تلاش مضاعف بنمایند. همسو با زنان کارگر و زحمتکش با اقدام به ایجاد و سازماندهی ابزارهای مبارزاتی در دل نبرد جاری روزانه بپردازند. اینکار حوصله، پشتکار و جدیت می‌طلبد اما مسیر درست و عملی با دست آورد ملموس اجتماعی است. مشکلات عدیده فرهنگی و اقتصادی از جمله موانع بزرگی هستند در سر

راه پیشروی جنبش زنان قرار دارند که لازم است آنان را شناخت و در جهت رفع تمام این موانع قدم برداشت.

قشری از زنان به همت نظام مردسالار و مذهبی جمهوری اسلامی از عدم سواد کافی و آگاهی به حقوق خود ناتوان و یا کم توان هستند. ضروری است پیاموند که برای پایان دادن به این همه بیحقوقی، ستم و تبعیض که هرروزه از آنها قربانی میگردد و برای تغییر جامعه و بهبود زندگیشان و رهایی از قید و بندهای اسارت بار جامعه سرمایه‌داری لازم است خودشان به میدان مبارزه بیایند و برای آن بجنگند.

پیشروان سوسیالیستی که معتقد به حرکت برای تغییر وضع موجود هستند باید کاری جدی در درون جامعه را به پیش ببرند و فعالیت خود را در نقاط کارگری و محلات محروم متمرکز کنند. برای اینکار باید به محل کار و زیست زنان کارگر رفت، یعنی محل کار کارگری، محلات محروم و حاشیه شهرها و روستاها که محل استثمار و ستم و تبعیض و مکانی برای نیروی انقلاب توده‌ای هستند، مکان فعالیت روزانه می باشد.

اگر توجه داشته باشیم جمهوری اسلامی روی این مناطق متمرکز شده و بشیوه سازمانیافته در این مناطق نیز نیروی بسیجی، پاسدار و بقیه نیروهایش را در این مکانها تقویت میکند و بطور مرتب تبلیغاتش را در این مناطق پیش میبرد.

به همین دلیل ما نیز باید روی این مراکز متمرکز شویم تا هم نقشه رژیم راخنثی کرده و هم نقشه‌مند در میان توده‌ی زنان زحمتکش این مناطق محروم کار آگاهگری کرده و زنان محلات محروم و خانه‌دار در روستاها و حاشیه شهرها، سازمان یابند.

این بخش از زنان لازم است آموزش داده شوند تا در محلات و محل کاری خود تشکلهای خود را سازمان دهند و از این طریق در فعالیتهای اجتماعی شرکت کنند و در اعتراضات علیه نهادهای دولتی از خواست و مطالباتشان دفاع کنند.

برای اینکار باید از روشهای متنوعی استفاده کرد و زنان را بشیوه جمعی برای اقدامات مشترک و هماهنگ فراخواند. لازم است در شکل دوست و همکار عادی به میان آنها رفت و رابطه‌ای دوستانه ایجاد نمود و در زندگی و مشکلات روزمره آنان سهیم شد. ضروری است گروه‌هایی را سازمان داد تا به درد و مشکلات زنان ستمدید رسیدگی و برای رفع آنان بکوشند. مثلاً از ابزاری استفاده کرد که مردم محله راحت دور آن جمع شوند. از قبیل نظافت و بهداشت محله، رفع کمبود آب، ایجاد مدرسه و سواد آموزی در محلات و روستاها، مبارزه با اعتیاد و تن فروشی و دیگر معضلات اجتماعی که به همت جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضد مردمی به پدیده‌های مرسوم در جامعه تبدیل شده‌اند. این اقدامات در ادامه خود به اعتراضات مردمی و سپس به سازماندهی منجر میشوند و سطح مبارزه، آگاهی و سازمانیابی توده‌ها را ارتقاء خواهند داد.

در کردستان در دوران کرونا زنان و جوانان زیادی در حاشیه شهرها در امر کمک رساندن به سالمندان و افراد بی بضاعت و کم بضاعت بصورت فردی و گروهی به آنها یاری رسانده و همکاری و همبستگی خاصی از خود نشان داده و موجب نزدیکی و ایجاد روابط با آنها شدند. این شیوه از کار در آینده میتواند به ایجاد کمیته‌های محلی برای کارها و اقدامات مشخص تعیین و شکل بگیرد. این نهادها اگر ایجاد شوند در دوران بحران نقش خود را نشان داده و رهبران عملی از درون این حرکت‌ها پرورش خواهند یافت.

در خاتمه باید گفت برای تحقق مطالبات زنان مبارزه بدون تشکل و سازمان میسر نمی باشد. تجربه مبارزات زنان در طول ۴ دهه علیه رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی این را نشان می‌دهد که مبارزه بدون سازماندهی و تشکل نه کفایت و نه موثر.

جنبش زنان برای دست یابی به مطالبات و برای دخالتگری در صحنه سیاسی به سازماندهی و تشکیلات رسمی و منضبط نیاز دارند. زنان برای مقابله با فرهنگ مرد سالاری با دولت و قدرت سیاسی روبرو هستند که مبارزه ای سیاسی و طبقاتی را می طلبد.

جنبش زنان اگر زنان کارگر و زحمتکش را با خود داشته باشد می تواند به بخش بزرگی از جنبش رهایی زنان تبدیل شده و همراه با جنبش کارگری و سایر جنبش های جاری مبارز در جامعه به نیروی انقلاب برای سرنگونی استبداد مذهبی و رهایی زنان تبدیل شود.

این امر کاری پیگیرانه و با حوصله میخواید که تنها از پیشروان و فعالین چپ با افق سوسیالیستی امکان پذیر خواهد بود.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در سراسر جهان



جنبش اعتراضی زنان و مردان ایران واقعی است ما به رسالت طبقاتی و تاریخی خویش معتقدیم و امروز خواسته های برحق و انسانیمان را بار دیگر اعلام می داریم:

۱- برابری کامل حقوق زنان و مردان در همه عرصه های زندگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و جنسیتی و . . . و لغو هر نوع قوانین زن ستیزانه و جنسیتی ، که زنان را از دستیابی به حقوق خویش در عرصه های مختلف محروم می نماید.

۲- برخورداری از حق اعتصاب، اعتراض و حق ایجاد تشکلهای مستقل زنان و آزادی های دموکراتیک.

۳- اعمال هرگونه خشونت علیه زنان اعم از آزارجنسی و فیزیکی، آزارهای روحی، تحقیر، جنسیتی، ملی، قومی و توهین نوع رفتار غیرانسانی جرم محسوب شود، مبارزه و توقف خشونت خانگی.

۴- لغو قرار دادهای موقت کار، که بیشترین فشارها و پیامدهای آن ، مستقیم یا غیر مستقیم متوجه زنان محروم و تحت ستم جامعه خواهد بود.

۵- هرگونه جدا سازی میان زنان و مردان در اجتماعات و مکانهای عمومی ممنوع باید گردد.

۶- فرهنگ مردسالار پدیده ای غیر انسانی است و تبعات ناشی از آن از جمله قتل های ناموسی و سنگسار جنایت محسوب میشود و مسببین آن باید بر اساس قوانین انسانی محاکمه شوند.

۷- آزادی انتخاب حق مسلم هر انسانی است و تحمیل هر نوع فشار اعم از ازدواج اجباری، تعدد زوجات، ازدواج زیر سن ۱۸ سال منسوخ باید گردد.

۸ - کار خانگی به منزله شغل تلقی شود، در نظر گرفتن دستمزد و حقوق ماهیانه، برای زنان خانه دار که به کار شبانه روزی، تکراری و طاقت فرسای خانگی مشغولند و برخورداری از حق استفاده از مزایای بیمه های اجتماعی و برخورداری از مهد کودک رایگان برای این بخش از زنان .

۹- زنان باید از آزادی انتخاب پوشش، حق مسافرت آزاد، حق تحصیل، انتخاب شغل، انتخاب همسر و سایر حقوق اولیه خود برخوردار باشند و هر نوع پوشش اجباری ممنوع میباشد.

۱۰ - تأسیس خانه های امن برای زنان آسیب دیده در جامعه و حمایت های ویژه بهداشتی و روانی و آموزشی و حرفه ای از آنان.

۱۱- دستمزد برابر در ازای کار برابر برای زن و مرد شاغل.

۱۲- حقوق زنان کارگری که در طول مدت کار، در صد حق بیمه آن ها، از حقوق شان کسر شده است، در صورت فوت باید عیناً مثل مردان، به فرزندان آنان تعلق گیرد.

۱۳- حمایت از تمامی جنبش های آزادیخواهانه و برابری طلب و جلوگیری از بازداشت، محاکمه، تهدید و تعقیب فعالین جنبش های اجتماعی.

۱۴- پدیده ی زنان و کودکان خیابانی و بی شناسنامه از پیامدهای نظام سرمایه داری است و برخورداری کودکان از زندگی سالم از حقوق انکار ناپذیر آنان است.

۱۵- ازدواج موقت شکلی از تن فروشی است و باید ممنوع شود.

۱۶- برخورداری از حقوق و مزایای کامل برای هر نوع بازنشستگی پیش از موعد، از جمله بازنشستگی با ۲۰ سال سابقه کار.

۱۷- لغو فوری هرگونه شکنجه و اعدام، آزادی فوری زندانیان سیاسی و عقیدتی.

۱۸- مهاجرین و پناهندگان، کودکان و زنان از حقوق برابر برخوردار باشند و مانند دیگر شهروندان شامل تمامی امکانات باشند.

۱۹ - آموزش و درمان رایگان برای همگان و تامین معیشت همگانی.

...

۸ مارس روز جهانی زن، تعطیل رسمی باید باشد!

**پروژه باد تشکل مستقل زنان
پیش بسوی جهانی عاری از استثمار و ستم جنسیتی
الترناتیو کارگری و مبارزه برای رهایی از ستم مضاعف**

"به مناسبت 8 مارس"

ستم مضاعف زنان سابقه تاریخی در زندگی انسانها داشته است و از قدیمی ترین ستمهایی است که با پیدایش طبقات، تقسیم کار اجتماعی و تشکیل خانواده بوجود آمد. سرمایه داری ضمن مقدس کردن خانواده و کارخانگی بدون مزد زنان، آنها را با خرید ارزان نیروی کارشان به محل کارکشاند. به عبارت دیگر ستم بر زنان را بنا به نیازش در اشکال دیگری بازتولید کرد. چنان شرایطی ملزومات مبارزه زنان کارگر برعلیه سرمایه داری و نیز رفع تبعیض را فراهم کرد و پایه هشت مارس را در تاریخ رقم زد. به هر درجه که مبارزه طبقه کارگر که زنان نیمی از جمعیت آن

را تشکیل می دهند اجتماعی می شود، مبارزه بر علیه رفع انواع ستم و بویژه رفع ستم مضاعف نیز گسترش می یابد. درصد سال گذشته، با گسترش مبارزات اجتماعی طبقه کارگر، شرایط عینی برای رفع تبعیض مضاعف نیز فراهم شد و زنان توانستند عموماً به دستاوردهایی دست یابند و موقعیت اجتماعی خود را ارتقاء دهند. دستیابی به آزادی های فردی و اجتماعی و بهره مندی از خدمات اجتماعی نتیجه مبارزه زنان و پی گیری فعالین زن آگاه طبقه کارگردرچنین شرایطی بوده است.

با یورش لجام گسیخته سرمایه به دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر، موقعیت اجتماعی زنان و بخصوص زنان کارگرنیز دچار آسیب جدی گردید. سیاست های اقتصادی نئولیبرالیستی، با یورش خود به نهادهای اجتماعی و درهم شکستن ساختار درونی آنها که با هدف جلوگیری از کاهش سود و افزایش بارآوری نیروی کار صورت گرفت، هویت های فردی را در مقابل توانایی های اجتماعی برجسته کرد. چنین یورش با سیاست جهانی کردن اقتصاد درنقاطی از جهان نتایج فاجعه باری برای گروههای اجتماعی منجمله زنان را به همراه داشت. در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و حتی آمریکای لاتین، سرمایه با اتکا به گرایشهای مذهبی برای زنان شرایطی فراهم کرد که در معرض آسیب های جدی قرار گرفتند. بازار آزاد نئولیبرالیستی و تعدیل نیروی کار و قراردادهای موقت و حذف خدمات اجتماعی دست سرمایه داری را برای شدت استثمار بویژه در میان زنان کارگربازتر کرد. سیل عظیم مهاجرت و آوارگی ناشی از جنگ و عدم امنیت جانی موقعیت شکننده زنان را تشدید کرد. افغانستان و ایران در دهه های شصت و هفتاد میلادی جوامع بسته ای نبودند که ماحصل آن در دهه های آخر قرن بیست عروج خمینی و طالبان باشد. شکل دادن حاکمیت اسلامی در ایران و افغانستان نتیجه مستقیم استراتژی سرمایه جهانی بود و اولین قربانی های آن زنان بودند.

اما، با تشکیل حکومت اسلامی در ایران، زنان اولین گروه اجتماعی بودند که با شعار "ما انقلاب نکردیم، تا به عقب برگردیم" به میدان آمدند و خاطر نشان ساختند که با پوشش حجاب اجباری نمی توانند، آنان را از مبارزات و احقاق حقوقشان باز دارند. در طول حاکمیت سرمایه داری ارتجاع اسلامی، با وجود سرکوب به اشکال مختلف، موفق نشدند زنان را به سکوت وادارند. در دو دهه گذشته با گسترش مبارزات کارگری، بخش های مختلف جامعه، بویژه زنان، در اعتراضات و مبارزات روزمره شرکت وسیع داشته و دارند. با گشایش هر چه بیشتر حرکت های اجتماعی و مبارزه بر علیه پایه های سرمایه داری نقش زنان و توانمندی های آنها برجسته می شود.

مبارزه زنان در ایران تعطیل ناپذیر است و پایه های اصلی جنبش قدرتمند اجتماعی را می سازد. آلترناتیو کارگری که آلترناتیو زنان و مردان کارگر است، شکل گیری جنبش سازمان یافته زنان را ضروری میسازد. جنبش زنان برای رفع تبعیض مضاعف مانند هر نوع جنبش رفع ستم دیگر در جامعه سرمایه داری ایران، پایه عینی دارد. جنبش زنان برای رفع تبعیض مضاعف در جامعه، تنها با نقش پر قدرت خود در شکل دادن به آلترناتیو کارگری قادر است، این غده چرکین و قدیمی جامعه طبقاتی را ریشه کن سازد.

مبارزه همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران

shorayehamrahi@gmail.com

مارس 2022

پیام زنان در ۸ مارس ۲۰۲۲

با حاکمیت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ، موقعیت اقتصادی- اجتماعی زنان در ایران فاجعه بار است. با نهادینه نمودن قوانین اسلامی ضد زن و اعمال تبعیض جنسیتی و طبقاتی سرمایه داری بر زنان از قبیل سقط جنین، حجاب اجباری، چند همسری، کودک همسری، محدودیت سفر، جایگاه جنس دوم، باز گرداندن آنها به کنج خانه و محروم ساختن از اشتغال و تحمیل کار خانگی، وابسته کردن هر چه بیشتر آنها از نظر اقتصادی به مردان، عدم تصدی برخی مشاغل همچون قضاوت و یا قانون حجاب، محدودیت های ورزشی، عدم ورود به استادیوم های ورزشی، محدودیت در اجرای موسیقی، محدودیت انتخاب رشته ی دانشگاهی، وراثت، عدم حضانت، شهادت (دو زن برابر یک مرد) ، انواع تبعیض اجتماعی - فرهنگی، خشونت و سرکوب روز افزون بر آنها، نهادینه شدن کنترل مردان بر زندگی زنان، مرد سالاری نابرابری فزاینده ای را بر زندگی زنان حاکم نموده است . نتایج چنین قوانینی در ایران سنگسار ، اسید پاشی ، انواع آسیب ها ، قتل های ناموسی ، خودکشی و کشتار قانونی زنان بوده است . در بحران سرمایه داری و کووید ۱۹ ، زنان شاغل درصدم مقدم بیکارسازی ها بوده اند. زنان بیکار که شامل هیچ گونه حمایتی نیستند در معرض انواع آسیب های اجتماعی منجمله اعتیاد و تن فروشی هستند . زنان شاغل نیز در برابر کار با شرایط یکسان دستمزد پایین تری از مردان دارند و شدت استثمار بر آنها بیشتر است.

در افغانستان ، سیاست قدرت گیری دوباره طالبان توسط سرمایه جهانی در وحله اول بر سر زنان خراب شد . زنان اولین قربانیان چنین شرایطی هستند. طالبان تا کنون دست به قتل عام دهها زن زده است، مدارس دخترانه را تعطیل نموده است، زنان شاغل اجازه برگشت به سر کار ندارند. زنان باید با یک مرد محرم برای خرید از خانه بیرون بیایند. اما در رابطه با این تهاجم گسترده زنان افغانستان ساکت ننشسته اند و هر روز در خیابانها به اعتراض بر علیه طالبان به مبارزه ادامه میدهند. وضعیت اجتماعی زنان در افغانستان نه تنها عملکرد ارتجاع طالبان ، که نقاب از چهره سرمایه داری مدرن که پشت شعارهای حقوق بشری با طالبان کنار آمده اند برکشید.

دولت بنیاد گرای اسلامی ترکیه هم در رقابت با طالبان افغانستان و سران مرتجع جمهوری اسلامی ایران در سرکوب زنان و آزادیخواهان پیشتاز شده است . در طی چند ماه گذشته در رابطه با طرح خروج از " کنوانسیون منع خشونت " که به دستور اردوغان انجام گرفت، زنان عملا در معرض خشونت و قتلها ی ناموسی بیشتری قرار گرفته اند. اما در مقابل این زن ستیزی زنان در ترکیه نیز ساکت ننشسته اند و به اعتراضات وسیع علیه دولت و قوانین ارتجاعی اش پرداخته اند.

با آغاز قدرت گیری رژیم اسلامی سرمایه داری در ایران زنان جزء اولین گروه اجتماعی بودند که به خیابان ها سرازیر شدند و به اعمال قوانین ارتجاعی مذهبی عکس العمل نشان دادند. بعد از آن مقاومت و مبارزه ی زنان در اشکال مختلف در طول چهار دهه بر علیه حکومت سرمایه داری اسلامی، برگ زرینی از تاریخ جنبش زنان را به خود اختصاص داده است. زنان به شرایط و موقعیت نابرابر خود بطور روزمره دست به اعتراض و مبارزه زده اند؛ اعتراض زنان در صف مقدم خیزشهای دیمه ۹۶، آبانماه ۹۸، خیزش توده ای مردم اهواز و بلوچستان و اصفهان چشمگیر بوده است و پتانسیل قوی مبارزاتی از خود نشان داده اند. اعتراضات زنان مبارز و آزادیخواه علیه هر گونه نابرابری در عرضه کار، آموزش، کارخانه، در مدرسه و دانشگاه و در خیابان در مبارزه علیه استبداد و استثمار هر روز افزوده شده و حضور پر رنگ و فعال آنان در جنبش های اجتماعی کارگران، معلمان، بازنشستگان و دفاع از آزادی های سیاسی و اجتماعی قابل تحسین است. اتفاقی نیست که بخش بزرگی از زندانیان سیاسی ومدنی را اکنون در ایران فعالین زنان تشکیل می دهند.

سیاست سرمایه داری جهانی در چند دهه گذشته تهاجم گسترده به دستاوردهای تاریخی بوده است و زنان در صف اول چنین تهاجمی بوده اند . تکیه سرمایه داری جهانی بر ارتجاع اسلامی در منطقه خاورمیانه و موجودیت حکومت های اسلامی در ایران ، افغانستان، عراق و ترکیه از نتایج سیاست های جهانی سرمایه داری در جهت تامین منافع سرمایه بوده است.

پتانسیل مبارزاتی زنان در خاورمیانه نشان داده است که در صورت متشکل شدن می توانند نیروی اجتماعی بالفعلی را تشکیل دهند که در جنبش ضد سرمایه داری و به عقب راندن سیاست های حاکم نقش تعیین کننده ای ایفاء کنند. مبارزه زنان در صورت متشکل شدن می تواند به جنبش پر قدرتی تبدیل شود که در مبارزه طبقه کارگر بر علیه سرمایه داری، نقش تعیین کننده ای برای رسیدن به اهداف انسانی جامعه و در وحله اول رهایی زنان را در بر داشته باشد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



۸ مارس امسال، همگام و هم صدا پیش به سوی مبارزات متشکل زنان! ۸ مارس روز جهانی زن خجسته باد!



امسال در شرایطی به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن میرویم که با وجود همه گیری کوید ۱۹ فشارهای اقتصادی- سیاسی سرمایه داری جهانی ریاضت کشی و فقر را بر مردم جهان و بویژه زنان افزایش داده است. در ایران نیز رژیم جمهوری اسلامی با تهاجمی همه جانبه فقر و فلاکت گسترده ایی را بر تمامی کارگران و مزدبگیران جامعه تحمیل نموده است. تحت حاکمیت و اعمال قوانین ارتجاع اسلامی بیشترین تبعیض جنسیتی و طبقاتی بر زنان اعمال شده و آنها از نظر اجتماعی- سیاسی موقعیت درجه دوم را یافته اند. بیکار سازیهای مداوم، رانده شدن زنان به کنج خانه وابسته کردن هرچه بیشتر آنها از نظر اقتصادی به مردان، کار خانگی، خشونت و سرکوب روز افزون تحت عنوان حجاب اسلامی، کودک همسری و تن فروشی ناشی از فقر مالی، قتلهای ناموسی، محروم نمودن زنان از فعالیتدر عرصه های اجتماعی- سیاسی، نهادینه شدن کنترل مردان بر زندگی زنان به مدد قوانین اسلامی دست مردان را در تمام امورات و شئون زندگی بر زنان باز گذاشته است.

اگر چه در طول بیش از چهار دهه به یمن اجرای قوانین قرون وسطایی اسلام ستم جنسیتی بر زنان روا داشته شده است، اما بخش وسیعی از همین زنان یعنی زنان کارگر که بخش قابل ملاحظه ای از جمعیت را تشکیل می دهند، علاوه بر تبعیض و آپارتاید جنسی از ستم مضاعفی هم رنج میبرند که برای زنان طبقات مرفه و دارا ناآشناست. طبیعتاً زنان خانواده های کارگری و زحمتکش جامعه، زنانی که قادر به سیر کردن فرزندان تحت سرپرستی خود نیستند، زنانی که در اشتغال به کارهای حاشیه ایی و مقاطعه کاری و کار در منازل برای کارفرماها عرق می ریزند و استثمار می شوند و هنوز نمی توانند نان بخور و نمیری را کسب کنند و زنانی که ناگزیر تن به تن فروشی می دهند، از ستم طبقاتی عمیقی رنج می برند. سرمایه داری جهانی با اجرای طرحهای نتولیرالیسم و خصوصی سازیها با به خدمت گرفتن هر چه بیشتر زنان کارگر و زحمتکش جامعه در مشاغل غیر رسمی، سعی دارد با پائین نگه داشتن دستمزدها سود بیشتری از کار زنان استخراج کند. با افزایش فشار اقتصادی، زنان هر چه بیشتر جذب مشاغل کم درآمد و بخش غیر رسمی بازار کار می شوند.

طبق آمار بانک جهانی ۶۰ درصد از ۵۵۰ میلیون کارگر بی بضاعت جهان را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین سازمان جهانی کار تعداد کارگران خانگی و خدماتی در سراسر جهان را ۵۳ میلیون نفر اعلام کرده است که غالب این کارگران را زنان مهاجر تشکیل می‌دهند با توجه به اینکه اغلب کارگران بخش خدمات خانگی بدون هیچ قراردادی مشغول به کار میشوند باید گفت آمارهای واقعی بیشتر از اینها است. در اوضاع و احوال کنونی، با توجه به شرایط فلاکت بار اقتصادی، روز به روز زنان بیشتری با دستمزدهای ناچیز و بدون هیچ قراردادی در رستورانها، منازل، مهد کودکها، مطبها، فروشگاهها، آرایشگاهها، کارگاههای کوچک و خدمات خانگی و مراکزی از این دست مشغول به کار میشوند. علاوه بر آن بطور رایگان در خانه های خود به کار خانگی مشغولند.

در دهه های اخیر تعداد زنان در حوزه نیروی کار جهانی دوپست میلیون افزایش یافته است، نیروی کار زنان برابر با ۴۰ درصد از کل نیروی کار جهانی می باشد. ولی بر اساس گزارش سازمان جهانی کار، زنان جزو کسانی هستند که از حیثه کار ثابت با دستمزد معین بالاجبار بیرون و بیشتر بصورت غیر رسمی مشغول به کار می باشند. زنان در ازای کار مشابه با مردان، حتی در حیثه مشاغلی که بیشترین کارکنان آن زن هستند، حقوق کمتری از مردان دریافت می کنند. بر اساس گزارشات متعدد زنان نصف مواد غذایی جهان را تولید می کنند ولی ۶۲ درصد از قحطی زدگان آن را تشکیل می دهند. با اینکه ۳/۲ کار جهان توسط زنان انجام می شود اما ۷۰ درصد فقیران جهان زن هستند، این در حالیست که آنان فقط ۱۰ درصد از عایدی جهان را کسب می کنند.

یکی دیگر از پیامدهای جهانی سازی سرمایه و سیاستهای نئولیبرالی در رابطه با وضعیت زنان این است که ۶۷ درصد از ساعات کار در جهان به زنان تعلق دارد، ولی زنان کم تر از یک درصد از دارایی جهان را در اختیار دارند. این فرایند نشان دهندهی وضعیت ناگوار موقعیت شغلی و دستمزدهای پایین زنان کارگر نسبت به مردان کارگر است. اینچنین است که زنان کارگر می بایست از یک سو همگام با مردان هم سرنوشت خود در محیط های کار برای احقاق حقوق اقتصادی شان قدم به پیش بگذارند، از سوی دیگر برای کسب حقوق به شدت پایمال شده اجتماعی شان به عنوان زن به مبارزه بر خیزند.

در افغانستان با بقدرت رسیدن و قوی شدن نیروهای بنیاد گرا و فاشیست طالبان با حمایت امپریالیسم امریکا و رژیمهای ارتجاعی در منطقه، ارتجاعی ترین قوانین اسلامی را بر جامعه و کل شئونات زندگی مردم افغانستان بویژه زنان حاکم شده است. نیروهای جنایتکار طالبان با اجرای قوانین ارتجاعی درکشتار و سرکوب زنان فاجعه آفریده اند، ازدواج اجباری، کودک همسری، وادار کردن زنان به تن فروشی، بستن دانشگاه ها، راندن و محکوم ساختن زنان به خانه ها، پوشاندن آنان در بُرقه و حجاب اجباری، جدا سازی کامل زنان از مردان حتی در برخی موارد جدا کردن زنان از همسرانشان، بستن مدارس به روی زنان و دختران جوان، منع و محدودیت رسانه های جمعی، قطع اعضای بدن و کشتار و قتل عام مردم، سنگسار زنان، کشتار زنان در ملاء عام، نمونه هایی از وحشیگری ارتجاع اسلامی است که هر روز به نمایش گذاشته میشود. در کنار این فجایع فقر و فلاکتی که جامعه را فرا گرفته باعث شده که والدین فرزندان خود بخصوص دختران را بفروش برسانند تا بتوانند بقیه خانواده را از گرسنگی نجات دهند. آمار بالائی از خودکشی و خودسوزی زنان افغانستان خود گویای موقعیت فاجعه بار زنان را در این کشور نشان می دهد.

تا جایی که به ایران بر میگردد در طول سالها سلطه رژیم اسلامی زنان همیشه یک پای اصلی مبارزه بر علیه این رژیم بوده اند. تلاش دختران جوان در شکستن تابوها و کلیشه های جنسیتی در جامعه، مبارزه زنان کارگر و خانواده های کارگری، تشکیل صندوق های همیاری زنان، مبارزه با قتل های ناموسی و... تنها بخشی از مبارزات زنان در زندگی روزمره برای دستیابی به بدیهی ترین حقوق سلب شده از ایشان است. اما زنان به این هم اکتفا نکرده اند با حضور در خیابانها و فریاد زدن مطالبات و خواسته های خود و افشای قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی مبارزه ایی گسترده را بر علیه این توحش دامن زده اند. در خیزشهای دیماه ۹۶، آبانماه ۹۸، خیزشهای خوزستان، بلوچستان، اصفهان و اعتراضات سراسری معلمان و بازنشسته گان زنان در صف مقدم این مبارزات خواستها و مطالبات خود را فریاد زده و با

شجاعت و اعتماد به نفس وارائه سخنرانیها رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی را به چالش کشیده اند.

زنان زندانی همچون زینب جلالیان و سپیده قلیان، عسل محمدی و فرزانه زیلایی وکیل انقلابی کارگران نیشکر هفت تپه که تهدید به زندان و ارباب و پرونده سازی شده و دهها زندانی زن دیگر در زندانها که با اعتراض و اعتصاب غذا پیامشان را به دیگر زندانیان سیاسی و جامعه میرسانند. فریاد مادران مبارز خاوران و پارک لاله که با جمع شدن در مقابل زندان ها و دادگاه ها خواب راحت را از جنایتکاران سرمایه می ربایند. در چنین شرایطی مبارزه زنان کارگر و حقوق بگیران برای مطالبات رفاهی و اقتصادی مستقیما به مبارزه ای سیاسی بر علیه سلطه حاکمیت سرمایه داران تبدیل میشود.

علیرغم تمام فشارهای اقتصادی و سیاسی حاکمیت، که تا امروز نتیجه ای جز گرسنگی، سرکوب، ارباب، دستگیری و شکنجه نداشته است، اتحاد و همبستگی و متشکل شدن ضرورت امروز نیروی اجتماعی زنان برای دست یافتن به برابری و عدالت اجتماعی است. زنان کارگر نه تنها در کارخانهها بلکه در محله، خیابان و خانه حضور دارند و علاوه بر تشکلهای کارگری که کارگران زن و مرد را در در خود جای میدهد، نیاز به تشکلهای ویژه خود هم دارند. ایجاد تشکلهای ویژه زنان به هیچوجه به معنای جداسازی زنان از جنبش کارگری نبوده، بلکه تنها به معنای در نظر گرفتن ویژگیهای بخشی از طبقه کارگراست.

زنان در نظام سرمایه داری حاکم در سطح جهانی با ستم جنسیتی و طبقاتی روبرو هستند که می بایست نقطه پایانی برآن نهاده شود. این کشمکش تاریخی و این معضل اجتماعی مبارزه ای دائمی را می طلبد. رفع ستم جنسیتی و طبقاتی زنان، دستیابی به برابری کامل زن و مرد در همه عرصههای اقتصادی-سیاسی و اجتماعی با لغو مالکیت خصوصی و جایگزینی آن با مالکیت اجتماعی که مبتنی بر تولید و توزیع اجتماعی برای همگان بوده و نفعی در استثمار زنان نداشته باشد می تواند تحقق یابد. مبارزه طبقاتی کارگران، رشد و حرکت رو بجلو آن خواهد توانست تضمین کننده رشد جنبش برابری طلبانه زنان و زنان کارگر باشد و تنها مبارزه طبقاتی کارگران است که می تواند چنین افقی را پیش روی زنان قرار دهد.

با گرامیداشت روز جهانی ۸ مارس، پیش بسوی اعتراضات متشکل زنان!

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور
شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران
واحد زنان - زن و برابری**

مارس ۲۰۲۲

***- اعتراض کارکنان قراردادی شهرداری رشت به دادنامه جدید دیوان / دادنامه
«تفاوت تطبیق» را باطل کنید:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1215509>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: برخی کارکنان اداری مجموعه شهرداری رشت که از سال ۹۰ بر اساس مصوبه معاونت نیروی انسانی ریاست جمهوری دولت احمدی نژاد از شرکتی به قرارداد مستقیم تبدیل وضعیت شده‌اند، در تماس با خبرنگار ایلنا، گفتند: از ابتدای سال جاری وضعیت استخدامی و میزان حقوق بیش از ۷۰۰ نفر

از کارکنان اداری و قرارداد مستقیم مناطق ۵ گانه شهرداری رشت بر اساس رای که سوم اسفند ماه سال گذشته (۱۴۰۰) از سوی هیات عمومی دیوان عدالت اداری با شکایت یکی از شاکیان خصوصی صادر شده است، مجدداً از قراردادی به شرکتی تغییر کرده و بخش زیادی از مزایای مزدی آنها کاهش یافته است.

این کارکنان اظهار داشتند: در مجموعه شهرداری رشت بیش از ۷۰۰ نفر پرسنل اداری با سوابق ۱۵ تا ۲۲ سال به صورت قرارداد مستقیم و با عناوین شغلی مختلف و در رده تحصیلات کارشناسی تا دکتری مشغول کارند که به این روند اعتراض دارند.

یکی از کارکنان شهرداری رشت در تشریح مشکلات پیش آمده، گفت: بیش از ۷۰۰ نفر از کارکنان شرکتی شهرداری رشت سال ۹۰ بر اساس ابلاغ معاونت نیروی انسانی ریاست جمهوری دولت احمدی نژاد (برای استخدام کارکنان شرکتی دولت) از شرکتی به قرارداد مستقیم تبدیل وضعیت شدند.

او گفت: بعد از گذشت ۱۰ تا ۱۱ سال از استخدام این تعداد پرسنل؛ متأسفانه دیوان عدالت اداری کشور بر خلاف وحدت رویه و بر اساس دادنامه‌ای که در تاریخ ۲ اسفند ماه سال گذشته (۱۴۰۰) رای به «تفاوت تطبیق ناشی از اجرای دستورالعمل همسان‌سازی» داده است که به موجب آن به استناد تبصره ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری در صورتیکه با اجرای فصل دهم قانون مذکور، حقوق ثابت و فوق العاده‌های مشمول کسور بازنشستگی هر یک از کارمندان که به موجب قوانین و مقررات قبلی دریافت می‌نمودند، کاهش می‌یابد.

طبق اظهارات وی؛ شهردار در اولین اقدام خود بر اساس این رای، از هر یک از کارکنان دو تا سه میلیون و ۸۰۰ هزار تومان کسر کرد که این امر موجب نارضایتی همه کارکنان شد و همچنین اعتراض آنها را برانگیخت. همزمان بعد از اتمام سال ۱۴۰۰ و آغاز سال نو شهرداری جدا از کسورات انجام شده از عقد قرارداد مستقیم با همه کارکنان مشمول این رای امتناع می‌کند و به دنبال تبدیل وضعیت شغلی دوباره کارگران از قراردادی به شرکتی است.

او با بیان اینکه رای صادره؛ امنیت شغلی هزاران نفر از کارکنان قراردادی را به خطر می‌اندازد، در ادامه اضافه کرد: در احکام کارگزینی کارکنان دولت بندهای مختلفی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها تفاوت تطبیق است. تفسیر ساده این ماده قانونی اینگونه است که با اجرای قانون خدمات کشوری پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان تمام دستگاه‌هایی که مشمول این قانون هستند؛ دچار تغییر می‌شود. وی بیان کرد: بعد از تعطیلات نوروز، بحث تفاوت تطبیق و تبدیل وضعیت دوباره کارکنان شهرداری‌ها با استناد به رای دیوان عدالت اداری در همه شهرداری‌ها از جمله شهرداری رشت و انزلی مطرح است و در این میان کارکنان این دو نهاد باتوجه به اینکه امنیت شغلی آنها به خطر افتاده و حقوق و مزایای قانون آنها تا حد زیادی کاهش یافته است، در انتظار ابطال این رای با همکاری دیوان عدالت اداری و سایر مسئولان هستند تا بتوانند به وضعیت شغلی سابق خود بازگردند.

طبق اظهارات وی، بنابر رای دیوان عدالت اداری، دستگاه‌های اجرایی بایستی تفاوت تطبیق افرادی که به حالت آزمایشی، رسمی و پیمانی استخدام شده‌اند؛ از تاریخ سوم اسفند ماه ۱۴۰۰ که این رای صادر شده حذف کند بنابراین حذف تفاوت تطبیق باعث اعتراض بسیاری از افراد شده است. اعتراض به حذف تفاوت تطبیق نیز همچنان در شهرداری رشت در جریان است. در ادامه یکی دیگر از پرسنل قراردادی شهرداری رشت از وخامت معیشت کارکنان قرار دادی شهرداری رشت انتقاد کرد و گفت: در کشور میلیون‌ها کارگر و کارمند با حداقل حقوق مشغول کار و تلاش هستند ولی در کرسی‌های تصمیم‌گیری و قدرت جایگاهی ندارند. وی تصریح کرد: این درد مشترک همه کارگران شرکتی و پیمانکاری در همه نقاط کشور است که امیدواریم با همکاری دیوان عدالت اداری رای صادره باطل و امنیت شغلی و معیشتی همه پرسنل مجدداً تأمین شود.

***- اهالی منطقه جسیدان آستانه اشرفیه نسبت به تخریب منازلشان، تجمع اعتراضی نمودند:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: اهالی منطقه جسدان آستانه اشرفیه در استان گیلان برای اعتراض به تخریب منازلشان دست به تجمع مقابل خانه امام جمعه زدند. براساس گزارش رسانه ای شده، پروانه ساخت و ساز واحدهای مسکونی در منطقه جسدان در سال ۹۷ صادر شده است و حال با گذشت ۴ سال و سرمایه گذاری ۱۷ خانواده در این مکان، دستور تخریب بر اساس ماده ۵ صادر شده است. تجمع کنندگان که پلاکارد «نه به تخریب» در دست داشتند، گفتند: چرا باید چوب کم کاری و قصور مسئولین و صدور مجوز در ساخت را ما خریداران ملک باید بدهیم؟ آنها افزودند: این تجمع پس از صدور دستور قطع آب و برق برای ساکنین این ساختمانها همزمان با شروع ماه رمضان برپا شده است و ۲۱ فروردین قرار است حکم تخریب این ساختمانها اجرایی شود.

***- ادامه‌ی بلا تکلیفی وضعیت شرکت ایران مایه تبریز / درخواست کارگران برای پرداخت حق السعی آیام بلا تکلیفی:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1215102>



به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: تعدادی از کارگران کارخانه ایران مایه تبریز در تماس با خبرنگار ایلنا، از بلا تکلیفی وضعیت کارخانه و کارگران خبر دادند .

کارخانه‌ی ایران مایه تبریز در سال ۱۳۸۷ به یک شرکت ترکیه‌ای - فرانسوی واگذار شد اما این کارخانه اوایل سال ۱۴۰۰ به بهانه‌ی ضررده بودن، رو به تعطیلی رفت و کارفرما با ۱۵۰ نفر از کارگران که هر کدام سابقه‌ی بالای ۱۰ تا ۱۵ سال داشتند، تسویه حساب کرد. از این تعداد ۲۸ نفر از کارگران از امضای برگه‌ی تسویه امتناع کردند و با طرح شکایت در اداره کار تبریز و با همکاری فرمانداری و مصوبه‌ی کمیسیون کارگری شورای تامین شهرستان تبریز، حکم بازگشت به کار برایشان صادر شد. با این وجود مدیران کارخانه از ورود این کارگران به کارخانه امتناع کردند و صرفاً به پرداخت حق السعی آیام بلا تکلیفی اکتفا کردند .

در حالیکه اواخر سال گذشته محمد کلامی (معاون امور هماهنگی اقتصادی استانداری آذربایجان شرقی) از حل مشکل این کارخانه خبر داده و قرار بود در جلسه‌ی شورای تامین مسئله بررسی و در نهایت این کارخانه واگذار و مجدد فعالیت خود را آغاز کند اما تاکنون هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده است و به گفته‌ی کارگران؛ شرکت ترکیه‌ای - فرانسوی کارشکنی می‌کند و در جلسات حاضر نمی‌شود .

به گفته‌ی کارگران این کارخانه، کارگران وضعیت مناسبی ندارند. آنها نزدیک به یک سال در انتظار حل شدن این ماجرا و بازگشت به کار هستند و این انتظار آنها را در تنگنای مالی قرار داده است .

آنها می‌گویند: بیش از یک دهه سابقه‌ی کار در کارخانه‌ی ایران مایه را داریم و پیدا کردن کار جدید در این سن و سال برایمان دشوار است .

این کارگران می‌گویند: در شش ماه گذشته مشکلات مالی خود را تا حدودی با دریافت حق السعی آیام بلا تکلیفی رفع کرده‌ایم و در حال حاضر برای شش ماهه دوم نیز درخواست دریافت حق السعی تنظیم کرده‌ایم اما اداره کار از همان ابتدا ما را ناامید کرده است .

به گفته‌ی این کارگران؛ ممکن است اداره کار به این استناد که مدیران کارخانه بابت حکم قبلی مراجع حل اختلاف به دیوان شکایت کرده و نقض حکم اداره کار را دریافت کرده‌اند، از صدور حکم قبلی امتناع کند .

این کارگران می‌گویند: دیوان عدالت اداری حکم اداره کار را نقض نکرده است بلکه اعلام بررسی مجدد داده است اما ما نگرانیم اداره کار از همان ابتدای بررسی دادخواست ما عقب‌نشینی کند .

به گفته‌ی کارگران، از آنجا که وضعیت کارخانه‌ی ایران‌مایه هنوز مشخص نیست ما از اداره کار می‌خواهیم حکم به نفع کارگران صادر کنند و برای آن‌ها حق‌السعی ایام بلا تکلیفی صادر کنند.

***- جایگاه CNG مهباد حین کار بر اثر برخورد شلنگ نازل سوخت به سرش، جان باختند:**

به گزارش منتشره در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۴۰۱ آمده است : یک کارگر 40 ساله جایگاه CNG مهباد بر اثر برخورد شلنگ نازل سوخت به سرش دردم جان باخت. بنابه گزارش، راننده یک خودرو وانت پس از سوختگیری پیش از جدا کردن نازل اقدام به حرکت کرد و این امر موجب آسیب رسیدن به نازل سوخت شد. فشار وارد آمده به نازل موجب جدا شدن دسته آن شد که با توجه به فشار قوی پمپ گاز حرکت‌های شلای شلنگ موجب برخورد آن به سر کارگر شاغل در این جایگاه شد. در یکی از جایگاه‌های عرضه سوخت CNG این شهرستان، جان کارگر شاغل در آن را گرفت.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، پنجشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید جلسه‌ی رسیدگی به اتهامات احمد زاهدی لنگرودی، شاعر و روزنامه‌نگار و عضو کانون نویسندگان ایران، ۲۴ فروردین در دادگاه کیفری رشت برگزار می‌شود.

***- نهمین روز تجمع کارگران نگهبان معدن سنگرود در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه و عدم پاسخگویی مسئولان:**

برپایه خبر منتشره در روز پنج شنبه 18 فروردین آمده است: برای نهمین روز متوالی (از روز سه شنبه 10 فروردین)، کارگران نگهبان معدن سنگرود واحد البرز غربی به تجمعشان در این معدن تعطیل شده واقع در ارتفاعات شهرستان رودبار حدفاصل 20 کیلومتر محور جاده لوشان به جیرنده در استان گیلان برای اعتراض به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه و عدم پاسخگویی مسئولان ادامه دادند.

کارگران معترض به خبرنگار رسانه ای گفتند: تعویق حقوق کارگران پیمانی با احتساب حقوق اسفند ماه به 3 ماه می‌رسد که تا این لحظه به دلیل نبود منابع مالی پرداخت نشده است.

کارگران پیمانکاری واحد زغال سنگ البرز غربی افزودند: بیمه کارگران نگهبان این معدن هر ماه به طور کامل به تامین اجتماعی پرداخت نمی‌شود و به همین دلیل سوابق بیمه‌ای آن‌ها نیز با مشکل روبرو شده است.

کارگران با بیان اینکه طبق قرار داد مدیریت شرکت باید هر ماهه مطالبات مزدی ما را به همراه عیدی و سنوات پایان سال پرداخت کند، افزودند: متأسفانه هیچ مسئولی در شهرستان و استان پاسخگوی مطالبات ما نبوده است و ما همچنان بلا تکلیف هستیم.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، پنجشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: سامان میرکی فعال محیط‌زیست و از اعضای گروه کوهنوردی نه‌که‌روز که از سوم

فروردین پس از احضار به اداره اطلاعات سپاه به اتهام شرکت در مراسم نوروز در پارک کودک سنندج احضار و بازداشت شده بود، با وثیقه‌ی ۶۰۰ میلیون تومانی، موقتاً و تا زمان اتمام مراحل دادرسی در این روز آزاد شد.

***- کارگران خشمگین پسماند شهرداری بجنورد برای احقاق حقوق برحقشان با تجمع و نشستن در خیابان جنب فرمانداری مسیر را مسدود کردند:**



برپایه خبر منتشره در روز پنج شنبه 18 فروردین آمده است: آخرین گزارش رسانه ای بتاريخ 18 فروردین، حاکی از مسدود کردن خیابان جنب فرمانداری بجنورد برای احقاق حقوق برحقشان می باشد.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، پنجشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید پرونده‌ی یحیی قربانزاده از معلمان باغلمک استان خوزستان، به دادگاه انقلاب اهواز ارجاع شده است.

***- نارضایتی کارگران شهرداری اندیمشک از استخدام‌های بی‌ضابطه در شهرداری / ۶ ماه معوقه داریم:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1215606>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: تعدادی از کارگران شهرداری اندیمشک در تماس با خبرنگار ایلنا، از ادامه مشکلات خود خبر دادند. این کارگران که در حال حاضر حدود شش ماه حقوق معوقه طلبکارند، می‌گویند: جدا از بی‌توجهی شهرداری در پرداخت به موقع حقوق کارگران، آنچه طی چند سال گذشته باعث نارضایتی کارگران این شهرداری شده استخدام بی‌ضابطه و رعایت نشدن قوانین استخدامی از سوی شهرداری طی سالهای گذشته است که امیدواریم در سال جدید اصلاح شود.

آن‌ها با بیان اینکه مطالبات مزدی ما کارگران هشت ماه بود که شهردار با تامین منابع مالی یک ماه آن را به همراه عیدی قبل از سال جدید پرداخت کرد و بعد از ایام تعطیلات نیز یک ماه دیگر از مطالباتمان پرداخت شد، در ادامه گفتند: مشکل شهرداری اندیمشک نیروی کار مازاد آن است که متاسفانه شهرداری که توانایی پرداخت حقوق کارگران را ندارد در هر دوره، تعدادی نیروی کار جدید با سفارش برخی افراد در پست‌های مختلف جذب می‌کند.

این کارگران با بیان اینکه در مجموعه شهرداری اندیمشک با ۱۲۰ هزار نفر جمعیت حدوداً ۷۰۰ کارگر مشغول کارند که تقریباً نیمی از این کارگران نیروی مازاد هستند، گفتند: زینده شهرداری نیست که در مقابل فرمایشات نامعقول برخی افراد در برخی نهادهای دولتی و غیردولتی برای استخدام آسناهای خود پاسخ مثبت دهد.

آن‌ها با تأکید بر اینکه متأسفانه نظارتی روی برخی رفتارهای مسئولان شهری و غیر شهری نیست و برخی از کسانی که برای مدیریت شهر در ادوار گذشته انتخاب شده‌اند صلاحیت لازم را برای مدیریت شهر نداشته‌اند، افزودند: شهرداری اندیمشک درآمد خوبی ندارد و از لحاظ مالی هم برای پرداخت حقوق کارگران و کارکنان خود و هم هزینه‌های شهر مشکل دارد.

این کارگران در تشریح معوقات مزدی خود گفتند: در حال حاضر کارگران شهرداری اندیمشک حقوق ماه‌های مهر، آبان، آذر، دی، بهمن و اسفند ماه سال ۱۴۰۰ خود را به صورت کامل دریافت نکرده‌اند، همین‌طور حق بیمه کارگران چندین ماه به تأخیر افتاده است.

آن‌ها در ادامه گفتند: از مجموع کارگران شاغل در شهرداری حدود ۱۵۰ نفر به عنوان مامور از سایر ارگانهای دولتی جذب شهرداری شده‌اند که در میان آنها شماری افراد دیده می‌شوند که هیچ وقت سر کار خود حاضر نمی‌شوند.

آن‌ها در خاتمه گفتند: درخواست ما نظارت بر عملکرد شهرداری و استخدام بی‌ضابطه نیروی کار آن است تا مشکلات معیشتی کارگران و مالی شهرداری بیشتر نشود.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، پنجشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید پرونده‌ی یحیی قربانزاده از معلمان باغلمک استان خوزستان، به دادگاه انقلاب اهواز ارجاع شده است.

***- ایلنا گزارش می‌دهد؛ احیای «پاداش پایان خدمت کارگران» راهی به سمت**

اشتغال آفرینی / بازنشستگی در قعر جدول کیفیت زندگی:

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1214561>

به گزارش نسرين هزاره مقدم خبرنگار ایلنا، در تاریخ 18 فروردین 1401، آمده است: آرتروز گردن، دردهای به ستوه‌آورنده‌ی عصبی و جیب کاملاً خالی، ثمره‌ی بیش از ۲۵ سال کار کردن در یک شرکت نسبتاً کوچک قطعه‌سازی در حاشیه‌های تهران است. محمدعلی که در ماه‌های پایانی سال قبل بازنشست شده، مجبور است دوباره دنبال کار بگردد، کار دوم در زمان بازنشستگی؛ مستمری ماهانه‌ی او تقریباً به اندازه‌ی اجاره خانه در تهران است و هیچ سرمایه‌ای هم ندارد که بتواند به کاری بزند یا به قول خودش یک ماشین دست دوم بخرد برای مسافركشی.

«کارفرما اسفند هر سال، ما را خاتمه‌ی قرارداد اعلام می‌کرد، سنوات‌مان را همراه عیدی پایان سال می‌پرداخت و از ما اثر انگشت می‌گرفت که هیچ معوقه و طلبی نداریم. سال آخر هم که بازنشست شدم، باز همان مبلغ ناچیز سنوات یکساله و عیدی پایان سال را پرداخت کرد و بدون ریالی اضافه‌تر، خیلی راحت گفت: بفرمایید!»...

به یغما رفتن «پاداش پایان خدمت کارگران»: بعد از استیلای قراردادهای موقت کار در دهه‌ی ۷۰ شمسی و صدور دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت، با به تاریخ پیوستن پدیده‌ای به نام «کارگر دائم»، اکثریت شاغلان بخش خصوصی و تحت پوشش قانون کار، هم‌سرنوشت این کارگر قطعه‌سازی شدند؛ بعد از سال‌ها کار سخت حتی در مشاغل سخت و زیان‌آور، در زمان بازنشستگی، سنوات پایان کار -موضوع ماده ۲۴ قانون کار- مبلغ ناچیزی می‌شود که در اکثریت مواقع، یک حقوق (آنهم فقط مزد پایه) ضریب یک (برای یکسال آخر کار) است. البته اگر کارفرما منصف‌تر باشد، این مبلغ به یکماه حقوق ضریب سه تبدیل می‌شود؛ یعنی کارفرما قرارداد را سه ساله در نظر می‌گیرد و سنوات را در پایان کار برای سه سال پرداخت می‌کند.

کارگران بازنشسته در پایین‌ترین سطح شاخص‌های کیفی زندگی: فقدان مولفه‌ای

تحت عنوان «پاداش پایان خدمت»، شاخص‌های کیفیت زندگی بازنشستگان کارگری را به شدت تنزل داده و نرخ امید به زندگی آن‌ها را پایین آورده است؛ بدون تردید یک بازنشسته کارگری از منظر شاخص‌های کیفی زندگی، وضعیت به مراتب ناگوارتری نسبت به یک کارمند بازنشسته دارد؛ یک کارمند در زمان بازنشستگی، مبلغ قابل توجهی به عنوان پاداش پایان خدمت دریافت می‌کند، مبلغی که با در نظر گرفتن ارزش پول در هر سال، لافل هزینه‌ی خرید یک پراید یا پژوی سواری را تامین می‌کند (در سال جاری سقف این مبلغ ۴۷۲ میلیون تومان خواهد بود)؛ به همین دلیل است که کارمندان بازنشسته، هم کیفیت زندگی بهتری دارند و هم رغبت‌شان به «اشتغال مجدد» کمتر است؛ این بهتر بودن شاخص‌های کیفی زندگی، سال‌هاست که برقرار است، تقریباً از سال‌های انتهایی دهه‌ی ۷۰ شمسی، از همان زمان که قراردادهای موقت به پارادایم مسلط بازار کار ایران بدل شد.

تحقیقی در پاییز ۸۶ تحت عنوان «اشتغال مجدد بازنشستگان و شاخص‌های کیفیت زندگی» توسط حمیده سلیم زاده و حسن افتخار صورت گرفت. این پژوهش به طور مقطعی، در استان تهران و با مشارکت ۸۰ نفر کارمند مرد بازنشسته و ۸۰ نفر کارگر مرد بازنشسته دانشگاه تهران انجام شد و متغیرهای سن، تاهل و برخی شاخص‌های وضعیت اقتصادی-اجتماعی در گروه‌های ذکر شده مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت متغیرهای کیفیت زندگی به طور کمی آنالیز شدند. یافته‌های این تحقیق، جالب توجه است: «مقایسه گروه‌های کارمندان و کارگران بازنشسته نشان داد که میانگین نمرات متغیرهای کیفیت زندگی در بازنشستگان کارمند به طور معنی‌داری بیشتر بوده است.»

بالا تر بودن نمره‌ی متغیرهای کیفیت زندگی برای بازنشستگان کارمند، معلول دلایل بسیاری است که بدون شک یکی از مهم‌ترین آن‌ها، بالاتر بودن متوسط مستمری ماهانه است اما تردید نداریم که وجود یا غیبت مولفه‌ای به نام پاداش پایان خدمت نیز در این میانه تاثیر بسیار دارد. کارگران بازنشسته چون در زمان اشتغال، سنوات پایان کار را سالانه دریافت کرده‌اند، در زمان بازنشستگی مجبور به اشتغال مجدد و تامین هزینه‌های زندگی با روش‌های جایگزین هستند در حالیکه کارمندان بازنشسته از اشتغال مجدد و دغدغه‌های آن فراغت نسبی دارند.

اشتغال مجدد بازنشستگان کارگری و شروط آن: قبلاً سازمان تامین اجتماعی به

استناد بند ۱۵ ماده ۲ قانون تامین اجتماعی اشتغال به کار مجدد بازنشستگان را منع و در صورت اشتغال، حقوق بازنشستگان قطع و حق بیمه از کارفرما اخذ می‌شد. این امر مورد اعتراض شدید بازنشستگان به علت عدم تکافوی حقوق بازنشستگی آن‌ها قرار گرفت و با شکایت به مراجع مختلف و به ویژه دیوان عدالت اداری تظلم خواهی می‌کردند تا اینکه با شرایطی و با محدودیت‌هایی، اشتغال برخی از آن‌ها با در نظر گرفتن شرایط پذیرفته شد. آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۹۰ و ۱۲۴۳ و همچنین بند ب ماده ۶۵ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی مستند این مطالبه‌گری هستند و شرایط اشتغال مجدد بازنشستگان کارگری را تبیین می‌نمایند.

بدون شک، اشتغال مجدد بازنشستگان، به نوعی «فرصت‌سوزی» است، هر بازنشسته‌ای که در یک کارگاه با مختصات اقتصاد رسمی به کار مشغول شود، فرصت یک نیروی جوان جویای کار برای اشتغال رسمی و بیمه شده را می‌سوزاند. از این روی، احیای پاداش پایان خدمت بازنشستگان کارگری، می‌تواند یکی از راهکارهای رونق اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، تلقی شود. بازنشسته‌ای که چند صد میلیون تومان زمان خاتمه‌ی کار دریافت می‌کند، صاحب سرمایه‌ی شخصی است و با این سرمایه می‌تواند نیاز به اشتغال مجدد را رفع و رجوع کند.

لزوم احیای پاداش پایان خدمت کارگران / دادنامه ۱۰۰۹۸ اصلاح شود

احسان سهرابی (مشاور حقوقی کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور)، اجرای دقیق ماده ۲۴ قانون کار و اصلاح عادلانه‌ی دادنامه‌های مربوطه توسط دیوان عدالت را از الزامات اولیه‌ی تحقق شعار سال یا همان اشتغال‌آفرینی می‌داند و در این رابطه به ایلنا می‌گوید: با توجه به ماده ۲۴ قانون کار، سنوات پایان خدمت کارگران در محدوده‌ی یک سال خلاصه نمی‌شود و باید در زمان قطع رابطه کاری یا همان بازنشستگی، کامل پرداخت شود.

ماده ۲۴ قانون کار می‌گوید: در صورت خاتمه قرارداد کار، کار معین یا مدت موقت، کارفرما مکلف است به کارگری که مطابق قرارداد، یک سال یا بیشتر، به کار اشتغال‌داشته است برای هر سال سابقه، اعم از متوالی یا متناوب بر اساس آخرین حقوق مبلغی معادل یک ماه حقوق به عنوان مزایای پایان کار به وی پرداخت نماید.

اما مشکل از قراردادهای موقت است، وقتی کارفرما قراردادها را یکساله می‌بندد و پایان هر سال، سنوات را کامل تسویه می‌کند؛ آن زمان حتی اگر کارگر بیست سال متوالی در همان کارگاه کار کند، مابه‌التفاوت سنوات سالانه در پایان کار پرداخت نمی‌شود. سهرابی به یک دادنامه دیوان عدالت اشاره می‌کند، دادنامه‌ای که حق دریافت مابه‌التفاوت را از کارگر قرارداد موقت سلب کرده است: دادنامه ۱۰۰۹۸ مورخه ۹۸/۲۸/۰۳ می‌گوید «اگر قرارداد کارگران دائمی باشد پس از پایان ۳۰ سال بر مبنای آخرین حقوق سنوات محاسبه می‌شود و اگر قرارداد موقت باشد با تسویه حساب هر سال قرارداد خاتمه می‌یابد و حق دریافت علی‌الحساب را ندارد چراکه چون پرداخت در پایان سال انجام می‌شود کارفرما تکلیفی به پرداخت مابه‌التفاوت ندارد و پرداخت جنبه قطعی دارد و کارفرما با این فرض تکلیفی به پرداخت دیگری ندارد».

او اضافه می‌کند: این دادنامه به اضافه‌ی آخرین اصلاحیه‌ی دادنامه ۲۳۲۸ که مبنای محاسبه‌ی سنوات را به پایه‌ی مزد خالی تقلیل داده است، کارگران را از دریافت مبلغ قابل توجهی در زمان بازنشستگی محروم کرده است. کارگر بعد از سال‌ها کار کردن، وقتی از مجموعه منفک می‌شود، عملاً هیچ سرمایه‌ای ندارد؛ وضعیت بفرنج چنین کارگری را به خصوص اگر در یک شغل سخت و زیان‌آور اشتغال داشته تصور کنید، بیماری‌های شغلی، ناراحتی‌های روحی به اضافه‌ی دغدغه‌های برآمده از بی‌پولی؛ چشم‌انداز سال‌ها زندگی کردن با یک مستمری حداقلی، کارگر بازنشسته را از پا درمی‌آورد. او که هیچ سرمایه و اندوخته‌ای ندارد باید به فکر اشتغال مجدد باشد و اشتغال مجدد و ناخواسته‌ی او، یعنی از میان رفتن فرصت اشتغال یک جوان.

مشاور حقوقی کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور اضافه می‌کند: در این شرایط، ضروری است به استناد ماده ۹۱ دیوان عدالت اداری، در دادنامه ۱۰۰۹۸ بازنگری شود؛ در ایران هیچ گروه شغلی، از خود قضاوت دیوان گرفته تا کارمندان جزء، سنوات را سالانه دریافت نمی‌کنند؛ بنابراین باید با بازنگری در دادنامه ۱۰۰۹۸، راه تسویه حساب سالانه‌ی سنوات کارگران مسدود شود و کارفرمایان را ملزم کنند زمان بازنشستگی، سنوات پایان کار را یکجا پرداخت کنند؛ لاقلاً مابه‌التفاوت پرداخت‌های سالانه را بپردازند. طبق اصول ۱۹ و ۲۰ و ۱۷۱ قانون اساسی فرقی بین کارگران و سایر مستخدمین نیست؛ سایر مستخدمین به غیر از کارگران، پس از اتمام خدمت‌شان مبلغی چشمگیر به عنوان پاداش پایان کار دریافت می‌کنند تا اشتغال مجدد نداشته و شرایط ایجاد اشتغال جوانان را مهیا کنند؛ باید همین مختصات بدون تغییر یا تنزل، برای کارگران نیز برقرار شود.

«جیب خالی» چاره‌ای باقی نمی‌گذارد! در کنار لزوم افزایش مستمری بازنشستگان به نسبت سبب معیشت و هزینه‌های زندگی، تنها احیای پاداش پایان خدمت است که می‌تواند رغبت اشتغال مجدد را برای یک کارگر بازنشسته کمرنگ کند؛ محمدعلی بعد از بیست و پنج سال کار کردن در یک شرکت قطعه‌سازی، در زمان بازنشستگی فقط ۸ میلیون تومان - سرجمع عیدی و سنوات یکسال آخر- دریافت کرده است؛ این پول حتی یک ماه هم دوام نیاورده، به قول خودش همان هفته‌ی اول صرف امور جاری زندگی شد و رفت! حالا با آغاز سال جدید، محمدعلی مجبور است دنبال شغل مجدد باشد، هرچند نه از نظر جسمی و نه از نظر روحی، آماده نیست دوباره کار کند اما «جیب خالی» راه دیگری برایش نگذاشته است...

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، پنجشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: سهیل عربی، زندانی سیاسی سابق، با دریافت ابلاغیه‌ای در این روز جهت اجرای حکم حبس به اجرای احکام کیفری دادرسی عمومی و انقلاب احضار شد.

***- در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد؛ آیا کسب و کار فعالان ساختمانی افزایش یافته؟ / ظرفیت ساخت یک میلیون مسکن در سال را نداریم: <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1215663>**



به گزارش خبرنگار ایلنا، به گفته‌ی اتاق تعاون ایران، شامخ ساختمانی در اسفند ۱۴۰۰ نسبت به ماه قبل از آن ۵۰ واحد افزایش پیدا کرده و به رقم ۵۸,۷۲ رسیده است. اگرچه پیش‌بینی می‌شود این شامخ در فرودین ماه به دلیل تعطیلات، روند کاهشی داشته باشد اما عده‌ای معتقدند طرح‌های دولت در زمینه‌ی مسکن که در قالب طرح جهش ملی مسکن در حال اجرایی شدن است سبب افزایش فعالیت ساختمانی و بهبود فضای کسب و کار در حوزه‌ی ساختمان‌سازی می‌شود.

اکبر شوکت (رئیس کانون سراسری انجمن‌های کارگران ساختمانی) (در پاسخ به این سوال که آیا افزایش قابل توجهی در حوزه‌ی فعالیت‌های ساختمانی داشته‌ایم، گفت: خیر؛ هنوز تفاوتی در این حوزه احساس نشده است. اگر تفاوت قابل توجهی اتفاق افتاده بود ما باید تا الان متوجه می‌شدیم. ببینید شروع کار ساختمانی با آرماتوربندها است و خب اگر این اتفاق می‌افتاد آرماتوربندها ما باید سرشان شلوغ می‌شد که فعلا این اتفاق نیفتاده است کمااینکه طرح دولت نیز هنوز به طور جدی شروع نشده است.

شوکت با اشاره به تصمیم دولت برای ایجاد یک میلیون خانه در سال گفت: به اعتقاد من امکان انجام این کار وجود ندارد و نمی‌توان امیدوار بود که از این طریق فضای کسب و کار در بخش ساختمانی بهبود یابد. ظرفیت داخلی کشور ما از نظر مصالح و تجهیزات داخلی ساختمان اصلا کفایتش انجام این کار را ندارد.

رئیس کانون سراسری انجمن‌های کارگران ساختمانی با اشاره به پروژه‌ی ساخت مسکن مهر گفت: در آن سال‌ها که حجم ساخت مسکن به اندازه‌ای نبود که این دولت به دنبال آن است، با مشکل کمبود تجهیزات مواجه شدیم و قیمت برخی از آن‌ها افزایش قابل توجهی پیدا کرد.

وی تصریح کرد: بنابراین تجربه نشان می‌دهد ساخت یک میلیون مسکن در سال امکان‌پذیر نیست و نهایتاً می‌توانیم هر سال ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار واحد بسازیم و این رقم با ظرفیت نیروی انسانی و همچنین مصالح مورد نیاز موجود همخوانی دارد و به تنگنا نمی‌افتیم و مجبور نمی‌شویم جنس‌های بی‌کیفیت از خارج وارد کنیم و در ساختمان‌ها به کار ببریم.

شوکت افزود: در این صورت بازار داخلی گسترش پیدا می‌کند و کارفرماها می‌توانند متناسب با نیاز ساخت و ساز، جنس خود را تولید کنند. از طرفی نیروی انسانی بخش ساختمانی که نیمی از سال بیکار است می‌تواند با این سیصد هزار واحد وقت خود را پُر کند.

رئیس کانون سراسری انجمن‌های کارگران ساختمانی گفت: سالانه در کشور با احتساب بخش دولتی و خصوصی حدود صد میلیون متر مربع پروانه ساختمانی صادر می‌شود و یکبارہ نمی‌توانیم این ظرفیت را چندین برابر افزایش دهیم بلکه با توجه به ظرفیت داخلی، بیست تا سی درصد می‌تواند به این افزوده شود.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، جمعه ۱۹ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: رضا صلواتی، زندانی سیاسی که دوران محکومیت ۷ ساله خود را به اتهام «فعالیت تبلیغی

علیه نظام» با مصداق مدیریت یک گروه در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند، با پایان ایام مرخصی در این روز به زندان تهران بزرگ بازگشت.

***- کارگران مدت معین شرکت های پتروشیمی تابعه هلدینگ خلیج فارس نسبت به عدم پاسخگویی به مطالبات برحقشان، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز شنبه 20 فروردین 1401، آمده است: کارگران مدت معین شرکت های پتروشیمی تابعه هلدینگ خلیج فارس برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به موارد زیر دست به تجمع زدند و خواستار پاسخگویی مسئولین و تحقق خواسته هایشان شدند:

- 1- عدم پیگیری و اجرای مصوبه 1403 شرکت ملی صنایع پتروشیمی از سال 92
- 2- عدم پرداخت پاداش سنوات مطابق کار قانون و آرای هیئت عمومی دیوان
- 3- عدم اجرای ترفیعات مطابق چارت سازمانی از بدو استخدام
- 4- عدم رسیدگی به موقع جهت پرداخت فوق العاده مخصوص مدت معین از بدو استخدام طبق مصوبه استخدامی
- 5- عدم رسیدگی و پیگیری جهت انعقاد قرارداد طویل‌المدت یا دائم
- 6- عدم پرداخت حقوق با در نظر گرفتن حق مناطق گرمسیری همانند پرسنل رسمی از بدو استخدام
- 7- عدم پرداخت حق مقام به پرسنل شاغل در سمت های 15 به پایین
- 8- عدم پیگیری و نامه نگاری با تدوین مقررات نفت جهت احتمال اجرای ماده 10 برای پرسنل مدت معین از سال 98

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، شنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید در پی شکایت سپاه پاسداران، برای معترضین به تونل انتقال آب سبزکوه در سرشاخه‌های کارون، مجموعاً ۲۴۰ سال زندان و شلاق صادر شده است.

***- تجمع اعتراضی پرستاران قراردادی سبزوار نسبت به اخراج از کار مقابل دانشگاه علوم پزشکی:**



به گزارش منتشره در تاریخ روز شنبه 20 فروردین 1401، آمده است: جمعی از پرستاران قراردادی سبزواری بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به اخراج از کار دست به تجمع مقابل دانشگاه علوم پزشکی این شهرستان در استان خراسان رضوی زدند.

برپایه گزارش، جمعی از پرستاران قراردادی سبزواری که قرار است تا پایان فروردین ماه به خاطر فروکش بیماری کرونا تعدیل شوند با تجمع مسالمت آمیز مقابل دانشگاه علوم پزشکی سبزواری خواهان رسیدگی به وضعیت کاری شان از سوی مسولان شدند.

تعداد زیادی از پرستاران قراردادی سبزواری که به خاطر فروکش بیماری کرونا قرار است تا پایان فروردین ماه امسال بیکار شوند با تجمع مقابل دانشگاه علوم پزشکی سبزواری با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون « مدافعان دیروز تعدیل شدگان امروز » « بمیریم شهیدیم نمیریم تعدیلیم » اعتراض خود را به گوش مسولان رساندند.

یکی از پرستاران گفت: زمانی که بیماری کرونا وارد کشور شد و اوج گرفت همه ما از سوی دانشگاه علوم پزشکی سبزواری به صورت قراردادی جذب شدیم. ما به صورت شبانه روزی در میدان جنگ با ویروس منحوس و خطرناک کرونا حضور داشتیم و خطر را برای سلامتی شهروندان به جان و دل خریدیم. الان که زمزمه های فروکش بیماری کرونا به گوش می رسد مسولان دانشگاه اعلام کرده اند قرارداد ما را تمدید نمی کنند و باید تا پایان فرودین ماه محل کارمان را ترک کنیم. وی ادامه داد: ما از مسولان انتظار داریم از حقوق مدافعان سلامت که در اوج بیماری کرونا از جان خود برای سلامتی شهروندان گذشتند پشتیبانی کنند و چاره ای برای ادامه خدمت ما بیندیشند.

***- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، شنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز احمد (یوحنا) سرپرست، ایوب (فرزین) پوررضازاده و مرتضی حاجب مشهود کاری، سه نوکیش مسیحی ساکن رشت، توسط دادگاه انقلاب این شهر هر یک به ۵ سال و یک روز حبس و پرداخت یکصد و هشتاد میلیون ریال جزای نقدی محکوم شدند.

***- ادامه اعتراضات پرستاران سازمان تامین اجتماعی نسبت به مخالفت با بازنشستگی پیش از موعدشان:**

برپایه گزارش منتشره در تاریخ روز شنبه 20 فروردین 1401، آمده است: پرستاران سازمان تامین اجتماعی از ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به مخالفت با بازنشستگی پیش از موعدشان، خیردادند.

پرستاران به خبرنگار گفتند: که با وجود برخی تغییرات مدیریتی در راس این سازمان به دلیل رویکرد معاون حقوقی این سازمان و همچنین مستقل دیده نشدن قانونی استخدامی این سازمان و ارجاع آن به قلمروی قانون مدیریت خدمات کشوری، بازنشستگی زودتر از موعد آنها بر اساس ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی با مانع مواجه شده است.

بازنشستگی زودتر از موعد پرستاران مشمول قانون تامین اجتماعی و بند ۱ جزء (ب) ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی خواسته‌ای است که پرستاران آن را بارها اعلام کردند و سال گذشته هم پیرامون آن چند تجمع در محل سازمان تامین اجتماعی برگزار کردند .

با توجه به اینکه هر سال سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان‌آور یک و نیم سال محاسبه می‌شود، بر اساس بند ۱، افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی و ۲۵ سال متناوب در مشاغل سخت و زیان‌آور (مخل سلامت) اشتغال داشته باشند، و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند، می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی کنند .

با این حال، پرستاران تامین اجتماعی در موقعیتی قرار گرفته‌اند که هم مشمول بند ۱ می‌شوند و هم اینکه طبق قوانین استخدامی سازمان تامین اجتماعی در قلمروی قانون مدیریت خدمات کشوری قرار می‌گیرند. بر اساس ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، دستگاه‌های اجرایی موظفند کارمندانی را که دارای ۶۵ سال سن و حداقل ۲۵ سال سابقه خدمت هستند را بازنشسته کنند .

این در حالی است که پرستاران تامین اجتماعی می‌گویند که بازنشستگی زودتر از موعد آن‌ها در مشاغل سخت و زیان‌آور بر اساس سوابق ۲۵ سال بیمه‌پردازی هم با مخالفت سازمان تامین اجتماعی مواجه می‌شود؛ چراکه سازمان به این دلیل که با کمبود نیروی پرستاری مواجه است و تمایلی به استخدام‌های جدید و جبران این کسری ندارد، نمی‌خواهد که نیروهای خود را زودتر از موعد به خانه بفرستد .

از طرفی پرستاران می‌گویند که سازمان تامین اجتماعی در تشریح دلیل مخالفت خود عنوان کرده که نمی‌خواهد پرستارانش پس از بازنشستگی در بخش خصوصی (بیمارستان‌های غیردولتی) مشغول به کار شوند. با این حال پرستاران می‌گویند که این تنها بهانه‌ای برای مخالفت با بازنشستگی پرستاران است .

پرستاران تامین اجتماعی با اشاره به آخرین نشست هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی در سال ۱۴۰۰، عنوان کردند که دلایل قانونی خود را برای پذیرش بازنشستگی زودتر از موعد با ۲۰ سال بیمه‌پردازی را به جلسه هیات مدیره ارائه کرده‌اند اما تاکنون اقدامی از جانب سازمان صورت نگرفته و مذاکره در حال پیگیری است .

این پرستاران به رویکرد معاون حقوقی، مجلس و امور بین‌الملل سازمان تامین اجتماعی در مورد به کار گرفتن روش‌های مقاومتی در برابر بازنشستگی زودتر از موعدشان اعتراض دارند و همچنین می‌گویند که هیات مدیره نمی‌خواهد از مستقل بودن سازمان برای رفع موانع بازنشستگی زودتر از موعد استفاده کند .

به گفته‌ی پرستاران تامین اجتماعی لازم است که هیات مدیره سازمان برای حل مشکلات اقدام کند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، شنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید عالیه اقدام‌دوست، فعال زنان و فعال کارگری علیرغم گذشت دو ماه از زمان دستگیری، در پی عدم تامین قرار وثیقه صد میلیون تومانی، در بند زنان زندان اوین بسر می‌برد.

***- درخواست کارگران شهرداری بهبهان برای «تبدیل وضعیت»:**
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1216459>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 20 فروردین 1401 آمده است: شماری از کارگران قرارداد جمعی شهرداری بهبهان که در بخش خدمات مشغول کارند، خواستار تبدیل وضعیت قراردادهای خود از جمعی به قرارداد مستقیم هستند.

این کارگران می‌گویند: چرا در یک مجموعه بزرگ شهری، باید بین کارگران تبعیض وجود داشته باشد. تعدادی رسمی و قراردادی باشند و دستمزدهای بالاتر بگیرند و عده‌ای نیز مثل ما به صورت قرارداد جمعی باشند و طرف حساب شرکت‌های پیمانکاری که اهمیتی به پرداخت مطالباتمان کارگران آن‌هم به صورت قانونی نمی‌دهند. ما نه امنیت شغلی داریم و نه دستمزدمان به اندازه رسمی‌ها و قراردادی‌هاست در عین حال در برخی ماه‌های سال با تاخیر پرداخت می‌شود.

کارگران قرارداد جمعی شهرداری بهبهان که تحت مسئولیت پیمانکار فعالند، خواستار تبدیل وضعیت خود از قرارداد جمعی به قرارداد مستقیم با مجموعه شهرداری هستند.

این کارگران می‌گویند: رفع تبعیض، یک خواسته قانونی و حق مسلم ما کارگران است؛ وقتی ما برای شهرداری در سطح شهر کار می‌کنیم، چرا قرارداد مستقیم نداشته باشیم؟

این کارگران همچنین اظهار داشتند: چندین سال است پیگیر تبدیل وضعیت و دریافت مطالبات قانونی از شهرداری هستیم که انجام نمی‌شود.

***- والدین دانش آموزان مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان ، تجمع نمودند:**

برپایه خبر منتشره در تاریخ روز شنبه 20 فروردین، جمعی از والدین دانش آموزان بندرعباس برای اعتراض به کلاس‌های حضوری و رعایت نشدن شیوه نامه های بهداشتی و تهویه نامناسب مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان تجمع کردند و خواستار لغو آموزش حضوری و ادامه آموزش‌ها به شکل برخط و در بستر شاد شدند.

***- جمعی از خانواده ها در مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان، تجمع اعتراضی نمودند:**

برپایه خبر منتشره در تاریخ روز شنبه 20 فروردین، جمعی از خانواده‌های دانش‌آموزان با شعار «آموزش حضوری تعطیل باید گردد» مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان اجتماع کردند و اعتراضشان به حضوری شدن کلاس‌ها بنمایش گذاشتند.

***- اعتراض پرستاران تامین اجتماعی به بی‌نتیجه ماندن مذاکره بازنشستگی / یک**

بام و دو هوای بازنشستگی بر اساس ماده ۷۶ :

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1216330>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 20 فروردین 1401 آمده است: بازنشستگی زودتر از موعد پرستاران مشمول قانون تامین اجتماعی و بند ۱ جزء (ب) ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی خواسته‌ای است که پرستاران آن را بارها اعلام کردند و سال گذشته هم پیرامون آن چند تجمع در محل سازمان تامین اجتماعی برگزار کردند .

با توجه به اینکه هر سال سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان‌آور یک و نیم سال محاسبه می‌شود، بر اساس بند ۱، افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی و ۲۵ سال متناوب در مشاغل سخت و زیان‌آور (مخل سلامت) اشتغال داشته باشند، و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند، می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی کنند .

با این حال، پرستاران تامین اجتماعی در موقعیتی قرار گرفته‌اند که هم مشمول بند ۱ می‌شوند و هم اینکه طبق قوانین استخدامی سازمان تامین اجتماعی در قلمروی قانون مدیریت خدمات کشوری قرار می‌گیرند. بر اساس ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، دستگاه‌های اجرایی موظفند کارمندی را که دارای ۶۵ سال سن و حداقل ۲۵ سال سابقه خدمت هستند را بازنشسته کنند .

این در حالی است که پرستاران تامین اجتماعی می‌گویند که بازنشستگی زودتر از موعد آن‌ها در مشاغل سخت و زیان‌آور بر اساس سوابق ۲۵ سال بیمه‌پردازی هم با مخالفت سازمان تامین اجتماعی مواجه می‌شود؛ چراکه سازمان به این دلیل که با کمبود نیروی پرستاری مواجه است و تمایلی به استخدام‌های جدید و جبران این کسری ندارد، نمی‌خواهد که نیروهای خود را زودتر از موعد به خانه بفرستد .

از طرفی پرستاران می‌گویند که سازمان تامین اجتماعی در تشریح دلیل مخالفت خود عنوان کرده که نمی‌خواهد پرستارانش پس از بازنشستگی در بخش خصوصی (بیمارستان‌های غیردولتی) مشغول به کار شوند. با این حال پرستاران می‌گویند که این تنها بهانه‌ای برای مخالفت با بازنشستگی پرستاران است .

پرستاران تامین اجتماعی با اشاره به آخرین نشست هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی در سال ۱۴۰۰، عنوان کردند که دلایل قانونی خود را برای پذیرش بازنشستگی زودتر از موعد با ۲۰ سال بیمه‌پردازی را به جلسه هیات مدیره ارائه کرده‌اند اما تاکنون اقدامی از جانب سازمان صورت نگرفته و مذاکره در حال پیگیری است .

این پرستاران به رویکرد معاون حقوقی، مجلس و امور بین‌الملل سازمان تامین اجتماعی در مورد به کار گرفتن روش‌های مقاومتی در برابر بازنشستگی زودتر از موعدشان اعتراض دارند و همچنین می‌گویند که هیات مدیره نمی‌خواهد از مستقل بودن سازمان برای رفع موانع بازنشستگی زودتر از موعد استفاده کند .

به گفته‌ی پرستاران تامین اجتماعی لازم است که هیات مدیره سازمان برای حل مشکلات اقدام کند و پرستاران خواسته‌ی خود را از همین طریق پیگیری کنند.

***- بیانیه کانون نویسندگان ایران در اعتراض به اجرای حکم دو تن از اعضایش:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران آمده است : در اعتراض به اجرای حکم دو تن از اعضای کانون نویسندگان ایران

در ماه‌های اخیر، حکومت موج جدیدی از آزار و احضار و به بند کشیدن فعالان صنفی را به راه انداخته است. بسیاری از نویسندگان، معلمان، فعالان زنان و کارگری به زندان احضار شده‌اند یا ابلاغیه‌هایی برای وثیقه‌گذاران آنان ارسال شده است. دو تن از اعضای کانون نویسندگان ایران، علیرضا ثقفی و هاله صفرزاده نیز ماه گذشته در مراسمی در کرج بازداشت شدند و بلافاصله حکم زندان پیشین آنان اجرا شد.

علیرضا ثقفی خراسانی، نویسنده، مترجم، فعال کارگری و عضو کانون نویسندگان ایران و هاله صفرزاده، نویسنده، فعال کارگری و عضو کانون نویسندگان ایران در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ در پارک جهان‌نمای کرج بازداشت و پس از ۱۶ روز حبس به قید کفالت آزاد شدند. چند ماه بعد، دادگاه هر یک از آنها را به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس محکوم کرد. این حکم در دادگاه تجدید نظر تأیید و به اجرای احکام فرستاده شد. ثقفی و صفرزاده از معرفی خود به زندان اوین در تاریخ مقرر سر باز زدند، اما پس از بازداشت در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۴۰۰ در کرج، برای اجرای حکم پیشین‌شان به زندان کجویی منتقل شدند .

کانون نویسندگان ایران ضمن محکوم کردن سرکوب مداوم فعالان مدنی و سیاسی که همچون همیشه با فشار بر خانواده‌ها و نزدیکان آنان همراه است، خواهان لغو فوری حکم‌های صادر شده برای ثقفی و صفرزاده و آزادی بی قیدوشرط همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی است .

کانون نویسندگان ایران

۲۰ فروردین ۱۴۰۰

***- مخالفت کارگران کشت و صنعت خرم آباد با واگذاری این مجتمع به پیمانکاران:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1216415>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 20 فروردین 1401 آمده است : کارگران مجتمع کشت و صنعت فجر صفا که در حومه جنوبی شهر خرم آباد واقع شده، در انتقاد به واگذاری مسئولیت‌شان به پیمانکاران تصریح کردند: طی چند ماه گذشته تصمیماتی مبنی بر ورود پیمانکاران به بخش‌های از این مجتمع کشاورزی از سوی مدیران گرفته شده که نگرانی امنیت شغلی ما در معرض تهدید قرار بگیرد.

از قرار معلوم؛ واحد گلخانه این مجموعه کشاورزی بزرگ اخیر تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکار قرار گرفته است. بنابراین کارگران شاغل در آن به شرایطی که توسط پیمانکار برای کار آنها تعیین شده، معترض بوده و خواستار نظارت کارفرمای اصلی و مسئولان مربوطه بر عملکرد پیمانکار هستند.

این کارگران با بیان اینکه در کشت و صنعت فجر صفا حدود ۱۵۰۰ نفر شاغل هستند که حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کارگر آن در بخش گلخانه فعالیت دارند، افزودند: چندین سال است موضوع واگذاری بخش‌های از این مجتمع کشاورزی به پیمانکاران مطرح است که سال پیش این

موضوع قوت گرفت. در نتیجه علاوه بر مخالفت کارگران این مجتمع در نهایت کارفرما اواخر سال گذشته، برای شروع، کارگران بخش گلخانه را تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکاری قرار داد و عناوین شغلی آنها از قرارداد مستقیم با مجتمع به پیمانکاری تغییر کرد.

کارگران با بیان اینکه موضوع پیمانکاری شدن کارگران سایر بخش‌های مجتمع نیز مطرح است و به مرور انجام خواهد شد، افزودند: چرا مدیران مجتمع به وضعیت و امنیت شغلی و سوابق کار کارگران توجه نمی‌کنند. باز شدن پای پیمانکاران مختلف در این مجتمع، وضعیت امنیت شغلی و معیشتی ما کارگران را به طور جدی آسیب‌پذیر خواهد کرد.

کارگران کشت و صنعت فجر صفا مدعی شدند: یکی از دلایل تضييع حقوق کارگران شانه خالی کردن پیمانکاران از زیر بار مسئولیت است. در سال‌های اخیر کارگران به دفعات شاهد سختی و فشار کار کارگرانی که با پیمانکاران فعالیت شغلی داشته‌اند، بوده‌اند.

کارگران کشت و صنعت فجر صفا با بیان اینکه برای تبدیل وضعیت استخدامی خود با پیمانکار کنار نخواهیم آمد، افزودند: با افزایش حداقلی حقوق در سال جاری، پیمانکار جدید که برای عقد قرارداد با کارفرمای مجتمع پا پیش گذاشته، حاضر به پرداخت دستمزد قانونی به کارگران نیست به همین دلیل به کارگرانی که شرایط کار و قرارداد جدید را نمی‌پذیرند، گفته تسویه حساب کرده و محل کار خود را ترک کنند.

این کارگران که مخالف ورود پیمانکاران به مجتمع کشت و صنعت فجر صفا هستند، در پایان تصریح کردند: هرچند برخی مسئولان استانی تاکید دارند شرایط کار کارگران با ورود پیمانکاران بهتر خواهد شد و آنها بر کار پیمانکاران نظارت خواهند کرد اما همه ما می‌دانیم که مشکلات کارگران با ورود پیمانکار در مجتمع بسیار زیاد می‌شود و بهبود پیدا نخواهد کرد. در عین حال کارگران با قبول این وضعیت، جدا از بی‌ثباتی شغلی باید قید حق و حقوق قانونی خود را بزنند و با پیمانکار جدید کنار بیایند.

علی جهانی (مدیرکل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی لرستان) نیز با تاکید بر اینکه کارگران کشت و صنعت لرستان نگران امنیت شغلی خود نباشند، در این زمینه به رسانه‌ها گفته است: با صحبت‌های انجام شده با مدیران کشت و صنعت و بازرسی‌هایی که مرتباً از این مجموعه خواهد شد، کارگران نگران قراردادهای جدید نباشند، ما مطالبات آنها را پیگیری خواهیم کرد.

جهانی همچنین گفته است: بدون شک قرارداد این کارگران طبق قانون کار خواهد بود و علاوه بر اینکه اقدامات قانونی لازم برای حمایت از واحد تولیدی و صادراتی استان انجام می‌شود در عین حال هیچ کارگری اخراج نخواهد شد.

***- پایان اعتصاب کامیون داران با افزایش 10 درصدی نرخ کرایه، به اعتصاب خود پایان دادند :**

آخرین گزارشات رسانه ای شده طی 2 روز گذشته حاکی از پایان اعتصاب کامیون داران معترض به نرخ کرایه، کمبود سوخت و وضعیت بیمه با افزایش 10 درصدی نرخ کرایه، می‌باشد.

***- آخرین گزارشات رسانه ای درباره اعتصاب کامیون داران:**

*- رئیس انجمن کامیونداران کشور مشکلات تامین سوخت و بیمه تامین اجتماعی رانندگان را دو علت اصلی اعتصاب روزهای اخیر این صنف در برخی از استان‌ها از جمله کرمانشاه، فارس و کرمان و...، قلمداد کرد.

وی در خصوص اعتصاب روزهای اخیر این صنف افزود: دو روز گذشته، بخشی از ناوگان ما دست به اعتصاب زدند که روند بهبود وضعیت از غروب روز گذشته آغاز شد و امروز در خصوص حمل و نقل بارها، مشکلی نداشتیم. وی درباره افزایش قیمت برخی اقلام تره‌بار به دلیل نرسیدن 90 درصد بارها به میادین تره‌بار کشور، تصریح کرد: مشکلاتی در حمل میوه و

تره‌بار در کشور به وجود آمد، ولی نه با این میزانی که اعلام شده است. این میزان مورد تایید نیست. طبق اطلاعاتی که کسب کردم، مشکل حل شده و بارها همه به میادین رسیده است.

***- رئیس اتحادیه بارفروشان گفت:** علت گرانی گوجه اعتصاب رانندگان کامیون است آنها اجازه ارسال کالا را از شهرستان به تهران نمی‌دهند.

گوجه در حالی در برخی واحدهای صنفی به کیلویی 40 هزار تومان رسیده که راننده‌ها مانع ارسال کالا به شهرستان‌هایی از جمله تهران شدند. همین مساله باعث شد که گوجه در شهر تهران گران شود.

رئیس اتحادیه بارفروشان گفت: سال گذشته در فصل بهار قیمت گوجه کیلویی 5 هزار تومان بود امسال اما به دلیل اعتصاب کامیون‌داران گوجه در میادین اصلی میوه و تره‌بار به کیلویی 25 هزار تومان رسید. وی افزود: در ماه‌های گذشته ورودی بار به میدان میوه 30 هزار تن بود اما در فروردین ورودی بار 3 هزار تن رسیده است. همین مساله باعث کمبود کالا در شهر تهران را به همراه داشته است. او ادامه داد: در زمینه اعتصاب کارگران وزیر راه و معاون اول رئیس‌جمهور به این مساله ورود پیدا کردند و قرار شده با کامیون‌دارها صحبت کنند تا بارگیری کالا از سر گرفته شود. وی در خاتمه گفت: در تولید محصولات کشاورزی با چالش خاصی رو به رو نیستیم اما چنانچه این اعتصاب‌ها ادامه‌دار باشد در آینده شاهد فاسد شدن حجم گسترده‌ای از میوه و صیفی‌جات هستیم.

***- گرانی گوجه فرنگی در حالی خبرساز شده است که براساس گزارش رسانه ای شده این گرانی‌ها به مساله ترابری بر می‌گردد.** به طوری که گفته می‌شود با اعتصاب رانندگان در اعتراض نسبت به نرخ کرایه‌ها، روند ترابری کند شده و لذا افزایش قیمت‌ها طی دو روز گذشته را رقم زده است.

***- رئیس اتحادیه میادین میوه و تره بار اراک عامل اصلی افزایش اخیر قیمت گوجه را صادرات و اعتصاب کامیون‌داران عنوان کرد.**

وی افزود: دلیل افزایش قیمتی در خصوص گوجه اتفاق افتاده بود، اعتصاب رانندگان کامیون و باز شدن صادرات این محصول بود، این محصول در مرز پرویزخان به قیمت حدود 15 هزار تومان به فروش می‌رسد به همین جهت فروشندگان در شهرستان‌ها نیز قیمت را افزایش دادند.

او گفت: به سبب اینکه از روز چهارشنبه 17 فروردین، ماشین به میزان کافی برای جابجایی وجود دارد، قیمت گوجه در میدان از حدود 19 هزار تومان به حدود 10 هزار تومان کاهش یافته است.

***- رئیس اتحادیه میوه و تره‌بارقزوین گفت:** از 2 روز گذشته به دلیل اعتصاب کامیون‌داران و عدم وجود کامیون‌های حمل بار، گوجه فرنگی وارد استان نشد که همین موجب افزایش قیمت آن در بازار شده است.

وی ادامه داد: روز گذشته در میدان میوه و تره بار قزوین هر کیلو گوجه فرنگی در سطح عمده‌فروشی 20 هزار تومان فروخته شد؛ امروز گوجه‌ها به مقصد استان بارگیری شده است و هفته آینده قیمت آن در بازار کاهش پیدا خواهد کرد.

***- 2 کارگرکارخانه کاغذسازی تبریز بهشهر بر اثر سقوط در مخزن کاغذ، جان باختند:**

برپایه خبر منتشره آمده است: چهارشنبه شب (17 فروردین)، 2 کارگرکارخانه کاغذسازی تبریزواقع در منطقه امیر آباد بهشهر، استان مازندران بنام های سعید جوادی و علیرضا مسافر بر اثر سقوط در مخزن کاغذ جان باختند.

بنابه گزارش منتشره بتاريخ 20 فروردین، این دوکارگر جان باخته برای نظافت به داخل مخزن کاغذ رفته بودند، به دلیل استنشام گاز سمی ناشی از کاغذهای لجن شده دچار گاز گرفتگی شده و بیهوش می‌شوند. همکار سوم آنها که خارج از مخزن مشغول کار بود با مشاهده این اتفاق سریعاً گروه‌های امدادی خارج از کارخانه را مطلع می‌کند اما دو کارگر اول در نهایت جان خود را از دست می‌دهند.

***- در تماس با ایلنا طرح شد؛ نگذارند یک «ویرگول» سرنوشت بازنشستگان را تغییر دهد / مستمری‌بگیران کارگری در انتظار صدور احکام:**
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1216772>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 21 فروردین 1401 آمده است: در دومین نشست تعیین مستمری بازنشستگان کارگری، یک ویرگول در تبصره دوازده قانون بودجه، کار تصویب افزایش را متوقف کرد. این ویرگول نابجا، سازمان تامین اجتماعی را ذیل صندوق‌های دولتی آورده است.

مروتی (بازنشسته کارگری) با بیان اینکه بین سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح و سازمان تامین اجتماعی فرق از زمین تا آسمان است، گفت: هیات دولت نباید به خاطر یک ویرگول، میلیون‌ها خانواده‌ی مستمری‌بگیر را در بلاتکلیفی و انتظار نگه دارد؛ دولتی‌ها به خوبی می‌دانند که سازمان تامین اجتماعی، نهادی غیردولتی و متعلق به کارگران و بازنشستگان است؛ هیچ سالی دولتی‌ها، مستمری بازنشستگان کارگری را تعیین نکرده‌اند و حالا هم نباید سر یک ویرگول همه چیز را به هم بریزند.

به گفته وی، بازنشستگان کارگری در انتظار صدور احکام جدید هستند و اگر دولت کمک کند و این مساله ویرگول را کنار بگذارند، احکام جدید بازنشستگان به سرعت صادر می‌شود.

این بازنشسته ادامه می‌دهد: قرار نیست یک اشتباه تاپپی یا سهوی، میلیون‌ها نفر را از حق مسلم خود محروم سازد؛ افزایش مستمری بازنشستگان کارگری به اندازه‌ی مصوبات شورای عالی کار، تکلیف قانون است و هیچ متن یا سندی نمی‌تواند این الزام قانونی را از میان بردارد. منتظریم که مستمری‌مان به اندازه‌ی مصوبات شورای عالی کار افزایش یابد.

انتهای پیام/

***- یکشنبه های اعتراضی کارگران بازنشسته: تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته ومستمري بگيران سازمان تامین اجتماعی کشور نسبت به سطح نازل حقوق ومستمري وعدم همسان سازيش مقابل مجلس و اداره کل تامین اجتماعی استان های آذربایجان شرقی، اصفهان، خوزستان، قزوین، کرمان، کرمانشاه، گیلان، لرستان، مرکزی و....**

قزوین

اهواز:



برپایه خبر مندرج در شبکه های مجازی در تاریخ روز یکشنبه 21 فروردین 1401، آمده است: کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی کشور برای انعکاس صدای اعتراضشان در سال جدید نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری و عدم همسان سازی دست به تجمع مقابل مجلس در تهران و اداره کل تامین اجتماعی استان های آذربایجان شرقی، اصفهان، خوزستان، قزوین، کرمان، کرمانشاه، گیلان، لرستان، مرکزی و... در تبریز، اصفهان، اهواز، قزوین، کرمان، کرمانشاه، گیلان، خرم آباد، اراک و... زدند.

*- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: شکایات منفرد، زندانی سیاسی محبوس در زندان قرچک و رامین، در اعتراض به عدم رسیدگی پزشکی و مخالفت مسئولان با اعزام وی به بیمارستان از این روز دست به اعتصاب غذا و دارو زد.

*- پرستاران قراردادی چند استان نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی همزمان تجمع اعتراضی به پا داشتند:



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 21 فروردین 1401 آمده است: مدافعان سلامت طرحی: ما کارگر فصلی نیستیم/ چرا برنامه ای برای جذب مان ندارند؟ پرستاران قراردادی چند استان برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی تجمع کردند.

مدافعان سلامت طرحی در چند استان کشور، نسبت به عدم جذب در سیستم وزارت بهداشت اعتراض کردند. یکی از این مدافعان به خبرنگار رسانه ای گفت: بعد از فروکش کردن کرونا، بیشتر ما را که قراردادهای موقت داشتیم، بیکار کردند و هیچ برنامه ای برای استخدام دائم ما ندارند؛ این در حالیست که در ایام اوج بحران وقتی همه مردم می ترسیدند از خانه خارج شوند، ما جانمان را کف دستمان گذاشته بودیم و با جان و دل با کرونا جنگیدیم.

وی افزود: روز گذشته در برخی استان‌ها به نهادهای مسئول مراجعه کردیم و خواستار روشن شدن وضعیت استخدام خود شدیم؛ حرف ما این است که ما کارگر فصلی نیستیم که فقط در فصل بحران ما را به کار گیرند و بعد فراموش‌مان کنند. خواسته‌ی ما جذب در ساختار درمان کشور است به گونه‌ای که دیگر دغدغه‌ی آینده نداشته باشیم.

*- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: فدراسیون ملی آموزش و فرهنگ فرانسه طی نامه‌ای به وزیر امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی که در این روز منتشر شد، با اشاره به زندانی شدن اسماعیل عبدی و سرکوب معلمان در ایران، ضمن اعتراض به احضار رسول بدافی و بازداشت هاله صفرزاده و علی‌رضا ثقفی، خواهان منع تعقیب فعالان سندیکایی و سیاسی شد. در بخشی از این نامه آمده است: «مأموران امنیتی با فرا رسیدن اول ماه مه و دوم ماه مه که در ایران روز معلم است دست به این اقدامات می‌زنند. چگونه می‌توان پذیرفت که این اقدامات برای ساکت کردن معلمان و علیه آزادی بیان نیست؟»

*- نگاهی به رابطه‌ی دوسویه‌ی دستمزد و تورم؛ بالارفتن دستمزد در ایران «تورمز» نیست / سرنوشت نامعلوم تاثیر افزایش ۵۷,۴ درصدی حقوق‌ها در سفره کارگران

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1216569>



به گزارش نسرين هزاره مقدم خبرنگار ایلنا، در تاریخ 21 فروردین 1401 آمده است: «اگر قیمت‌ها بالا نرود، شاید بتوانیم سطح زندگی‌مان را در سال جدید حفظ کنیم، به قولی همان نان و پنیرمان را بخوریم!»؛ این جمله، تحلیل ساده‌ی یک کارگر لاستیک‌سازی در استان البرز است که چشم‌انداز سال ۱۴۰۱ را با وجود افزایش ۵۷,۴ درصدی حداقل دستمزد، «نامطمئن» توصیف می‌کند.

نگاه کارگران به افزایش مزد در سال جدید: ما برای پی بردن به دیدگاه کارگران در مورد افزایش ۵۷,۴ درصدی مزد سال جدید، سراغ حداقل‌بگیران در واحدهای مختلف رفتیم؛ گروهی که البته کارگران پیمانکاری به خصوص در شهرداری‌ها هستند، نگرانی اصلی را «پرداخت شدن مرتب و به موقع دستمزد» عنوان می‌کنند؛ یک کارگر شهرداری کوت عبدالله می‌گوید: «همان دستمزد قبلی را شهرداری مدعی می‌شد ندارم که بپردازم، حالا که دستمزد زیاد شده، حتما باز کاسه چه کنم چه دست می‌گیرند و ما را معطل می‌گذارند؛ خدا کند به موقع مزدمان را بدهند.» اما گروهی که در واحدهای کوچک و کارگاه‌های زیر ده نفر یا بیست نفر با مختصات نظام استاد-شاگردی قدیم کار می‌کنند (یعنی حق ایجاد تشکل یا شورای اسلامی کار برایشان تعریف نشده، با کارفرما در مراوده‌ی همیشگی و روزمره هستند و هیچ نماینده‌ای برای مذاکره ندارند؛ همان کارگاه‌هایی که مناسبات آن بیشتر سنتی است تا مدرن و قانونی) دغدغه‌ی اصلی را کاهش امتیازات شغلی می‌دانند. یک کارگر شاغل در یک انبار

پوشاک در جمهوری تهران: «از همین الان کارفرما دور برداشته که دیگر نمی‌توانید ماهی ۲,۵ روز مرخصی بروید و تا وقتی کار هست باید در انبار بمانید، یعنی اضافه کار کاملاً اجباری!» اما بیشترین گروه از کارگران، یعنی همانهایی که در نظام ساخت‌یافته و مدون روابط کار با مختصات کارگاه‌های مدرن کشور اشتغال دارند، ارزیابی خود از افزایش ۵۷,۴ درصدی دستمزد سال جدید را به مساله‌ی «تورم» گره می‌زنند و می‌گویند: اگر قیمت‌ها افزایش یابد و هزینه‌های زندگی بازم بالاتر برود، بازی افزایش مزد به یک بازی باخت-باخت بدل می‌شود؛ نه ما کارگران چیزی به دست می‌آوریم و نه اعضای شورای عالی کار به خصوص دولتی‌ها می‌توانند مدعی شوند که کاری برای بهبود معیشت طبقه‌ی کارگر صورت داده‌اند.

پیش‌بینی نرخ تورم در سال ۱۴۰۱: به این ترتیب، در این برهه‌ی زمانی، «کنترل تورم» در سطوح مختلف و در پیوست با اصلی‌ترین مولفه‌های زندگی (با در نظر گرفتن اولویت)، مهم‌ترین مساله در بهبود شاخص‌های معیشتی کارگران است؛ قیمت سه مولفه‌ی زیستی بیشترین اهمیت را دارد، اول خوراکی‌ها، دوم مسکن (برای قاطبه‌ی کارگران اجاره‌نشین و فاقد مسکن ملکی) و سوم هزینه‌های درمان. اگر تورم در این سه حوزه کنترل شود، معیشت کارگران اگر بهبود هم نیابد، لاف در سطح سال ۱۴۰۰ حفظ می‌شود. این در حالیست که نشانه‌های تورمی در هفته‌های اخیر، دال‌های مثبتی ندارند؛ هرچند تاثیر عوامل بیرونی از جمله برجام بر تورم، بسیار است و به علت تاثیرپذیری شدید اقتصاد از فضای سیاسی و احتمالات آن، نمی‌توان پیشگویی دقیقی از نرخ قطعی تورم در ماه‌های پیش رو داشت، اما پیش‌بینی‌های داخلی و بین‌المللی نشان از تداوم افزایش قیمت‌ها دارند. هنوز داده‌های رسمی در ارتباط با تورم ۱۴۰۱ نداریم اما ارزیابی نرخ چند مولفه در اسفندماه، حاکی از افزایش هزینه‌های زندگی و تحمیل تورم سربرار به سبد معیشت ۸ میلیون و ۹۷۹ هزار تومانی‌ست؛ همان سبده‌ی که براساس آمارهای تورمی دیماه ۱۴۰۰ محاسبه شد و در مذاکرات مزدی ۱۴۰۱ مورد استفاده قرار گرفت؛ به این ترتیب، به سال جدید نرسیده، بخشی از افزایش دستمزد با تحمیل تورم، از میان برداشته و بلاتاثیر شد.

گزارش مرکز آمار حاکی از آن است که در آخرین ماه سال، قیمت اجاره‌بهای مسکن در کشور نسبت به ماه قبل ۰,۷ درصد و نسبت به اسفند سال پیش ۲۷,۵ درصد رشد داشته است. البته آماري که بانک مرکزی در این خصوص اعلام می‌کند، بالاتر است. صرف نظر از ساختمان و مسکن، بیشترین افزایش قیمت کالاها و خدمات در اسفندماه نسبت به بهمن ۱۴۰۰ متعلق به گروه «نان و غلات» با رشد ۴,۹ درصدی بوده است. بیشترین افزایش قیمت یک ساله منتهی به اسفند نیز مربوط به «سبزیجات» و «هتل و رستوران» به ترتیب با رشد ۶۴ و ۵۷ درصدی بوده است.

به اینها بیفزاییم پیش‌بینی‌های نهادهای مالی بین‌المللی را. صندوق بین‌المللی پول در آخرین پیش‌بینی‌های خود نرخ تورم سال ۲۰۲۲ را برای ایران ۲۷,۵ درصد اعلام کرده و معتقد است در سال ۲۰۲۳ این مقدار به ۲۵ درصد می‌رسد. اکونومیست نیز تورم ایران در سال ۲۰۲۳ را ۲۳,۵ درصد تخمین زده است. علاوه بر شاخص تورم، پیش‌بینی‌ها در ارتباط با تولید ناخالص ملی و نرخ رشد نیز «مثبت» نیست. آخرین گزارش بانک جهانی ارزیابی می‌کند که رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ به ترتیب ۳,۱ درصد، ۲,۴ درصد و ۲,۲ درصد باشد؛ یعنی هر سال از شتاب این رشد کاسته می‌شود. اما نکته مهم این گزارش این است که «انتظار نمی‌رود تولید ناخالص داخلی واقعی در سال ۲۰۲۳ نیز به سطح سال ۲۰۱۷ برگردد.» در عین حال، در گزارشی دیگر از این نهاد مالی، تورم سالیانه ایران در سال میلادی جاری، می‌تواند تا مرز ۴۰ درصد افزایش یابد.

انواع تورم و ریشه‌های آن: فرامرز توفیقی (رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور و از نمایندگان کارگری دستمزد) در ارتباط با نرخ تورم و تاثیر آن بر دستمزد به ایلنا می‌گوید: تورم در اقتصاد، مقوله‌ای چندبعدی است و انواع مختلف دارد؛ فقط از نظر شدت به سه دسته تقسیم شده است؛ تورم خزنده (آرام یا خفیف) که به افزایش ملایم قیمت‌ها گفته می‌شود. در تورم خفیف، افزایش قیمت بین یک تا شش درصد و در سال بین ۴ تا ۸ درصد است؛ تورم شدید (تورم شتابان یا تازنده) که در این نوع تورم، آهنگ افزایش

قیمت‌ها تند و سریع است، میزان سالانه آن ۱۵ تا ۲۵ درصد است و در نهایت، تورم بسیار شدید (تورم افسار گسیخته، فوق تورم و ابرتورم) است که شدیدترین حالت تورم به شمار می‌رود. معیار تورم بسیار شدید را ۵۰ درصد در ماه یا دو برابر شدن قیمت‌ها در مدت شش ماه می‌دانند.

او به موضوع تورم در ایران می‌پردازد: تورم در ایران از اواخر دهه‌ی ۱۳۴۰ به صورت جدی پدیدار گشت و تا اواخر دهه‌ی ۱۳۵۰ تحت تاثیر عوامل ساختاری مانند تکیه بر درآمدهای نفتی در قالب برنامه‌های مالی، عدم تعادل در شاخص‌هایی مانند تجارت جهانی، بافت بودجه‌ی دولت، ترکیب بخشهای اقتصادی، مناطق اقتصادی کشور؛ دوگانگی شیوه‌ی تولید، فقدان حلقه‌های واسط در زنجیره‌ی تولید و عدم تعادل در الگوی توزیع درآمد و ثروت، ادامه داشت و موجب بروز فشارهای تورمی در جامعه شد. آثارش در عدم موازنه بین رشد نقدینگی و تقاضای موثر و رشد عرضه‌ی کل ظاهر گشت و از طریق تورم وارداتی و فشار هزینه‌های تولید شدت یافت.

توفیقی ادامه می‌دهد: در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به علت فقدان برنامه‌های جامع رشد و توسعه‌ی اقتصادی و نوسانات شدید درآمدهای ارزی، اقدامات ریشه‌ای جهت اصلاح نظام اقتصادی و رفع عدم تعادل‌های آن صورت نگرفت و لذا به علت حفظ و تداوم ساختار وابسته و تک محصولی و عدم تعادل‌های حاکم بر اقتصاد کشور، سیاستهای پولی و مالی انبساطی، افزایش هزینه‌های تولید، تورم وارداتی، جنگ تحمیلی، نارسایی‌های سیستم توزیع، عوامل روانی و...، گرایش‌ها و فشارهای تورمی شدید در جامعه ظاهر گشت که هنوز هم ادامه دارد.

توفیقی با بیان اینکه «تورم در یک نگاه کلی دارای سه منشا عمده است؛ فشار تقاضا، فشار هزینه و ساختار اقتصاد» ادامه می‌دهد: نکته‌ی بسیار مهم در خصوص اقتصاد ایران آن است که بسیاری از عوامل اثرگذار بر تورم، قدرت گرفته از عوامل ساختاری است. تورم لجام گسیخته‌ی امروز که بسیاری از مردم به ویژه اقشار کم درآمد را تحت تاثیر قرار داده، اگرچه ناشی از فعل و انفعالات تورمی است اما در واقع معلول تفکری تورم‌زاست که بر اقتصاد کشور حاکم شده است. برخی از اجزای این تفکر تورم‌زا عبارتند از شیوه‌ی اجرای عدالت اجتماعی، توهم رشد از طریق تزریق پول، عدم برنامه‌ریزی برای افزایش درآمد و ساختار سیستم بانکی.

در مورد تورم در کشور مطالعات بسیاری صورت گرفته است. یکی از آنها تحقیقی است که دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی تحت عنوان ریشه‌ها و پیامدهای تورم در ایران انجام داده است. در این گزارش ضمن بررسی روند تورم در ایران از سال ۱۳۵۲ تاکنون، مهمترین دلایل تورم در کشور، اتکا به درآمدهای نفتی، عدم انضباط مالی دولت، بالا بودن هزینه‌های سربار تولید در کشور، غیررقابتی بودن برخی تولیدات و قیمت‌گذاری نامناسب عنوان شده است. معادله‌ی وابستگی دوسویه‌ی تورم و دستمزد: افزایش دستمزد در ایران «تورم‌زا» نیست اما بالا بودن تورم و منشا اوج‌گیری آن یک بحث است و وابستگی دوسویه‌ی تورم و دستمزد، بحثی دیگر. رویکردهای مختلف و گاه متضادی در رابطه با نوع ارتباط افزایش دستمزد و افزایش تورم وجود دارد؛ گروهی از اقتصاددانان دست راستی از ماریپچ تورم و دستمزد دفاع می‌کنند و بر همین اساس، به افزایش ۵۷,۴ درصدی مزد ۱۴۰۱ حمله می‌کنند؛ اما فعالان کارگری و اقتصاددانان چپ بر این باورند که منشا افزایش نرخ تورم، ریشه در مشکلات زیرساختی اقتصاد دارد و هیچ ماریپچی در ساختار ابرتورمی اقتصاد ایران، قابل تعریف و جانمایی نیست.

توفیقی در این رابطه می‌گوید: اعتقاد بر این است که بالا بردن دستمزد و حقوق می‌تواند به نوبه خود موجب تورم بیشتر شود. ارتباط نرخ تورم با میزان افزایش حداقل دستمزد، یکی از موضوعاتی است که در سالهای گذشته به سوژه‌ای داغ برای کارشناسان اقتصادی تبدیل شده است. در این ارتباط برخی معتقدند که افزایش سالانه‌ی تورم باید حتماً با افزایش نرخ دستمزدها همراه شود تا از کاهش قدرت خرید کارگران جلوگیری به عمل آید. از سوی دیگر برخی نیز افزایش نرخ دستمزد را زمینه‌ساز افزایش تورم ارزیابی می‌کنند به این ترتیب یافتن علت و معلول بین این دو متغیر می‌تواند بستر مناسبی را برای مسئولان به منظور تعیین

بهترین نرخ افزایش دستمزد کارگران فراهم کند. در این زمینه تحقیقات بسیار وجود دارد که نتایج آن نشان می‌دهد در اقتصادهای ابرتورمی مثل اقتصاد ما، افزایش دستمزد، تاثیر تورمی ندارد و بنابراین استدلال‌های اقتصاددانان دست راستی محلی از اعراب نخواهد داشت.

توفیقی به این تحقیقات و نتایج آنها اشاره می‌کند: نتایج به دست آمده از برآورد مدل چرخشی مارکوف با یک و دو رژیم اقتصادی، نشان می‌دهد ارتباط متقابل بین دو متغیر تورم و رشد حداقل دستمزد تحت تاثیر شرایط اقتصاد کلان قرار ندارد. به عبارت دیگر، هم در شرایط رکود و هم در شرایط رونق اقتصادی، رابطه علی از تورم به رشد حداقل دستمزد است و این تورم قیمت‌هاست که منجر به تورم حداقل دستمزد می‌شود نه برعکس. این نتیجه نیز توسط مدل مارکوف با یک رژیم اقتصادی تایید شده است. یافته‌های این مطالعه با نتایج بسیاری از تحقیقات خارجی و داخلی در این زمینه مانند سارا لموس (۲۰۰۴) و کانگ (۲۰۱۱)، مهرگان (۱۳۸۴) و عباسی نژاد (۱۳۹۲) همخوانی دارد که افزایش حداقل دستمزدها اثر معناداری بر تورم ندارد و این تورم است که منجر به افزایش حداقل دستمزدها می‌شود. به هر حال دلایل مختلفی برای این نتیجه قابل طرح است. کوچک بودن تعداد نیروی کاری که از افزایش حداقل دستمزد متاثر شده و یا وجود اصطکاک‌ها (مانند قیمت‌گذارها) یا شرایطی (مانند شرایط رقابتی) در بازار کالا و خدمات کشور که اجازه انتقال کامل اثر افزایش حداقل دستمزد به قیمت محصول را نمی‌دهد، می‌توانند از مهمترین دلایل چنین نتیجه‌ای باشند.

این کارشناس مزد خلاصه می‌کند: به هر حال، این نتیجه‌ی مهم که در اقتصاد امروز ایران، افزایش حداقل دستمزد به طور معناداری آثار تورمی ندارد، این توصیه را تایید می‌کند که با افزایش تورم، برای جبران کاهش حداقل دستمزد حقیقی نیروی کار، افزایش دستمزد توجیه پذیر است بدون این که نگرانی در مورد اثرات تورمی آن وجود داشته باشد.

حرف آخر: اگر قیمت‌ها بالا نرود...

با این حساب، افزایش ۵۷,۴ درصدی دستمزد در شرایطی که بیش از دو یا سه سال است ثبات قیمتی در هیچ عرصه‌ای نداریم (با استناد به همان سه حوزه اصلی خوراکی‌ها، مسکن و درمان)، هیچ تاثیر تورمی نخواهد داشت؛ اما برعکس این معادله‌ی علی به تمامی صادق است، به این معنا که استمرار تورم شدید یا بسیار شدید، می‌تواند در عرض یک یا نهایتاً دو ماه، اثرات افزایش دستمزد را از میان بردارد؛ نتیجه‌ی تحقیقات علمی، دغدغه‌های همان کارگر لاستیک سازی را تایید می‌کند: «اگر قیمت‌ها بالا نرود، شاید بتوانیم سطح زندگی‌مان را در سال جدید حفظ کنیم، به قولی همان نان و پنیرمان را بخوریم...»

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: مریم کریمی‌بیگی، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی و خواهر مصطفی کریمی‌بیگی از جانباختگان اعتراضات سال ۸۸ که در ترم پایانی تحصیل خود به سر می‌برد، طی تماس صورت گرفته از جانب حراست، در این روز از دانشگاه اخراج شد.

***- تجمع کارگران کارخانه فولاد روهینا دزفول مقابل فرمانداری برای دفاع از امنیت شغلی و معیشتیشان به صورت اعتصاب ادامه دارد دنبال می‌گردد :**

برپایه خبر منتشره آمده است: اخراج ۸ کارگر حق طلب توسط کارفرما زیر سکوت مصلحتی مسئولان بجای پاسخگویی به خواسته های کارگران

طی روزهای گذشته پس از تعطیلات سال جدید، کارگران کارخانه فولاد روهینا دزفول برای دفاع از امنیت شغلی و معیشتیشان دست به اعتصاب دامنه دار و تجمع مقابل فرمانداری شهرستان دزفول در استان خوزستان زدند.

درهمین رابطه شنبه شب (20 فروردین) فرماندار ویژه دزفول به خبرنگار رسانه ای گفت: اغلب کارگران فولاد روهینا دزفول که قراردادشان تمدید نشده بود با وساطت و رایزنی با مدیریت کارخانه بازگشت به کار شدند.

وی افزود: حدود 40 نفر از کارگران فولاد دزفول در چند مرحله اعتصاب و بنا به دلایل مختلف دست از کار کشیدند.

وی ادامه داد: با وساطت انجام شده با مدیریت، این افراد بازگشت به کار شدند ولی دوباره اقدام به اعتصاب کردند.

او افزود: در مرحله بعد که کارگران دوباره دست به اعتصاب زده بودند مدیریت شرکت از تمدید قرارداد حدود هشت نفر از کارگران که دیگر همکاران را به اعتراض تشویق می‌کردند و با شرایط سازگار نبودند، خودداری کرد. وی با بیان اینکه حقوق سه ماه این کارگران با وجود سرکار نبودن نیز پرداخت شده بود، افزود: کارگران معترض حقوق عقب افتاده یا بیمه پرداخت نشده نداشتند و حتی از بسته معیشتی و دیگر تسهیلات نیز بهره مند بودند. وی گفت: طرح طبقه بندی مشاغل برای کارگران اعمال نشده که اداره کار باید نتیجه پیگیری‌های خود را در این خصوص اعلام کند. وی با بیان اینکه شرکت فولاد روهینا دزفول یک شرکت خصوصی است، افزود: کارگران معترض فولاد به فرمانداری هم مراجعه کردند.

***- تجمع کارگران «کیان تایر» مقابل نهاد ریاست جمهوری / کارخانه را به دولت برگردانید تا تولید رونق بگیرد:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1216868>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 21 فروردین 1401 آمده است: کارگران کیان تایر در تماس با خبرنگار ایلنا، از تجمع امروز (بیست و یک فروردین) مقابل نهاد ریاست جمهوری خبر دادند.

این کارگران، مهم‌ترین خواسته‌ی خود را «تعیین تکلیف مالکیت کارخانه» عنوان کردند و افزودند: از انتهای سال ۹۸ با اعلام ورشکستگی کارخانه، تولید افت کرده و اخیراً به صفر مطلق رسیده است. پیش از این، یک ماه کارخانه تعطیل بود؛ دیروز سر کار رفتیم اما اطلاعیه‌ای روی بُرد زده بودند که تا اطلاع ثانوی، کارخانه تعطیل است. این شرایط، کارگران باسابقه و متخصص این واحد تولیدی را نگران کرده است.

کارخانه کیان تایر، حدود هزار کارگر دارد؛ این کارگران در دوران ورشکستگی و رکود که بیش از دو سال به درازا کشیده، دستمزد خود را دریافت کرده‌اند اما مزایای مزدی آن‌ها تقلیل یافته است؛ با شرایط موجود، پرداخت مزد فروردین ماه در ابهام است.

یک کارگر این کارخانه در ارتباط با شرایط افول این واحد تولیدی می‌گوید: کارخانه سال ۸۲ به یک فرد واگذار شد؛ این فرد نتوانست این واحد تولیدی قدیمی را سر پا نگه دارد؛ حتی وام‌هایی که گرفته شد، هزینه کارخانه نشد؛ از انتهای ۹۸، مسیر افول کارخانه شدت گرفت تا به توقف کامل تولید رسید.

کارگران کیان تایر از رئیس جمهور تقاضا دارند؛ تکلیف مالکیت کارخانه را مشخص کند: «تقاضا داریم کارخانه را به یک ارگان توانمند دولتی واگذار کنند؛ تنها بازگرداندن مالکیت به دولت و

واگذاری به یک ارگان قدرتمند می‌تواند این واحد تولیدی را به روزهای اوج خود بازگرداند؛ هیچ راه دیگری نیست.» کارگران کیان تایر در خیابان پاستور از رئیس جمهور درخواست کردند موضوع را با جدیت پیگیری کند و هزار کارگر متخصص را از بلاتکلیفی و آینده مبهم نجات دهد.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید جلسه دادگاه محمود بهشتی لنگرودی فعال صنفی معلمان، به اتهام «تبلیغ علیه نظم» و «توهین به رهبر» ۲۷ فروردین در دادگاه کیفری شهرستان لنگرود برگزار خواهد شد.

***- کارگران اخراجی شهرداری ایلام برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی ومعیشتی وبازگشت بکار دست به مبارزه زدند :**



بر پایه گزارش خبرگزاری ایلنادر تاریخ روز یکشنبه 21 فروردین 1401، آمده است : کارگران اخراجی بخش عمران شهرداری ایلام از مبارزات شان برای پایان دادن به بلاتکلیفی شغلی ومعیشتی وبازگشت بکار، خبر دادند. کارگران معترض به خبرنگار رسانه ای گفتند: با اعلام پایان فعالیت پیمانکار بخش عمران شهرداری ایلام هنوز وضعیت نزدیک به 90 کارگر بیکار شده با سابقه عوارغم وعده ادامه همکاری، مشخص نیست. به همین دلیل آن‌ها بارها اعتراض صنفی برگزار کرده‌اند. آنها افزودند: وضعیت پیش آمده در حالی ادامه دارد که با اتمام قرارداد پیمانکار، مسئولان وعده عقد قرارداد با پیمانکار جدید را می‌دهند. در عین حال با اطلاع‌رسانی رسانه‌ای برخی مسئولان شهری مقرر کرده‌اند به زودی فعالیت این بخش از شهرداری با تغییر پیمانکار از سر گرفته می‌شود اما انتشار این اخبار از سوی برخی از این مسئولان نه تنها موجب خوشحالی کارگران نمی‌شود بلکه اعتمادی به این وعده‌ها احساس نمی‌شود. بر این اساس، قول بازگشت به کار کارگران بعد از گذشت 22 روز فقط در حد حرف باقی مانده است.

کارگران بیکار شده شهرداری ایلام که بخش خدمات شهر داری مشغول کارند، در تشریح مشکلات خود گفتند: از سالها قبل تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری به عنوان کارگر واحد عمران (برای کارهای عمرانی و رفت روب شهر) مشغول به کار بوده‌ایم اما از زمان خاتمه قرارداد آخرین پیمانکار، وضعیت شغلی مشخصی نداریم و تاکنون هنوز نتوانسته‌ایم مطالبات معوقه خود را از پیمانکار دریافت کنیم. آنها اضافه کردند: در حال حاضر شهرداری با این بهانه که بعد از خروج پیمانکار قبلی، بدنیال قرارداد کار با پیمانکار جدید برای ادامه کار است، کارگران را در انتظار نگه داشته است. کارگران شهرداری ایلام همچنین گفتند: شرایط فوق باعث نگرانی و برهم خوردن آرامش ما شده است.

***- کارگران شرکتی سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام نسبت به عدم تبدیل وضعیت مقابل استانداری تجمع اعتراضی نمودند :**



به گزارش منتشره در تاریخ روزیکشنبه 21 فروردین 1401، آمد است: کارگران شرکتی سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت مقابل استانداری تجمع کردند.

تجمع کنندگان اعلام کردند: ما نوزده نفر از نیروهای شرکتی سازمان جهادکشاورزی استان ایلام با سابقه بالای ده سال، خواهان تعیین تکلیف وضعیت شغلی خود در آستانه طرح ساماندهی و تبدیل وضعیت اینارگران هستیم.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید کیومرث لطیفی، فعال مدنی و مدرس زبان کردی که پیشتر توسط نیروهای امنیتی احضار و بازداشت شده بود، به بازداشتگاه اداره اطلاعات سنجند منتقل شد.

***- بلاتکلیفی کارگران ایثارگر شهرداری نیشابور/ خبری از اجرای طرح تبدیل وضعیت شغلی نیست:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1216841>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 21 فروردین 1401 آمده است: برخی از نیروهای شرکتی ایثارگر شاغل در شهرداری نیشابور در تماس با خبرنگار ایلنا گفتند: از اجرای طرح تبدیل وضعیت شغلی و استخدامی نیروهای شرکتی ایثارگر در شهرداری نیشابور خبری نیست. در آخرین پیگیری‌هایی که انجام داده‌ایم، برخی مسئولان استانی ضمن دادن وعده پیگیری خواسته‌هایمان، مدعی‌اند موضوع مشکلاتمان را به شهرداری انتقال داده‌اند اما تبدیل وضعیت کارگران ایثارگر با بی‌توجهی شهرداری همچنان مسکوت مانده است.

به گفته آن‌ها؛ طرح تبدیل وضعیت اینارگران شاغل در نهادهای دولتی و عمومی، نص صریح قانون است؛ براساس بند (د) تبصره ۲۰ قانون بودجه ۱۴۰۰، همه اینارگران نهادها باید تا قبل از پایان سال، تبدیل وضعیت شده و رسمی شوند.

طبق اظهارات آن‌ها؛ حدود ۹۷ نفر در شهرداری نیشابور مشمول طرح تبدیل وضعیت اینارگران هستند. علاوه بر اینکه کارگران شرکتی مشمول این طرح، مدارک و اسناد مورد نیاز خود را حدود سه ماه پیش به شهرداری ارائه کرده‌اند اما شهرداری در انجام این کار تعلل می‌کند.

کارگران با بیان اینکه برخی مسئولان شهرداری پیش از آغاز سال ۱۴۰۱ در پاسخ به پیگیری برخی از کارگران ایثارگر شرکتی می‌گفتند که شرایط تبدیل وضعیت با این قانون را (تا زمانی که با پیمانکار قرارداد دارید) ندارید بنابراین باید تا پایان قرارداد با پیمانکار صبر کنید این در حالیست که بعد از اتمام قرارداد هم خبری از استخدام نیروهای ایثارگر شهرداری نشد و اخیراً نیز با پیمانکار جدید قرارداد امضاء کرده‌ایم.

این کارگران با بیان اینکه امیدواریم مسئولان تا پایان امسال، همه موانع را رفع کنند تا بدون مشکل و مانع، تبدیل وضعیت شویم، افزودند: ما کارگران چیزی فراتر از قانون نمی‌خواهیم.

***- روز دوشنبه 22 فروردین رادا(روح الله) مردانی دادگاهی می شود:**

رادا(روح الله) مردانی دوشنبه ۲۲ فروردین به اتهام تبلیغ علیه نظام در شعبه ۱۰۱ دادگاه نور آباد لرستان محاکمه خواهد شد. مردانی پیش از این با همین اتهام در کرج محاکمه و منع تعقیب گرفته است. امید می رود در روندی حقوقی محاکمه او انجام پذیرد و جامعه معلمان شاهد گشایشی در نگاه معلم ستیزانه پرونده سازان باشد. بی تردید این پرونده خللی در مطالبه گری معلمان نخواهد داشت و نیز در غایت مقصود پرونده سازان در خاموش کردن شعله های حق طلبی مطالبه گری تاثیری نخواهد داشت.

رادا مردانی تنها نیست

***- افزایش فشارهای امنیتی بر فعالان صنفی معلمان:**

به نوشته کانال تلگرامی کانال شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران آمده است: محمود بهشتی لنگرودی نایب رئیس کانون صنفی معلمان ایران(تهران) و چهره شناخته شده جنبش معلمان ایران روز شنبه ۲۷ فروردین به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به مقام معظم رهبری» در شعبه ۱۰۱(کیفری ۲) دادگاه عمومی و انقلاب شهرستان لنگرود محاکمه می شود. جنبش معلمان ایران چنانچه تجربه ثابت کرده است با محاکمه و توییح و زندان متوقف نخواهد شد. همان طور که محمود بهشتی لنگرودی علی رغم بازداشت و زندان های متعدد و اعتصابات طولانی در مطالبه گری جنبش معلمان ایران حضور دارد.

***- بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بمناسبت فرارسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر:**

بیانیه بمناسبت فرارسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر

اول ماه مه روز جهانی کارگر از راه می رسد. روزی که نماد مبارزه ما کارگران برای یک زندگی بهتر و انسانی است .

این روز متعلق به همه ما زنان و مردان کارگر و فرصتی برای پیوند و همبستگی از یک طرف و سر دادن فریاد اعتراض به نابرابری ها و بی عدالتی های موجود از طرف دیگر است.

دولت و حکومت با همه جناح ها و دسته جات غارتگرش بیش از پیش به طبقه کارگر و مزد بگیران هجوم آورده و کمر به نابودی ما بسته است.

سیستم موجود در اشکال گوناگون از جمله تعیین دستمزد ناچیز و فلاکت آوری که با تورم واقعی فاصله نجومی دارد، بودجه ای انبساطی برای اقلیت حاکم و انقباضی برای عامه مردم، نا امنی شغلی و قراردادهای موقت، بیکار سازی و اخراج های گسترده و ... مصیبت های فراوانی را بر سرمان آوار کرده است؛ در حالی که خود و اعوان و انصارشان از همه ثروت های عمومی برخوردارند و از حاصل رنج و زحمت و مشقت ما هر روز سهم بیشتری می برند.

در سالی که گذشت دومین اعتصاب گسترده و بلند مدت ما کارگران پروژه ای و پیمانی رقم خورد. نتایج این اعتصاب در بخش هایی رضایت بخش بود و در بخش های دیگری همچنان در بر پاشنه قبلی می چرخد و وعده های داده شده عملی نشد.

به دلیل پراکندگی جغرافیایی و به این دلیل که با یک کارفرمای واحد مواجه نبودیم و در مقابلمان صدها پیمانکار و کارفرما وجود داشت، شاید کمتر کسی تصور میکرد که اعتصاب سراسری ما ممکن و میسر شود اما با تجارب ارزنده ای که از اعتصاب قبلی کسب کردیم قادر شدیم در سطوح قابل قبولی خودمان را سازماندهی کنیم و هزاران کارگر علیرغم کارشکنی

ها و تهدیدات کارفرماها با هم متحد شدیم. این رویداد یکی از بارزترین و درخشان ترین نقاط جنبش کارگری بود .

خواسته ها و مطالبات ما همچنان به قوت خود باقی است و بزودی خود را آماده رویارویی دیگری خواهیم ساخت.

اکنون تورم فزاینده و لجام گسیخته و دستمزدهای ناکافی که ماه ها برای دریافت آن باید بجنگیم، زندگی و بقای ما را در موقعیت وخیم تری قرار داده است، ما می دانیم سالی که در آن هستیم و با ادامه روند فعلی، لحظه به لحظه بیشتر به ورطه نابودی سقوط خواهیم نمود.

آنچه امروز بر ما میگذرد مرگ تدریجی و تحمیلی است و میلیون ها نفر از اکثریت مردم تهدیدست و مزد بگیر در سرراشویی سقوط به عمق دره فقر مطلق سوق داده میشوند که باید کاری کرد.

ما کارگران و ما همه مردم دردهای مشترکی داریم، مطالبات ما کارگران جدای از مطالبات مردم و سایر بخش ها نیست بنابراین ضرورت دارد برای رهایی از این شرایط، مبارزات ما در همه بخش ها منسجم و متحد بهم گره بخورد .

زمینه های آن فراهم است و این همگرایی را در اعتراضات هر روزه ما کارگران با معلمان، با بازنشستگان و با بخش های مختلف جامعه می بینیم. دفاع از زندگی و معیشت و داشتن کرامت انسانی حلقه پیوند همه ما کارگران و ما مردم به یکدیگر است.

آن که خواستش لغو کار کودک است و دغدغه اش زندگی ای شاد و انسانی برای همه کودکان، درد و حرف ما را فریاد میزند.

آن که آموزش رایگان را خواهان است، آن که از حقوق زن دفاع می کند، فریاد اعتراض مرا هم بر زبان دارد. ستم و تبعیض علیه زن، درد من کارگر هم هست، ما کارگران هم از کودک همسری و از دیدن قتل های ناموسی قلیمان به درد آمده است.

ما همگی همدرد و هم سخن هستیم پس می توانیم و باید کنار هم باشیم.

هر اندازه که بتوانیم این پیوندها را مستحکم کنیم و سازمان یافته تر عمل نماییم، چشم اندازه های پیش رو برجسته تر خواهد بود.

از سوی دیگر، ما کارگران پروژه ای و پیمانی این روز همبستگی جهانی کارگری را باید متحدتر از هر زمان دیگری کنار هم قرار بگیریم و برای استقبال از چنین روزی تدارک تجمعات مان را مقابل مراکز کاری، پالایشگاهها، پتروشیمی ها، نیروگاهها و مناطق ویژه بینیم.

یکصدا خواسته هایمان را اعلام کنیم و اولتیماتوم دهیم که همچنان پیگیر مطالباتمان هستیم .

ما همچنان خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران چپاولگر و لغو قوانین برده وار مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هستیم .

خواستار افزایش دستمزدها و رسیدن سطح آن در حد یک زندگی شایسته انسان هستیم .

خواستار بهبود قابل قبول محیط های کاری و زیستی مان در نفت و پتروشیمی، داشتن ایمنی محیط کار و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و حق داشتن تشکل ، تجمع و اعتراض هستیم .

با صدای بلند اعلام کنیم که ما باز هم می آییم .

این روز می تواند مناسبی باشد برای تاکید بر خواسته های سراسری کارگران و فرصتی برای مطالبات پاسخ نگرفته مان.

از همه کارگران و مزد بگیران دعوت می کنیم بیانیه ها و قطعنامه های خود را تدارک ببینند.

بیاپید در کنار هم قطعنامه سراسری اول ماه مه داشته باشیم و درد مشترک مان را فریاد کنیم.

برای پایان دادن به این بربریت اتحاد سراسری مان را به نمایش بگذاریم و بدین گونه روز جهانی کارگر را به روز اعتراض خود علیه وضعیت نابسامان معیشتی و زیستی مان تبدیل کنیم .

" معیشت، منزلت، حق مسلم ماست "

***- 2 کارگر دامداری خراسان شمالی بر اثر ریزش سقف جان باختند:**

برپایه خبرمنتشره آمده است: 2 کارگریک واحد دامداری واقع در مناطق روستایی داشلی قلعه از توابع شهرستان رازو جرگلان ،استان خراسان شمالی بر اثر ریزش سقف زیرتلی از آوار گرفتار و جان باختند.

***- تجمع اعتراضی کارکنان شرکت مناطق نفت خیز جنوب:**



برپایه خبر منتشره درروز دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: جمعی از کارکنان رسمی شرکت مناطق نفت خیز جنوب مقابل ساختمان این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

این کارکنان نوبت کاری عملیات خواستار تثبیت و تداوم نوبت کاری شیفت ۱۲ ساعته هستند. از زمان آغاز اپیدمی کرونا نوبت کاری این کارکنان به شیفت ۱۲ ساعته تغییر کرد و اکنون مدیریت شرکت مناطق نفت خیز جنوب تغییر شیفت کاری به ۸ ساعته را اعلام کرده اند. کارکنان به این تصمیم جدید معترض هستند و خواهان تثبیت شیفت کاری فعلی هستند.

***- گسترده تر ومستحکمتر باد همبستگی کنشگران اجتماعی در راه دست یابی به مطالبات:**

برپایه اطلاعیه کانون صنفی معلمان استان بوشهر ، فراخوان تجمع همبستگی کانون صنفی معلمان استان بوشهر همزمان با دادگاه محمود ملاکی عضو کانون

زمان: چهارشنبه 24 فروردین - 9 صبح

مکان: مقابل درب دادگستری بوشهر

اطلاعیه کانون صنفی معلمان استان بوشهر

به اطلاع همکاران محترم می‌رساند، جلسه رسیدگی به پرونده ی آقای محمود ملاکی، عضو کانون صنفی معلمان استان بوشهر، در روز چهارشنبه ۲۴ فروردین ماه در شعبه سوم دادگاه کیفری شهر بوشهر واقع در خیابان سنگی برگزار می‌شود.

بدین منظور کانون صنفی معلمان استان بوشهر در اعتراض به این رویه نامیمون و پرونده‌سازی برای فعالین صنفی خوشنام، از همکاران شریف دعوت می‌کند جناب ملاکی را تا درب دادگاه همراهی کنند. در ضمن در این همراهی هیچگونه سخنرانی و برنامه دیگری مد نظر کانون نمی‌باشد. همچنین از مسئولین امر می‌خواهیم در این شرایط حساس که جامعه ما نیاز به همدلی و اتحاد حداکثری دارد، ضمن محترم شمردن حقوق شهروندان در استفاده از حقوق مصرح خود در قانون اساسی، پرونده فعالین صنفی معلمان را مختومه و از آنها اعاده حیثیت نمایند. وعده ما ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۴ فروردین درب دادگستری بوشهر.

کانون صنفی معلمان استان بوشهر

۲۲ فروردین ماه ۱۴۰۱

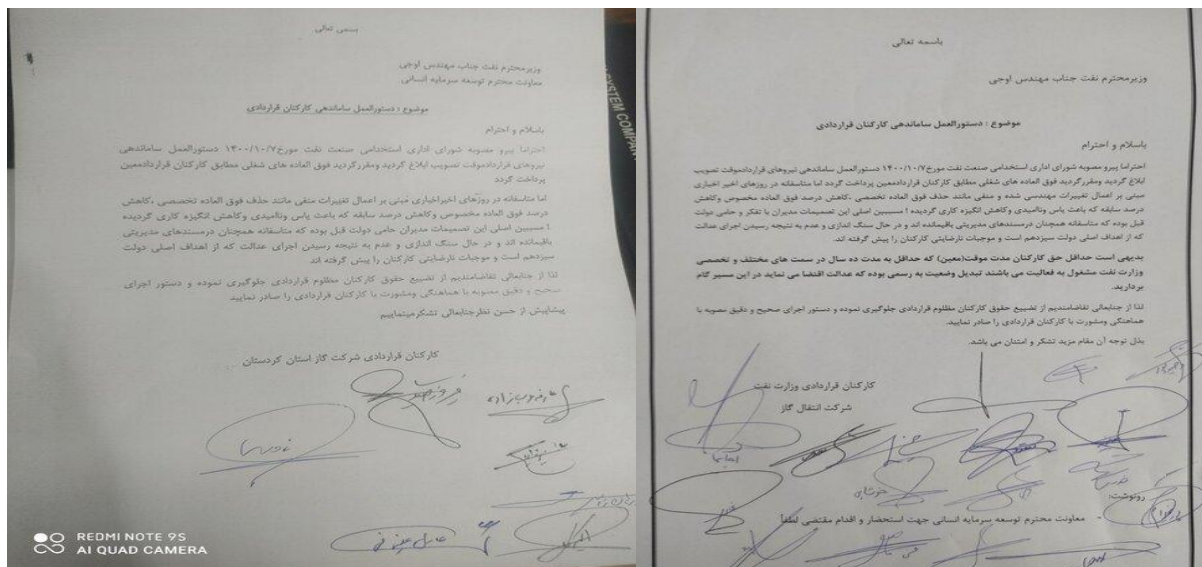
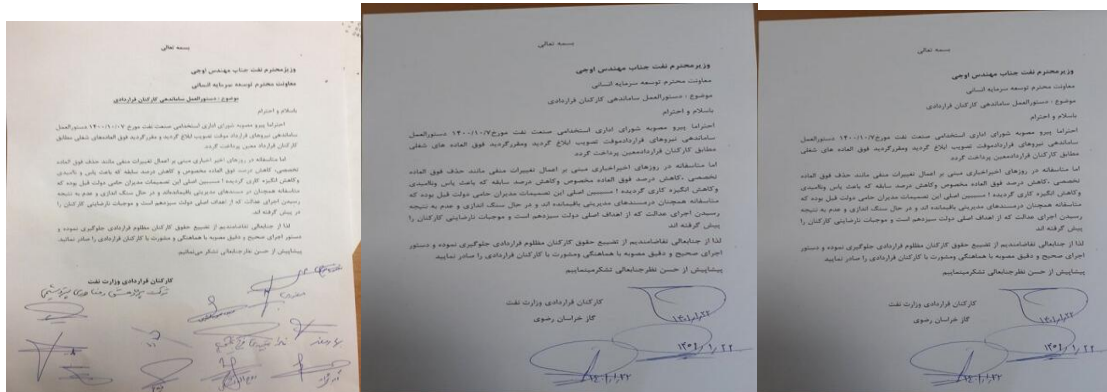
***- اعتراض به اخراج 23 کارگر حق طلب مجتمع کشت و صنعت لرستان (شرکت فجر صفا):**

گلخانه هیدروپونیک	کرم خدا	محمد یعقوبی زاده	۳
گلخانه هیدروپونیک	عبدالکریم	مراد کتارستانی	۳
گلخانه هیدروپونیک	سید رحیم	سید امیر موسوی	۳
گلخانه هیدروپونیک	عباس علی	مریم بیرانوند	۳
گلخانه هیدروپونیک	کمرخان	سمیرا رحیمی	۳
گلخانه هیدروپونیک	نورمحمد	علی اکبر دریکوند	۳
گلخانه هیدروپونیک	عبسی	بهمن حسینی مقدم	۳
گلخانه هیدروپونیک	سید عبدالعلی	سید کاظم جوادی	۳
گلخانه هیدروپونیک	رفشان	سجاد بازگیر	۳
گلخانه هیدروپونیک	فتحعلی	علی سهراب نژاد	۳
گلخانه هیدروپونیک	عبدی	وحید پای	۳
گلخانه هیدروپونیک	محمد	پوریا منصور	۳
گلخانه هیدروپونیک	حسین خان	چواد احمدی	۳
گلخانه هیدروپونیک	محمدعلی	مصطفی اکبریان	۳
گلخانه هیدروپونیک	نورمحمد	پیمان دریکوند	۳
گلخانه هیدروپونیک	علی	امیر سهراب فر	۳
گلخانه هیدروپونیک	علی	سجاد مهدی پور	۳
گلخانه هیدروپونیک	مراد	محمد شرفی	۳
گلخانه هیدروپونیک	رضا	هادی مرادی چکنی	۳
گلخانه هیدروپونیک	علی عباس	فرزاد همی وند	۳
گلخانه هیدروپونیک	میرمحمد	امیر کرم زاده	۳

بنابه گزارش مندرج در کانال تلگرامی اطلاع رسانی بخش گلخانه ای مجتمع کشت و صنعت لرستان منتشر شده است. تعداد 23 کارگر حق طلب مجتمع کشت و صنعت لرستان (شرکت فجر صفا) بدنبال تجمعات اعتراضیشان نسبت به لغو قرارداد مستقیم از کار اخراج شدند.

بنابه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 22 فروردین، مسئولین مجتمع کشت و صنعت لرستان اسامی 23 نفر متشکل از برخی کارگران معترض که تصویر حضور آنان در تجمعات در شبکه های اجتماعی منتشر شده بود، را با عنوان لیست «عدم جذب» به سایر کارگران معرفی کرده اند و طی اطلاعیه جداگانه ای به آنان هشدار داده اند چنانچه ظرف 28 ساعت قرارداد با پیمانکار جدید را امضا نکنند، دیگر امکان حضور در شرکت را نخواهند داشت و در این صورت افراد دیگری جایگزین آنها خواهند شد.

***- اعتراض سراسری کارگران قرارداد موقت صنعت نفت نسبت به عدم اجرای بخشنامه وزارت نفت:**



برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز دوشنبه 22 فروردین، آمده است : کارگران قرارداد موقت صنعت نفت با انتشار نامه هایی سرگشاده خطاب به به وزیر نفت و معاون وزیر نفت در منابع انسانی ضمن اعتراض نسبت به عدم اجرای بخشنامه وزارت نفت مبنی بر دستورالعمل ساماندهی کارکنان قراردادی، خواستار اجرای کاملش شدند.

برپایه گزارش رسانه ای شده، در دولت نهم شیوه ادبیات استخدامی قراردادی موقت در کنار استخدام رسمی و پیمانکاری ابداع شد و در این سالها این کارکنان نه به طور کامل ذیل قانون وزارت کار بودند و نه از مزایای استخدامی وزارت نفت بهره می بردند.

در تاریخ هفتم دی ماه 1400 بخشنامه ای به منظور ساماندهی مشاغل نیروهای قراردادی مدت موقت وزارت نفت و تعیین حقوق و مزایای آنها از سمت مهدی علی مددی، معاونت سرمایه انسانی وزارت نفت ابلاغ شد.

هرچند در این بخشنامه تصریح شده بود که از اول بهمن ماه لازم الاجرا است، ولی همچنان اثری از اجرای آن دیده نمی شود و همین موضوع اعتراض کارکنان قرارداد موقت نفت را در پی داشته است. از همین رو این کارکنان در پیامهایی مراتب اعتراض خود را به مقامات وزارت نفت رسانده اند

***- دانشجویان پزشکی مقابل وزارت بهداشت، تجمع اعتراضی داشتند :**



برپایه خبرمنتشره آمده است: دانشجویان پزشکی در اعتراض به آزمون پیش کارورزی مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند.

درخواست این دانشجویان اصلاح سوالات آزمون علوم پایه، پره انترنی، جامع داروسازی است. آنها می گویند سوالات اشتباه بوده اند وزارت بهداشت باید این موضوع را قبول کند.

***- احضار، تهدید، زندان و فشار بر فعالین کانون‌های صنفی معلمان را شدیداً محکوم می‌کنیم:**

برپایه خبرمندرج در کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه آمده است: در سالی که گذشت، شاهد اعتراضات مستمر و سراسری معلمان و فرهنگیان بازنشسته در بیش از دویست شهر کشور در اعتراض به عدم اجرای رتبه‌بندی و همسان‌سازی حقوق بوده‌ایم که متأسفانه عوامل امنیتی و نیروهای انتظامی با توسل به خشونت و پرونده‌سازی قضایی فشار بر معلمان و بازنشستگان فرهنگی را افزایش داده‌اند.

مسئولان قضایی_امنیتی با بازداشت‌ها و احضارهای فله‌ای معلمان و فرهنگیان بازنشسته اقدام به پرونده سازی برای این فعالین و تعیین تاریخ دادگاه بلافاصله بعد از تعطیلات نوروز برای خانم ژاله روحزاد از معلمان و فعال بازنشسته و آقایان رسول بدایقی و حمید قندی از اعضای کانون صنفی معلمان (اسلامشهر) در روزهای پانزدهم و شانزدهم فروردین ماه کرده‌اند. هم‌اکنون دهها تن از فعالین معلمان به دلیل فعالیت های صنفی با احکام سنگین، همچنان در زندان، دوران محکومیتشان را سپری میکنند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با تاکید بر حق اعتراض و اعتصاب، از تمامی مطالبات معلمان و فرهنگیان بازنشسته حمایت می‌کند و خواستار آزادی تمامی معلمان دربند میباشد و هرگونه پرونده‌سازی، احضار، فشار و تهدید آنان را قویاً محکوم می‌کند و تاکید دارد که با فشار و تهدید و زندان نمی‌توان صدای بحق مزدبگیران و فرودستان که در سخت‌ترین شرایط معیشتی قرار دارند را خاموش کرد.

[t.m/vahedsyndica](https://t.me/vahedsyndica)

***- کارگران شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران نسبت به بازگشت ساعات کاری به قبل از کرونا تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز دوشنبه 22 فروردین 1401، آمده است: جمعی از کارکنان شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران برای اعتراض به بازگشت ساعات کاری به قبل از کرونا مقابل ساختمان اداره مرکزی شرکت تجمع کردند.

یکی از کارکنان حاضر در تجمع به خبرنگار رسانه ای گفت: قبل از کرونا، نوبت کار هشت ساعته (12 روز کار و چهار روز استراحت) برای کارکنان اعمال می شد، اما با شیوع بیماری کرونا، نوبت کارها 12 ساعته (چهار روز کار و چهار روز استراحت) شد که قرار است از روزهای آینده نوبت کارها به دوران قبل از کرونا باز گردد.

تعدادی از کارگران گفتند: نسبت به نوبت کار 12 ساعت رضایت بیشتری داریم و اگر به خواسته هایمان توجه نشود تجمعات را ادامه می دهیم.

آنها افزودند: با توجه به مسافت زیاد مناطق عملیاتی و بهره گیری از نوبت کار 12 ساعت می تواند برای کارکنان موثرتر باشد.

این معترضان به بازگشت ساعات کاری خود به قبل از ایام کرونایی، خاطرنشان کردند: 12 ساعت کاری مدنظر ما هم در امور ایاب و ذهاب کارکنان صرفه جویی شده و هم خطرات جاده ای کمتری نصیب کارکنان می شود.

***- کشاورزان حقایق دار درب استانداری اصفهان تجمع اعتراضی نمودند:**

برپایه خبر منتشره در تاریخ روز امروز دوشنبه ۲۲ فروردین آمده است: کشاورزان حقایق دار درب استانداری اصفهان برای گرفتن حقایق قانونی و شرعی خود، دست به تجمع اعتراضی زدند!

***- ابلاغ احضاریه آقای صلاح آزادی از فعالین صنفی مریوان:**

به گزارش کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران آمده است: لازم به ذکر است روز پنج شنبه ۱۸ فروردین آقای آزادی به پلیس فتا شهرستان مریوان احضار و ضمن بازجویی گواهی ایشان ضبط گردید. متعاقباً در اقدامی سریع از سوی پلیس پرونده به شعبه یک بازپرسی ارجاع و اتهامات ناروایی به ایشان منتسب گردیده است.

احضار، تهدید و بازداشت حربه ای است از سوی نیروهای امنیتی برای سرکوب فعالین صنفی معلمان

***- مریم کریم بیگی از دانشگاه اخراج شد!**

به گزارش کانال تلگرامی شوراهای صنفی دانشجویان کشور آمده است: مریم کریم بیگی دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران و خواهر

مصطفی کریمی‌بیگی، یکی از کشته شدگان اعتراضات 88، طی تماس صورت گرفته از جانب حراست، از دانشگاه اخراج شد!

این دانشجویی که در ترم پایانی تحصیل خود به سر می‌برد بدون هیچگونه دلیل واضح و مشخصی از ادامه تحصیل منع شده است.

با بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها پس از تعطیلی دوساله بدلیل بروز پاندمی کرونا، آنچه به نظر می‌رسد آغاز موج جدیدی از سرکوب دانشجویان جهت جلوگیری از شروع دوباره فعالیت دانشجویی در دانشگاه‌ها می‌باشد.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: فرامرز سه‌دهی، شاعر و عضو کانون نویسندگان ایران، در این روز به دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اهواز احضار و اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به او تفهیم شد. او پس از دفاع و رد اتهام انتسابی با تودیع قرار کفالت ۱۰۰ میلیون تومانی به صورت موقت آزاد شد.

***- اهالی سراوان رشت مسیر خودروی حمل زباله به منطقه را مسدود کردند:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز دوشنبه 22 فروردین 1401، آمده است: جمعی از اهالی سراوان با نصب بنر در مسیر خودروی حمل زباله به منطقه از ورود خودروی حمل زباله به این منطقه جلوگیری کنند.

برپایه گزارش منتشره، روزانه حدود هزار تن زباله در سراوان رشت دفن می‌شود که 550 تن مربوط به شهر رشت و بقیه مربوط به 50 شهر و روستای اطراف است.

از سال 1396 تاکنون مسئولان وقت قول دادند محل دفن زباله سراوان را ساماندهی کنند.

اسفندماه سال گذشته بود که اسدالله عباسی استاندار گیلان پسماند را ابرچالش این استان عنوان کرد و با برگزاری جلسه کمیته مدیریت پسماند در سراوان، عنوان کرد: فرمانداران و شهرداران گیلان یک هفته مهلت دارند اقدامات عملی و برنامه‌های عملیاتی برای مدیریت مشکل زباله و پسماند را انجام دهند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در نشست غیرعلنی مجلس در این روز موضوع طرح نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی موسوم به «طرح صیانت» مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت بازگشت و بررسی آن در صحن علنی رای مثبت گرفت.

***- تجمع اعتراضی متقاضیان مسکن ملی قروه نسبت به واگذاری زمین نامناسب مقابل فرمانداری:**



برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز دوشنبه 22 فروردین 1401، آمده است: متقاضیان مسکن ملی قروه برای اعتراض به واگذاری زمین نامناسب مقابل فرمانداری این شهرستان در استان کردستان تجمع کردند.

***- گفتگوی رادیو پیام آزادی با داوود رضوی از اعضای هیأت مدیره سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه پیرامون فعالیت های سندیکایی:**

سندیکا در شرایطی به مبارزه ادامه می دهد که حاکمیت نه تنها به هیچ عنوان با سندیکا و تشکل های مستقل کارگری موافق نیست بلکه تا هم اکنون سندیکا به شدت زیر انواع فشار و سرکوب عوامل امنیت و حکومتی مانند احضار، زندان و اخراج قرار دارد. عوامل امنیتی، به طور روشن و آشکار از فعالین احضار شده می خواهند با سندیکا همکاری نکنند.

اعتراضات در سال جدید تداوم خواهند داشت. اعتراضات کارگران به سمت سراسری شدن می روند. حالا کارگر، معلم، بازنشسته، می داند چاره ای جز وحدت و تشکیلات ندارد. روشن است که حاکمیت و دولت هیچ برنامه ای برای بهبود شرایط زندگی فرودستان و مزدبگیران ندارد!

t.me/vahedsyndica

***- بازهم واژگونی سرویس رفت و آمد کارگران اینبارمرگ راننده مینی بوس و مصدومیت 5 کارگر شرکت نفت آفتاب بندرعباس - وخامت حال یکی از مصدومین:**

بامداد روز دوشنبه 22 فروردین، سرویس رفت و آمد کارگران شرکت نفت آفتاب بندرعباس با 11 سرنشین در نزدیکی روستای بوستانو در غرب بندرعباس واژگون و راننده مینی بوس هیوندا جان باخت و 5 نفر مجروح شدند. حال یکی از مجروحان وخیم گزار شده است.

به روز شدن مطالبات کارگران شهرداری امیدیه / طرح تبدیل وضعیت برای کارگران پیمانکاری اجرا شود:

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1217406>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 22 فروردین 1401 آمده است: کارگران شهرداری امیدیه واقع در استان خوزستان گفتند: کاهش مطالبات معوقه کارگران شاغل در شهرداری امیدیه پس از آن صورت گرفت که سال گذشته با تغییر شهردار بخشی از منابع مالی شهرداری برای پرداخت حقوق، بیمه و عیدی کارگران تامین شد.

طبق اظهارات یکی از کارگران شهرداری امیدیه؛ طی پنج، شش ماه گذشته، آنها هر ماه حقوق خود را به همراه بخشی از معوقات دریافت کرده اند و حق بیمه آنها نیز به تامین اجتماعی پرداخت شده است.

او افزود: در حال حاضر کارگران شهرداری امیدیه هر ماه حقوق می گیرند و در حال حاضر مطالبات مزدی شان تا پایان اسفند ماه ۱۴۰۰ به روز شده است.

طبق اظهارات وی؛ پیش از این در مجموعه ۴۰۰ نفری شاغل در شهرداری امیدیه، تعدادی هر چند وقت یکبار برای به تعویق افتادن مطالبات مزدی خود و عملکرد ضعیف شهردار، دست به اعتراض صنفی می زدند.

این کارگر با بیان اینکه پرداخت مطالبات کارگران مجموعه شهرداری امیدیه در یک الی دو سال گذشته، پنج تا شش ماه به تاخیر افتاده بود و پاداش و اضافه کاری‌ها به صورت کامل پرداخت نمی‌شد، در ادامه گفت: این موضوع باعث شد کارگران برای مشخص شدن وضعیت مطالبات خود به نهادهای مختلف مرتبط دولتی مراجعه کنند.

به ادعای این کارگر شهرداری امیدیه؛ شهردار پیشین منابع مالی پرداخت حقوق کارگران را صرف مصارف دیگری می‌کرد و به همین علت حقوق کارگران از چند سال پیش به تاخیر افتاده است.

او گفت: تنها مشکل حال حاضر شهرداری ادامه اختلافات سه نفر از اعضای شورای شهر است که از دو دوره قبل وجود دارد که در نتیجه آنها در جلسات شورا که برای رفع مشکلات شهرداری، کارگران و پیگیری خواسته‌های اهالی شهر برگزار شده، حاضر نمی‌شود.

طبق اظهارات وی؛ در حال حاضر مهمترین دغدغه کارگران مجموعه شهرداری امیدیه، اجرای طرح تبدیل وضعیت شغلی همکاران پیمانی است تا آنها نیز از امنیت شغلی برخوردار شوند.

***- گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی کنشگران اجتماعی در راه دست یابی به مطالبات:**

فراخوان تجمع همبستگی کانون صنفی معلمان استان بوشهر همزمان با دادگاه محمود ملاکی عضو کانون

زمان: چهارشنبه 24 فروردین - 9 صبح

مکان: مقابل درب دادگستری بوشهر

اطلاعیه کانون صنفی معلمان استان بوشهر

به اطلاع همکاران محترم می‌رساند، جلسه رسیدگی به پرونده ی آقای محمود ملاکی، عضو کانون صنفی معلمان استان بوشهر، در روز چهارشنبه ۲۴ فروردین ماه در شعبه سوم دادگاه کیفری شهر بوشهر واقع در خیابان سنگی برگزار می‌شود.

بدین منظور کانون صنفی معلمان استان بوشهر در اعتراض به این رویه نامیمون و پرونده‌سازی برای فعالین صنفی خوشنام، از همکاران شریف دعوت می‌کند جناب ملاکی را تا درب دادگاه همراهی کنند.

در ضمن در این همراهی هیچگونه سخنرانی و برنامه دیگری مد نظر کانون نمی باشد.

همچنین از مسئولین امر می‌خواهیم در این شرایط حساس که جامعه ما نیاز به همدلی و اتحاد حداکثری دارد، ضمن محترم شمردن حقوق شهروندان در استفاده از حقوق مصرح خود در قانون اساسی، پرونده فعالین صنفی معلمان را مختومه و از آنها اعاده حیثیت نمایند.

وعده ما ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۴ فروردین درب دادگستری بوشهر.

کانون صنفی معلمان استان بوشهر

۲۲ فروردین ماه ۱۴۰۱

***- ادغام کردن سرویس های ایاب و ذهاب رانندگان خطوط بی آر تی مشکلاتی را برای رانندگان این خطوط بوجود آورده است:**

به گزارش کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه آمده است : متاسفانه در شرکت واحد هرچا که بودجه و هزینه های ریخت وپاش مدیران کسر میآید، نزدیک ترین منبع تأمین این کسری ها جیب رانندگان و کارگران است.

مدیران سامانه ها الخصوص سامانه یک و سامانه پنج در جدیدترین ترفندی با ادغام کردن سرویس های این دو سامانه، شرایط سخت و زمانبری را به رانندگان زحمت کش خطوط بی آر تی سامانه یک و پنج تحمیل کرده اند، بطوری که تعدادی از این رانندگان بعلت کم کردن سرویس های ایاب و ذهاب، باید تا حدود یک ساعت نه تنها صبح ها زودتر از قبل ادغام کردن سرویس ها از خواب بیدارشوند، بلکه رانندگانی که صبح کار هستند و منزلشان اندیشه جاده کرج میباشد بایستی صبح ها تا وسط اتوبان با یک سرویس بیایند و ساعت ۵ صبح مجددا در کنار اتوبان همچنان منتظر سرویس بعدی در خطرناکترین بخش جاده منتظر بایستند، تا به محل کارشان برسند.

از آنجایی که رانندگان خطوط بی آر تی برای جایجایی شهروندان بیشترین فشار و استرس و آلودگی را تحمل میکنند برایشان سوال است که چطور در زمان شروع بکار و پایان کار از حداقل ترین امکانات ایاب و ذهاب برخوردار نیستند و مشکلات ادغام سرویس های سامانه یک و پنج، مشکلات این رانندگان را که به دلیل بالا بودن هزینه های اجاره مسکن در حاشیه های شهر تهران سکونت دارند را بسیار افزایش داده است وموجب نارضایتی شدید این زحمت کشان شده است .

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه به مدیریت شرکت واحد توصیه میکند اگر نگران کسری بودجه در شرکت واحد هستید بجای درست کردن مشکلات جدید برای رانندگان زحمت کش شرکت واحد بهتر است کمی از ریخت و پاش های مدیران زیر دست کم کنید قطعا مشکلات کسری حل خواهد شد.

t.me/vahedsyndica

***- اعتراضات کارگران بازنشسته شرکت مخابرات نسبت به عدم پاسخگویی به مطالباتشان بابرپایی جمعی دیگر مقابل ساختمان ستاد اجرایی فرمان امام ادامه دادند**

شعارها:

- فریاد فریاد از این همه بیداد

- این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی

- عمر به باد نشسته ستاد ساکت نشسته

- مرگ برستمگر

برپایه گزارش رسانه ای شده،یکی از کارگران بازنشسته شرکت مخابرات گفت: بارها و بصورت گسترده همکاران مخابراتی برای دریافت مطالبات 13 ساله و اعتراض به عدم دریافت خواربار دی و بهمن و اسفند سال 1400 و فروردین 1401 مقابل شرکت مخابرات و ستاد اجرایی فرمان امام دست به تجمع زدند.

***- حکم تبرئه برای خانم روح زاد :**

به گزارش کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران آمده است: روز سه شنبه ۱۴۰۱/۱/۲۳ رای دادگاه انقلاب شعبه ۲۶ مبنی بر تبرئه بنده (ژاله روح زاد) به وکیل محترم آقای حسین تاج ابلاغ شد.رای براساس دفاعیات وکیل محترم ونبود مستندات وردتمام اتهامات توسط متهم صادر شده است.

رای صادره توسط شعبه ۲۶ را گشایشی در جهت نگاه منصفانه به پرونده فعالین مطالبه گر ارزیابی میکنیم و به امید پایان یافتن محاکمات فعالین صنفی و آزادی همه همکاران.

از آقای تاج وکیل محترم برای پیگیری پرونده و پایان دادرسی نهایت تشکر را دارم. همچنین از تمام همکاران و دوستان که همراه و حامی بودند سپاسگزارم.

معلم بازنشسته ژاله روح زاد

***- اعتراضات کشاورزان اصفهان نسبت به عدم تخصیص حق آبه با برپایی تجمع مقابل ساختمان های مدیریت کشاورزی و استانداری ادامه دارد :**



برپایه گزارش منتشره در روزهای دوشنبه و سه شنبه ۲۲ و ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ ، آمده است: کشاورزان اصفهان در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به عدم تخصیص حق آبه دست به تجمع مقابل ساختمان های مدیریت کشاورزی و استانداری زدند.

براساس گزارش منتشره ، با بسته شدن دریچه سد زاینده رود و خشک شدن چندین باره این رودخانه، کشاورزان اصفهان بازهم مقابل استانداری تجمع کردند و خواهان دریافت حقابه هایشان شدند. روز گذشته نیز کشاورزان اعتراض شان به وضعیت آب را با تجمع در مدیریت کشاورزی شهرستان اصفهان اعلام کردند.

دریچه سد روز ۱۵ فروردین ماه بسته شد، درحالی که کشاورزان اعلام کرده بودند برای به نتیجه رسیدن محصولات شان، باید آب تا خردادماه باز بماند.

***- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: سعیده خضوعی، شهروند بهائی ساکن تهران پس از حضور در دادسرای اوین در این روز بازداشت شد.

***- بلاتکلیفی در ساخت پروژه قطار شهری اهواز / ۴ سال است منتظر آغاز به کار دوباره پروژه هستیم:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1217228>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 22 فروردین 1401 آمده است: منابع کارگری در اهواز در تماس با خبرنگار ایلنا، از ادامه بلاتکلیفی پروژه ساخت قطار شهری اهواز با ۱۱۳ کارگر خبر دادند.

این کارگران گفتند: با توقف فعالیت پروژه ساخت قطار شهری اهواز، از ماه‌های پایانی سال ۹۷ تاکنون، ۵۰۰ کارگر به مرور بیکار شدند و مدیران وقت پروژه که باید برای نجات این کارگاه و کارگران به فکر تامین منابع لازم می‌بودند، اقدامی نکردند.

به گفته کارگران، وضعیت پیش آمده در حالی ادامه دارد که در حال حاضر حدودا ۱۱۳ کارگر نگهبان در این واحد باقی مانده‌اند که از این تعداد فقط سه نفر کارگر تاسیسات هستند و همگی در بلاتکلیفی به سر می‌برند.

یکی از کارگران نگهبان با بیان اینکه مسئولیت ساخت قطار شهری اهواز از سال ۹۱ برعهده شرکت پیمانکاری «کیسون» (مجری پروژه) سپرده شده است، به ایلنا گفت: طی سال‌ها فعالیت با شرکت پیمانکار به دلیل تامین نشدن منابع مالی، کارگران برای وصول مطالبات مزدی خود مرتب دست به اعتراض می‌زدند تا جایی که بعد از توقف پروژه در روزهای پایانی سال ۹۷، کارگران به مرور از سوی مدیران و مسئولان فراموش شدند و معوقات مزدی آنها هم‌اکنون به ۱۴ تا ۱۵ ماه رسیده است.

طبق اظهارات این کارگر؛ هر یک از کارگران نگهبان براساس سوابق کار مبالغی بین ۷۰ تا ۸۰ میلیون از کارفرما طلبکارند. این درحالی‌ست که چندین سال است آن‌ها علارغم داشتن طلب مالی از شرکت برای تامین حداقل مایحتاج روزانه خانواده‌های خود دچار مشکل هستند.

او گفت: طی چند سال گذشته برای تعیین تکلیف وضعیت شغلی و مطالباتمان چندین تجمع اعتراضی برپا کرده‌ایم که در نتیجه آن برخی مسئولان وعده رسیدگی به وضعیت کارگران باقیمانده قطار شهری را دادند اما هنوز نه فعالیت کارگاه آغاز شده و نه مطالبات مزدی کارگران پرداخت می‌شود.

او با بیان اینکه رسیدگی به پرونده پروژه قطار شهری اهواز در دست نهاد قضایی است و همه منتظر تعیین تکلیف آن هستند، افزود: کارگران با همراهی اهالی اهواز خواستار آن هستند که هرچه سریعتر تکلیف این پروژه مشخص شود تا از بلاتکلیفی نجات پیدا کنند.

این کارگر پروژه قطار شهری اهواز با بیان اینکه امیدوار است در سال ۱۴۰۱ به همت مسئولان استانی، مشکلات این پروژه و کارگرانش مرتفع شود، در ادامه گفت: در حال حاضر علاوه بر معوقات مزدی، موضوع تعیین تکلیف پروژه قطار شهری و ۱۱۳ کارگر با سوابق ۹ تا ۱۰ سال هنوز مشخص نیست.

***- درخواست فدراسیون ملی آموزش، فرهنگ و کارآموزی فرانسه از وزیر امور خارجه این کشور برای اقدام در توقف تعقیب فعالان سندیکایی و سیاسی در ایران:**

به گزارش : اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران، آمده است :

آقای ژان ایو لودریان، وزیر امور خارجه فرانسه،

فدراسیون ملی آموزش، فرهنگ و کارآموزی مبارزه کارگری (FNEC FP - FO) اطلاع یافته که سه معلم دیگر در ایران تحت پیگرد قرار گرفته اند : هاله صفرزاده و علی‌رضا ثقفی دستگیر شده اند و رسول بدافی به دادگاه احضار شده است. رسول بدافی، هفت سال را در زندان گذرانده و اسماعیل عبدی سال‌هاست که زندانی‌ست. نیروهای امنیتی چند معلم دیگر را نیز احضار کرده‌اند.

اقدامات سرکوب‌گرانه اخیر در حالی صورت می‌گیرد که جنبش معلمان ایران توانسته چندین روز اعتراضی را برای افزایش سطح حقوق‌ها و حقوق بازنشستگی، سازماندهی کند؛ سندیکای ما از این اعتراض‌ها پشتیبانی کرده است.

ماموران امنیتی در آستانه فرا رسیدن اول ماه مه (روز جهانی کارگر) و دوم ماه مه که در ایران روز معلم است، دست به این اقدامات می‌زنند. چگونه می‌توان پذیرفت که این اقدامات برای ساکت کردن معلمان و علیه آزادی بیان نیست؟

فدراسیون ملی آموزش، فرهنگ و کارآموزی مبارزه کارگری که عمیقاً به آزادی‌های اساسی، دموکراتیک و سندیکایی پایبند است، جرم‌انگاری فعالیت‌های سندیکایی را محکوم می‌کند. فدراسیون ما نگران معلمان دستگیر و احضار شده در ایران است و مخالف هرگونه اقدامی است که ابراز عقیده را برنمی‌تابد.

ما از شما می‌خواهیم تا دست به ابتکار بزنید و از مقامات ایران بخواهید که از تعقیب فعالان سندیکایی و سیاسی دست بردارند.

آقای وزیر، احترامات ما را بپذیرید.

کلان پوله – (Clément Poulet) دبیر اول فدراسیون ملی آموزش، فرهنگ و کارآموزی مبارزه کارگری (FNEC FP - FO)

مونتروی، شنبه ۹ آوریل ۲۰۲۲

ترجمه و تکثیر از اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: مدیر مسئول پایگاه خبری نسیم آنلاین در این روز به اتهام نشر مطالب خلاف واقع، توسط هیئت منصفه دادگاه مطبوعات مجرم شناخته شد.

***- بلا تکلیفی شغلی کارگران فضای سبز نفت آقاجری ادامه دارد:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1217514>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 22 فروردین 1401 آمده است: جمعی از «کارگران فضای سبز نفت آقاجری» خواستار مشخص شدن وضعیت شغلی خود شدند.

این کارگران که از آذر ماه سال ۱۴۰۰ در مخالفت با کارفرما برای عقد قرارداد با پیمانکار در بلا تکلیفی به سر می‌برند، گفتند: بعد از چندین دوره اعتراضات صنفی کارفرما اخیراً ما را به صورت روزمزدی و موقتی به کار گرفته است.

یکی از کارگران در تشریح مشکلات خود و همکاری‌اش به ایلنا گفت: ما ۶۳ کارگر بدون قرارداد شرکت نفت آقاجری هستیم که از سال ۸۶ در مجموعه فضای سبز این مجموعه مشغول بکاریم تا اینکه از آذر ماه سال گذشته کارفرما به یکباره تصمیم گرفت به جای عقد قرارداد مستقیم با کارگران، مسئولیت شغلی ما را به یک شرکت پیمانکار بسپارد. با ادامه این

وضعیت همه کارگرانی که با امضای قرارداد جدید با پیمانکار مخالف بودند از سوی کارفرما امکان ادامه کار پیدا نکردند.

او گفت: پافشاری شرکت نفت آقاجری برای تبدیل وضعیت شغلی کارگران باعث شد چندین بار اعتراض صنفی برگزار کنیم. در نهایت کارفرما تصمیم گرفت تا مشخص شدن وضعیت شغلی مان، ما را موقتاً به عنوان کارگر روزمزدی در مجموعه نفت آقاجری بکار گیرد.

طبق اظهارات وی، هیچ یک از کارگران فضای سبز در طول زمان فعالیت قرارداد کاری با شرکت نداشته است. بر همین اساس دستمزد، بیمه و سایر مزایایی که به کارگران پرداخت شده، ناقص بوده است.

او گفت: در ماه‌های پایانی سال گذشته شرکت نفت آقاجری تصمیم به اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل برای کارگران قراردادی و ثبت اسامی آنها در سامانه ساپنا گرفت اما کارگران فضای سبز نادیده گرفته شدند.

به گفته وی؛ اگر اسامی ما وارد سامانه ساپنا شود، از بسیاری از مزایای شغلی همانند طرح طبقه‌بندی مشاغل و سایر مزایای قانونی و عرفی که همه پرسنل رسمی، قراردادی و سایر نیروهای پیمانکاری دریافت می‌کنند، بهرمنند می‌شویم.

این کارگر همچنین گفت: هرچند از سوی مدیران شرکت نفت برای مشخص شدن وضعیت شغلی مان وعده‌هایی داده شده اما طولانی شدن شرایط بلا تکلیفی، باعث نگرانی ما شده است. به همین دلیل از مسئولان درخواست داریم با عقد قرارداد مستقیم ما را از بلا تکلیفی نجات دهند.

***- شاپور احسانی‌راد به مرخصی درمانی آمد:**

به گزارش کانال اتحاد در تاریخ روز سه‌شنبه ۲۳ فروردین ماه ۱۴۰۱ آمده است: شاپور احسانی‌راد تحت عنوان مرخصی درمانی و با تودیع وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی از زندان تهران بزرگ آزاد شد .

شاپور احسانی‌راد عضو هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران مدت زیادی است که از بیماری چشم و کمر رنج می‌برد و مسئولین زندان نه برای درمان وی اقدام جدی صورت دادند و نه با مرخصی او موافقت می‌کردند که نهایتاً با پیگیری‌های فراوان امروز و پس از موافقت با اعطای مرخصی درمانی از زندان آزاد شد .

اتحادیه آزاد کارگران ایران آزادی شاپور را به وی، خانواده‌اش و دوستان و اعضای اتحادیه شادباش می‌گوید و خواستار پایان دادن به تعقیب قضائی علیه وی و آزادی بی قید و شرط اوست .

***- کارکنان اداره مالیاتی کشور در مقابل سازمان امور مالیات تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه خبرمنتشره آمده است : کارکنان اداره امور مالیاتی استان‌های مختلف کشور، در اعتراض به برخورد تبعیض‌آمیز و پایین بودن حقوق و دستمزد خود، امروز ۲۳ فروردین ماه، در مقابل سازمان امور مالیاتی شهرهای مختلف، دست به تجمع اعتراض‌آمیز زده‌اند.

***- عدم پرداخت مطالبات بازنشستگان و اقدام عوامل امنیتی با ارسال پیامک‌های تهدید آمیز در جهت سرکوب اعتراضات سراسری بازنشستگان:**

برپایه خبر کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه آمده است : با گسترش اعتراضات بازنشستگان، کارگران، معلمان و دیگر اقشار فرودست و سراسری شدن این اعتراضات، با توجه به اینکه دولت مردان برنامه و قصدی برای پرداخت مطالبات ندارند، بنابراین عوامل دولتی، حکومتی و امنیتی تمام قد با همه امکانات اقدام به سرکوب معترضین می‌کنند و این بار هم با ارسال پیامک در سطح انبوه از طریق تلفن همراه و فضای مجازی به کاربران گروههای تلگرامی، درصدد خاموش کردن این اعتراضات هستند.

متن ارسال پیامک تهدید آمیز عوامل امنیتی:

"هشدار:

جریانهای معاند و سرویس های جاسوسی قصد بهره برداری از تجمعات صنفی را دارد و در این راستا اقدام به بازنشر فراخوان های متعددی می نماید. بدین جهت اخطار می گردد از بازنشر فراخوان های آنها و شرکت در تجمعات به طور جد اجتناب فرمائید. بدیهی است در صورت مشاهده جنابعالی در تجمعات برخورد قانونی با شما صورت خواهد گرفت."

رفتار خشونت بار عوامل امنیتی در روزهای ۲۱ و ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ با بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل مجلس و بازنشستگان مخابرات در میدان آراژنتین نشانگر بی‌توجهی دولت در پرداخت مطالبات و استفاده همه جانبه از ابزار سرکوب می‌باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد با توجه به نزدیک شدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) که روز جهانی کارگر می‌باشد، را فرصتی برای ایستادگی متحدانه‌ی کارگران، معلمان، بازنشستگان، مزد بگیران و تمام فرودستان در مقابل ظلم و فساد و تبعیض در کشور می‌داند.

متحد شویم که چاره زحمت‌کشان اتحاد است و تشکیلات

t.me/vahedsyndica

***- دانشجویان ایرانی رشته های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی اوکراین مقابل مجلس برای ادامه تحصیل در کشور تجمع نمودند:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ روزسه شنبه 23 فروردین، آمده است: جمعی از دانشجویان ایرانی رشته های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی اوکراین با برپایی تجمع مقابل مجلس خواهان ادامه تحصیل در کشور شدند.

براساس گزارش ، اسفندماه سال 1400 سازمان امور دانشجویان وزارت علوم تعداد دانشجویان ایرانی در اوکراین را 1424 نفر اعلام کرد.

از این تعداد 499 نفر از دانشجویان مربوط به رشته های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بقیه مربوط به دانشجویان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می باشند . بر اساس آنچه رییس سازمان امور دانشجویان گفته است، طبق ضوابط و مقررات وزارت عتف، مدارک تحصیلی دانشجویان در حال تحصیل در کشور اوکراین در صورت داشتن دو شرط مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. تحصیل در دانشگاه های معتبر و اقامت حضوری دانشجویان متقاضی به میزان مدت زمان معین بر اساس مقطع تحصیلی از شرایط مورد نیاز جهت ارزیابی مدارک تحصیلی خواهد بود .

لیست دانشگاه های معتبر و مقررات مربوط به طول مدت اقامت دانشجویی لازم برای تحصیلات حضوری نیز در وبگاه سازمان امور دانشجویان به طور سالیانه اعلام شد.

دانشگاه های اوکراین در رشته های علوم پزشکی مورد تایید وزارت بهداشت نیستند و این وزارتخانه مصوبه ای دارد که بر اساس آن از سال 2019 انتقال دانشجویان علوم پزشکی (پزشکی، داروسازی و دندانپزشکی) به داخل کشور بطور کلی ممنوع است؛ بنابراین انتقال دانشجویان ایرانی از دانشگاه های غیر معتبر و مراکزی که در لیست اعتبار وزارت بهداشت نباشند صورت نخواهد گرفت.

***- بازنشستگان مخابرات مقابل ساختمان ستاد اجرایی فرمان امام، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه خبرمنتشره در روز سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: بازنشستگان شرکت مخابرات ایران مطابق فراخوان از پیش اعلام شده و در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل ساختمان ستاد اجرایی فرمان امام در تهران دست به تجمع زدند. شرکت مخابرات ایران تحت مالکیت ستاد اجرایی فرمان امام و سپاه است و بازنشستگان پس از چندین نوبت تجمع مقابل ساختمان شرکت، امروز مقابل ساختمان ستاد اجرایی که از مالکان است دست به تجمع زدند. این تجمع مورد هجوم نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفت و طبق اظهارات بازنشستگان تعدادی نیز دستگیر شده اند.

***- نیروهای انتظامی به تجمع بازنشستگان مخابرات تهران یورش بردند :**



تجمع بازنشستگان مخابرات که مقابل ساختمان ستاد اجرایی خمینی امروز سه شنبه ۲۳ فروردین برگزار شد با شعارهای زیر همراه بود

جنبش بازنشسته چرا ساکت نشسته

این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی

نیروهای انتظامی در تهران به سمت بازنشستگان مخابرات که مطالبات خود را کف خیابان فریاد میزدند یورش بردند و هیچ حرمتی را نگه نداشتند.

***- بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در محکومیت برخوردهای غیرفرهنگی و غیرانسانی با دانش آموزان :**

به نام خداوند جان و خرد

پخش تصاویری از برخوردهای زشت و مشمئز کننده یکی از فرهنگیان با دانش آموزان یک مدرسه ، واکنش های گسترده ای را در شبکه های اجتماعی در محکومیت چنین رفتارهایی ایجاد کرده است.

معلمان هم به صورت گسترده در کنار سایر هموطنان به درستی نسبت به چنین اقدامات غیر فرهنگی واکنش نشان داده و محکوم کرده اند.

در همین راستا کانون صنفی معلمان ایران (تهران) لازم می داند نکاتی را خطاب به هموطنان عزیز و جامعه فرهنگیان متذکر شود:

یک. حفظ حقوق دانش آموزان به عنوان کودک در محیط آموزشی از اصول بنیادین حقوق بشر است که، بر اساس کنوانسیون حقوق کودک، هرگونه آسیب روانی، جسمی و شخصیتی مصداق مشخصی از نقض حقوق بشر محسوب می شود. لذا رعایت این حقوق بنیادین وظیفه ای همگانی است.

دو. مشکلات آموزشی و پرورشی در مدارس ایران بیش از هرچیز ناشی ساختار معیوب آموزشی و غیر مدرن حاکم بر آموزش و پرورش ایران است. این ساختار ایدئولوژیک همواره مورد نقد جدی تشکلهای صنفی فرهنگیان بوده است. ساختاری که در آن رعایت حقوق انسانی و شهروندی جایی ندارد و با فرصت طلبی، مسئولیت مشکلات پیش آمده این چنینی را بر عهده نمی گیرد. تا زمانیکه تحول بنیادینی در چنین ساختاری صورت نگیرد، همواره شاهد نقض حقوق بنیادین دانش آموزان و معلمان خواهیم بود.

سه. مسئولیت و رسالت معلمان به عنوان پرورش دهنده نسل های آینده این سرزمین ایجاب می کند که در رعایت حقوق دانش آموزان و آگاه سازی در این زمینه پیشتاز باشند. مراقبت از اعتبار جامعه دلسوز و زحمت کش فرهنگیان یکی از وظایف صنفی ماست و در این زمینه لازم است مراقبت بیشتری انجام دهیم . ارتباط هر چه بیشتر با اولیا دانش آموزان و درگیر کردن خانواده ها در مسائل تربیتی و انضباطی در مدارس می تواند به عنوان راه حلی برای جلوگیری از بروز چنین رفتارهای زشتی موثر باشد.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن محکومیت مجدد رفتارهای غیر فرهنگی با دانش آموزان و بویژه رفتار غیر انسانی اخیر ، خواستار برخورد جدی با فرد خاطی شده و یادآوری می کند که مشکل اصلی بروز چنین حوادثی در ساختار معیوب آموزشی ایران است و بدون تحول در چنین ساختاری، متأسفانه در آینده همچنان شاهد تکرار موارد مشابه خواهیم بود.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

***- تجمع اعتراضی بازنشستگان صنعت نفت در سراسر کشور :**

به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در تاریخ روز ۲۳ فروردین ماه گروههایی از بازنشستگان نفت مقابل ساختمان صندوق های بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان نفت در شهرهای تهران، کرمانشاه، اهواز، کرج و چند شهر دیگر تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمعات در اعتراض به پایین بودن مستمری ها بوده است. همچنین بازنشستگان در اعتراضات امروز خود خواهان اجرای طرح همسان سازی در مورد بازنشستگان صنعت نفت شدند.

***- تجمع سراسری کارگران صنعت نفت برای افزایش حقوق مقابل ساختمان صندوق های بازنشستگی:**



*- تجمع اعتراضی کانون‌های بازنشستگی صنعت نفت در سراسر کشور



برپایه خبرمنتشره روز ۲۳ فروردین ماه ۱۴۰۱ آمده است : جمع‌هایی از بازنشستگان صنعت نفت در مقابل ساختمان صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت در شهرهای تهران، کرمانشاه، اهواز، کرج و چند شهر دیگر تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بازنشستگان صنعت نفت که در اعتراض به وضعیت معیشتی خود و پایین بودن میزان مستمری دریافتی، تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند، خواهان اجرای طرح همسان‌سازی در مورد بازنشستگان صنعت نفت شدند.

*- موج گرانی ۶۰ درصدی مواد غذایی در انتظار خانوارها :

یک کارشناس اقتصادی با اشاره به گرانی ۶۰ درصدی قیمت مواد غذایی در نتیجه حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی گفت: این اتفاق مصیبت بزرگی برای دهک‌های پایین جامعه است.

آلبرت بغزبان عنوان کرد: با وجود هشدار بسیار در خصوص تورم ناشی از حذف ارز ۴۲۰۰ و فشار مضاعف بر معیشت مردم، حذف این طرح در دستور کار دولت قرار دارد و باید منتظر گرانی کالاها در جامعه باشیم.

وی با اشاره به احتمال افزایش نرخ ارز در سال جاری گفت: همزمان با برداشتن ارز ۴۲۰۰ تومانی، قیمت دلار جهت واردات کالا افزایش پنج برابری خواهد داشت و همین دلیلی برگرانی ۶۰ درصدی قیمت مواد غذایی، کالاهای اساسی و سایر محصولات می‌شود.

این کارشناس اقتصادی افزود: اجرای بدون برنامه حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی مصیبت بزرگ برای دهک‌های پایین جامعه است که به دلیل تورمزایی طرح، فشاری مضاعف بر آنها وارد خواهد کرد.

*- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای در این روز مرگ ۹۶ زندانی را که در زندان‌های مختلف کشور از ژانویه ۲۰۱۰ تاکنون جان خود را از دست داده‌اند بررسی کرده است. در این بیانیه آمده: «مقامات زندان‌ها با ممانعت از اعزام یا تأخیر در انتقال اورژانسی زندانیان به بیمارستان، در مرگ زندانیان نقش داشته و یا مسبب اصلی آن هستند».

***- نهاد های همبستگی: کارگران و اول ماه مه ،رهایی از بربریت سرمایه داری، تنها با اتکاء به نیروی همبستگی طبقاتی کارگران امکانپذیر است!**



از اولین مبارزه طبقاتی آگاهانه ی کارگران برعلیه سرمایه داران در شیکاگو حدود صد و پنجاه سال میگذرد، این واقعه بنام روز اول ماه مه در تاریخ جنبش کارگری ثبت شده است.

در این روز کارگران با اتکاء به نیرو و اراده جمعی خود به خیابانها می آیند و فریاد میزنند ما تولید کنندگان نعمات زندگی و جامعه هستیم، اما با تولید و ایجاد ارزش اضافه هر روز از یک زندگی انسانی محروم شده و سفره هایمان خالی تر میشود. در مقابل سرمایه داران از قبال استثمار ما سودهای نجومی به جیب میزنند. در این راستا بود که نبرد خونین کارگران شیکاگو در مقابل سرمایه داران برای احقاق حق خود متحقق شد.

گرچه این مبارزه بر حق کارگران برای تقلیل ساعات کار و دیگر خواستههای برحقشان توسط پلیس حامی سرمایه به خاک و خون کشیده شد، تعدادی کشته و زخمی شدند، اما کارگران در این روز در قامت یک طبقه در مقابل سرمایه داران قدامت کردند، و رسالت تاریخی و طبقاتی خود را به کرسی نشانند.

از این تاریخ به بعد هر جا و هر زمان که کارگران بصورت متشکل برای دخالت در سرنوشت خودشان بمیدان آمده اند حافظان سرمایه سعی میکنند به اشکال مختلف مبارزه ی کارگران را به انحراف بکشانند. بورژوازی برای درهم شکستن اتحاد و همبستگی کارگران با استفاده از قوانین و پارلمان و تبلیغات دروغین به میدان آمده و در بسیاری موارد هم دست به خشونت و سرکوب میزند.

سیاستهای نئولیبرالی و خصوصی سازیهای سرمایه جهانی که تا به امروز بیکاری، گرانی، تورم لجام گسیخته را که ماحصل آن فقر و فلاکت روز افزون و ریاضت کشی است را به طبقه کارگر تحمیل نموده است. آسیبهای این سیاستهای ضد کارگری آنچنان عیان است که طبقه کارگر را هر روز با ناامنی شغلی، استثمار بیشتر و بی حقوقی مواجه ساخته است. در حالیکه تمرکز ثروت و قدرت در دست اقلیتی از سرمایه داران قرار گرفته است، بنابراین نه تنها تخریب را در سطح بشریت به اوج رسانده اند، بلکه محیط زیست را هم با استثمار و جنگ و تخریب برای سودهای بیشتر در معرض نیستی قرار داده اند.

در هر کجای این کره ی خاکی هرگونه اعتراض که علیه وضع موجود شکل میگیرد، سرمایه داران تلاش میکنند این مبارزات را علیه دولت، قانون و علیه امنیت ملی قلمداد کرده و سرکوب نمایند.

امنیت ملی و دولت و قانون اسم رمزی است که صاحبان قدرت برای حفظ بقای خود با این عناوین مارا فریب میدهند در صورتیکه ما کارگران با بیکارسازیهای میلیونی و با محیط های کار خطرناک و آلوده هیچگونه زندگی و آینده ی امنی نداریم و سودهای نجومی که از حاصل کار و تولید ما از طریق قانون حاکم سرمایه به یغما برده میشود هیچگونه قاعده و قانونی بر آن حاکم نیست.

نان بخور نمیری که بر سفره ی ناچیز ما برای ادامه ی زندگی با عنوان مزد پرداخت میشود بخش ناچیزی از سود حاصل تولید ماست که سرمایه داران و صاحبان سرمایه در پرداخت آن ما را از راههای پیچیده ی بوروکراسی و قانون برای چانه زدن بر سر این حداقل مشغول میکنند.

پراکندگی صفوف ما و توهامات قانونگرایانه و نبود تشکلهای طبقاتی که با اراده ی جمعی دخالتهای بتوان اهدافمان را پیش ببریم، شرایط نابرابرموجود را به نفع طبقه سرمایه دار ایجاد کرده است. در برابر هر اعتراض و اعتصاب کارگران، دستگاه حاکمه با پلیس، ارتش و رسانه های حامی اش که از سود حاصل نیروی کار کارگران مخارجشان تامین میشود را بر علیه کارگران بکار میگیرند. تا زمانیکه طبقه کارگر پراکنده است و متشکل نیست وضع به همین منوال باقی خواهد ماند.

اما اگر طبقه ی میلیونی ما با تشکل های طبقاتی خود وارد عرصه ی مبارزه بر علیه سرمایه شود هیچ نیرویی توان مقابله با آن را نخواهد داشت . ما توان از کار انداختن تولید سود یعنی شاهرگ سرمایه داران را در دستهای خود داریم اگر متحدانه وارد میدان شویم. اول ماه مه روز تجدید پیمان طبقه کارگر بر علیه نظام استثمارگرانه سرمایه داری است. روز اتحاد و همبستگی و هم صدا شدن و متشکل شدن است. تا جائیکه به کارگران ایران برای به دست آوردن مطالبات خود در این روز بر میگردد، چاره ای دیگری نیست که هم صدا و سازمان یافته و با تقویت تشکل یابی خود، در کنار دیگر کارگران جهان در نبرد با سیستم سرمایه داری برخیزند. تنها راه رهایی کارگران، متشکل شدن و ایجاد تشکل های مستقل کارگری می باشد.

زنده باد مبارزه متشکل و متحد طبقه کارگر / زنده باد همبستگی طبقاتی جهانی!
اردیبهشت ۱۴۰۱ / مه ۲۰۲۲

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<https://t.me/nahadhayehambastegi>



***- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: حکم تبرئه ژاله روحزاد، معلم بازنشسته، به دلیل نبود مستندات و رد اتهامات در این روز صادر شد.

***- اطلاعیه مشترک : 1- نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران 2- کارزار پشتیبانی از کارگران ایران 3- شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران اول ماه مه ؛ رهایی از جهنم سرمایه داری تنها با طبقه کارگر متشکل میسر است!**

نزدیک به چهار دهه است که سرمایه داران حاکم بر جهان دستاوردهای نزدیک به صد سال مبارزات کارگران در جهت عدالت اجتماعی و رفاه عمومی را مرحله به مرحله بازپس گرفته اند.

کارگران با قراردادهای دائم و ثبات شغلی به کارگرانی با قراردادهای موقت و ساعتی تبدیل شده اند، دستمزد کارگر دهه دوم قرن 21 به کمتر از نیمی از دستمزد کارگر میانه قرن بیست کاهش یافته است، علاوه بر کوچک شدن و محافظه کاری تشکلهای کارگری موجود، بخش های گسترده ای از طبقه کارگر جهانی حتی در جوامع غربی، از حق ایجاد تشکلهای طبقاتی خود محروم گردیده اند.

علاوه بر اینها طی چند دهه اخیر بسیاری از احزاب، گروهها، جریانهای اجتماعی و روشنفکرانی که در سالهای نه چندان دور تلاش میکردند تا خود را با منافع طبقه کارگر و یا آلترناتیو سوسیالیستی کارگران تداعی کنند، امروزه خرج خود را از سفره کارگران جدا کرده، به توجیه گران، مدافعان و متفکران نظم موجود تبدیل شده اند.

همه اینها تنها و تنها به این دلیل است که؛ طبقه کارگر به عنوان طبقه ای اجتماعی، سیاسی و متشکل، با آلترناتیو طبقاتی خود در برابر سرمایه داری افسار گسیخته حضور ندارد.

سالها است که اصطکاک منافع سرمایه داران، جهان آشفته و پر هرج و مرج ما را تبدیل به صحنه جنگ و رقابت های منطقه ای و جهانی میان دولتهای طبقات حاکمه کرده است. رقابت ها و جنگ هایی که قربانیان اصلی آن کارگران و مزدبگیران در چهار گوشه جهان هستند. این جنگ و رقابت قدرت های حاکم نه تنها به قتل عام و خانه خرابی میلیونها نفر منجر شده است بلکه موجب مهاجرت های اجباری و از سرناچاری بخش عظیمی از نیروی کار جهانی نیز گردیده است. نیروی کاری که علاوه بر از دست دادن خانه و زندگی خود در معرض تحقیرها و تبعیض های هر روزه قرار دارد.

علاوه بر تبعات ناگوار حاکمیت سرمایه داران بر زندگی اجتماعی، سود جوئی و تلاش سرمایه برای تولید و مصرف هر چه گسترده تر کالاها، سیاره زمین و انواع موجودات زنده آن را در خطر جدی انقراض و نابودی قرار داده است. سرمایه برای ادامه حیات خود، طبیعت را نیز تخریب و نابود کرده است. هم اکنون جنگ دولت های مختلف سرمایه داران از یمن و افغانستان و عراق و لیبی گرفته تا و چاد و سومالی و اکراین، علاوه بر مرگ و میر و آوارگی میلیونها نفر، صدمات جبران ناپذیری نیز بر محیط زیست طبیعی و انسانی وارد کرده است.

همه این فجایع تنها و تنها یک دلیل دارد، عدم حضور متشکل طبقه کارگر با آلترناتیو کارگری در سطح ملی یا بین المللی در برابر توحش و تهاجم سرمایه داری.

جامعه ایران نیز به عنوان یکی از کانون های اصلی کشمکش میان طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار، طی دهه های اخیر از فشارها و سرکوب هر روزه حاکمیت سرمایه داران بی نصیب نبوده است. سرمایه داران ایرانی با حکومت و ابزارهای سرکوب خود طی سه دهه گذشته علاوه بر اجرای سیاست های اقتصادی سرمایه جهانی برای هر چه بی حقوق تر کردن کارگران، با فشارهای اجتماعی و اقتصادی و ایجاد فضای امنیتی در مراکز کار و تولید تلاش کرده اند تا از شکل گیری هر نوع از تشکل های کارگری جلوگیری نمایند. علاوه بر سرکوب مستقیم فعالان و تشکلهای کارگری طی چند دهه گذشته، سرمایه داران در ایران با اتکا به ابزارهای حکومتی بیشترین فشارهای اقتصادی و بهره کشی از نیروی کار را به اجرا درآورده اند. حکومت سرمایه داران در ایران فارغ از هر رنگ و لعاب ایدئولوژیک و سیاسی، هدف خود را تنها و تنها یکه تازی سرمایه و ایجاد بسترهای هر چه مناسب تر رشد و گسترش منافع سرمایه داران قرار داده است. لازمه مهیا کردن این شرایط، تنها در گرو سرکوب وحشیانه هر چه بیشتر جامعه علی العموم و طبقه کارگر علی الخصوص است.

تنها راه برون رفت و مقابله با چنین شرایط غیرانسانی و غیر قابل تحملی، تشکل یابی هر چه گسترده تر نیروی کار و مقابله جدی کارگران متشکل با این شرایط است.

واقعیت های جامعه ایران به خوبی نشان میدهند که رهائی از تسلسل بی وقفه، فقر و بیکاری و سرکوب، در گرو شکل گیری آلترناتیو طبقه کارگر متشکل در برابر توحش سرمایه داری است. حضور متشکل طبقه کارگر ایران در برابر تکتازی سرمایه داران و حاکمیت شان نه فقط نوید یک آینده روشن برای اکثریت مطلق جامعه یعنی مزد بگیران و زحمت کشان است، بلکه میتواند به مصائب بخش های زیادی از مردم زحمتکش منطقه خاورمیانه نیز پایان دهد و آینده ای روشن برای بخش های گسترده ای از مردم ساکن در این بخش از جهان را ترسیم کند.

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

پیش به سوی ایجاد هر چه گسترده تر تشکل های توده ای طبقه کارگر

اردیبهشت 1401

***- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید سید عزیز احمدی، به دلیل شرکت در مراسم نوروزی از طریق تماس تلفنی به اداره اطلاعات پیرانشهر احضار، تلفن همراه او توسط ماموران ضبط و ساعاتی نیز بازجویی شده است.

***- کارکنان شرکتی مراکز سلامت استان آذربایجان شرقی نسبت به عدم تبدیل وضعیت و پرداخت نشدن بموقع حقوق مقابل استانداری تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه گزارش منتشره در تاریخ روز سه شنبه 23 فروردین، آمده است: کارکنان شرکتی مراکز سلامت استان آذربایجان شرقی برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به عدم تبدیل وضعیت و پرداخت نشدن بموقع حقوق مقابل استانداری در کلانشهر تبریز تجمع کردند.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: دادستان عمومی و انقلاب قزوین در این روز از بازداشت یک شهروند در این شهرستان خبر داد و اتهامات مطروحه علیه وی را «توهین به مقدسات»، «تبلیغ علیه نظام» و «نشر اکاذیب از طریق انتشار مطالبی در فضای مجازی» عنوان کرد.

***- کارگران اخراجی مجتمع کارخانجات فولاد و ذوب آهن نطنز برای بازگشت بکار دست به مبارزه زدند:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز سه شنبه 23 فروردین، آمده است: کنش های 30 کارگربا سابقه مجتمع کارخانجات فولاد و ذوب آهن نطنز که با شروع سال جدید از کار اخراج شده اند از جمله تجمعات آنها در اداره کار و مقابل دفتر بهارستان نشین این شهرستان در استان اصفهان رسانه ای شد.

براساس گزارش منتشره ، حدود 30 تن از کارگران شرکت فولاد نطنز که اکثریت آنها از شهر بادرود و با میانگین سابقه بالای 15 سال هستند همزمان با آغاز سال جدید از کار بیکار و از کار اخراج شدند. در همین رابطه، سرپرست اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان نطنز گفت: با توجه به اخراج تعدادی از کارگران زحمتکش واحدهای ذوب و فولاد کارخانه نطنز و مراجعه آنان به اداره کار شهرستان نطنز، موضوع در دستور کار این اداره قرار گرفت. وی گفت: طی گفت‌وگو با تعدادی از این افراد در هفته گذشته و حتی در روز شنبه، موارد در حال پیگیری بوده و با بررسی‌های همه جانبه و دقیق تر در آینده نزدیک نتایج آن به اطلاع کارگران اخراج شده خواهد رسید.

رئیس دفتر نماینده مجلس نیز گفت: در پی انتشار خبر ابراز نارضایتی کارگران مجتمع فولاد و ذوب آهن نطنز مبنی بر اخراج از کار و مراجعه تعدادی از آنان به دفتر و تماس تلفنی برخی از کارگران، مراتب اعتراض کارگران به مدیرعامل مجتمع فولاد و ذوب آهن نطنز اطلاع رسانی شده است.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: زهرا صفایی، زندانی سیاسی علیرغم تعیین وقت قبلی درمان، در این روز به دلیل مخالفتش با انتقال با دستبند و پابند از اعزام به بیمارستان محروم ماند.

***- کارگران کیان تایر در انتظار تعیین تکلیف / کارخانه را به یک نهاد دولتی بدهند:**
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1217779>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 23 فروردین 1401 آمده است: کارگران کارخانه کیان تایر در تماس خبرنگار ایلنا، از ادامه‌ی بلاتکلیفی خود خبر دادند. این کارگران که در روزهای ابتدایی هفته جاری بعد از یکماه تعطیلی به کارخانه رفتند، با اعلانی موجه شدند که خبر از تعطیلی کارخانه تا اطلاع ثانوی می‌داد؛ نمایندگان کارگران اما می‌گویند: در خانه ننشستیم و پیگیر وضعیت کارخانه هستیم.

مهم‌ترین دغدغه‌ی کارگران کیان تایر در این مقطع زمانی، تعیین تکلیف مالکیت کارخانه و بازگردادن مالکیت آن به دولت است. کارگران می‌گویند: مسیر سقوط کارخانه از سال ۸۲ و بعد از خصوصی‌سازی آغاز شد؛ چند بار کارخانه را به هیات حمایت از صنایع دادند اما بازم مشکلات حل نشد. ما انتظار داریم مثل نیشکر هفت تپه عمل کنند و کیان تایر را به دولت یا یک نهاد دولتی بازگردانند تا دوباره سر پا شود و رونق بگیرد.

کارگران این کارخانه که در روزهای ابتدایی هفته جاری، مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند، از نامه‌نگاری با نهادهای مسئول از جمله استانداری تهران و وزارت صمت خبر می‌دهند و می‌گویند: ما کارگران نگران آینده این واحد قدیمی هستیم؛ تنها واگذاری به یک نهاد توانمند دولتی می‌تواند مشکلات کیان تایر را حل کند و آینده شغلی کارگران را از بلاتکلیفی نجات دهد.

کارخانه کیان تایر حدود هزار کارگر دارد و از انتهای سال ۹۸، اعلام ورشکستگی کرده است.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: نایب عسکری، زندانی سیاسی در زندان ارومیه که از پنجشنبه ۱۱ فروردین همراه با شاکر بهروز، زندانی سیاسی دست به اعتصاب غذا زده بود، پس از انتقال به بند در این روز به اعتصاب غذای خود پایان داد.

***- کارگران واحد صفایی انبار کشت و صنعت کارون نسبت به عدم تبدیل وضعیت در مجتمع، دست به تجمع اعتراضی زدند:**

برپایه گزارش منتشره در تاریخ روز سه شنبه 23 فروردین، آمده است: کارگران واحد صفایی انبار کشت و صنعت کارون برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به عدم تبدیل وضعیت دست به تجمع در مجتمع زدند.

برپایه گزارش رسانه ای شده: کارگران صفایی مسئولیت چیدن منظم بسته‌ها، کیسه‌ها و کارتن‌ها را در انبار برعهده دارند. آن‌ها خواهان تبدیل وضعیت و عقد قرارداد با شرکت تامین نیرو هستند که طرف قرارداد با کارفرمای اصلی است.

این کارگران صبح روز گذشته سه شنبه (23 فروردین ماه) با حضور در محوطه داخلی محل کار خود از مدیران این مجتمع درخواست کردن وضعیت شغلی آنها را از پیمانکاری به تامین نیرو تغییر دهند.

بنابراین گزارش، مدیران این مجموعه می‌گویند که همه نیروهای پیمانی و قراردادی مجموعه همانند استخدامی‌ها از امنیت شغلی برخوردار هستند و فرصت شغلی خود را از دست نخواهند داد.

کارگران پیمانی و قراردادی این شرکت از سال‌ها پیش خواهان تبدیل وضعیت خود بوده‌اند. در این میان، گرچه وعده‌هایی برای تبدیل وضعیت آنها در گذشته داده شد، اما تا امروز اقدامی برای تبدیل وضعیت آنها انجام نشده است.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: نرگس محمدی، فعال حقوق بشر و عالی‌مطلب‌زاده، عکاس و فعال حقوق زنان که از اوایل اسفند سال گذشته به مرخصی درمانی اعزام شده بودند، با پایان ایام مرخصی در این روز توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان قرچک ورامین منتقل شدند.

***- ادامه‌ی بلا تکلیفی ۷۲ نفر از نیروهای مخابرات استان خوزستان / نماینده اهواز: از طریق وزیر ارتباطات موضوع را پیگیری می‌کنیم:**
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1217405>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 23 فروردین 1401 آمده است: جمعی از نیروهای مخابرات استان خوزستان در تماس با خبرنگار ایلنا، از ادامه‌ی بلا تکلیفی خود و عدم بازگشت به کار خبر دادند.

این نیروها می‌گویند: بعد از گذشت ۸ ماه از صدور حکم اداره کار برای بازگشت به کار ما، این حکم هیچ ضمانت اجرایی ندارد و حتی شورای تامین استان خوزستان هم نمی‌تواند برای بازگشت به کار نیروها اقدام موثری انجام دهد.

۷۲ نفر از نیروهای مخابرات استان خوزستان که دو دوره بدون قرارداد به کار خود ادامه داده بودند، با استناد به تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار برای تبدیل قرارداد خود از موقت به دائم، شکایت تنظیم کردند و به نفع خود رأی گرفتند. مطابق رأی که توسط هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف صادر شده است؛ این کارگران نیروهای دائم مخابرات به حساب می‌آیند و باید به کار خود برگردند.

این کارگران با وجود تلاش‌های بسیار برای اجرای رأی و گرفتن قول مساعدت از نمایندگان حوزه خود در مجلس شورای اسلامی برای پیگیری کار، هنوز نتوانسته‌اند به کار خود برگردند.

کریم حسینی (نماینده مردم اهواز و باوی در مجلس شورای اسلامی) در خصوص وضعیت پیگیری مشکل نیروهای مخابرات خوزستان به ایلنا گفت: ما از هر جا که می‌توانستیم پیگیری وضعیت این نیروها و بازگشت به کار آنها بودیم؛ حتی از وزیر ارتباطات نیز طرح سوال کردیم و

حالا منتظر هستیم این سوال در دستور کار مجلس قرار بگیرد و از این طریق هم به وزیر مربوطه فشار وارد کنیم تا مشکل این نیروها حل شود .

نماینده مردم اهواز و باوی گفت: با آقای نیکزاد، نائب رئیس اول مجلس، نیز در این خصوص صحبت کردیم و ایشان نیز پیگیر موضوع هستند .

حسینی افزود: شرکت مخابرات خدمات اول در اجرای رأی اداره کار مقاومت می‌کند بنابراین ما به دنبال حل این مشکل از طریق وزیر ارتباطات هستیم.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: شاپور احسانی‌راد، فعال کارگری زندانی در این روز تحت عنوان مرخصی درمانی و با تودیع وثیقه چهارصد میلیون تومانی از زندان تهران بزرگ آزاد شد.

***- بیانیه انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان در خصوص محکومیت پرونده سازی علیه آقای صلاح آزادی فعال صنفی مریوان**

به نوشته انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان آمده است: جنبش سراسری معلمان ایران در قالب تشکل‌ها و فعالان صنفی در سال 1400 شاهد فعالیت‌هایی گسترده و تاریخی نسبت به وضعیت اسفبار آموزش و معیشت معلمان و بازنشستگان بوده است. این فعالیت‌ها با استقبال و حضور چشمگیر فرهنگیان سراسر کشور مواجه شده و نقطه عطفی در تجمعات و اعتراضات قانونی محسوب می‌شود. بر همین اساس اراده معلمان را در پیگیری حقوق برحق خود و منافع عمومی آموزش و پرورش و حقوق دانش آموزان دو چندان کرده است.

آموزش رایگان و با کیفیت، نفی خصوصی سازی آموزش عمومی، اجرای کامل رتبه بندی و معیشت معلمان و همسان سازی حقوق بازنشستگان و شاغلین از مطالبات اصلی فرهنگیان شاهی بر حق بودن کنش‌های صنفی و فعالان صنفی است.

متأسفانه به سیاق چند دهه‌ی اخیر حاکمیت در ماه‌های اخیر به جای توجه به مطالبات فرهنگیان و وضعیت اقتصادی بحرانی کشور و گرانی و تورم افسار گسیخته‌ای که ناشی از بی‌کفایتی و سیاست‌های کلی نظام می‌باشد، تهدید، سرکوب، زندانی و پرونده سازی امنیتی و سیاسی به عنوان سیاست مواجهه با مطالبات قانونی و مسالمت آمیز معلمان و بازنشستگان را برگزیده است.

در همین راستای سیاست نادرست حاکمیت در چند روز اخیر شاهد احضار فعال صنفی مریوان آقای صلاح آزادی به پلیس امنیت و دادگاه بوده ایم.

ما معلمان اعلام می‌داریم با علم به قانون و اعتقاد به اصل قانونی بودن جرایم کنش‌های خود را سازمان داده ایم اما متأسفانه از سوی متولیان دستگاه قضایی و ضابطین قضایی اصل قانونی بودن به کرات نقض شده و با قلب قانون برای معلمان جرم تراشی می‌کنند، امروز دوباره با احضار آقای صلاح آزادی شاهد این پدیده غیر قانونی بودیم که فعالیت صنفی و دادخواهی را امنیتی قلمداد نمود.

احضار آقای صلاح آزادی با اتهامات واهی امنیتی و سیاسی برای جامعه و تشکل‌های صنفی دارای هیچ گونه وجهت قانونی نیست و سیاستی در جهت سرکوب و امنیتی نمودن مطالبات و خواسته‌های فرهنگیان محسوب می‌شود.

انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان ضمن محکوم نمودن هرگونه احضار و پرونده سازی امنیتی و سیاسی برای فعالیت‌های صنفی خواهان توقف فوری پرونده سازی امنیتی برای صلاح آزادی و تمامی فعالین صنفی سراسر کشور است.

این تشکل ضمن محکومیت و ابراز نگرانی شدید از احضار و پرونده سازی فعالان صنفی از حاکمیت و دادگاه می خواهد که به چنین سیاستی پایان دهند و به جای ارباب و سرکوب مطالبه‌گران به پیگیری و اجرای اصول معوق قانون اساسی در دفاع از حقوق ملت بپردازند

امری که وظیفه ذاتی آنهاست و در این مورد قصور و اجحاف زیادی بر مردم تحمیل کرده اند.

انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان ضمن دعوت تمامی تشکلهای صنفی و همکاران فرهنگی در دفاع از معلمان احضار شده و زندانی به عنوان یک اولویت، خواهان پیگیری مطالبات عدالتخواهانه فرهنگیان و دانش آموزان باشند

23/1/1401

***- ادامه نارضایتی کارگران معدن زغالسنگ گلندرود با واگذاری این واحد معدنی به پیمانکار:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1217836>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 23 فروردین 1401 آمده است: کارگران معدن زغالسنگ گلندرود که در استان مازندران واقع شده، در انتقاد به واگذاری مسئولیت‌شان به پیمانکاران تصریح کردند: طی چند ماه گذشته با تصمیم مدیران، یک شرکت پیمانکاری مسئولیت این واحد معدنی و کارگران را برعهده گرفته و ما کارگران از این موضوع رضایت نداریم.

کارگران یاد شده که از بدو شروع به کار به واسطه یک شرکت تامین نیرو طرف قرارداد با شرکت تهیه و تولید مواد معدنی مشغول کار هستند، گفتند: مجتمع زغال سنگ گلندرود با عقد قرارداد با پیمانکار بخش خصوصی، کارگاه و همه کارگران را از قرارداد دولتی به بخش خصوصی تبدیل وضعیت کرده است.

آنها اظهار داشتند: پیمانکار جدید که یک شرکت سرمایه‌گذاری بزرگ است، از آذر ماه سال گذشته فعالیت خود را در معدن گلندرود آغاز کرده و کارگران مجبور هستند برای تامین امنیت شغلی و معیشتی خود با پیمانکار همکاری کنند.

این کارگران که تعداد آنها به ۳۰ نفر می‌رسد، گفتند: در حالی پیمانکار فعالیت خود را در معدن گلندرود آغاز کرده که از چند سال پیش فعالیت تولیدی این واحد معدنی با تصمیم مدیران متوقف شده و کارگران از بدو ورود پیمانکار مشغول تعمیر و بازسازی معدن هستند.

آنها با بیان اینکه در حال حاضر نه قراردادی با شرکت دولتی تهیه تولید داریم و نه پیمانکار بخش خصوصی، افزودند: چرا مدیران واحد زغال سنگ گلندرود به وضعیت و امنیت شغلی و سوابق کار کارگران توجه نمی‌کنند؟ با ورود پیمانکاران مختلف در این مجتمع، ما نگران شغل و معیشت خود شده‌ایم.

کارگران این واحد معدنی مدعی شدند: دلایل نگرانی‌های اخیر ما، یکی فشار برای عقد قرارداد با پیمانکار دسته دوم است که از قرار معلوم پیمانکار اصلی هم حاضر به عقد قرارداد با کارگران نیست و دوم شائبه بازگشت دوباره ۱۳ نفر از همکاران به پیمانکار تامین نیرو طرف قرارداد با شرکت تهیه تولید است.

این کارگران با بیان اینکه مسئولان شرکت تهیه تولید به وضعیت شغلی ما رسیدگی کنند، در خاتمه گفتند: قرارداد کاری ما با شرکت تهیه تولید پایان سال ۱۴۰۰ به اتمام رسیده و با وجود اینکه از شروع سال جاری (۱۴۰۱) ۲۳ روز گذشته هنوز وضعیت شغلی مشخصی نداریم.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید در پی تجمعات اعتراضی هفته‌ی گذشته کارگران مجتمع کشت و صنعت لرستان، مسئولین این واحد ۲۳ تن از کارگران معترض را که تصویر حضور آنان در تجمعات در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود اخراج کرده‌اند.

***- اعتصاب غرفه داران سبزی و صیفی جات شهرداری تهران در اعتراض به نرخ تعیین شده گوجه فرنگی و خاتمه یافتن اعتصاب بدنبال عقب نشینی شهرداری و افزایش قیمت:**

برپایه خبر منتشره در روز سه شنبه ۲۳ فروردین، آمده است: غرفه داران سبزی و صیفی جات شهرداری تهران برای اعتراض به پایین بودن نرخ گوجه فرنگی اعتصاب کردند و برای شکستن اعتصاب قیمت این محصول از سوی شهرداری افزایش یافت.

عضو هیات مدیره اتحادیه بار فروشان تهران به خبرنگار رسانه ای گفت: غرفه های شهرداری به عبارتی بار نزده اند آنها به این دلیل که نرخ بارهای غرفه یک مقدار پایین بوده و با توجه به اینکه هزینه ها و کرایه ها بالا است لذا نسبت به این اقدام اعتراض کرده اند.

وی افزود: با شکسته شدن اعتصاب کامیون داران در میدان تره بار گوجه فرنگی زیاد شد و نرخ آن به ۱۰ هزار تومان رسید و شهرداری نیز نرخ غرفه داران را از ۱۵ هزار تومان به ۱۲ هزار تومان کاهش داد

بازار روزهای اقماری سطح شهر نسبت به پایین بودن نرخ گوجه گوجه فرنگی اعتراض و اعتصاب کردند

وی افزود: بازار روزهای اقماری که در سطح شهر هستند مثل بازار قزل قلعه، بازار صادقیه و غیره در بخش فرنگی جات اعتصاب کرده اند که به دلیل اینکه نرخ گوجه فرنگی را شهرداری پایین آورده امروز اعتصاب کردند.

وی تصریح کرد: شنیده های حاکی است امروز مطابق جلسه ای که برگزار شد نرخ ها را افزایش داده اند و از امشب غرفه های شهرداری بار خواهند زد.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: مصطفی نیلی، وکیل علی یونسی و امیرحسین مرادی، دانشجویان بازداشتی دانشگاه صنعتی شریف در این روز خبر داد سومین جلسه‌ی رسیدگی به پرونده‌ی این دو دانشجو، یکشنبه‌ی هفته‌ی آینده برگزار می‌شود.

***- درخواست سیمانان برای تسریع در تصویب طرح ساماندهی نیروهای شرکتی در مجلس:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1217868>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 23 فروردین 1401 آمده است: جمعی از سیمبانان شرکت توزیع برق کشور در تماس با خبرنگار ایلنا، از ادامه بلاتکلیفی خود خبر دادند. آن‌ها خطاب به نمایندگان مجلس، خواستار تسریع در تصویب طرح تبدیل وضعیت شغلی خود در سال جدید شدند.

به گفته آن‌ها، با وجود پیگیری‌های لازم جهت تبدیل وضعیت سیمبانان خطوط گرم و سرد توزیع برق از قرارداد کار حجمی به قرارداد دائم و مستقیم، کماکان شرکت توزیع برق کشور از اجرای آن با بهانه‌های مختلف سر باز می‌زند. بنابراین امید ما کارگران پیمانکاری تصویب طرح تبدیل وضعیت شغلی است.

نمایندگان سیمبانان افزودند: چگونه است که شغلی با این میزان حساسیت و نیازمندی به تخصص، دچار بی‌میلی مسئولان شده است. بعد از سال‌ها خدمت صادقانه، امروز امیدمان به نمایندگان مجلس برای سامان گرفتن است.

این کارگران ابراز امیدواری کردند که با تصویب طرح ساماندهی کارکنان دولت از سوی نمایندگان مجلس، وضعیت شغلی و معیشتی آن‌ها بهبود پیدا کند و از این طریق با کنار رفتن واسطه‌ها و شرکت‌های پیمانکاری، بلاتکلیفی آن‌ها پایان یابد.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: بابک پاک‌نیا، حقوقدان و وکیل مهدی محمودیان در این روز از برگزاری دومین جلسه‌ی محاکمه‌ی مهدی محمودیان، آرش کیخسروی، مصطفی نیلی، محمدرضا فقیهی و مریم افراز، دادخواهان سلامت، در نخستین روز هفته‌ی آتی خبر داد.

***- کارگران سپتیک آبفای اهواز نسبت به عدم پرداخت 3 ماه حقوق و حق بیمه و سه سال سنوات و اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل مقابل استانداری خوزستان، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز چهارشنبه 24 فروردین، کارگران سپتیک آبفای اهواز برای اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوق و حق بیمه و سه سال سنوات و اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

تجمع کنندگان به خبرنگار گفتند: 3 ماه حقوق و حق بیمه پرداخت نشده داریم و سنوات سال 97، 98 و 99 هم هنوز تسویه نشده است. آن‌ها با اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، گفتند: کار ما حساس و پر از خطر است این بی‌توجهی‌ها باعث از بین رفتن انگیزه بین کارکنان می‌شود.

***- جمعی از کارگران هفت تپه از بخش های مختلف ، پیام به همکاران!**

برپایه خبر مندرج در سطح شبکه های مجازی آمده است : مطالبات مان را باید با اعتراض به دست بیاوریم. این مدیریت جدید به اندازه کافی وقت کشی کرده است. مانند قبل باید متحدانه اعتراض کنیم و موارد زیر را به دست بیاوریم:

* بازگشت به کار اسماعیل بخشی که همه ما خود را مدیون او میدانیم و بازگشت به کار بیزن سالارپور.

* استخدام همکاران فصلی

* اجرای کامل طرح طبقه بندی و پرداخت کامل مطالبات عرفی و قانونی

* برداشتن سه نوع قانون مختلف در پرداخت و قرارداد

* برکنار کردن مدیران اسدیگی که از قدیم تا الان مشغول خرابکاری و ترویج فساد اداری و مالی هستند.

* همسان کردن سطح دستمزد بین تمام طرح های هفت طرح. چونکه الان هفت تپه که قدیمی ترین و مهم ترین مرکز نیشکر است از تمام بقیه طرح ها به کارگر دستمزد کمتر میدهد.

* مختومه کردن پرونده وکیل کارگران هفت تپه، خانم فرزانه زیلابی و آزادی فوری خانم سپیده قلیان که تنها "گناهشان" دفاع از حق و مطالبات کارگران هفت تپه بوده است.

***- اعتراض دوباره کارگران شهرداری زاهدان نسبت به عدم پرداخت 4 ماه حقوق، عیدی و ماه ها حق بیمه:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز چهارشنبه 24 فروردین آمده است: برای باری دیگر، کارگران شهرداری زاهدان نسبت به عدم پرداخت 4 ماه حقوق، عیدی و ماه ها حق بیمه، اعتراض کردند.

این کارگران معترض به خبرنگاریک رسانه محلی گفتند: حدود 60 نفر از کارگران از آذر ماه سال 1400 هنوز هیچگونه حقوقی و عیدی دریافت نکرده، و برای مایحتاج زندگی خود مجبور هستند، قرض کنند.

آنها ادامه دادند: مسئولان مربوطه ما را درک نکرده، از بس حقوق های ما معوق شده حتی بقالی محل هم دیگر به ما قسطی نمی دهد؛ از سوی دیگر شرمنده همسر و فرزندانمان هستیم.

کارگران شهرداری در ادامه به بیان معضل دیگری اشاره کرده و گفتند: علیرغم اینکه یکسال و نیم از زمان فعالیت کاری ما با شرکت پسمان می گذرد؛ اما تنها 4 ماه بیمه برپیمان رد شده، در پاسخ به مشکلمان مسئولان اینگونه گفته اند که در آن ماه ها قراردادی منعقد نبوده که مطالبه حق بیمه کنید.

کارگران حق طلب شهرداری زاهدان افزودند: پرداخت نشدن به موقع حقوق به کارکنان شهرداری مشکلات زیادی برای آنها و خانواده هایشان به وجود آورده، و از سوی دیگر باعث دلسردی و بی رغبتی در انجام امور شده است.

***- ناراضیتی کارگران پیمانکاری ابنیه فنی راه آهن آذربایجان و یزد از شرایط کار:**
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1218344>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 24 فروردین 1401 آمده است: منابع کارگری راه آهن به خبرنگار ایلنا گفتند: کارگران ابنیه فنی راه آهن آذربایجان و یزد که تحت مسئولیت یک پیمانکار به کار نگهداری از خطوط اشتغال دارند، از شرایط کار و نحوه پرداخت مطالبات رضایت ندارند.

از قرار معلوم این کارگران به شرایطی که توسط پیمانکاران برای کار آنها تعیین شده، معترض و خواستار نظارت شرکت راه آهن به عنوان کارفرمای مادر بر عملکرد پیمانکاران هستند. یکی از کارگران ابنیه فنی راه آهن گفت: هر ماه مطالبات خود را با تاخیر دریافت می کنیم و علاوه بر این، 24 روز از آغاز سال جدید گذشته هنوز حقوق اسفند ماه سال 1400 خود را دریافت نکرده ایم. وضع موجود شرایط زندگی را برایمان سخت کرده است. در عین حال شنیده ایم قرارداد پیمانکاران با راه آهن در حال اتمام است و این موضوع باعث نگرانی ما شده است. وی با اشاره به میانگین 10 تا 15 سال سابقه کاری خود و همکاری خود در راه آهن گفت: در گذشته کارگران ابنیه فنی بدون حضور پیمانکاران به صورت رسمی مشغول کار بودند. امکاناتی که در اختیار کارگران رسمی بود قابل مقایسه با شرایط کار امروز ما کارگران پیمانکاری نیست. آنها از امکانات رفاهی و مزدی خوبی بهره می برند و هزینه اضافه کاری های آنها نیز به موقع پرداخت می شود.

این کارگر ابنیه فنی راه آهن گفت: ما کارگران با روزی 8 تا 12 ساعت کار مداوم و سخت از حداقل های مزدی محروم هستیم و مسئولان شرکت راه آهن به مشکلاتمان که در نتیجه حضور پیمانکاران مختلف ایجاد می شود، اعتنایی نمی کنند. وی با یادآوری اینکه خواهان حذف پیمانکار در بخش های مختلف راه آهن هستیم، در ادامه افزود: در حقیقت امکان بهبود شرایط شغلی برای همه ما وجود دارد اما نمی دانیم چرا شرکت راه آهن ترجیح می دهد از یکسو به همکاری با پیمانکاران ادامه دهد و از سوی دیگر مطالبات مزدی ما را با یک شرکت واسطه ای به حساب ما پرداخت کند. به گفته وی، با وجود فعالیت بازرسان اداره کار و راه آهن، این اتفاقات همچنان در حال رخ دادن است و کارگران مجبورند برای تامین معاش خانواده های خود به شرایط تعیین شده از سوی پیمانکاران تن بدهند.

***- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، چهارشنبه 24 فروردین 1401 آمده است: جلسه ی دادگاه احمدزاهدی لنگرودی، نویسنده، شاعر، روزنامه نگار و عضو کانون نویسندگان در این روز به اتهام «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» که مصداق کلی آن مطالب منتشره در ماهنامه ی گیلان اوجا با موضوع دفاع از حقوق زنان و کارگران بود، در دادگاه مطبوعات گیلان برگزار شد. پس از درخواست مصطفی نیلی، وکیل مدافعه وی مبنی بر ارائه مصدق مشخص اتهامی، و اطلاع و اشراف هیئت منصفه از آن، قاضی ادامه ی محاکمه را به جلسه ی بعد موکول کرد.

***- کارگران شرکت نفت و گاز اروندان در منطقه نفتی آزادگان جنوبی نسبت به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و وعده های توخالی اعتراض کردند:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز چهارشنبه 24 فروردین، آمده است: کارگران شرکت نفت و گاز اروندان در منطقه نفتی آزادگان جنوبی اعتراضشان را نسبت به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و وعده های توخالی، ابراز کردند.

کارگران معترض به خبرنگار رسانه ای گفتند: شرکت تکنوانرژی سپهر (تسکو) به عنوان پیمانکار طرف قرارداد شرکت نفت و گاز اروندان در منطقه نفتی آزادگان جنوبی قرار بود تا قبل از 25 اسفند ماه 1400 طرح طبقه بندی مشاغل را اجرایی کند اما با گذشت حدود یکماه از این تاریخ همچنان طرح اجرایی نشده است.

آنها افزودند: ما در انتظار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستیم؛ قول داده بودند دستمزد سال جدیدمان با اجرای این طرح افزایش می یابد اما هنوز هیچ خبری از تدوین طرح و ابلاغ آن نیست؛ ما کارگران این شرکت، همگی با سابقه و متخصص هستیم و انتظار داریم حقوق ماهانه مان با احتساب این سابقه و تخصص، تعیین و پرداخت شود.

یکی از کارگران نیز گفت: عدم اجرای طرح طبقه بندی در این منطقه در حالیست که به کلیه وزرا و مسئولان، تاکید ویژه ای بر رسیدگی به معیشت کارگران شده است اما مشخص نیست چرا وعده های داده شده در این خصوص به پرسنل منطقه نفتی آزادگان جنوبی همچنان محقق نشده و بر زمین مانده است!

***- درخواست کارگران واحد صفافی انبار کشت و صنعت کارون برای تبدیل وضعیت:** <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1218232>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 24 فروردین 1401 آمده است: کارگران پیمانی واحد صفافی انبار (شکر سفید) مجتمع کشت و صنعت کارون خواهان تبدیل وضعیت خود از پیمانی به تامین نیرو هستند.

منابع خبری می گویند: کارگران صفافی مسئولیت چیدن منظم بسته ها، کیسه ها و کارتن ها را در انبار برعهده دارند. آنها خواهان تبدیل وضعیت و عقد قرارداد با شرکت تامین نیرو هستند که طرف قرارداد با کارفرمای اصلی است. این کارگران صبح روز گذشته سهشنبه (۲۳ فروردین ماه) با حضور در محوطه داخلی محل کار خود از مدیران این مجتمع درخواست کردن وضعیت شغلی آنها را از پیمانکاری به تامین نیرو تغییر دهند.

آنها ادامه دادند: مدیران این مجموعه می گویند که همه نیروهای پیمانی و قراردادی مجموعه همانند استخدامی ها از امنیت شغلی برخوردار هستند و فرصت شغلی خود را از دست نخواهند داد.

کارگران پیمانی و قراردادی این شرکت از سالها پیش خواهان تبدیل وضعیت خود بوده اند. در این میان، گرچه وعده هایی برای تبدیل وضعیت آنها در گذشته داده شد، اما تا امروز اقدامی برای تبدیل وضعیت آنها انجام نشده است.

***- تجمع اعتراضی اهالی بلوار بهداشت سراوان نسبت به ولتاژ پایین برق مقابل فرمانداری:**

برپایه گزارش روز چهارشنبه 24 فروردین، آمده است: جمعی از اهالی بلوار بهداشت سراوان برای اعتراض به ولتاژ پایین برق مقابل فرمانداری این شهرستان در استان سیستان و بلوچستان تجمع کردند.

به گزارش یک منبع خبری محلی، دستکم 600 خانوار از اهالی بلوار بهداشت سراوان با فرا رسیدن فصل گرما و در ماه رمضان از ولتاژ پایین برق رنج می برند.

***- خودداری برخی کارگران بازنشسته مجتمع هفت تپه از تخلیه خانه‌های سازمانی / مدیریت پیگیری کند**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1218309>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 24 فروردین 1401 آمده است: جمعی از کارگران متقاضی منازل سازمانی شرکت نیشکر هفت تپه گفتند: طبق آئین نامه مسکن مصوب مدیریت شرکت که از آغاز تاکنون در حال اجراست، کارگران ساکن در منزل سازمانی می‌بایست پس از بازنشستگی، در صورت فوت 6 ماه و در غیر این صورت ظرف سه ماه منازل سازمانی را تخلیه کنند.

آن‌ها با بیان اینکه هرگونه مطالبات کارگران از کارفرما اعم از حقوق عقب افتاده، سنوات و غیره بهانه‌ی قانونی جهت ماندن در منزل سازمانی بیش از مدت تعیین شده نیست، گفتند: برخی همکاران بازنشسته از سال 91 تاکنون برخلاف رویه قانونی اقدام به ترک منازل سازمانی خود نمی‌کنند. بنابراین برای تخلیه خانه‌ها و جلوگیری از این رویه غلط و غیرقانونی و خلاف عرف، اخطاریه‌هایی از طرف شرکت نیشکر هفت تپه به این افراد داده شده و حتی برای برخی حکم قضایی صادر شده است اما آنها همچنان خانه‌ها را تخلیه نمی‌کنند.

طبق اظهارات یکی از کارگران، مجتمع نیشکر هفت تپه دارای 700 تا 800 واحد مسکونی سازمانی است. در این میان جدا از برخی کارگران بازنشسته که حاضر به تخلیه واحد خود نیستند حدود 40 تا 50 واحد از این منازل تحویل افرادی است که سالهاست با مجتمع هفت تپه قطع همکاری کرده و حتی برخی از آن‌ها خارج از شهر و استان سکونت دارند و هر چند وقت یکبار برای تفریح به این واحدها سرکشی می‌کنند.

به گفته او؛ یکی از دلایل بی‌توجهی برخی کارگران بازنشسته برای تخلیه واحدهای سازمانی این است که شمار زیادی از آنها فاقد مسکن هستند و در مقابل شماری دیگر علاوه بر این خود مسکن دارند، به بهانه‌های مختلف به دنبال وقت کشی و حتی خرید این واحدهای سازمانی هستند. در عین حال در میان منازل ویلایی، برخی واحدهای بزرگ هزار متری نیز دیده می‌شوند که به صورت باغ ویلا ساخته شده‌اند که از سال‌ها پیش در تصرف برخی مسئولان و مدیران قرار گرفته‌اند که از مجموعه خارج شده‌اند.

این کارگر افزود: در مقابل خانه‌های ویلایی، واحدهای بسیار کوچکی هستند که کسی حاضر به سکونت در آنها نمی‌شود. به طور معمول این خانه ۶۰ تا ۷۰ متری تحویل کارگرانی می‌شود که هیچ پشتوانه‌ای ندارند و به اجبار در این واحدهای فاقد امکانات زندگی کنند.

وی گفت: شخص بازنشسته، کارگر و پرسنلی که دیگر هیچ فعالیتی در شرکت نیشکر هفت تپه ندارد و کارش با شرکت تمام شده است، دیگر حق استفاده از منازل سازمانی را ندارد درحالیکه کارگران متقاضی مسکن کارگرانی هستند که در حال خدمات‌رسانی به شرکت بوده و دغدغه فکری تأمین مسکن سبب کاهش راندمان کاری آنها شده است.

این کارگر با بیان اینکه خواسته جمعی ما کارگران متقاضی مسکن از مدیریت نیشکر هفت تپه این است که ضمن سامان دادن به وضعیت واحدهای سازمانی ترتیبی اتخاذ کنند منازل سازمانی که تصرف شده‌اند هر چه زودتر تخلیه شده و به کارگران شاغل و متقاضی در نوبت مسکن واگذار شود، افزود: شرکت هفت تپه سالهاست برای تعمیرات و بازسازی واحدهای سازمانی اقدامی صورت نداده و به مرور شاهد تخریب و غیرقابل سکونت شدن آنها هستیم.

***- تجمع اعتراضی اهالی و باغداران روستای آستانه دامغان نسبت به صدور مجوز تخریب پل ارتباطی وسط روستا با مزارع پایین دست توسط اداره امور منابع آب مقابل فرمانداری:**

برپایه گزارش روز چهارشنبه 24 فروردین، آمده است: اهالی و باغداران روستای آستانه دامغان برای اعتراض به صدور مجوز تخریب پل ارتباطی وسط روستا با مزارع پایین دست توسط اداره امور منابع آب مقابل فرمانداری این شهرستان در استان سمنان تجمع کردند.

یکی از اهالی روستای آستانه به خبرنگار رسانه ای گفت: قسمتی از رودخانه چشمه علی دامغان از وسط روستا عبور می کند که اهالی، کشاورزان و دامداران برای عبور و مرور به منازل مسکونی و مزارع خود مجبور بودند از وسط رودخانه عبور کنند.

وی ادامه داد: تا سال 98 عبور و مرور اهالی و احشام به سختی از رودخانه صورت می گرفت تا اینکه با اداره امور منابع آب برای احداث پل رایزنی کردیم.

وی ادامه داد: تا قبل از احداث پل، باغداران محصولات کشاورزی خودشان را با فرغون تا لب رودخانه می آوردند و پس از آن با عبور از وسط رودخانه بارگیری می شد.

این باغدار آستانه اضافه کرد: کارشناسان مربوطه هزینه ساخت پل اساسی را حدود 3 الی 4 میلیارد تومان برآورد کرده بودند که از توان اهالی و باغداران خارج بود.

وی تصریح کرد: با هماهنگی رئیس امور منابع آب و ارجاع درخواست اهالی به کارشناس مربوطه نقشه پل تهیه و در اختیار پیمانکار قرار گرفت؛ قبل و در حین ساخت پل به کارشناس امور منابع آب تماس گرفتیم که جهت نظارت بر روند احداث پل بازدید داشته باشند که کارشناس مربوطه بیان کرد «مطابق نقشه پیش روید و احتیاج به بازدید نیست».

پس از یک سال از ساخت پروژه رئیس امور منابع آب دامغان در حین بازدید از روستای آستانه گفت: چه کسی گفته است اینجا پل احداث کنید؛ کار را تعطیل کنید پل باید تخریب شود.

وی افزود: با توجه به اینکه نظر کارشناسان منابع آب سمنان و تهران نسبت به استحکام و عدم مزاحمت پل مساعد بود اما رئیس اداره منابع آب دامغان مجدداً حکم گرفته است تا پلی که با کمک های مردمی احداث شده است را تخریب کند.

***- کارگران «تسکو» در انتظار اجرای طرح طبقه‌بندی/ به وعده‌ها عمل نشد:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1218248>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 24 فروردین 1401 آمده است: شرکت تکنانرژی سپهر (تسکو) به عنوان پیمانکار طرف قرارداد شرکت نفت و گاز اروندان در منطقه نفتی آزادگان جنوبی قرار بود تا قبل از ۲۵ اسفند ماه ۱۴۰۰ طرح طبقه بندی مشاغل را اجرایی کند اما با گذشت حدود یکماه از این تاریخ همچنان طرح اجرایی نشده است.

کارگران این شرکت می‌گویند: ما در انتظار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستیم؛ قول داده بودند دستمزد سال جدیدمان با اجرای این طرح افزایش می‌یابد اما هنوز هیچ خبری از تدوین طرح و ابلاغ آن نیست؛ ما کارگران این شرکت، همگی با سابقه و متخصص هستیم و انتظار داریم حقوق ماهانه‌مان با احتساب این سابقه و تخصص، تعیین و پرداخت شود.

یکی از کارگران این شرکت می‌گوید: عدم اجرای طرح طبقه بندی در این منطقه در حالیست که به کلیه وزرا و مسئولان، تاکید ویژه‌ای بر رسیدگی به معیشت کارگران شده است اما مشخص نیست چرا وعده‌های داده شده در این خصوص به پرسنل منطقه نفتی آزادگان جنوبی همچنان محقق نشده و بر زمین مانده است!

***- جان باختن یک کارگر در مریوان بر اثر سقوط از ارتفاع:**

برپایه خبر منتشره آمده است: یک کارگر ساختمانی به اسم ولی ازغ اهل روستای بلبر از توابع بخش اورامان شهرستان سروآباد و دارای دو فرزند حین کار در میدان پیشمرگه شهرستان مریوان بر اثر سقوط از ارتفاع جان خود را از دست داد.

***- انتقاد کارگران شهرداری بندرعباس از عدم واریز حقوق اسفند:** <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1218466>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 24 فروردین 1401 آمده است: تعدادی از کارگران شهرداری بندرعباس در تماس با خبرنگار ایلنا، از عدم واریز حقوق اسفند خود انتقاد کردند. از قرار معلوم، تا این لحظه (۲۴ فروردین ماه) هنوز حقوق کارگران شهرداری بندرعباس پرداخت نشده است.

یکی از کارگران شهرداری بندرعباس که در بخش خدمات مشغول کار است؛ با انتقاد از این تاخیر گفت: تمام منبع درآمد خانواده ما این حقوق ناچیز و حداقلی است؛ با این حال، ایام نوروز را به سختی گذرانیم.

او افزود: شهردار چند روز پیش وعده کرده به محض تامین منابع مالی مالیات بر ارزش افزوده طلب کارگران را می‌پردازد اما هنوز پرداخت صورت نگرفته و برنامه‌های ما به هم ریخته است.

این کارگر با بیان اینکه حقوق دی وبهمن ماه خود را با کسری ۶۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومانی دریافت کرده‌ایم، گفت: به نظر می‌رسد آنچه کسر شده بود بابت جمعه کاری و حق اولاد بود که از فیش حقوقی هم حذف شده است.

وی به نیابت از همکاران خود گفت: خواسته ما این است تا شهردار در مقام کارفرمای اصلی چاره‌ای برای تامین منابع مالی پایدار و پرداخت دستمزد نیروی کار بیندیشد. اگر قرار است مشکلات به همان صورت قبل استمرار داشته باشد، کارگران امنیت معیشتی خود را از دست می‌دهند.

***- تجمعات همه روزه کارگران کارخانه کیان‌تایر در محل کارشان برای پایان دادن به بلا تکلیفی شغلی و معیشتیشان:**

برپایه خبر منتشره آمده است: کارگران کارخانه کیان‌تایر برای پایان دادن به بلا تکلیفی شغلی و معیشتیشان، همه روزه در محل کارشان، تجمع می‌کنند.

پیام ارسالی کارگران کارخانه کیان‌تایر به اتحادیه آزاد کارگران ایران

در حالی که اکثر خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی نیز خبر تعطیلی کارخانه کیان‌تایر را در خبرهای خود قرار دادند گویا خبری در راه است و واقعا ذهن‌ها را برای تعطیلی شرکت آماده میکنند. ما کارگران شرکت کیان‌تایر تا آخرین نفس برای معیشت خانواده‌های خود می‌جنگیم و نخواهیم گذاشت تا به عاقبت کارخانه‌هایی که در سال‌های گذشته توسط بی‌کفایتی مسئولین بسته شدند دچار شویم.

قبلا هم در سال ۸۷ که همه عزم راسخ داشتند که شرکت را تعطیل نکنند با مقاومت کارگران مواجه شدند.

کارگر میمیرد ذلت نمی‌پذیرد

به داد کیان‌تایر برسید

لازم به ذکر است که کارگران کیان‌تایر هر روزه در محوطه کارخانه حضور می‌یابند و پیگیر بازگشایی شرکت هستند و همچنین اعلام کرده‌اند که اجازه تعطیلی شرکت را نخواهند داد.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، چهارشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: نرگس محمدی و عالیه مطلب‌زاده با انتشار بیانیه‌ای در این روز با اشاره به اینکه فعالیت‌شان در حوزه‌ی زنان و حقوق بشر بوده و جرمی مرتکب نشده‌اند، نسبت به پرونده‌سازی و حبس خود اعتراض کردند.

***- اخراج 3 کارگر حق طلب کارخانه سیمان آباده زیرسایه بی‌خیالی نهادهای مسئول:**

برپایه خبرمنتشره آمده است: بدنبال اعتراضات دامنه کارگران کارخانه سیمان آباده درسال 1400 نسبت به عدم پرداخت بموقع حقوق و نداشتن امنیت شغلی، در سال جدید 3 کارگر حق طلب این واحد تولیدی دراستان فارس بنابه تصمیم مدیریت زیرسایه بی‌خیالی نهادهای مسئول از کار اخراج شدند.

پس از گذشت 25 روز از سال جدید و علیرغم وعده و وعیدهای مسئولان شهرستان نه تنها مشکل کارگران کارخانه سیمان آباده مبنی بر نداشتن امنیت معیشتی و شغلی حل نشد بلکه 3 همکار حق طلبشان از طرف مدیریت در ادامه تهدیدهای مکررشان از کار اخراج شدند.

***- گزارشی درباره تجمع اعتراضی روز دوشنبه 22 فروردین کارگران شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران نسبت به بازگشت ساعات کاری به قبل از کرونا:**

برپایه خبرمنتشره آمده است: پیام دریافتی از کارکنان عملیات مناطق نفت خیز جنوب

سلام به گردانندگان کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت

از نیروهای معاونت خدمات تعمیرات و نگهداری واحد تعمیرات خطوط لوله نفت و گاز کارون هستم.

من و همکارانم لازم دیدیم توضیحی در مورد اعتراض اخیرمان برای انتشار در کانال شما ارائه بدهیم.

روز دوشنبه بیست و دوم فروردین ما و گروه دیگری از همکاران رسمی و پیمانی در نفت و گاز مارون - آغاجری و گچساران نسبت به تغییر شیفت ها از دوازده ساعت کار به هشت ساعت دست به اعتراض زدیم.

ممکن است این سوال پیش آمده باشد که چرا ما در این اعتراض خواهان آن شدیم که ساعت کارمان بیشتر شود!

قبل از شیوع کرونا شیفت های کار ما چرخشی به شکل نوبتکاری در سه شیفت هشت ساعته بود که الان تقریباً دو سال است با بخشنامه معاونت برنامه ریزی و منابع انسانی شیفت ها تغییر کرده و دو نوبتکار صبح و شب گردان به جای شیفت چرخشی شدیم. یعنی به جای سه شیفت هشت ساعته به دو شیفت دوازده ساعته تغییر کردیم.

نکته اول این که در شیفت های فعلی حق شیفت بیشتری دریافت میکنیم و بنابراین از نظر اقتصادی و دریافتی بیشتر به نفعمان است.

دوم این که قبلاً در نوبتکاری سه شیفت ما باید دوازده روز کار میکردیم و چهار روز به استراحت میرفتیم اما در شیفت دوازده ساعته الان چهار روز کار کرده و چهار روز اصطلاحاً رست یا همان استراحت میرویم و به این ترتیب ساعت بیشتر و روزهای بیشتری در کنار خانواده هستیم.

سومین مسئله به بحث امنیت جانی و خطرات جاده ای بر میگردد. وقتی که سه شیفت بودیم برای هر شیفت سی و شش سرویس برای جمع آوری ما لازم بود اما الان شانزده سرویس این کار را انجام میدهند پس با این حساب خطر تصادفات جاده ای ما تقریباً به نصف رسیده است.

چهارم اینکه به دلیل مشکلات اقتصادی و پایین بودن حقوق ها برخی از ما که بخصوص فرزند دانشجو یا فرزند آماده ازدواج داریم مجبور هستیم برای این که بقول معروف دخلمان با خرچمان بخواند شغل آزاد هم داشته باشیم.

تعداد زیادی از همکاران ما در روزهای استراحت در آژانس و اسنپ کار می کنند یا تعداد دیگری کار جوشکاری و تعمیرات پمپ و برقکاری و مکانیکی کار میکنند بنابراین در نوبتکاری دو شیفته فرصت بیشتری داریم که به کار دوم خود برسیم.

امیدواریم که با این توضیحات دلیل اینکه همچنان میخواهیم تن به کارکرد دوازده ساعته و دو شیفته شدن بدهیم شفاف و روشن شده باشد.

***- آزادی بیان در هفته ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، چهارشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: هوشیار شعبانی، در این روز در دادگاه انقلاب سقز مستقر در شهرستان بانه به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۱ سال حبس که ۸ ماه آن به حالت تعلیق درآمده محکوم شد.

*- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، چهارشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: احد مولودی و حسین خلیانی در این روز در دادگاه انقلاب نرده هر کدام با اتهام «تبلیغ علیه نظام به نفع یکی از احزاب مخالف نظام» به پنج ماه حبس تعزیری محکوم شدند

*- اعتراض تعدادی از ساکنان قروه به محل ساخت یک کارخانه جدید روی زمین‌های کشاورزی:

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1218414>



به گزارش خبرگزاری ایلنا، در تاریخ 24 فروردین 1401 آمده است: جمعی از ساکنان شهرستان قروه در تماس با خبرنگار ایلنا، از تجمع اهالی مقابل محل ساخت یک کارخانه جدید در این منطقه خبر دادند.

آن‌ها می‌گویند: در سال ۹۲ کارخانه فولاد زاگرس به بهانه‌ی به صرفه نبودن فعالیت‌ها تعطیل شد و حدود ۴۰۰ نفر به طور مستقیم بیکار شدند.

به گفته‌ی آن‌ها؛ در سال ۹۸ محمد شریعتمداری، وزیر کار سابق، در یک منطقه‌ی لم یزرع کلنگ تاسیس کارخانه‌ی جدید را زد و قرار شد فعالیت ساخت کارخانه در این منطقه آغاز شود که مورد استقبال مردم هم قرار گرفت، اما بعد از چند ماه فعالیت ساخت کارخانه متوقف شد.

آن‌ها می‌گویند: سال ۹۹ ساخت کارخانه‌ی دیگری روی بخشی از زمین‌های کشاورزی این منطقه آغاز شد. صدها خانوار از فعالیت روی این زمین‌ها ارتزاق می‌کنند و ساخت کارخانه روی این زمین‌های کشاورزی زندگی مردم و کشاورزان این منطقه را نابود می‌کند.

به گفته‌ی معترضان؛ متولیان ساخت کارخانه‌ی جدید، از منابع طبیعی سند گرفتند که این سند بعد از اعتراض و ثبت شکایت اهالی در شعبه هفت دادگاه سنندج باطل شد.

معترضان می‌گویند: بعد از ابطال سند، منابع طبیعی مجدد اعتراض کرد و فعالیت بر روی این زمین‌ها باز هم آغاز شد. آن‌ها با لودر گندمی که مردم کاشته بودند و روی این زمین‌ها سبز شده بود را با خاک یکسان کردند.

حاضران در تجمع از مسئولان مربوطه خواستار رسیدگی به این موضوع و متوقف کردن این پروژه شدند. آن‌ها می‌گویند: زمین‌های لم‌یزرع دیگری برای ساخت کارخانه وجود دارد. مکان کارخانه‌ی فولاد زاگرس بهترین موقعیت را دارد اما نمی‌دانیم چرا برای ساخت کارخانه، می‌خواهند زمین‌های کشاورزی را خراب کنند.

*- یک کارگر جوان در سعادت آباد تهران بر اثر سقوط درچاه و غرق شدن، جان باخت:

برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز پنج شنبه 25 آمده است:، کارگر میهمان 26 ساله تبعه افغانستان حین کار در یک پروژه ساختمانی که در مرحله گودبرداری بود و در گوشه‌ای از زمین گودبرداری شده چاهی به عمق متر حفر شده بود و داخل این چاه آب وجود داشت، به داخل این چاه سقوط کرده و غرق و خفه شد.

***- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه: عدم پرداخت مطالبات بازنشستگان و اقدام عوامل امنیتی با ارسال پیامک‌های تهدید آمیز در جهت سرکوب اعتراضات سراسری بازنشستگان :**

به گزارش کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد آمده است : با گسترش اعتراضات بازنشستگان، کارگران، معلمان و دیگر اقشار فرودست و سراسری شدن این اعتراضات، با توجه به اینکه دولت مردان برنامه و قصدی برای پرداخت مطالبات ندارند، بنابراین عوامل دولتی، حکومتی و امنیتی تمام قد با همه امکانات اقدام به سرکوب معترضین می‌کنند و این بار هم با ارسال پیامک در سطح انبوه از طریق تلفن همراه و فضای مجازی به کاربران گروه‌های تلگرامی، درصدد خاموش کردن این اعتراضات هستند.

متن ارسال پیامک تهدید آمیز عوامل امنیتی:

"هشدار:

جریانهای معاند و سرویس های جاسوسی قصد بهره برداری از تجمعات صنفی را دارد و در این راستا اقدام به بازنشر فراخوان های متعددی می نماید. بدین جهت اخطار می گردد از بازنشر فراخوان های آنها و شرکت در تجمعات به طور جد اجتناب فرمائید. بدیهی است در صورت مشاهده جنابعالی در تجمعات برخورد قانونی با شما صورت خواهد گرفت".

رفتار خشونت بار عوامل امنیتی در روزهای ۲۱ و ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ با بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل مجلس و بازنشستگان مخابرات در میدان آراژنتین نشانگر بی‌توجهی دولت در پرداخت مطالبات و استفاده همه جانبه از ابزار سرکوب می‌باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد با توجه به نزدیک شدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) که روز جهانی کارگر می‌باشد، را فرصتی برای ایستادگی متحدانه‌ی کارگران، معلمان، بازنشستگان، مزد بگیران و تمام فرودستان در مقابل ظلم و فساد و تبعیض در کشور می‌داند.

متحد شویم که چاره زحمت‌کشان اتحاد است و تشکیلات

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، پنجشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز مهدی صالحی قلعه شاه‌رخی، زندانی سیاسی محکوم به اعدام و از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۹۶، به دلیل آنچه خطای پزشکی در درمان عنوان شد، در زندان اصفهان جان باخت.

***- بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در محکومیت برخوردهای غیرفرهنگی و غیرانسانی با دانش آموزان:**

برپایه گزارش منتشره در تاریخ روز پنج شنبه 25 آبان، آمده است : کانون صنفی معلمان ایران (تهران) بیانیه ای بشرح زیر در محکومیت برخوردهای غیرفرهنگی و غیرانسانی با دانش آموزان، منتشر کرد:

پخش تصاویری از برخوردهای زشت و مشمئز کننده یکی از فرهنگیان با دانش آموزان یک مدرسه ، واکنش های گسترده ای را در شبکه های اجتماعی در محکومیت چنین رفتارهایی ایجاد کرده است.

معلمان هم به صورت گسترده در کنار سایر هموطنان به درستی نسبت به چنین اقدامات غیر فرهنگی واکنش نشان داده و محکوم کرده اند.

در همین راستا کانون صنفی معلمان ایران (تهران) لازم می داند نکاتی را خطاب به هموطنان عزیز و جامعه فرهنگیان متذکر شود:

یک، حفظ حقوق دانش آموزان به عنوان کودک در محیط آموزشی از اصول بنیادین حقوق بشر است که، بر اساس کنوانسیون حقوق کودک، هرگونه آسیب روانی، جسمی و شخصیتی مصداق مشخصی از نقض حقوق بشر محسوب می شود. لذا رعایت این حقوق بنیادین وظیفه ای همگانی است.

دو، مشکلات آموزشی و پرورشی در مدارس ایران بیش از هرچیز ناشی ساختار معیوب آموزشی و غیر مدرن حاکم بر آموزش و پرورش ایران است. این ساختار ایدئولوژیک همواره مورد نقد جدی تشکلهای صنفی فرهنگیان بوده است. ساختاری که در آن رعایت حقوق انسانی و شهروندی جایی ندارد و با فرصت طلبی، مسئولیت مشکلات پیش آمده این چنینی را بر عهده نمی گیرد. تا زمانیکه تحول بنیادینی در چنین ساختاری صورت نگیرد، همواره شاهد نقض حقوق بنیادین دانش آموزان و معلمان خواهیم بود.

سه، مسئولیت و رسالت معلمان به عنوان پرورش دهنده نسل های آینده این سرزمین ایجاب می کند که در رعایت حقوق دانش آموزان و آگاه سازی در این زمینه پیشتاز باشند. مراقبت از اعتبار جامعه دلسوز و زحمت کش فرهنگیان یکی از وظایف صنفی ماست و در این زمینه لازم است مراقبت بیشتری انجام دهیم. ارتباط هر چه بیشتر با اولیا دانش آموزان و درگیر کردن خانواده ها در مسائل تربیتی و انضباطی در مدارس می تواند به عنوان راه حلی برای جلوگیری از بروز چنین رفتارهای زشتی موثر باشد.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن محکومیت مجدد رفتارهای غیر فرهنگی با دانش آموزان و بویژه رفتار غیر انسانی اخیر، خواستار برخورد جدی با فرد خاطی شده و یادآوری می کند که مشکل اصلی بروز چنین حوادثی در ساختار معیوب آموزشی ایران است و بدون تحول در چنین ساختاری، متأسفانه در آینده همچنان شاهد تکرار موارد مشابه خواهیم بود.

***- یک کارگر 20 ساله در مهرشهر کرج بر اثر سقوط از ارتفاع، جان باخت:**

یک کارگر 20 ساله حین کار در ساختمانی نیمه کاره واقع در منطقه فاز 4 مهرشهرکرج بر اثر از طبقه سوم بشدت مجروح شد و در راه بیمارستان جان خود را از دست داد.

***- کارگران پروژه ای شاغل در پالایشگاه آدیش کنگان در اعتراض به عدم افزایش دستمزد، دست به اعتصاب زدند:**



به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ روز جمعه ۲۶ فروردین ۱۴۰۱ آمده است : کارگران پروژه ای شاغل در پالایشگاه آدیش کنگان در اعتراض به عدم افزایش دستمزد دست از کار کشیدند. حدود ۴۰۰ نفر از کارگران پروژه ای شاغل در پالایشگاه آدیش کنگان که در استخدام شرکت مبین صنعت و پیمانکاری ممبینی هستند، در اعتراض به عدم افزایش دستمزد برای سال جدید دست از کار کشیدند و به صورت جمعی تسویه حساب کردند .

کارگران پروژه ای شاغل در این شرکت روز گذشته خواستار افزایش ۵۷ درصدی دستمزدها شدند اما پیمانکار تنها حاضر به افزایش ۱۰ درصدی به دستمزد کارگران شد که حدود ۴۰۰ نفر

از این کارگران در اعتراض به عدم افزایش دستمزد مطابق خواسته‌شان دست از کار کشیده و تسویه حساب نمودند .

***- مرتضی صیدی و امیر عباسی از فعالین کارگری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند:**



امروز جمعه ۲۶ فروردین ۱۴۰۱ نیروهای لباس شخصی به منزل فعال کارگری مرتضی صیدی یورش بردند و ضمن تفتیش منزل و ضبط لوازم شخصی وی، او و امیر عباسی دیگر فعال کارگری را بازداشت نمودند.

مرتضی صیدی و امیر عباسی از فعالین کارگری ساکن تهران هستند و به کار ساختمانی مشغولند

***- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت گزارش می دهد :**

بنا بر اخبار منتشره حدود ۴۰۰ نفر از همکاران پروژه ساخت مخازن در پالایشگاه آدیش کنگان (پیمانکاری جمشید ممبینی ؛ شرکت مبین صنعت کوشای اسپانه) امروز جمعه ۲۶ فروردین در حرکتی اعتراضی کار را تعطیل و با پیمانکار پروژه تسویه حساب کرده اند. اعتراض این همکاران به عدم افزایش ۵۷ درصدی دستمزدها از سوی کارفرما بوده است. پیمانکار پروژه فقط حاضر به افزایش ۱۰ درصدی دستمزدها بوده که مورد موافقت کارگران قرار نگرفته است.

***- ادامه مبارزات کارگران شرکتی مخابرات اصفهان در اعتراض به خلف وعده شرکت شسکام و برای احقاق حقوق برحقشان، همچنان دنبال می گردد:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز جمعه 26 فروردین 1401، آمده است : کارگران شرکتی مخابرات اصفهان در اعتراض به خلف وعده شرکت شسکام و برای احقاق حقوق برحقشان از جمله اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، خبردادند.

کارگران معترض شرکت مخابرات اصفهان با اشاره به ثبت شکایتشان از شرکت شسکام تا آخر فرودین ماه، به خبرنگار رسانه ای گفتند: شرکت شسکام بر خلاف قولی که در حضور نماینده فرماندار و اداره کار داده بود از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل امتناع کرد و تنها ضریب ریالی اعمال گردید.

آنها افزودند: شرکت شسکام بر خلاف قولی که در حضور نماینده فرماندار و اداره کار داده بود، از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل امتناع کرد و تنها ضریب ریالی اعمال گردید .

کارگران حق طلب شرکت مخابرات اصفهان ادامه دادند: نه تنها طبقه بندی اجرایی نشد بلکه عنوان گروه‌ها که به اشتباه داده شده نیز تصحیح نگردید. به طور مثال نیروی ام دی آف که در گروه شغلی تکنسین تعمیرات (صفحه 50 از طبقه بندی شسکام) با مدرک فوق دیپلم و بر اساس تجربه کاری باید از گروه 10 تا 14 قرار می گرفت با عنوانی غلط و در گروه 6 ایفا گردیده است و در خصوص باقی مشاغل هم این اتفاق و بی عدالتی مشهود است. همچنین در طبقه بندی ضعیف شرکت شسکام عنوانی برای نیروهای زحمت کش سیم بانی و کابل و

حتی در گروه ADSL وجود ندارد و بصورت فرضی و بر اساس بودجه خودشان تعیین شده است .

آنها گفتند: با وجود این طرح ضعیفی که شرکت شسکام ارائه داده، ما به اجرای همین طبقه‌بندی هم راضی شدیم اما شرکت حاضر نشد طرح خود را نیز اجرایی کند .

آنها اضافه کردند: طبق قانون، شرکت زیرمجموعه باید در اجرای طرح طبقه‌بندی از شرکت مادر پیروی کند. یعنی طرح طبقه‌بندی شرکت مخابرات باید برای ما اجرایی شود اما شسکام طرح جداگانه‌ای برای خود نوشت و حتی همان طرح خود را نیز اجرایی نکرد .

***- پیام اختصاصی اسماعیل عبدی از زندان مرکزی کرج خطاب به همسرش منیره عبدی :**

کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ، از قول اسماعیل عبدی می نویسد :

مانند امیر ، گرم رویا هستم

چون ماندانا همیشه تنها هستم

دلتنگی من به لطف سلول تو نیست

ای زندانبان! فکر مبینا هستم

سلام منیره جان

روزگار سختت به خیر عزیز من

امسال هم تولدت را از زندان تبریک می‌گویم، و دست‌های نجیبیت را می‌بوسم.

بمان برای تک تک روزهایی که ندیدمت، برای بوی آشنای خانه‌مان، برای مبینا، ماندانا و امیرحسین که در هوای نبودنم قد کشیده‌اند و بر حضور کوهوار تو تکیه کرده‌اند.

اینجا، میان این‌همه دیوارهای مرئی و نامرئی، تنها وجود توست که مرا به زندگی پیوند می‌زند. تو سهم مرا از آسمان کوچک زندان وسعت می‌بخشی؛ تا دوام بیاورم.

بی شک آزادگی و امدار صورت اندوهگین توست، و ایستادگی شکل دست‌های تو را دارد .

منیره! دوام بیاور برای تلفن‌های بریده بریده‌ام از زندان، برای امید من که به روزگاری روشن کنار تو نفس بکشم و صورت فرزندانمان را ببوسم.

روزی به جهان بهار بر می‌گردد

آرامش بی‌شمار بر می‌گردد

خاموش نشو! رفیق من! ماه منیره!

خورشید به این مدار بر می‌گردد

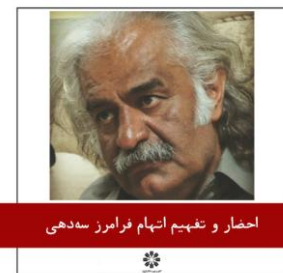
اسماعیل عبدی/ زندان مرکزی کرج/ ۲۵ فروردین ۱۴۰۱

***- کارکنان پست یزد برای اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق ، اعتصاب نمودند:**

برپایه خبرمنتشره در تاریخ روز جمعه 26 فروردین 1401، آمده است : از آغاز سال جدید تا به امروز چند روز کارکنان پست یزد برای اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوقشان دست به اعتصاب زدند و از توزیع نامه ها وبسته های پستی خودداری کردند.

برپایه گزارش 26 فروردین یک منبع خبری محلی، از ابتدای سال تا کنون چندین روز پست چی ها که در سرما و گرما و کرونا در کنار مردم بودند به دلیل عدم پرداخت معوقات به حق خود اعتصاب کردندند و مرسولات و نامه های مردم با تاخیر به دستشان رسیده است، که ریشه این موضوع در اولویت قرار ندادن پرداخت معوقات این قشر زحمت کش و پرداخت به پیمانکاران دیگر و برخورد های نامناسب از مهمترین دلایل این اعتراضات بوده است.

***- احضار و تفهیم اتهام فرامرز سهدهی :**

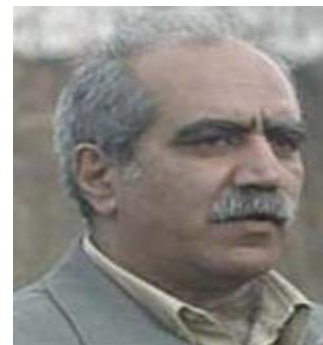


به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران آمده است : فرامرز سهدهی، شاعر و عضو کانون نویسندگان ایران، روز دوشنبه ۲۲ فروردین، در پی ابلاغ قبلی به شعبه ۱۳ دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اهواز احضار و تفهیم اتهام شد.

در این جلسه فرامرز سهدهی از بابت اتهام «فعالیت تبلیغی به نفع گروه ها و یا سازمان های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران» با حضور وکیل مدافعش، مورد بازجویی قرار گرفت و تفهیم اتهام شد. این شاعر ساکن بهبهان پس از دفاع و رد اتهام انتسابی با تودیع قرار کفالت ۱۰۰ میلیون تومانی به صورت موقت آزاد شد.

در پی موج تازه ی احضارها و پرونده سازی ها در ماه های اخیر، فشار بر اعضای کانون نویسندگان ایران نیز همچون گذشته ادامه یافته است. این احضار در حالی صورت گرفته است که هم اکنون چهار عضو کانون نویسندگان ایران، رضا خندان (مهابادی)، آرش گنجی، هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی در زندان به سر می برند.

***- ممانعت بهداری زندان کچویی از فرستادن علی رضا ثقفی به بیمارستان :**



به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ روز ۲۶ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در سه روز گذشته در چندین نوبت فشار خون علیرضا ثقفی تا حد ۲۲ درجه بوده است که بهداری زندان کچویی در حد بسیار محدودی با ایشان رفتار می کند و با دادن چند قرص معمولی ایشان را به بند زندان می فرستند. حتی رئیس زندان شخصا خودش در دیدار با علیرضا ثقفی تایید می

کند که ایشان وضعیت جسمی اش بسیار وخیم است و نیاز دارد که به بیمارستان فرستاده شود.

بهداری های زندان های ایران از زمان شجاع الدین شیخ الاسلامزاده تا به امروز بطور مستقیم خود عاملی هستند برای اذیت و آزار که به شکنجه های سیاه معروف هستند و با جلوگیری از فرستادن زندانی به بیمارستان و ندادن داروی زندانیان در از بین بردن فعالین سیاسی، کارگری، اجتماعی و مدنی در تمامی دوران های این حاکمیت در کنار بازجویان و شرایط بد زندان نقش ضد انسانی خود را به نمایش گذاشته اند که نمونه های آن بسیار فراوان هستند از زنده یادان زهرا کاظمی، هدا صابر، ستار بهشتی، شاهرخ زمانی تا آبتین بکتاش و اخیرا مهدی صالحی در اصفهان می توان نام برد.

علیرضا ثقفی دبیر کانون مدافعان حقوق کارگر فردی شناخته شده در مبارزات کارگری جهانی از امریکای لاتین، آفریقا تا آسیا یکی از دلایل زندانی بودن اش بخاطر شرکت در نشست سالانه ۱۳۸۷ سازمان جهانی به نمایندگی از طرف کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری است و ایشان در شرایط ضد انسانی در زندان بسر برد و زندانی بودن ایشان بخاطر دفاع و مبارزه برای طبقه کارگر ایران و جهان است و در چند هفته گذشته بسیاری از نهادها و کنفدراسیون های کارگری جهانی از جمله کانون نویسندگان ایران، کانون صنفی معلمان ایران (تهران) کنفدراسیون های کارگری ترکیه، فرانسه، کنفدراسیون مواد غذایی، کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری مورد حمایت قرار گرفته .

کانون مدافعان حقوق کارگر اعلام می کند که بهداری زندان کچویی کرج مسئول هر اتفاقی است که برای علیرضا ثقفی بیافتد و تمامی ارکان نظام باید جوابگو باشند و در نشست امسال سازمان جهانی کار جنبش صنفی جهانی کارگران با همفکری با هم بار دیگر به نقش ضد کارگری حکومت می پردازند و شرایط ضدکارگری حکومت ایران را رسواتر خواهند کرد .

***- جان باختن کارگر شهرداری منطقه 4 اصفهان حین کار بر اثر تصادف:**

صبح روز جمعه 26 فروردین، یک کارگر شهرداری منطقه 4 اصفهان (شرکت خدماتی سبز صفا تمیز) حین کار در خروجی خیابان هشت بهشت در محدوده بزرگراه صیاد شیرازی بر اثر برخورد یک خود رو با وی و پرتاب شدن به میزان 9 متر به جلودر دم جان خود را از دست داد.

***- نیروهای شرکتی مخابرات اصفهان: به طرح طبقه بندی ناقص شسکام راضی شدیم اما همان را هم اجرا نکردند:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1218503>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 26 فروردین 1401 آمده است : نیروهای شرکتی مخابرات اصفهان در تماس با خبرنگار ایلنا، از ثبت شکایت خود از شرکت شسکام تا آخر فرودین ماه خبر دادند. این نیروها می گویند: شرکت شسکام بر خلاف قولی که در حضور نماینده فرماندار و اداره کار داده بود، از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل امتناع کرد و تنها ضریب ریالی اعمال گردید .

به گفته‌ی این نیروها، نه تنها طبقه‌بندی اجرایی نشد بلکه عنوان گروه‌ها که به اشتباه داده شده نیز تصحیح نگردید. به طور مثال نیروی‌ام دی آف که در گروه شغلی تکنسین تعمیرات (صفحه ۵۰ از طبقه‌بندی شسکام) با مدرک فوق دیپلم و بر اساس تجربه کاری باید از گروه ۱۰ تا ۱۴ قرار می‌گرفت با عنوانی غلط و در گروه ۶ ابقا گردیده است و در خصوص باقی مشاغل هم این اتفاق و بی‌عدالتی مشهود است. همچنین در طبقه‌بندی ضعیف شرکت شسکام عنوانی برای نیروهای زحمت کش سیم بانی و کابل و حتی در گروه ADSL وجود ندارد و بصورت فرضی و بر اساس بودجه خودشان تعیین شده است .

نیروهای شرکتی مخابرات می‌گویند با وجود این طرح ضعیفی که شرکت شسکام ارائه داده، ما به اجرای همین طبقه‌بندی هم راضی شدیم اما شرکت حاضر نشد طرح خود را نیز اجرایی کند. به گفته‌ی این نیروها طبق قانون، شرکت زیرمجموعه باید در اجرای طرح طبقه‌بندی از شرکت مادر پیروی کند. یعنی طرح طبقه‌بندی شرکت مخابرات باید برای ما اجرایی شود اما شسکام طرح جداگانه‌ای برای خود نوشت و حتی همان طرح خود را نیز اجرایی نکرد .

گفتنی است؛ اثر انگشت تعدادی از نیروهای شرکتی مخابرات اصفهان پیشتر به دلیل ثبت شکایت از شرکت شسکام حذف شده بود اما این نیروها در اسفندماه به کار خود برگشتند. در حال حاضر این نیروها به وضعیت خود و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل معترض هستند و می‌گویند بازگشت به کار ما چیزی را تغییر نداده و شرکت همچنان از اجرای طرح طبقه‌بندی امتناع می‌کند.

***- فراخوان کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران برای تجمع در دفاع از امنیت شغلی و میثقی بازکردن کارت 30 همکار مقابل استانداری:**

زمان: شنبه 27 فروردین - ساعت 9

مکان: مقابل درب استانداری خوزستان

خواسته ها:

- تعیین تکلیف شرکت، استمرار در ورود مواد اولیه ، ترمیم خطوط

- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل

- باز کردن کارت 30 نفر از پرسنل

بخش پایانی فراخوان:

حالا که گوش شنوایی نیست که فریاد ما را بشنود و یاریگری نیست که یاریگر کارگر باشد فردا شنبه مورخ 27 فروردین ماه درب استانداری خوزستان تجمع کرده و خواسته هایمان را فریاد خواهیم زد.

تا زمانی که نتیجه ای ملموس دستگیرمان نشود ، درب استانداری خوزستان سکنی گزیده و اگر نیاز باشد درب مجلس شورای اسلامی و دفتر ریاست جمهوری نیز بست خواهیم نشست.

وعده ما فردا شنبه راس ساعت 9 صبح درب استانداری

***- جانباز بازنشسته هوایمایی جمهوری اسلامی ایران: پرداخت نشدن بیش از ۷ ماه از مطالبات بازنشستگان هما/ دستورالعمل انتقال صندوق بازنشستگی ابطال**

شود:

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1218513>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 26 فروردین 1401 آمده است: محمدحسین غفوریان (از جانبازان بازنشسته‌ی هواپیمایی جمهوری اسلامی هما) به خبرنگار ایلنا، گفت: «متأسفانه سرپرستی که برای شرکت هما انتخاب نموده‌اند، اعتنایی به مشکلات ایثارگران و بازنشستگان و حتی بعضاً شاغلان نداشته و مطالبات و معوقات ما بازنشستگان و ایثارگران پرداخت نمی‌شود. همچنین سرپرست شرکت هواپیمایی هما آقای «محمد محمدی بخش» به مدت ۷ ماه هست که بصورت سرپرست توسط وزیر راه در هما حضور دارند که با توجه به مسئولیت ایشان در هواپیمایی کشوری، طبیعتاً وقت کافی برای اداره هما را ندارند.

وی افزود: «ضمناً ایشان مانند مدیرعامل قبلی، اعتنایی به ما نداشته و حتی حاضر نشده‌اند، با مدیرعامل کانون بازنشستگی هما که بطور قانونی و رسمی نماینده بازنشستگان هما است، جلساتی برای رفع مشکلات داشته باشد که جای بسی تأسف است. در حال حاضر بیش از ۷ ماه هست که برخی از مطالبات بازنشستگان شرکت هما مانند حق عائله مندی و اولاد، حق رفاهی، همسان‌سازی حقوق ایثارگران و اعطای طبقه شغلی به بازنشستگان قبل از سال ۹۶ که بر اساس مصوبات و بخشنامه‌های دولت باید به بازنشستگان تعلق گیرد، پرداخت نشده‌اند. متأسفانه اجرای آن‌ها در هاله‌ای از ابهام است که باعث نگرانی و نارضایتی ایثارگران و بازنشستگان شده است.»

این بازنشسته‌ی هما با اشاره به انتظارات بازنشستگان و ایثارگران از وزارت راه و شهرسازی و سرپرست موقت هما، گفت: «از سرپرست جدید و موقت هما انتظار داشتیم که این موارد را پیگیری کنند که متأسفانه هنوز اعتنایی به مطالبات ما ندارد.»

غفوریان با اشاره به تصویب ادغام موسسه صندوق بازنشستگی هما در صندوق بازنشستگی کشوری در بودجه ۱۴۰۱، گفت: «باتوجه به عدم رضایت اعضای صندوق بازنشستگی هما از این انتقال و اعلام آن به شورای محترم نگهبان به همراه فتاوی حضرت امام (ره) و مراجع تقلید در خصوص جلب رضایت کامل بازنشستگان هما برای انتقال صندوق بازنشستگی هما، شورای نگهبان، بند مربوط به این انتقال را به منظور اصلاح برای رعایت حقوق شرعی و قانونی اعضای هر دو صندوق به مجلس برگشت دادند که مجلس شورای اسلامی نیز با اضافه نمودن جمله «**با حفظ حقوق شرعی و قانونی هر دو صندوق**» دوباره آن را به شورای نگهبان ارسال کرد.

وی افزود: «بدیهی است با توجه به اینکه اعضای صندوق هما با انتقال صندوق بازنشستگی هما به صندوق بازنشستگی کشوری موافق نیستند، این حق را برای خود محفوظ می‌دانند که بر اساس فتاوی حضرت امام و مراجع عظام تقلید و نیز تاکید شورای نگهبان برای رعایت حقوق شرعی و قانونی اعضای هر دو صندوق با انتقال این صندوق مخالفت نمایند و از طریق مراجع قضایی صالحه خواستار ابطال دستورالعمل انتقال صندوق شوند.»

غفوریان با اشاره به وجود بیش از ۱۰۰ پرونده شکایت در دیوان عدالت اداری در خصوص واگذاری صندوق بازنشستگی هما، بررسی شیوه مدیریت اموال و حسابرسی‌ها، که در حال بررسی هستند، گفت: «از ریاست محترم قوه قضاییه درخواست رسیدگی به مشکل و اعتراض ۱۱ هزار بازنشسته و خانواده آنان را نیز داریم. باید دانست که به علت عدم اجرای قانون، در حال حاضر تنها امیدمان به قوه قضاییه است؛ ضمن اینکه مدیرعامل کانون بازنشستگان هما از طریق دفتر مقام معظم رهبری هم پیگیر هستند. همچنین از رییس

جمهور محترم مجددا درخواست و تقاضای توجه و رسیدگی به مشکلات و عدم انتقال صندوق بازنشستگی هما را نیز داریم.»

***- جاری شدن دوباره آب زاینده رود برای 10 روزدنبال از سرگیری تجمعات اعتراضی کشاورزان اصفهان نسبت به عدم تخصیص حق آبه :**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1218503>

برپایه گزارش منتشره آمده است : دنبال از سرگیری تجمعات اعتراضی کشاورزان اصفهان نسبت به عدم تخصیص حق آبه درسال جاری،حدود 45 میلیون مترمکعب آب زایندهرود به مدت 10روز تا 5 اردیبهشت ماه جاری خواهد شد.

بنابه گزارش فوق ،خروجی سد زایندهرود برای نوبت سوم کشت شرق اصفهان از بامداد 26 فروردین ماه افزایش یافته است.براین اساس دنبال حق طلایی کشاورزان اصفهان با از سرگیری برپایی تجمعات اعتراضی نسبت به عدم تخصیص حق آبه پس از تعطلات سال نو، آب در رودخانه زاینده رود دومین بار در فروردین ماه امسال جاری شد تا در دوره ای 10 روزه 45 میلیون مترمکعب آب برای آبیاری نوبت سوم مزارع شرق و باغ های غرب اصفهان تخصیص پیدا کند.

***- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران پیرامون ادامه اعتراضات صنفی:**

همکاران عزیز، معلمان شاغل و بازنشسته!

دروود بر شما

سال گذشته ، سال خیزش و اعتلای جنبش معلمان برای تحقق مطالباتی بود که یک دهه از عمر آنها می گذرد.

مطالباتی که جزو حقوق اولیه معلمان است، اما توسط حاکمیت در دولت های مختلف به گروگان گرفته شده است .

در همین راستا در سال ۱۴۰۰ شورای هماهنگی با حمایت معلمان مطالبه گر و معترض توانست یازده تجمع سراسری را سازمان دهی و رهبری نماید و مطالبات فرهنگیان بازنشسته و شاغل را در کنار حق آموزش رایگان به گوش جهانیان برساند.

امروز هیچ فردی از حاکمان نمی تواند مدعی شود که از خواسته ی معلمان بی خبر است و ما در سال گذشته با تمام مسئولان اتمام حجت نمودیم.

فرهنگیان شریف ، همانطور که خود بهتر می دانید، شورا ظرفی تشکیلاتی است که به ما قدرت سازمان دهی و فراخوان می دهد، پس ضروری است هم شورا و هم تشکلهای عضو شورا ، در راستای انسجام ارکان خودبیشتر تلاش نمایند.

در همین راستا پس از تجمع باشکوه اسفندماه، شورای هماهنگی بنا بر اساسنامه و ضرورت بازسازی تشکیلاتی، برای برگزاری مجمع عمومی عادی و فوق العاده تلاش نمود ولی متأسفانه نهادهای حاکمیتی و امنیتی مانع برگزاری مجامع شورا شدند .

در چنین شرایطی ضرورت دیدیم که فعلاً از برگزاری مجمع چشم پوشی نموده و بر پیگیری مطالبات متمرکز شویم، و با توجه به پیش رو بودن هفته معلم و ضرورت ادامه کنشگری، با رأی قاطع اعضای شورا و خواست معلمان، ادامه اعتراضات در دستور کار شورای هماهنگی قرارگرفت و برگزاری مجمع به فرصتی مناسب موکول شد .

مروری بر اعتراضات در سال گذشته نشان می‌دهد که بازنشستگان عزیز چگونه در شرایط کرونایی پای مطالبات ایستادند، اما نه تنها همسان‌سازی اجرا نشد بلکه با رشد نرخ تورم این عزیزان بیش از گذشته به زیرخط فقر رانده شدند و امروز زندگی با این سطح از درآمد عملاً برایشان غیرممکن شده است .

در مورد معلمان شاغل هم دیدیم که چگونه رتبه‌بندی را سلاخی کردند و با آیین‌نامه ناکارآمد عملاً در پی آن هستند که اقلیتی از افزایش حقوق اندک برخوردار شوند.

این شکل از رتبه‌بندی هرگز مورد قبول فرهنگیان نبوده است.

اما بی‌توجهی حاکمیت به این مطالبات محدود نمی‌گردد و این روزها شاهد آن هستیم که تیمی مافیایی صندوق ذخیره فرهنگیان را هدف قرار داده‌اند، همان‌هایی که در ادامه سیاست‌های پولی سازی و خصوصی‌سازی آموزش دولت قبل به دنبال سلب حق آموزش رایگان و باکیفیت هستند و حتی در مناطق محروم تحت عناوین مختلف از والدین پول می‌گیرند .

در کنار این مطالبات ما مدام بر آزادی معلمان زندانی و توقف احضار فعالان صنفی و لغو احکام زندان معلمان تاکید نمودیم اما از اسفندماه تاکنون نه تنها معلمان زندانی آزاد نشدند بلکه ده ها معلم احضار و دادگاهی شدند و همچنان این خط سرکوب و ارباب ادامه دارد .

مجموع این شرایط باعث شده است که امروز اعلام کنیم:

۱. هیچ‌یک از مطالبات سال گذشته فرهنگیان تحقق نیافته است .

فرهنگیان خواهان اجرای کامل قانون مدیریت خدمات کشوری بوده و بعد از اجرای این قانون و اعمال رتبه‌بندی و همسان‌سازی واقعی باید حقوق هر معلم بازنشسته و شاغل به‌ویژه معلمان تازه استخدام و معلمان غیررسمی به بالای خط فقر برسد.

پاداش پایان خدمت بازنشستگان 1400 و معوقات حق التدریس پرداخت شود ، همچنین معلمان استخدام موقت بطور رسمی پذیرفته شوند.

۲. حق برخورداری از آموزش رایگان و باکیفیت به‌خصوص در مناطق محروم یک حق انسانی و همگانی است و در اصل ۳۰ قانون اساسی به‌صراحت بر آن تاکید شده است.

ما همچنان این حق را به‌عنوان یک مطالبه ی جدی پیگیری می‌کنیم و از والدین محترم و دانش آموزان می‌خواهیم در این مسیر شورا را همراهی کنند و از پرداخت هر نوع وجهی به مدارس دولتی خودداری نمایند .

هیچ مدیری حق ندارد از دانش‌آموزی تحت هر عنوانی پول دریافت نماید.

۳. تمام دارایی و املاک وزارتخانه جزئی از مالکیت عمومی است و وزارتخانه حق ندارد تحت عناوینی مانند واگذاری به بخش خصوصی به آنان دست‌درازی نموده و به‌صورت رانتی در اختیار مافیا قرار دهد .

فرهنگیان با هرگونه تغییر مالکیت صندوق ذخیره فرهنگیان مخالف بوده و کلیه دارایی صندوق و زیرمجموعه‌های آن متعلق به فرهنگیان است که در روز اول در این صندوق سرمایه‌گذاری نموده‌اند.

۴. معلمان زندانی نماد و سمبل جنبش معلمان هستند ، ما برای آزادی آنان از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنیم، آنان باید بدون فوت وقت آزاد شوند.

احضار ، پرونده‌سازی ، بازداشت و تهدید معلمان متوقف‌شده و احکام ظالمانه علیه فعالان صنفی لغو شود.

5. مهم‌ترین عامل موفقیت معلمان، داشتن تشکل‌های مستقل از حاکمیت است.

ما بر حق برخورداری از تشکل مستقل و قدرتمند تاکید داریم و حاکمیت نمی‌تواند این حق قانونی و صنفی را از ما سلب نماید .

ما از همه معلمان در هر شهرستان و استان که تشکل ندارند خواهشمندیم، که کانون‌ها یا انجمن‌های صنفی مستقل تشکیل داده و به شورای هماهنگی بپیوندند.

فرهنگیان شریف!

با توجه به موارد فوق شورای هماهنگی قصد دارد به خاطر عدم تحقق مطالبات و بی‌توجهی حاکمیت، به اعتراضات خود به صورت مداوم تا رسیدن به هدف ادامه دهد .

درهمین راستا شورای هماهنگی به تمام فرهنگیان شاغل و بازنشسته در ایران فراخوان می‌دهد که درتجمع روز پنجشنبه، اول اردیبهشت ۱۴۰۱ ساعت ۱۰ ، قدرتمندانه و متحد شرکت نمایند.

مکان تجمع

مراکز استان‌ها: اداره کل آموزش و پرورش

شهرستان‌ها: اداره آموزش و پرورش

تهران: جلوی وزارت آ.پ (خ سپهد قرنی)

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

۲۶ فروردین ۱۴۰۱

***- تداوم تجمع کشاورزان اصفهان برای باز کردن آب :**

امروز شنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، کشاورزان اصفهان برای باز کردن آب در کنار کانالها تجمع کردند.

لازم به ذکر است که هنوز سازمان آب اجازه باز کردن آب را به کشاورزان نمی‌دهد.

***- کارگران پروژه ای نسبت به عدم افزایش حقوق با اعتصاب کارگران شرکت پتروصنعت اروند سایت 1 پتروشیمی بوشهر، به ادامه اعتراض خود پرداختند:**



بر پایه گزارش منتشره در تاریخ روز شنبه 27 فروردین، آمده است: کارگران شرکت پتروصنعت اروند سایت 1 پتروشیمی بوشهر با انتشار گزارشی در شبکه های اجتماعی بشرح زیر با اعتراض به افزایش دستمزد، خیردادند:

ما حدوده 70 نفر هستیم و سایت 1 پتروشیمی بوشهر برای شرکت پتروصنعت اروند کار میکنیم بعد از حدوده یک ماه که از سال جدید میگذره امروز وایسادیم که تکلیف حقوق جدید مشخص بشه ولی طبق معمول سرپرست کارگاه دنبال بهانه بود، ماهم همگی ترک کار کردیم و اومدیم خوابگاه .

از دوستان و همکارانی که توی منطقه ی عسلویه و کنگان و سایت 1 پتروشیمی بوشهر و برای شرکتهای کیان نصب و سازه پاد و جهانپارس و استیم کار میکنن تقاضا میکنیم با دیگر دوستان همکاری کنن که هرچه زودتر تکلیف حقوق جدیدمون معلوم بشه .

چون همگی ادعا دارن که هنوز هیچ شرکتی اعلام حقوق نکرده ، پس بهتره با هماهنگی بودمون این بهانه ی بچگانه رو ازشون بگیریم و مجبور بشن هرچه سریعتر قرارداد جدید با افزایش حقوق جدید رو اعمال کنن.

***- به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت آمده است:**

بنا بر اخبار منتشره حدود 400 نفر از همکاران پروژه ساخت مخازن در پالایشگاه آدیش کنگان (پیمانکاری جمشید ممبینی ؛ شرکت مبین صنعت کوشای اسپانه) امروز جمعه 26 فروردین در حرکتی اعتراضی کار را تعطیل و با پیمانکار پروژه تسویه حساب کرده اند. اعتراض این همکاران به عدم افزایش 57 درصدی دستمزدها از سوی کارفرما بوده است.

پیمانکار پروژه فقط حاضر به افزایش 10 درصدی دستمزدها بوده که مورد موافقت کارگران قرار نگرفته است.

***- اعلام مهار تورم از ادعا تا واقعیت:**

ابراهیم رئیسی گفته: دولت ظرف هشت ماه توانسته جلوی سیل تورمی گذشته را بگیرد!

این ادعا در حالی مطرح شده که در این مدت

برنج 28 تومن بود شده 100 تومن

گوشت 140 بود شده 200 تومن

پراید 115 بود شده 200 تومن

دلار 24 بود شده 28 تومن

مسکن حدود 20٪ افزایش پیدا کرد

اجارهها تا 80٪ رشد داشته

اقلام خوراکی متوسط 50 تا 100٪ رشد داشته.

بنابراین تورم چطور کنترل شده؟!

***- نیروهای اورژانس اجتماعی مطرح کردند؛ تا زمانی که با پیمانکاران کار می‌کنیم هیچ امیدی به بهبود اوضاع نداریم:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1218530>



به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 27 فروردین 1401 آمده است: نیروهای شرکتی اورژانس اجتماعی در تماس با خبرنگار ایلنا، از احتمال تکرار اتفاقات سال گذشته و تاخیر در پرداخت حقوق خود ابراز نگرانی کردند.

آن‌ها می‌گویند: هر سال نزدیک خردادماه برای تعیین شرکت پیمانکار، مناقصه برگزار می‌شود و این جریان برگزاری مناقصه باعث می‌شود پرداخت حقوق‌ها چند ماه به تعویق بیفتد.

به گفته‌ی این نیروها؛ سال گذشته نیروها بعد از گرفتن حقوق فرودین ماه، دو ماه حقوق نگرفتند و بعد نزدیک تیرماه با آن‌ها تسویه حساب شد.

نیروهای شرکتی اورژانس اجتماعی می‌گویند: ما نگرانیم که مثل پارسال حقوق‌ها باز با تعویق پرداخت شود به همین دلیل از مسئولین بهزیستی می‌خواهیم حواسشان به نیروهای شرکتی اورژانس اجتماعی باشد.

این نیروها همچنین با انتقاد از اینکه هرکس با هر سابقه و تحصیلاتی به عنوان نیروی شرکتی اورژانس اجتماعی استخدام می‌شود، حداقل حقوق را می‌گیرد، گفت: گرفتن حداقل حقوق برای کسانی که سال‌ها تجربه‌ی کار و مدرک فوق لیسانس و دکتری دارند آن هم برای انجام کاری مثل مددکاری اورژانس اجتماعی ناعادلانه است.

نیروهای شرکتی اورژانس اجتماعی می‌گویند: چرا باید اضافه کار، حق شیفت و سختی کار نداشته باشیم؟

این نیروها می‌گویند: مدت‌ها منتظر به نتیجه رسیدن طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت بودیم که ظاهراً سرنوشت این طرح هنوز مشخص نیست. شاید اگر این طرح تصویب شود و تبدیل وضعیت شویم وضعیت دریافتی‌هایمان تغییر کند.

آن‌ها می‌گویند: تا زمانی که با پیمانکاران کار می‌کنیم هیچ امیدی به بهبود اوضاع نداریم.

***- درخواست کارگران آبفای اهواز برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1219167>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 27 فروردین 1401 آمده است: منابع کارگری در آبفای اهواز گفتند: کارگران شاغل در آبفای اهواز علاوه بر دریافت نکردن چندین ماه حقوق، خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل خود هستند. این کارگران در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان آبفای

اهواز به پرداخت مطالباتشان، روز چهارشنبه ۲۴ فروردین ماه، مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به اعتراض صنفی زدند.

او گفت: ما در انتظار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل هستیم؛ قول داده بودند به زودی با اجرای این طرح حقوق و دستمزد ما افزایش می‌یابد اما هنوز هیچ خبری از تدوین طرح و ابلاغ آن نیست؛ ما کارگران آیفای اهواز، همگی با سابقه و متخصص هستیم و انتظار داریم حقوق ماهانه‌مان با احتساب این سابقه و تخصص، تعیین و پرداخت شود.

این کارگر به نیابت از همکاران خود گفت: عدم اجرای طرح طبقه‌بندی در این منطقه در حالیست که به کلیه وزرا و مسئولان، تاکید ویژه‌ای بر رسیدگی به معیشت کارگران شده است اما مشخص نیست چرا وعده‌های داده شده در این خصوص به کارگران آب و فاضلاب اهواز که در بخش‌های مختلف فعالیت دارند همچنان محقق نشده و بر زمین مانده است!

به گفته وی؛ هر یک از کارگران تا سه ماه حقوق و چهار ماه حق بیمه طلبکارند، در عین حال عیدی ما کارگران هم هنوز پرداخت نشده است. همچنین ۳۰ ماه و برخی تا ۴۸ ماه حق سنوات دریافت نکرده‌اند.

او گفت: مسئولین آب و فاضلاب پاسخگوی خواسته‌های کارگران نیستند بنابراین پایان هفته گذشته تصمیم گرفتیم با تجمع مقابل ساختمان استانداری، صدای خود را به گوش مسئولان استانداری برسانیم.

***- ادامه اعتراضات کارگران شهرداری ایرانشهر نسبت به عدم پرداخت 5 ماه حقوق 13، سال عیدی و ماه‌ها حق بیمه زیرسایه سکوت مصلحتی مسئولان:**

برپایه خبر منتشره روز شنبه 27 فروردین، آمده است: کارگران شهرداری ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان برای باری دیگر اعتراضشان را نسبت به عدم پرداخت 5 ماه حقوق، 13 سال عیدی و ماه‌ها حق بیمه زیرسایه سکوت مصلحتی مسئولان ابراز کردند.

تعدادی از کارگران شهرداری ایرانشهر در گفتگو با خبرنگار رسانه ای ضمن بیان مشکلاتی که در نتیجه عدم دریافت 5 ماه حقوق بر آن‌ها تحمیل شده است، خواستار رسیدگی بازرسان اداره کار به وضعیت مطالبات معوقه خود شدند.

یکی از کارگران با انتقاد از بی‌توجهی مسئولان استانی در واکنش به اخباری که در شش ماه گذشته در مورد شرایط سخت زندگی کارگران شهرداری ایرانشهر در نتیجه عدم دریافت چندین ماه حقوق منتشر شده است، گفت: از بازرسی وزارت کار می‌خواهیم با ورود به شهرداری ایرانشهر به روند پرداخت حقوق کارگران شاغل در آن رسیدگی کند.

وی ادامه داد: 5 ماه حقوق (با احتساب فروردین ماه سال جاری) و 13 سال عیدی از شهرداری طلبکاریم که فقط شهرداری قبل از سال نو حدود یک میلیون تومان به حساب حدود 650 کارگر به صورت علی‌الحساب پرداخت شده و هیچ خبری از پرداخت 4 ماه حقوق سال گذشته و عیدی و پاداش، علیرغم اینکه کمتر از سه روز تا پایان فروردین ماه سال 1401 داریم؛ نیست.

او گفت: شرایط زندگی کارگران شهرداری ایرانشهر به دلیل عدم پرداخت حقوق، عیدی و بیمه خوب نیست و از این بابت جا دارد وزارت کار؛ بازرسان خود را روانه شهرداری ایرانشهر کند.

این کارگر با بیان اینکه باید مشخص شود تا چه زمانی معوقات مزدی کارگران پرداخت می‌شود، گفت: 13 سال است، شهرداری ایرانشهر به ما کارگران عیدی نمی‌دهد و آغاز سال جاری را همانند سالهای گذشته بدون عیدی و حقوق سپری کردیم. در حال حاضر هم که ماه مبارک رمضان است، سفره‌هایمان خالی‌تر از همیشه است.

طبق اظهارات یکی دیگر از کارگران؛ همه کارگران این مجموعه در فصل گرما و سرما برای رفاه مردم و زیباسازی فضای شهر بدون هیچگونه تعطیلی و ایجاد وقفه در کارمان هر روز از صبح تا عصر تلاش می‌کنند بدون اینکه زحمتشان به چشم بیاید و همیشه دغدغه قرارداد، حقوق، عیدی و امنیت شغلی دارند. حال سوال این است که چرا قانون برای ما کارگران شهرداری ایران شهر رعایت نمی‌شود؟ تکلیف ما کارگران چه زمانی مشخص خواهد شد؟

***- کارزار درخواست حمایت و پرداخت معوقات مزدی کارگران سیمان آباد :
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1218858>**



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 27 فروردین آمده است : متن [کارزار](#) کارگران سیمان آباد به این شرح است:
جناب آقای رئیسی

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

جناب آقای قالیباف

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

جناب آقای عبدالملکی

وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی

جناب آقای فاطمی امین

وزیر محترم صنعت، معدن و تجارت

با سلام

ما امضاکنندگان این کارزار، کارکنان کارخانه سیمان آباد درخواست رسیدگی به حقوق معوق خود و الزام به پرداخت آن را از سوی مسئولان کارخانه هستیم.

دستمزد کارگران این کارخانه باید هر چه زودتر پرداخت شود و درخواست ما پیگیری این مهم از سوی مسئولان امر است.

***- اخراج تعدادی از کارگران شرکت دخانیات ایران و جذب 300 نفر از توصیه‌شدگان:**

برپایه گزارش منتشره بتاريخ 27 فروردین، آمده است: بدنبال جذب 300 نفر از توصیه‌شدگان در شرکت دخانیات ایران ده‌ها نفر از کارگران با سابقه اخراج شدند. قرارداد تعدادی از کارگران شرکت دخانیات ایران برای سال جدید تمدید نشده است و از بعد از تعطیلات نوروز اجازه‌ی ورود به شرکت را پیدا نکردند.

***- کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران: همراهی جمعی از همکاران و اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان مریوان با صلاح آزادی :**

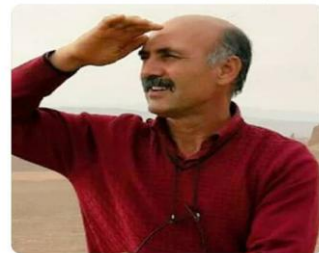
برپایه خبر منتشره روز شنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: ساعت ده صبح آقای صلاح آزادی (معلم) با همراهی عده‌ای از همکاران و اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان مریوان در

بازپرسی شعبه یک دادگاه انقلاب شهرستان مریوان برای دفاع از اتهامهای انتسابی حضور و در پایان بازپرسی با قید کفالت تا برگزاری دادگاه آزاد شدند.

سپاس از تمام دوستان و کنشگرانی که آقای آزادی را همراهی کردند.

***- محکومیت رسول بدایقی به 5 سال حبس و دو سال تبعید به استانهای غیرهمجوار تهران و ممنوع الخروجی از ایران، دردادگاه بدوی :**

رامین صفرنیا، وکیل دادگستری. ۲۳۰ ت
امروز حکم موکلم #رسول_بدایقی ابلاغ شد. آقای بدایقی بابت اتهام اجتماع و تبانی به مدت چهار سال حبس و فعالیت های تبلیغی به یک سال حبس، همچنین منع خروج از کشور و منع اقامت در تهران و تمام استان های هم جوار به مدت دو سال محکوم شد. اشد، قابلیت اجرا دارد. در فرصت آتی تجدیدنظرخواهی خواهیم کرد



رامین صفر نیا وکیل رسول بدایقی در توییتی اعلام کرد که موکلش رسول بدایقی بابت اجتماع و تبانی به چهار سال حبس و به اتهام فعالیت تبلیغی به یک سال حبس محکوم شده است. آقای بدایقی همچنین به منع خروج از کشور و منع اقامت در تهران و تمام استان هم جوار به مدت دو سال محکوم شده است. این حکم بدوی است و قابلیت اعتراض در دادگاه تجدید نظر دارد.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم کردن این حکم غیر عادلانه و حمایت همه جانبه از رسول بدایقی چهره شناخته شده و هزینه داده و فداکار جنبش معلمان ایران اعلام می کند که معلمان مطالبه گر در تجمع ۱ اردیبهشت در سراسر کشور با اعلام حمایت قاطع خود از رسول بدایقی بر ناحق بودن این حکم تاکید خواهند داشت و با حمایت خود از چهره پیش تاز جنبش معلمان حق طلب ایران شرایط شکستن این حکم ظالمانه را در دادگاه تجدید نظر فراهم خواهند آورد.

***- آخرین اخبار درباره بازداشتی های یکی از پارک های کرج: تکرار دستگیری های زنجیره ای اول ماه می آغاز شد:**

به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر آمده است : همانند سال های گذشته با نزدیک شدن اول ماه می نیروهای امنیتی برای ایجاد رعب و وحشت دست به دستگیری های زنجیره ای در گوشه و کنار کشور می زنند تا بلکه نیروهای اجتماعی از برگزاری برنامه های اول ماه می و روز معلم پرهیز کنند.

امروز بعد از ظهر در پارکی در کرج نیروهای لباس شخصی بعد از چند ساعت تعقیب چند فعال اجتماعی و کارگری را دستگیر کرده اند و بعد از دستگیری به همراه تعدادی از آنها به خانه هایشان می روند برای بازرسی و با برخورد نامناسب و تحقیر آمیز با فرد بازداشت شده در مقابل خانواده و سرقت وسایل فرد از خانه اش. بدون کوچکترین توضیحی همانند باندهای پارامیلتاری امریکای جنوبی ، خانواده وحشت زده را در یک شرایط بسیار بدی رها می کنند .

۱- این موضوع که چرا اول دستگیر می کنند و سپس به خانه فرد حمله می برند تا بلکه سندی پیدا کنند برای برائت از کارشان موضوعی است که از قبل از سال ۱۳۶۰ شروع شده و بخشی از فرهنگ نیروی سرکوب در جامعه ایران می باشد.

۲- اینکه بعضی از این افراد را بعد از چند ساعت آزاد می کنند و تعدادی را نگه می دارند از سنت تفرقه بیانداز و حکومت کن نیروهای امنیتی می آید که می خواهند فعالین را به هم بدین کنند و در این رهگذر در راستای بی اعتمادی عمومی استفاده کنند و نشان دهند که تبحر دارند برای خنثی کردن نیروی مخالف و بی اعتمادی نیروهای اجتماعی به یکدیگر

۳- در جامعه ای که بر اساس آمار قوه قضاییه سالانه تا یک و نیم میلیون پرونده قضای برای مردم تشکیل می شود نشان از این دارند که از نگاه نیروهای امنیتی بخش اعظم مردم ایران پرونده دارند و در هر بزنگاهی از این پرونده ها استفاده می کنند علیه مردم تحت ستم. این پرونده سازی ها بیشتر برای به سکوت کشاندن مبارزین است و اگر سکوت نکنند فعالین اجتماعی ، کارگری و سیاسی را به زندان می برند. حال اذیت و آزار وثیقه گذار امری پیچیده تری است که اغلب مردم با آن بخوبی آشنایی دارند.

۴- در چنین شرایطی بسیار مهم است قبل از هرگونه پخش خبری که نیروهای امنیتی بتوانند علیه آن از فعالین اجتماعی سوء استفاده کنند باید دوری جست و بجای شک کردن به یکدیگر به نیرویی باید شک کرد که با علم به اینکه در بسیاری از کشورهای منطقه لشگرهای نظامی دارد چرا از جمع شدن چند نفر اینگونه هراس دارد؟ انگشت شک را باید به طرف نیروی امنیتی برد .

۵- در هر صورت باید به نیروی اجتماعی موجود اعتماد داشت و مطمئن بود که روح عمومی جامعه ایران درست حرکت کرده است که بعد از چهار دهه هیچگونه سیاست رعب و وحشت کارساز نبوده و همچنان نیروهای اجتماعی برای ساختن دنیایی انسانی زحمت می کشند و به طبقه کارگر اعتقاد دارند و هر نیروی سرکوب را به هیچ می گیرند و در راه مبارزه برای آینده بهتر حرکت می کنند.

با آرزوی آزادی تمامی زندانیان از زندان و بزرگداشت اول ماه می حتی در زندان برای تمامی زحمتکشان ایران

۲۶ فروردین ۱۴۰۱

***-آزادی امیر عباسی و تداوم بازداشت مرتضی صیدی، امیر امیرقلی، محمد ایران نژاد، سارا عسگری و ناصر امیرلو:**

بنابر گزارش‌های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، آمده است: امیر عباسی فعال کارگری بازداشت شده، شب گذشته و پس از ساعاتی بازجویی آزاد می‌گردد اما دیگر فعالین کارگری دستگیرشده همچنان در بازداشت نیروهای امنیتی است.

مرتضی صیدی، امیر عباسی، ناصر امیرلو، امیر امیرقلی، محمد ایران نژاد و سارا عسگری عصر روز جمعه ۲۶ فروردین ۱۴۰۱ در یکی از پارک‌های کرج مورد حمله نیروهای امنیتی قرار می‌گیرند و بازداشت می‌شوند. سپس مأمورین مرتضی صیدی و امیر عباسی را دستبند به دست به منزل مرتضی برده و پس از تفتیش منزل و ضبط برخی لوازم شخصی دوباره آنها را با خود می‌برند.

شب گذشته همچنین منازل دیگر فعالین دستگیرشده نیز مورد تفتیش مأمورین قرار گرفته و لوازم شخصی آنها نیز ضبط گردیده است.

امیر عباسی پس از ساعاتی بازجویی آزاد میشود اما پنج نفر از فعالین دستگیرشده هنوز در بازداشت نیروهای امنیتی هستند.

تاکنون تلاش خانواده بازداشت‌شدگان برای پیگیری وضعیت آنها بی نتیجه بوده است و مسئولین قضایی هیچ پاسخی درباره دلایل و مکان بازداشت آنها ارائه نداده‌اند. تنها ناصر امیرلو و مرتضی صیدی ظهر امروز تماس کوتاهی با خانواده‌شان داشته‌اند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران بازداشت فعالین کارگری در آستانه روز جهانی کارگر را اقدامی در راستای سرکوب جنبش کارگری و تلاش برای ممانعت از برگزاری هر نوع تجمعی ارزیابی می‌کند و ضمن ابراز انزجار از چنین برخوردهای سرکوبگرانه‌ای خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط فعالین کارگری بازداشتی است.

***- امیر امیرقلی آزاد شد:**

بنابر آخرین خبر دریافتی، امیر امیرقلی ساعتی پیش آزاد شده است.

بر این اساس مرتضی صیدی، سارا عسگری، ناصر امیرلو و محمد ایران‌نژاد هنوز در بازداشت نیروهای اطلاعات هستند.

***- سارا عسگری آزاد شد:**

بنابر آخرین خبر دریافتی، سارا عسگری از دستگیرشدگان روز گذشته آزاد شده است.

بر این اساس مرتضی صیدی، ناصر امیرلو و محمد ایران‌نژاد هنوز در بازداشت نیروهای اطلاعات هستند.

***- احضار مدیرعامل شرکت دخانیات ایران به مجلس بابت اخراج جمعی از کارگران:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1219153>

به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 27 فروردین 1401 آمده است: منابع آگاه خبری از اخراج جمعی از نیروهای شرکت دخانیات ایران خبر دادند.

به گفته‌ی این منبع آگاه، قرارداد تعدادی از نیروهای شرکت دخانیات ایران برای سال جدید تمدید نشده است و این نیروها بعد از تعطیلات عید اجازه‌ی ورود به شرکت پیدا نکردند.

در همین رابطه، ولی اسماعیلی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در نامه‌ای از محمد شیخان، مدیرعامل شرکت دخانیات ایران، خواست تا برای توضیح پاره‌ای از مشکلات این شرکت، خاصه مشکلات کارگری، دوشنبه/ ۲۹ فروردین در مجلس حاضر شود.

پیشتر نیز سیدناصر موسوی لارگانی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، از جذب ۳۰۰ نفر از توصیه‌شدگان در این شرکت و اخراج ده‌ها نفر از نیروها خبر داده بود.

گفتنی است؛ تاکنون تلاش‌ها برای بازگشت این نیروها به کار به نتیجه نرسیده است.

***- درخواست کارگران شهرداری منجیل برای «تبدیل وضعیت» / نارضایتی از شرایط کار با پیمانکار:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1219244>



به گزارش خبرگزاری ایلنا، در تاریخ 27 فروردین آمده است: حدود ۳۲ کارگر خدماتی قرارداد پیمانی شهرداری منجیل در استان گیلان خواستار حذف شرکت پیمانکار و عقد قرارداد مستقیم با شهرداری شدند.

این کارگران می‌گویند: نزدیک به ۳۲ نفر هستیم که برابر مقررات قانون کار در مجموعه شهرداری منجیل مشغول کار هستیم.

آن‌ها مدعی‌اند که در نتیجه حضور پیمانکار مطالباتشان به صورت حداقلی پرداخت می‌شود و این موضوع آن‌ها را در شرایط بد مالی قرار داده است.

به گفته کارگران، فاصله حقوق یک کارگر قرارداد مستقیم با شرکتی حدود دو تا سه میلیون تومان است بنابراین سالهاست ما کارگران خدماتی شهرداری منجیل تحت مسئولیت یک شرکت واسطه‌ای مشغول کار بوده‌ایم، شرکتی که به بهانه تامین نیرو عملاً هیچ نقشی در ارائه خدمات ندارد و فقط هر ماه بخش از حقوق ما را برداشت می‌کند.

این کارگر پیمانکاری شهرداری منجیل با بیان اینکه بارها مسئله تبدیل وضعیت استخدامی خود را از شهرداری و شورای اسلامی شهر منجیل مطالبه کرده‌ایم، افزود: با وجود آنکه مدیریت شهرداری منجیل با سرپرستی اداره می‌شود اما ما کارگران خواستار رفع تبعیض با عقد قرارداد مستقیم با شهرداری هستیم که یک خواسته قانونی است.

او افزود: در چند سال گذشته حقوق کارگران پیمانی معمولاً با سه تا شش ماه تاخیر پرداخت می‌شد اما حقوق کارکنان و کارگران قرارداد مستقیم شهرداری تقریباً به‌روز بوده است. آخرین حقوقی که چند روز پیش ما دریافت کرده‌ایم حقوق بهمن ۱۴۰۰ بود و خبری از پرداخت مابقی مطالباتمان نیست.

به گفته وی؛ علاوه بر پرداخت دستمزدهای پایین، مسئله فقدان امنیت شغلی نیز از جمله نگرانی‌های کارگران پیمانکاری شهرداری منجیل است. به عنوان نمونه قراردادهای کوتاه‌مدت موجب شده امنیت شغلی کارگران از دست برود. این درحالی‌ست که در طول این سال‌ها بارها کارگران شاهد بوده‌اند بعد از خاتمه قرارداد، از میان همکارانشان شماری به عنوان نیروی مازاد معرفی و در نتیجه بیکار شده‌اند.

***- گزارش پزشکی قانونی در رابطه با خطر جانی علیرضا ثقفی:**

به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: امروز یکشنبه مسئولین زندان کجویی کرج، علیرضا ثقفی را به پزشکی قانونی بررسی وضعیت جسمی شان بردند.

طبق گزارش پزشکی قانونی حال ایشان بسیار وخیم است و باید سریع به بیمارستان منتقل شود. اما متأسفانه ایشان را بجای انتقال به بیمارستان به زندان منتقل کرده‌اند و گفته‌اند که علیرضا ثقفی را به بیمارستان انتقال داده می‌شود که تا این لحظه هنوز ایشان در زندان هستند.

کانون مدافعان حقوق کارگر خواهان انتقال هر چه سریعتر علیرضا ثقفی به بیمارستان است و ایشان باید تحت معالجه پزشکی قرار گیرد و تمامی مخارج بیمارستان ایشان را قوه قضاییه بپردازد. جای علیرضا ثقفی و هیچ فعال اجتماعی، سیاسی و کارگری زندان نیست و باید آزاد شوند

***- ادامه تجمعات اعتراضی اهالی سراوان رشت و جلوگیری از حمل زباله به منطقه**

برپایه خبر منتشره آمده است: دور جدید اعتراض اهالی سراوان رشت که از روز دوشنبه 22 فروردین که باتجمع در مسیر خودروی حمل زباله و جلوگیری از حمل زباله به منطقه آغاز شده کماکان ادامه دارد.

روز شنبه 27 فروردین، یکی از تجمع کنندگان با اشاره به وضعیت بخرنج و اسف بار زیست محیطی که در پی سال ها انباشت زباله در این منطقه به وجود آمده است، به خبرنگاریک رسانه محلی گفت: سال ها است مردم در محیطی پر از مگس و آلوده زندگی می کنند. من از مسئولان می خواهم یک بار هم شده بیایند در این منطقه زندگی کنند. آیا مسئولان می توانند یک سال در این مکان به طور دائم به سر ببرند؟

یکی دیگر از اهالی معترض منطقه با بیان اینکه سال ها پیش خانمی که رئیس سازمان محیط زیست بود به این منطقه آمد اما عملا اتفاقی نیفتاد، گفت: مسئله ی مرگ و زندگی است. مسئله ی سرطان است که بلاگیر مردم منطقه شده است.

***- کارگران شرکتی آبفا بهبهان نسبت به عدم پرداخت بموقع حقوق و وعده های توخالی، تجمع اعتراضی نمودند:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1219344>



به گزارش خبرنگار ایلنا، صبح امروز (۲۷ فروردین ماه) تعدادی از کارگران شرکتی اداره آب و فاضلاب شهر بهبهان در اعتراض به بدعهدی مسئولان در پرداخت مطالبات معوقه، در محدوده محل کار خود تجمع کردند.

این کارگران گفتند: با وجود اینکه قبلا اداره آبفا بهبهان برای پرداخت مطالبات معوقه کارگران وعده داده بود اما هنوز عملیاتی نشده و ما کارگران دوماه مزد معوقه (بهمن و اسفند سال ۱۴۰۰) طلبکاریم. در عین حال عیدی سال گذشته ما هم پرداخت نشده است.

یکی از کارگران آبفا بهبهان گفت: مشکلات کارگران آبفا بهبهان با ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کار زمانی آغاز شد که با شرکت آبفا ادغام شدیم. در حال حاضر کارگران از شرایط کار خود رضایت ندارند و تقریبا هر چند ماه یکبار حقوق خود را با تاخیر دریافت می کنند. در عین حال میزان دریافتی کارگران پیمانکاری نسبت به سایر کارگران قراردادی به ویژه رسمی ها به صورت حداقلی پرداخت می شود.

او با بیان اینکه از کارفرما می خواهیم مطالباتمان را بپردازد، در پایان گفت: کارگران آبفا بهبهان در یکی دو سال گذشته برای تحقق خواسته هایشان چندین بار به دفتر مسئولان مربوطه مراجعه کرده اند که در هر نوبت با بی توجهی مسئولان روبرو شدند.

***- اعتراض جمعی از داروسازان کشور به وضعیت حقوق خود/ چرا انتخابات انجمن داروسازان برگزار نمی شود؟**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1219345>



برپایه خبر منتشره در خبرگزاری ایلنا در روز تاریخ 27 فروردین 1401 آمده اتس : جمعی از داروسازان در تماس با خبرنگار ایلنا، از تجمع اعتراضی امروز داروسازان کشور در برخی از استان‌ها در مقابل سازمان غذا و دارو خبر دادند. این داروسازان نسبت به حقوق‌های تعیین شده توسط انجمن داروسازان معترض هستند. به گفته‌ی آن‌ها؛ طی چند سال گذشته وضعیت معیشتی داروسازان تضعیف شده است و حقوق‌های پرداخت شده در شأن پزشکان داروساز نیست .

آن‌ها می‌گویند: داروسازان از رتبه‌های برتر کنکور و نخبان کشور هستند اما آنطور که باید و شایسته است حقوق دریافت نمی‌کنند. به گفته‌ی این پزشکان؛ وضعیت بد درآمدی و سرخوردگی داروسازان از کار و ناامیدی از آینده‌ی شغلی، مهاجرت این گروه را طی سال‌های اخیر تشدید کرده است. آن‌ها همچنین می‌گویند: بیش از ۱۶ ماه است که به بهانه‌های واهی انتخابات انجمن داروسازان برگزار نمی‌شود. اعضای فعلی انجمن داروسازان با رای ۵درصد از داروسازان انتخاب شده‌اند و ما خواهان برگزاری انتخابات مجدد برای تعیین اعضای جدید هستیم .

این داروسازان نسبت به عملکرد انجمن داروسازان انتقاد دارند و می‌گویند: این انجمن در تعیین حقوق داروسازان کشور به منافع داروخانه‌داران توجه می‌کند و توجهی به معیشت داروسازان ندارد. به گفته‌ی داروسازان معترض؛ افزایش حقوق آن‌ها بار مالی به دولت و مردم تحمیل نمی‌کند و صرفاً باید از سود نجومی صاحبان داروخانه به حقوق داروسازان اضافه شود تا از مهاجرت نخبان جلوگیری شود و داروسازان خدمات بهتر و با کیفیت‌تری در داروخانه‌ها به مردم ارائه دهند و انگیزه‌ی بیشتری برای کار داشته باشند. این داروسازان از سازمان غذا و دارو می‌خواهند که با حضور داروسازان و کارشناسی، حقوق داروسازان را عادلانه تعیین کنند.

***- مرغداران استان چهارمحال بختیاری نسبت به کمبود نهاده‌های دامی، ممنوعیت خروج مرغ از استان ، پایین بودن قیمت وعدم خرید تضمینی مرغ توسط شرکت پیشتیانی امور دام مرغ مقابل استانداری، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه خبرمنتشره در روز شنبه 27 فروردین 1401، آمده است : مرغداران استان چهارمحال بختیاری برای اعتراض به کمبود نهاده‌های دامی، ممنوعیت خروج مرغ از استان، پایین بودن قیمت مرغ وعدم خرید تضمینی مرغ توسط شرکت پیشتیانی امور دام مرغ دست به تجمع مقابل استانداری درشهرکرد زدند.

مسوول یکی از واحدهای مرغداری با اشاره به اینکه برنامه زمان‌بندی برای جوجه‌ریزی و خرید و فروش مرغ در استان پیش‌بینی شده بود، گفت: براساس برنامه زمان‌بندی در اواسط بهمن ماه جوجه‌ریزی در این واحد انجام شد و اکنون پس از گذشت 60 روز و وزن‌گیری مرغ‌ها تا حدود چهار کیلو و بیشتر، تقاضا در بازار برای خرید مرغ با این وزن وجود ندارد و شرکت پیشتیانی امور دام نیز برنامه‌ای برای خریداری کردن مرغ‌های مازاد تاکنون ارائه نداده است.

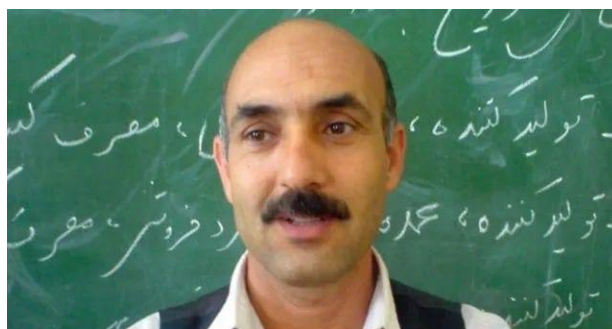
وی افزود: خریداری نشدن مرغ مازاد مرغداران توسط شرکت پشتیبانی امور دام و جهادکشاورزی یکی از مهمترین مشکلات مرغداران استان است و این امر باعث شده که وزن مرغ‌ها افزایش یابد.

این مرغدار گفت: افزایش وزن مرغ‌ها سبب می‌شود گرایش بازار نسبت به خرید آن کاهش یابد و مرغداران با این وضع متضرر خواهند شد.

وی، گفت: هزینه تولید و مواد اولیه از جمله نهاده دامی 60 درصد افزایش یافت در حالی که قیمت مرغ افزایش چندانی نداشته است و مرغ کیلویی 190 هزار ریال از درب مرغداری خریداری می‌شود.

این مرغدار خواستار تامین نهاده از سوی دولت برای حمایت از مرغداری‌ها شد و گفت: با توجه به اینکه قیمت مرغ افزایش چندانی ندارد، دولت از واحدهای مرغداری استان حمایت بیشتری داشته باشد.

***- سندیکای شرکت واحد : صدور حکم پنج سال زندان برای معلم حق طلب و مبارز رسول بداعی را قویا محکوم می‌کنیم:**



به نوشته کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه آمده است : رسول بداعی از فعالین شناخته شده معلمان که سال‌هاست برای احقاق حقوق معلمان فعالیت می‌کند، در پرونده‌ای جدیدی از سوی شعبه بدوی ۲۶ دادگاه انقلاب به پنج سال زندان و دو سال تبعید به خارج از تهران و استان‌های همجوار محکوم گردیده است.

بدایقی پیش از این هم به دلیل فعالیت‌های صنفی هفت سال زندانی بوده است. ایشان پس از زندان نیز مداوم از سوی عوامل امنیتی تحت فشار بوده تا دست از فعالیت صنفی و حق‌طلبانه بردارد، اما زندان، اخراج از کار، تهدیدهای پلیسی امنیتی و اذیت و آزار هرگز نتوانست اراده ایستادگی، مقاومت در مقابل ظلم و فساد را در این معلم مبارز و فداکار، متزلزل کند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن حمایت از تمامی مطالبات معلمان، تعقیب و مراقبت پلیسی - امنیتی معلمان و پرونده سازی و صدور احکام زندان برای آنان را محکوم می‌کند و خواهان لغو حکم ظالمانه علیه رسول بدایقی و آزادی بی‌قید و شرط تمامی معلمان و فعالان کارگری محبوس می‌باشد.

t.me/vahedsyndica

***- یک کارگرمقنی در حادثه ریزش چاه فردیس ،جان باخت:**

برپایه خبرمنتشره در روز جمعه 26 اردیبهشت، یک کارگر مقنی 45 ساله حین کار در عمق هشت متری چاه در شهرک 17 شهریور فردیس در استان البرزبر اثر ریزش چاه زیر تلی از آوارگرفتار وزنده به گورشد و جسدش پس از 25 ساعت از چاه خارج شد.

***- اعتراضات اهالی چهارمحال وبختیاری نسبت به انتقال آب از استان و آبگیری تونل گلاب با راهپیمایی وتجمع در میدان قمرینی هاشم شهر کرد، از سر گرفته شد.**



برپایه خبرمنتشره در روز یکشنبه 28 فروردین، جمعی از اهالی چهارمحال وبختیاری با راهپیمایی و برپایی تجمع در میدان قمرینی هاشم شهر کرد اعتراضشان را نسبت به انتقال آب از استان و آبگیری تونل گلاب از سرگرفتند.

بنا به ویدئو های منتشره در شبکه های اجتماعی، تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی از جمله «زنگ خطر بصدا درآمد»، «انتقال آب کوهرنگ، گلاب و بهشت آباد مثلث شوم نابودی چهارمحال و بختیاری»، «نه به سد کوهرنگ 3» و سردادن شعارهایی همچون «وای اگر دست به برنوشویم»، «وای اگر ایل من برنو بدست بگیرد»، «مرگ برماfiا»، «مرگ بر خائنین»، «مرگ بر مدیر بی کفایت»، «مرگ بر مدیر بی لیاقت»، «این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی» اعتراض خود را نسبت به طرح های انتقال آبینمایش گذاشتند. تجمع کنندگان اعلام کردند: «از این پس منتظر هیچکس نمی نشینیم و خودمان در میدان طرح های مافیارا به خاک و خون می کشیم.»

***- اجاره اتاق به جای خانه در تهران / اتاق روی پشت بام؛ ۱۵ رهن، ۲ میلیون اجاره:**

برپایه خبرمندرج در کانال تلگرامی اردوی کار آمده است: تجارت نیوز نوشته: حق مسکن ماهانه کارگران برای سال جاری، ۶۵۰ هزار تومان است. اما مستاجران با این مبلغ نه تنها نمی توانند خانه اجاره کنند که حتی امکان اجاره یک اتاق را هم ندارند.

بسیاری به جای خانه، اتاق اجاره می کنند. اما اجاره یک اتاق روی پشت بام با سرویس مشترک ۲۰ میلیون رهن می خواهد و یکی دو میلیون اجاره ماهانه.

***- بیانیه کانون صنفی معلمان تهران در محکومیت حکم ظالمانه زندان برای رسول بدافی:**

به نام خداوند جان و خرد!

معلمان فرهیخته و کنشگران صنفی:

خبر شگفت انگیز و تأثر انگیز محکومیت پنج ساله رسول بدافی به همراه حکم ممنوع الخروجی او و ۲ سال ممنوعیت زندگی در تهران و شهرستان ها و استان های هم جوار موج نارضایتی بیشتر معلمان را بی تردید گسترده تر خواهد کرد. در شرایطی که معلمان کشور از حداقل امکانات مادی زندگی با تعریف خط فقر ارائه شده توسط دولت مردان، هم محروم هستند، کنشگران معترض به این روند، احکام سنگین دریافت می کنند. متأسفانه در ماه های اخیر شاهد گسترش پرونده سازی ها علیه معلمان تا سرکوب جنبش مسالمت آمیز معلمان در کشور بوده ایم و امروز هم حکم ظالمانه برای رسول بدافی که همه عمر خود را وقف کنشگری صنفی صادقانه و شرافتمندانه نموده، شگفتی و تأثر عموم معلمان را برانگیخته است. حکم سنگین و نا عادلانه رسول بدافی نه تنها با کمترین موازین حقوقی ناسازگار است، بلکه آشکارا و به طور علنی دهن کجی به مطالبات معلمان و مطالبه گری مستمر آنها در ماه های اخیر است. اگر حکمرانی عادلانه در این ملک برپا بود، پس از ماه ها تجمع معلمان در

سراسر کشور و تاکید بر خواسته های به حق فرو کوفته شده، تمهیدات را برای شنیدن این مطالبات مهیا می کرد. امروز اما ما شاهد آنیم که به جای شنیدن این صداها معترض و قانونی، انتقام این مطالبه گری را از یکی از شناخته ترین کنشگران صنفی ایران جناب آقای بدایق گرفته اند. هم او که تحمل هفت سال زندان بدون مرخصی و هزینه اخراج از آموزش و پرورش را هم پرداخته و علی رغم این ستم مضاعف، نستوه و استوار بر خواسته های صنفی معلمان تاکید می ورزد. در سرزمینی که قاضیش به خود اجازه دهد که برای معلمی مطالبه گر چنین حکمی ناروا صادر کند و او را از زندگی در محل سکونت خود محروم سازد و پاسخ مطالبه گری حق خواهی او را چنین ظالمانه جواب دهد، آیا دستگاه قضایش توانایی اجرای عدالت بر پایه ی آیین دادرسی عادلانه و عدالت را خواهد داشت !!!؟؟ بی تردید چنانچه بارها کنشگران صنفی گفته اند، توبیخ، زندان، تبعید و هر مجازات دیگری امروز چاره کار مطالبه گری و حق خواهی معلمان نخواهد بود و از قضا این شیوه های نارضایتی بیشتری را در جامعه فرهنگیان دامن می زند و موجبات تسریع روند مطالبه گری را فراهم خواهد آورد.

کانون صنفی فرهنگیان گیلان ضمن محکومیت شدید حکم صادر شده برای آقای رسول بدایق و حمایت همه جانبه از ایشان امیدوار است جامعه معلمان با حمایت از آقای بدایق و تاکید بر خواسته های صنفی خود، زمینه شکستن این حکم را در دادگاه تجدید نظر فراهم آورند. کانون صنفی فرهنگیان گیلان همچنان در میانه ی انبوه یاس های فزاینده، همچنان امیدوار است حاکمیت با تجدید نظر در شیوه های متعدد تضییع حقوق شهروندی با احترام به نهادهای مدنی و کنشگران مدنی و فعالان صنفی به پرونده سازی ها علیه همه ی فعالان صنفی و مدنی و مسالمت جو پایان دهد.

کانون صنفی فرهنگیان گیلان

۲۸ فروردین ۱۴۰۱

*** - یکشنبه های اعتراضی کارگران بازنشسته: تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی کشور نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری و عدم همسان سازی مقابله سازمان تامین اجتماعی تهران و اداره کل تامین اجتماعی استان های ایلام، خراسان رضوی، خوزستان، کرمانشاه، گیلان، و...**



برپایه خبرمنتشره در روز یکشنبه 28 فروردین برای دومین بار در سال جدید، کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی کشور برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری و عدم همسان سازی مقابله سازمان تامین اجتماعی تهران و اداره کل تامین اجتماعی استان های ایلام خراسان رضوی، خوزستان، کرمانشاه، گیلان، و... در ایلام، مشهد، اهواز، کرمانشاه، رشت و... زدند.

*** - اعتراضی کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران نسبت به سطح پایین حقوق، نداشتن امنیت شغلی و مسدود کردن کارت رفت و آمد 30 همکار حق طلب و وعده های توخالی، دومین روز تجمع خود را پیش میبرند:**



برپایه خبرمنتشره در روز یکشنبه 28 فروردین 1401 آمده است: برای دومین روز متوالی، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران نسبت به سطح پایین حقوق، نداشتن امنیت شغلی و مسدود کردن کارت رفت و آمد 30 همکار حق طلب و وعده های توخالی دست به تجمع مقابل استانداری خوزستان زدند و خواستار پاسخگویی مسئولان شدند.

گزارش های منتشره در شبکه های اجتماعی حاکی از برخورد قهرآمیز نیروهای انتظامی با کارگران معترض در روز شنبه 27 فروردین مقابل استانداری در کلانشهر اهواز می باشد.

روز شنبه 27 فروردین به تجمع کنندگان گفته شد جلسه ای در اداره کار برای رفع مشکل کارگرانی که کارشان بسته شده است تدارک دیده اند. پس از حضور جمعی از کارگران در اداره کار به آنها گفته شد که شما مانع تولید هستید و باید طی یک تعهد کتبی متعهد شوید مانع تولید نشوید.

بنابراین گزارشات، بنقل از مسئولین حراست فرمانداری اهواز روز دوشنبه 29 فروردین جلسه ای متشکل از فرماندار و نماینده اداره کار، شرکت تشکیل شده و جمعی از کارگرانی که کارشان بسته شده را به این جلسه دعوت نموده اند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی استانداری خوزستان، امروز یکشنبه 28 فروردین ماه جلسه «بررسی و رفع مشکلات کارگران شرکت گروه ملی فولاد ایران و شرکت پتروشیمی مسجد سلیمان» به ریاست رضا نجاتی معاون سیاسی اجتماعی استاندار خوزستان برگزار شد. کارگران حق طلب فولاد اهواز اعلام کردند در صورت متحقق نشدن خواسته هایشان جمعی از کارگران رهسپار تهران خواهند شد و مقابل مجلس و نهاد ریاست جمهوری تجمع خواهند کرد.

خواسته های کارگران بشرح زیر اعلام شده است:

1- استمرار تولید ، باز هم تاکید میکنیم استمرار تولید ، اگر معنی آن را متوجه نمیشوید ، منظور از استمرار تولید یعنی اینکه مواد اولیه به خط تولید تزریق شده و محصول تولید کنیم. یعنی اینکه کارگر میخواهد کار کند و تولید دهد.

2- ورود مواد اولیه ، یعنی اینکه ما میخواهیم مواد اولیه وارد شرکت شود تا بتوانیم تولید کنیم .

پس از دو ماه از وعده ورود 100 هزار تن شمش توسط شورای تامین هنوز خبری از آن نشده است.

3- ترمیم و تامین قطعات یدکی خطوط تولید ، یعنی اینکه خطوط تولید نیازمند یکسری قطعات و تعمیرات میباشد تا بتوان با آن تولید انجام دهد.

4- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که در قانون نیز آمده و حق کارگر گروه ملی نیز میباشد

5- تعیین تکلیف گروه ملی و خروج از سیطره بانک ملی و بازگشت به بدنه دولت یا یک زنجیره فولادی و عدم دخالت آقای سید کریم حسینی نماینده عده ای خواص در مجلس شورای

اسلامی که اینروزها بواسطه افراد ستاد انتخاباتی که به لطف ایشان به پست و مقامی رسیده اند در تمام امور شرکت دخالت میکند.

***- رسول کارگر، معلم و فعال صنفی معلمان استان فارس، توسط دادگاه تجدیدنظر این استان به یک سال حبس محکوم شده است:**



برپایه خبر مندرج در شبکه های مجازی آمده است : براساس حکم صادره، ۱۰ ماه از این میزان حبس به مدت ۲ سال به حالت تعلیق درآمده و حکم ۲ سال تبعید وی نیز لغو شده است.

رسول کارگر پیشتر در اوایل اسفند ماه گذشته، برای اتهامهایی از جمله "فعالیت تبلیغی علیه نظام" محاکمه و توسط دادگاه انقلاب شیراز به یک سال حبس تعزیری و ۲ سال تبعید به شهرستان ارسنجان محکوم شده بود.

***- کارگران فولاد اهواز برای دومین روز متوالی مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند:**



برپایه خبرمنتشره در روز یکشنبه ۲۸ فروردین آمده است : جمعی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز برای دومین روز متوالی مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

***- دومین روز اعتصاب کارگران راه آهن شمال غرب در اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزد . حقوق های معوقه خود:**



برپایه خبر منتشره روزیکشنبه 28 فروردین آمده اتس : برای دومین روز متوالی، کارگران راه

آهن شمال غرب (زنجان، تاکستان و...) برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به عدم پرداخت حقوق اسفند ماه 1400 و بن ماه رمضان به مبلغ یک میلیون پانصد هزار تومان و بن نوروز از رفتن پرسرکار خودداری کردند. شرکت خدمات فنی مهندسی ریل صنعت کاران در دومین روز اعتصاب کارگران حقوق اسفندماه را پرداخت کرد.

***- تجمع اعتراضی کارمندان وزارت کار :**



برپایه خبرمنتشره آمده است: کارکنان وزارت کار در محوطه این وزارتخانه تجمع کردند و ضمن اعتراض به وضعیت معیشتی کارکنان وزارت کار، خواستار افزایش حقوق ها شدند.

***- بادمجان؛ رکورددار گرانی: چرا قیمت بادمجان نجومی شد؟**

برپایه خبرمنتشره در کانال تلگرامی اردوی کار آمده است: قیمت بادمجان با نزدیک شدن به رقم ۲۷ هزار تومان در سطح خردهفروشیها رکورددار قیمت میوه و صیفیجات طی هفت ماه اخیر شد. چراکه بررسیها نشان می دهد این محصول در پایان شهریور سال گذشته تنها بین ۴۵۰۰ تا ۷۰۰۰ تومان به فروش می رسید.

مصطفی دارایی نژاد، رئیس اتحادیه بافروشان: ۸۰ درصد بادمجان گلخانه ای صادر می شود. کشورهای حاشیه خلیج فارس، روسیه، عمان، قطر و ارمنستان خریداران اصلی این محصول هستند. قبل از شروع جنگ روسیه و اوکراین نیز آذربایجان از دیگر خریداران بادمجان گلخانه ای ایران بود. دلیل کمبود و گرانی بادمجان گلخانه ای به همین موضوع بازمی گردد.

***- صندوق بین المللی پول: رشد اقتصادی ایران امسال از ۴ به ۲ درصد کاهش می یابد:**

برپایه خبر روزنامه شرق آمده است: صندوق بین المللی پول در جدیدترین گزارش چشم انداز اقتصادی جهان، رشد اقتصادی ایران در سال گذشته میلادی را ۴ درصد اعلام و پیش بینی کرد که امسال این رقم به ۳ درصد برسد.

همچنین نرخ تورم ایران در سال ۲۰۲۱ (سال گذشته میلادی) برابر با ۴۰,۱ درصد اعلام و پیش بینی شده است، این رقم در سال ۲۰۲۲ (سال جاری) به ۳۲,۳ درصد کاهش یابد.

***- ادامه تجمع اعتراضی کارگران شرکتی آبفا بهبهان نسبت به تبعیض در پرداخت حقوق و عدم پرداخت بموقع حقوق وعیدی و وعده های توخالی برای دومین روز:**

برپایه خبرمنتشره در روز یکشنبه 28 فروردین برای دومین روز متوالی، کارگران شرکتی آبفا بهبهان به تجمعشان در محل کار برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به تبعیض در پرداخت حقوق و عدم پرداخت بموقع حقوق وعیدی و وعده های توخالی، ادامه دادند. کارگران معترض آبفا بهبهان به خبرنگار رسانه ای گفتند: چرا باید حقوق ما کارگران با تاخیر پرداخت شود، علاوه بر اینکه دریافتی ما از کارگران رسمی پایین تر است. آنها افزودند: علیرغم بیان اعتراضاتمان، از هیچیک از مدیران و مقامات پاسخ روشنی نگرفته ایم.

***- کارکنان وزارت کشور کهگیلویه و بویراحمد نسبت به حذف فوق العاده شغل مقابل استانداری، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه خبرمنتشره در روز یکشنبه 28 فروردین 1401، آمده است: جمعی از کارکنان وزارت کشور کهگیلویه و بویراحمد برای اعتراض به حذف فوق العاده شغل مقابل استانداری در یاسوج تجمع کردند.

یکی از کارکنان استانداری کهگیلویه و بویراحمد به خبرنگاریک رسانه محلی گفت: با این وضعیت تورم و مشکلات اقتصادی و افزایش هر روزه قیمت ها، بخشی از حقوق کارمندان استانداری حذف شده است، موضوع تجمع امروز کارکنان همین است؛ مبلغی تحت عنوان «فوق العاده شغل» در فیش پرداختی بود که الان آن را حذف کرده اند، همین طور یک «فوق العاده خاص» به کارکنان برخی دستگاه ها داده شده ولی به کارکنان استانداری داده نشده است.

***- ادامه پی خبری از ناصر امیرلو و محمد ایران نژاد از بازداشتی های پارک کرج ونگرانی خانواده هایشان:**

به نوشته صفحه ی فیسبوک زهرا صادقی همسر مرتضی صیدی آمده است: پس از دو روز از بازداشت مرتضی صیدی همسر، ناصر امیرلو و محمد ایران نژاد می گذرد، و ما خانواده ها در پی خبری و نگرانی به سر می بریم. علی رغم پیگیری های خانواده ها از مراجع قضایی و امنیتی، هنوز پاسخ روشنی از مقامات مسئول نگرفته ایم. لازم به ذکر است، که مرتضی از بیماری فشار خون رنج می برد، اما ماموران امنیتی قرص های مرتضی را تحویل نگرفتند. اعلام می کنم، که سلامت جسمی و روحی مرتضی صیدی و رفقاییش که در بند هستند، بر عهده ی مقام های قضایی و امنیتی قرار دارد. همچنین لازم به تأکید است، که مرتضی کارگر ساختمانی است، و جز داشتن دغدغه های طبقه ی کارگر، «جرمی» مرتکب نشده است.

***- دادگاه تجدید نظر حکم یک سال زندان رسول کارگر را تایید نمود.**

برپایه گزارش منتشره آمده است: رسول کارگر فعال صنفی فرهنگیان پیشتر به یکسال حبس و تبعید محکوم شده بود در دادگاه تجدید نظر حکم تبعید لغو و حکم زندان تایید شده است در این حکم ۱۰ ماه از یک سال حکم به مدت ۲ سال تعلیق شده است.

شورای هماهنگی ضمن محکوم نمودن این حکم و حمایت از این فعال صنفی اعلام می کند جنبش معلمان مقهور این احکام نخواهد شد و پاسخ این هجمه ها را در تجمع یکم اردیبهشت محکم خواهد داد.

***- اعتراض کارکنان مدت موقت نفت به نحوه اجرای شیوه نامه تعیین حقوق و فوق العاده / عضو هیات رئیسه مجلس به وزیر نامه نوشت:**



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ روز 28 فروردین 1401 آمده است : بر اساس اعلام کارکنان مدت موقت وزارت نفت، علاوه بر حذف فوق العاده تخصصی شغلی کارکنان مدت موقت نفت، فوق العاده مخصوص آنها هم به ۲۰ درصد کاهش یافته است .

کارکنان مدت موقت نفت با توجه به ابلاغ شیوه نامه‌ی تعیین حقوق و پرداخت فوق العاده به شرکت‌های زیرمجموعه، امیدوار بودند که روند پرداخت حقوق و مزایای آنها عادلانه بشود . با این حال با حذف فوق العاده تخصصی و کاهش فوق العاده مخصوص که باید بر اساس این شیوه نامه محاسبه و اعمال می‌شد، کارکنان مدت موقت ناراضی خود را از شیوه اجرای این شیوه نامه اعلام کردند .

روز پنجشنبه هم جمعی از کارکنان مدت موقت نفت در بیانیه‌ای به مناسبت روز ملی منابع انسانی از جواد اوجی، وزیر نفت خواسته بودند که برای بازگرداندن عدالت و ترمیم مواردی که در سال‌های گذشته اجرا نشدند، اقدام کند .

در همین باره کارکنان مدت موقت از مجتبی یوسفی، عضو هیات رئیسه مجلس و عضو کمیسیون عمران خواسته‌اند که با وزیر نفت مکاتبه کند .

بر همین اساسی یوسفی به اوجی نامه نوشت و از وی خواست که ضمن بررسی نحوه اجرای شیوه نامه، ابلاغیه‌ی معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی در جهت توانمندسازی کارکنان مدت موقت نفت را پیگیری کند.

***- بیانیه ی انجمن صنفی معلمان کردستان(سقر وزبویه) در پی صدور رای ناعادلانه علیه رسول بداقی.**

برپایه بیانیه منتشره آمده است : صدور حکم ظالمانه، غیرواقعی و دبه دور از اصول صحیح حاکم بر آیین دادرسی مبتنی بر اصول قانون اساسی و قوانین موجود، برای رسول بداقی، از سوی دستگاه قضایی که اصولاً می‌بایست حامی و پرچمدار حق محوری و قانون محوری در کشور باشد، بیش از هر واقعیت دیگری، نشانگر عدم استقلال سیستم قضایی کشور بوده و بار دیگر نشان داد که دستگاه قضایی کشور، به شدت تحت نفوذ نهادهای امنیتی قرار داشته و به هیچ وجه، قادر به دفاع از حقوق عامه‌ی جامعه، در مقابل قانون‌گریزی‌ها و قانون شکنی‌های دستگاه حاکم نمی‌باشد. اگر چه به خوبی نمایان است که صدور این حکم ظالمانه برای رسول بداقی تنها مجازات او نیست، بلکه دهن کجی واضح به بخش عظیمی از جامعه فرهنگی است که اعتراض خود نسبت به وضعیت موجود را بارها و بارها در کنار رسول بداقی و رسول بداقی‌ها به گوش ناشنوای مسئولین رسانده‌اند، بدون شک هدف این حکم، خاموش کردن جنبش معلمان ایران است، هدفی که امید است در سایه‌ی اتحاد معلمان ایران زمین و به میدان آمدن خیل عظیم همکارانی که تاکنون علی رغم ناراضی از وضعیت موجود، رسماً به عرصه‌ی مطالبه‌گری حقوق اساسی خود ورود نموده‌اند، عقیم گشته و با حمایت همه جانبه و سراسری از رسول بداقی در تجمعات پیشرو زمینه‌ی شکسته شدن حکم

ایشان، در فرایند تجدید نظر فراهم گردد. بار دیگر تأکید می‌کنیم، صدور حکم ۵ ساله زندان برای رسول بدافی و ممنوع‌الخروجی و ممنوعیت زندگی برای او در تهران و شهرستان‌ها و استان‌های همجوار، آنهم به خاطر عضویت در تشکلهای صنفی و مطالبه‌گری حقوق صنفی که بر اساس اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی، کاملاً قانونی می‌باشد، نشانه‌ی بارز عملکرد فریقانونی دستگاه قضا و ترتیب‌اثر دادن به درخواست نهادهای امنیتی می‌باشد، رویه‌ای که متأسفانه در روند پرونده‌سازی برای سایر فعالین صنفی نیز، به وضوح قابل مشاهده است. لذا به عنوان انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه)، وعضوی از خانواده بزرگ تشکلهای صنفی معلمان سراسر کشور، چنین حکم سنگینی علیه رسول بدافی را حکم علیه مطالبه‌گری صنفی و حق‌خواهی معلمان می‌دانیم و نارضایتی خود را نسبت به این رویه نادرست و ناعادلانه، اعلام می‌داریم و اعلام می‌کنیم که از تمام ظرفیت خود برای روشننگری و آگاهی‌بخشی به بدنه‌ی جامعه، در این راستا استفاده خواهیم نمود.

انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه)

۱۴۰۱/۰۱/۲۸

***- تجمع اعتراضی دانشجویان دانشکده بهداشت نسبت به امکانات زیستی خوابگاه و وضعیت حمل‌ونقل، اینترنتی و ورزشی :**



برپایه خبرمنتشره در روزیکشنبه 28 فروردین 1401، آمده است حدود 250 دانشجوی دانشکده بهداشت اوز زیر مجموعه دانشکده علوم پزشکی لارستان برای اعتراض به امکانات زیستی خوابگاه و وضعیت حمل‌ونقل، اینترنتی و ورزشی در دانشکده تجمع کردند.

بر اساس گزارش رسانه‌ای شده، این تجمع در پی تشدید مشکلات خوابگاهی، رفاهی و حمل و نقل دانشکده بهداشت و عدم رسیدگی مسئولان مربوطه صورت گرفت.

دانشجویان با تجمع در محوطه دانشکده بهداشت اوز خواهان رسیدگی به مشکلات رفاهی این دانشگاه شدند.

از جمله مهم‌ترین مشکلات می‌توان به ظرفیت خوابگاه‌ها، آنتن‌دهی اینترنت در خوابگاه، فقدان امکانات رفاهی و ورزشی و عدم تعامل با دانشجویان اشاره کرد.

***- ادامه اعتراضات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان به کیفیت غذای سلف سرویس با تحریم غذا و چیدنش در محوطه خوابگاه:**



دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان در ادامه اعتراضاتشان نسبت به کیفیت غذای سلف سرویس از جمله تهیه طوماری با 600 امضا دست به تحریم غذا و چیدنش در محوطه خوابگاه زدند.

***- جان باختن یک کارگر کارخانه ذوب آهن کوار بر اثر حادثه کاری:**

برایه خبر منتشره روزیکشنبه 28 فروردین، آمده است: یک کارگر کارخانه ذوب آهن کوار واقع در استان فارس بر اثر حادثه کار جان خود را از دست داد.

***- اعتراض کارگران ابنیه فنی زنجان به مطالبات معوقه:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1219805>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 28 فروردین 1401 آمده است: منابع کارگری در خطوط ابنیه فنی ناحیه ریلی شمال غرب گزارش دادند؛ صبح امروز (یکشنبه/ 28 فروردین ماه) کارگران ابنیه فنی ناحیه ریلی زنجان به نامشخص بودن وضعیت مطالبات معوقه خود اعتراض کردند.

کارگران با بیان اینکه 28 روز از آغاز سال می‌گذرد و کارگران ابنیه فنی زنجان که در ناحیه ریلی شمال غرب واقع شده، هنوز حقوق اسفند سال گذشته (1400) خود را دریافت نکرده‌اند، افزودند: با بی‌توجهی مسئولان به مطالبات کارگران در نهایت تصمیم گرفتیم در چارچوب قانون اعتراض کنیم.

آن‌ها با بیان اینکه کارگران ابنیه فنی همواره مطالبات مزدی و سایر مزایای قانونی خود را با تاخیر دریافت می‌کنند، اظهار داشتند: در حال حاضر شمار زیادی از کارگران به دلیل دریافت نکردن به موقع حقوق در وضعیت معیشتی خوبی به سر نمی‌برند.

طبق اظهارات آنها، جدا از حقوق اسفند؛ یک میلیون و 500 هزار تومان بن ماه مبارک رمضان طبق بخشانه مدیریت راه آهن به کارگران این ناحیه ریلی هنوز داده نشده است.

کارگران اظهار داشتند: در حال حاضر کسی در راه آهن پاسخگوی مطالبات مزدی کارگران ابنیه فنی شمال غرب نیست تا به مشکلاتمان رسیدگی کند.

به گفته این کارگران؛ در کنار عدم تحقق برخی مطالبات کارگران در این واحد ریلی، کارگران با قراردادهای موقت کار، امنیت شغلی خود را در خطر می‌بینند.

ناحیه ریلی شمال غرب شامل نواحی قزوین، زنجان و آذربایجان می‌شود.

***- تجمع اعتراضی کامیون‌داران کشور نسبت به افزایش هزینه‌های گمرک و اسقاط کامیون‌های از رده خارج شده مقابل ساختمان ریاست جمهوری:**

روز یکشنبه 28 فروردین، جمعی از کامیون‌داران کشور برای اعتراض به افزایش هزینه‌های گمرک و اسقاط کامیون‌های از رده خارج شده مقابل ساختمان ریاست جمهوری تجمع کردند.

بنابه گزارش رسانه ای شده، طی دو سال زمان ترخیص کامیون‌ها، هزینه قیمت اسقاطی که رانندگان برای پلاک شدن آنها به راهداری پرداخت شده از 250 میلیون تومان به یک میلیارد تومان افزایش یافته است.

اطلاعیه مشترک : کمیته زنان ، نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور کمیته زن و برابری، کارزار پشتیبانی از کارگران ایران زنده باد اول ماه مه! اول ماه مه امسال گامی در جهت متشکل شدن زنان کارگر!

اول ماه مه روز همبستگی و اعتراض طبقه کارگر جهانی به استثمار و نظم سرمایه داری است. زنان به عنوان بخش قابل توجهی از طبقه کارگر در ایران و جهان و نیرویی تعیین کننده در جنبش جهانی طبقه کارگر، میتوانند با مبارزه پیگیر و متشکل خود علاوه بر مبارزه با ستم طبقاتی بر کارگران به ستم جنسیتی بر زنان نیز پایان دهند. جنبش کارگری در ایران برای بدست آوردن هر خواسته و مطالبه با موانع و مشکلات جدی روبرو بوده است. در اعتراض به هر نابرابری، و تلاش برای متشکل شدن در تشکلهای مستقل با سرکوب، اخراج، تهدید و زندان مواجه شده است.

تا آنجا که به زنان ایران بر میگردد، بخش قابل توجهی از نیروی جنبش برابری طلبانه زنان را زنان کارگر تشکیل میدهند. معضل و مشکلات این زنان نه صرفاً حقوقی و اجتماعی بلکه طبقاتی است.

طی سه دهه گذشته به موازات گسترش شغل های قراردادی، قطعه کاری ، پاره وقت و کار خانگی بخش های گسترده ای از مشاغل زنان کارگرهمواره در حاشیه اقتصاد رسمی و بدون پوشش قوانین حمایتی بوده است. طرح تعدیل ساختاری، با ایجاد تغییرات جدی در سازماندهی نیروی کار زمینه چنین شرایطی را فراهم کرده است. تغییر قانون کار بخش بزرگی از کارگران شاغل در کارگاههای کوچک را، که زنان بخش بزرگی از آنان را تشکیل میدهند، از شمول همین قانون کار ناقص هم خارج کرده است. تحمیل قراردادهای موقت در سطح وسیع و سراسری و محروم ساختن این بخش از کارگران از بیمه بیکاری، رایج ساختن شرکتهای پیمانکاری، تداوم خصوصی سازیها، اخراج و بیکارسازی وسیع کارگران و ایجاد صف میلیونی نیروی ذخیره کار، اینها گوشه هایی از تعرض مداوم طبقه سرمایه دار ایران برعلیه طبقه کارگر است. تهاجم بی رحمانه به سطح زندگی و معیشت کارگران سبب کوچکتر شدن هر روزه سفره کارگران شده، بطوریکه برای سیر کردن خانواده هایشان همیشه با معضل اقتصادی روبرو هستند. تعیین حداقل دستمزد چند برابر زیر خط فقر که عموماً با تاخیر پرداخت میشود، افزایش ساعات کار و فشار کاری بالا که استثمار شدید کارگران را به همراه دارد، در بسیاری موارد زندگی و هستی آنها را بخطر می اندازد.

عدم امنیت شغلی و عدم پوشش مشاغل بخش گسترده ای از زنان کارگر توسط قانون کار، نه فقط فرصت های شغلی برابر را برای زنان به رویا تبدیل کرده است بلکه استقلال اقتصادی زنان را نیز به هدفی غیر قابل دسترس بدل نموده است.

ورود گسترده نیروی کار زنان به بازار کار در دو دهه اخیر، زنان را به بخش قابل توجهی از طبقه کارگر ایران تبدیل کرده است. بر هیچکس پوشیده نیست که زنان کارگر بیحقوق ترین و ارزانترین بخش طبقه کارگران و شکننده ترین موقعیت را در بازار کار مزدی دارند. تبعیض جنسیتی و نابرابریهای حقوقی که فرودستی اجتماعی زن را در ایران نهادینه کرده است به سرمایه داری اسلامی این اجازه را میدهد که بدون هیچگونه محدودیتی از ذخیره کار فوق ارزان و بسیار منعطفی بهره ببرد، بدون هیچ دغدغه ایی انباشت کند و به رایگان به رشد اقتصادی چند درصدی دست یابد.

از آنجا که زنان کارگر به عنوان بخشی از طبقه کارگر، حضورشان در مبارزه طبقاتی برای عدالت و برابری اجتماعی نقش تعیین کننده ای دارد، سازمان یابی آنان علاوه بر تشکلهای

توده ای کارگران ، در تشکلهای ویژه زنان کارگر نیز تاثیر تعیین کننده ای در دست یابی عمومی زنان به برابری جنسیتی دارد. از آنجا که مبارزه زنان کارگر مبارزه ای برای رهائی از پایه ای ترین نابرابری یعنی ستم طبقاتی است، بر همین اساس مبارزه متشکل آنان برای دستیابی به برابری جنسیتی در شرایط کنونی نیز جدی ترین و پیگیرترین بخش از جنبش عمومی زنان برای برابری اجتماعی است.

فعالین جنبش کارگری در اول ماه مه امسال ضمن اعتراض به وضع موجود، سازماندهی و آگاهگری در میان زنان کارگر را نیز در دستور کار خود قرار می دهند. هر گونه تلاش و کوشش در جهت به میدان آمدن زنان کارگر، در خدمت اتحاد و متشکل شدن گسترده تر طبقه کارگر است. زنان کارگر شاغل، بیکار ، خانه دار، زنانی که قربانی آسیبهای اجتماعی اند، زنان سرپرست خانواده و با منفعت طبقاتی مشترک، بخشی از طبقه کارگراند و نیاز به متشکل شدن دارند. این زنان طی یک مبارزه پیگیر و متشکل است که قادر خواهند بود با اتکاء به نیرو و منافع طبقاتی خود باورهای کهنه را در مورد زن و جایگاه او در جامعه تغییر دهند و با پیوند زدن این مبارزات به مبارزه اجتماعی طبقه کارگر، آزادی و برابری پایدار برای همه زنان را واقعیت بخشند. اول ماه مه امسال را به آغازی برای متشکل شدن زنان کارگر و قویتر شدن اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران تبدیل کنیم.

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر!
پیش بسوی تشکلهای مستقل زنان کارگر!
می ۲۰۲۲

***- مشت محکم اهالی سراوان رشت بردهان فرماندار کلانشهر رشت برای وقت خریدن و ادامه بازی کردن با جانشان با تخلیه زباله در منطقه:**

روز دوشنبه 29 فروردین، حمیدرضا امام پناهی، فرماندار رشت از اهالی سراوان که با مسدود کردن مسیر خودروی حمل زباله از روز دوشنبه 22 فروردین مانع از حمل زباله به منطقه شده اند، می خواهد برای یکبار دیگر به دولتمردان اعتماد کنند که با پاسخ نه قاطع معترضین روبرو شده و مجبور میشود ماستش راکیسه و عقب نشینی کند و مرتب له مردم بگوید: قبوله ، قبوله ، باشد و باشد !!!!

بینید:

<https://media.hamshahrionline.ir/d/2022/04/18/0/4665503.mp4?ts=1650270201000>

***- گزارش تصویری از تخلیه روزانه 700 تن زباله در جنگل سراوان رشت:**



***- تجمعات اعتراضی اهالی سراوان رشت و جلوگیری از حمل زباله به منطقه، همچنان ادامه دارد:**

دور جدید اعتراض اهالی سراوان رشت که از روز دوشنبه 22 فروردین با تجمع در مسیر خودروی حمل زباله و جلوگیری از حمل زباله به منطقه آغاز شده کماکان ادامه دارد.

روز شنبه 27 فروردین، یکی از تجمع کنندگان با اشاره به وضعیت بغرنج و اسف بار زیست محیطی که در پی سال ها انباشت زباله در این منطقه به وجود آمده است، به خبرنگاریک

رسانه محلی گفت: سال ها است مردم در محیطی پر از مگس و آلوده زندگی می کنند. من از مسئولان می خواهم یک بار هم شده بیایند در این منطقه زندگی کنند. آیا مسئولان می توانند یک سال در این مکان به طور دائم به سر ببرند؟

یکی دیگر از اهالی معترض منطقه با بیان اینکه سال ها پیش خانمی که رئیس سازمان محیط زیست بود به این منطقه آمد اما عملاً اتفاقی نیفتاد، گفت: مسئله ی مرگ و زندگی است. مسئله ی سرطان است که بلاگیر مردم منطقه شده است.

***- اعتراض کارگران آبغای بهبهان به عدم دریافت مطالبات:**
<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1219705>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ 28 فروردین 1401 آمده است : کارگران پیمانکاری آب و فاضلاب بهبهان در استان خوزستان، برای دومین روز متوالی به عدم دریافت دو ماه حقوق و عیدی اعتراض کردند.

این کارگران از پاسخ مبهم شرکت آب و فاضلاب به پرداخت مطالباتشان انتقاد کرده و می گویند: چرا باید حقوق ما کارگران با تاخیر پرداخت شود، علارغم اینکه دریافتی ما از کارگران رسمی پایین تر است.

این کارگران می گویند: علیرغم بیان اعتراضاتمان، از هیچیک از مدیران و مقامات پاسخ روشنی نگرفته ایم.

***- ادامه اعتراضات راننده های استیجاری شرکت توزیع برق گیلان نسبت به سطح پایین حقوق و عدم پرداخت عیدی و سنوات:**

برپایه خبرمنتشره در روز یکشنبه 28 فروردین 1401، آمده است : رانندگان استیجاری شرکت توزیع برق گیلان از ادامه اعتراضاتشان نسبت به سطح پایین حقوق و عدم پرداخت عیدی و سنوات، خبردادند.

آنها به خبرنگار رسانه ای گفتند: شرکت به این بهانه که بر روی ماشین قرارداد بسته است، قانون کار را در قبال رانندگان استیجاری رعایت نمی کند. اگر شرکت بر روی ماشین های ما قرارداد بسته پس ما چه کاره هستیم؟ آیا ما به عنوان نیرویی که هم ماشین خود را برای کار آورده و هم کار خود را در اختیار شرکت قرار داده ایم، نباید از حقوق کافی و همه ی مزایای که قانون برای کارگران تعیین کرده برخوردار باشیم؟

آنها افزودند: زیر نظر شرکت پیمانکار کار می کنیم و این شرکت برایمان بیمه کامل رد می کند اما عیدی و سنوات نمی دهد .

آنها ادامه دادند: ما مثل نیروهای دیگر اداره برق از ساعت 7 صبح تا دو نیم ظهر برای کار حاضر هستیم و هر سه روز یکبار هم باید کشیک بایستیم اما از حقوق و مزایای سایر کارکنان برخوردار نیستیم و تنها چیزی که از شرکت پیمانکار دریافت می کنیم همان حقوق ماهیانه مان است .

آنها همچنین گفتند: حقوق رانندگان به قدری کم است که تنها هزینه‌ی استهلاک ماشین آنها می‌شود. با این اوصاف رانندگان بابت کار خود حقوق دریافت نمی‌کنند بلکه حقوقی که دریافت می‌کنند صرفاً بابت اجاره‌ی ماشین‌هایشان است .

یک از رانندگان نیز گفت: با اضافه کاری حدود شش میلیون تومان از شرکت می‌گیرم و با حقوقی که شرکت می‌دهد فقط می‌توانم قسط ماشین و هزینه‌های آن را پرداخت کنم و چون کار نیست و از عقب ماندن قسط ماشین نگرانم، مجبورم در شرکت بمانم و در همین وضعیت ناعادلانه کار کنم .

رانندگان استیجاری شرکت توزیع برق گیلان گفتند: مثل سایر کارگران اجاره‌ی استفاده از مرخصی ماهیانه خود را نداریم و اگر به مرخصی برویم از حقوقمان کم می‌شود .

آنها ادامه دادند: صحبت‌هایی در مورد اینکه قرار است حقوقمان تنها 27 درصد افزایش پیدا کند، شنیده‌ایم که این غیر قانونی است. ما اگر بیمه تامین اجتماعی هستیم باید حقوقمان مطابق با تصمیم شورایی کار افزایش پیدا کند نه اینکه هر چه بخواهند برای ما تعیین کنند .

رانندگان معترض درخاتمه گفتند: شرکت در ابتدای هر سال برگه‌ی تسویه حساب مقابل ما می‌گذارد و ما همان ابتدا و قبل از بستن قرارداد امضا می‌کنیم که تمام حقوق خود را دریافت کرده‌ایم و اگر امضا نکنیم قراردادمان تمدید نمی‌شود .

***- ادامه اعتراضات کارگران شهرداری ایلام نسبت به عدم پرداخت بموقع مطالبات**

تهدید کارگران حق طلب به اخراج از کار بجای پرداخت حق و حقوقشان:

برپایه خبر منتشره روز دوشنبه 29 فروردین، آمده است : کارگران شهرداری ایلام ضمن اعتراض به عدم پرداخت بموقع مطالبات، از تهدید به اخراج از کار از طرف مسئولان شهرداری و شرکت پیمانکاری بجای پرداخت حق و حقوقشان، خبر دادند.

در همین رابطه یکی از کارگران شهرداری به خبرنگار رسانه ای گفت: مشکلات کارگران شهرداری ایلام به سان پروژه‌هایی است که سالها از آنها می‌گذرد اما هیچ پیشرفتی ندارند، کارگران شهرداری، شهری پاک و تمیز را برای مردم به ارمغان آورده‌اند اما این زحمات و سختی‌ها تنها زیبایی برای شهر می‌آفریند و کارگران را ویران می‌کند.

وی با بیان اینکه گلایه‌هایمان تکراری شده افزود: هنوز مشکلات سال گذشته رفع نشده و معوقات پرداخت نمی‌شوند؛ ما از مسئولین شهرداری و شرکت پیمانکاری به جد خواستاریم تا مسائل و مشکلاتمان را مرتفع سازند.

یکی دیگر از کارگران شهرداری ایلام گفت: مسئولان شهرداری و شرکت پیمانکاری ما را از اخراج و توبیخ می‌ترسانند و از ما به جای کار کردن، بیگاری می‌کشند تا صدایمان بلند نشود.

وی ادامه داد: ادعا می‌کنید که شغل ایجاد کردید در حالی که ماه‌هاست از دریافت حق قانونی اضافه کاری، سنوات گذشته، حقوق و حق شیفت شبانه محروم هستیم، انگار نه انگار آدم در مقابل شما قرار دارد، هر روز تهدید می‌کنید و سر کارگران فریاد می‌کشید.

***- اخراج مراقبین سلامت طرح پزشک خانواده استان فارس بجای پاسخگویی به خواسته هایشان هستند:**

مراقبین سلامت طرح پزشک خانواده استان فارس از اخراجشان بعد از پیگیری های بسیارشان در رابطه با مشکلات بیمه ای ، اضافه کار، حقوق اندک، نداشتن مزایا و عیدی و دیگر خواسته هایشان و بیکار شدن از بهمن ماه سال گذشته خبر دادند.

یکی از مراقبین سلامت طرح پزشکی خانواده استان فارس به خبرنگار یک رسانه محلی گفت: در شرایطی که بیمه را خودمان پرداخت می کنیم و با سختی کار کنار آمده ایم اکنون این اقدام غیر منصفانه و ناعادلانه می باشد.

یک مراقب سلامت دیگر گفت: انگار در استان فارس همه چیز بر عکس جاهای دیگر است، چون مراقبین سلامت دیگر استان حاضر در این طرح یعنی مازندران با اعتراض به شرایط شان همان سال اول مشکلات شان مرتفع شد ولی ما پس از این همه پیگیری به نتیجه که نرسیدیم، اخراجمان هم کردند.

یکی از مراقبین سلامت طرح پزشکی خانواده استان فارس از ناتوانی مسئولین علوم پزشکی و مسئولان ارشد استان در رفع این مشکل سخن گفت و ادامه داد: «هر دم از این باغ بری می رسد، تازه تر از تازه تری میرسد» و حالا سوال من از استاندار فارس این است که آیا پاسخ مطالبه گری ما باید به قیمت اخراج شدنمان تمام شود و حق پیگیری مشکلاتمان را نداریم؟

***- عدم پرداخت 5 ماه حقوق کارگران شرکتی شبکه بهداشت و درمان شهرستان بناب :**

برپایه خبرمنتشره آمده است: 5 ماه است حقوق 40 کارگر شرکتی شبکه بهداشت و درمان شهرستان بناب در استان آذربایجان شرقی پرداخت نشده است.

تعدادی از این کارگران به خبرنگار یک رسانه محلی گفتند: از آبان ماه سال گذشته به غیر از یک و نیم میلیون تومان حق کرونا ریالی دریافت نکرده ایم، واقعا از نداری به ستوه آمده و شرمنده خانواده خود هستیم.

***- وعده بازگشت بکار 3 کارگر حق طلب کارخانه سیمان آباده علنی شد:**

روز دوشنبه 29 فروردین، آمده است: وعده بازگشت بکار 3 کارگر حق طلب سیمان آباده از جانب مدیرعامل کارخانه، رسانه ای شد.

***- چرا حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز با هماهنگی قوه قضاییه و نیروهای امنیتی از فرستادن علیرضا ثقفی به بیمارستان هنوز جلوگیری می کند؟**

با وجود تمامی مداراک و اسناد موجود برای وخیم بودن وضعیت جسمانی علیرضا ثقفی حسین فاضلی هریکندی اجازه فرستادن علیرضا ثقفی به بیمارستان نمی دهد و از زمان بازگشت علیرضا ثقفی از پزشک قانونی در روز شنبه به زندان ایشان را در قرنطینه نگه داشته است و حق ارتباط را از او گرفته است. سایر زندانیان نیز دارای شرایط مشابهی هستند مرتضی صیدی نیز نیاز به دارو و درمان دارد که این حق نیز از او گرفته شده است.

گزارش سازمان عفو بین الملل در ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ در مورد مرگ عمدی زندانیان در درون زندان که سندی است بر زجر کش کردن زندانیان بدون طناب و گلوله و دردی است جانکاه برای خانواده ها و جنبش اجتماعی جامعه ایران.

علیرضا ثقفی و مرتضی صیدی در جدال با مرگ و زندگی هستند و این جدال مبارزه ای است از سوی زندانیان با سیستمی که برای بقایش نیاز به خاموش کردن صدای محرومان برای حفظ بقایش دارد .

کانون مدافعان سکوت نمی کند و این وضعیت را به گوش کلیه انسان های آزادیخواه و برابری طلب می رساند و بار دیگر اعلام می کند که حاکمان سر تغییر ندارند و به مسیر چهار دهه گذشته خود ادامه می دهند و این ماشین سرکوب همه تلاش خود را می کند تا صدای زندانی را در زندان خفه کند ولی وظیفه ما و تمام انسانهایی که به ایجاد يك جامعه انسانی و برابری طلب باور دارند می باشد که به تلاش برای حفظ جان زندانیان ادامه دهیم.

***- بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت حکم ظالمانه و خلاف قانون اساسی آقای رسول بدایقی و اعتراض به روند پرونده سازی ها علیه فعالان صنفی:**

معلمان فرهیخته و مطالبه گر، مردم آگاه و فهیم ایران:

رسول بدایقی معلم اخراجی و اسطوره ی مقاومت فرهنگیان در یک دادگاه نمایشی و فرمایشی و به دور از هرگونه انصاف به پنج سال زندان ؛ ۲سال ممنوعیت خروج از کشور و ۲سال ممنوعیت اقامت در تهران و استان های هم جوار محکوم شده است.

این حکم ظالمانه بی تردید یادآور احکامی است که در دادگاه های انگیزاسیون قرون وسطایی برای آگاهان و فرهیختگان صادر می شده.

حاکمیت امروز اراده کرده که نه تنها صدای حق طلبانه ی معلمان را نشنیده بگیرد، بلکه با تشدید فشارها و پرونده سازی های نابخردانه ؛ جنبش معلمان ایران را به محاق ببرد. پس از تجمعات گسترده و افتخار آمیز و به حق معلمان از تاریخ مهر تا اسفند ۱۴۰۰

حاکمیت در اسفند ماه در گام نخست با پرونده سازی برای کنشگران سراسر کشور، خط جدید و گسترده تری را برای سرکوب معلمان مطالبه گر را پی ریزی کرد.

در گام دوم با ارباب و تهدید ، تجمع حمایتی و مسالمت آمیز معلمان، در شهرستان رودسر در اعتراض به محاکمه عزیز قاسم زاده را با سرکوب وحشیانه پاسخ داد.

در مرحله سوم، هم زمان با نزدیک شدن به هفته معلم، با صدور حکمی ظالمانه و غیر قابل باور برای رسول بدایقی، نهایت ترس و وحشت خود را از کنش صنفی و جنبش مدنی و آگاهانه معلمان نشان داد.

اما معلمان ایران نشان داده اند که هیچ عاملی نمی تواند آنان را از مطالبه گری حق طلبانه باز دارد و به کنج عزلت و بی تفاوتی و درماندگی بکشاند، معلمان مکرر فریب مسئولان و عدم تعهدشان را طی سالیان متمادی تجربه کرده اند واز همین رو اعتراض میدانی را اینک تنها راه حل برای عقب نشینی فرهنگ ستیزانی می دانند که در جای جای این سرزمین بر مصادر امور تکیه زده اند و جز چپاول سرمایه های ملی و تعدی به حقوق ملت، یادگار دیگری از خود بر جای نگذاشته اند.

احکام قضایی ناعادلانه باعث شده که رسول بدایقی در زندگی با سختی های بسیاری روبرو شده و با محکومیت او به حبس های ناعادلانه، درصد به انزوا کشاندن ایشان هستند. در صورتی که بدایقی تنها در یک مرحله هفت سال زندان بدون یک دقیقه مرخصی را سربلند و سرافرازانه پشت سر گذاشته است. مسلما پرونده سازی های ناجوانمردانه و صدور احکام ناعادلانه ی قضایی برای رسول بدایقی کوچکترین خللی در اراده و عزم مثال زدنی او به وجود نخواهد آورد و معلمان ایران زمین را بر مطالبه گری به حق شان مصمم تر خواهد نمود.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکومیت شدید حکم غیر انسانی، غیر قانونی و ظالمانه رسول بدایقی ، اعلام می دارد صادر کنندگان این حکم ناعادلانه و ناجوانمردانه، پاسخ کردار معلم ستیزانه خود را در تجمع یکم اردیبهشت ماه از جنبش معلمان ایران زمین دریافت می کنند.

دهن کچی به خواسته معلمان با صدور چنین احکامی مسلما تبعات سنگینی برای حاکمیتی دارد که امروز معلم ستیزی را در صدر برنامه های خود قرار داده و با انتخاب وزیرانی در راس

آموزش و پرورش که هیچ نسبتی با مطالبات معلمان نداشته اند، تا به امروز، این تقابل را به روشنی به نمایش گذارده اند.

بی تردید جامعه ایرانی برای داشتن ایرانی آباد و آزاد و مملو از عدالت، چشم امیدش به معلمان حق طلبی چون رسول بدای، اسماعیل عبیدی، جعفر ابراهیمی، عزیز قاسم زاده، مهدی فتحی؛ رسول کارگر؛ محمود بهشتی لنگرودی، محمد فلاحتی، صلاح آزادی، رادا مردانی، محمود ملاکی و هزاران هزار معلم آزادیخواه سراسر کشور است که به فرهنگ حق طلبی و عدالت خواهی در میان معلمان و باور عمومی یاری رسانده اند. حاکمان بهتر است بدانند که اگر فرهیختگان و معلمان یک مملکت را بشکنند، خودشان توسط مردم شکسته و له می شوند و این سزای بی عدالتی حاکمان ظالم است!!

لذا شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از رسول بدای و سایر همکاران دارای پرونده به حاکمیت هشدار می دهد که به عواقب رفتار معلم ستیزانه با آموزگاران شریف ایران اندیشه کند و راهی نو را برای حل بحران ها و معضل های کشور بیابد.

باشد که عاقبت زیان کاران و خشک مغزان متحجر عبرتی باشد برای آنان که برشاخ قدرت نشسته و نابخردانه همان شاخ را به تیغ ظلم می برند.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

۲۹ فروردین ۱۴۰۱

***- ادامه بی خبری از مرتضی صیدی، نصرالله امیرلو و محمد ایران نژاد از بازداشتی های پارک کرج :**

برپایه خبر منتشره در سطح شبکه های مجازی آمده است : امروز بیست و نهم فروردین ماه در حالی وضعیت مرتضی صیدی را پیگیری کردم، که دخترم را که از شب دستگیری مرتضی تب کرده و بیمار است را تنها گذاشتم، و همراه برادر شریک زندگی ام به پلیس امنیت و اداره ای اطلاعات و دادسرا مراجعه کردیم. تمام روز را بین اداره ای اطلاعات و دادسرا در رفت و آمد بودیم؛ اما پاسخ روشنی از وضعیت مرتضی و نصرالله امیرلو و محمد ایران نژاد دریافت نکردیم!

ما خانواده ها با گذشت چهار روز از بازداشت عزیزانمان، همچنان اطلاع نداریم، که کدام ارگان آن ها را دستگیر کرده و در کدام محل نگهداری می شوند. این روزها، هر لحظه اش برای دخترم هراس و برای من نگرانی بوده است.

لازم به ذکر است، که نیروهای امنیتی به خانواده های امیر عباسی و سارا عسگری که همان روز دستگیری آزاد شدند، فشار می آورند که خودشان را به اداره ای اطلاعات تهران معرفی کنند.

این رویه فشار روانی و اضطراب را به خانواده ها تحمیل می کند، و تنها پشت گرمی ما حمایت رهبران و فعالان کارگری و متحدان طبقه ی کارگر است !

***- بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) درمحکومیت افزایش فشارهای قضایی بر محمود بهشتی ،رسول بدای ورسول کارگر و دعوت به شرکت در تجمع اول اردیبهشت ماه فرهنگیان شاغل وبازنشسته منتشر شد:**

برپایه خبر منتشره در روز دوشنبه 29 فروردین،آمده است : کانون صنفی معلمان ایران (تهران) بیانیه ای بشرح زیر درمحکومیت افزایش فشارهای قضایی بر محمود بهشتی ،رسول بدای ورسول کارگر و دعوت به شرکت در تجمع اول اردیبهشت ماه فرهنگیان شاغل وبازنشسته،منتشرکرد:

سال گذشته باوجود وعده های مکرر فرادستان آموزشی و تبلیغات رسانه های رسمی، به هیچ کدام از مطالبات برحق فرهنگیان پاسخی داده نشد.

امسال هم در حالی که به روز های منتهی به هفته معلم نزدیک می شویم همچنان، شاهد پروپاگاندای رسانه ای وزیر آموزش و پرورش و سخنگوی این وزارت خانه ، حول خواسته ها و مطالبات فرهنگیان هستیم، و به نظر نمی آید شاهد تحولی هر چند محدود در نوع پاسخگویی فرادستان آموزشی به فرهنگیان برای سال جدید باشیم.

اما علی رغم عدم پاسخگویی ها، فشار نهادهای امنیتی و قضایی بر معلمان و فعالان صنفی که در طول سال گذشته وجود داشت، همچنان ادامه دارد، و هر هفته شاهد صدور احکام جدید یا پرونده سازی برای فعالان صنفی هستیم.

در تازه ترین این موارد، محمود بهشتی لنگرودی نایب رئیس کانون صنفی معلمان ایران (تهران) به اتهام های واهی و ساختگی به دادگاه لنگرود احضار شده و مورد محاکمه قرار گرفت.

همچنین رسول بدایق دیگر فعال صنفی معلمان و عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان اسلامشهر بعد از حضور در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب، در کمترین زمان، حکم بدوی پنج سال حبس را از قاضی ایمان افشاری دریافت کرد.

رسول کارگر دیگر فعال صنفی معلمان از استان فارس نیز با تایید حکم محکومیت یک ساله اش در دادگاه تجدید نظر مواجه شد.

در کنار اینها همچنان شاهد پرونده سازی های جدید برای فعالان صنفی و معلمان در سراسر کشور هستیم .

به نظر می آید استراتژی دولت سیزدهم در کنار عدم پاسخگویی به مطالبات برحق معلمان، افزایش فشارهای امنیتی و در کنار آن تشکیل پرونده و صدور احکام قضایی برای مهار جنبش معلمان است.

با این همه روشن است که همانطور که در گذشته، با وجود همه فشار ها، تشکلهای صنفی فرهنگیان از مطالبه گری برحق خود عقب ننشسته اند، این بار هم این استراتژی که راهبرد همه دولت های پیشین نیز بوده است، با حضور گسترده معلمان در تجمع مسالمت آمیز اول اردیبهشت ماه شکست خواهد خورد.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن محکومیت مجدد فشارهای امنیتی و قضایی بر فعالان صنفی و بویژه فشار های اخیر بر آقایان محمود بهشتی ، رسول بدایق و رسول کارگر ، از همه معلمان سراسر کشور دعوت می کند که با حضور گسترده در تجمع اول اردیبهشت ماه، ضمن نشان دادن اعتماد مجدد خود به شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، پاسخ کوبنده ای به وعده های دروغین دولت سیزدهم، نهادهای امنیتی و دستگاه قضایی دهند .

***- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه: صدور حکم پنج سال زندان برای معلم حق طلب و مبارز رسول بدایق را قویا محکوم می کنیم:**

به گزارش کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه آمده است: رسول بدایق از فعالین شناخته شده معلمان که سالهاست برای احقاق حقوق معلمان فعالیت می کند، در پرونده ای جدیدی از سوی شعبه بدوی ۲۶ دادگاه انقلاب به پنج سال زندان و دو سال تبعید به خارج از تهران و استان های همجوار محکوم گردیده است .

بدایق پیش از این هم به دلیل فعالیت های صنفی هفت سال زندانی بوده است. ایشان پس از زندان نیز مداوم از سوی عوامل امنیتی تحت فشار بوده تا دست از فعالیت صنفی و حق طلبانه بردارد، اما زندان، اخراج از کار، تهدیدهای پلیسی امنیتی و اذیت و آزار هرگز

نتوانست اراده ایستادگی، مقاومت در مقابل ظلم و فساد را در این معلم مبارز و فداکار، متزلزل کند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن حمایت از تمامی مطالبات معلمان، تعقیب و مراقبت پلیسی - امنیتی معلمان و پرونده سازی و صدور احکام زندان برای آنان را محکوم می‌کند و خواهان لغو حکم ظالمانه علیه رسول بدایق و آزادی بی‌قید و شرط تمامی معلمان و فعالان کارگری محبوس می‌باشد.

***- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ؛ حکم صادره برای رسول بدایق معلم شناخته شده اسلام شهر را قویا محکوم می کند !**

به نوشته کانال تلگرامی سندکای کارگران نیشکر هفت تپه آمده است : ریشه داران را هراسی از هجوم باد نیست، چرا که آن که باد می‌کارد؛ توفان درو خواهد کرد !

دستگاه قضایی در فاصله تعطیلات نوروز، به تعطیلات نرفت و سخت مشغول بود تا با صدور دهها برگ احضاریه برای فعالان مطالبه گر معلمان کشور از جنوب تا شمال و از شرق تا غرب ، آنچه را فرهنگیان طی تحرکات خیابانی خود کاشته بودند، درو کنند تا اقتدار و قدرتی خود را در سرکوب فعالان به نمایش بگذارند.

درابتداء کارو امتداد پرونده سازی ها پنج تن از عزیزان کانون صنفی معلمان خوزستان به نام آقایان : سیامک چهرازی، بهنیا بهمنی نژاد، اقبال تامرادی، شهریار شیروانی و سرکار خانم کوکب بدایق را ابتداء احضار و بازپرسی نمایند و جلسه برگزاری دادگاه آنان را به بعد از تعطیلات نوروز موکول گردانند . جمعی از معلمان خوزستان به صورت نمادین همکاری که احضار شده بودند را همراهی کردند و اعلان داشتند : «ما همکارانمان را تنها نمی گذاریم اگر می‌توانید همه ما را زندان کنید و افزودند : چنانچه پرونده فعالین صنفی خوزستان مختومه نشود، صدها معلم از خوزستان و هزاران معلم از سراسر کشور در جلسه بعدی معلمان خوزستانی را همراهی خواهند کرد.»

تا به امروز در زندان ماندن اسماعیل عبدی- محمد تقی فلاحی - هاشم خواستار معلمان شناخته شده در کنار لیست احضار معلمان تهران - گیلان - خوزستان- لرستان- خراسان- فارس- کرمانشاه - کردستان و بوشهر، راه برون رفت شما نیست بلکه چاه ویلی است که خود در آن اسیر گشته اید. برایتان راهی جز آزادی فعالان زندانی و لغو تمام احکام نامانده است .

لیست احضارها آنچنان پُر شمار می‌نماید که انگار حضرات به شکار همه فعالان مطالبه گر میدانی بر آمده اند از جمله خانم ها و آقایان : مریم اکبری منفرد، شهاب سلطانیان، چهار فعال حقوق ندای زنان ایران ، ناهید شقاقی، اکرم نصیریان، مریم محمدی و اسیرین درکاله - همچنین دادستانی لردگان ۹ تن از فرهنگیان به نامهای نادر شریفی، کوروش قنبری، زادعلی محمودی، محمد سعیدی ابواسحاقی، کوروش شریفی، حمیداسحاقی، محمد امیری، غلامحسین موسوی و علی بابامیر را به دادگاه فراخوانده است. فرهنگیان شناخته شده رسول بدایق- حمید قندی- ژاله روحزاد - محمودبهبشتی لنگرودی - محمودملاکی - اصلاح آزادی از معلمان مریوان - رسول کارگر فعال صنفی فرهنگیان - اخضار و حکم گرفته اند.

آنچه قابل توجه می‌باشد احضار آقای رسول بدایق و حمید قندی فعال صنفی معلمان و عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان اسلامشهر بعد از حضور در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب، در کمترین زمان، حکم بدوی ایشان به شرح زیر آمده است. در این رابطه آقای « رامین صفر نیا» وکیل رسول بدایق در توییتی اعلام کرد : « موکلش #رسول_بدایق بابت اجتماع و تبانی به چهار سال حبس و به اتهام فعالیت تبلیغی به یک سال حبس محکوم شده است. آقای بدایق همچنین به منع خروج از کشور و منع اقامت در تهران و تمام استانهای هم جوار به مدت دو سال محکوم شده است. این حکم بدوی است و قابلیت اعتراض در دادگاه تجدید نظر دارد»

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در واخواست دوره اخیر خود آورده اند : « هیچ یک از مطالبات سال گذشته فرهنگیان تحقق نیافته است. احضارها، پرونده سازی ها، بازداشت و تهدید معلمان متوقف شده و احکام ظالمانه علیه فعالان صنفی لغو شوند»

از نظرسندی‌کای کارگران نیشکر هفت تپه ؛ این گونه احکام نخ نما ، فعالان فرهنگی و جنبش معلمان را پویا تر ، فراگیر تر و راسخ تر از گذشته راغب به خیابان آمدن نموده است . امروز بیش از هر وقتی تمکین در برابر خواست آزادی معلمان زندانی و لغو تمامی برگ های احضاریه ها و احکام صادره ، مطالبه اکثریت کارگران و زحمتکشان و اکثریت مردم ایران است

زنده باد اتحاد و مبارزه سراسری جنبش کارگری در همراهی با فرهنگیان !

سندی‌کای کارگران نیشکر هفت تپه

دوشنبه ۲۹/فروردین/۱۴۰۱

https://t.me/syndica_7tape

***- در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد؛ دولت با پرداخت بن غیرنقدی گرانی و تورم را مدیریت کند:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1219562>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ دو شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۱ آمده است : حسن رحیون (رییس اتحادیه پیشکسوتان استان گیلان) با انتقاد از رویکرد برخی مسئولان در اصرار بر حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی گفت: هدف از تخصیص ارز دولتی، کمک به اقشار ضعیف جامعه از جمله کارگران و بازنشستگان بود، اما با حذف ارز دولتی، در عمل مشاهده می‌کنیم که دهک‌های پایین جامعه و محرومان فراموش می‌شوند .

رحیون با تاکید بر اینکه در شرایط تورم و گرانی که کنترل آن از دست دولت خارج شده، می‌بایست حمایت‌های جدی از محرومان صورت بگیرد، گفت: با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، باعث شدت گرانی می‌شویم و زندگی و روزگار دهک‌های پایین جامعه را سیاه می‌کنیم. زیرا قیمت کالاها رشد سرسام‌آوری خواهد داشت و محرومان توان خرید خود را از دست می‌دهند .

وی با اشاره به سفره‌های خالی کارگران و بازنشستگان گفت: گرانی و تورم فزاینده که از کنترل خارج شده و معلوم نیست چه دست‌هایی آن را هدایت می‌کنند، روز به روز معیشت محرومان را تهدید می‌کند، به نوعی که امروز مردم در هر نقطه‌ای که باشند، فردا به درجه‌ای پایین‌تر سقوط می‌کنند .

رییس اتحادیه پیشکسوتان استان گیلان خطاب به مسئولانی که بر حذف ارز دولتی اصرار دارند، گفت: کسانی که حتی ادبیات ابتدایی اقتصاد را می‌دانند، به سادگی درک می‌کنند که با حذف ارز دولتی، قیمت کالاها رشد سرسام‌آوری خواهد داشت و نباید به این سیاست روی آورد .

رحیون با تاکید بر اینکه اگر تورم و گرانی بیش از این دامن‌گیر مردم شود زندگی به مراتب سخت‌تر از امروز خواهد شد، گفت: دولت باید به فکر روزی باشد که مردم توان خرید کالاها را ندارند، گرانی‌ها سر به فلک کشیده و راهی برای بازگشت وجود ندارد، به همین دلیل دولت امروز باید در حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی با درایت بیشتری حرکت کند .

وی بر احیای بن‌های غیرنقدی تاکید کرد و گفت: اگر دولت ادعا می‌کند که در توزیع ارز دولتی فساد و تخلف وجود دارد، بی‌شک این فساد و تخلف در زیرمجموعه‌های دولتی است و در اصل دولتمردان با این ادعا، سیستم مدیریتی کشور را متهم به رانت و فساد می‌کنند. در صورتی که می‌توان با استفاده از نظام توزیع منطقی و کارآمد، مشکلات فساد ناشی از توزیع ارز دولتی را حل کرد .

رئیس اتحادیه پیشکسوتان استان گیلان با اشاره به ظرفیت اتحادیه تعاونی‌های مصرف کارگری (امکان) گفت: اگر دولت بار دیگر بن‌های غیر نقدی از جمله بن کارگری را برای کارگران و بازنشستگان احیا کند، آنگاه می‌تواند کالاهای اساسی که با ارز دولتی وارد کشور شده و از انبارهای محتکران و فرصت‌طلبان سردرآورده را از طریق تعاونی‌های مصرف به درستی توزیع کند .

وی نظارت بر توزیع کالاهای اساسی از طریق امکان را اقدامی مهم و تاثیرگذار توصیف کرد و گفت: به جای آن که مسئولان اصرار بر حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی داشته باشند و با این سیاست غلط بر تورم و گرانی دامن بزنند، بهتر است در قالب بن غیر نقدی، به مدیریت تورم و گرانی‌هایی بپردازند که از کنترل دولت خارج شده است.

***- اعلامیه مشترک سندیکاهای کارگری سوئد خواهان لغو احکام ناعادلانه علیه رسول بدایق توسط دادگاه تجدید می باشند !**

پنج تشکل اتحادیه ای در سوئد با نام های : 1- سازمان مرکزی کارگران سوئد، ال او 2- سندیکای کارگران حمل و نقل سوئد3- اتحادیه فلز سوئد 4- اتحادیه کمونال (شهرداریها) 5- اتحادیه سراسری معلمان سوئد به ابتکار (پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد/ایران) در دفاع از مبارزات معلمان و محکومیت حکم رسول بدایق انتشار داده اند و آورده اند : بنا به اطلاع رسانی رامین صفرنیا وکیل رسول بدایق؛ ایشان توسط دادگاه انقلاب تهران به ۵ سال زندان، ممنوعیت از خروج از کشور، منع اقامت در تهران و استانهای همجوار به مدت دو سال محکوم شده اند. این حکم قابل تجدید نظر است .

صدور حکم زندان برای رسول بدایق بیشتر از آنکه در مورد فعالیت های ایشان چیزی بگوید صدور حکمی در مورد عدم پایبندی مقامات قضایی ایران به ابتدایی ترین حقوق برسمیت شناخته شده بین المللی در حوزه فعالیت های سندیکالیستی و حقوق شهروندی است .

سندیکاهای کارگری در سطح جهان سالهاست که فعالیت های آقای رسول بدایق را از نزدیک دنبال کرده و با آن بدقت آشنايند. رسول بدایق عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان اسلامشهر بوده و با همیاری دیگر معلمان مطالبه گر خود را وقف فعالیت در شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران برای دفاع از حقوق معلمان کرده است. آیا تلاش برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش، طرح مطالبه همسان سازی و بهبود شرایط کار و معیشت معلمان، تلاش برای عملی شدن قانون آموزش با کیفیت و رایگان برای دانش آموزان جرم است؟ دادگاه و دستگاه قضایی که این فعالیتها را جرم نگاری میکند در نزد افکار عمومی حکم نقض آشکار ابتدایی ترین حقوق شهروندی توسط خود را صادر کرده است .

طی این سالها رسول بدایق هزینه های بیشماری برای این فعالیت های انسانی پرداخته است. هفت سال زندان، اخراج از کار، تهدید و انواع فشارهای امنیتی به بخشی از زندگی روزمره ایشان تبدیل شده است. این بغایت غیر انسانی است و ما به آن به شدت اعتراض داریم. رسول بدایق و همه معلمان متشکل در کانون های صنفی و شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، نشان داده اند که اینگونه فشارها و تحمیل هزینه های گزاف عزم

آنان را برای تحقق خواسته‌های برحق خویش صد چندان میکند. با صدور حکم زندان علیه رسول بدایق صورت مسئله حذف نمی شود. دولت ایران بجای هزینه کردن برای هزینه سازی برای معلمان مبارز بهتر است که خواسته‌های برحق آنان را متحقق کند.

صدور حکم زندان علیه رسول بدایق ضد انسانی است و این حکم در دادگاه تجدید نظر باید لغو شود. رسول بدایق نباید هزینه بیشتری برای دفاع از حقوق معلمان بپردازد. این بانگی است که طی چند روزه اخیر توسط معلمان مبارز و تشکل های معلمان در سراسر کشور به صدا در آمده است و بانگ آن در روز اول ماه مه رساتر خواهد شد. مقامات قضایی و دولت ایران بهتر است در پاسخگویی به این بانگ هر چه زودتر این حکم و همه احکام ناعادلانه علیه معلمان معترض و حق خواه را لغو کنند.

پلاتفرم سندیکا‌های کارگری سوئد خود را در این بانگ رسا، عدالتخواه و آزادیخواه سهیم میداند و به سهم خود در بین المللی کردن این صدا تلاش میکند. احکام ناعادلانه علیه رسول بدایق بدون قید و شرط و فوراً باید لغو شوند .

ما با جدیت خواهان موارد زیر هستیم :

*آزادی فوری همه فعالین کارگری، مد نی و معلمان زندانی

*تصویب و اجرای مقاوله نامه های حقوق بشر سازمان ملل، مقاوله نامه ۲۳ و مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار

* سازمانهای کارگری سندیکایی و نمایندگان منتخب و اعضای آنها بدون ترس از خشونت، تهدید زندان و اخراج از کار اجازه فعالیت داشته باشند

پلاتفرم سندیکا‌های کارگری سوئد/ایران :

۱۸ آوریل ۲۰۲۲

***- در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد؛ تنها یک بیمارستان تامین اجتماعی در استان گیلان وجود دارد:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1219608>

به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ دو شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۱ آمده است : حسن ایزدی (دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان) با اعلام اینکه بیش از ۵۴ درصد جمعیت استان را کارگران و بازنشستگان تشکیل می‌دهند، گفت: متأسفانه این جمعیت در سطح استان گیلان از خدمات درمانی محروم هستند و در سخت‌ترین شرایط زندگی می‌کنند .

ایزدی با اعلام اینکه استان گیلان تنها یک بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی متعلق به سازمان تامین اجتماعی دارد، گفت: این بیمارستان در رشت است و مردم سایر نقاط استان گیلان برای آنکه به خدمات درمانی تخصصی دست پیدا کنند، ناچارند کیلومترها راه تا مرکز استان طی کنند و این در حالی است که معلوم نیست بتوانند نوبت درمان بگیرند .

وی با اعلام اینکه استان گیلان دو میلیون و ۶۰۰ هزار جمعیت دارد، گفت: حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر از جمعیت استان گیلان را کارگران، بازنشستگان و خانواده‌های آنها تشکیل می‌دهند که یک بیمارستان برای این جمعیت، به هیچ وجه پاسخگو نیست .

دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان با اعلام اینکه درمان همچون بسیاری از خدمات رفاهی در خدمت پولداران است، گفت: در استان گیلان بیمارستانهای خصوصی بسیاری وجود دارد، اما کدام کارگر یا بازنشسته‌ای را سراغ دارید که بتواند هزینه‌های درمان یک بیمارستان خصوصی را با حقوق‌های ناچیز حداقلی پرداخت کند .

وی با اعلام اینکه بارها اتفاق افتاده که کارگران و بازنشستگان به دلیل بیماری قلبی یا بیماری‌های حساس دیگر از بیمارستان وقت گرفته‌اند اما نوبت‌های طولانی به آن‌ها داده شده است، گفت: گاهی کارگری یا بازنشسته‌ای قبل از آنکه نوبت ویزیت یا درمانش فرا برسد، جانش را بابت بی‌پولی یا بهتر بگوییم کارگر و بازنشسته بودن از دست می‌دهد .

ایزدی با اعلام اینکه در استان گیلان هفت دستگاه آنژیوگرافی وجود دارد، گفت: در بیمارستان تامین اجتماعی استان گیلان با بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار مخاطب، تنها یک دستگاه آنژیوگرافی وجود دارد که اگر به صورت شبانه روزی کار کند، معلوم نیست نوبت یک بیمار کی فرا خواهد رسید .

وی با اعلام اینکه بیمارستان تامین اجتماعی استان گیلان در زمینی به مساحت ۲۰ هکتار احداث شده، گفت: زمین بیمارستان بسیار بزرگ است و می‌توان با ساختن درمانگاه‌ها و مراکز درمانی دیگر در این زمین، به خدمت‌رسانی برای کارگران و بازنشستگان اقدام کرد .

دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان از نبود بسیاری از تخصص‌ها در تنها بیمارستان استان گیلان ابراز تاسف کرد و گفت: کارگران و بازنشستگان استان گیلان ناچار هستند برای استفاده از یک تخصص، به بخش خصوصی مراجعه کنند که هزینه‌های سرسام‌آوری بر دوش آنان گذاشته می‌شود .

وی معاونت درمان سازمان تامین اجتماعی را مخاطب قرار داد و گفت: انتظار داریم هر چه سریعتر برای بخش درمان استان گیلان فکری اساسی و عاجل اندیشیده شود تا کارگران و بازنشستگان گیلانی به دلیل ناتوانی مالی و نبود امکانات درمانی درمانده نشوند.

***- جمعی از اهالی تهران نسبت به قلع و قمع 100 اصله درخت بوستان چیدر، تجمع اعتراضی نمودند:**

برپایه گزارش منتشره آمده است : روز دوشنبه 29 فروردین، برای اعتراض به قلع و قمع 100 اصله درخت بوستان چیدر در شمیران تهران و پاسخ شهرداری تهران دست به تجمع زدند.

برپایه گزارش رسانه ای شده، شهرداری تهران در واکنش به خبر قلع و قمع درختان بوستان چیدر اعلام کرد: چند اصله درخت از این بوستان جابجا و در پارک قیطریه کاشته شد و احداث پارکینگ به درخواست شورایی محله دنبال خواهد شد.

اهالی محل امروز ضمن تجمع با این کار مخالفت و شورایی در مراجعه اهالی، درخواست پارکینگ را تکذیب کرد، بنابراین گزارش، الان فصل جابجایی نیست. اگر می‌خواهید قانونی کار کنید چرا در ایام تعطیل؟ معلوم است که کاری خارج از عرف انجام شده .

حال سوال این است اگر اقدام قانونی بوده چرا مخفیانه و در ساعت 2 بامداد؟ و آیا الان فصل جابجایی است؟

امروز با حضور صداوسیما مشخص شد تعداد درختان کنده شده بالغ بر 100 درخت بوده است.

***- بیانیه حمایتی بازنشستگان دانشسرای مهرماه 1400 فارس از تجمع روز پنجشنبه یکم اردیبهشت ماه فرهنگیان:**

من اگر برخیزم

تو اگر برخیزی

همه بر می‌خیزند

روز ۲۸ فروردین یادآور سالروز حماسه‌ای تاریخی از همدلی و همراهی و یکپارچگی شیرزنان و شیرمردان دانشسرای است که ثابت کردند که حق گرفتنی است و با حضور پرشور خود در

تجمع تاریخی جلو دیوان عدالت اداری و وزارت آموزش و پرورش، حق خود را بازپس گرفتند و پیروز شدند و الگویی برای همه فرهنگیان و حتی دیگران برای انسجام و مطالبه گری شدند، ضمن تبریک به دانشسرای های عزیز و حق طلب و مطالبه گر سراسر کشور به مناسبت آن پیروزی بزرگ، بار دیگر در یکم اردیبهشت ۱۴۰۱ دانشسرای ها به همراه دیگر همکاران فرهنگی برای دفاع از حقوق خود و همکاران و خانواده و اجرای همسان سازی حقوق شاغلین و بازنشستگان و اجرای کامل رتبه بندی و همچنین تقاضای پرداخت پاداش بازنشستگی با گذشت هفت ماه، اعتراض به پرونده سازی و احکام ناعادلانه برای همکاران فعال و شجاع، در خیابان معدل شیراز اداره کل آموزش و پرورش فارس تجمع خواهیم کرد و فریاد حق طلبی سرخواهیم داد.

***- فراخوان همکاران به اعتصاب برای دوم اردیبهشت ماه آماده می شویم:**

به نوشته شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت آمده است: این بار ما کارگران نفت و گاز در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهایمان و بی پاسخ ماندن خواستها و مطالباتمان از روز دوم اردیبهشت وارد اعتصاب میشویم .

پیمانکاران مفتخور حتی از افزایش دستمزد تایید شده شورای عالی کار که 57 درصد اعلام شده امتناع میکنند .

بسیاری از شرکت ها به کارگران خود گفته اند ما افزایش حقوقی برایتان نخواهیم داشت. این درحالی است که قیمت اجناس سرسام آور افزایش یافته و این افزایش ها سیر صعودی دارد.

در مقابل قلدری های پیمانکاران در بعضی کارگاهها همکاران ما دست از کار کشیده و تسویه حساب کرده اند. در برخی شرکت ها نیز در درون شرکت دست به اعتصاب زده اند .

برای آن که تصویر روشن تری از اوضاع داشته باشیم به اخبار زیر توجه کنید:

- بنا بر گزارش همکاران در شرکت ناورود در پتروشیمی کنگان سطح دستمزدها بسیار پایین و مزد را بر اساس 30 روز کار محاسبه میکنند . یعنی در آنجا 24 روز کار است و شش روز استراحت .

- فیتراهای پتروپالایش کنگان در شرکت فولاد کوشان 22 روز کار میکنند بدون تو راهی ولی در همانجا جوشکاران با 20 روز کار و 10 روز مرخصی کار میکنند .

- روز 25 فروردین همکاران ما در پتروشیمی آراین متانول با خواست افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. در برابر اعتصاب کارگران پیمانکاران خواستند که تا روز 27 فروردین سر کار بروند تا به آنها پاسخ داده شود. بعد هم با قلدری به کارگران اعلام کردند یا سر کار بروید و یا تسویه حساب کنید .

- در سایت 1 پتروشیمی بوشهر نیز در برابر اعتصاب همکاران، پیمانکاران تهدید کرده اند که با کسانیکه سرکار برنگردند تسویه حساب میشود و به جای آنها نیروی جدید خواهند گرفت.

- روز جمعه ۲۶ فروردین حدود ۴۰۰ نفر از همکاران پروژه ساخت مخازن در پالایشگاه آدیش کنگان (پیمانکاری جمشید ممبینی ؛ شرکت مبین صنعت کوشای اسپانه) در اعتراض به عدم افزایش 57 درصدی دستمزدها در حرکتی اعتراضی کار را تعطیل و با پیمانکار پروژه تسویه حساب کردند. پیمانکار پروژه فقط حاضر به افزایش ۱۰ درصدی دستمزدها بودند که با اعتراض همکاران روبرو شد. در مقابل این موضع پیمانکار همکاران ایستاده و گرفتن کار در این شرکت را تحریم کرده اند.

- همکاران در پتروشیمی بوشهر نیز خواستار بیست روز کار و ده روز استراحت و افزایش حقوق 37 درصدی هستند و بر اعتصاب متحدانه برای روز دوم اردیبهشت تاکید دارند .

-همکاران ما در ساختار صنعت پتروشیمی ارین متانول با خواست افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. در مقابل حسن نیا رئیس شرکت اعلام کرده است که شرایط همین هست که هست و هر کسی ناراضی است تسویه حساب کند و برود و کارگران هم کوتاه نیامده و به اعتراض خود ادامه میدهند

همه اینها نشان میدهد که نیروهای هر شرکت به تنهایی نمیتوانند با قلدری های پیمانکاران مقابله کنند. پیمانکاران چپاولگر متحد عمل می کنند و ما هم باید متحد باشیم تا بتوانیم تعرضات هر روزه به زندگی و معیشتمان را عقب زنیم .

در مراکزی کارگران روز دوم اردیبهشت را به عنوان روز اعتصاب و اعتراض به زورگویی های پیمانکاران اعلام کرده اند .

"شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی" همصدا با این نیروها از همه همکاران میخواهد که متحدانه کنار یکدیگر بایستند و با اعتصاب قدرتمند خود و نشستن در مقابل کارگاههایشان مقابل قلدری های پیمانکاران چپاولگر بایستند و این روز را به روز نمایش اتحاد و همبستگی خود تبدیل کنند .

همکاران! خواست ما کارگران پروژه ای و پیمانی کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی در مراکز نفتی است. ما خواستار افزایش حقوقها متناسب با نرخ واقعی هزینه های زندگی و افزایش هر روزه آن هستیم و همانطور که قبلا هم اعلام کرده ایم مزد هیچ کارگری نباید کمتر از 16 میلیون باشد. در عین حال درمان رایگان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن حقوق پایه ای همه کارگران و همه مردم است. همچنین باید به امنیتی کردن مبارزات و تهدید کارگر به اخراج بخاطر طلب حق و حقوقش خاتمه داده شود .

ما خواستار شرایط انسانی کاری و زیستی در محیط کار و زندگی مان هستیم. خوابگاهها و غذاخوریها و وضع غذا باید بهبود قابل قبولی پیدا کنند. هنوز در بعضی کارگاهها همکاران ما جای مناسبی برای غذاخوری ندارند و باید در گرما و سرما در محیط باز غذای خود را میل نمایند. ما با تاکید بر این مطالبات از همه همکاران میخواهیم که در روز 11 اردیبهشت، روز جهانی کارگر در مقابل کارگاهها و دفاتر مناطق ویژه اقتصادی جمع شویم و حق و حقوقمان را طلب کنیم و همصدا با همه کارگران و همه مردم و هم طبقه ای هایمان در سراسر جهان روز جهانی کارگر، اول ماه می را گرامی بداریم!

***- درخواست کارگران تعدیل شده شهرداری منطقه دو نیشابور برای بازگشت به کار**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1220595>



به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ سه شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: شماری از کارگران تعدیل شده بخش خدمات شهرداری منطقه دو نیشابور صبح امروز (سی ام فروردین ماه) به نامشخص بودن وضعیت شغلی خود اعتراض کردند.

یکی از این کارگران در خصوص دلایل اعتراض خود و سایر همکارانش گفت: ۹۶ کارگر پیمانکاری بخش خدمات شهرداری منطقه دو نیشابور با سوابق بالای کاری هستیم که از

ابتدای سال جاری بعد از خروج پیمانکار از شهرداری از ورودمان به محل کارمان جلوگیری شده و بیکار شده‌ایم.

او گفت: وضعیت پیش آمده در حالی ادامه دارد که با اتمام قرارداد پیمانکار، مسئولان برای بازگشت به کار کارگران وعده عقد قرارداد با پیمانکار جدید را دادند. اخیرا هم یک پیمانکار جدید در بخش خدمات شروع به کار کرده اما حاضر نیست کارگران بلا تکلیف را به کار سابقشان برگرداند. در عین حال با اطلاع‌رسانی رسانه‌ای برخی مسئولان شهری، قرار شد تا پایان فروردین ماه کارگران تعدیلی را به کار بازگردانند اما انتشار این اخبار تا این لحظه فقط در حد حرف باقی مانده است.

این کارگر بیکار شده شهرداری نیشابور به نیابت از همکاران خود تصریح کرد: از سال‌ها قبل تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری به عنوان کارگر واحد خدمات (برای رفت و روب شهر) مشغول به کار بوده‌ایم اما از زمان خاتمه قرارداد آخرین پیمانکار (شرکت سبز زیور)، از پایان اسفند سال گذشته وضعیت شغلی مشخصی نداریم و هنوز نتوانسته‌ایم دو تا سه سال مطالبات سنواتی خود را از پیمانکار دریافت کنیم.

به نقل از یکی دیگر از کارگران گفته می‌شود که در حال حاضر شهرداری با این بهانه که کارگران پیمانکاری هیچ رابطه کاری با شهرداری ندارند، موضوع اخراج کارگران را پیگیری نمی‌کند. این در حالی است که پیمانکار قبلی بعد از خروج برای پرداخت طلب سنواتی کارگران به شهرداری اجازه داده که طلب کارگران را از باقی مانده طلب شرکت از شهرداری بپردازد. اما شهرداری در پاسخ به کارگران وعده پرداخت طلب سنواتی کارگران را حداقل تا ۴ ماه دیگر می‌دهد.

این کارگر تعدیلی شهرداری منطقه دو شهرداری نیشابور همچنین گفت: شرایط فوق باعث نگرانی و برهم خوردن آرامش ما شده است. به همین دلیل از مسئولان شهرستانی و استانی درخواست داریم برای بازگشت به کار ما اقدام کنند.

***- زمره های اعتراضی کارگران کارخانه آذراب اراک نسبت به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت حقوق اسفند ماه:**

برپایه گزارش منتشره آمده است : طی روز های پایانی اولین ماه سال جدید شاهد زمره های اعتراضی کارگران کارخانه آذراب اراک نسبت به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت حقوق اسفند ماه هستیم.

براساس گزارش تاریخ 30 فروردین، کارخانه آذراب در حال حاضر هیچ قرارداد و کار جدیدی ندارد و هیچ منبع مالی هم برای انجام کاربدلیل عمل نکردن سهامدار به تعهدات مالیش دراختیارش نیست. همچنین به دلیل چک های برگشتی آذراب، بانک ها هم امکان صدور ضمانت‌نامه که لازمه عقد قرارداد است را ندارند.

بنابهمین گزارش، سال گذشته سهامدار 1800 درصد افزایش سرمایه را به تصویب رساند و قول داد که 500 میلیارد تومان آورده نقدی برای شرکت داشته باشد که این رقم انجام نشد و امسال باید 700 میلیارد تومان به شرکت تزریق کند. درحالی که فروردین ماه به پایانش رسیده هنوز حقوق اسفندماه کارگران آذراب پرداخت نشده است.

***- کارکنان وزارت کارکشور نسبت به سطح حقوق مقابل ساختمان وزارتخانه با شعار «وزیر بی کفایت خجالت خجالت» ، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه گزارش منتشره روزسه شنبه 30 فروردین 1401، آمده است: کارکنان وزارت کارکشور برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به سطح حقوق و تبعیض در پرداخت ها نسبت با دیگر وزارتخانه ها دست به تجمع مقابل ساختمان این وزارت کار در تهران با شعار «وزیر بی کفایت خجالت خجالت» زدند و خواستار افزایش دستمزدشان شدند. بنا به گزارش فوق، این تجمع به دلیل کاهش قابل توجه مبلغ حقوق، رفاهیات و اضافه کاری کارکنان وزارت کار برگزار شده است.

***- کارگران معترض معدن زغال سنگ گلندرود برای تامین امنیت شغلی با امضای طومار به عقد قرارداد های کاری اعتراض نمودند:**

برپایه گزارش منتشره آمده است: کارگران معدن زغال سنگ گلندرود مازندران در ادامه مبارزه دامنه دارشان از جمله تجمع در استانداری، فرمانداری، اداره کار و... برای تامین امنیت شغلی مبنی بر عقد قرارداد کاری طوماری را خطاب به مدیرعامل شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران امضا کردند.

براس گزارش تاریخ 30 فروردین، در این نامه که به امضای بیش از 20 نفر از مجموع 30 کارگر معدن زغال سنگ گلندرود در استان مازندران رسیده، منجمه آمده است: ما کارگران معدن زغال سنگ گلندرود هستیم که از بدو شروع بکار (1393) به واسطه یک شرکت تامین نیرو طرف قرارداد با شرکت تهیه و تولید مواد معدنی مشغول بکار هستیم.

مجموع زغال سنگ گلندرود از تاریخ یکم آذر ماه 1400 با عقد قرارداد با پیمانکار بخش خصوصی کارگاه و همه کارگران را به بخش خصوصی واگذار کرده است.

خواسته ما عقد قرارداد به واسطه یک شرکت تامین نیرو با شرکت تهیه تولید مواد معدنی همانند سالهای گذشته است.

در حال حاضر شرایط شغلی کارگران با فشار کارفرما برای عقد قرارداد با شرکت پیمانکار هر روز بیشتر می شود.

در ارتباط با رفع مشکلاتمان کارگران «معدن گلندرود» چندین بار هم به صورت کتبی و شفاهی مشکلات ناشی از عقد قرارداد با پیمانکار را به اطلاع مسئولان از جمله استانداری، فرمانداری، اداره کار و حتی شورای محلی رسانده اند که در نتیجه جلسه فرمانداری که شورای محلی و تعدادی از کارگران حضور داشتند مقرر شده شرکت تهیه تولید مواد معدنی در صورت هر گونه جذب نیروی کار جدید از کارگران قدیمی استفاده کند. این در حالی است که پس از گذشته سه ماه از تاریخ این جلسه، اخیرا شرکت تهیه تولید بدون توجه به کارگران با سابقه، فراخوان جذب نیروی کار صادر کرده و هم اکنون تعداد 15 کارگر در قالب یک شرکت تامین نیرو در حال طی مراحل ثبت نام هستند.

این اقدام مدیران معدن مغایر با اصول اخلاقی و شرعی است و مخالفت کارگران را در پی داشته است.

درست نیست بعداز گذشت 8 سال از تلاش شبانه‌روزی کارگران که این واحد معدنی را با تمام امکانات خدماتی و رفاهی آماده بهره‌برداری کرده‌اند، ما کارگران قدیمی نادیده گرفته شویم.

بنابراین درخواست ما از مدیرعامل شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران این است که شرکت تهیه و تولید همانند سال‌های گذشته با کارگران به واسطه یک شرکت تامین نیرو قرارداد کار امضاء کند تا کارگران به امنیت شغلی برسند.

***- یک کارگر دیگر در فردیس بر اثر سقوط میلگرد روی سرش، جان باخت:**

برپایه گزارش منتشره ، یک کارگر 45 ساله حین کار خالی کردن بار میلگرد از خاوردر یک ساختمان نیمه کاره در حوالی جاده ملارد، به دلیل سقوط میلگرد بر سرش مصدوم و پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

***- نامه کارگران معدن زغالسنگ گلندرود به مدیرعامل تهیه و تولید / به مشکلاتمان رسیدگی کنید:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1220131>

به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ سه شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۱ آمده است : در این نامه که به امضای بیش از ۲۰ نفر از مجموع ۳۰ کارگر معدن زغالسنگ گلندرود در استان مازندران رسیده، خطاب به «امیر علی طاهرزاده» آمده است: ما کارگران معدن زغال سنگ گلندرود هستیم که از بدو شروع بکار (۱۳۹۳) به واسطه یک شرکت تامین نیرو طرف قرارداد با شرکت تهیه و تولید مواد معدنی مشغول بکار هستیم.

نویسندگان این نامه همچنین با یادآوری اینکه مجتمع زغال سنگ گلندرود از تاریخ یکم آذر ماه ۱۴۰۰ با عقد قرارداد با پیمانکار بخش خصوصی کارگاه و همه کارگران را به بخش خصوصی واگذار کرده است، افزوده‌اند: کارگران هیچ مشکلی از واگذاری استخراج معدن به یک شرکت پیمانکار خصوصی و کار با آن ندارند اما خواسته آن‌ها عقد قرارداد به واسطه یک شرکت تامین نیرو با شرکت تهیه تولید مواد معدنی همانند سال‌های گذشته است.

کارگران با بیان اینکه در حال حاضر شرایط شغلی کارگران با فشار کارفرما برای عقد قرارداد با شرکت پیمانکار هر روز بیشتر می‌شود، افزودند: در ارتباط با رفع مشکلات کارگران «معدن گلندرود» چندین بار هم به صورت کتبی و شفاهی مشکلات ناشی از عقد قرارداد با پیمانکار را به اطلاع مسئولان از جمله استانداری، فرمانداری، اداره کار و حتی شورای محلی رسانده‌اند که در نتیجه جلسه فرمانداری که شورای محلی و تعدادی از کارگران حضور داشتند مقرر شده شرکت تهیه تولید مواد معدنی در صورت هر گونه جذب نیروی کار جدید از کارگران قدیمی استفاده کند. این در حالی است که پس از گذشته سه ماه از تاریخ این جلسه، اخیراً شرکت تهیه تولید بدون توجه به کارگران با سابقه، فراخوان جذب نیروی کار صادر کرده و هم اکنون تعداد ۱۵ کارگر در قالب یک شرکت تامین نیرو در حال طی مراحل ثبت‌نام هستند.

کارگران معدن زغالسنگ گلندرود در این نامه با بیان اینکه این اقدام مدیران معدن مغایر با اصول اخلاقی و شرعی است و مخالفت کارگران را در پی داشته است، در خاتمه گفتند: درست نیست بعداز گذشت ۸ سال از تلاش شبانه‌روزی کارگران که این واحد معدنی را با تمام امکانات خدماتی و رفاهی آماده بهره‌برداری کرده‌اند، ما کارگران قدیمی نادیده گرفته شویم. بنابراین درخواست ما از مدیرعامل شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران این است که شرکت تهیه و تولید همانند سال‌های گذشته با کارگران به واسطه یک شرکت تامین نیرو قرارداد کار امضاء کند تا کارگران به امنیت شغلی برسند.

***- سرویس رفت و آمد کارگران و جان باختن راننده و صدمیت 19 کارگر معدن چادرملو - وخامت حال 5 کارگر مصدوم گزارش شده است:**

برپایه گزارش منتشره در روز سه شنبه شب (30 فروردین)، بدنبال تصادف اتوبوس حامل کارگران معدن چادرملو یزد با یک تریلی در شهرستان بهاباد، راننده سرویس در دم جان باخت و 19 کارگر مصدوم شدند. حال 5 نفر از مصدومین وخیم گزارش شده است.

***- جمعی از مشاوران حفاظت فنی و خدمات ایمنی کشور نسبت به نداشتن امنیت شغلی و وعده های توخالی مقابل وزارت کار، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه گزارش منتشره روز سه شنبه 30 فروردین، آمده است: جمعی از مشاوران حفاظت فنی و خدمات ایمنی کشور هم برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به نداشتن امنیت شغلی مقابل و وعده های توخالی وزارت کار تجمع کردند.

مشاوران حفاظت فنی و خدمات ایمنی حاضر در تجمع به خبرنگار رسانه ای گفتند: علیرغم تغییر دولت و وعده هایی که وزارت کار بابت استیلاي آیین نامه و بهبود شرایط کسب و کار به مشاورین حفاظت فنی و خدمات ایمنی داده بود، پس از گذشت حدود یک سال از استقرار دولت جدید همچنان رویه ی قبلی ادامه دارد .

آنها افزودند: پس از پیگیری های مستمر و جلسات متعدد با مسئولین و معاون روابط کار هیچ اتفاق خاصی برای ادامه فعالیت مشاوران رخ نداده است و پروانه ی فعالیت این نیروها تا بعد از خرداد ماه دیگر تمدید نخواهد شد. آنها در خاتمه گفتند: هیچ آینده روشنی برای اشتغال خود نمی توانیم متصور شویم .

***- کارگران مخابرات راه دور شیراز در انتظار تعیین تکلیف:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1220313>

به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ سه شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: کارگران بازنشسته مخابرات راه دور شیراز در تماس خبرنگار ایلنا، از ادامه ی بلا تکلیفی خود خبر دادند. این کارگران هنوز همه مطالبات معوقه بازنشستگی خود را از کارفرما وصول نکرده اند در عین حال کارخانه مخابرات راه دور شیراز که به آی تی آی شیراز شهرت دارد تقریباً از ۴ تا ۵ سال پیش از چرخه تولید خارج شده است.

مهم ترین دغدغه ی کارگران بازنشسته مخابرات راه دور در این مقطع زمانی، تعیین تکلیف مالکیت کارخانه و پرداخت مطالبات معوقه بازنشستگی آنها است. کارگران می گویند: در حدود ۱۳۰۰ کارگر بازنشسته این شرکت شده اند که بیش از ۳۵ میلیارد تومان طلبکار هستند. این طلب مربوط به خسارت های تاخیر و تادیه است که تاکنون به سبب روشن نشدن راه اندازی کارخانه هنوز تعیین تکلیف نشده است.

کارگران گفتند: در جلسه ای که در روزهای پایانی سال گذشته برگزار شده بود، قرار شد سهامدار شرکت صد میلیارد تومان تا پایان فروردین ۱۴۰۱ برای راه اندازی کارخانه و پرداخت بخشی از بدهی های آن، پرداخت کند اما این کار انجام نشد. ما انتظار داریم در صورت عدم انجام این کار قوه قضائیه ورود کرده و درباره نحوه واگذاری کارخانه از دولت به بخش خصوصی مجدداً حقیق و بررسی کند.

کارگران این کارخانه که طی سالهای گذشته برای پیگیری وضعیت کارخانه هر چند وقت یکبار دست به تجمع زده‌اند، از نامه‌نگاری با نهادهای مسئول از جمله وزارت صمت و استانداری خبر می‌دهند و می‌گویند: ما کارگران نگران آینده این واحد قدیمی هستیم؛ تنها واگذاری به یک نهاد توانمند دولتی می‌تواند مشکلات مخابرات راه دور را حل کند.

طبق اظهارات کارگران این کارخانه، همچنین کارخانه مخابرات راه دور بدهی بسیاری به بانک دارد و تنها راه حل مشکلات تغییر کاربری و فروش اموال غیر موثر در تولید است اما مدیرعامل و مالک کارخانه همکاری نمی‌کنند.

***- اعضای تعاونی مسکن مهر بندرعباس نسبت به عدم تحویل واحدهایشان و پاسخگو نبودن مسئولان مقابل استانداری هرمزگان، تجمع اعتراضی نمودند:**

برپایه گزارش منتشره روز سه شنبه 30 فروردین، آمده است: جمعی از اعضای تعاونی مسکن مهر بندرعباس برای اعتراض به عدم تحویل واحدهای مسکن مهر فاطمیه و پاسخگو نبودن مسئولان مقابل استانداری هرمزگان تجمع کردند.

یکی از تجمع کنندگان گفت: بیش از 14 سال است که اقساط واحد مسکن مهر را پرداخت می‌کنم اما هنوز واحدی تحویل نگرفته‌ام. سال‌های پیش به امید خانه دار شدن وام گرفتم تا بتوانم هزینه‌ی اولیه واحد مسکن مهر را بدهم اما حالا اجاره‌نشین هستم و همچنان اقساط وام را می‌دهم. چرا هیچ مسئولی پاسخگوی ما نیست؟ تا کی باید در انتظار بمانیم، تعدادی از تجمع کنندگان گفتند: پول‌شان را پیمانکار مربوطه به جیب زده و هیچ واحد تحویل نمی‌دهد. یکی دیگر از اعضای تعاونی مسکن بندرعباس نیز گفت: از آغاز نام نویسی در سال 86 قرار بود برای 210 نفر از اعضای تعاونی، مسکن ساخته شود و به رغم عمل نشدن به این وعده، در سال‌های اخیر نزدیک به 130 نفر دیگر نیز به اعضای تعاونی افزوده شدند. متولیان قرار بود هر واحد با 12 میلیون تومان به اعضا تحویل دهند، اما اکنون پس از دریافت نزدیک به 35 میلیون تومان از هر عضو از تحویل خانه امتناع می‌شود. خاطرنشان میشود که مسکن مهر فاطمیه در شهرک پیامبر اعظم بندرعباس قرار است ساخته شود.

***- در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد: عده‌ای هر لحظه اراده کنند قیمت‌ها را بالا می‌برند / تورم و گرانی دامن حقوق‌بگیران را می‌گیرد** <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1220332>

به گزارش خبرنگار ایلنا، در تاریخ سه شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: سیدموسی میرجهانمردی (دبیر اجرایی خانه کارگر بوشهر) گفت: در شرایط کنونی که قیمت‌ها لحظه‌ای افزایش می‌یابد، امکان حفظ قدرت خرید مردم وجود ندارد.

میرجهانمردی با اشاره به تاکید مقام معظم رهبری بر حفظ قدرت خرید مردم در ابلاغ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی گفت: رهبری چالش‌های کشور را به خوبی می‌شناسند و هرگاه که چالش‌ها به مرز جدی برسد، ایشان برای رفع آنها ریل‌گذاری می‌کنند.

وی با تاکید بر اینکه حفظ قدرت خرید مطرح شده در این ابلاغیه، به معنای بالا بردن توان اقتصادی مردم است، گفت: این در حالی است که افزایش روزافزون قیمت‌ها، نبود ثبات در بازار و ضعف نظام توزیع، دایم توان مالی و اقتصادی مردم را تضعیف می‌کند.

دبیر اجرایی خانه کارگر بوشهر با ابراز تاسف از اینکه هیچ ثباتی در بازار وجود ندارد، گفت: اختیار بازار در دست عده‌ای سرمایه‌دار است که هر لحظه اراده کنند، کالاها را احتکار و قیمت‌ها را بالا می‌برند. در وقوع این شرایط بحرانی، کارگران، بازنشستگان و حقوق‌بگیران هیچ نقشی ندارند.

وی با اعلام اینکه اقتصاد ادبیات و زبان خاص خودش را دارد، گفت: قدرت خرید مردم به دو صورت افزایش می‌یابد، یا باید قیمت کالاها و خدمات را پایین بیاوریم یا حقوق و میزان درآمد حقوق‌بگیران را به اندازه‌ای بالا ببریم که پاسخگوی هزینه‌ها و بازار آشفته باشد، اما وقتی

هیچ یک از این دو گزینه اقتصادی در مدیریت کشور وجود ندارد، چه انتظاری داریم که قیمت‌ها کنترل شود تا بتوان قدرت خرید دهک‌های پایین را حفظ کرد .

میرجهانمردی با اعلام اینکه گرانی به یک امر طبیعی و عادی برای دولتمردان و نمایندگان مجلس تبدیل شده است، گفت: صنعتگر، تولیدکننده، کشاورز یا هر قشر دیگری دائم قیمت‌ها را بالا می‌برند، اما این حقوق بگیران هستند که درآمد ثابت دارند و باید در مقابل غول گرانی و تورم ایستادگی کنند .

وی با اعلام اینکه بیش از ۷۰ درصد جامعه قدرت خرید مناسبی ندارد، گفت: هنگامی که خط فقر را ۱۲ میلیون تومان تعیین می‌کنند اما دریافتی حداقل بگیر ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان تعیین می‌شود، یعنی توان پاسخگویی به این همه هزینه و تورم از دست رفته است و جامعه باید تحت فشار باقی بماند .

دبیر اجرایی خانه کارگر بوشهر با اعلام اینکه در شرایط کنونی عده معدودی از رفاه نسبی و عالی برخوردار هستند و بیش از ۷۰ درصد مردم درگیر و ناتوان شده‌اند، گفت: فشار اقتصادی، بحران، تورم و گرانی دامنگیر حقوق بگیران است و دولت هم نه تنها در بالا بردن قدرت خرید مردم موفق نبوده، بلکه روز به روز دهک‌های پایین جامعه به مرز فقر و فلاکت سقوط کرده‌اند .

وی با اعلام اینکه رویاپروزی، دادن اطلاعات غلط، بزرگ‌نمایی‌های بیهوده و چالش‌ها نمی‌تواند به وضعیت اسفبار اقتصاد سر و سامان بدهد، گفت: اینکه اعلام شود قیمت‌ها را کنترل کرده‌اند و مهار اقتصاد را در دست دارند، دردی از حقوق‌بگیران و دهک‌های محروم جامعه درمان نمی‌کند، زیرا چیزی از این همه ادعا در سفره‌هایشان احساس نمی‌کنند. باید بپذیریم که وضعیت به اندازه‌ای اسفبار است که مقام معظم رهبری در قالب ابلاغیه و به صورت مستقیم نسبت به این شرایط ورود کرده و به صورت غیر مستقیم هشدار داده‌اند.

***- فراخوان تجمع سراسری معلمان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران**

اعتراضات سراسری معلمان/ فرهنگیان ایران به خیابان بر می گردند.

وعده ما : پنجشنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۱- ساعت : ۱۰ صبح

تهران : مقابل وزارت آ. پ ، خیابان سپهبد قرنی

مراکز استان ها : مقابل ادارات کل آ. پ

شهرستانها : مقابل ادارات آ. پ

***- ۴۴ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار هستند:**



برپایه خبر منتشره آمده است : معاون فناوری و نوآوری وزارت علوم تحقیقات و فناوری گفت: حدود ۴۴ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار هستند. علی خیرالدین گفت: این سیستم آموزش کشور، تاکنون آن‌طور که باید و شاید در بخش اشتغال دانش آموختگان موفق نبوده و باید رویکردها تغییر کند و مهارت‌ورزی و مهارت آموزی در دستور کار قرار گیرد.

از سوی دیگر، چندی پیش اعلام شد؛ نرخ بیکاری گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال کشور با افزایش ۲,۶ درصدی نسبت به سال ۹۹، به ۱۷,۶ درصد رسیده است.

افزایش نرخ بیکاری در شرایطی که نرخ مشارکت اقتصادی نیز کاهش یافته، حاکی از شرایط نامناسب بازار کار است.

***- آزادی بیان در هفته‌ای که گذشت:**

جان علیرضا ثقفی در خطر است!



جان علیرضا ثقفی در خطر است



به گزارش کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران، چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۱ آمده است: در این روز خبر رسید مأموران زندان علیرضا ثقفی، فعال کارگری و عضو کانون نویسندگان ایران را برای معاینات پزشکی و بررسی وضعیت قلبی به بیمارستانی در کرج بردند و به جای بستری کردن و معالجه به زندان بازگردانده‌اند.

***- کارکنان نوبت‌کار شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجد سلیمان، تجمع اعتراضی نمودند:**

برپایه گزارش منتشره در روز چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۱ جمعی از پرسنل نوبت‌کار شرکت نفت و گاز مسجد سلیمان با خواست تثبیت نوبت‌کار ۱۲ ساعته در محوطه ساختمان مرکزی این شرکت دست به تجمع زدند .

پرسنل نوبت‌کار مراکز زیرمجموعه شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب به تصمیم شرکت مبنی بر تغییر شیفت نوبت‌کاری به شیفت چرخشی ۸ ساعته اعتراض دارند و خواستار تثبیت نوبت‌کار ۱۲ ساعته فعلی هستند.

***- کارگران و کارکنان نوبت‌کار شرکت نفت و گاز آغاچاری در امیدیه، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه گزارش منتشره در روز چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۱ جمعی از پرسنل نوبت کار شرکت نفت و گاز آغاچاری با خواست تثبیت نوبت کار ۱۲ ساعته در محوطه ساختمان این شرکت در شهرستان امیدیه دست به تجمع زدند .

***- کارگران و کارکنان نوبت کار شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون و کارون، تجمع اعتراضی نمودند:**



برپایه گزارش منتشره در روز چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۱ جمعی از پرسنل نوبت کار شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون و کارون با خواست تثبیت نوبت کار ۱۲ ساعته در محوطه ساختمان این شرکت در شهر اهواز دست به تجمع زدند.

***- اعتراضات کارکنان نوبت کار بهره برداری نفت و گاز ادامه داد :**



به گزارش کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، امروز چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۱، آمده است: کارکنان نوبت کار شرکت های بهره برداری نفت و گاز کارون، گچساران، مارون و مسجدسلیمان با مطالبه تثبیت شیفت های دوازده ساعت دست به اعتراض زدند.

این همکاران نسبت به تغییر ساعت کاری به شیفت های چرخشی هشت ساعته و همینطور عدم رسیدگی به مطالبات شغلی و معیشتی شان معترض هستند.

***- تجمع اعتراضی شبانه روزی چند صد نفره اهالی سراوان نسبت به حمل زباله به منطقه درجاده و مسدود کردن مسیر خودروی حمل زباله دارد:**

قبرپایه گزارش منتشره در تاریخ روز چهارشنبه 31 فروردین 1401، آمده است: اهالی سراوان به تجمع شبانه روزی چند صد نفره درجاده و مسدود کردن مسیر خودروی حمل زباله برای اعتراض به حمل زباله به منطقه، ادامه دادند.

برپایه گزارش رسانه ای شده، شبانه روز حدود 200 تا 300 نفر برای جلوگیری از ورود زباله به این منطقه تجمع می کنند. همچنین روز دوشنبه 29 فروردین، حمیدرضا امام پناهی، فرماندار رشت از اهالی سراوان که با مسدود کردن مسیر خودروی حمل زباله از روز دوشنبه 22 فروردین مانع از حمل زباله به منطقه شده اند، می خواهد برای یکبار دیگر به

دولتمردان اعتماد کنند که با پاسخ نه قاطع معترضین روبرو شده و مجبور میشود ماستش راکیسه و عقب نشینی کند.

بینید:

<https://media.hamshahrionline.ir/d/2022/04/18/0/4665503.mp4?ts=1650270201000>

***- کامیون‌داران کشور نسبت به افزایش هزینه‌های گمرگ و اسقاط کامیون‌های از رده خارج شده با تجمع مقابل مجلس، به ادامه اعتراضات خود پرداختند :**

برپایه خبرمنتشره آمده است : روز چهارشنبه 31 فروردین، جمعی از کامیون‌داران کشور در ادامه اعتراضشان نسبت به افزایش هزینه‌های گمرگ و اسقاط کامیون‌های از رده خارج شده دست به تجمع مقابل مجلس زدند.

***- احضارنگار مسعودی و افسانه عظیم زاده به دادسرای اوین جهت اجرای حکم:**

برپایه خبر منتشره آمده است : افسانه عظیم زاده فعال اجتماعی و حقوق کودک و نگار مسعودی عکاس مستند اجتماعی و فعال حوزه زنان پاییز سال گذشته توسط نیروهای اطلاعات سپاه دستگیر و هر کدام چندین ماه در انفرادی بند دو الف زندان اوین تحت بازداشت و بازجویی قرار داشتند. سرانجام نگار مسعودی به سه اتهام اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و تشویق به فساد و فحشا و افسانه عظیم زاده به دو اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی ایمان افشاری محاکمه شدند. متهم ردیف یک نگار مسعودی در این دادگاه دو جلسه ای به تحمل ۴ سال و ۸ ماه حبس تعزیری بابت اقدام علیه امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام و پرداخت ۸۰ میلیون تومان بابت تشویق به فساد و فحشا و افسانه عظیم زاده متهم ردیف دوم به ۲ سال حبس تعزیری بابت اقدام علیه امنیت ملی محکوم شدند. در نهایت با استناد به بند ب ماده ۶ قانون مصوبه هیئت وزیران مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۹۹ حبس قابل اجرا را مناسب ندانسته و هر دو متهم به پرداخت جزای نقدی محکوم شدند.

***- مراجعت علیرضا ثقفی به بیمارستان و بازگرداندن مجدد او به زندان:**

بعد از یک هفته وضعیت بسیار وخیم جسمی امروز چهارشنبه ماموران زندان علیرضا ثقفی را برای معاینات پزشکی و بررسی وضعیت قلب ایشان به بیمارستانی در کرج بردند.

معاینات و آزمایشهای قلبی (نوار قلب و غیره) در بیمارستان انجام شده و پزشکی قانونی خطر سلامتی مبنی بر فشار خون ۲۱ بر روی ۱۳ را تایید نموده است اما متأسفانه علیرضا ثقفی بجای بستری شدن و معالجه به زندان برگردانده می شود.

در دو روز گذشته برای انتشار اخبار وضعیت سلامتی ایشان توسط رسانه های بین المللی، درون زندان فشارهای زیادی به او آورده اند و یکی از دلایل جلوگیری از مداوای او را اخبار منتشر شده سلامتیش به او اعلام کرده اند.

کانون مدافعان حقوق کارگر تاکتیک به سکوت کشاندن را محکوم می کند و انتشار اخبار وضعیت سلامتی زندان را حق زندانی می داند و زندانی که صدایش در داخل زندان خاموش است را نباید در خارج از زندان نیز خاموش کرد.

ما از تمامی نیروهای آزادیخواه و برابری طلب می خواهیم که خواستار مداوا و آزادی هر چه سریعتر علیرضا ثقفی باشند، آزاد بودن حق علیرضا ثقفی است و زندان جای او نیست.

۳۱ فروردین ۱۴۰۱

کانون مدافعان حقوق کارگر

***- ممانعت از تعطیلی چند شرکت خودروسازی بم و بیکاری ۲ هزار کارگر با ورود دستگاہ قضا:**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1220978>



به گزارش زهرا معرفت خبرنگار ایلنا، در تاریخ ۳۱ روز چهارشنبه فروردین ۱۴۰۱ آمده است: «محمد ضیاءالدینی (دادستان عمومی و انقلاب شهرستان بم) اظهار کرد: طی چند ماه گذشته این ستاد در راستای منویات رهبر معظم انقلاب، رسیدگی به مشکلات چهار شرکت بزرگ خودروسازی در بخش خصوصی را در دستور کار خود قرار داد و با اقدامات به موقع دستگاہ قضایی و اجرایی از تعطیلی این واحدهای صنعتی جلوگیری به عمل آمده است.

وی با اشاره به اینکه بالغ بر ۱۱ هزار نفر در شرکت‌های خودروسازی ارگ جدید بم مشغول به فعالیت هستند، گفت: طی چند ماه اخیر با ورود میدانی رئیس کل دادگستری کرمان، دادستان مرکز استان و جمعی از مقامات ارشد قضایی استان و شهرستان چندین جلسه رفع موانع تولید در دادگستری بم تشکیل و از تعدیل نیرو و بیکار شدن بالغ بر ۲ هزار نفر در این شرکت‌های خودروساز جلوگیری به عمل آمد.

دادستان بم تصریح کرد: دادستانی با تمام توان و با استفاده از ظرفیت‌های قانونی از شرکت‌های دانش‌بنیان و نخبگان شهرستان حمایت و پشتیبانی می‌کند.

***- کانون نویسندگان ایران: «پنجاه و چهارمین سالگرد تأسیس کانون نویسندگان ایران را گرامی می‌داریم»**

برپایه خبر کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران آمده است: ستیز پنجاه و چهار ساله کانون نویسندگان ایران با سرکوب‌گرانی که بنیادشان بر لگدکوب آزادی مردمان بنا شده است، رنج بسیار و نام سربلند کم ندارد. حالا سالی از پی سالیان این ستیز بی‌امان می‌گذرد؛ سالیان قتل و بند و ربودن و سربه‌نیست کردن، سالیان متعهد ماندن و دم فرو بستن و ایستادن؛ سالیانی که شرح زیر و بم‌اش، شرح تاریخ بالیدن یک نهاد مستقل روشنفکری در سرزمینی استبدادزده است؛ نهادی ناوابسته به قدرت که از آرمان‌هایش پا پس نمی‌کشد؛ چه آنجا که حکومت به قصد تصاحب، پیشنهاد روشن کردن «چراغش» را بر میز می‌گذارد، چه آنجا که با طناب خفه می‌کند و چه آنجا که نیمه‌جان به تخت بیمارستان می‌بندد و به کام مرگ می‌کشاند.

سالی بر عمر کانون نویسندگان ایران افزوده شده است. سال در بند ماندن رضا خندان (مهابادی) و آرش گنجی، آزادی مشروط کیوان باژن، تکرار احضارها و پرونده‌سازی‌ها و سال قتل بکتاش آبتین؛ هم او که بر تخت بیمارستان، نیمه‌جان و بریده‌بریده همچنان از ضرورت مبارزه می‌گفت؛ هم او که مرده‌اش هم زنده‌ترین زندگان است و آزادی‌ستیزان را به هراس می‌اندازد.

جز این‌ها، در میان این دو اردیبهشت، حاکمیت به سیاق همیشه‌اش در گسترش دوزخ کم نگذاشت؛ تیغ تیز بر آزادی اندیشه و بیان کشید، نویسندگان و هنرمندان مستقل و آزادی‌خواه

را سانسور کرد، زندگی بسیاری را به تاراج برد، بر فقر و فساد و تباهی و نیستی افزود، زندان‌ها را از معترضان انباشت و بیماری همه‌گیر را چون تازیانه‌ای به دست گرفت .

تداوم سرکوب‌ها و آزارها اما خللی در عزم راسخ کانون نویسندگان ایران وارد نکرده است. این نهاد اکنون پنجاه و چهار ساله همچنان بانگ بلند آزادی‌خواهی است و خواب استبداد را می‌آشوبد. کانون با افروختن شعله‌هایی چند در این تیرگی بسیار، همواره نشان داده که عزم راسخش با قتل و بند خاموش نخواهد شد. اکنون که حق آزادی بیان بیش از هر زمان دیگری به خواست همگان بدل شده و در فریادهای معترضان به گوش می‌رسد، می‌توان یقین داشت که پایداری در روشن نگاه داشتن آن شعله‌ها بیهوده نیست و آن عزم و اراده منتشر می‌شود.

این پایداری ۵۴ ساله شده است؛ با تمام فرازها و نشیب‌هایش. در تمام این سال‌ها نویسندگانی پیش آمده‌اند و با یقین به ضرورت آزادانه اندیشیدن و آزادانه گفتن و با یقین به همگانی بودن حق این آزادی بر ستیز جمعی با قدرت سرکوب‌گر پای فشرده‌اند و رودروی استبداد و ارتجاع ایستاده‌اند؛ آن‌ها که نیرویشان نه در کمیت، بلکه در عزم استوارشان برای دفاع از آزادی بیان بی هیچ حصر و استتیا نهفته است. نویسندگانی که همواره باور داشته‌اند «کار جمعی‌شان ضامن استقلال فردی آن‌هاست» و این استقلال معنا پیدا نمی‌کند مگر با ناوابستگی تام و تمام به قدرت. کمترین بهای این پیش آمدن، یقین داشتن، پای فشردن و ایستادگی کردن، عمر و زندگی آن‌ها بوده و نتیجه‌اش پنجاه و چهار سالگی این استواری است. پس اکنون با یاد آن‌ها که بار بالیدن این نهاد یگانه را به دوش کشیده‌اند، با یاد فروزان محمدجعفر پوینده، محمد مختاری و بکتاش آبتین، در غیاب یاران در بندمان و در غیاب تنی چند از یاران دیرین درگذشته‌ی این سال، اسماعیل خوبی، منوچهر هزارخانی و رضا براهنی، پنجاه و چهارمین سالگرد تأسیس کانون نویسندگان ایران را گرمی می‌داریم .

۳۱ فروردین ۱۴۰۱

***- ادامه‌ی مناقشات سیاسی بر سر حداقل دستمزد کارگران؛ آیا افزایش دستمزد باعث اخراج کارگران می‌شود؟**

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1220904>

به گزارش زهرا معرفت خبرنگار ایلنا، در تاریخ ۳۱ روز چهارشنبه فروردین ۱۴۰۱ آمده است: «افزایش دستمزد به ضرر کارگران است» این گزاره را رسانه‌های دست راستی به قدری تکرار کرده‌اند که گاهی خود کارگران هم باورش می‌شود که اگر دستمزدشان افزایش پیدا کند به ضرر آن‌هاست! کسانی که مخالفت‌شان را با افزایش دستمزد کارگران به «علم اقتصاد» ربط می‌دهند، معتقدند که افزایش دستمزد نه تنها باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود بلکه با افزایش هزینه‌ی کارگاه، کارفرمایان دست به تعدیل نیرو می‌زنند و تعداد بسیاری از کارگران خود را اخراج می‌کنند و در نهایت این به ضرر کارگران است .

نگرانی از اخراج کارگران بابت افزایش دستمزد، بیشتر از آنکه نگرانی نمایندگان کارگران باشد، نگرانی کارفرمایان بابت کمتر رفتن سود به جیبشان و بهانه‌ای برای مقاومت در برابر افزایش دستمزد است .

دستمزد کارگران طی سال‌ها به همین بهانه، بدون توجه به نرخ سبب معیشت و تورم تعیین شده و این وضعیت رفته رفته معیشت مزدبگیران را نشانه گرفته است. به طوریکه با استناد به پژوهشی که مرکز پژوهش‌های مجلس در مورد جمعیت فقیر ایران انجام داده، امروز به جایی رسیده‌ایم که ۸۹ درصد فقرای ایران کارگران و بازنشستگان هستند .

با این اوصاف اصلاً دور از ذهن نبود که افزایش ۵۷ درصدی دستمزد با وجود اینکه همچنان فاصله‌ی بسیاری با نرخ واقعی سبب معیشت دارد، مورد اعتراض نمایندگان کارفرمایی قرار بگیرد. آن‌ها بلافاصله بعد از تعیین دستمزد ۱۴۰۱ هشدار دادند که این افزایش دستمزد در نهایت به ضرر کارگران تمام خواهد شد و اخراج کارگران امری محتوم است .

اما آیا نشانه‌هایی از اخراج کارگران بعد از افزایش دستمزد داشته‌ایم؟ آیا می‌توان ارتباط مستقیمی بین افزایش دستمزد و اخراج کارگران یافت؟ علی‌اصلاحی (عضو هیئت مدیره کانون‌های شوراهای اسلامی کار سراسر کشور) در پاسخ به این سوالات می‌گوید: هنوز نمی‌توان در مورد افزایش میزان اخراج کارگران در سال جدید به طور قاطع صحبت کرد. خیلی از کارخانه‌ها فعالیت خود را از ۱۵ فرودین ماه شروع کرده‌اند و تا لیست بیمه فرودین ماه به سازمان تامین اجتماعی منتقل نشود و اردیبهشت ماه را نگذرانیم، نمی‌توانیم در این مورد صحبت کنیم. اما چیزی که ما می‌دانیم این است که خیلی از کارخانه‌ها به دنبال نیروی کار هستند و اتفاق کمبود نیرو هم دارند .

اصلاحی معتقد است: مناقشه بر سر حداقل دستمزد کارگران بیشتر سیاسی است تا کارفرمایان بتوانند یکسری مزایا از دولت بگیرند بنابراین نمی‌توان بهانه‌هایی مثل تاثیر افزایش دستمزد بر اخراج کارگران را قبول کرد .

وی افزود: اگرچه ما قبول داریم که هزینه‌ی بنگاه‌ها افزایش پیدا کرده است اما تاثیری که افزایش دستمزد نسبت به سایر موارد بر افزایش هزینه‌های تولید گذاشته، ناچیز است. به طور مثال هزینه‌ی حامل‌های انرژی از دی ماه تا فرودین ماه افزایش قابل توجهی داشته اما کدامیک از کارفرمایان به این افزایش قیمت‌ها اعتراض داشته‌اند؟ چرا فقط نسبت به افزایش حداقل دستمزد واکنش نشان می‌دهند؟

اصلاحی همچنین به افزایش قیمت تولیدات و خدمات اشاره می‌کند و می‌گوید: کارخانه‌های بزرگ با افزایش دستمزد کارگران مشکلی ندارند. اتفاقاً افزایش دستمزد به نفع آنهاست چراکه قدرت خرید حقوق‌بگیران افزایش پیدا می‌کند و تقاضا برای خرید بالا می‌رود و این باعث رونق تولید محصولات و خدمات آنها می‌شود. به علاوه قیمت خدمات و تولیدات هر سال افزایش پیدا می‌کند و دستمزد کارگران از همین افزایش قیمت محصولات پرداخت می‌شود. نمی‌توان انتظار داشت که هر سال قیمت‌ها افزایش پیدا کند اما دستمزد کارگران افزایش نداشته باشد .

قرار نیست همه‌ی سود افزایش قیمت تولیدات و خدمات به جیب کارفرمایان برود؛ اصلاحی با این جمله ادامه می‌دهد: در مورد بنگاه‌ها و کارگاه‌های کوچک هم باید بگویم که اگرچه بابت افزایش دستمزد، فشار بیشتری بر این کارفرمایان وارد می‌شود اما در اینجا هم اول باید به افزایش قیمت محصولات اشاره کنیم و دوم اینکه برخی از این بنگاه‌ها همین الان هم دستمزد واقعی به کارگران نمی‌دهند. پس افزایش دستمزد تاثیر چندانی بر اخراج کارگران ندارد .

هر سال تعدادی از کارگرها از کار اخراج می‌شوند اما آیا این موضوع را می‌توان به افزایش دستمزد ربط داد؟ اصلاحی در پاسخ به این سوال می‌گوید: اخراج کارگران علل مختلفی دارد اما چون زمان تعیین دستمزد به آخر سال موکول می‌شود و اگر تعدیلی بخواهد صورت بگیرد اول سال اتفاق می‌افتد، بنابراین تعدیل نیروی کار را معمولاً به افزایش دستمزد و افزایش هزینه‌ی تولید ربط می‌دهند اما همانطور که قبلاً گفتم بیشتر از هزینه‌ی دستمزد، هزینه‌ی تهیه‌ی مواد اولیه به کارفرما فشار وارد می‌کند که آن هم ربطی به کارگران ندارد بلکه به سیاست‌های کلان کشور مربوط می‌شود .

به گفته‌ی اصلاحی؛ در حالیکه قبل از عید قیمت آرد کیلویی ۴ هزار و ۸۰۰ تومان بوده الان در بازار بدون فاکتور به ۱۱ هزار و هشتصد تومان رسیده و همچنین قیمت شکر بعد از عید به ۱۹ هزار و هشتصد تومان افزایش یافته است .

او می‌گوید: چرا هیچیک از نمایندگان کارفرمایان در مورد این افزایش قیمت مواد اولیه حرف نمی‌زنند اما تا حرف افزایش دستمزد می‌رسد صدای اعتراضشان بلند می‌شود؟ عده‌ای کارشان این شده که در شبکه‌های مجازی دائم تکرار کنند که افزایش دستمزد به ضرر تولید است اما واقعیت این است که مشکلات کارفرمایان و تولید را باید در جایی دیگر جست .

آنها که دائم می‌گویند افزایش دستمزد به ضرر کارگران است آیا می‌توانند راه‌حلی برای رفع فاصله‌ی زیاد بین دخل و خرج کارگرانی پیدا کنند؟ دستمزدی که در بهترین حالت حدود

۴ میلیون تومان با خط فقر فاصله دارد، چطور می‌تواند باعث افزایش تورم شود؟ تا کی قرار است کارگران قربانی شوند تا تولید رونق بگیرد و چرخ اقتصاد مملکت بگردد؟ آن‌ها که اعتراض‌شان به افزایش حداقل دستمزد را به نگرانی برای وضعیت کارگران ربط می‌دهند بگویند نگران کارگران و تولید هستند یا سود کارفرمایان؟

خبر: جان علیرضا ثقفی در خطر است:



جان علیرضا ثقفی در خطر است

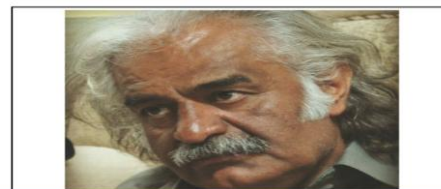


برپایه خبر کانال تلگرامی کانون نویسندگان ایران آمده است: حال عمومی علیرضا ثقفی، نویسنده، فعال کارگری و عضو زندانی کانون نویسندگان ایران رو به وخامت نهاده است. سالخوردگی، تغذیه نامناسب و استرس‌های ناشی از بازداشت باعث افزایش خطرناک فشار خون او در سه روز اخیر شده و با وجود مراجعه به بهداری و دریافت دارو تا کنون در وضعیت او تغییری حاصل نشده است. با این حال بهداری زندان از اعزام او به پزشکی قانونی و تشکیل پرونده‌ی پزشکی سر باز زده است. علیرضا ثقفی که ماه گذشته در مراسمی در کرج بازداشت شد، از ۲۰ اسفند ماه برای اجرای حکم پیشین‌اش به زندان کچویی منتقل شده است. بی‌توجهی به وضعیت ثقفی جان او را به خطر می‌اندازد. بی‌تردید مسئولیت هر گزندی به سلامت او بر عهده‌ی زندانبانان است.

*- سرویس رفت و آمد کارگران کارخانه پلی اکریل اصفهان هم تصادف کرد و 15 نفر مصدوم شدند:

برپایه خبر منتشره در عصرروز چهارشنبه 31 فروردین، آمده است: سرویس رفت و آمد کارگران کارخانه پلی اکریل اصفهان با یک دستگاه کشنده تریلی در مسیر جنوب به شمال بزرگراه دستجردی تصادف کرد و 15 کارگزن و مرد مصدوم شدند.

*- خبر: احضار و تفهیم اتهام فرامرز سده‌هی:



احضار و تفهیم اتهام فرامرز سده‌هی



فرامرز سده‌هی، شاعر و عضو کانون نویسندگان ایران، روز دوشنبه ۲۲ فروردین، در پی ابلاغ قبلی به شعبه‌ی ۱۳ دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اهواز احضار و تفهیم اتهام شد.

در این جلسه فرامرز سده‌دهی از بابت اتهام «فعالیت تبلیغی به نفع گروه‌ها و یا سازمان‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران» با حضور وکیل مدافعش، مورد بازجویی قرار گرفت و تفهیم اتهام شد. این شاعر ساکن بهبهان پس از دفاع و رد اتهام انتسابی با تودیع قرار کفالت ۱۰۰ میلیون تومانی به صورت موقت آزاد شد.

در پی موج تازه‌ی احضارها و پرونده‌سازی‌ها در ماه‌های اخیر، فشار بر اعضای کانون نویسندگان ایران نیز همچون گذشته ادامه یافته است. این احضار در حالی صورت گرفته است که هم‌اکنون چهار عضو کانون نویسندگان ایران، رضا خندان (مهابادی)، آرش گنجی، هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی در زندان به سر می‌برند.

***- مسائل روز هفت تپه:**

همکاران عزیز خسته نباشین. این روزها برخی از همکاران مسائلی را مطرح می‌کنند که مربوط به یک قسمته، بعضا حق دارند و از اححاف و باند بازی ناراحت هستن و بعضا مسائل کوچکتري است که به طريق ديگري بهتر حل ميشود. کانال تلاش دارد شفاف سازی کند و نظرات تا جایی که به منافع همه ما مربوط همیشه منعکس شوند. نقد و پاسخ هر دو منتشر شدند. هر مسئله ای تا حدی اهمیت دارد و نباید بیشتر از حد به آن پرداخت.

اما اینها بجای خود، نباید مسائل روز هفت تپه یادمان برود. مسائل امروز ما کدامند؟

اول، باز گشت همکارمان اسماعیل بخشی و سالار بیژنی.

دوم، مختومه اعلام شدن پرونده های خانم زیلابی وکیل ما و خانم قلیان حامی کارگران هفت تپه.

سوم، دستمزدها قرار بود همسان سازی شود و نشده است. این ظلم قابل قبول نیست. همسان سازی دستمزدها و داشتن قراردادهای یکسان و ایمن حق همه همکاران است.

چهارم، مسئله ساعت کار و شیفت. این تغییر ساعات کاری که بدون مراجعه به کارگران و بدون نظرخواهی و بدون هیچ توضیحی دارد صورت میگیرد مشکل ساز است. کارگران باید راضی باشند و گرنه کاری پیش نمیرود. این باید برای آقایان فتحی و ناصری روشن باشد.

پنجم، استخدام همکاران فصلی، تغییر وضعیت و تامین امنیت شغلی آنان.

ششم، روز جهانی کارگر در راه است. روز کارگر نماد اتحاد کارگران در کره ارض است. اتحادی که در هفت تپه برای ما گنج بوده و در سطح ایران و جهان لازمست تا کارگران به حقوق شان برسند. پیشاپیش روز کارگر بر همکاران عزیز و کارگران ایران و جهان مبارک باد.

پیام همکار

***- تجمع اعتراضی کارکنان شرکت نفت و گاز آغاچاری به علت شیفت‌های کاری :**

برپایه خبر مندرج در تاریخ روز چهارشنبه ۲۱ فروردین آمده است: شماری از کارکنان نوبت‌کار شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

کارکنان معترض با سردادن شعار و در دست داشتن پلاکاردهایی، نسبت به اجرای شیفت‌های کاری ۸ ساعته و دریافت مبالغ پایین دستمزد برای ساعات کاری اندک، اعتراض کرده و خواستار رسیدگی مسئولان به مطالبات شغلی و معیشتی خود شده‌اند.

آنها خواهان تغییر ساعات کاری به شیفت‌های ۱۲ ساعته و افزایش حقوق دریافتی متناسب با ساعات فعالیت هستند.

***- خانواده قالیباف برای خرید سیسمونی به استانبول رفته اند از: وحید اشتری:**

چند تا از مسافران استانبول یک سری فیلم و عکس از یک خانواده چادری (در پروازهای ترکیه خیلی مرسوم نیست) فرستاده‌اند که امروز بخاطر حجم بالای بار با متصدی کانتر به مشکل خورده‌اند و بعد با رفتار عوامل هواپیمایی معلوم شده از خانواده مسئولین‌اند.

ظاهراً خانواده آقای #قالیباف بوده‌اند.

همسر ایشان سرکارخانم زهرا مشیر را شناخته‌اند. یک زوج جوان هم با ایشان بوده که یا پسر و عروس‌شان و یا دختر و دامادشان بوده‌اند. ظاهر حجم بالای باری که از ترکیه می‌آورده‌اند، کالسکه و کیف نوزاد و تخت تاشوی کودک و امثالهم بوده است. یعنی برای خرید سیسمونی به ترکیه رفته بودند.

۳. از بعدازظهر تا حالا برای مطمئن شدن با بچه‌های فرودگاه امام و هواپیمایی معراج ارتباط گرفتم و اطلاعات پرواز را درآوردم.

اسم این سه نفر در لیست پرواز شماره ۴۸۰۴ ساعت ۱۳:۴۵ دقیقه امروز معراج از فرودگاه استانبول به فرودگاه امام است.

زهرا مشیر، مریم قالیباف و امیررضا بحیرایی (داماد)

پیشاپیش قدم نوه نورسیده را خدمت آقای قالیباف تبریک عرض می‌کنم. ولی باور کنید نمی‌شود آن بالا نشست و با چغیه برای مردم از تولیدملی و اشتغال و ممنوعیت ورود لوازم خانگی و خودروی ملی سخنرانی کرد و خانواده را برای خرید سیسمونی بدرقه ترکیه کرد.

داریم ازین تناقض‌ها پاره می‌شویم.